THE JAMMU & KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY.

DATE LOANED

Class No. ______ Book No. ______

Vol. ______ Copy ______

Accession No. ______

743	21/1/64		
733	6/2/64		
731	12/4/64		

DATE LABEL

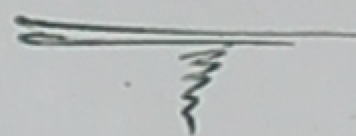
DATE LABEL

فرهنگ

ادبیات فارسی

تالیف

دکتر زهرای خانلری «کیا»



بفرمان

شاهنشاه آریامهر

Reg No 1
Page No 51

Acc No [illegible]3[illegible]237
Date:- 19-5-1902

DATE LABEL

Acc No
03237

بنیاد فرهنگ ایران

ریاست افتخاری

علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران

نیابت ریاست

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

DATE LABEL

به یاد

آرمان

پسرک عزیز ناکامم که وجود ما در همواره چون

گور سرد و خاموش آرامگاه وی خواهد بود

هزار نقش برآرد زمانه و نبود

یکی چنان که در آیینهٔ تصور ماست

DATE LABEL

مقدمه

این کتاب به منظور آن فراهم شده است تا همهٔ کسانی را که با ادبیات فارسی سر و کار دارند، راهنمائی باشد وهرکس بتواندبرای رفع مشکلی یا رد شبهه‌ای در هرمورد به‌آن مراجعه کند واز آن به‌عنوان مددی برای حافظه بهره ورگردد.

درادبیات فارسی خاصه درشعرغالباً به نکته‌هائی برمی‌خوریم که اشاره به‌واقعه‌ای تاریخی یا داستانی است و شاعر از آن واقعه با اشارهٔ به شخص یا داستان به تمثیل و استعاره یاد کرده است و دریافتن لطف شعر و غرض شاعر جزبا دانستن آن داستان وشناختن آن اشخاص میسر نیست. گذشته از این در شعر فارسی همیشه به علوم مختلف از نجوم و منطق و عرفان و اصطلاحات ادبی اشاره شده است و درک مفهوم شعر محتاج آشنائی با این اصطلاحات واشارات است.

موضوع کتابهای مهم علمی وادبی فارسی از تاریخ وفلسفه وشعر وعرفان وهیئت ونجوم وریاضی وهندسه ورشته‌های مختلف ادبیات نیز

غالباً مورد اشکال است و نام مؤلف و تاریخ تألیف و مطالب کتابها در خاطرها نمی‌ماند و بیشتر کسان برای رفع شبهه در این نکات محتاج‌اند که به مأخذی رجوع کنند.

این کتاب برای رفع این‌گونه نیازمندیها تألیف شده‌است تا هر خواننده‌ای به‌آسانی بتواند موضوع اشکال یا ابهام را در آن بیابد و به مختصرترین عبارتی از نکتهٔ مقصود مطلع شود.

مطالبی که در این کتاب جمع‌آوری شده از قرار ذیل است:

۱ – ترجمهٔ حال بزرگان علم و ادب ایران که به زبان فارسی یا عربی آثار برجسته‌ای دارند.

۲ – نام بزرگان تاریخی که به طریقی در نظم و نثر ادبیات فارسی به آنان و سوانح زندگیشان اشاره شده است.

۳ – نام و احوال اشخاص بزرگ داستانی که در ادبیات فارسی مورد تمثیل و استعاره و اشاره واقع شده‌اند.

۴ – نام و احوال پیغمبران و بزرگان دین و داستانهای مربوط به ایشان که در ادبیات فارسی به آنان اشاره شده است.

۵ – نام و عنوان و موضوع کتابهای مهمی که دانشمندان و ادیبان ایرانی به‌زبان‌فارسی یا عربی تألیف کرده‌اند باذکر آخرین ومتداول‌ترین چاپ آنها.

۶– اصطلاحات مهم علم هیئت و نجوم که در شعر فارسی آمده‌است.

۷– اصطلاحات معروف منطق که در شعر فارسی به آنها بر می‌خوریم.

۸ – نکته‌های اصلی و مهم علم عروض.

۹ ـ اصطلاحات و تعریفات علم قافیه .

۱۰ ـ اصطلاحات و تعریفات مهم علم بیان وصنایع بدیع .

***

شك نیست که در این زمینه کتابی چندین برابر کتاب فعلی می‌توان تألیف کرد که شامل چندین جلدباشدونگارنده خودزمینهٔ چنین تألیفی‌را فراهم آورده‌است وامیدواراست که توفیق بیابد و آن‌را بزودی به پایان‌برساند ، اما آن تألیف هدف وغرض دیگری دارد ومؤلف دراین کتاب بیشترجنبهٔ آموزشی‌را درنظر گرفته‌است تا جنبهٔ تحقیقی. یعنی نخواسته‌است کتابی بسازد که موردمراجعهٔ محققان‌باشد، بلکه‌بیشترقصد آن بوده است که ازاطلاعات ومعلومات مربوط به ادبیات فارسی آنچه مورداحتیاج واستفادهٔ‌علاقه‌مندان‌به شعروادب‌وتاریخ‌ادبیات ایران‌است وخاصه‌دانش آموزان‌ودبیران‌ودانشجویان‌را به کارمی آید،دراینجافراهم بیاورد و این نکات را به شیوه‌ای مرتب کند که در هرمورد یافتن آنها با مراجعه به این کتاب هرچه‌آسانتر انجام بگیرد و به این سبب چه‌در موادمندرج در کتاب وچه درتوضیح‌وبیان هرماده‌تا توانست به‌اختصار کوشید وگمان می کند که برای منظوری که درپیش داشته است ازاین مقدار تجاوز بسیار جایز نیست .

با این‌حال درچاپ دوم‌تجدید نظر به‌عمل آمده ومقداری برلغتها افزوده وحتی‌الامکان از غلطها کاسته شده است باز ممکن است نقصها وخطاهائی راه یافته‌باشد که مؤلف امیدواراست‌با یادآوری‌خوانندگان دانشمند و مطالعاتی که خود به عمل خواهد آورد در چاپهای آینده برطرف شود .

برای هرنوع مطلب و هر یك از رشته‌های علمی و ادبی در برابر هر ماده علامتی اختصاری قرارگرفته که خوانندگان فهرست آنها را در صفحهٔ جداگانه ملاحظه خواهندکرد .

حروف راهنمادربالای صفحه‌هابرحسب حروف‌اول آخرین‌ماده درصفحه تنظیم شده است .

زهرای خانلری (کیا)
تیرماه ۱۳۴۸

نشانه‌های اختصاری

ت	بزرگان علم و ادب
ك	کتاب
ش ــ ت	اشخاص تاریخی شاهنامه
ش ــ د	اشخاص داستانی شاهنامه
د	اشخاص داستانی و آنچه به ایشان مربوط است
تن	تاریخ انبیاء
ب	علم بدیع و بیان
ع	علم عروض
ق	علم قافیه
ط	منطق
نج	هیئت و نجوم
ف	فوت
م	امکنه

DATE LABEL

آ

آب (نج) از ماههای رومی. «رجوع شود به ماههای رومی.»

آباءِ عِلْوی (نج) کنایه از هفت کوکب که به عقیدهٔ قدما در سرنوشت انسان تأثیر دارند.

به من نامشفقند آبـاء علوی　　　چو عیسی زان اباکردم ز آبا

«خاقانی»

آبِ حیات (تن) آبی که خضر درطلب آن به ظلمات رفت و از آن نوشید و عمر جاودان یافت.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

و اندرآن ظلمت شب آب حیاتم دادند

«حافظ»

آبِ حیوان (تن) «رجوع شود به آب حیات».

آب حیوان تیره‌گون شد خضر فرخ‌پی کجاست

گل بگشت از رنگ خود باد بهاران را چه شد

«حافظ»

آبِ خِضْر (تن) «رجوع شود به آب حیات.»

من دراین زندان آهن مانده‌باز　　　ز آرزوی آب‌خضرم درگـداز

«عطار»

آبِ زندگی (تن) «رجوع شود به آب حیات.»

معنی آب زندگی و روضهٔ ارم
جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست
«حافظ»

آتش خلیل (تن) آتشی که به‌فرمان نمرود برای سوزاندن ابراهیم خلیل‌الله افروخته‌شد ، ولی به امر خدا آتش بر ابراهیم گلستان شد .

یارب این آتش که برجان من است
سرد کن زانسان که کردی برخلیل
«حافظ»

آتشِ طُور (تن) آتشی که بر کوه‌طور برموسی ظاهر شد و آن تجلی نور الهی بود و کوه از آن پاره‌پاره گشت .

مددی گر به چراغی نکند آتش طور
چارهٔ تیره‌شب وادی ایمن چه کنم
«حافظ»

آتشکدهٔ آذر (ك) از تذکره‌های معروف . تألیف لطفعلی بیك آذر بیگدلی متخلص به «آذر» ؛ که در سال ۱۱۷۴ تألیف یافته است . در این تذکره ، شرح حال شاعران هند و ایران تا آخرقرن دوازدهم هجری و نمونه‌ای از اشعارشان ضبط شده است . چنانکه خود مؤلف می‌گوید شاعران را برحسب بلادشان تقسیم کرده است ، بدون رعایت سبقت زمان و تقدیم مرتبه . این ترتیب برحسب حرف اول نام شهر وحرف اول تخلص شاعر است . آتشکده شامل دو مجمره است: مجمرهٔ اول در ذکراحوال و اشعار شاعران متقدم است؛ مشتمل بریك شعله در ذکر احوال و اشعار شاهزادگان و شاهان و امیران

هر دیار از ترك و تاجیك؛ و سه اخگر در ذکرشاعران ایران و توران و هند ؛ وهر اخگر شامل چند شراره‌است ؛ شامل اسم ولایتها ؛ و یك فروغ در احوال زنان هر ولایت . مجمرهٔ دوم در بیان حالات شاعران معاصرمؤلف، مشتمل بردو پرتو : پرتو اول در ذکر افکار شاعران معاصر، و پرتو دوم در ذکراشعار و احوال مؤلف کتاب .

آتشکدهٔ بُرْزِین (م) یاآذَرِ بُرْزِینْمِهر یکی‌ازسه آتشکدهٔبزرگ زرتشتیان در دورهٔ ساسانی که درخراسان واقع‌بود وآتشکدهٔ خاص کشاورزان و برزیگران بوده است .

گـرد بسـتان ز فروغ لالـه — گوئی آتشکدهٔ برزین اسـت

«ابوالفرج رونی»

آذشِ وادیِ ایْمَن (تن) نوری که‌در وادی‌ایمن برموسی‌ظاهرشد وخطاب آمد : انی‌اناالله .

زاتش وادی ایمن نه منم خرم و بـس
موسی اینجا به امید قبسـی می‌آیـد

«حافظ»

آثارُ‌الْباقیه‌عَنِ‌القُرونِ‌الخالیه [ال...] (ك) تألیف دانشمند بـزرگ ایرانی، ابوریحان‌بیرونی، که‌آن‌رادرسال ۳۹۱هجری‌به‌نام‌قابوس‌بن وشمگیرنگاشته‌است. کتاب به‌زبان‌عربی‌است وموضوع‌آن‌تواریخ مختلف ملل و اعیاد آنهاست . مؤلف مبدأ تواریخ ملل و ادیـان مختلف را شرح می‌دهد؛ و از اختلاف سنوات، ایجاد شب وروز، ایام کبیسه ، در نزد ملل مختلف‌گفتگو می کند ؛ و از پیغمبـران تا زمان بنی‌اسرائیل و ملك‌آشور و بابل جدولهائی ترتیب داده‌است.

تاریخ ایران را به‌قتل یزدجردبن‌شهریار وزوال آل‌ساسان‌ختم می کند. پس از آن به شاهان بعد از اسلام می‌پردازد .

ابوریحان در شرح مباحث مختلف ازمنابع استفاده‌اش نام می‌برد. همه‌جا از حمزهٔ اصفهانی، طبری، ابن‌خرداذبه، و ازمنجمان بزرگ مانند ابومعشربلخی مطالبی نقل می کند . ابوریحان درضبط اخبار حقیقی دقت بسیار مبذول می‌دارد و در جائی که به‌چند قول مختلف بر می‌خورد ، آنها را با هم مقابله‌کرده موثق‌ترین آنها را انتخاب می کند. در هیچ تاریخی نمی‌توان اعیاد و روزها و عقاید ملل را مبسوط‌تر از این کتاب یافت .

آثارالوزرا (ك) تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی که آن را به نام قوام‌الدین نظام‌الملك وزیر سلطان حسین بایقرا درسال ۸۷۵ تألیف کرده‌است .

آثارالوزرا چنانکه از نامش بر می‌آید دربارهٔ آثار و اخبار و احوال وزراست و چنانکه مؤلف خود گفته است شامل دو مقاله است : مقالهٔ اول دارای دوازده باب است در ذکر آثار و اخبار وزرای هر سلسله تا وزرای امیر تیمور گورکان و اولاد ایشان . مقالهٔ دوم دارای چهار باب است در ذکر اوضاع واحوال و آثار قوام‌الدین نظام‌الملك وزیر سلطان حسین بایقرا .

آدم [ابوالبشر] (تن) انسان نخستین، که خداوند او را از خاك آفرید و برطبق آیات قرآن ، پس‌از چهل‌روز ، روح به‌کالبد او دمیده شد. همهٔ ملائك به‌فرمان‌خدا آدم‌را سجده کردند جز ابلیس. خدای‌تعالی آدم را در بهشت جای داد و حوا را از پهلوی چپ او آفرید ؛ و

ایشان‌را ازخوردن گندم، و به روایت توراة از خوردن سیب، منع کرد. ابلیس به‌کمك مار به‌بهشت رفت و آدم و حوا را فریفت تا گندم خوردند . حق تعالی برایشان خشم‌گرفت و درخت طوبی را فرمودتا شاخه‌های خود را به هم آورد و آدم و حوا را برگرفت و ازبهشت بیرون‌انداخت. آدم به‌هندوستان برکوه‌سراندیب فرودآمد وصد سال در آنجا طاعت‌کرد وگریست تا توبهٔ او قبول شد .

من ملك بودم و فردوس برین جایم‌بود
آدم آورد در این دیـر خراب آبـادم
«حافظ»

آذر بیکدلی (ت) [ف:۱۱۹۵] لطفعلی بیك، از شاعران قرن دوازدهم هجری در اصفهان متولد شد و مقارن فتنهٔ افغان با خانوادهٔ خود به قم هجرت کرد و چهارده سال در آنجا اقامت جست . پس از پایان تحصیلات به شیراز ومکه سفر کرد و در بازگشت به‌خراسان رفت و هنگامی که قشون نادر از هند برگشت ، آذر بیکدلی با سپاه او به مازندران رفت و سپس به اصفهان بازگشت . پس از قتل نادر در خدمت علیشاه و ابراهیم شاه و شاه سلیمان دوم و شاه اسمعیل سوم بسر برد و پس از آن عزلت اختیار کرد و به سرودن شعرپرداخت و فنون شعر را نزد سیدعلی مشتاق‌اصفهانی آموخت و در قصیده و غزل از متقدمان پیروی کرد. از آثار او مثنوی: یوسف و زلیخـاست ، دیگرتذکرهٔ آتشکده که از تذکره‌هـای معروف فارسی است .

آذرگُشَسب (م) آتشگاهی بـوده است در شهر شیز آذربایجان که در

دورهٔ ساسانیان عبادتگاه خاص شاهان و سپهبدان بوده است .

همیدون گله هر چه داری ز اسب
بیر سوی گنجـور آذرگشسب

«فردوسی»

آرشِ کمانگیر (ش-د) نام پهلوان ایرانی که برطبق روایات باستانی در لشکر منوچهربود و برای تعیین مرز ایران و توران ، تیری از آمل یا ساری انداخت که در کنار «جیحون» فرود آمد .

اگر خوانند آرش را کمانگیر
که از ساری به مرو انداخت یك تیر
تو اندازی به جان من ز گوراب
همی هر ساعتی صد تیر پرتـاب

«از ویس ورامین»

آزاد (ت) [ف : ۱۲۰۰] میـر غـلامعلـی متخلـص به آزاد از تذکره نویسان هندوستان است . در قصبهٔ بلگرام متولد شد و چند سفر به دهلی و لاهور و اللهآباد رفت و درحین سفر با حزین‌شاعر و واله ملاقات کرد . سفری نیز به مکه کرد . سرانجام دراورنگ آباد دکن گوشهٔ انزوا اختیار کرد . آزاد به زبان عربی و فارسی شعر می‌گفت . اشعار فارسی او به هشت هزار بیت بالغ می‌شود. ازآثار معروف فارسی او: تذکرهٔ یدبیضا، سروآزاد وخزانهٔ عامره است .

آزَر (تن) پدر ابراهیم‌پیغمبر ، که پیشهٔ بت‌تراشی داشت.

بود بـا تو هلر وسواس شیطان
چنان چون بـا پسر تعلیم آزر

«انوری»

آزَری (تن) منسوب به آزر بت‌تراش پدر ابراهیم خلیل .

دگر به روی کسم دیده بر نمی‌باشد
خلیل من همه بتهای آزری بشکست
«سعدی»

(ت) ابوالحسن علی‌بن‌الیاس آغاجی بخارائی از امیران معروف دربارسامانی و معاصر نوح‌بن‌منصور پادشاه سامانی (۳۶۶-۳۸۷) و دقیقی شاعر است . آغاجی درشعر فارسی و عربی دست داشته است . از آثارش تنها بعضی ابیات و قطعات پراکنده باقی‌است.

آفتاب (نج) دراصطلاح نجومی‌گاهی خورشیدرا «آفتاب» می‌خوانند. آفتاب در فلك چهارم قرار گرفته است .

آمُلی (ت) [ف : ۷۵۳] علامه شمس‌الدین محمدبن‌محمود آملی از عالمان قرن‌هشتم‌هجری که درزمان الجایتو، سلطان محمدخدابنده، مدرس سلطانیه بوده وبا قاضی عضدالدین ایجی مناظره‌داشته‌است. علامه آملی شیعی مذهب بود و سفری به بیت‌الحرام کرد و گویا پس از مرگ سلطان‌ابوسعید در هرج ومرجی که رخ داد ازسلطانیه به شیراز مهاجرت کرد و در همانجا وفات یافت .

از آثارمعروف‌او کتاب نفایس‌الفنون است که‌گویا دراواخر عمرتألیف‌کرده وبه‌نام ابواسحق‌اینجوساخته‌است. دیگرازآثاراو: شرح‌کلیات قانون ابوعلی‌سینا و شرح‌کلیات کتاب طب سیدشرف الدین ایلاقی و شرح مختصرالاصول ابن‌حاجب و تهذیب‌الاصول علامه حلی . علامه آملی درفنون و علوم مختلف استاد بود .

آهوی آتشین (نج) کنایه از خورشید است .

آهوی آتشین را چون بره در برافتد
کافور خشك گردد با مشك تر برابر

آئینِ آکبَری (ك) جلد آخر کتاب اکبرنامه است که شیخ ابوالفضل دکنی متخلص به‌علامی به‌امر اکبرشاه در اواخرقرن دهم تألیف کرده و شامل عجایبی از عـادات و رسوم هندوان و همچنین مجموعه‌ای از قوانین و یاسای هند است.

آیینهٔ اِسکَندر (ش ـ د) یا آئینهٔ سکندر . آیینه‌ای بود که بربالای منار اسکندریه، که ازبناهای اسکندر برکنار دریای روم بود، نصب‌شده اوضـاع فرنگ و کشتیها را از صد میل نشان می‌داد . شبی براثر غفلت پاسبـانان فرنگیان آن را در آب انداختند و اسکـندریه را برهم زدند .

درشعرفارسی گاهی آئینهٔ‌سکندر مترادف با جام‌جم آمده است :

آیینهٔ سکندر جام می است بنگر
تابرتوعرضه دارد احوال ملك دارا
«حافظ»

آیینهٔ اسکندری (ك) ازجملهٔ پنج مثنوی امیرخسرودهلوی که آن‌را در سال ۶۹۹ به تقلید اسکندرنامهٔ‌نظامی ساخته‌است .

آَبْجَد ـ «رجوع شود به حساب ابجد .»

اِبراهیم (تن) ابراهیم خلیل‌الله ؛ ازپیغمبران و پسر آزر بت‌تراش‌بود. ابراهیم نمرود و مردم را از بت‌پرستی باز می‌داشت و به پرستش خدای یگانه دعوت می کرد ، ولی نمرود دعوت اورا نپذیرفت و

سرانجام به‌راهنمائی ابلیس دستورداد که ابراهیم‌راگرفتند ودر آتش انداختند . به فرمان خدای تعالی آتش سرد شد وگلستان‌گشت و ابراهیم نجات‌یافت . ابراهیم خانهٔ کعبه‌را ساخت وحجرالاسود به فرمان خدا در آن خانه گذاشته شد و از آن ببعد حج فرض شد. ابراهیم از هاجر کنیز خود پسری یافت به‌نام اسمعیل، و چون نذر کرده بود که اگر پسری یابد قربان کند ، به هنگام چهار سالگی اسمعیل، ازخداوند فرمان رسید که باید به عهدش‌وفا کند. ابراهیم و اسمعیل از این کار کراهت نشان ندادند ، اما به فرمان خدا به موقع گوسفندی رسید تابجای اسمعیل قربان‌شود . از آن‌پس‌قربانی کردن در کعبه فرض شد.

بمان زآتش غوغای حادثات مصون
چنان کز آتش نمرود بود ابراهیم
«انوری»

کلکش ازبهرشرف تسلیم‌تیغ آمدبلی
مرتبت بفزود اسماعیل را تسلیم او
«خاقانی»

ابراهیم‌موصلی(ت) [ف: ۱۸۸] ابواسحق‌ابراهیم‌بن‌ماهان‌معروف‌به‌ندیم موصلی(که‌بعدهاخود او نام پدرش‌را به میمون بدل کرده‌است) از خاندانهای محترم ارجان فارس بود. پدر ابراهیم‌به‌کوفه‌مهاجرت کرد . ابراهیم درکوفه متولد شد و پس از آن به موصل رفت و در آنجا اقامت‌گزید و به موصلی شهرت‌یافت . علم وفن‌موسیقی را در موصل و سپس در ری نزد جوانویه نام زردشتی آموخت‌و دختراوشاهك‌را به‌ازدواج خود درآورد.وی‌در دربارهارون‌الرشید،

خلیفهٔ عباسی ، مقامی عالی داشت واز پیشوایان وواضعان موسیقی اسلامی به‌شمار می‌رود.

ابلیس (تن) از ملائك مقرب که چون ازامرخدا سرپیچید وآدم را مانند دیگران سجده نکرد ، از درگاه خدا رانده شد و پس از آن آدم و حوا را فریب‌داد وبه‌خوردن گندم واداشت و موجب بیرون افتادن ایشان از بهشت گردید .

گفتهٔ بدسگال چون ابلیس دور کردم از آن چوخلد جناب

«مسعودسعد»

ابن اثیر (ت) [ف : ۶۳۰] ابوالحسن عزالدین علی‌بن ابی الکرم محمد الجزری از مورخان بزرگ که دوران جوانی را در موصل و بغداد و شام به تحصیل فنون و ادب گذراند و پس از آن در موصل انزوا اختیار کرد . ابن‌اثیر معاصر با استیلای مغول بود و وقایع زمان قراختائیان و خوارزمشاهیان را تااواخر ایام سلطان جلال‌الدین‌مینکبرنی ضبط کرده است ، از آثار معروف او کتاب کامل‌التواریخ است .

ابن اسفندیار کاتب (ت) بهاءالدین‌محمدبن حسن‌بن اسفندیار کاتب از کاتبان مشهور ایرانی در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم . روزگار جوانی را درخدمت ملوك آل‌باوند گذرانده است . مدتی در بغداد بود ، پس از آن به ری آمد ، درمدت توقف درری به کتاب امام ابوالحسن یزدادی دانشمند مشهور برخورد و آن‌رااز عربی به‌پارسی ترجمه‌کرد و مبنای تاریخ‌طبرستان قرار داد. پس از آن به آمل و از آنجا به خوارزم رفت و چندسال درآنجابسر

برد ویکی از ترجمه‌های ابن‌مقفع رادیدکه از نامهٔ تنسر به‌گشنسب شاه بود و آن را به فارسی ترجمه کرد . ابن اسفندیار تاریخ طبرستان را در سال ۶۱۳ تألیف‌کرد و ازاین سال ببعد اطلاعی‌از او دردست نیست .

ابنِ بابُوَیْه (ت) [ف : ۳۸۱] شیخ ابوجعفر محمد بن علی قمی معروف به شیخ‌صدوق ازفقیهان بزرگ شیعه و محدثان‌معروف‌که دارای تألیفات بسیار می‌باشد . وی به قوت حافظه معروف و در نقل احادیث مورد اعتماد بوده‌است . از تألیفات مشهور اوکتاب من‌لایحضره‌الفقیه است‌که مرجع‌علمای شیعه‌است. مقبرهٔ ابن‌بابویه در شهرری واقع است .

ابنِ بطوطه (ت) [ف : ۷۷۹] ابوعبدالله محمدبن عبدالله از عالمان مشهور جغرافیا. وی درطنجه متولد شد ، اما بیشترعمر را به سفر گذراند و از مصرو شام و فلسطین و مکه و سوریه وآسیای‌صغیر و ایران و افغانستان و هندوستان و هندوچین دیدن کرد و درسال ۷۵۴ به مراکش بازگشت و سفرنامهٔ خودرا به نام تحفة‌النظار و غرایب‌الامصار یا رحلهٔ ابن‌بطوطه به اتمام رساند . این‌کتاب به نام سفرنامهٔ ابن‌بطوطه به‌وسیلهٔ محمدعلی موحد به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۳۷ شمسی از طرف بنگاه نشرکتاب به چاپ رسیده‌است .

ابن‌البلخی (ت) صاحب‌کتاب فارسنامه. درزمان سلطنت‌محمدبن‌ملکشاه سلجوقی در خدمت رکن‌الدوله خمارتکین ، والی پارس، به‌شغل استیفامشغول شد و به‌کسب‌اطلاع از تواریخ شاهان‌همت‌گماشت،

کتابهای بسیار مطالعه کرد و مدارك قابل اعتماد فراهم آورد و کتاب فارسنامه را در تاریخ و جغرافیای فارس تألیف کرد و به نام سلطان محمد ساخت .

ابن‌حسام (ت) [ف : ۸۷۵] مولانا محمدبن‌حسام‌الدین خوسفی قهستانی از شاعران قرن نهم . قصایدی در منقبت خاندان پیغمبر دارد اثر معروف او حماسهٔ دینی خاورنامه یاخاوران‌نامه است که موضوع آن داستانی است درشرح احوال و سفرها وحمله‌های حضرت علی‌بن ابیطالب به‌سرزمین خاوران به‌همراهی مالك‌اشتر و جنگ باقبادشاه خاورزمین . شاعر این منظومه را در سال ۸۳۰ به پایان رسانیده است .

ابن‌خُرداذبه (ت) ابوالقاسم محمد از جغرافیا نویسان مشهور اسلامی و کتاب مشهورش المسالك‌والممالك است که درحدود سال ۲۳۲ هجری تألیف یافته است . این‌کتاب مورداستفادهٔ جغرافیانویسان پس از او قرارگرفته است.

ابن‌خَلدون (ت) [ف : ۸۰۸] ولی‌الدین عبدالرحمن‌بن محمدبن‌خلدون. ابن‌خلدون در سال ۷۳۲ ه در تونس متولد شد و منسوب به‌یکی از خاندانهای بزرگ اندلس است . وی علوم متداول زمان و فنون ادب‌رانزد دانشمندان زمان‌خود فراگرفت و دربیست‌سالگی به سمت دبیری سلطان تونس منصوب‌گشت . پس از چندی به شهرفاس رفت و مدت هشت‌سال در آن شهر اقامت‌گزیدوبردانش خود افزود و در عین آنکه زندگی سیاسی داشت از زندگی ادبی و معنوی غافل نماند . پس از انقلابهایی که در عصر او بوجود

آمد، از زندگی سیاسی کناره‌گیری کرد و دوباره به تونس بازگشت و در پنجاه سالگی به مکه رفت و در بازگشت به مصر رسید و تا پایان زندگی در آنجا اقامت کرد و به مشاغل تدریس و قضاوت و استادی پرداخت. اثر معروف ابن خلدون تاریخی است به نام کتابُ العبر ودیوان المبتداء والخبرفی ایام‌العرب والعجم والبربر ومن عاصرهم‌من‌ذوی‌السلطان الاکبر. مقدمهٔ این کتاب که‌در فضیلت علم تاریخ است امروز به نام مقدمهٔ ابن‌خلدون معروف است.

«رجوع شود به مقدمهٔ ابن‌خلدون»

ابن‌خَلّکان (ت) [ف : ۶۸۱] شمس‌الدین ابوالعباس از بزرگان و علمای مشهور که نسبش به خاندان برامکه می‌رسد و در شهر اربل متولد شده است. ابن‌خلّکان سفرهایی به حلب و دمشق کرد ودر دمشق اقامت نمود و نایب قاضی‌القضاة شد، سپس به‌مصر رفت. بار دیگر با سمت متولی قضا به شام بازگشت. ابن‌خلّکان‌اشعاری لطیف دارد واثر معروف و گرانبهای او به نام وفیات‌الاعیان وانباء ابناءالزمان بسیارمشهور واز بزرگترین کتابهای معرفی‌رجال‌است.

«رجوع شود به وفیات‌الاعیان»

ابنِ سیرِین (ت) ابوبکرمحمدبن سیرین از معبران معروف اوایل‌اسلام وی در تعبیرخواب استادی داشت واز آثار او کتاب: تعبیرالرؤیا و کتاب‌الجوامع است.

خواب نوشین بداندیش تو خوش چندان است
کابن سیرین قضا دم نزند در تأویل

«انوری»

ابن‌سینا (ت) « رجوع شود به ابوعلی‌سینا » .

ابن‌طیب (ت) [ف : ۴۳۵] ابوالفرج عبدالله‌بن‌الطیب‌الجاثلیق از حکیمان مشهور قرن پنجم و معاصر ابوعلی‌سینا . وی از اطبای بیمارستان عضدی بغداد بود و بر کتابهای ارسطو و جالینوس شروحی نوشته‌است ، از کتابهای او : تفسیرمقولات ارسطاطالیس و چندرساله‌درمباحث کلام‌مسیحیان‌است. آثاراوهمه‌به‌زبان‌عربی است.

ابن عربشاه (ت) [ف : ۸۵۴] ابوالعباس احمدبن محمدبن عبدالله . ابن‌عربشاه با خانوادهٔ خود به‌امر امیرتیمور درسال۸۰۳ ازدمشق به سمرقند کوچ کرد . در سمرقند نزد میر سید شریف جرجانی به کسب علم پرداخت و کتاب مرزبان‌نامهٔ سعدالدین وراوینی را از فارسی به‌عربی ترجمه کرد. پس از آن به‌ولایت خوارزم واسترخان و ادرنه سفر کرد . مدتی منشی سلطان محمد اول پادشاه عثمانی گشت ، بعد به دمشق بازگشت و از آنجا به زیارت مکه رفت و سرانجام در شهرقاهره ساکن شد .

از آثاراو کتابی‌است‌به‌نام : عجایب‌المقدور‌فی‌نوائب‌تیمور درتاریخ امیرتیمور . دیگر از تألیفات او فاکههٔ‌الخلفاست به‌زبان عربی درحکم و آداب و پند و اندرز به سبك کلیله و دمنه وشامل ده‌باب است .

ابن عمید (ت) [ف : ۳۶۰] ابوالفضل محمدبن‌حسین‌قمی از وزیران و ادیبان معروف آل‌بویه . پدرش دبیر ماکان کاکی بود که پس‌از کشته شدن ماکان به اسارت افتاد و بعد صاحب دیوان رسائل نوح بن نصر شد . ابن عمید بعد از پدر به وزارت رکن‌الدولهٔ دیلمی

رسید و تا پایان زندگی در وزارت آل بویه باقی ماند . وی در علم نجوم و فلسفه و بلاغت استاد بوده و در نوشته‌هایش معانی دقیق و صنایع لفظی را با هم جمع کرده است . از آثار او کتاب: دیوان‌الرسایل و مذهب فی‌البلاغات ذکر شده است .

ابنِ فارِس (ت) [ف : ۳۹۰] ابوالحسین احمدبن فارس الرازی از فاضلان وعالمان بزرگ لغت واستاد بدیع‌الزمان همدانی . از آثار معروف او کتاب: المجمل‌اللغة در لغت و کتاب الصاحبی که آن‌را به نام صاحب‌بن عباد تألیف کرده‌است . این کتاب شامل بحثهائی در زبان عربی واختلاف لهجه‌های عرب است .

ابنِ فقیه همدانی (ت) ابوبکر شهاب‌الدین احمدبن محمدبن اسحق‌بن ابراهیم همدانی ، از محدثان و جغرافیا دانان مشهور قرن سوم . ازمعروفترین آثار او کتاب‌البلدان است درجغرافیا که آن‌را به‌سال ۲۹۰ به زبان عربی تألیف کرده است .

ابنِ‌فندُق (ت) رجوع شود به بیهقی ابوالحسن.

ابنِ قُتَیبه (ت) [ف : ۲۷۰] ابومحمد عبدالله‌بن مسلم‌بن قتیبة الکوفی الدینوری از دانشمندان بزرگ قرن سوم که خود او در کوفه متولد شده و پدرش در مرو . علت انتساب او به دینور اقامت‌او در این شهر و داشتن سمت قضا در آنجاست . ابن‌قتیبه در علوم ادبی و تاریخی شهرت بسیار داشته است و از مهمترین آثارش کتاب : ادب‌الکاتب و کتاب المعارف و عیون‌الاخبار و عیون الشعر و کتاب الشعر و الشعرا است . ابن قتیبه در علوم حدیث و قرآن و کلام هم آثاری دارد .

ابنِ مُسکویه (ت) «رجوع شود به ابوعلی مسکویه».

ابنِ مُقَفَّع (ت) [ف: ۱۴۲] روزبه پسردادویه معروف به عبدالله‌بن مقفع.
روزبه معروف به عبدالله‌بن مقفع از دانشمندان مشهور ایرانی که در بصره تربیت شد. چندی کاتب داوودبن یوسف از حکام بنی‌امیه بود وپس از انقراض‌دولت اموی به خدمت عیسی‌بن علی رسید و به دست او اسلام آوردوبه عبدالله موسوم‌شد ودرسال ۱۴۲ به دست سفیان‌بن معاویه، عامل‌بنی‌عباس، در بصره کشته شد.

ابن مقفع از بزرگان ادب است که به زبان پهلوی‌وعربی آشنائی‌کامل داشته و بسیاری از کتابهای ادبی را از زبان پهلوی‌به عربی ترجمه‌کرده‌است. از کتابهای مشهوری که اوبه عربی‌ترجمه کرده‌است: کلیله‌ودمنه، خداینامه، سیرالملوك یاسیرة ملوك‌الفرس، آئین‌نامه، گاهنامه، کتاب مزدك، کتاب‌التاج‌در سیرت‌انوشیروان است. از آثار مهم ابن‌مقفع کتاب ادب‌الکبیر و ادب‌الصغیر را نیز نام باید برد.

ابن‌نَدیم (ت) [ف: ۳۸۵] ابوالفرج محمدبن اسحق الندیم از دانشمندان معروف زبان عربی و ستاره‌شناس العزیز بالله خلیفهٔ فاطمی. ابن‌ندیم احاطهٔ کاملی بر کتابهای مختلف داشته است. از آثاراو کتاب‌الفهرست است که دربارهٔجمیع علوم‌اسلامی‌وعلماء وکتب مشهور تااواخرقرن‌چهارم هجری نوشته شده وموردِاستفادهٔ دانشمندان دیگرقرارگرفته است.

ابن هندو (ت) [ف : ۴۲۰] ابوالفرج علی‌بن‌حسین‌بن هندو . از حکیمان معروف قرن چهارم و اوایل قرن پنجم. بعضی او را اهل ری و بعضی اهل طبرستان می‌دانند . ابن‌هندو مدتی را در بغداد گذراند و بعد به گرگان رفت و چندی در خدمت شمس‌المعالی قابوس وشمگیروپسرش فلک‌المعالی‌بسربرد وپس از آن به‌نیشابور رفت . از آثار اوکتاب : مفتاح‌الطب ، الکلم‌الروحانیه ، الرسالة المشوقة فی المدخل الی علم الفلسفه ؛ وکتاب‌النفس است .

ابن‌یامین (تن) برادر یوسف‌که با وی از یك مادر بود و پس از او نزد یعقوب ازهمهٔ برادران عزیزتر بود و برطبق روایات، هنگامی که یوسف عزیزمصرشد و برادران یوسف برای خرید غله به‌مصر آمدند ، یوسف دستور داد که رطل طلا را در انبان ابن‌یامین بگذارند تا به این بهانه اورا نزد خود نگهدارد و درنتیجه یعقوب را به مصربکشاند .

چو یوسف نیست کز قحطم رهاند
مرا چه ابن‌یامین چه یهودا

«خاقانی»

ابن‌یمین فریومدی (ت) [ف : ۷۶۹] امیرمحمودبن امیر یمین‌الدولهٔ طغرائی . ازشاعران قرن هشتم‌هجری که در فریومد خراسان‌متولد شده است . پدرش‌شاعر بود و در خدمت خواجه علاءالدین‌محمد که از طرف سلطان ابوسعید بهادر در خراسان مستوفی بود، شغل دیوانی داشت. ابن‌یمین‌هم مدتی به این‌شغل مشغول بود. وی در

اوایل، خواجه علاءالدین وبعد برادرش خواجه غیاث‌الدین هندو را مدح کرد و با علاءالدین محمد به گرگان رفت و طغـاتیمور حکمران گرگان را مدح گفت و به خراسان و هرات رفت و به مدح امرای سربداران و آل کرت پرداخت .

از حوادث زندگی شاعر آن است که در جنگ زاوه که میان وجیه‌الدیـن مسعود سربداری و ملك معزالدین حسین کرت واقع شد ، به اسارت افتاد و دیوان شعر او به غارت رفت و بـار دیگر آن را گرد کرد .

ابن‌یمین مذهب شیعه وذوق عرفانی داشته و بر اثر تجربه‌های گونـاگون قطعه‌هـای سودمند اخلاقی و اجتمـاعی ساخته است . مجموع اشعارش به پانزده‌هزار بیت می‌رسد . بیشتر شهرت او در قطعـات اخلاقی است . (دیوان ابن‌یمین ـ چاپ تهران ـ ۱۳۱۸ شمسی) .

الابنیه عن حقایق‌الادویه (ك) کتابی به زبان فارسی در خاصیت دواها. تألیف ابومنصور موفق‌الدین بن علی الهروی که در آن نـام ۵۸۵ دارو به ترتیب حروف تهجی ذکر شده است . نسخهٔ منحصر این کتاب در کتابخانهٔ وین به خط اسدی طوسی شاعر است که آن را در سال ۴۴۷ به اتمام رسانده است و این نسخه قدیمتـرین نمونهٔ خط فارسی است و به‌سال ۱۳۴۴ شمسی درسلسله عکس نسخه‌های خطی «بنیاد فرهنگ ایران» در تهران انتشار یافته است .

ابواب‌الجنان (ك) کتابی اخلاقی و دینی به فارسی تألیف رفیع‌الـدین

محمد واعظ قزوینی . متوفی ۱۰۸۹ که در دورهٔ صفویان تـألیف یافته است (چاپ تهران) .

ابواسحق اطعمه (ت) شیخ احمد ابواسحق شیرازی معروف به بسحق از شاعران قرن نهم هجری. قسمت عمدهٔ عمر خود را درشیراز گذراند و مورد لطف اسکندربن عمرشیخ‌میرزا نوادهٔ امیرتیمور قرارگرفت . حرفهٔ ابواسحق حلاجی و از مریدان شاه‌نعمةالله‌ولی بوده است . ابواسحق شاعر اطعمه و اغذیه است . دیوانش‌شامل مقدمه‌ای است به نثر و قصاید و غزلیات و رباعیات و مثنوی و ترجیعات که همه را به‌تقلید واستقبال شاعرانی‌مانند ظهیر، خواجو، حافظ ، عراقی ، عبید ، سعدی و دیگران سروده است . همچنین رساله‌ای ازنظم‌ونثر آمیخته به‌نام «ماجرای برنج‌وبغرا» و «داستان مزعفر و بغرا» دارد .

اشعارابواسحق که شامل اصطلاحات کهنه ومتروك طباخی است از نظر لغت مهم است . دیگر رسالهٔ منظومی دارد به اسم «کنزالاشتها» که شامل۱۰۸ بیت‌است. (دیوان بسحق اطعمه-چاپ اسلامبول و تهران) .

ابوالبشر (تن) «رجوع شود به آدم»

ابوجعفر محمدبن جریرطبری (ت) «رجوع شود به طبری»

ابوحاتم سجستانی (ت) [ف : ۲۵۵] سهل‌بن محمدبن عثمان‌بن یزید سیستانی . از عالمان نحو و لغت در بصره اقامت داشت و از شاگردان اخفش نحوی بود ؛ وی آثار بسیار درعلوم‌قرآن وصرف

و نحو دارد . از جملـه : کتاب فی‌النحو ، کتاب‌الوصایا ، کتاب القراءات ، کتاب‌الفصاحة است .

ابوحفص سغدی (ت) ابوحفص حکیم بن‌احـوص سغدی سمـرقندی . ابوحفص را برخی اولین شاعر فـارسی‌گوی دانسته‌اند . وی از موسیقی‌دانهای اوائل قرن‌چهارم است وشهرود ازاختراعات‌اوست. شعری که به وی نسبت می‌دهند این است :

آهوی کوهی در دشت چگـونه دودا

چـو ندارد یار بی‌یـار چگـونه رودا

ابوحنیفهٔ اسکافی (ت) از شاعران قرن پنجم. بیهقی در اواخر سلطنت فرخزاد غزنوی با او دوستی یافته و او را جوانی فاضل و فقیهی دانشمند خوانده است . ابوحنیفهٔ اسکافی در دربار سلطان ابراهیم غزنوی می‌زیست. بعضی‌از اشعار او درتاریخ بیهقی و لباب‌الالباب عوفی نقل شده است .

ابوحنیفهٔ دینوری (ت) [ف : ۲۸۱] ابوحنیفه احمدبن داودبن ونند دینوری . از دانشمندان بزرگ قرن‌سوم‌هجری . وی درشهردینور متولد شد و در جوانی به شعر پرداخت و تحصیلات خود را در مدارس بصره و کوفه انجام داده و زبان عربی‌را بخوبی آموخت. پس از آن در سال ۲۳۹ﻫ به اصفهان رفت و در آنجا به تحصیل علم نجوم پرداخت و در ادب و هندسه و حساب و نجوم استاد گشت . ابوحنیفه در مسائل مختلف تألیفاتی‌به زبان عربی دارد که

Digitized, Kashmir University Library.

مهمترین آنها کتاب اخبارالطوال در تاریخ و کتاب‌النبات درعلم گیاه‌شناسی و کتاب الشعروالشعراء و کتاب‌الوصایا و کتاب‌البلدان یا کتاب‌الکبیرست .

ابوحیان توحیدی (ت) [ف : ۴۰۰]علی‌بن محمدبن العباس . ازمعتزله و فیلسوف و نویسندهٔ مشهور ایران در قرن چهارم . ابوحیان مدتی در خدمت ابن‌عمید و صاحب بن‌عباد بسربرده و با ابوعلی مسکویه نویسندهٔ بزرگ رابطه داشته‌است. ابوحیان از دانشمندان بزرگ بود و درنثر روان‌عربی استادی داشت. چنانکه اورا «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند از آثار معروف او کتاب المقابسات است که آراء فلاسفهٔ بزرگ آن عهد را درباب مسائل مختلف وبحث‌های فلسفی ذکر کرده‌است . دیگر: کتاب‌الامتاع و الموآنسه و کتاب الهوامل والشوامل و کتاب مثالب الوزیرین‌است که درآن دو وزیر معروف یعنی صاحب‌بن‌عباد و ابن‌عمید را ذم کرده است .

ابوریحان بیرونی (ت) «رجوع شود به بیرونی»

ابوزیدبلخی (ت) [ف :۳۲۲] ابوزیداحمدبن‌سهل‌بلخی. از نویسندگان‌و فیلسوفان‌بزرگ ایرانی که‌در فلسفه و کلام و تفسیر استاد بوده‌است. وی تألیفات بسیار دارد از جملهٔ کتابهای معروف او حدودالفلسفه و کتاب اقسام‌العلوم و کتاب اخلاق‌الامم و کتاب صورالاقالیم است در جغرافیا . اخیراً ترجمهٔ قسمتی از این‌کتاب به فارسی به دست آمده است‌که چند نقشهٔ جغرافیائی نیز دارد .

ابوسعید ابی‌الخیر (ت) [ف: ۴۴۰] فضل‌الدین ابی‌الخیر محمدبن‌احمد میهنی. ازعارفان بزرگ و محدثان معروف قرن‌پنجم. درقریهٔ مهنه یا میهنه از قراء خاوران خراسان متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی در علوم دینیه و ادبیات به سرخس رفت و به‌خدمت‌شیخ ابوالفضل محمدبن حسن‌سرخسی رسید وبعد در نیشابور به‌خدمت عبدالرحمن سلمی‌نائل شد. ابوسعید در عرفان به‌مقام ارشاد رسید و میان‌مردم نفوذ بسیاری بدست‌آورد. درمجالس وعظی که‌ترتیب می‌داد، اشعار فارسی می‌خواند؛ و می‌توان گفت که وی اولین سخنگوئی است‌که افکار عارفانه را با شعر بیان کرده است. در تفسیر و حدیث و فقه و ادبیات نیز اطلاع کامل داشت. دوتن از نوادگان شیخ دربارهٔ او کتابهائی نوشته‌اند. یکی محمدبن منور که‌کتاب «اسرارالتوحید فی‌مقامات شیخنا ابوسعید»را درشرح‌حال او تألیف کرده و دیگر کمال‌الدین محمد که در کتاب «حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر» شرح‌حال و گفتار اورا بیان‌کرده است.

ابوسلیک گرگانی (ت) ازشاعران قرن سوم و معاصرعمرولیث‌صفاری. منوچهری اورا در شمار استادان‌بزرگ خوانده است. ابیاتی ازاو در تذکره‌ها ضبط است.

ابوسلیمان بناکتی (ت) «رجوع‌شود به بناکتی»

ابوشرف ناصح گلپایگانی (ت) ابوشرف ناصح‌بن ظفربن سعدالمنشی الجرفادقانی. از شاعران و دبیران فاضل قرن‌ششم و هفتم است که

درنظم و نثرعربی و فارسی استاد بود. وی به وصایت ابوالقاسم علی‌بن حسن وزیر جمال‌الدین الغ‌باربیك ای‌ابه به ترجمهٔ تاریخ یمینی تألیف ابونصر عتبی پرداخت و آن را به سال ۶۰۳ پایان داد و خاتمهٔ سودمندی برآن افزود.

ابوشکور بلخی (ت) از شاعران معروف قرن‌چهارم هجری که در دربار نوح‌بن نصرسامانی می‌زیسته است. اولین شاعری است که‌مثنوی ساخت، منظومه‌ای به ابوشکور نسبت داده‌اند به‌نام «آفرین‌نامه» که درحدود سال۳۳۶ سروده شده وابیات متفرقی از آن‌باقی‌است.

ابوطاهر خاتونی(ت) [ف: ۵۳۲ه] علت شهرت اوبه‌خاتونی آن‌است که وی متصدی امور و مستوفی گوهرخاتون زوجهٔ محمدبن ملکشاه بوده‌است. ابوطاهر ازفاضلان و اعیان دولت سلجوقیان بوده و در شاعری و نویسندگی فصاحت و ظرافت داشته است. از آثار او «مناقب‌الشعرا» بوده‌است که اکنون دردست نیست‌ولی دولتشاه از آن‌نام برده‌است. دیگر «تاریخ آل‌سلجوق» که آن هم موجودنیست.

ابوطیب مصعبی (ت) ابوطیب محمدبن‌حاتم‌المصعبی. ازکاتبان‌نصربن احمدکه گویا بعد از عزل ابوالفضل بلعمی چندی منصب وزارت یافت و مطابق‌نقل ثعالبی در«یتیمةالدهر» به‌فرمان آن پادشاه کشته شد. ابوطیب از شاعران زبردست در زبان فارسی و عربی بود.

ابوالعباس مروزی (ت) «رجوع شود به عباس مروزی.»

ابوالعباس ربنجنی (ت) «رجوع شود به ربنجنی.»

ابوعبدالله ناتلی (ت) ابوعبدالله ابراهیم‌بن‌حسین ناتلی از دانشمندان

و ریاضی‌دانان قرن چهارم هجری واستاد ابوعلی‌سینا درعلم منطق و هندسه و مجسطی ، از آثار او رساله‌ای در وجود و رساله‌ای در کیمیاست .

ابوالعتاهیه (ت) [ف : ۲۱۱] اسمعیل‌بن قاسم از ایرانیانی که به‌عربی شعر سروده‌اند . این شاعر در ادبیات عرب مقام مهمی دارد و در مدح و غزل استاد بوده زهدیات او مشهور است .

ابوالعلاء شوشتری (ت) از شاعران و ادیبان قرن چهارم . وی کتابی‌در عروض به پارسی نوشته‌که از قدیمترین کتابها درعلوم ادبی‌پارسی است . اشعاری از او در ترجمان‌البلاغة و حدائق‌السحر به‌عنوان شاهد آورده شده است .

ابوالعلاء گنجوی (ت) نظام‌الدین . از شاعران قرن ششم معاصر ومداح خاقان اکبر جلال‌الدین اخستان منوچهر و استاد خاقانی و فلکی شروانی. وی دختر خود را به خاقانی داد و او را نزد خاقان‌اکبر برد . سرانجام میان ابوالعلاء و خاقانی نقاری پیش آمد و یکدیگر را هجو کردند . اشعاری از وی در تذکرهٔ دولتشاه و مجمع‌الفصحا آمده است .

ابوالعلاء معری (ت) [وفات ۴۴۹ هـ] احمدبن‌عبدالله. ازشاعران وادیبان و لغویون مشهور عرب در قرن پنجم هجری. وی در کودکی براثر بیماری آبله نابینا شد و از قوهٔ حافظهٔ او حکایتهای عجیب نقل کرده‌اند. ابوالعلاء درمعره علم نحو و لغت را نزد پدر آموخت ، سپس به بغداد رفت و علم حدیث را در آنجا فراگرفت و پس از مدتی اقامت دربغداد به معره بازگشت و به تألیف کتاب‌پرداخت .

ابوالعلاء مدت چهل‌وپنج سال از خوردن گوشت اباکرد
و از حکمایی پیروی می‌نمود که از آزار و ذبح حیوان پرهیز
می‌کردند . ابوالعلاء در معره وفات کرد و وصیت نمود تا ایـن
شعر را بر سنگ قبر او حك کنند.

هذا جناة ابـی علی   و ما جنیت علی احد

یعنی این جنایت پدر من‌است و من این‌جنایت را دربارهٔ
کسی مرتکب نشده‌ام. ابوالعلاء آثار فراوان دارد. ازجمله: دیوان
شعر و کتاب لزوم‌مالایلزم و کتاب الفصول والغایات، کتاب امالی،
رسالةالغفران ، رسالةالعروض و کتاب مثقال‌النظم .

ابوعلی بلخی (ت) ابوعلی محمدبن احمدالبلخی. از نویسندگان نیمهٔ
دوم قرن چهارم و از قدیمترین کسانی است که به‌نوشتن شاهنـامهٔ
منثور پرداختند و بنا به گفتهٔ ابوریحان بیرونی در آثـارالباقیه ،
شاهنامه‌اش بسیار معتبر و مورد اطمینان و بیشتر مستند به روایات
کتبی بوده است تا شفاهی .

ابوعلی بلعمی (ت) «رجوع شود به بلعمی»

ابوعلی سینا (ت) [ف: ۴۲۸] شیخ‌الرئیس‌ابوعلی‌حسین‌بن عبدالله‌سینا.
ابوعلی سینا پزشك و فیلسوف و نویسندهٔ ایرانی که مقام وزارت
داشت و از بزرگترین حکیمان و عالمان جهان بشمـار می‌آید .
پدرش اهل بلخ بود . ابوعلی ابتدا در بخارا پرورش یـافت و در
ده سالگی قرآن و بسیاری از علـوم ادب را آموخت و منطق و
اقلیدس و المجسطی را نزد ابوعبدالله الناتلی که از رجال مشهور
قرن چهارم بود ، آموخت . پس ازآن به‌مطالعهٔ علم‌الهی‌وطبیعی

و طب و ریاضی پرداخت و در ۱۸ سالگی از تحصیل علوم فارغ شد و براثر معالجهٔ نوح بن منصورشاه سامانی ، به دربارسامانیان راه یافت و چون کار سامانیان براثر غلبهٔ آل افراسیاب آشفته شد ، به گرگانج پایتخت امراءِ مأمونیهٔ خوارزم رفت و به خدمت خوارزمشاه علی بن مأمون محمد رسید و نزد او تقرب یافت . پس از گرگان به ری و همدان رفت و در حدود نه سال در همدان ماند و براثر معالجهٔ مرض قولنج شمس الدولهٔ دیلمی ، پسر فخرالدولهٔ دیلمی ، به دربار او راه یافت و پس از چندی به مقام وزارت رسید . بعد از شمس الدوله درزمان پسرش به اتهام مکاتبه با علاءالدولهٔ کاکویه به زندان افتاد . پس از رهائی از زندان به اصفهان رفت و به خدمت علاءالدولهٔ کاکویه درآمد و همه جا در سفر و حضر و حتی درسفرهای جنگی با او بود، تا درسال ۴۲۸ که با علاءالدوله به همدان رفت ، در آنجا درگذشت و همانجا مدفون گردید.

ابوعلی سینا مردی نیرومند بود و به سبب همین نیروی جسمانی می توانست با شغل وزارت و کارهای سیاسی و رنج سفر، پیوسته به مطالعه و تحقیق و تألیف و تصنیف بپردازد . ابوعلی در علوم حکمت و فلسفه و طب و ریاضی استادی داشت و درهمهٔ رشته ها تألیفات فراوان از او در دست است .

آثار ابوعلی سینا بسیار متعدداست و درحدود ۲۴۰ کتاب و رساله از او نام می برند که بسیاری از آنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است . ازمعروفترین آثار ابوعلی سینا : کتاب شفا ،

قانون ، اشارات ، نجات ، دانشنامهٔ علائی است .

شیخ علاوه بر مقام شامخی که در علوم مختلف داشت ، دارای مقام ادبی قابل توجهی بوده است . ازجملهٔ رسالات ادبی او کتاب: اسباب حدوث الحروف یا مخارج الحروف است (ترجمهٔ به فارسی از پرویز خانلری استاد دانشگاه چاپ تهران ـ سال ۱۳۴۷ درسلسلهٔ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.)

اشعار فارسی که به ابن سینا منسوب است بیست و دو قطعه می‌باشد که در تذکره‌ها ضبط است . اشعار عربی او بیش از فارسی است و قصاید معروفی دارد از قبیل قصیدهٔ عینیه و قصیدهٔ شکوائیه و جز اینها .

ابوعلی مَروزی (ت) ابوعلی بن الحسین المروزی از شاعران اواخر قرن ششم و آغاز قرن هفتم . ابوعلی مروزی مداح علاءالدین اسکندر ثانی محمدبن علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۹۷–۶۱۷) بوده است . عوفی دو قصیده از او در لباب الالباب آورده . رباعیاتی هم به نام او ثبت است .

ابوعلی مُسکویه (ت) [ف:۴۲۱] ابوعلی الخازن احمدبن محمدبن یعقوب معروف به ابن مسکویه . ابوعلی مسکویه از نویسندگان بزرگ و از مورخان مشهور اسلامی است . وی در خدمت عضدالدولهٔ دیلمی می‌زیست و چندی خازن کتابخانهٔ ابن العمید بود؛ به همین جهت خازن لقب گرفت .

ابوعلی به طب و فلسفه و کیمیا بسیار علاقه داشت و

آثار فراوانی دراین‌علوم ازاوباقی‌است. ازجمله : الطهارة فی علم الاخلاق ، کتاب فی جواب المسائل‌الثلث ، آداب‌العرب والفرس، جاویدان خرد ، و از مهمترین آثارش : تجارب‌الامم در تاریخ است .

ابوالفتح بُستی (ت) [ف : میان ۴۰۱ و ۴۰۳] نظام‌الدین عمیدابوالفتح علی‌بن‌محمد. ابوالفتح از شاعران عهد غزنوی و اواخر قرن‌چهارم، مدتی در بست سمت دبیری بایتوز ، امیر بست را داشت . چون ناصرالدین سبکتکین بر بایتوز غلبه کرد ابوالفتح را به دبیری خود خواند و ابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود و در ابتدای سلطنت محمود نیز در شغل خود باقی ماند ، سپس مغضوب سلطان قرار گرفت و از دربار او رفت . ابوالفتح در شعر و نثر عربی استاد بود و دو دیوان پارسی و تازی به او نسبت داده‌اند که در دست نیست . بعضی از اشعار فارسی او در لباب الالباب و مجمع‌الفصحاء نقل شده‌است.

ابوالفتوح رازی (ت) [ف : در حدود ۵۵۲]جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد بن احمدالخزاعی از عالمان بزرك شیعه و از مفسران مشهور . وی از اولاد بدیل بن ورقاء خزاعی است که از بزرگان صحابهٔ حضرت رسول(ص) بوده است. اجداد ابوالفتوح درایران سکونت اختیار کردند و ایرانی شدند و عده‌ای از آنان در نیشابور و عده‌ای در ری اقامت کردند . ابوالفتوح در ری به وعظ اشتغال داشت و همانجا وفات کرد .

از آثار معروف او : روح‌الجنان است که تفسیر معتبری از قرآن کریم است . دیگر شرح‌الشهاب و رسالهٔ حسینیه است درمسئلهٔ امامت .

ابوالفداء (ت) [ف : ۷۷۴] اسمعیل‌بن‌علی‌بن‌محمود ملقب به الملك المؤید والملك‌الصالح صاحب حماة از امیران فاضل‌که در دمشق متولد شد و پس از کسب دانش در جنگهای صلیبی شرکت کرد و به خدمت الملك‌الناصر پیوست و به امارت حماة رسید و به لقب‌الملك المؤید والملك الصالح ملقب گشت .

ابوالفداء در فقه و طب و حکمت و هیئت ، خاصه در تاریخ و جغرافیا استادی داشت . از آثار معروف او در جغرافیا کتاب : تقویم‌البلدان و در تاریخ : المختصر فی اخبارالبشر و در فقه : کتاب‌الحاوی است .

ابوالفرج‌اصفهانی (ت) [ف : ۳۵۶] ابوالفرج علی‌بن الحسین الاصفهانی. ازادیبان بزرگ‌عرب درقرن‌چهارم ومعاصر آل‌بویه . از آثار معروفش کتاب الاغانی است که مورد توجه صاحب‌بن عباد وعضدالدولهٔ‌دیلمی قرارگرفت.این کتاب اطلاعات‌دقیق وسودمندی دربارهٔ شاعران عربی‌زبان و موسیقی‌دانان و اشعاری که به الحان موسیقی خوانده می‌شده و همچنین داستانها و روایاتی دربارهٔ رجال و امیران آن روزگار در بر دارد .

ابوالفرج‌رونی (ت) ابوالفرج‌بن مسعود رونی . از شاعران دورهٔ دوم غزنوی که در دربار سلطان ابراهیم‌بن مسعود (۴۵۱ - ۴۹۲) و

پسرش مسعودبن ابراهیم (۴۹۲–۵۰۸) بسر می‌برده و ایشان رامدح کرده است . با مسعودسعد دوستی داشته و یکدیگر را در شعر ستوده‌اند. ابوالفرج درشعر شیوهٔ نوی پدیدآورد وسبک دورهٔ اول غزنوی را کنار گذاشت . قصایدش باتغزل شروع نمی‌شود و جز درچند مورد ازابتدا به مدح ممدوح می‌پردازد. در اشعارش لغات عربی و افکار علمی و استعارات و تشبیهات فراوان دیده می‌شود و به اوزان دشوار و ردیفهای دشوار می‌پردازد . سبک ابوالفرج مورد توجه شعرای بعد ، خاصه انوری قرارگرفته است . (دیوان ابوالفرج رونی – چاپ تهران)

ابوالفضل بیهقی (ت) « رجوع شود به بیهقی »

ابوالفضل دکنی (ت) [ف : ۱۰۱۳] شیخ ابوالفضل پسر شیخ مبارك و برادر شیخ فیضی دکنی . پدرش اهل یمن بود و خود در سال ۹۵۸ در دکن متولد شد نزد پدر علم آموخت . ابتدا سمت منشی‌گری وسپس سمت‌وزارت وپیشکاری اکبرشاه[۹۶۳-۱۰۱۴] را یافت .

شیخ ابوالفضل با آنکه در اصل عرب بود و در هند زاده شده بود ، به اصلاح زبان فارسی علاقهٔ بسیاری داشت و بسیار کوشید که نثر فارسی را از لغات عربی منزه کند و لغات دری بجای آنها بگذارد. ازین‌روسبك نثر را تغییر داد و نامه‌هائی راکه از دربار دهلی به اطراف می‌فرستاد به سبك تازه می‌نوشت ، یعنی

در آنها لغات عربی بسیار کم و گاهی سراسر ، لغات فارسی خالص به کار می‌برد . شیخ ابوالفضل در سیاست و کشورداری نیز دست داشت و کتاب اکبرنامه در تاریخ شاهی اکبر شاه و خانوادهٔ او و آیین اکبری ، در روش حکومت اکبر شاه از آثار اوست. دیگر از آثار او تلخیص و تهذیبی از کلیله‌ودمنه است به‌نام بهار دانش.

ابواللّیث طَبری (ت) ازشاعران ابتدای‌عهد غزنوی. ازحال او اطلاعی در دست نیست . ابیاتی از او در لباب‌الالباب و مجمع‌الفصحاء و ترجمان‌البلاغه ضبط است .

ابوالمَعالی رازی (ت) [ف : ۵۴۱] از شاعران معروف قرن ششم و دورهٔ سلجوقی . قصائدی در مدح ابوالفتح مظفر دارد که وزارت برکیارق، و سنجر را داشت و به‌دست باطنیان به قتل رسید . در لباب‌الالباب و مونس‌الاحرار اشعاری از او باقی است . وی‌مذهب شیعه داشت و حضرت علی و آل او را مدح کرده است .

ابوالمعالی نصرالله‌بن محمدبن عبدالحمید منشی (ت) [ف : نیمهٔ دوم قرن‌ششم] ازمنشیان دربارغزنوی. ابوالمعالی مورد لطف بهرامشاه غزنوی (۵۱۲-۵۴۷) بوده و سمت دبیری او را داشته است و پس از او در دربار خسروملك سمت وزارت یافته است ، ولی سرانجام بر اثر سعایت دشمنان مغضوب گشته و به حبس افتاده است . از آثار او ترجمهٔ کلیله و دمنه به زبان فارسی است که انشاء استادانه اش مورد توجه مترسلان قرن ششم به بعد قرار

گرفته است .

ابومَعشر بلخی (ت) [ف : ۲۷۲] جعفر بن محمد عمر معروف به ابومعشر از ریاضی‌دانان و منجمان قرن سوم و از شاگردان یعقوب بن اسحق کندی ، فیلسوف مشهور عرب . ابومعشر ابتدا فلسفه آموخت و بعد به علم نجوم پرداخت . منجمان معروف به اقوال و آراء وی متمسك می‌شدند. ابومعشر صاحب تألیفات بسیار است. از آن‌جمله کتابی از او باقی است به‌نام: رساله در اتصال کواکب و قرانات. دیگر کتاب الموالید والادوار والالوف .

ابومنصور عبدالملك ثعالبی « رجوع شود به ثعالبی »

ابومنصور محمدبن عبدالرزاق (ت) [ف : ۳۵۰] از بزرگ‌زادگان طوس که در حدود سال ۳۳۵ از جانب ابوعلی احمدبن محمدبن مظفربن محتاج چغانی ، سپهسالار خراسان ، حاکم طوس شد . هنگامی که بوعلی بر پادشاه سامانیان طغیان کرد ، ابومنصور جزو شورشیان درآمد، پس از آن به‌جای بوعلی سپهسالار خراسان شد . چندی بعد ، از عمـال سامانی شکست خورد و به ری و آذربایجان گریخت . سرانجام با پادشاه سامانی صلح کرد و به طوس بازگشت و باز به سپهسالاری خراسان رسید سپس وقتی به خیال اتحاد با رکن‌الدولهٔ دیلمی افتاد و به گرگان خوانده شد ، وشمگیربن‌زیار از این حال آگاه شد و او را بوسیلهٔ یوحناء طبیب مسموم کرد .

ابومنصور براثر علاقهٔ مفرط به ایران و تاریخ ایران ابومنصور المعمری را مأمور تدوین شاهنامه کرد و همین کتاب که به نثر فراهم آمده بود ، مأخذ مهم شاهنامهٔ فردوسی و دقیقی گشت .

ابومنصور موفّق بن علی هَرَوی (ت) از نویسندگان قرن پنجم . از آثار معروف او کتاب الابنیه عن حقایق الادویه است که آنرا در سال ۴۴۷ به زبان فارسی تألیف کرده و نام ۵۸۵ دارو را در آن ذکر کرده است . نثر کتاب بسیار روان و ساده است .

ابوالمؤید بَلخی (ت) از شاعران دورهٔ سامانی و نیمهٔ اول قرن چهارم. مولدش بلخ است و از کسانی است که پیش از فردوسی به تصنیف شاهنامه پرداختند . ابوالمؤید بلخی اولین کسی است که قصهٔ یوسف و زلیخا را به پارسی منظوم ساخته ، ولی از آن چیزی در دست نیست . کتاب دیگری نیز به او منسوب است که صاحب تاریخ سیستان به آن اشاره کرده است و آن : عجایب البلدان در عجایب دنیاست .

شاهنامهٔ ابوالمؤید کتاب بزرگی به نثر بوده است، شامل بسیاری از روایات و داستانهای ایرانی که اغلب آنها در شاهنامهٔ فردوسی و سایر منظومه‌های حماسی ذکر شده است . این کتاب بزرك و مفصل از میان رفته و تنها قسمتی که از آن در دست مانده قطعه‌ای از کتاب گرشاسب است که صاحب تاریخ سیستان در کتاب خود آن را نقل کرده است . این قسمت از قدیمترین قطعه‌های

منثور زبان فارسی است که از قرن چهارم مانده است .

ابوالهیثم (ت) خواجه ابوالهیثم احمدبن حسن جرجانی . ازشاعران و فاضلان اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم . وی از معتقدان مذهب اسمعیلی بوده و ناصرخسرو در کتاب جامع‌الحکمتین ازاو یاد کرده است . از اشعار ابوالهیثم تنها قصیده‌ای باقی است که حاوی پرسشهائی در بارهٔ مسائل‌فلسفی بدون جواب است که‌بعدها ناصرخسرو شاعر و نویسندهٔ اسمعیلی آن‌را شرح کرده است . همچنین ابوسعید محمدبن سرخ نیشابوری ، شاگرد ابوالهیثم ، کتابی مفصل در شرح عده‌ای از ابیات آن نوشته است .

این شرح که در نیمهٔ اول قرن پنجم تألیف یافته وجواب پرسشهای فلسفی ابوالهیثم است ، از نظر فلسفه و کلام واز حیث انشاء پارسی درشمار کتابهای خوب قرن پنجم است.

ابویزید بسطامی «رجوع شود به بایزید بسطامی»

اتصال (نج) «رجوع شود به اجتماع»

اتصال نجوم خاطر او فیض طبع‌مرانویدگراست

«خاقانی»

اثیر (نج) طبقه‌ای ازآسمان، بالای کرهٔ هوا، که آن‌را کرهٔ آتش نیز گویند :

بر شوند از پل‌آتش که اثیرش خوانند

پس سر مائدهٔ جنت ماوی بینند

«خاقانی»

اثیر اخسیکتی (ت) [ف : ۶۰۸] اثیرالدین از شاعران مدیحه سرای قرن ششم که از ریاضی وفلسفه نیز با اطلاع بوده‌است. وی معاصر و مداح رکن‌الدین‌ارسلان‌بن طغرل (۵۵۵-۵۷۱) بوده‌است. دیگر از ممدوحان او شمس‌الدین اتابك اعظم ایلدگز و اتابك جهان پهلوان نصرة‌الدین محمدبن ایلدگز و مظفرالدین‌اتابك قزل‌ارسلان بن‌ایلدگز فرمانروای‌آذربایجان بوده‌اند. اثیر درشیوهٔ سخن‌سرائی از انوری وسنائی پیروی‌کرده وچند قصیده به‌سبك خاقانی‌سروده است و با مجیربیلقانی رقابت داشته و یکدیگر را به تعریض یا تصریح هجا گفته‌اند . اثیر به آوردن ردیفهای دشوار و معانی صعب علاقه داشته است . (دیوان اثیر - چاپ تهران - ۱۳۳۷ شمسی)

اجتماع (نج) حالت ماه است هنگام «محاق» که در آن حال، کرهٔ ماه از همه وقت به‌خورشید نزدیکترمی‌شود و درست درمقابل او قرار می‌گیرد . این حال‌را «اتصال» نیزگویند .

ماه را نیکوئی همی گفتیم		که دریغی به‌اجتماع و محاق

«انوری»

احتراق (نج) اجتماع سیارات را با آفتاب احتراق‌گویند مگر اجتماع ماه را که «محاق» خوانند .

بیرون شد از احتراق بهرام		واورد به شاه ماه پیغام

احسن‌التقاسیم فی معرفة‌الاقالیم (ك) کتابی‌است‌درجغرافیا تألیف ابو عبدالله‌محمدبن‌احمدبن‌ابی‌بکرمقدسی. این کتاب درسال ۳۷۵هجری

تألیف یافته و کاملترین کتاب جغرافیاست که مؤلف مشاهدات خود را در اغلب کشورهای اسلامی در آن ذکر کرده و از کشورهای غیراسلامی بسیار کم گفتگو کرده است .

احسن‌التواریخ (ك) تألیف حسن بیك روملو از فاضلان زمان شاه طهماسب. این کتاب دراواخر قرن دهم هجری تألیف یافته و در آن، وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸۴ وسلطنت شاه طهماسب شرح داده شده است. (چاپ کلکته)

احیاءالعلوم (ك) از آثار معروف امام محمد غزالی به زبان عربی . موضوع کتاب مسائل اخلاقی و دینی است وغزالی خلاصهٔ آن را به زبان فارسی نیز نوشته و آن را : کیمیای سعادت نامیده است .

اخبارالطوال (ك) کتابی در تاریخ عمومی به زبان عربی ، تألیف ابوحنیفه احمدبن داودبن ونند دینوری . در این کتاب تاریخ از زمان آدم شروع می‌شود و به قتل افشین ومرگ معتصم درسال ۲۲۷ پایان می‌پذیرد .

ابوحنیفه وقایع را از هم جدا نمی کند و رشتهٔ مطلب را نمی‌گسلد ، بلکه تاریخ را مانند حکایت و داستان شروع می کند و بدون انقطاع ختم می کند . وقایع را بدون تصریح نام راوی ذکر می کند و حوادث تاریخی را به اختصار می‌گوید وبیشتر به‌وضع اجتماعی و شرح امارات و حکمرانیها و ارتباط خلفا و ممالك دست نشانده و فرستادن امیران و حکمرانان می‌پردازد. مخصوصاً نهضتهای سیاسی و مذهبی و انقراضها و پیشرفتها را بسیار دقیق

شرح می‌دهد .

سبک نوشتهٔ کتاب اخبارالطوال بسیارساده است. ترجمه به فارسی صادق نشأت از سلسله انتشارات تاریخی «بنیاد فرهنگ ایران» آذرماه ۱۳۴۶ شمسی .

اخفش (اوسط) (ت) [ف : ۲۲۱] ابوالحسن سعید بن مسعده از بزرگان لغت و نحو و ادب در قرن سوم هجری . وی ایرانی و از شاگردان سیبویه و خلیل‌بن احمد بوده است . اخفش واضع بحر خبب یکی از بحور عروضی می‌باشد و از آثارش : کتاب الاشتقاق ، کتاب‌العروض ، کتاب‌القوافی ، کتاب معانی‌الشعر و کتاب‌الاوسط در نحو است .

اخلاق‌الاشراف (ك) رساله‌ای به نثر آمیخته به‌نظم . از آثار عبیدزاکانی که آن را به سال ۷۴۰ هجری تألیف کرده‌است . موضوع کتاب «اخلاق‌الاشراف» انتقاد اخلاق بزرگان و اشراف عهد مؤلف‌است که نویسنده با بیانی شیرین آن‌را برای نمودن فساد جامعه نگاشته و سراسر آن را با حکمت و پند آمیخته است . این کتاب شامل هفت‌باب درفضایل اخلاقی یعنی حکمت ، شجاعت ، عفت، عدالت سخاوت ، حلم ، حیا و وفا ، است .

اخلاق جلالی (ك) تألیف جلال‌الدین محمدبن اسعدالدوانی که به‌خواهش سلطان خلیل سلطان پسر اوزون حسن آق قوینلو در نیمهٔ دوم قرن نهم تألیف یافته است . بیشتر مطالب این کتاب که عنوان آن : لوامع‌الاشراق فی‌مکارم‌الاخلاق است به گفتهٔ‌خود مؤلف‌ازاخلاق

ناصری تألیف خواجه‌نصیرالدین‌طوسی اقتباس‌شده وحاوی‌مطالبی در تدبیر منزل وسیاست مدن می‌باشد . انشاء کتاب متکلفانه و مصنوع است . (چاپ لاهور ولکنهو)

اخلاق محسنی (ك) کتابی در صفات پسندیده و مبانی اخلاقی در چهل باب ، تألیف حسین‌واعظ کاشفی که آن‌را به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا درسال ۹۰۰ هجری تألیف‌کرده است . اخلاق‌محسنی در هندوستان رواج بسیار داشته است .

اخلاق ناصری (ك) کتابی در حکمت عملی و اصول اخلاق . تألیف دانشمند بزرك خواجه نصیرالدین طوسی که آن را در حدود سال ۶۳۳ به زبان فارسی و بنا به خواهش ناصرالدین عبدالرحیم ابن ابی‌منصور حاکم اسمعیلیه در قهستان تألیف‌کرده است . مؤلف قسمت اول‌کتاب را از کتاب اخلاق ابن‌مسکویه به نام : الطهارة اقتباس‌کرده و درقسمت دوم به تدابیرالمنازل ابن‌سینا و در قسمت سوم به‌کتاب فارابی نظر داشته‌است .

درمقالهٔ اول از حکمت وشجاعت و عفت و عدالت‌بحث می‌کند و حکمت را به‌هفت‌نوع تقسیم می‌کند : ذکاء، سرعت‌فهم، صفای ذهن ، سهولت تعلم ، حسن تعقل ، تحفظ ، تذکر .

مقالهٔ دوم در تدبیرمنزل ومقالهٔ سوم درسیاست‌مدن است.

اخوان‌الصفا (ت) دسته‌ای از حکمای ایرانی در قرن چهارم هجری .

این دسته خواسته‌اند که عقاید فلاسفهٔ یونان را بامبانی دین‌اسلام سازش دهند و به فرقهٔ خاصی بستگی نداشته‌اند ، بلکه بسیاری از

مسائل دینی را با عقاید فلاسفه منطبق می‌کردند و چنانکه اظهار کرده‌اند با هیچیك از ادیان و علوم دشمنی نداشته و کتابهای مختلف فلسفی‌را مورد استفاده قرارداده و به‌همهٔ کتابهای آسمانی اعتقاد داشته‌اند.

ادب‌الصغیر (ك) تألیف عبدالله‌بن‌المقفع که نویسنده در تألیف آن از متن کتابهای‌پهلوی استفاده کرده‌است. این کتاب میان نویسندگان عرب معروف بوده و ابن‌قتیبه در کتاب عیون‌الاخبار از آن نام برده‌است.

ادب‌الکبیر (ك) معروف به درةالیتیمه تألیف عبدالله‌بن‌المقفع. مؤلف در تألیف این کتاب از کتابهای پهلوی استفاده کرده است. این کتاب میان مؤلفان کتابهای ادب مشهور بوده و مورد استفادهٔ آنان قرار گرفته است. اثر تمدن وفرهنگ ایرانی در این کتاب بخوبی نمایان است و نویسنده در چند مورد به گفته‌های حکیمان ایران استشهاد کرده است.

ادریس (تن) از پیغمبران. گویند که علم نجوم معجزهٔ اوست و از طوفان نوح خبرداد و چون عمرش به هشتصد وشصت وپنج سال رسید، از ملك‌الموت خواست تا روحش را به‌امرخدا قبض کرد و بهشت و دوزخ را به او نشان داد. ادریس چون ازبهشت بیرون آمد به بهانهٔ آنکه نعلین را آنجا فراموش کرده است، بازگشت و دربهشت ماند.

بمیر ای‌دوست پیش ازمرگ اگرعمر ابد خواهی
که ادریس ازچنین مردن بهشتی‌گشت پیش از ما

«سنائی»

ادیب پیشاوری (ت) [ف : ۱۳۴۹] سید احمدبن شهاب رضوی ادیب پیشاوری فرزند سید شهاب‌الدین اهل پیشاور . وی مقدمات علوم را در پیشاور آموخت و در جنگی که میان اقوام هندی با قوای دولتی در گرفت ، پدر و خویشانش به قتل رسیدند و او موفق‌شد که خود را به کابل برساند . ادیب‌پیشاوری پس از چندی اقامت درکابل به غزنین و هرات و تربت شیخ جام ومشهد سفرکرد ونزد دانشمندان معروف به تحصیل پرداخت . در سی‌سالگی نزد حاج ملاهادی سبزواری به کسب دانش مشغول گشت و در سال ۱۳۰۰ قمری به‌تهران آمد و در همانجا اقامت‌کرد . ادیب به علوم قدیم و ادبیات عرب و ایران احاطه داشت : دیوان او مشتمل بر ۴۲۰۰ بیت فارسی و ۳۷۰ بیت عربی است به ضمیمهٔ دو رساله یکی در بیان قضایای بدیهیات اولیه ، دیگر درتصحیح دیوان ناصرخسرو.

یك مثنوی دارد به نام قیصرنامه شامل وقایع جنگهای بین‌المللی که دارای متجاوز از ۱۴۰۰۰ بیت است .

(دیوان چاپ تهران–۱۳۱۲ شمسی)

ادیب صابر (ت) [مقتول درحدود ۵۴۲] شهاب‌الدین صابربن اسمعیل ترمذی از شاعران قرن ششم و اصلش از ترمذ است ولی بعد به مرو و بلخ و خوارزم رفت و مدتی سلطان سنجر را مدح گفت و

از طرف او به رسالت نزد اتسز رفت و چندی در خوارزم ماند . وقتی که اتسز دانست که ادیب‌صابر نهانی خبرهائی‌از دربار او برای سنجر می‌فرستد دستور داد تا اورا درجیحون غرق کردند.

ادیب صابر ، درسبك شاعری بیشترپیروعنصری وفرخی است ، و با رشید وطواط مشاعره داشته است . دیوان ادیب صابر مشتمل است برقصاید و غزلیات. (چاپ تهران)

ادیب‌الممالك فراهانی(ت) [ف:۱۳۳۶] میرزاصادق‌حکیم. ازخانوادهٔ میرزاابوالقاسم‌قائم‌مقام‌فراهانی وزیر محمدشاه‌قاجار. ادیب‌الممالك از آزادیخواهان بشمار می‌رفت و مدتی روزنامهٔ ادب را انتشار می‌داد . در ابتدای جوانی « پروانه » تخلص داشته و لقب امیر الشعرائی یافت و به « امیری » مشهورگشت . ادیب‌الممالك در عصر مشروطیت و انقلاب و کشمکش‌های سیاسی می‌زیست . از اینرو اشعار فراوانی در انتقاد اوضاع زمان و اجتماع خود دارد . ادیب‌الممالك در علوم ادب و لغت فارسی و عربی و علم انساب و تاریخ عرب استاد بوده‌است .

دیوان او شامل قصاید وقطعات واشعار جد و هزل ومدح و ذم در انتقاد جامعه و تحریك حس میهن‌پرستی است . (دیوان ــ چاپ تهران)

ادیب نیشابوری (ت) [ف : ۱۳۴۴] شیخ عبدالجواد ، فرزند ملا عباس نیشابوری که در چهار سالگی از مرض آبله از یك

چشم نابینا گشت و با وجود ضعف بینائی تا ۱۶ سالگی در نیشابور به‌خواندن مقدمات علوم‌دینی پرداخت. سپس فنون ادبی را آموخت و بیشتر اوقات را به مطالعهٔ ادبیات فارسی و عربی صرف کرد. علاوه براین در فنون ریاضی و هیئت وطب دست یافت. دیوانش قریب شش‌هزار بیت دارد. رساله‌ای هم درجمع بین عروض فارسی و عربی و رساله‌ای درشرح معلقات سبع و چند جزوه در تلخیص شرح خطیب‌تبریزی برحماسهٔ ابی‌تمام نوشته‌است. اشعار او به‌نام لآلی مکنون درمشهد به چاپ رسیده است.

اذاله (زحاف) (ع) درمستفعلن افزودن الف است قبل‌از نون که می‌شود مستفعلان و آن را مذال خوانند.

اردشیر بابکان (ش ــ ت) پسرساسان از دختربابك، مطابق نقل‌شاهنامه، ساسان پسر دارا پس از کشته شدن پدر به هندوستان گریخت و فرزندان او تا چند پشت در هندوستان ماندند. پسر چهارم به اسم ساسان به‌پارس آمد و نزد بابك‌حاکم‌استخر به‌سرشبانی رسید. شبی بابك خواب دیدکه ساسان برپیل ژیان نشسته و هر کس به نزدش می‌آید اورا نماز می‌برد. بابك ساسان را خواست وچون دانست که ازنژاد شهریاران است، دختر خودرا به‌وی داد و ازاو اردشیر به‌وجودآمد ، اورا بزرگ‌کردند وفرهنگ آموختند، اردوان‌چون آوازهٔ اردشیر را شنید او را از بابك خواست و جوانی شایسته‌اش یافت ولی پس از چندی به علت درشتی که با پسراردوان کرد ، او را به‌نگهبانی اسبان‌شاهی برگماشت اردشیر باگلنار کنیزك اردوان

به پارس فرار کرد و طرفداران بابك‌را جمع کرد و به‌جنگ‌اردوان رفت و اورا شکست داد و دخترش را گرفت و به‌پارس برگشت. شهر «خرهٔ اردشیر» را ساخت و برتخت شاهی نشست. دختر اردوان به خونخواهی پدر خواست اردشیر را زهر دهد، شاه دریافت و اورا به‌وزیر خود سپرد تاهلاك کند. وزیر چون دانست ملکه بار دارد، فرمان را به‌کار نبست و اورا نگاه‌داشت تاشاپور به وجود آمد. چون شاپور به هفت‌سالگی رسید، اردشیر از این راز آگاه شد واز داشتن چنان پسری خشنودگشت.

رسالهٔ پهلوی «کارنامك ای ارتخشیر ای پاپکان» در شرح وقایع زمان این پادشاه ساسانی است که با افسانه آمیخته است و فردوسی مفاد آن را در شاهنامه به نظم آورده‌است.

اردشیر درازدست (ش-د) اردشیر درازدست لقب بهمن، شاه ایران بود.

شنیدستم که بر پای ایستاده رسیدی تا به‌زانو دست بهمن
«منوچهری»

اردوان (ش-ت) آخرین پادشاه اشکانی که پاپك نیای اردشیر از طرف او فرمانروای استخر بود. اردوان چون آوازهٔ اردشیر نوادهٔ بابك را شنید، او را از پدر خواست و عزیزش داشت، اما ناگهان بر او خشم گرفت و به نگهبانی اسبان وادارش کرد. اردشیر با کنیزك اردوان به اسم گلنار فرار کرد و لشکری جمع آورد و به جنگ اردوان رفت و او را کشت و دخترش را به زنی گرفت.

ارژنک، ارتنگ (ک) نام کتاب منسوب به‌مانی نقاش که دارای تصاویر زیبا و دلاویز بوده است .

تنش چون نامهٔ ارژنگ زیبا میان چون خامهٔ مانی مصور

«مسعودسعد»

ارسال‌المثل (ب) آن است که شاعر مثل معروفی را در شعر بیاورد یا مصراعی بگوید که حکم مثل پیدا کند و قبول عامه یابد .

با بط می‌گفت ماهیی در تب و تاب

باشد که به جوی رفته باز آید آب

بط گفت چو من قدید گشتم تو کباب

«دنیا پس مرگ ما چه‌دریا چه سراب»

«خیام»

ارسال‌المثلین (ب) آن است که شاعر در یك بیت دومثل آرد ، یعنی هریك از دو مصراع شعر یك مثل باشد .

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار

چنین نماید شمشیر خسروان آثار

«عنصری»

ارسطاطالیس (ت) «رجوع شود به ارسطو»

ارسطو (ت) [ف : ۳۲۲ پیش از میلاد مسیح] حکیم یونانی شاگرد افلاطون و معلم اسکندر . ارسطو به معلم اول معروف است. گویا علتش آن بوده است که وی نخستین واضع علم منطق بوده وراه استدلال و برهان را گشوده است . وی پیشوای حکمای مشایی است .

ارشمیدس (ت) [ف : ۲۱۲ پیش از مسیح] از بزرگترین دانشمندان ریاضی . وی از شاگردان اقلیدس بود و پس از مطالعات و تحقیقات بسیار به کشفیات مهمی در عالم ریاضی و فیزیک موفق شد . از جمله فرضیهٔ اهرم و قانون وزن مخصوص اجسام .

گویند روزی در گرمابه دریافت که از وزن اعضایش که در آب است کاسته شده و آنچنان به شوق آمد که برهنه بیرون دوید و فریاد زد : یافتم ، یافتم .

از آثار مهم ارشمیدس : کتاب مثلثات، کتاب المفروضات، کره و استوانه و کتاب المأخوذات در اصول هندسه است.

ارکان اربعه (نج) «رجوع شود به چهار ارکان .»

ارکان عروض (ع) ارکان از اصطلاحات عروض و شامل سبب و وتد و فاصله می باشد . «رجوع شود به این کلمات»

ارم یا ارم ذات‌العماد (تن) باغی که شداد ساخت و در روزگار مانند نداشت . و در شعر فارسی کنایه از باغهای بسیار مصفاست:

در گلستان ارم دوش چو از لطف هوا
زلف سنبل زنسیم سحری می‌آشفت...
«حافظ»

ارمن (م) نام سرزمینی است که بر طبق داستان خسرو و شیرین ، مهین بانو عمهٔ شیرین بر آن حکومت می‌کرد.

ارنی (تن) اشاره به قصهٔ موسی که به خدا گفت: «رب ارنی انظر الیك»

پروردگارا ، خود را به‌من بنما تا بسوی تو بنگرم . جواب آمد «لن ترانی» یعنی هرگز مرا نخواهی دید.

با تو آن عهد که در وادی ایمن بستم
همچوموسی ارنی‌گوی به میقات بریم

«حافظ»

ازاحیف (ج زحاف)(ع) «رجوع شود به زحاف»

ازدواج (ب) آن است که در میان نظم و نثر کلماتی آورده شود که در روی یکسان باشد .

به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق
مژه بر هم نزند ور بزنی تیر و سنانش

«سعدی»

ازرقی (ت) [ف : در حدود ۴۶۵] ابوبکر زین‌الدین بن‌اسمعیل وراق هروی . از شاعران زبردست قرن پنجم . پدرش اسمعیل وراق همان کسی است که فردوسی پس از فرار از غزنین به خانهٔ او رفت . ازرقی در دستگاه شمس‌الدوله ابوالفوارس طغانشاه بن ارسلان سلجوقی که در زمان سلطنت الب‌ارسلان حاکم خراسان بود ، تقرب یافت و او را مدح گفت . از ممدوحان دیگر ازرقی امیرانشاه بن قاورد از سلجوقیان کرمان بود .

ازرقی جز قصیده در داستانسرائی نیز مهارت داشت . از جملهٔ آثاری که به او نسبت داده‌اند الفیه و شلفیهٔ منظوم است . دیگر قصهٔ سند باد است که ازرقی به نظم آورده است ، ازرقی

در آوردن تشبیهات غریب و وصف وتصویر دقیق اشیاء ، استادی داشت . و درمدح لحن مبالغه‌آمیزی بکار می‌برد. (دیوان ازرقی- چاپ دانشگاه تهران)

ازهری هروی (ت) [ف : ۳۷۰] ابومنصور محمدبن احمد . از عالمان بزرگ ادب و لغت . وی در عربستان به جمع لغت مشغول گشت وبسیاری ازلغات واصطلاحات اصلی زبان عرب‌را فراگرفت . از آثار مشهور او در لغت کتاب‌التهذیب است .

اساس‌الاقتباس (ك) کتابی در منطق به زبان فارسی ، تألیف ابوجعفر محمد بن حسن طوسی ملقب به نصیرالدین که آن را در سال ۶۴۲ تألیف کرده است . خواجه نصیرالدین در تنظیم این کتاب به روش کتاب شفا مطالب را به نه بخش تقسیم کرده و هریك از بخش‌ها را مقاله نامیده است . این مقاله‌ها دربارهٔ مدخل منطق، مقولات عشر ، عبارات ، علم قیاس ، برهان ، جدل ، مغالطه ، خطابه ، شعر می‌باشد .

اساس‌الاقتباس پس از کتاب شفای ابوعلی سینا بهترین و جامعترین کتابی است در فن منطق که مؤلف در آن تمام‌فنون منطق را به فارسی ساده بیان کرده است . رکن‌الدین محمد بن علی فارسی استرابادی که از فاضلان نزدیك عصر خواجه بود این کتاب را به عربی ترجمه کرده‌است . (چاپ دانشگاه تهران- ۱۳۲۶)

اسباغ (زحاف)(ع) افزودن حرفی ساکن است در سببی که آخر جزء

باشد. فاعلاتن می‌شود فاعلاتان؛ و بجای آن فاعلیان می‌گذارند و آن را مسبغ می‌خوانند.

استخراج آبهای پنهانی (ك) تألیف ابوبکر محمدبن‌حسن کرجی از بزرگترین دانشمندان و ریاضی دانان ایران در قرن چهارم وپنجم که از وی آثار مهمی به زبان عربی باقی مانده‌است.

این کتاب که نام عربی آن انباط‌المیاه‌الخفیه است بوسیلهٔ حسین خدیوجم به فارسی ترجمه شده و در سلسلهٔ انتشارات «بنیاد فرهنگ ایران» با شمارهٔ ۸ به سال ۱۳۴۵ شمسی در تهران‌منتشر شده است.

استرابادی (ت) [ف: در حدود ۱۱۸۰] میرزا مهدیخان استرابادی منشی نادرشاه و سرآمد منشیان آن‌دوره بود. وی دوران جوانی را در اصفهان گذراند و در دربار صفوی راه یافت و پس از آن درزمان حملهٔ افاغنه به ایران عزلت‌گزید و در زمان نادر به خدمت او رسید و به علت حسن بیان مورد توجه وی قرار گرفت و از معتمدان و منشیان او گشت. غالب فتحنامه‌ها و صلحنامه‌ها بوسیلهٔ او انشاء می‌شد.

میرزا مهدیخان پس از هیجده سال خدمت در دربار نادر و پس ازمرگ او عزلت اختیار می‌کند و به اتمام‌کتاب معروف: جهانگشای نادری می‌پردازد، از آثار دیگر او: درهٔ نادره، منشآت، مبانی اللغة است. در بعضی آثار وی تصنع و تکلف وجود دارد.

استرابادی (ت) میرزا مهدیخان استرابادی منشی نادر شاه که سرآمد منشیان آن دوره بوده و در نویسندگی قدرت و پختگی داشته‌است، ولی در بعضی آثارش تصنع و تکلف پیداست . از آثار معروف او کتاب: جهانگشای نادری و درهٔ نادره.

استشهاد (ب) آن است که شاعر نام خود را در اشعار به‌طریق لطیفی آورد . مانند این شعر امام فخر رازی .

اگر دشمن نسازد با تو ای دوست
تو می‌باید که با دشمن بسازی
وگرنه چند روزی صبر می‌کن
نه او ماند نه تو نه فخر رازی

استعاره (ب) نوعی از مجاز است و آن چنان است که لفظی را به‌مناسبت کمال شباهت در یکی از صفات به جای لفظ دیگر بکار برند چنانکه مرد دلیررا «شیر» بخوانند از روی اشتراك ومشابهتی که میان این‌دو درصفت شجاعت هست و بعضی گفته‌اندکه‌استعاره عبارت است از مبالغه در تشبیه یعنی بجای آنکه بگویند چیزی مانند چیزی دیگر است گفته شود که این عین آن یك است ودر استعاره همیشه ادات تشبیه محذوف است . چنانکه در این شعر نهنگ برای « اسب » و اژدها برای « کمند » استعاره شده است .

همی تاخت اندر میان دو صف
نهنگی بزیر اژدهایی به کف

استغنائی نیشابوری (ت) ابوالمظفر نصربن محمد استغنائی نیشابوری از شاعران قرن چهارم و معاصر آل بویه و آل سامان . از حال او اطلاعی دردست نیست واز آثارش ابیات پراکنده‌ای باقی‌است.

استقبال (نج) حالت ماه درشب «بدر» که در آن حال ماه با خورشید مقابله پیدا می کند .

اجتماع ماه بود امروز و استقبال بخت

کاوفتاد این ذره را با چون‌توخورشیدالتقا

«خاقانی»

اسحق (تن) پسر ابراهیم خلیل‌الله . اسحق دو پسر داشت به نام عیص و یعقوب . یعقوب رمهٔ گوسفندان را دوست داشت و اسحق‌شکار را. روزی اسحق از پسران گوشت بریان خواست و چون یعقوب بره بریان کرده را زودتر فراهم کرد ، اسحق او را دعا کرد و پیغمبری به او و اولادش رسید .

اسحق موصلی (ت) [ف: ۲۳۵] ابو محمد اسحق بن ابراهیم موصلی . اصلا ایرانی و از خاندانهای معروف فارسی و پسر ابراهیم پسر ماهان ارجانی ، او نیز به مناسبت شهرت پدرش به موصلی شهرت یافت . وی در دستگاه خلافت مأمون و معتصم عباسی می‌زیست ، در علم موسیقی وریاضی استادی کامل بود و در فن حدیث ولغت و نحو مهارت داشت . شعر نیز می‌سرود .

اسد (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقةالبروج و به شکل شیر . برج اسد برابر ماه مرداد است .

اسد در پیش خرچنگ ایستاده
کمان کردار دم بر سر نهاده
«فخرالدین اسعد گرگانی»

اسدی طوسی (ت) ابو نصر علی‌بن احمد اسدی طوسی . از شاعران بزرگ و از حماسه سرایان معروف قرن پنجم که کتاب گرشاسب نامه را در سال ۴۵۸ به نام ابودلف حکمران اران و نخجوان ساخته است . اسدی در انقلابات خراسان و غلبهٔ سلاجقه به آذربایجان رفت و با عده‌ای از سلاطین آنجا آشنا شد . از ممدوحان اسدی امیر ابودلف پادشاه نخجوان و شجاع‌الدوله ابوشجاع‌اند .

از آثار دیگر اسدی فرهنگ لغات فرس یا «لغت فرس» است . مؤلف این کتاب را بعد از گرشاسب‌نامه تألیف کرده ونام آن را ذکر کرده است . دیگر از آثار منظوم او قصائد مناظرات می‌باشد شامل مناظرهٔ آسمان و زمین و مغ و مسلمان و غیره .

اسدی به تاریخ ۴۴۷ نسخهٔ کتاب الابنیهٔ ابومنصورموفق هروی را به خط خود استنساخ کرد وآن قدیمترین نسخهٔ خطی فارسی است که در دست است و اصل آن در کتابخانهٔ ملی وین موجود است .

اسرار (ت) «رجوع شود به ملا هادی سبزواری»

اسرارالتوحید (ك) اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید . از آثار شیوای زبان فارسی . مؤلف این کتاب محمدبن منور از نوادگان

شیخ ابوسعید است که این کتاب را دربارهٔ احوال و اخبار و کرامات جد خویش نگاشته و روایات و اطلاعاتی در آن جمع آورده و به ابوالفتح غیاث‌الدین محمدبن سام شاه غوری(متوفی سال ۵۹۹) تقدیم کرده است. تألیف این کتاب میان سالهای **۵۵۳** و **۵۹۹** انجام گرفته است. انشاء اسرارالتوحید بسیار ساده است و کلمات و ترکیبات مهجور عربی در آن کم است.

(چاپ تهران ـ ۱۳۳۲ش)

اسرارالحکم (ك) کتابی در حکمت الهی به زبان فارسی تألیف حاج ملاهادی سبزواری از فیلسوفان و حکیمان معاصر ناصرالدین شاه قاجار. مؤلف در این کتاب بیشتر به اثبات توحید و اصول عقاید اسلامی پرداخته است. این کتاب مکرر چاپ شده است.

اسطرلاب (نج) کلمهٔ یونانی به معنی آئینهٔ نجوم. آلتی است مدور که دوائر و خطوط بسیار بر آن منقوش است و برای تعیین ارتفاع آفتاب و ستارگان به کار می‌رود.

نگاه کردم از دور من تلی دیدم
که چاه ژرف نماید از آن بلند عقاب
که گر منجم بروی شود، چنان بیند
بروج چرخ که بی غم شود ز اسطرلاب

«مسعود سعد»

اسفزاری (ت) [ف: ۵۱۵] ابوحاتم المظفربن اسمعیل اسفزاری. از دانشمندان بزرگ قرن پنجم و معاصر حکیم عمر خیام. در علم

هیئت و ریاضی استاد بود . از آثارش سه رساله در دست است ، به نام : اختصار اصول اقلیدس به عربی و رسالهٔ آثار علوی یا کائنات جو و الشبکة به فارسی . کتاب کائنات‌جو را به نام فخرالملك بن نظام‌الملك نوشته و شهمردان بن ابی الخیر معاصر اسفزاری آن را در کتاب نزهت نامهٔ علائی در فصل آثار علوی آورده است .

اسفزاری (ت) معین‌الدین محمد اسفزاری از مورخان معاصر دورهٔ تیمور که به شغل انشاء و ترسل اشتغال داشته و کتاب تاریخ هرات را به نام سلطان حسین ابوالغازی تألیف کرده است .

اسفندیار (ش ــ د) پسر گشتاسب و ملقب به روئین تن که به فرمان پدر به جنگ ارجاسب رفت و پس از گذشتن از هفتخوان وفتح روئین دژ ، ارجاسب را کشت و از پدر تخت و تاج خواست . پدر برای‌دفع‌الوقت‌اورا نزدرستم‌فرستاد تا آن‌پهلوان نامداررادست بسته به درگاه‌آورد . رستم به این ننگ تن درنداد و کار به جنگ انجامید . در این جنگ ، پس از دلاوریهای دو حریف ، رستم به دستور سیمرغ اسفندیار را با تیری که از چوب گز ساخته بود ، کور کرد و اسفندیار از آن زخم جان سپرد . داستان جنگ رستم و اسفندیار از قطعه‌های بسیار زیبای شاهنامه است .

اسکندر (ش ــ د) بنا بر روایت شاهنامه پسر داراب از دختر قیصر روم که نزد پدر بزرگ تربیت یافت و با دارا پسر دیگر داراب ، شاه ایران ، جنگ کرد. در این جنگ ، دارا مجروح شد و چون

اسکندر آن خبر را شنید ، خـود را به بالین دارا رسانـد و زار گریست و خواست که پزشك حاضر کند ، اما سودی نکرد ودارا پس از وصیت جان داد . اسکندر پس از دارا بنا بـر وصیت او دخترش «روشنك» را به زنی گرفت و به هند و مصر لشکر کشید . در هند پیری او را از شگفتیها خبر داد و جای تاریکی را به او نشـان داد که در آن چشمهٔ آبی بود که هر کـس از آن بخورد هرگز نمی‌میرد . هنگامی که اسکندر بسوی تاریکی می‌شتافت ، در روشنائی کوهی دید . از کوه بـالا رفت . اسرافیل را دید ، صوری به دست ومنتظر فرمان‌که درصور بدمد . اسکندر را آواز داد که برای تاج و گنج آنقدر آزار به خود ندهد . اسکندر بـا ناله فرودآمد و به طرف باختر رفت . مردم از جانورانی‌شکایت کردند به نام یأجوج و مأجوج که گوشهایشان به‌اندازه‌ای است که یکی را بستر و دیگری را روپوش سازند . اسکندر با عده‌ای از دانشمندان به گذرگاه یأجوج و مأجوج رفت و بـه فرمان او دیوارهای بلندی ساختند از آهن و سنگ و گچ و قیر و باساختن این سد مردم را از شر یأجوج و مأجوج رهانید .

اسکندرنـامه (ك) یکی از پنج مثنوی معـروف نظامی ، داستانسرای بزرگ ایران در قرن ششم، که شامل دو قسمت است. قسمت‌اول شرفنامه است که نظامی آن را به نام اتابك نصرةالدین ابوبکربن محمد جهان پهلوان از اتابکان‌آذربایجان ساخته است وقسمت‌دوم اقبالنامه است به نام ملك‌عزالدین ابوالفتح مسعود پسر نورالدین

ارسلان صاحب موصل. کتاب شرفنامه‌شامل داستان اسکندراست، از تولد تا فتح ممالك و مراجعت به روم، واقبالنامه در حکمت وپیغامبری اسکندراست . در این کتاب ، نظامی به داستان‌اسکندر در شاهنامهٔ فردوسی نیز نظر داشته است .

اسکندرنامه (ك) کتاب مفصلی به نثر ، مشتمل برافسانه‌های منسوب به اسکندر ذوالقرنین . این کتاب ظاهراً درعصر صفویه تدوین‌شده و از افسانه‌های عامیانهٔ ایران است که رواج بسیار دارد و چندین بار به چاپ رسیده است .

اسکندرنامه (ك) کتابی در داستان اسکندر به نثر ، از آثار قرن‌ششم هجری .

اسمعیل‌بن حماد جوهری‌فارابی (ت) «رجوع شود به جوهری»

اسیر (ت) [ف : ۱۰۷۹] میرزا سید جلال اسیر اصفهانی. از سادات اصفهان و معاصر شاه عباس ثانی. اساس شعر را بر مضامین دقیق و خیال‌پردازی نهاده ومورد تقلید طرفداران سبك هندی قرارگرفته است. اسیر دارای غزلهای لطیف است و قصایدی درمدح خاندان پیغمبر دارد .

اشارات (ك)الاشارات و التنبیهات‌آخرین و بهترین کتاب در حکمت، تألیف دانشمند بزرگ ابو علی سینا که شامل دو قسمت است . قسمت اول درعلم منطق وقسمت دوم درعلم طبیعی والهی . خواجه نصیر الدین طوسی بر این کتاب شرحی نوشته است به‌نام : حل مشکلات الاشارات .

اشارات و تنبیهات (ك) ترجمهٔ کتاب الاشارات والتنبیهات ابوعلی‌سینا به‌زبان فارسی که ظاهراً در حدود قرن‌ششم به فارسی در آمده‌است.

اشاره (ب) آن‌است که شاعر یانویسنده، خواننده را بالفظ کم به‌معنی بسیار دلالت کند.

من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش
که تو خود دانی اگر زیرك و عاقل باشی
«حافظ»

اشباع (ق) ﷲ حرکات قافیه. حرکت دخیل. مانند حرکت یاء در دو کلمهٔ شمایل و قبایل در این شعر.

چشم‌بدت دور ای بدیع شمایل ماه من و شمع جمع ومیر قبایل
«سعدی»

اختلاف حرکت دخیل جایز نیست مگر وقتی که روی به حرف وصل پیوندد.

ای نفس اگر به دیدهٔ تحقیق بنگری
درویشی اختیار کنی بر توانگری
مردی گمان‌مبر که به‌پنجه‌است‌وزوروکتف
با نفس اگر برآئی دانم که شاطری
«سعدی»

اشتقاق (ب) آن است که شاعر الفاظی به‌کار برد که از یك اصل مشتق باشد. مانند کلمه‌های مداین و مدین دراین شعر.

شنیدم من که بر پای ایستاده
رسیدی تا به زانو دست بهمن

رسد دست تو از مشرق به مغرب
زاقصای مداین تا به مدین

«منوچهری»

اشعةاللمعات (ك) - کتابی به‌زبان‌فارسی در شرح کتاب لمعات شیخ فخرالدین عراقی که مولانا عبدالرحمن جامی در سال ۸۸۶ آن‌را به خواهش امیرعلیشیر نوائی تألیف کرده است. این کتاب‌شامل یك مقدمه و ۲۸ لمعه است. جامی در مقدمهٔ کتاب می‌گوید که چون عده‌ای از قبول عقاید مندرج در کتاب لمعات عراقی امتناع کردند، او به تفسیر و شرح آن ناچار شد و از کتابهای دیگر مشایخ صوفیه نیز استفاده کرده است. بنابراین بعداز مقدمه، نکته‌های مختلف عرفانی را به انضمام سؤال و جواب شرح داده و به‌این طریق کتاب‌را تفسیر می‌کند و به قطعهٔ ملمع عربی‌وفارسی آن را ختم می‌کند.

اصحاب کهف (تن) کهف به معنی غار است و اصحاب کهف شش تن بودند که در عهد دقیانوس به خداپرستی گرائیدند و از ترس او شبانه گریختند. در راه شبانی باایشان همراه شد، خواستند که سگ شبان‌را به شهر باز گردانند، ولی سگ به سخن درآمد و گفت: «من نیز آن کس را می‌طلبم که شما می‌طلبید.» دست از اوبازداشتند و همگی به‌غاری رفتند و خوابیدند. پس ازسیصدونه سال بیدار شدند، یکی از ایشان به شهر رفت تا طعامی فراهم کند، چون سکه به نام دقیانوس بود، طباخ اورا پیش‌فرمانروای

شهر برد . فرمانروا زبان اورا نمی‌فهمید، دانشمندی را حاضر کرد که زبان اورا دریافت و واقعه را درك کرد . همگی برای زیارت آن عده به غار رفتند تاایشان را باتجلیل و احترام به شهربیاورند، ولی اصحاب کهف به این امرتن در ندادند و دعاکردند تا خدای تعالی مرك برایشان فرستاد .

سگ اصحاب کهف روزی‌چند پی نیکـان گرفت و مردم شد

«سعدی»

اصطخری (ت) ابواسحق ابراهیم‌بن‌محمد الفارسی الاصطخری معروف به کرخی ازدانشمندان قرن چهارم هجری که کتاب مشهوری به‌زبان عربی در جغرافیا دارد به نام : المسالك والممالك .

اصفهانی (ت) ابوالفتح محمودبن محمدبن قاسم‌الاصفهانی ازمترجمان و ریاضی‌دانان قرن‌چهارم که ترجمهٔ کتاب المخروطات‌اپولونیوس راکه به توسط هلال بن ابی هلال الحمصی و ثابت بن قره انجام گرفته بود ، تکمیل کرد و تفسیری برآن نوشت .

اضافه (ط) ازمقولات عشر . مفهوم اضافه، وجود چیزیست که‌تصورش با تصور چیز دیگری توأم باشد وبدون آن دیگری به‌عقل درنیاید، مثل تصور پدری و پسری ؛ که بدون یکدیگر ممکن نیست .

اطناب (ب) آن است که ترتیب معانی کمتر از الفاظ باشد .

من و توایم و من و تو که در جهان نبود
من و ترا به هنر جزمن و تو یـار و قرین

اعتدال (نج) دونقطه‌از منطقة‌البروج است که زمین چون درگردش‌خود

ACCNO 83254
Date:-19-5-82

به دور آفتاب به‌آن نقاط برسد ، شب و روز در آن یکسان می‌شود.
اعتدال بردوگونه است: اعتدال ربیعی- اعتدال خریفی.

اعتدال خریفی (نج) اول پائیز که در آن شب و روز مساوی می‌شود .

اعتدال ربیعی (نج) اول بهار که در آن شب و روز مساوی می‌شود .

اعتراض (ب) آن است که گوینده مطلبی را ذکر کند که قابل اعتراض باشد و بعد آن‌را به نحوی رفع کند.

هست یکی در جهان از تو کرم پیشه تر
لیك نرنجی که نیست غیر جهـان آفرین

اعتمادالسلطنه (ت) میرزا محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله مقدم مراغه‌ای.
محمدحسن‌خان صنیع‌الدوله‌رئیس انطباعات‌دولتی دربارناصرالدین شاه که در سال ۱۳۰۴ لقب اعتمادالسلطنه یافت . هرسال کتـابی زیرنظر صنیع‌الدوله در مطبعهٔ دولتی به چاپ می‌رسید و روزنامهٔ «ایران» نیز به‌ریاست اوهفته‌ای سه‌شماره منتشرمی‌شد. روزنامه‌های کوچك دیگر مانند : مرآت‌السفر و مشکوة‌الحضر در سرگذشت مسافرت شاه در اردوی شاهی وروزنامهٔ علمی مصور و روزنـامهٔ شرف درزمان او و به‌همت او انتشار یافت. از آثار اعتمادالسلطنه کتـاب : مرآت‌البلدان ، مطلع‌الشمس ، المآثر و الآثار ، تـاریخ ایران ، منتظم ناصری و خیرات حسان است .

اعنات (ب) آن است که گوینده در کلام ملزم به چیـزی شود که لازم نیست و آن را التزام مالایلزم‌گویند مانند شمایل وقبایل دراین‌شعر.

چشم بدت دور ای بدیع شمایل ماه‌من و شمع جمع و میر قبایل

که سعدی تا آخر غزل یاء ماقبل لام را التزام کرده است.

اغراق (ب) آن است که گوینده در وصف کسی یاچیزی به‌نوعی مبالغه کند که برحسب عادت محال باشد.

آه سعدی اثر کند در سنگ   نکند در تو سنگدل اثری

افاعیل (اصلی) (ع) از ترکیب و تقدیم وتأخیر ارکان عروض ده‌وزن (به عقیدهٔ شمس قیس مؤلف المعجم فی معائیر اشعار العجم) به‌وجود می‌آید که بنای همهٔ اشعار عرب و عجم بر آن نهاده شده است و عروضیان آنهارا «افاعیل» می‌خوانند ازاین قرار : فعولن، فاعلن، مفاعیلن ، مستفعلن ، فـاعلاتن ، مفاعلتن ، متفاعلن ، مفعولات ، فاع‌لاتن ، مس‌تفع‌لن .

ازترکیب‌این افاعیل سه صورت حاصل می‌شود. ترکیب یك سبب ویك وتد ، دو سبب ویك وتد ، یك وتد و یك فاصله .

از ترکیب یك وتد و یك سبب صورتهای ذیل حـاصل می‌شود :

۱ ـ اگر وتد برسبب مقدم باشد ، وزن فعولن به وجـود می‌آید ، مانند: مخور غم .

۲ـ اگر سبب بر وتد مقدم بـاشد ، وزن فاعلن به وجود می‌آید ، مانند: غم مخور .

از ترکیب‌دوسبب و یك وتد شش‌صورت حاصل می‌شود. از این قرار :

ترکیب دوسبب و وتد مقرون سه‌صورت دارد:

۱ــ اگر وتد مقرون بردو سبب مقدم باشد ، مفـاعیلن به وجود می آید . مانند: مخور غم رو

۲ــ اگر دوسبب بروتد مقـرون مقدم باشد ، مستفعلن به وجود می آید، مانند: رو غم‌مخور

۳ــ اگر وتد مقرون درمیان دو سبب قرار گیرد ، فاعلاتن به‌وجود می آید ، مانند: غم مخور رو

ترکیب دوسبب و وتد مفروق‌نیز سه‌صورت دارد:

۱ــ اگر دوسبب بروتد مفروق مقدم باشد ، مفعـولاتُ به وجود می‌آید . مانند: دل شد تازه

۲ــ اگر وتد مفروق بر دوسبب مقدم باشد ، فاع لاتن به وجود می آید، مانند: تازه شد دل

۳ــ اگر وتد مفروق میان دوسبب قرارگیرد، مس تفع‌لن به‌وجود می آید، مانند: دل تازه شد

ترکیب یك وتد ویك‌فاصله دوصورت دارد:

۱ــ اگر وتد برفاصله‌مقدم شود ، مفاعلتن به‌وجودمی آید، مانند: بتا چکنم

۲ــ اگرفاصله بروتد مقدم‌شود ، متفاعلن به‌وجود می آید، مانند: چکنم بتا

در اصول عروض پارسی بیش از هفـت جزء یا فعل از افاعیل ده‌گانهٔ‌فوق استعمال‌نمی‌شود. ازاین‌قرار: مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن ، مفعولات ، فاع لاتن ، مس‌تفع‌لن ، فعولن .

افاعیل (فرعی) افاعیل فرعی بیست‌وشش است از این قرار :
مفاعیلُ ، مفاعیل ، فعولن ، فاعلن ، مفعولن ، مفعولُ ، مفعول ، مفاعلن ، فاع ، فع ، فاعلات ، فعلاتن ، فعلات ، فعلن ، فع‌لن ، فاعلان، فعلان، مفتعلن ، فعولان ، مفعولان ، فعولُ، فعول فعل ، فع‌لان ، مفاعیلان، فاعلیان . (فعولن) هم دراصول به‌شمار آمده است وهم در فروع .

افسر (ت) [ف : ۱۳۵۹] شیخ‌الرئیس محمد هاشم میرزا افسر فرزند نورالله میرزا در سبزوار متولد شد و در همان شهر به تحصیل علوم قدیم مانند منطق و معانی و بیان و حساب وهندسه پرداخت. علوم معقول و منقول‌را نزد حاج‌میرزا حسن‌حکیم داماد حاجی‌سبزواری آموخت .

افسر در مجلس‌شورای‌ملی از دورهٔ دوم تا دورهٔ نهم نمایندگی داشت و چندین‌بار عهده‌دار نیابت ریاست مجلس بود. افسر مؤسس انجمن ادبی ایران‌است . وی در اشعار خود اغلب مضامین نو و اوزان غیر مبتذل اختیار کرده و در نقدشعر نیز دست داشته است . (دیوان افسر ـ چاپ تهران)

افضل‌الدین کاشی (ت) [ف : ۷۰۷] افضل‌الدین محمدبن حسین مرقی کاشانی ، معروف به بابا افضل از حکیمان و ادیبان قرن هفتم و اهل مرق از توابع کاشان . باباافضل تألیفات بسیار به زبان فارسی دارد . مانند جاودان نامه ، و ترجمهٔ رسالهٔ نفس ارسطو ، المفید للمستفید ، ره‌انجام‌نامه ، انشاء نامه ، رسالهٔ عرض ، رساله

درمنطق و غیره .

بابا افضل از کسانی است که مطالب علمی و فلسفی را به فارسی محکم و موجز نوشته است و با آنکه لغات فراوان پارسی بجای اصطلاحات عربی به کار برده است ، بهیچوجه از فصاحت و روانی ترجمه نکاسته است . عبارات در نثر او بسیار کوتاه و فهم آن برای کسانی که به اصطلاحات علمی آشنا باشند ، بسیار آسان است .

افضل کرمانی (ت) [ف : ۵۳۲] افضل الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی . از نویسندگان آخر قرن ششم که در تسلط غزان بر کرمان در آن شهر می‌زیست. وی معاصر ملك دینار بود که درسال ۵۸۳ به کرمان استیلا یافت و شاهد کشاکشهای عمال اتابك فارس ، سعدبن زنگی و قطب‌الدین مبارز و سلطان محمد خوارزمشاه بود . چنانکه از فصل آخر کتابش برمی‌آید، بعدازشروع انقلابات کرمان چند سال سمت کتابت پسران طغرلشاه را داشت . پس از آن جلای وطن اختیار کرد و رو به سوی خراسان‌نهاد ودر کوبنان متوقف شد و پنج‌سال آنجاماند . پس از آن به یزد رفت و درسال ۵۸۴ به کرمان بازگشت. از آثار او کتاب: عقدالعلی للموقف‌الاعلی و بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان و المضاف الی بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان است .

اقبال (ت) [ف : ۱۳۳۴ ش] عباس اقبال آشتیانی . تحصیلات خود را در مدرسهٔ دارالفنون تهران به پایان رساند و در کتابخانهٔ

عمومی وزارت معارف به کار مشغول شد . سپس در مدارس علوم سیاسی و نظام و دارالمعلمین عالی به تدریس پرداخت ، پس از آن سفری به پاریس کرد و از دانشگاه سوربن به اخذ لیسانس در رشتهٔ ادبیات نائل آمد . پس از بازگشت ، دردانشگاه تهران به تدریس پرداخت و در سالهای آخر عمر به‌سمت مستشار فرهنگی درترکیه و ایتالیا اجرای وظیفه می کرد. از جملهٔ کارهای پرارزش اقبال انتشار مجلهٔ « یادگار » در سال ۱۳۲۳ ش است . اقبال به زبان فرانسه تسلط کامل داشت و چندین کتاب از این زبان به فارسی ترجمه کرده است . همچنین در تصحیح و تحشیهٔ بسیاری از کتابهای ادبی و تاریخی ایران کوشش کرد . از جملهٔ تألیفات او: خاندان نوبختی، تاریخ مفصل ایران ، قابوس‌وشمگیر زیاری ، ابن‌المقفع ، بحرین و جزایر خلیج فارس و چند دوره جغرافیا و تاریخ عمومی و تاریخ ایران برای مدارس است .

اقبال (ت) [ف : ۱۳۵۷] علامه محمد اقبال لاهوری از شاعران بزرگ پاکستان که به زبان فارسی شعر گفته و اشعارش دارای ذوق‌عرفان و اندیشه‌های عمیق است . اقبال در کشورهای انگلستان و آلمان تحصیل کرده است ، از اینرو افکار تمدن مغرب زمین را با اندیشه‌های‌دقیق شرقی در شعر آمیخته‌است. آثاراودرمجموعه‌هائی به نام : جاویدنامه ، پیام شرق ، اسرار ورموز ، ارمغان حجاز ، چاپ شده است .

اقتباس (ب) آن است که گوینده یانویسنده آیه‌ای از قرآن یا قسمتی

از حدیثی یا قطعه‌ای را از جایی نقل کند بی آنکه نام مأخذ را ذکر کند :

محتسب خم شکست و من سر او
سن بالسن و الجروح قصاص
«حافظ»

صورت اقبال ترا بر جبین
انا فتحنا لك فتحاً مبین
«سلمان ساوجی»

اقتران (نج) «رجوع شود به قران»

اقلیدس (ت) [ف : در حدود ۲۸۵ قبل از مسیح] ریاضی دان بزرگ یونان و واضع علم هندسه . وی پس از بسته‌شدن مدرسهٔ افلاطون از آتن به اسکندریه رفت و در آنجا مدرسه‌ای برای تدریس علم ریاضی تأسیس کرد و بطلیموس نزد وی شاگردی کرد . از آثار وی کتاب : اصول الهندسه می‌باشد که در زمان وی کاملترین کتاب در این علم بود. این کتاب شامل سیزده مقاله است و به‌وسیلهٔ مترجمان دورهٔ اسلامی به عربی ترجمه شده و بر آن شرح بسیار نوشته‌شده است . دیگر کتاب: مفروضات وثقل و خفت می‌باشد .

اقوا (ق) از عیوب قافیه . اختلاف حذو و توجیه است.

مثال اختلاف حذو :

هروزیر و مفتی و شاعر که او طوسی بود
چون نظام‌الملك و غزالی و فردوسی بود

مثال اختلاف توجیه :

از غصهٔ هجران تو دل پردارم
پیوسته از آن دیده به خون تر دارم

اکبرنامه (ك) یا تاریخ اکبری تاریخ مفصلی است به زبان فارسی تألیف شیخ ابوالفضل دکنی ، وزیر اکبرشاه که آن را در آخر قرن دهم هجری در هندوستان و دربارهٔ تاریخ پادشاهی اکبرشاه و تیموریان هند تألیف کرده است . این کتاب در سه جلد است و جلد چهارم آن به نام آئین اکبری معروف است .

البرز (ش ـ ت) نام سلسلهٔ کوهی که درشمال تهران واقع است وبرطبق داستان شاهنامه ، رستم کیقباد را از آنجا همراه آورد و بر تخت شاهی نشاند و سیمرغ زال را برفراز آن پرورش داد .

اگر کیقبادم ز البرز کوه — به زاری فتاده میان گروه
نیاوردمی من به‌ایران زمین — نبستی کمربند وشمشیر کین
ترا این بزرگی‌نبودی و کام — که گوئی سخنها به دستان‌سام

«از شاهنامهٔ فردوسی»

التزام (ب) آن است که‌شاعر حرفی یا کلمه‌ای‌راتکرار کند که‌تکرارش لازم نیست مانند سنگ وزر و سیم در این اشعار

تا دلبر سنگدل زر و سیمم خواست
ازسنگ زروسیم تراشم چپ وراست
با سنگدلان به سیم و زر شاید زیست
بی سنگی ما زبی زرو سیمی ماست

التفات (ب) آن است که نویسنده در اثنای بیان مطلب ، از غیبت به خطاب توجه‌کند یا به‌عکس

از غیبت به خطاب :

مه است این یا ملك یا آدمیزاد
توئی یا آفتاب عالم افروز

«سعدی»

از خطاب به غیبت :

داد ساقی ساغری دوشم ز صهبای وصول
شستی ای ساقی مرا ازلوح دل نقش فضول

الست (تن) یعنی «آیانیستم» اشاره به آیهٔ قرآن است که در آن خداوند به آدمیان خطاب کرد که «الست بربکم» یعنی «آیا من پروردگار شما نیستم» «قالوا بلی!» یعنی «گفتند که آری» و در شعرفارسی به معنای روز ازل آمده‌است.

برو ای‌زاهد و بر دردکشان خرده مگیر
که ندادند جزاین تحفه به ماروزالست

«حافظ»

الف لیلة و لیله (ك) «رجوع شود به هزارو یك شب»

امام فخر رازی (ت) «رجوع شود به فخررازی»

امامی هروی (ت) [ف : ۶۶۷] ابوعبدالله محمدبن ابوبکربن عثمان . از شاعران قرن هفتم و معاصران سعدی . امامی با مجد همگر و شاعران دیگر سؤال و جواب منظوم داشته و اشعاری درمدح امیران و وزیران کرمان دارد .

از مجدالدین همگر شعری منقول است که درمعرفی امامی کافی است .

ما گرچه به نطق طوطی خوش نفسیم
بر شکر گفته‌های سعدی مگسیم

در شیوهٔ شاعری به اجماع امم
هرگز من و سعدی به امامی نرسیم

قطعاتی از اشعار امامی در تذکرهٔ دولتشاه و آتشکدهٔ آذر

و مجمع الفصحا ضبط است و نسخهٔ خطی دیـوان او هنوز به چاپ نرسیده‌است .

امروءالقیس (ت) امروءالقیس بن حجرالکندی ازشاعران دورهٔ‌جاهلیت عرب و صاحب مشهورترین قصیدهٔ معلقات سبع . در این قصیده امروءالقیس صید و اسب وباران و برق را وصف کرده ومطلع آن زاری برخرابه‌های خانهٔ معشوق است :

قفا نبك من ذكری حبیب و منـزل

بسقطاللوی بین الدخـول فحومل

شاعران‌فارسی‌زبان درشعرخودگاه به‌این شعرامروءالقیس اشاره کرده‌اند :

قوس وقزح قوس‌وار، عالم فردوس‌وار

کبك مروالقیس وار کرد قفا نبك یاد

«منوچهری»

امهات سفلی یا امهات اربعه (نج) کنایه از چهار عنصر: آب و بـاد و خاك و آتش.

امیدی تهرانی (ت) ارجاسب [مقتول ۹۲۵] ازشاعران عهدشاه‌اسمعیل صفوی و از شاگردان حکیم جلال‌الدین دوانی . بیشتر اشعـارش قصیده است و قسمتی از آنهـا که شامل ۱۷ ورق می‌باشد ، در موزهٔ بریتانیا وجود دارد . در مجمع‌الفصحاء وآتشکده اشعاری ازاو آمده است .

امیر خسرو دهلوی (ت) [ف : ۷۲۵] امیر خسروبن امیر سیف‌الـدین محمود دهلوی . از شـاعران بزرك ایران‌که در هندوستان (شهر

دهلی) اقامت داشته و شاهان هند را مدح کرده است. امیرخسرو در حلقهٔ ارادت یکی از مرشدان صوفیهٔ هند به نام شیخ نظام‌الدین اولیاء در آمد.

امیرخسرو در شعر ازسنائی و خاقانی و نظامی و سعدی پیروی کرده، خاصه درغزل پیرو سبك سعدی بوده‌است، ولی‌خود او با وجود پیروی از شاعران دیگر می‌گوید: «جلد سخنم دارد شیرازهٔ شیرازی» در شعرلحن خاصی داردکه به تدریج صورت تازه‌ای یافته و به سبك هندی معروف شده است. دیوان اشعار امیرخسرو برپنج قسمت است:

۱ ـ تحفة‌الصغر که در دوران جوانی سروده و مرکب است از قصاید، غزلیات، ترجیع‌بند و درآن سلطان غیاث‌الدین بلبان (۶۶۴ ـ ۶۸۶) و پسرش و شیخ نظام‌الدین اولیاء را مدح کرده است.

۲ـ واسطة‌الحیوة که‌درآن‌قصایدی درمدح شیخ‌نظام‌الدین اولیاء و نصرة‌الدین سلطان‌محمد، پسر بزرك (بلبان مقتول ۶۷۳)، وسلطان معزالدین کیقباد (۶۷۶ ـ ۶۸۹) دارد.

۳ـ غرة‌الکمال که در مقدمهٔ آن از شعرفارسی ومحسنات آن سخن‌گفته و از شاعران بزرك ایران، مانند سنائی و خاقانی و سعدی و نظامی نام برده وشیخ نظام‌الدین‌اولیاء وسلطان معزالدین کیقباد و جلال‌فیروزشاه (۶۸۹ـ۶۹۵) و جانشین‌های او رکن‌الدین و علاءالدین را مدح کرده است.

۴- بقیة‌النقیه که قسمتی از آن‌درمدح علاءالدین‌محمدشاه (۶۹۵- ۷۱۵) و پسرش و امیران دیگر است ودرزمان پیری شاعر سروده شده‌است .

۵- نهایة‌الکمال که‌شامل‌قصاید در مدح سلطان‌غیاث‌الدین تغلق (۷۲۰ - ۷۲۵) ودر مرثیهٔ سلطان قطب‌الدین مبارک‌شاه (متوفی ۷۲۰) است و اشعار دورهٔ آخر زندگی شاعرست.

قصاید امیر خسرو بسیار طولانی است و در بسیاری از آنها قصاید خاقانی را در نظر داشته است و به نظامی هم عقیدهٔ خاصی داشته و به تقلید از او خمسه‌ای ساخته است ، مشتمل بر منظومه‌های : ۱- مطلع‌الانوار ۲- شیرین و خسرو ۳- مجنون و لیلی ۴- آئینهٔ اسکندری ۵- هشت بهشت

امیر خسرو منظومه‌های دیگر نیز مانند قران‌السعدین و نه سپهر ومفتاح‌الفتوح دارد که در شرح حال و اوصاف شاهان هند است. از کتابهای‌منثور اوخزائن‌الفتوح‌است ، دیگررسایل‌الاعجاز درفن انشاء .

امیر خسرو را می‌توان بزرگترین شاعر ایرانی مقیم هند نامید . (کلیات امیرخسرو دهلوی چاپ هند)

امین احمد رازی (ت) ازتذکره‌نویسان قرن‌یازدهم ومعاصرشاه‌طهماسب. وی پسر خواجه میرزا احمد است که در سال ۹۳۰ از جانب شاه طهماسب، کلانتری ری‌را داشته‌است ، امین‌احمدرازی کتابی در

جغرافیا و شرح حال بزرگان و رجال ادب دارد، به‌نام هفت‌اقلیم.

امینی نجار (ت) ابوسرافه عبدالرحمن بن احمدالبلخی‌الامینی النجار. از شاعران عصر محمود غرنوی. از زندگیش اطلاعی در دست نیست. قصیده‌ای ازاو در لباب‌الالباب عوفی ضبط است.

انسجام (ب) کلامی است خالی از تکلف و روان که همهٔ کلمات در آن به موقع آورده شود:

آخر نگهی به سوی ما کن
دردی به تفقدی دوا کن

بسیار خلاف وعده کردی
آخر به غلط یکی وفا کن

«سعدی»

انفعال (ط) (از مقولات عشر) انفعال عبارت است ازقبول کردن تأثیراز غیر. مثل گرم شدن آب از آتش.

انقلاب (نج) دو نقطه از منطقةالبروج است که زمین چون در گردش خود به دور آفتاب به آن نقاط می‌رسد، شب و روز به حداعلای تفاوت باهم می‌رسند. انقلاب بردوگونه است: انقلاب صیفی، انقلاب شتوی.

انقلاب شتوی (نج) یاانقلاب‌زمستانی در روز اول زمستان است که‌روز به منتهای کوتاهی و شب به منتهای بلندی می‌رسد.

انقلاب صیفی (نج) یاانقلاب تابستانی درروز اول تابستان است که‌روز به منتهای بلندی و شب به منتهای کوتاهی می‌رسد.

انگشتری سلیمان (تن) انگشتری که سلیمان در دست داشت و به‌وسیلهٔ

آن برانسان و جانوران پادشاهی می کرد و دیوی آن را ربود و چهل‌روز بجای سلیمان برتخت نشست .

از ملک تو گر یابم انگشتری زنهار
صد ملک سلیمانم در زیرنگین باشد

«حافظ»

ادوار (ت) [ف:۸۳۷] سیدعلی بن هرون‌بن ابوالقاسم الحسینی‌التبریزی. سید قاسم‌الانوار از اکابر صوفیه و شاعران عارف و شاگرد شیخ صدرالدین اردبیلی از اجداد صفویه بوده است . وی مدتی در گیلان اقامت کرد ، بعد به خراسان رفت و در هرات ساکن شد . در زمان سلطنت تیمور وفرزندش شاهرخ‌درهرات می‌زیسته‌است، ولی به سبب سوء ظنی که میرزا بایسنقر پسرشاهرخ به او پیدا کرده‌بود ، از هرات به سمرقند رفت وتحت حمایت میرزاالغ‌بیك قرارگرفت ، بعد به خراسان بازگشت و در خرجرد ازولایت جام اقامت کرد و همانجا وفات یافت .

از آثارقاسم‌الانوار دیوان غزلیات وقطعات ورباعیات او و دو مثنوی : انیس‌العاشقین و انیس‌العارفین است . «رجوع شود به‌انیس‌العارفین» (نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار)

ادوارالتنزیل واسرارالتأویل(ك) یاتفسیر بیضاوی. تفسیربسیارمعتبری از قرآن به‌زبان عربی تألیف ناصرالدین بیضاوی از عالمان و مفسران مشهورعصرمغول . تفسیربیضاوی درمیان عالمان وفاضلان بسیارمعتبر ومورد استفاده بوده‌است، وبه‌سبب همین تفسیرمعروف است که بیضاوی به‌مقام‌قاضی‌القضاتی رسیده است.شیخ‌بهائی براین

تفسیر حواشی و تعلیقات مفصل نوشته است .

انوارسهیلی (ك) یکی از مهمترین آثار ادبی زبان فارسی، تألیف ملا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی که آن را به‌نام امیرشیخ احمدسهیلی ازامیران دربار سلطان حسین بایقرا نگاشته است. این کتاب ازروی کتاب کلیله ودمنهٔ ابوالمعالی منشی انشاء گردیده ومانند آن پراز اشعاروامثال‌عربی است،مؤلف انوارسهیلی‌خواسته است که کتابش رابه‌شیوهٔ‌ساده بنویسد وبه‌جای امثال واشعار عربی وعبارات‌مصنوع اصطلاحات ساده‌تر وامثال فارسی به‌کاربرد تافهم‌آن‌آسانتر گردد . بااینحال شیوهٔ‌نگارش‌کتاب تابع سبک‌متکلف قرن نهم‌هجری‌است وازلفاظی وعبارت پردازی خالی‌نیست .

انوشیروان (ش- ت) خسرو اول ازشاهان ساسانی ، پسرقباد. نام او در عربی به‌صورت «کسری» آمده ودرادبیات فارسی نیزغالباً به‌همین صورت به‌کاررفته‌است. درزمان پدرش، قباد، مزدك آئین نوی‌آورد وقباد دین‌اورا پذیرفت، ولی‌پس‌ازچندی‌ازاو روبرگرداند و کسری به‌فرمان پدرمزدك ومزدکیان را کشت و چون به تخت نشست به کشورداری و آبادی پرداخت، دخترخاقان چین راگرفت ودوستی ایران وچین را استوارساخت. درزمان انوشیروان شطرنج ازهند به ایران‌آمد، همچنین به‌دستورانوشیروان ، کتاب‌کلیله ودمنه‌بوسیلهٔ برزویهٔ طبیب‌به‌ایران‌آورده شد وبه‌زبان پهلوی ترجمه‌گردید.همین ترجمه‌است که درقرن‌دوم هجری‌ابن‌مقفع‌آن را به‌عربی‌برگرداند . انوشیروان با قیصرروم جنگید و براو پیروز شد وقیصررا باژگزار

ایران کرد .

در ادبیات فارسی ، انوشیروان نمونـهٔ دادگری و رعیت پروری است .

انوری (ت) [ف:۵۸۳] اوحدالدین محمدبن محمدانوری ملقب به‌حجة الحق درقریهٔ بدنه ازولایت ابیورد متولد شد. درجوانی درطوس به‌تحصیل‌همت‌گماشت وعلاوه‌برادبیات، درریاضی‌وفلسفه‌وحکمت نیزمهارت یافت. به‌آثارابوعلی‌سیناعلاقهٔ بسیارداشت وبعضی‌از‌آنها را به‌خط خود نوشت . انوری به نجوم هم علاقهٔ خاص داشت و می‌گویند که دراقتران کواکب سال۵۸۳ پیشگوئی بادسختی را کرد که حقیقت نیافت .

انـوری غیر از سنجر بسیاری از رجـال معروف از قبیل ابوالحسن عمرانی و قاضی حمیدالدین صاحب «مقامات حمیدی» را مدح‌گفته است.

انوری از قصیده سرایان‌معروف قرن ششم است. وی‌ابتدا درشعر«خاوری»تخلص می کرده ودرقصیده‌سرائی ازحیث فصاحت لفظ و دقت معنی از پیشینیان سبقت گرفته است . غزلیاتش بسیار لطیف و دل‌انگیزاست و درهجو نیزماهر بوده‌است.

انوری درتغییرسبك سخن فارسی بسیارمؤثربوده وطریقهٔ تازهٔ او استفاده اززبان محاوره است درشعر . اشعارش‌گاه سادگی وروانی خاصی‌دارد وگاه‌دارای معانی دقیق‌ومشکل‌می‌شود. شاعران پس‌از انوری همه اورا به‌استادی ستوده‌اند. دیوان انوری چندین

بار چاپ شده است .

انیس العارفین (ک) منظومه‌ای عرفانی از آثار سید قاسم الانوار (متوفی ۸۳۷) این منظومه دارای مقدمه‌ای به نثر در حمد خدا و ۵۰۷ بیت است. موضوع کتاب پاسخ به پنج سؤال است این سؤالها عبارت است از نفس ، روح، قلب، عقل، عشق، که شاعر در توضیح هر یك داستانی آورده است. از جمله داستان ملاقات شیخ صفی‌الدین جد صفویه باشیخ سعدی شیرازی است. این مثنوی از حیث سبك بیان و ادای معانی ، تقلیدی است از مثنوی مولانا جلال‌الدین و بوستان سعدی .

اوحدالدین کرمانی (ت) [ف : ۶۳۵] شیخ ابو حامد اوحدالدین کرمانی از عارفان معروف ایران و از پیروان و شاگردان شیخ محی‌الدین بن العربی. از اوحدالدین آثار فراوانی در دست نیست . مثنوی مصباح الارواح از او باقی است وقطعات پراکنده‌ای در مجمع الفصحا از او نقل شده است .

اوحدی مراغه‌ای (ت) [ف ۷۳۸] رکن‌الدین اوحدی اصفهانی از شاعران متصوف آذربایجان که قسمت مهمی از عمر خود را در اصفهان بسر برده است. در عرفان به یك واسطه مرید عارف معروف شیخ ابو حامد اوحدالدین کرمانی (متوفی ۶۳۵) بوده و تخلص خود را از او گرفته است.

اوحدی در دورهٔ سلطنت آخرین ایلخان مغول ، ابوسعید، می‌زیسته، واو وغیاث‌الدین محمد را مدح گفته است. دیوان اوحدی

مرکب است از قصاید و غزلیات و قطعات و ترجیع‌بند و رباعیات. درغزل عرفانی نیزدست داشت. از آثاردیگراومثنوی منطق‌العشاق است که آن را در سال ۷۰۶ به نام وجیه‌الدین شاه نبیرهٔ خواجه نصیرالدین طوسی ساخته است . دیگر مثنوی معروف جام جم است. «رجوع شود به جام جم»

اوستا (ك) کتاب دینی زردشت پیغمبر ایرانی که شامل پنج جزء است :
۱ـ یسنا که گاتا(سرود زرتشت) جزو آن‌است ۲ـ ویسپرد ۳ـ وندیداد ۴ـ یشت ۵ـ خرده‌اوستا

پور داود استاد دانشگاه تهران اوستا را به فارسی امروز برگردانده وتفسیر کرده است (ازسلسلهٔ انتشارات انجمن‌زرتشتیان ایرانی بمبی).

اوصاف‌الاشراف(ك) کتابی درعرفان وسلوك‌به‌زبان فارسی، تألیف‌خواجه نصیرالدین طوسی که آن‌را بنا به‌خواهش وزیر دانشمند، خواجه بهاءالدین‌محمد جوینی، تألیف‌کرده است. (چاپ تهران)

اهریمن(تن) نزد ایرانیان قدیم مظهر ناپاکی وتیرگی که پیوسته بااهورا مزدا ، خدای پاکی وصفا ونور ، در جنگ است . اهریمن گاهی اشاره به‌دیوی است که انگشترسلیمان را به دست آورد وچهل‌روز بجای او بر تخت نشست. شیطان‌هم‌گاهی درفارسی اهریمن‌خوانده می‌شود :

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

اهلی ترشیزی (ت) [ف:۹۳۴] یا اهلی خراسانی ازجملهٔ شاعران دربار سلطان‌حسین وامیرعلیشیرنوائی. اشعاروی درهندوستان بیشترمورد توجه قرارگرفته است.

اهلی شیرازی (ت) [ف:۹۴۲] از شاعران قرن دهم و از معاصران شاه اسمعیل‌صفوی. اشعارش شامل قصاید وغزلیات است. قصایدمتعددی درمنقبت پیغمبراسلام دارد. ازآثاراهلی مثنوی سحرحلال‌است که آن رادرجواب تجنیسات ومجمع‌البحرین کاتبی به‌دوبحرودوقافیه سروده است . دیگر شمع وپروانه ومجموعهٔ رباعیاتی به‌نام‌ساقی نامه است.

ایاز (ت) نام غلام ترك سلطان محمود که محبوب اوبود و به زیرکی وملاحت معروف، ودرادبیات فارسی به عنوان محبوب ومعشوق محمود ذکرشده است:

دست دل مجنون و خم طرهٔ لیلی
پیشانی محمود وکف پای ایاز است
«حافظ»

ایجاز (ب) آن است که ترتیب معانی بیش ازالفاظ باشد :

عشق دیدم که در مقابل صبر
آتش و پنبه بود و سنگ و سبوی
«سعدی»

ایجی (ت) [ف: ۷۵۶] مولانا عضدالدین عبدالرحمن احمد ایجی ، از عالمان معروف فارس و از قصبهٔ ایج . وی معاصر شیخ ابواسحق اینجو وسلسلهٔ آل‌مظفر است . قاضی عضدالدین فقیهی شافعی‌است که به‌منصب قضا اشتغال داشته‌است . آثاربسیار درفلسفه وکلام و

مذهب و اخلاق به زبان عربی دارد که از معروفترین آنها کتاب المواقف فی علم‌الکلام است و از متون معتبر علم کلام به شمار می‌رود .

ایرانشاه بن‌ابی‌الخیر (ت) ازشاعران اواخر قرن پنجم ومعاصرسلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی که‌داستان بهمن پسراسفندیاررا درحدود سال‌پانصد هجری به‌نظم آورده‌است.

ایرج (ش ـ د) پسر فریدون، از شاهان سلسلهٔ پیشدادی . چون فریدون کشورخودرا میان پسران تقسیم کرد و ایران وعربستان را به ایرج داد، برادران که از سهم خود ناراضی بودند، بروی حسد بردند و اوراکشتند وسرش را نزدپدرفرستادند.

ایرج (ت) [ف ۱۳۰۴ ش] ایرج میرزا ملقب به جلال‌الممالك فرزند غلامحسین میرزا نوادهٔ فتحعلیشاه ، از شاعران معروف معاصر . تحصیلات‌فارسی‌وعربی رادرتبریزانجام‌داد وزبان فرانسه‌آموخت ومورد تشویق مرحوم حسنعلی خان امیرنظام گروسی قرارگرفت . ایرج در نوزده سالگی وارد خدمت دولتی شد ، ابتدا در گمرك مشغول شد ، سپس به ریـاست کابینهٔ وزارت معارف و ریـاست دفتر ایالتی آذربایجان و معاونت حکومت اصفهان و سرانجام به معاونت مالیهٔ خراسان منصوب گشت . ایـرج سفری هم بـه اروپا کرد وپس ازبازگشت درتهران به‌مرض سکتهٔ قلبی درگذشت. وی درده‌سال آخرعمرخود درشعرسبك خاصی اختیارکرد، افکارتازه و مضامین‌نورا درشعر واردکرد. وی‌اشعارهزل‌آمیزبسیاردارد وروانی

وسادگی اشعارش سبب شده است که بعضی از آنها زبانزد خاص‌و عام‌گردد. دیوان ایرج چندین‌بار به‌چاپ رسیده است.

ایطاء (ق) ازعیوب قافیه. ایطاء بردو قسم‌است: ایطاء جلی،ایطاء خفی. ایطاء جلی آن است که قافیه تکرارشود ؛ مانند:

در این زمانه بتی نیست از تو نیکو تر
نه بر تو بر شمنی از رهیت مشـفق‌تر

ایطاء خفی آن است که بعضی از حروف زواید راتکرار کنند :

آن شنیدم که وقت‌زادن تو همه خندان بدنـد وتوگریـان
تو چنان زی‌که وقت مردن‌تو همه‌گریان شوند و تو خنـدان

ایلاقی (ت) ترکی‌کشی ایلاقی. ازحال او اطلاعی در دست نیست وی از ناحیهٔ ایلاق نزدیك چاچ در ماوراء النهر است . در ترجمـان البلاغة ودرحدائق‌السحر ومجمع‌الفصحاء اشعاری از حسین‌ایلاقی نقل‌شده که در قرن چهارم می‌زیسته‌است وگویا همین شخص‌باشد.

آین (ط) از مقولات عشر . مفهوم «این» نسبت جسم است به مکان ؛ یعنی «کجا بودن»

ایوب (تن) از پیغمبران که در صبر و تحمـل رنج مشهور است . در روایت است که خدای تعالی اورا به بلاها مبتلا کرد و صبـرش را آزمود،ابتدا مال‌اوراگرفت‌وفقیرش‌گردانید،سپس فرزندانش‌مردند و خود او بیمار شد و دربدنش‌کرم افتاد، اما او ننالید وصبر کرد، پس خدای تعالی اورا بخشود و چشمهٔ آب زیرپایش روان کرد. ایوب خودرا باآب شست وصحت یافت و آن چشمه به‌عین‌ایوب

معروف گشت که هر بیماری خودرا در آن می‌شست شفا می‌یافت .

صبر ایوب در ادبیات فارسی مثل است .

ایهام (ب) آن است که گوینده در استعمال یك کلمه دومعنای نزدیك و دور را درنظر گیرد:

زگریه مردم چشمم نشسته در خون است

ببین که در طلبت حال مردمان چون است

شاهد برسر کلمهٔ «مردم» است که یك معنی آن سیاهی چشم و معنی دیگر آن انسان است . یا :

قاضی شهر عاشقان باید — که به یك شاهد اختصار کند

هرشبی یار شاهدی بودن — روز هشیاریت خمار کند

«سعدی»

مراد کلمهٔ «شاهد» است که به معنی «گواه» و «خوبرو» است .

ب

بابا افضل کاشی (ت) «رجوع شود به افضل‌الدین کاشی»

بابا طاهر (ت) [ف: در حدود ۴۱۰] ازشاعران عارف‌قرن‌پنجم. اصلش از همدان است و از زندگیش اطلاعات فراوانی دردست نیست. از آثار او مجموعهٔ کلمات قصاری است به عربی ، شامل عقاید متصوفان . دیگر مجموعهٔ دوبیتی‌های عارفانه و لطیف اوست که به لهجهٔ لری سروده شده و از نوع « فهلویات » است . بابا طاهر در این دوبیتی‌ها از وحدت عـالم وجود و تنهائی و نـاچیزی و پریشانی و اشتیاق معنوی خود گفتگـو کرده است . ترانه‌هـای باباطاهر در کمال سادگی وبی‌پیرایگی دارای لطف خاص ونفوذ بسیار است .

دیوان باباطاهر چندبار در تهران به‌چاپ رسیده است.

بابا فغانی (ت) [ف ۹۲۵] از شاعران قرن نهم و اوایل قرن دهم و معاصر صفویه . تولد او در شیراز است و پس ازچندی به هرات عزیمت کرد و درآنجا به‌خدمت مولانا جامی رسید و از هرات به

آذربایجان رفت و مدتی در تبریز اقامت کرد و در دربار سلطان یعقوب آق‌قوینلو تقرب یافت و در سلك شاعران دربار او قرار گرفت . پس از فوت سلطان یعقوب و آشفتگی اوضاع به شیراز و پس از آن به خراسان رفت و در آنجا عزلت گزید . غزلهای بابافغانی بسیار پرسوز و حاکی از دردمندی است که پیروان بسیار یافته خاصه در هندوستان . (دیوان بابافغانی ، چاپ تهران)

بابا کوهی (ت) [ف : ۴۴۲] ابوعبدالله علی از عارفان و مرشدان قرن چهارم هجری. باباکوهی پس ازطی مراحل اولیهٔ سلوك درشیراز، به سفر پرداخت ودر نیشابور به خدمت امام‌قشیری و شیخ‌ابوسعید ابی‌الخیر رسید ، سپس به بغداد رفت و با منصور حلاج ملاقات کرد واز آنجا به شیراز مراجعت کرد و منزوی شد ودرصومعه‌ای به عبادت پرداخت . جامی دربارهٔ اوگوید :

کوه نشین گشت سه سال تمام

شد لقبش کوهی و باباش نام

باخرزی (ت) [مقتول در ۴۶۸] ابوالقاسم علی‌بن‌ابوالحسین بن ابی الطیب‌باخرزی. ازشاعران ونویسندگان قرن‌پنجم. پس از آموختن علم دین به علوم ادبی روی آورد و در شعر و نثر عربی و فارسی مشهور شد . عوفی اورا کاتب سلطان رکن‌الدین طغرل سلجوقی می‌داند . دیوان عربی باخرزی مشهور است و عوفی مجموعه‌ای از رباعیات فارسی اورا به نام طرب‌نامه ذکر کرده است . اثر معروف او کتاب : دمیة‌القصر وعصرة اهل‌العصراست درشرح‌حال

عده‌ای از ادیبان و شاعران و رجال .

باخرزی (ت) [ف: ۶۲۹] سیف‌الدین ابوالمعالی سعیدبن‌مظفرباخرزی از شاعران اواخر قرن ششم و از مشایخ صوفیه . مدت درازی از عمررا در بخارا گذراند و از طرف نجم‌الدین کبری مأمور نشر طریقهٔ کبرویه‌گردید . سیف‌الدین باخرزی معاصر شیخ فریدالدین عطار و شیخ مجدالدین بغدادی بوده است. رساله‌ای به فارسی در معنی عشق دارد ودر نظم و نثر آثاری ازاو باقی است .

باد (تن) در داستان سلیمان ، باد فرمانبردار او بود و اورا از شهری به شهری می‌برد :

اندر آن موکب که برپشت صبا بندند زین
با سلیمان چون برانم من که‌مورم‌مرکب‌است
«حافظ»

بارید (ت) رامشگر معروف دربار خسرو پرویز :

خاصه که به هرطرف نشسته است
صد بارید از هزار دستان
«خاقانی»

بایزید بسطامی [ف : ۲۶۱] طیفوربن عیسی‌بن سروشان بسطامی ملقب به سلطان‌العارفین از مشایخ عالی مقام صوفیه که پدرش از بزرگان بسطام بود . بایزید پس از کسب علم ازبسطام به‌شام رفت وسی‌سال در آنجا اقامت‌گزید و ریاضت پیش‌گرفت . از بایزید کرامات بسیار نقل می‌کنند و پیروان وی‌را «طیفوریه» می‌خوانند.

بایقرا (ت) «رجوع شود به سلطان حسین بایقرا»

بت آزری (تن) اشاره به بتهائی که آزر بت تراش، پدر ابراهیم پیغمبر می‌تراشید و در شعر فارسی کنایه از خوبرو است :

دگر بروی کسم دیده بر نمی‌باشد

خلیل من همه بتهای آزری بشکست

«سعدی»

بتر (زحاف) (ع) در مفاعیلن مجموع جب و خرم است که حذف میم و عی و لن باشد . می‌ماند ، فا ، بجای آن فع می‌گذارند و آنرا ابتر گویند .

در فعولن حذف فعو است که می‌ماند لن ، بجای آن فع می‌گذارند و آنرا ابتر خوانند.

بحر (بحور) (ع) اصطلاحی است که برانواع اوزان اطلاق می‌شود ، خلیل‌بن احمد که واضع علم عروض است ، در شعرعربی پانزده جنس وزن یعنی پانزده «بحر» یافته است که عبارتند از :

طویل، مدید، بسیط ، وافر ، کامل، هزج ، رجز ، رمل، سریع ، منسرح ، خفیف ، مضارع ، مقتضب ، مجتث و متقارب.

«به هریك از این کلمات رجوع شود»

بختیارنامه (ك) یاراحة‌الارواح . کتابی که داستان آن به دورهٔ پیش از اسلام و زمان ساسانیان می‌رسد و شامل سرگذشت بختیار و حوادثی است که بر او می‌گذرد و همچنین حوادثی که به شکل داستانهای مختلف در میان داستان اصلی می‌آید . بختیارنامه از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده وچند باراز زبان عربی به‌فارسی

برگردانده شده است . معروفترین تحریر آن به وسیلهٔ شمس‌الدین محمد دقایقی مروزی از عالمان وشاعران اواخر قرن‌ششم‌صورت گرفته است . بختیارنامه به اهتمام و تصحیح ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه تهران در سلسلهٔ انتشارات دانشگاه چاپ شده است.

بدایع‌الازمان فی‌وقایع کرمان (ك) معروف به تاریخ افضل تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی . این کتاب شامل اطلاعاتی است دربارهٔ جغرافیای کرمان و بنای بلاد و تاریخ مختصر کرمان از دورهٔ قبل از اسلام وفتح آن به‌دست مسلمین و استیلای صفاریان وغزنویان وآل‌بویه و سلاجقهٔ قاوردی و انقلاب پس ازآنها و تسلط ملك دینار وپسرانش و تسلط ملوك شبانکاره و اتابکان فارس و خوارزمشاهیان . بدایع الازمان مورد استفادهٔ حافظ ابرو واغلب مورخان واقع شده‌است (چاپ‌تهران).

بدر (نج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب زمین است کاملا روشن است و این حال در شب چهاردهم ماه ظاهر می‌شود :

قرص مه چون هلا لو بدر شود
نعل یکران و قرص خوان تو باد

«ابوالفرج رونی»

بدر چاچی (ت) از شاعران دورهٔ مغول که شهرتش در هندوستان‌بیش ازایران است . اهل‌چاچ (ازشهرهای ترکستان) است. ازشعرهای او قطعاتی درتاریخ هندوستان به قلم Sir H. Elliot نقل شده است.

بدیع بلخی (ت) ابو محمد بدیع‌بن محمدبن محمودبلخی ازشاعران

قرن چهارم . هدایت او را معاصر سلطان محمود غزنوی می‌داند و منظومه‌ای به نام «پندنامهٔ انوشیروان» به او نسبت داده که قسمتی از آن را در تذکرهٔ مجمع‌الفصحا آورده است .

بدیع الزمان (ت) [ف : ۳۹۸] ابوالفضل احمدبن حسن از ادیبان و نویسندگان قرن چهارم هجری . اولین کسی است که نثر مسجع عربی ساخت وسبك مقامه نویسی را به وجودآورد . بدیع‌الزمان علوم ادبی را در همدان نزد ابن‌فارس رازی فرا گرفت و بعد به خدمت صاحب‌بن‌عباد رسید . بدیع‌الزمان از لحاظ حافظه واحاطهٔ بر لغت و شعر و ادب در عصر خود ممتاز بود و در نظم و نثر عربی استاد . مقامات بدیع‌الزمان مرکب از پنجاه و يك مقامه است .

براعت استهلال (ب) آن است که در مطلع قصیده یا دیباچهٔ کتاب عبارتی با الفاظ لطیف ذکر شود که با مطلب بعد مناسبت داشته باشد . مانند این شعر در اشاره به جلوس سلطان :

افسر سلطان گل پیدا شد از طرف چمن
مقدمش یارب مبارك باد بر سرو و سمن

«حافظ»

براق (تن) اسبی که حضرت محمد ص در شب معراج بر آن نشست:

براق همتش معراج پیمای عقاب دولتش نهمت شکار است

«ابوالفرج رونی»

برج (نج) یکی از قسمتهای دوازده‌گانهٔ منطقةالبروج:

برج ثور است مگر شاخ سمن
که گلش را شبه پروین است
«ابوالفرج رونی»

برجیس (نج) ستارهٔ مشتری:
دارد از لطف تو برجیس وز قهر تو زحل
این سعادت مستفاد و آن نحوست مستعار
«انوری»

برزونامه (ك) بزرگترین منظومهٔ حماسی به زبان فارسی که به تقلید شاهنامهٔ فردوسی ساخته شده‌است . این منظومه شامل روایاتی‌است در بارهٔ خاندان رستم و برزو پسر سهراب . داستان برزونامه کم و بیش شبیه داستان رستم و سهراب است ، جز آنکه پایان غم انگیز سهراب را ندارد . مأخذ منثور کتاب ذکر نشده، اما روایات آن دربعضی‌ازمنظومه‌های‌حماسی دیگر با مختصر تفاوت دیده‌شده است . تاریخ نظم برزونامه کاملا صریح نیست و آن را به شاعری موسوم به خواجه عمید عطائی‌ابن‌یعقوب معروف به‌عطائی رازی نسبت می‌دهند ،که از شاعران قرن پنجم و دربار غزنویان است و مسعود سعد در مرگ او (۴۷۱) مرثیه‌ای ساخته است . نظم برزونامه بسیار محکم و سلیس است وگوینده در وصف میدانهای جنگ و پهلوانان قدرت بسیار بکار برده و در تقلید شاهنامه از دیگر حماسه سرایان پیش افتاده است .

برزویه (ش‌ـت) ازطبیبان‌مشهوردربارخسروانوشیروان که‌ازطرف آن‌شاه به‌هندرفت وپس‌ازتوقف طولانی وتدابیر بسیار کتاب کلیله ودمنه را

به‌دست آورد و باخود ازهند به ایران آورد واززبان‌هندی به‌پهلوی ترجمه کرد.

بره (نج) برج بره یا برج حمل، ماه‌فروردین که درآن اعتدال ربیعی واقع می شود و شب و روز یکسان می گردد :

چو آمد به برج حمل آفتاب
جهان گشت بافر و آیین و آب
بتابید زانسان ز برج بره
که گیتی جوان گشت ازو یکسره

«فردوسی»

برهان (ت) محمد حسین‌بن خلف تبریزی متخلص به‌برهان. وی‌مؤلف کتاب‌برهان قاطع وازمعاصران‌سلطان عبدالله قطب‌الدین شاه‌پادشاه شیعی مذهب هنداست و کتاب خودرا درسال ۱۰۶۲ به‌نام‌او تألیف کرده‌است.

برهان‌قاطع (ك) کتابی است‌درلغت‌فارسی تألیف محمدحسین‌بن‌خلف تبریزی متخلص به «برهان» که‌کتاب را درسال ۱۰۶۲ درحیدرآباد دکن به‌نام عبدالله قطب‌شاه ازشاهان هند تألیف کرده‌است .

مؤلف درکتاب ازچهارفرهنگ که مورد مراجعه‌واستفادهٔ اوبوده است، نام می‌برد. ۱ـ فرهنگ‌جهانگیری ۲ـ مجمع‌الفرس سروری ۳ـ سرمهٔ سلیمانی ۴ـ صحاح‌الادویهٔ‌حسین‌انصاری

برهان قاطع به این سبب که مؤلف از کتابهای لغتی که پیش ازاوتألیف‌شده، استفاده بسیار کرده‌است، جامع لغات بیشتری

می باشد . مجموع لغات برهان در حدود بیست هزار و دویست کلمه‌است .(برهان قاطع چاپ تهران به‌تصحیح محمدمعین، استاد دانشگاه تهران)

برهانی (ت) [ف: درحدود ۴۶۵] امیرالشعرا عبدالملك‌برهانی ازشاعران عهد سلجوقی که دردربار الب‌ارسلان‌می‌زیست‌ومورداعتماداو بود. برهانی‌پدرامیرمعزی شاعرمعروف‌است که درزمان‌فوت، پسرخودرا به‌سلطان ملکشاه سپرده است.

بزرجمهر (ش-ت) یا بزرگمهرنام وزیردانشمند انوشیروان . درادبیات فارسی بارها به‌عنوان نمونهٔ دانش و لیاقت و تقوی از اونام برده شده است :

بزم نوشیروان سپهری بود	کز جهانش بزرگمهری بود

«نظامی»

بزرجمهرقائنی (ت) امیرابومنصوربزرجمهر قسیم‌بن ابراهیم قاینی از شاعران وادیبان عصرغزنوی. وی درشعرعربی وفارسی استاد بوده است وابیاتی از اشعارعربی او درلباب‌الالباب عوفی ضبط‌است .

بسام کورد (ت) بسام‌کورد به‌روایت تاریخ سیستان ازخوارج بود که به نزد یعقوب‌آمد وقصهٔ‌کشته شدن عمارخارجی را به‌دست‌یعقوب، به شعرفارسی سرود. بسام کورد را از جملهٔ نخستین شاعران زبان فارسی ذکرکرده‌اند .

بستان السیاحه (ك) تألیف حاجی زین‌العابدین شیروانی. این‌کتاب در سال ۱۲۴۷ تألیف یافته و در حکم سفرنامه است . مؤلف سفرهای

طولانی کرده و از جمله شهرهای عراق و گیلان و قفقاز و آذربایجان و خراسان و افغانستان و هند و کشمیر و بدخشان و ترکستان و ماوراءالنهر و خلیج فارس و یمن و حجاز و مصر و شهرهای مختلف ایران را دیده و وقایع سفرخود را در کتاب شرح می‌دهد، حاجی شیروانی شیعه و درویش نعمةاللهی بوده است .

بسحق اطعمه (ت) «رجوع شود به ابواسحق اطعمه»

بسیط (ع) از بحور شعر عرب و مرکب است از چهار بار مستفعلن فاعلن . این بحر درشعر فارسی متداول نیست و گاهی مثال آن را عروضیان به تکلف ساخته‌اند. مثال بحر بسیط مخبون : «مستفعلن فعلن ۲بار درهر مصراع» :

روزم سیاه چرا گر تو سیاه خطی — اشکم عقیق چرا گر تو عقیق لبی

بشار بن برد (ت) از بزرگترین شاعران ایرانی قرن دوم هجری واز شاهزادگان تخارستان که به زبان عربی شعر می‌سروده است. وی در مباهات به نژاد خود و تحقیر عرب و هجو و حکم و امثال مشهور ودر تغییر سبك شعر عربی بسیار مؤثر بوده است. بشار بن برد نابینا بود و سرانجام به جرم ارتداد در سال ۱۶۷ کشته شد.

بشار مرغزی (ت) از شاعران قرن چهارم هجری که قصیدهٔ خمریه معروفی دارد و مطلعش این است :

رز را خدای ازقبل شادی آفرید — شادی و خرمی همه از رز شود پدید

بطلیموس (ت) منجم و جغرافیادان بزرگ یونان درقرن دوم میلادی. وی آثاری در موسیقی و جغرافیا و ریاضی دارد . مهمترین کتاب او :

«المجسطی» است شامل سیزده مقاله در نجوم . آثار بطلیموس در تمدن اسلامی نفوذ بسیار داشته است.

بقراط (ت) طبیب و حکیم یونانی. وی را می توان پدر طب یونان دانست زیرا که وی اولین کسی است که با آثار خود اساس طب را برجا گذاشت و کتابهای او در اروپا و مشرق زمین نفوذ بسیار یافت . از آثار او می توان کتاب : امراض الحاده ، کتاب البحران و کتاب طبیعة الانسان را نام برد.

بلعم باعور (تن) عابدی از بنی اسراییل که مطرود درگاه خدا شد. در قرآن وی به سگ تشبیه شده است: فمثله کمثل الکلب ان تحمل علیه یلهث و تترکه یلهث (آیهٔ ۱۷۵ سورهٔ اعراف):

از مایهٔ بیچارگی قطمیر مردم می‌شود
ماخولیای مهتری سگ می کند بلعام را

«سعدی»

بلعمی (ت) [ف:۳۶۳] ابوعلی محمدبن ابوالفضل البلعمی وزیر معروف منصوربن نوح‌بن نصر سامانی که به امر این پادشاه مأمور ترجمهٔ کتاب «الرسل والملوك» معروف به تاریخ طبری شد. پدرش ابوالفضل بلعمی وزیر مشهور اسمعیل بن احمد سامانی و احمد و نصر بوده است . ابوعلی محمد نیز مانند پدر علاوه برمقام بزرگ سیاسی، در دانش و ادب نیز مقامی عالی داشت. ترجمهٔ بلعمی معروف به «تاریخ بلعمی» است. (تصحیح ملك الشعراء بهار، چاپ تهران ۱۳۴۱)

بلقیس (تن) ملکهٔ سبا که سلیمان خبر قدرت اورا شنید و آهنگ شهر او

کرد. بلقیس چون دانست او پیغمبر است به درگاهش روانه شد، ولی سلیمان از خدا خواست که تخت بلقیس، پیش از رسیدن خود او به درگاه حاضر شود به فرمان خدای تعالی تخت بلقیس در مجلس سلیمان حاضر شد و بلقیس به سلیمان ایمان آورد و به نکاحش در آمد .

حضرت بلقیس بانـوی سبا برسر عرش معلا دیـده‌ام

«خاقانی»

بنات‌النعش (نج) از صور فلکی هفت ستاره ؛ که نعش آن چهار ستاره است به شکل تخت در چهار گوشه و بنات آن سه ستاره است که به طول واقع شده است . بنات النعش را «هفت برادران» و «دبِ اکبر» نیز می‌خوانند.

بنات‌النعش گرد او همی‌گشت چواندر دست مرد چپ فلاخن

«منوچهری»

بناکتی (ت) [ف : ۷۳۱] ابوسلیمان فخرالدین داوود بناکتی یافناکتی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراءالنهر. وی از مورخان دورهٔ مغول وملك‌الشعرای دربار غازان‌خان بوده‌است و چون از نزدیك با خارجیانی که از شهرهای دور به دربار غازان خان می‌آمدند ، سروکار داشت اطلاعات جامعی دربارهٔ مذاهب و ملل گوناگون کسب کرد که به تألیف تاریخ او به‌نام تاریخ بناکتی منجر شد.

بوالبشر یاابوالبشر (تن) «رجوع شود به آدم»

به صفای صفی حق آدم کـه سرانبیا و بوالبشر است

«انوری»

بوزجانی (ت) [ف: ۳۸۷] ابوالوفا محمدبن محمداهل بوزجان نیشابور

که درهمین شهربه تحصیل ریاضی پرداخت واز آنجا به‌عراق رفت
وبه تألیف کتاب مشغول گشت. ابوالوفاء ازمترجمان وریاضی دانان
مشهورقرن چهارم است. وی بسیاری ازکتابهای ریاضی راازیونانی
به عربی نقل کرده وخود نیز در ریاضیات ونجوم تألیفاتی دارد واز
واضعان علم مثلثات است. از آثار او کتاب المجسطی است که شامل
هفت جزء می‌باشد. دیگر: کتاب الکامل، کتاب الهندسه و کتاب فی
مایحتاج الیه الکتاب والعمال من علم الحساب.

بوستان (ك) منظومهٔ معروفی از آثار شاعر بزرگ ایران سعدی، که
آن رادر سال ۶۵۵ به نام ابوبکر بن سعدبن زنگی ساخته است.
بوستان شامل چندین باب است در عدل و انصاف،
احسان و بخشش، عشق و مستی، تواضع وفروتنی، تسلیم ورضا،
آداب تربیت، شکر بر عافیت، توبه و انابه، مناجات و ختم
کتاب.
سعدی مطالب این منظومه را با حکایتها و تمثیل های
شیرین می‌آمیزد واز وقایع سفر درازخود شواهدی ذکرمی‌کند.

بهار (ت) [ف: ۱۳۳۰ ش] محمد تقی ملك الشعرا متخلص به‌بهار
فرزند میرزامحمدکاظم صبوری ملك الشعراء آستان قدس رضوی.
بهار در سال ۱۳۰۴ ق در مشهد متولد شد و در همان شهر به
تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۸ روزنامهٔ (نوبهار) را منتشر کرد
و در سال ۱۳۳۳ ازمشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب
شد و به تهران آمد و روزنامهٔ نوبهار را در تهران منتشر ساخت

و در ۱۳۳۵ انجمن ادبـی دانشکده و مجلهٔ دانشکده را تأسیس کرد و چندی مدیریت روزنامهٔ ایران را به عهده داشت . بهار در هیجده سالگی پس از فوت پدر لقب ملك الشعرائی را به فرمان مظفرالدین شاه دریافت کرد . بهار در عالم سیاست مبارزاتی کرد تبعیدها و زندانها و محرومیتها دید و در بـارهٔ همهٔ این حوادث اشعاری سرود . بهار درسال ۱۳۰۷ شمسی در دارالمعلمین عالی به‌سمت معلمی تاریخ و ادبیات اشتغال ورزید، پس از آن به‌سمت استادی تاریخ ادبیات فارسی در دانشکدهٔ ادبیات تهران منصوب گشت . کم کم از زندگی سیاسی کناره‌گیری کرده به توسعهٔ آثار ادبی پـرداخت . کتابهای مجمل التواریخ والقصص و تـاریخ سیستان و جوامع‌الحکایات عوفی را تصحیح کرده با حـواشی و تعلیقات به چاپ رسانده است . بهار علاوه بر احاطهٔ برادبیات فارسی و عربی به خط و زبان پهلوی نیز مسلط بود و چند کتاب از زبان پهلوی به فارسی نقل کرده است مانند یادگار زریران و رسالهٔ مادیکان شترنگ .

از مهمترین آثار بهار دیوان اوست در دوجلد ، شامـل قصاید و قطعات و غزلیات . بهار در قصیده پیرو سبك خـراسانی است . از آثار مهم دیگر او سه جلد کتاب سبك شناسی یاتاریخ تطور نثر فارسی است که به‌وسیلهٔ وزارت فرهنگ به‌چاپ رسیده است .

آثار پـراکنده مانند مقالات سیاسی و ادبـی و تحقیقی

فراوان دارد که در روزنامه‌ها ومجله‌ها منتشر شده است. (دیوان- چاپ تهران)

بهارستان (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آنرا درسال ۸۹۲ به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا ساخته است. این کتاب به سبك گلستان سعدی می‌باشد و به تقلید از آن به هشت روضه تقسیم‌شده است. منظور نویسنده در این کتاب تذکر نکته‌های تربیتی و اخلاقی است و نثرش به صنایع لفظی آراسته‌است. (چاپ‌تهران)

بهاء ولد (ت) [ف: ۶۳۱] سلطان‌العلماء بهاءالدین محمدبن‌حسین‌خطیبی بلخی از بزرگان مشایخ صوفیه در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم. مادرش به خوارزمشاهیان انتساب داشت و چون سخنوری او موجب توجه مردم گردیده بود، سلطان خوارزمشاه او را به ترك خراسان وا داشت. گویا وجود اختلاف نظر بین امام فخر رازی وبهاءولد دراین کار بی‌اثر نبوده است، زیرا که‌خوارزمشاه به امام فخر رازی ارادت می‌ورزیده است. بهاءالدین در حدود سال ۶۱۰ از خراسان مهاجرت کرد و در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد. شیخ کتاب اسرارنامه را به پسراو جلال‌الدین هدیه کرد. بهاء ولد سپس به بغداد و از آنجا به مکه رفت و چندسال در ملطیه ماند وبه دعوت علاءالدین کیقباد سلجوقی به قونیه رفت ودرآنجا به وعظ وارشاد پرداخت و مریدان‌بسیار یافت و تا زمان مرگ همانجا ماند. از آثار معروف او المعارف است.

بهرام (نج) کرهٔ مریخ

بهرام تـافت از فلك پنجمین همـی
چونانکه دیده سرخ کند شرزهٔ ژیان

«انوری»

بهرام گور (ش ـ ت) بهرام پنجم پسر یزدگرد ساسانی . پدرش او را نزد منذربن نعمان فرمانروای حیره فرستاد تا تربیت شود . چون بهرام هنر و فرهنگ آموخت و از مرگ پدر خبر یافت و دانست که‌بزرگان یکی از شاهزادگان‌را به نام خسرو برتخت نشانده‌اند، با سی‌هزار سوار به ایران آمد . ایرانیان تاج شاهی را میان‌دوشیر گذاشتند تا هریك از دوشاهزاده‌که آن‌را برداشت برتخت‌بنشیند. بهرام شیران را کشت و تاج را برگرفت وبرسرنهاد . بهرام گور در دوران شاهی پیروزیها یافت و داد بسیار کرد .

در ادبیـات فـارسی بهرام به رعیت پروری و تجمل و خوشگذرانی شهرت‌دارد. در شاهنامهٔ فردوسی داستانهای متعددی از شکار ومجالس بزم بهرام وسرکشی ورسیدگی به‌وضع‌مردمان و طبقات مختلف ملت و دادگری او آمده است .

منظومهٔ هفت‌گنبد یا بهرام نامهٔ نظامی نیز دربارهٔ اوست.

سرانجام بهرام هنگامی‌که در پی گورخری می‌تـاخت ، به باتلاقی فرو رفت و ناپدید شد . رباعی ذیل از خیام اشاره بر سرگذشت و عاقبت اوست .

آن قصر که بهرام در او جـام گرفـت
آهو بچـه کرد و گرگ آرام گـرفت

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت
«خیام»

بهرامی (ت) [ف : اوائل قرن پنجم] استاد ابوالحسن علی بهرامی سرخسی از شاعران مشهور اوایل عصر غزنوی که در علوم ادبی استاد بود . نظامی عروضی کتابهای غایةالعروضین و کنزالقافیه وخجسته نامه را درعلم عروض به او نسبت داده است . اشعاری از او در تذکره‌ها و کتابهای ادب ضبط است .

بهمن (ش ـ د) یا اردشیر دراز دست پسر اسفندیار ، که چون پدرش به دست رستم کشته شد ، رستم پرورش اورا به عهده گرفت وبه او هنر آموخت و چون پسر عزیزش داشت و چون بزرگ شد ، نامه‌ای به گشتاسب فرستاد و اورا از کار بهمن آگاه کرد. گشتاسب بهمن را خواند و بهمن پس از گشتاسب به شاهی رسید . وی به خونخواهی پدر به زابلستان لشکر کشید و چون رستم در این زمان به حیله برادرش شغاد کشته شده بود وی در گنج خاندان رستم را گشاد و گنجها را غارت و زال را اسیر کرد . فرامرز پسر رستم که‌شنید زال اسیر گشته است، به‌جنگ بهمن آمد ولی شکست خورد و به دست او کشته شد . بهمن از کار خود پشیمان گشت و زال را آزاد کرد .

شنیدم من که برپای ایستاده رسیدی تا به زانو دست بهمن
«منوچهری»

بهمنجنه (نج) بهمن روز یعنی روز دوم از ماه بهمن که پارسیان این

روز را جشن می‌گرفتند . این‌جشن تا چند قرن پس‌از اسـلام نیز معمول بوده است .

رسم بهمن گیر و از نو تازه‌کن بهمنجنه
ای درخت ملك بارت عز و بیداری تنه

«منوچهری»

بیان‌الادیان (ك) تألیف امیرابوالمعالی‌محمدبن عبیدالله‌ازسادات‌علوی ومعاصر ناصرخسرو که این کتاب را به زبان فارسی در سال۴۸۹ تألیف‌کرده است. بیان‌الادیان ازجملهٔقدیمترین و مهمترین کتابهای زبان فارسی درملل و نحل است . (چاپ تهران)

بیان و تفسیر (ب) آن است‌که شاعر یا نویسنده‌کلام مجملی بیاورد وپس از آن به تفسیر پردازد :

دو کس رنج بیهوده برد وسعی بیفایده کرد ، یکی‌آنکه مال گرد کرد و نخورد و دیگر آنکه علم آموخت وعمل نکرد .

بیت (ب) در زبان عرب به معنی خانه و در اصطلاح شعر عبارت‌است ازحد اقل شعر که ازدوپاره ساخته شده و دارای‌وزن وقافیهٔواحدی باشد . هرپارهٔ یك بیت‌را مصراع‌گویند .

بیت‌الاحزان (تن) یا بیت‌الحزن «رجوع شود به‌کلبهٔ احزان»

ای زوصلت خانه‌ها دارالشفا
وی‌ز هجرت بیتها بیت‌الحزن

«سعدی»

بیدل (ت) [ف: ۱۱۳۳] ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل . ازشاعران فارسی زبـان‌هند و از ترکان جغتائی که در هند متولد شده و در

آن کشـور تربیت یافته است . بیدل آثار فراوانی به نظم و نثر دارد و درشعر صاحب شیوهٔخاصی است . در غزل عرفانی‌استادی دارد و اشعارش با استعاره و کنایه و مضامین‌پیچیده آمیخته‌است. از آثار معروف او مثنویهای عرفات ، طلسم حیرت، طورمعرفت است . دیوان اشعارش شامل غزل و قصاید و ترجیعات و مستزاد و هزلیات است .

بیرونی (ت) [ف : ۴۴۰] ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی از بزرگترین دانشمندان علم ریاضی . ابوریحان در سال ۳۶۲ در بیرون ، حوالی خوارزم، متولد شد وتحصیلات‌خودرا درخوارزم انجام داد سپس به دربار شمس‌المعالی قابوس‌بن وشمگیـر رفت و مورد توجه او قرارگرفت وکتاب آثارالباقیه را در سال ۳۹۱ به نام او تألیف کرد . ابوریحان به خوارزم بازگشت و به دربار خوارزمشاهیان آل مامون پیوست و مورد احترام قرار گرفت و هنگامی که سلطان‌محمود غزنوی‌به‌گرگانچ دست یافت، ابوریحان را به غزنین برد . ابوریحان در سفرهای سلطان محمود به هند با او همراه بود و با دانشمندان هندی مصاحبت و معاشرت کرد واز عقاید وعلم آنهااستفاده بسیار کرد و زبان‌سانسکریت‌را آموخت. بعد از سلطان محمد در دربار مسعود باقی ماند و کتابهائی به‌نام او تألیف کرد .

ابوریحان فهرست کتابهـای خودرا تا سال ۴۲۷ یکصدو سیزده عدد شمرده‌است در مسائل هیئت، نجوم ، تاریخ وجغرافیا،

فیزیك ، اسمار و احادیث ، داروشناسی .

از جملهٔ آثار معروف او کتاب: تحقیق ماللهند من‌مقولة مقبوله فی‌العقل او مرذوله در ذکر عقاید هندوان ، قانون‌مسعودی در هیئت و نجوم به نام سلطان مسعود غزنوی ، الدستور به نام شهاب‌الدوله ابوالفتح مودودبن‌مسعود، الجماهر فی‌معرفةالجواهر در تحقیق فیزیکی بنام مودودبن مسعود ، التفهیم لاوائل صناعة التنجیم به نام ریحانه دختر حسین‌خوارزمی، آثارالباقیه عن‌القرون الخالیه .

ابوریحان در دوزبان پارسی وعربی استاد بود وازمفاخر عصر خود به شمارمی‌رفت .

بیژن (ش ـ د) پهلوان ایرانی ، پسر گیو که مطابق روایت شاهنامه ، خواستار جنگ با گرازها گشت و به فرمان کیخسرو همراه گرگین عزیمت کرد ، ولی گرگین اورا فریب داد وبه دشتی راهنمائیش کرد که دختر افراسیاب در آن خیمه‌گاه افراشته و جشن برپا کرده بود . بیژن عاشق منیژه شد ومنیژه نیز شیفتهٔ وی گشت و اورا به چادر خود خواند وپس از آن به کاخ خود برد. چون افراسیاب از وجود بیژن در قصر دختر آگاه‌شد ، بیژن را اسیر و در چاهی زندانی کرد و منیژه را سروپا برهنه از کاخ بیرون افکند . منیژه هرروز برسرچاه می‌رفت ونانی راکه ازگدائی به‌دست آورده‌بود به بیژن می‌رسانید . سرانجام رستم درجامهٔ بازرگانان به‌جستجوی بیژن به شهرتوران آمد وبه راهنمائی منیژه برسرچاه رفت و بیژن

را نجات داد و به ایران آورد .

ثریا چون منیژه برسر چاه | دوچشم من بدو چون چشم بیژن
«منوچهری»

بیستون (م) نام کوهی نزدیك کرمانشاه که در داستان خسرو و شیرین، فرهاد به فرمان خسرو به کندن آن مشغول شد .

آواز تیشه امشب از بیستون نیاید
گویا به خواب شیرین فرهاد رفته باشد
«وحشی»

بیضاوی (ت) «رجوع شود به قاضی بیضاوی»

بیهقی (ت) [ف:۵۶۵] ابوالحسن علی بن ابی القاسم زیدبن محمد بن الحسین البیهقی معروف به ابن‌فندق از دانشمندان قرن ششم و اهل بیهق (سبزوار حالیه) . بیهقی معاصر شهرستانی صاحب ملل و نحل بوده ودرصغر سن زمان عمرخیام را دریافته است .

یاقوت در معجم‌الادباء هفتادوچهار کتاب از تألیفات اورا ذکر می کند که متأسفانه از همهٔ آنها جز چند کتاب دردست نیست.

از آثار بیهقی: تاریخ بیهق ، کتاب نحو، جوامع‌الاحکام ، شرح نهج‌البلاغه، تتمهٔ صوان‌الحکمة، ذیلی برتاریخ یمینی است موسوم به مشارب‌التجارب و عوارب الغرایب که مشتمل بروقایع تاریخی ایران است در صدوپنجاه سال ، یعنی از همانجاکه تاریخ یمینی ختم می‌شود .

دیگر از تألیفات او کتابی است در امثال عرب موسوم به غررالامثال و دررالاقوال .

بیهقی (ت) [ف: ۴۷۰] ابوالفضل محمدبن‌حسین از نویسندگان بزرگ قرن پنجم و معاصر غزنویان. بیهقی درقریهٔ حارث آباد از قراءبیهق متولد شد و تحصیلات خودرا در نیشابور انجام داد. پس از آن به سمت دبیری، به دیوان رسالت محمودبن سبکتکین وارد شد ودر خدمت خواجه بونصر مشکان به‌کار پرداخت و نوزده سال منشی رسائل غزنویان بود و در زمان سلطان عبدالرشید صاحب دیوان رسالت گشت. بیهقی مدتی به‌علت سعایت‌مخالفان در زندان بسربرد و پس از آزادی انزوا اختیار کرد و به تصنیف کتاب پرداخت. از آثار او یکی زینة‌الکتاب است‌که گویا درفن کتابت بوده و اکنون در دست نیست. دیگر تاریخ مهم اوست به نام تاریخ آل سبکتکین که قسمتی از آن به نام تاریخ مسعودی در دست است.



پازند (ك) چون خواندن خط پهلوی ساسانی دشوار بود و موجب خطا و اشتباهاتی می‌شد ، برای آنکه رسالات و کتابهای مذهبی درست خوانده شود ، غالباً آنها را به خط دقیق اوستائی نقل می کردند. این‌گونه نقل متن پهلوی به خط اوستائی پازند خوانده می‌شود .

ای خوانده کتاب زند و پازند
زین خواندن زند تا کی وچند

از فعل منافقی و بی باك
از قول حکیمی و خردمند

«ناصر خسرو»

پدر (تن) اشاره به حضرت آدم :

نه من از خلوت تقوی به‌در افتادم و بس
پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

«حافظ»

پروین (نج) «رجوع شود به ثریا»

آسمان گومفروش این عظمت کاندر عشق

خرمن مه به‌جوی خوشهٔ پروین به دو جو

«حافظ»

پروین اعتصامی (ت) [ف: ۱۳۲۰ ش] دختر یوسف اعتصامی (اعتصام‌الملک آشتیانی) از زنان هنرمند و شاعر معاصر. پروین در سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد و تحصیلات خود را در مدرسهٔ امریکائی تهران به‌پایان رساند و ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت. پروین در سال ۱۳۲۰ در سن سی و پنج‌سالگی فوت کرد. اشعار او ابتدا در مجلهٔ بهار منتشر شد و نخستین مجموعهٔ اشعارش در سال ۱۳۱۴ به طبع رسید. دیوانش شامل قصاید و مثنویات و قطعات است. پروین در قصیده از سبک شاعران خراسان پیروی کرده و مضامین اجتماعی و واقعی زندگی را در شعر وارد کرده است و در پند و اندرز و تسلیت خاطر بیچارگان نکته‌های لطیف و حکیمانه بکار برده است که اغلب آنها را از زبان بیچارگان یا گاهی از زبان طیور بیان می کند. دیوان پروین چندین بار در تهران به چاپ رسیده است.

پریشان (ك) کتابی به نثر تألیف قاآنی شاعر بزرگ قرن سیزدهم. این کتاب به سبك گلستان سعدی نوشته شده و شامل پند و اندرز و قصه و همچنین حاوی مطالبی است در بارهٔ احوال مؤلف. (چاپ تهران)

پسر نوح (تن) فرزند نوح پیغمبر که با مخالفان پدر همراه شد و در

طوفان غرق گشت .

پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد
«سعدی»

پوربهای جامی (ت) از شاعران دورهٔ مغول که وجیه الدین زنگی و طاهر فریومدی را مدح کرده و به خدمت صاحبدیوان جوینی‌هم رسیده است . دولتشاه قصیده‌ای شامل ۲۸ بیت از او نقل کرده که حاوی لغات مغولی و ترکی است . همچنین از پوربها قطعاتی مربوط به واقعهٔ انهدام نیشابور بر اثر زلزلهٔ سال ۶۶۶ و تجدید بنای آن در سال ۶۶۹ به حکم آباقاخان باقی است که پر ازصنایع لفظی می‌باشد .

پوردخت عمران(تن) «رجوع شودبه‌عیسی»

ای زنده شد به تو تن مردم مانا که تو پور دخت عمرانی
«ناصرخسرو»

پوردستان (ش-د) «رجوع شود به‌رستم»

به مردی مرا پور دستان نکشت
نگه کن براین گز که دارم به مشت
«فردوسی»

پور زال (ش-د) «رجوع شود به‌رستم»

بدان کار خشنود شد پور زال بزرگان که بودند بااو همال
«فردوسی»

پور مریم(تن)«رجوع شود به‌عیسی»

راقی‌جان درمی دمد، چون پورمریم رقیه
ساقی ماهم می‌کند چون‌شیرحق کرادیی
«مولوی»

پیر پیر کسی‌است که‌در خانقاه‌تربیت سالکان را بر عهده دارد. این‌شخص باید اجازهٔ ارشاد ازمشایخ صوفیه داشته وازعلم طریقت وشریعت اطلاع کامل‌داشته باشد.

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیرما

چیست یاران طریقت بعدازاین تدبیر ما

«حافظ»

پیراهن‌یوسف (تن) چون‌برادران یوسف براوحسد بردند، ازپدراجازه خواستند تا اورا به‌صحرا ببرند، همینکه ازچشم پدرغایب‌شدند، یوسف را درچاهی انداختند وکبوتری راکشتند وپیراهن یوسف را ازخون اورنگین کردند ونزد پدربردند وگفتند که‌گرگ یوسف را دریده وگواه پیراهن‌خونین اوست . یعقوب پس‌ازآن آنقدر در فراق‌یوسف‌گریست که کورشد، اما یوسف به‌وسیلهٔ کاروانی از چاه بیرون‌آمد وبه‌مصررفت‌وبراثر تعبیرخواب‌پادشاه ، عزیزمصر گشت. درسالهای فراوانی‌گندم اندوخت ودرسالهای قحطی ازذخیره‌به‌کار برد وفروخت. برادران یوسف برای خرید غله به‌مصررفتند وپس ازچند نوبت خرید، یوسف خود را به‌آنها معرفی کرد و پیراهن خودرا برای یعقوب فرستاد. وقتی که برادران ازمصرخارج شدند وسوی کنعان رفتند، یعقوب بوی پیراهن اورا شنید وچون‌پیراهن‌را به‌اودادند، به‌چشم‌خود مالید وبیناگشت.

بوی پیراهن یوسف‌که کند روشن چشم

باد گوئی کـه بر پرغم کنعان آرد

«سیدحسن غزنوی»

بوی پیراهن یوسف ز صبا می شنوم
شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد
«حافظ»

پیر کنعان(تن) اشاره به یعقوب .

شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت
«حافظ»

پیرمغان کنایه از پیشوای طریقت و مرشد عارفان.

مشکل خویش بر پیرمغان بردم دوش
کو به تأیید نظر حل معما می‌کرد . . .
«حافظ»

پیر و جوان(ك) نام مثنوی کوتاه ودلاویزی به‌بحر هزج مسدس محذوف.
گویندهٔ این مثنوی میرزا نصیر اصفهانی طبیب کریم‌خان زند، بوده است. مطلع مثنوی پیروجوان این‌است :

شبی با نوجوانی گفت پیری
کهن دردی‌کشی صافی‌ضمیری

گذرے ہوئے مدت سے مولانا روم نیز شیخ العالم کی شعری عرفانی شاعری بطور مرشد علامہ اقبال لکھی گئی تھی کا ان کو

نشستہ ہو گئی کہ حوالہ وحدۃ الوجود کے ساتھ وحدۃ الشہود کی بحث منشا و تھا پوشیدہ [illegible] عرفان ہو گئے تھے

اور پڑھ کر [illegible] دلچسپ [illegible] اسعد اللہ گیلانی شب قدر پر مثال (ادراک) ہیں جو پیش کی

حق شب قدر است در شبہا نہان — تا کند جان ہر شبی را امتحان

نہ ہمہ شب ہا بود قدر ای جوان — نہ ہمہ شب ہا بود خالی از آن

آنکہ گوید جملہ حق است احمقی است — وانکہ گوید جملہ باطل او شقی است

ہمہ اوست

اردو صوفی شاعر [illegible] دیکھو

یار کو ہم نے جا بجا دیکھا — کہیں ظاہر کہیں چھپا دیکھا

کہیں ممکن ہوا کہیں واجب — کہیں فانی کہیں بقا دیکھا

کہیں وہ بادشاہ تخت نشین — کہیں کاسہ لیے گدا دیکھا



تاتار ولایتی که درشعر فارسی به‌داشتن مشك خوب معروف است.

درآن چمن که نسیمی وزد زطرهٔ دوست
چه جای دم زدن نافه‌های تاتاری است
«حافظ»

تاج (ك) یا اخلاق ملوك کتابی است به زبان عربی تألیف ابوعثمان عمروبن بحرجاحظ ازبزرگان ادب وتاریخ ، کتاب تاج رسوم و قوانین و نظامات دربار خلفای عباسی راکه با مشاهدات خود وی آمیخته است شرح می‌دهد وبیشتر آدابی است که ملت عرب براثر پیدایش‌اسلام ازآداب ایرانیان اقتباس کرده‌اند. این کتاب به‌وسیلهٔ حبیب‌الله نوبخت به فارسی ترجمه‌شده ودرسال۱۳۰۸ش درتهران به‌چاپ رسیده است.

تاج التراجم (ك) تاج‌التراجم‌یا تفسیراسفراینی ازتفسیرهای مهم‌به‌زبان فارسی است که امام عمادالدین ابوالمظفر شاهپورآن را در قرن پنجم تألیف کرده است. این کتاب دارای چند مجلس است که در

هرمجلس سوره‌ای تفسیرشده است.

تاریخ ابوالفداء یاکتاب المختصر فی اخبار البشر (ك) تاریخی به زبان عربی در چهار جلد تألیف ابوالفداء. این کتاب شامل دوقسمت است: تواریخ قدیمه و تواریخ اسلامیه. قسمت اول دارای یك مقدمه و پنج فصل است درتاریخ انبیا و ملوك، شامل چهارطبقه: فراعنهٔ مصر، ملوك یونان وروم، ملوك عرب قبل ازاسلام، امم مختلف. قسمت دوم تواریخ اسلامیه اززمان حضرت محمدشروع می‌شودو به‌وقایع سال ۷۴۹ پایان می‌پذیرد.

ابوالفداء درقسمت اول به‌اختصار می‌کوشد ولی تاریخ حضرت محمد را باتفصیل بسیارشرح می‌دهد. وی مطالبی‌ازتواریخ دیگران نقل‌می‌کند وازایران همه‌جا بااحترام نام می‌برد وعظمتش را می‌ستاید. نثر کتاب ساده وخالی ازاغراق است.

تاریخ اکبری (ك) «رجوع شود به‌اکبرنامه»

تاریخ بخارا (ك) اصل تاریخ بخارا به‌زبان‌عربی وتألیف ابوبکرمحمدبن جعفرالنرشخی است که‌آن را به‌نام امیرحمیدابومحمد نوح‌بن‌نصر سامانی ساخته است. این کتاب ظاهراً پس ازدوقرن یعنی دراوایل قرن ششم به‌وسیلهٔ ابونصربن احمدبن محمد نصرالقباوی به‌فارسی ترجمه شده است.

مترجم قسمتی ازمطالب کتاب راکه لازم نمی‌دانسته، حذف کرده‌ومطالب واخبارسودمندی به‌آن افزوده‌است. ترجمهٔ‌این کتاب به‌سال ۵۲۲ انجام‌گرفته است وپس‌ازآن محمدبن‌زفربن عمرترجمهٔ

قباوی‌را درتاریخ۵۷۴ تلخیص کرده وبه‌نام صدرالصدورصدرجهان برهان الدین عبدالعزیزبن مازه حاکم بخارا گردانده است. همین کتاب‌است که‌اکنون‌دردست می‌باشد. گویا پس‌از آن‌بازدراین کتاب دستی برده شده وحوادث تاغلبهٔ مغول‌وتسخیربخارا به‌دست‌چنگیز بر آن افزوده شده‌است.

این کتاب شامل اطلاعاتی است دربارهٔ بخارا و فتح آن به‌دست‌مسلمین واوضاع آن‌قبل‌ازتسلط‌سامانیان. مؤلف‌علاوه‌برتاریخ وجغرافی ازفلاحت وصنعت واوضاع مذهبی وعقاید اهالی بخارا پیش ازاسلام وازعادات‌قدیم محلی‌نیز گفتگو کرده است. نثرتاریخ بخارا بسیارساده وبی‌پیرایه است. (چاپ‌تهران)

تاریخ‌بداونی (ک) کتابی درتاریخ‌عمومی‌هند تألیف عبدالقادربداونی که وقایع را تا سال۱۰۰۳ یعنی چهلمین سال‌سلطنت اکبرشاه‌شرح داده است. تاریخ‌بداونی ازمعتبرترین‌تواریخی‌است که درهندنوشته شده است.

تاریخ‌برامکه (ک) تاریخ برامکهٔ حاضر ترجمه‌ای است از متن عربی ومترجم آن محمدبن حسین‌بن عمر هروی می‌باشد، زمان ترجمهٔ کتاب معلوم نیست ومترجم همهٔ حکایتهارا بانقل‌ازابوالقاسم‌غسان، گردآورندهٔ‌اخبار آل‌برمک‌شروع می کند. موضوع اصلی کتاب‌شرح سجایاوسیروجودوسخای خاندان برامکه است که به‌صورت حکایت آمده‌است و بیشترحکایتها مُربوط به‌سه تن از مهمترین افراد این خاندان یعنی یحیی ودوپسرش‌فضل‌وجعفرمی‌باشد. نثرفارسی کتاب

بسیارساده وروان است و شاید بتوان گفت ازنوع انشاء قرن پنجم است (با تصحیح و مقدمهٔ مفصل عبدالعظیم‌قریب استاد دانشگاه۔ چاپ تهران)

تاریخ‌بلعمی (ك) تألیف‌ابوعلی‌محمدبن ابوالفضل‌بلعمی‌وزیرمنصوربن نوح‌بن نصر. این کتاب ترجمه‌ای است از تاریخ‌الرسل والملوك تألیف محمدجریرطبری (متوفی ۳۱۰) که به‌سال ۳۵۲ انجام‌گرفته است. بلعمی درترجمهٔ‌کتاب‌طبری تغییراتی داده است. سلسله‌روات واسنادپیاپی‌را که‌برای‌خوانندهٔ‌فارسی‌زبان‌ملال‌آوراست‌حذف‌کرده وبجای‌آن‌ازمنابع‌ومآخذجدیدی که‌غالباً‌به‌روایات‌پهلوی‌متکی‌بوده، استفاده‌کرده است. بلعمی سبك‌سالنامه نویسی‌را مانند طبری‌به‌کار نبرده، بلکه وقایع‌را برحسب ترتیب‌اقوام مختلف‌تقسیم کرده‌است. تاریخ‌بلعمی ازنمونه‌های بسیارقدیم نثرفارسی است وساده‌وطبیعی ودورازصنایع‌لفظی می‌باشد. (چاپ‌تهران)

تاریخ‌بناکتی(ك) یا روضة اولی‌الالباب فی تواریخ الاکابر والانساب. تألیف ابوسلیمان داوودبناکتی که درسال۷۰۷ هجری به‌زبان‌فارسی به نام سلطان ابوسعید تألیف یافته‌است. مؤلف درتألیف این‌کتاب بیشتراز همه ازجامع‌التواریخ رشیدی استفاده کرده‌است. این‌تاریخ شامل‌نه‌قسمت است:

۱ــانبیاءواولیاء. ۲ــ پادشاهان قدیم‌ایران. ۳ــپیغمبراسلام وخلفا. ۴ــ سلاطین‌ایران ومعاصران خلفاء بنی‌عباس. ۵ــیهودیان. ۶ــ مسیحیان وفرنگیان. ۷ــ هندیان. ۸ــ چینیان. ۹ــ مغولان .

گرچه مؤلف درقسمتی که به‌ملل خارجی اختصاص دارد، به‌اختصار پرداخته‌است‌ولی‌اطلاعات ذیقیمت‌وحقیقی به‌دست‌می‌دهد ودر کمتر تاریخی دربارهٔ اماکن ونفوس‌وحوادث تاریخی‌بیرون از دایرهٔ‌اسلامی تااین‌حدبحث شده‌است. شرح مذاهب مختلف‌دراین کتاب منصفانه وخالی ازتعصب است.

تاریخ بیهق (ک) تألیف‌ابوالحسن بیهقی. موضوع تاریخ بیهق عبارت است ازتاریخ این‌شهر(سبزوارحالیه) وشرح‌حال مشاهیر ورجالی که به‌آن منسوب‌اند ، ازهردسته مانند عالمان ، شاعران ، ادیبان ، وزیران، حکیمان، پزشکان، سادات، انساب خانواده‌های مشهور که ازقدیم درآنجا اقامت داشته‌اند و همچنین اطلاعات جغرافیائی و فضائل شهر و وجه‌تسمیهٔ‌آن وتقسیمات دوازده گانهٔ شهر در زمان عبدالله طاهر.

مؤلف درضمن تاریخ بنای هرشهر داستانها و اتفاقاتی‌را که درآنجا افتاده است، نقل‌می‌کند، مانند سفرهای اشخاص بزرگ چون هارون‌الرشید ومأمون وساختن مسجد جامع. مؤلف درضمن وقایع همه‌جا حدیثهای نبوی و آیات قرآن واشعارعربی می‌آورد وسنوات تاریخ را به‌عربی ذکرمی‌کند . عبارات فارسی در تاریخ بیهق اغلب باجمله‌های مطول‌عربی‌آمیخته وفرمانها ومثالها به‌عربی نقل‌شده است. (چاپ تهران)

تاریخ بیهقی (تاریخ مسعودی) (ک) تألیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی؛ ازتواریخ معتبر دورهٔ غزنویان. اصل این کتاب تاریخ آل

سبکتکین نام داشته وسی مجلد بوده است. تنها قسمتی که اکنون از این تاریخ بزرگ در دست است، قسمتی است به نام «تاریخ مسعودی» حاوی سلطنت مسعود بن محمود سبکتکین و تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و تصرف ولایت ایشان به دست سلطان محمود غزنوی وحکومت آلتون تاش تا غلبهٔ سلاجقه. تاریخ بیهقی از مهمترین کتابهای ادبی فارسی است که مؤلف در آن تنها به حوادث سیاسی دورهٔ غزنویان اکتفا نکرده، بلکه کوشیده است که وقایع را بااستدلال شرح دهد وعلت قضایا وجنگها را بنویسد. بیهقی احکام وفرامین ونسخه‌ها را عیناً نقل می کند وبرای آنکه کتاب جالبتر شود، وقایع را باحکایات تاریخی می آمیزد. اغلب به ذکر شاعران واشعاری می پردازد که در کتابهای دیگر ذکری از آنها نشده است. مؤلف آنچه را که شرح می دهد، یاخود شاهد آن بوده یا از راوی معتمدی نقل می کند وهمه جا درستی اخبار را تأکید می کند. تاریخ بیهقی مستند به مدارك صحیح است واز موثقترین مدارك تاریخی دورهٔ غزنوی به شمار می رود. سبك انشاء تاریخ بیهقی بسیار لطیف و نمونهٔ عالی از روش انشاء دربار غزنوی است. (چاپ تهران)

تاریخ جلالی - «رجوع شود به تقویم جلالی.»

تاریخ جهانگشا (ك) از تواریخ دورهٔ مغول به زبان فارسی ، تألیف علاءالدین عطاملك جوینی. این تاریخ درسال ۶۵۸ تألیف یافته و شامل سه جلد است در وقایع دورهٔ مغول تاسال ۶۵۵.

جلد اول درعادات و رسوم قدیم مغول و قوانین موضوع

چنگیز معروف به‌یاسا و فتوحات چنگیز و سلطنت اوگتای قاآن و دورهٔ نیابت توراگینا خاتون وسلطنت گیوك‌خان وجغتای. جلددوم درتاریخ خوارزمشاهیه و وقایع و احوال آنها و ملوك قراختای و گورخانیه. جلدسوم‌دروقایع تاجگذاری‌وجلوس منکوقاآن‌ووقایع سلطنت وتفصیل‌حرکت هلاکو به‌بغداد وقلع وقمع اسمعیلیه.

درپایان بعضی ازنسخه‌های جهانگشا فصلی در واقعهٔ فتح بغداد بدست هلاکوتألیف خواجه نصیرالدین طوسی به‌طریق‌ذیلی به‌جهانگشامنضم است ولی‌درغالب نسخه‌ها نیست. مؤلف‌به‌سراسر قلمرو مغول‌سفر کرده و بسیاری ازوقایع راکه به چشم دیده یا از معتبران شنیده، درتاریخ‌خود شرح‌داده‌است. جوینی به‌ذکرحوادث اکتفا نمی‌کند ، بلکه سبب ایجاد فتنه‌ها و شکستها را می‌گوید و فتح نامه‌ها راعیناًضبط می‌کند و دربارهٔمذاهب وادیان نیز گفتگو می‌کند. تاریخ جهانگشا تاریخ بسیار معتبری است که مؤلف در تنظیم روایات آن دقت بسیاربکاربرده وبرای جالب ساختن‌تاریخ، حکایات شیرینی به‌آن‌آمیخته وشواهد بسیاری به‌نظم یانثر به‌زبان فارسی یاعربی‌آورده است. سبك‌انشاء جهانگشا به‌سادگی بیهقی، و بلعمی نیست، تااندازه‌ای متکلفانه است ولی‌هرگز حقیقت تاریخی درآن فدای لفظ نشده‌است. (چاپ‌تهران)

تاریخ‌الرسل‌والملوك (ك) تألیف ابوجعفرمحمدبن جریرطبری مورخ بزرگ قرن سوم وچهارم اسلامی. این کتاب به‌زبان عربی‌است در تاریخ عمومی‌عالم، در دوازده جلد ، شامل وقایع عالم از ابتدای

خلقت تاسال ۳۰۲ هجری. طبری دراین تاریخ سبک سالنامه‌نویسی بکار برده‌است و وقایع را برحسب سنوات تقسیم کرده نه برحسب اقوام. وی دربارۀ وقایع وحوادث چندین روایت اعم از موافق و مخالف را نقل می کند و سلسلۀ رواة را به شخص مورد اعتمادی می‌رساند.

طبری دراین کتاب بیشترجنبۀ وقایع‌نگاری را درنظرداشته است وبه‌تمدن ومظاهراجتماعی‌وعادات ورسوم وعلل‌وقایع‌توجهی ندارد. تاریخ‌طبری مأخذمورد اطمینانی است که‌بسیاری ازمورخان آن را ازصحیح‌ترین مدارك شمرده وبه‌آن استناد کرده‌اند. تاریخ طبری درزمان سامانیان‌به‌وسیلۀابوعلی‌محمدبن‌محمدبن‌عبدالله‌بلعمی وبه‌فرمان امیر منصوربن نوح سامانی درسال۳۵۲ هجری به‌فارسی ترجمه شده واین ترجمه به‌تاریخ بلعمی‌معروف‌گردیده است(چاپ عکسی ـ انتشارات بنیادفرهنگ ایران)

تاریخ رشیدی (ك) «رجوع شود به‌جامع‌التواریخ»

تاریخ سنی ملوك‌الارض‌والانبیاء (ك) تاریخ معروفی تألیف‌ابوعبدالله حمزةبن‌الحسین‌الاصفهانی. این کتاب درسال ۳۵۰ هجری به‌زبان عربی تألیف‌یافته وشامل‌ده‌باب ویك مقدمه است دربارۀ اقوام‌قدیم ایران،روم، یونان،قبط، اسرائیلیان، ملوك‌عراق‌عرب، غسان،حمیر، امرای قریش وامرای خراسان وطبرستان.

این تاریخ ازحیث‌اشتمال‌براطلاعات دربارۀ ایران‌اهمیت بسیاردارد ویکی ازمآخذاصیل درتاریخ عمومی قرن چهارم‌هجری

بشمار می‌آید که مورد استفادهٔ بسیاری از مورخان بعداز عصر مؤلف قرارگرفته است. (ترجمه به‌فارسی به‌نام «تاریخ پیامبران وشاهان» به‌وسیلهٔ دکترجعفرشعار ، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ شمسی- تهران)

تاریخ‌سیستان (ك) تاریخی به‌زبان فارسی که‌مؤلف آن معلوم نیست‌ولی دویاسه نفربه‌نوبت این تاریخ را به‌پایان رسانده‌اند، زیراکه سبك نوشتهٔ ابتدای کتاب باانتهای آن بکلی متفاوت است. تحریر اصل کتاب در اوائل عهد سلاجقه صورت گرفته است . بنظر مرحوم ملك‌الشعراءِ بهارتألیف کتاب یکبار درعصریعقوب لیث‌وعمرولیث وعصر خلف بن‌احمد و غلبهٔ سلطان محمود غزنوی انجام‌گرفته و یکبارهم درعصرطغرل سلجوقی و باردیگر درحدود ۷۲۵ که پایان کتاب است.

درتاریخ سیستان ازبنای شهر وآبادانی، نامها ، حدود و توابع، رستاقها گفتگو می‌شود، همچنین تاریخ زندگی بزرگان و پیغمبران ودرضمن‌داستانهای‌مذهبی‌شرح‌داده‌شده‌است. مؤلف‌تاریخ سیستان درجنگها به حیله‌های جنگی و قراردادها وعلت زد وخورد می‌پردازد وصحنه‌ها ومناظرجنگ را وصف می کند. تاریخ‌سیستان تا آمدن امیر بیغو به‌سیستان به‌یك نحووبه‌قلم یك نویسنده است ولی دراینجا مطلب بریده وناتمام می‌ماند ودرصفحهٔ بعد به‌طریق دیگر وباتاریخ دیگرشروع می‌شود. تاریخ وقایع قسمت اول تاسال ۴۴۸ است وتاریخ قسمت بعداز۴۶۵ آغازمی‌شود. ازاینجا سبك نوشتن

تاریخ بکلی عوض می‌شود. سنه‌ها که تا اینجا به‌عربی نوشته شده بود ، ازاین پس به فارسی است. وقایع که تااین تاریخ به‌تفصیل شرح داده‌شده‌است، ازاین به‌بعد فهرست وار می‌شود. باز ازسال ۶۹۵ فهرست نویسی‌تمام می‌شود ومطالب باعنوان شروع‌می‌گردد.

صاحب تاریخ سیستان ازتواریخ ومؤلفان آنها نام می‌برد ودرنقل روایات وشرح داستانها جنبهٔ اختصار را رعایت می کند . سبك نوشتهٔ تاریخ سیستان بسیارساده ودرقسمت اول کتاب عاری‌از لغات نامستعمل‌عربی است. (چاپ‌تهران)

تاریخ طبرستان (ك) تاریخی به‌زبان فارسی تألیف بهاءالدین محمدبن حسن‌بن اسفندیارکاتب آملی معروف به‌اسفندیار، ازکاتبان‌مشهور ایرانی . این کتاب درسال۶۱۳ تألیف یافته است . مؤلف‌چنانکه خود گوید در تألیف تاریخ طبرستان از کتابهای مختلف مانند کتاب امام ابوالحسن یزدادی به‌زبان عربی ورساله‌ای ازابن‌المقفع وکتابهای دیگر استفاده کرده است . تاریخ طبرستان شامل چهار قسم و هرقسم‌شامل چندین باب است دربنیاد طبرستان وخصایص و عجایب آن و ذکر ملوك و علماء و حکماء آل وشمگیر و آل باوند. در تاریخ طبرستان جز حوادث تاریخی ، حکم ومواعظ و و اشعار و امثال نیز از کتابهای مختلف نقل شده است . انشاءاین کتاب ساده وروان است . (چاپ تهران)

تاریخ طبری (ك) «رجوع شود به تاریخ الرسل والملوك»

تاریخ قم (ك) تألیف حسن‌بن محمدبن حسن قمی . اصل این کتاب

به زبان عربی است و در سال ۳۷۸ در زمان صاحب‌بن عباد و به تشویق او تألیف یافته است و ترجمهٔ آن به فارسی در سال ۸۰۵ به توسط حسن‌بن علی‌بن حسن بن عبدالملک قمی صورت گرفته است . مؤلف مطالب کتاب را برحسب فهرست بسیار منظم بیان می‌کند و عوامل و کیفیاتی را که در معرفی شهر کمال لزوم را دارد در نظر می‌گیرد . مؤلف خود می‌گوید که بیشتر اخبار را در مدت حکومت برادرش در قم بدست آورده و قسمتی را از مردم قم شنیده است و درضمن نام کتابهائی را که از آنها استفاده کرده، ذکر می‌کند . نویسنده در تألیف تاریخ قم به کتاب اصفهان تألیف حمزهٔ اصفهانی نظر داشته است و از آن روایاتی نقل می‌کند . همچنین از کتاب سیرالملوك العجم و تاریخ خلفا روایاتی دارد . مؤلف پس‌از مطالعه و مقایسهٔ روایات متعدد، آنهارا باهم‌سنجیده و قول درست تر را انتخاب کرده است . دقت و تنظیم مطالبی که در تاریخ قم به‌کار رفته است ، کمتر در تواریخ دیگرشهرها دیده می‌شود . انشاء ترجمهٔ تاریخ قم بسیار ساده و روان است . گرچه دارای لغات واشعار عربی است ولی مطالب تاریخ بسیار صریح وروشن است . (چاپ تهران)

تاریخ کرمان (ك) یا عقدالعلی للموقف الاعلی ، تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی معاصر سلاجقهٔ کرمان که کتاب را در سال ۵۸۴ به پایان رسانده است . این کتاب شامل پنج قسمت است : در ذکر آخر دولت آل‌سلجوق و ایام فترت ملك کرمان ،

ورود آیات ملك دینار به کرمان و گرفتن ملك و ظفریافتن ، شرح اخلاق ملوك وذکر ممالك کرمان ، ثنای صاحب قوام‌الدین ، ذکر محاسن و شرح خاندان او ، شرح حال مؤلف .

مؤلف دراین کتاب بیشتر به شرح اوضاع سیاسی کرمان و زمامداران آن می‌پردازد و تاریخ را با پند و اندرز می آمیزد و سفرها و زندگی خودرا در غربت و ناراحتیها و سپس آسودگی خیال و اشتغال به شغل دبیری‌را شرح می‌دهد . سبك نوشتهٔ‌تاریخ کرمان ساده نیست ، بلکه شامل صنایع و تکلفات ادبی است و در آن نثر بااشعار مفصل آمیخته است . (چاپ تهران)

تاریخ گزیده (ك) تألیف حمدالله مستوفی قزوینی که آن را در سال ۷۳۰ به زبان فارسی به نام خواجه غیاث‌الدین محمود ، فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله ، تألیف کرده است . تاریخ گزیده تقلید و تلخیصی است از جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله به انضمام تلخیصی از تواریخ دیگر . این کتاب مشتمل است بریك مقدمه و شش باب که هربابی به فصول مختلف تقسیم شده است . مؤلف پس از ذکرمنابع خود به مبدأ تاریخ در نزد طبقات‌مختلف می‌پردازد و از ابتدای آفرینش وعقل کل و نفس و هیولی وصور و عناصر بحث می کند ، سپس تاریخ پیغمبران و قبایل عرب و خلفا و پادشاهان ایران را تازمان خود شرح‌می‌دهد . تاریخ‌گزیده دارای وسعت مندرجات است ، اما مؤلف دربارهٔ‌هیچیك ازمطالب به‌شرح و بسط نپرداخته و به علت حوادث توجه ندارد و در نقل

وقایع ، جز تاریخ زمان خود ، به‌اختصار می کوشد . سبك‌تاریخ گزیده بسیار ساده و روان است . (چاپ تهران)

تاریخ گیلان و دیلمستان (ك) تاریخی است تألیف سیدظهیرالدین‌بن سید نصیرالدین مرعشی . این کتاب قدیمترین سند تاریخی گیلان است که مؤلف تألیف آن را درسال ۸۸۰ آغاز کرده است. کتاب دارای یك مقدمه و هفت باب و هرباب شامل چند فصل است و وقایع گیلان و دیلمستان تا سال ۸۹۴ در آن آمده است . مؤلف خود در دربار شاهان و امیران گیلان مقامی عالی داشته و شخصاً در بسیاری از جنگها شرکت داشته و غالب وقایع‌را به‌چشم دیده است . تاریخ گیلان مجموعهٔ ذیقیمتی‌است از آداب ورسوم گیلان و دیلمستان (با تصحیح و تحشیهٔ دکترمنوچهرستوده- ازانتشارات بنیاد فرهنگ ایران ـ ۱۳۴۷)

تاریخ مسعودی (ك) «رجوع شود به تاریخ بیهقی»

تاریخ معجم (ك) یاالمعجم‌فی‌آثارملوك‌العجم، این کتاب به‌زبان‌فارسی و تألیف شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی می‌باشد که در سال ۶۸۴ به نام اتابك نصرةالدین احمد شاه لرستان تألیف یافته‌است.

کتاب دربارهٔ تاریخ مختصر ایران است از عهدکیومرث تا آخر عهد ساسانیان . مؤلف در ضمن تاریخ ایران از پیغمبران وفلاسفه و حکمای یونان‌که معاصر شاهان ایران‌بودند، نام‌می‌برد. در تاریخ معجم مانند تاریخ وصاف جنبهٔ ادبی برجنبهٔ تاریخی غلبه دارد . عبارات مصنوع و متکلفانه است . همه‌جا خطبه‌ها و

مناجاتهـائی به شاهـان باستانی ایران نسبت می‌دهد ، آمیخته به جمله‌های‌عربی وشعر فارسی. در شرح وقایع به‌اختصار می کوشد و دربارهٔ بعضی از شاهان به‌ذکر نام قناعت می کند . ازمورخینی مانند ابن‌المقفع ، ابن‌قتیبه ، جریر طبری روایت دارد . (چاپ تهران)

تاریخ نـادری (ك) «رجوع شود به جهانگشای نادری»

تاریخ وصاف (ك) یاتجزیة‌الامصار و تزجیة الاعصار ، تاریخی به زبان فارسی تألیف ادیب شهاب‌الدین عبدالله شیرازی ملقب به وصاف الحضرة که آن‌را ذیلی برتاریخ جهانگشای جوینی می‌داند. این تاریخ در پنج جلد و شامل تاریخ ایلخانان مغول و امیران اطراف است تااواسط عهد ابوسعید بهادرخان. تاریخ‌ازهمانجاکه‌جهانگشا قطع می‌شود ، یعنی از سال ۶۵۶ شروع‌می‌شود وبه‌سلطنت‌سلطان علاءالدین و قطب‌الدین ختم می‌گردد .

مؤلف در روش تاریخ نویسی از تاریخ جهانگشا پیروی کرده است ولی سبك انشاء کتاب متکلف ومصنوع است ودراین راه مبالغهٔ بسیاربکار رفته‌است، تاحدی‌که تاریخ ملال‌آور می‌شود. نویسنده‌جزبیان‌وقایع، دربارهٔ شاعران‌وشعرهای آنان‌گفتگومی کند و مراسلات شاهان را عیناً ضبط می کند . در میان شرح وقایع‌به شکایت از روزگار می‌پردازد و پند و اندرز می‌دهد و اغلب وارد بحثهای فلسفی و مذهبی می‌شود وگاه مجبور می گردد که نکـات استعاری و تشبیهی مبهم را تفسیر کند و خود این روش‌را بی‌سابقه

می‌شمارد. با وجود روش اغراق آمیز مؤلف، تاریخ وصاف تاریخ پرارزشی است که واجد اسناد قابل اعتمادی از تاریخ مغول است. (تحریر تازه از تاریخ وصاف به‌قلم عبدالمحمد آیتی از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۶)

تاریخ هرات (ك) یاروضات‌الجنات فی تاریخ مدینة‌الهرات، تألیف معین‌الدین محمد اسفزاری مورخ دورهٔ تیموری که این کتاب را به‌نام سلطان‌حسین بایقرا تألیف کرده‌است. تاریخ هرات شامل وقایع تاسال ۸۷۵ هجری است که نویسنده در آن شهر هرات و نواحی اطراف آن را از لحاظ جغرافیائی و از نظر فرمانروایان قدیم و همچنین سلسلهٔ ملوك کرت وانقراض آن‌را بدست تیمور و تاریخ تیموریان را تا سلطنت سلطان حسین ابوالغازی به‌تفصیل شرح‌داده است. (چاپ تهران)

تاریخ یمینی (ك) تاریخ یمینی به زبان عربی تألیف ابونصر عتبی از ملازمان دربار سلطان محمود غزنوی است. این کتاب در شرح حال سلطان محمود یمین‌الدوله و پدرش سبکتکین است وبه همین جهت به تاریخ یمینی معروف است. تاریخ تألیف کتاب اوایل قرن پنجم‌است ولی درقرن هفتم وبه‌سال ۶۰۳ ابوالشرف ناصح‌بن ظفربن سعدالمنشی الجرفادقانی که در زمان اتابکان آذربایجان می‌زیسته، آن‌را به فارسی‌ترجمه کرده‌است. ودر آغاز قرن‌یازدهم هجری منینی شرحی به‌زبان عربی بر آن نوشته وبه: الفتح‌الوهبی موسوم ساخته است.

تاریخ یمینی کتابی است مشتمل برشرح سلطنت سلطان محمودبن سبکتکین و کمی از احوال آل‌سامان واندکی ازتاریخ آل‌بویه و اخبار ملوك‌الطوایف و امیران نواحی مختلف . وقایع با عبارتهای‌سلیس بدون اختلاط باداستان بیان می‌شود. شرح‌وقایع جزئی ، روابط شاهان با دول و امیران معاصر ، و عزل و نصب حکام ومنشیان و فرمانها و جزئیات زندگی شاهان به تفصیل ذکر شده است . مترجم تاریخ یمینی در ترجمه سادگی اصل کتاب را کاملا حفظ نکرده وگاهی به تطویل می‌پردازد و قصاید عربی‌را از اصل‌کتاب نقل می‌کند. تاریخ یمینی ازمهمترین مأخذهای تاریخ غزنوی است و نثرش نمونه‌ای از نثر مصنوع فارسی در آغازقرن هفتم است . ترجمهٔ تاریخ یمینی چاپ تهران (بنگاه ترجمه ونشر کتاب به اهتمام دکترجعفرشعار)

تأسیس (ق) از حروف قافیه . الفی که با فاصلهٔ متحرکی قبل از روی قرارگیرد مثل قاصر . بیشتر شاعران آوردن الف تأسیس را لازم نمی‌دانند و اگررعایت شود ، آنرا لزوم مالایلزم می‌خوانند:

گرچه دربستم در مدح و غزل یکبارگی
ظن مبر کز نظم الفاظ و معانی قاصرم
بلکه در هرنوع کز اقران من‌داند کسی
خواه جزوی‌گیر آن را خواه‌کلی ماهرم

«انوری»

مثال عدم‌التزام:

نشاید بردن انده جز به انده | نشاید کوفت آهن جز به آهن
دلم آبستن خرسندی آمد | اگر شد مادر روزی سترون

«خاقانی»

تبت شهری درحدود چین که مشك آن معروف بوده است.

نو بهار آمد و آورد گل و یا سمنا
باغ همچون تبت وراغ بسان عدنا

«منوچهری»

تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام (ك) ، تألیف سیدمرتضی بن الداعی الحسینی رازی که آن‌را در اوائل قرن هفتم و شروع حملهٔ مغول نوشته است . تبصرة العوام به زبان فارسی و دارای بیست و شش باب است در ذکر مقالات مربوط به فرقه‌های مختلف مذهبی که در ضمن آن از صوفیه ومشایخ صوفیان اطلاعاتی به‌دست می‌دهد. (چاپ تهران)

تثلیث (تج) آن است که میان دوبرج یك‌سوم دورهٔ فلك یعنی چهاربرج فاصله باشد و به اصطلاح دیگر آنکه هربرجی به برج پنجمش نظر کند، تثلیث بعضی ازسیارات سعداست مانند تثلیث ماه‌ومشتری.

به تثلیث بروج و ماه و انجم | به تربیع وبه تسدیس ثلاثا
به تثلیثی کجاسعد فلك راست | به تربیع صلیب باد پروا
که بهر دیدن بیت المقدس | مرا فرمان بخواه از شاه دنیا

«خاقانی»

تجارب الامم (ك) کتابی در تاریخ عمومی عالم به زبان عربی که ابوعلی مسکویه آن‌را در شش جلد تألیف کرده است ولی فقط جلد اول

و پنجم و ششم آن در دست است . جلد اول از پادشاهی هوشنگ شروع می‌شود و با جنگ جمل پایان می‌یابد. جلد پنجم از وقایع سنهٔ ۲۳۴ شروع می‌شود و پس از ذکر اخبار ایران و عرب و کشورهای دیگر به‌وقایع سال ۳۲۶ ختم می‌شود. جلد ششم دنبالهٔ مطالب جلد پنجم است تاسنهٔ ۳۷۰ وپادشاهی عضدالدولهٔ دیلمی.

منظورابن‌مسکویه درجمع آوری اخبار فقط ذکراحادیث نیست، بلکه منظورش‌شرح وقایعی‌است که درزندگی بشرمؤثربوده وتجربه‌ای از آن بدست می آید . ابن مسکویه به‌تاریخ ، تنها مانند مورخ‌نظرنمی‌اندازد بلکه‌مانندفیلسوف وروانشناس‌وقایع وپیشرفتها وشکستهارا مورد تجزیه وتحلیل قرارمی‌دهد ومطالبی ازمیان آنها برمی گزیند که جامعتر ومفیدتر است. می‌توان گفت به‌فلسفهٔ تاریخ توجه بیشتر دارد وهمه‌جاعلل شکست یاپیروزی را شرح می‌دهد. سبك ادبی کتاب کاملا بی‌تکلف وازعبارت‌پردازی خالی‌است.

تجارب‌السلف (ك) تألیف محمدبن فخرالدین هندوشاه نخجوانی که‌آن را به‌سال ۷۲۴ به‌نام اتابك نصرةالدین تألیف‌کرده است. تجارب السلف ترجمه‌ای است از کتاب : منیةالفضلاء فی‌التاریخ الخلفاء والوزراء معروف به‌تاریخ فخری تألیف ابن‌الطقطقی (که درسال ۷۰۱ تألیف یافته‌است) . هندوشاه دراین کتاب نظر ترجمهٔ ساده و تحت‌اللفظ نداشته، بلکه ازاصل کتاب اقتباس کرده است، زیرا که قسمتهائی راحذف‌کرده وچیزهائی برآن افزوده است وحکایتها و داستانهائی آورده که‌دراصل کتاب نبوده است. ولی‌نقشهٔ کتاب‌مانند

کتاب الفخری است. هندوشاه در این کتاب از ترجمهٔ تاریخ طبری والکامل ابن اثیر و نفثة المصدور و جوامع الحکایات عوفی و کتابهای دیگر که مورد استفاده‌اش بوده است نام می‌برد. تجارب السلف نثری ساده و سلیس و انشائی بلیغ و شیرین دارد.

تجاهل العارف (ب) آن است که شاعر عمداً خود را در مطلبی جاهل نشان بدهد.

گلی یا سوسنی یا سرو یا ماهی نمی‌دانم
از این آشفتهٔ بیدل چه می‌خواهی نمی‌دانم

تجزیة الاعصار و تزجیة الاعصار (ك) «رجوع شود به تاریخ وصاف»

تجلّی (تن) در لغت به معنی آشکار و روشن شدن و جلوه کردن است و در ادبیات فارسی گاه کنایه از تجلی خداست در دل سالکان طریقت پس از طی منازل سلوك و رسیدن به مقام فناء فی‌الله؛ و گاه کنایه از ظهور نور الهی است بر کوه طور که موسی از آن بیهوش گشت.

آن سهیل است برق هیبت او　　که تجلیش سکنهٔ طور است
«ابوالفرج رونی»

تجنیس (ب) تجنیس یا جناس آن است که دو کلمه از جهتی با یکدیگر مشابهت و مجانست داشته باشد. تجنیس بر هفت قسم است: تجنیس تام، تجنیس ناقص، تجنیس زائد، تجنیس مرکب، تجنیس مکرر، تجنیس مطرف، تجنیس خطی.

۱ــ تجنیس تام آن است که دو کلمه در صورت یکسان باشد و در معنی متفاوت. مانند کلمه‌های گور در این شعر:

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

«خیام»

۲- تجنیس ناقص آن است که دو کلمه در نوشتن مانند هم باشد ولی درحرکت اختلاف داشته‌باشد، مانند َخلق ، ُخلق:

ُبرد بیاور که َبرد آمد و هنگامه کرد
آب چمن چون برفت‌آتش سوزان بیار

۳- تجنیس‌زائد آن است که‌در آخریکی ازدو کلمهٔ‌مجانس حرفی اضافه بردیگری باشد . مانند باد و باده در این شعر :

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است
بیار باده که بنیاد عمر برباد است

«حافظ»

۴- تجنیس‌مرکب‌آن است که دو کلمهٔ مجانس یکی‌بسیط و یکی‌مرکب‌باشد. مانند:

امروز شمع انجمن دلبران یکی است
دلبر اگر هزار بود دل بر آن یکی است

۵- تجنیس مکرر یا مزدوج آن‌است که یکی از دو کلمهٔ مجانس یك یادوحرف از دیگری بیشتر داشته باشد . مانند: زار و نزار ، گفتار وتار ،

ای بت شیرین لبان تاچند ازین گفتار تلخ
روز من چون شب مدار از تلخی گفتار تار

۶ـ تجنیس مطرف آن است که دو کلمه درهمهٔ حروف جز در حرف آخر یکسان باشد. مثل الخائن خائف ، جام وجان

۷ـ تجنیس خطی یامصحف آن است که دو کلمه ، قطع نظر از نقطه ،به‌یك شکل وصورت نوشته شود. مانند تیمارو بیمار، پوشیدن و نوشیدن

در دولت تو اسب معالی بتاختیم
وز نعمت تو نرد امانی بیاختیم

تجنیسات(ك) از مثنویهای کاتبی نیشابوری که در کلمات آخر مصراعها صنعت جناس را رعایت کرده‌است. این مثنوی دارای ده‌باب است در اخلاق که شامل پند و اندرز است و در پایان بابها فصلی در نصیحت به‌فرزند دارد ودرخاتمه ازشاعرانی مانند عطار ومولوی وفردوسی ونظامی وشاعران دیگر مثنویهائی ذکر می کند. مثنوی تجنیسات متکلف وخالی ازشور است وکاتبی درآن بیشتر به‌لفظ و صنعت پرداخته است.

تحفةالاحرار (ك) یکی‌ازمنظومه‌های هفت‌اورنگ اثرمولاناعبدالرحمن جامی که آن‌را به‌سال ۸۸۶ ساخته‌است. این کتاب به‌سبك مخزن‌الاسرار نظامی وبرهمان وزن است ودارای دیباچه‌ای است درمناجات‌خدا ومنقبت پیغمبرومدح خواجه‌بهاءالدین‌مؤسس‌سلسلهٔ‌نقشبندیه وبیست مقاله‌درآفرینش‌جهان‌ومسائل‌دینی وشرح‌حال‌علماء وسلاطین‌ووصف جوانی وپیری که هریك ازاین‌مطالب‌باحکایتهاومثلها آمیخته وشامل نکته‌های اخلاقی‌است.

تحفهٔ‌سامی (ك) یا تذکرهٔ سامی کتابی درشرح حال قریب به‌هفتصد تن ازشاعرانی که‌اغلب‌معاصرمؤلف بوده‌اند. این کتاب تألیف‌سام‌میرزا پسرشاه اسمعیل اول صفوی است ودرحدود سال۹۵۷ تألیف یافته است. (چاپ تهران)

تحفة‌العراقین (ك) از آثارمنظوم خاقانی شاعر بزرگ قرن ششم، این مثنوی درحدود سه‌هزاربیت دارد ودرشرح سفر شاعراست به‌عراق عجم وعراق عرب ومکهٔ‌معظمه. خاقانی دراین‌منظومه اغلب‌بزرگان ودانشمندانی راکه هنگام سفر ملاقات کرده است ستوده وآداب و رسوم بعضی ازکشورهارا شرح‌داده است. مثنوی تحفة‌العراقین به نام جمال‌الدین محمد موصلی سروده شده است. (چاپ‌تهران)

تخت‌بلقیس یا عرش بلقیس (تن) تخت بلقیس، ملکهٔ سبا، که‌دیوان آن را برداشته نزد سلیمان بردند.

نشستم از برش چون تخت بلقیس
بجست او چون یکی عفریت هائل

«منوچهری»

تخت‌طاقدیس تخت خسروپرویز.

به گرداگرد تخت طاقدیسش
دهان تاجداران خاك لیسش

«نظامی»

همچنین نام نوائی است ازنواهای باربد.

چو تخت طاقدیسی ساز کردی
بهشت از طاقها آواز کردی

«نظامی»

تخلیع : (ب) آن است که شعر بروزنهای ناخوش و بحور ثقیل گفته شود .

ای بت من چرا همی سوزی مرا
پس هر دمی می‌زنیم بی‌گنه

تخنیق (زحاف) (ع) درمفاعیلن مانند خرب است که می‌شود فاعیل؛ و بجای‌آن مفعول‌می گذارند، درزبان عربی فقط دراول‌بیت می آید؛ ودرفارسی درسایراجزاء بیت‌هم جایزشمرده می‌شود. این‌مفعول‌را مخنق‌گویند.

تدارك (ب) آن است که شاعریك معنی‌را به‌نفی یا به‌اثبات‌آورد، سپس آن‌را به‌وجهی تدارك کند، یعنی شرطی در میان آرد که آن صفت متبدل شود .

کجا توانم مالید کعبتین عدو
بلی اگر تو دهی مرمرا به‌حق یاری

تذکرةالاولیاء (ك) از آثار منثور شیخ فریدالدین عطار که در اواخر قرن ششم تألیف یافته و در بیان مقامات عرفان است که مؤلف در آن سرگذشت نود وشش تن از اولیاء مشایخ صوفیه را باذکر مکارم اخلاقی و سخنان حکمت‌آمیزشان آورده است . این کتاب ازحیث بیان مکارم‌واخلاق مشایخ‌طریقت وحالها وچگونگی‌اوضاع ایشان ورنجها ومجاهدات وسخنان حکمت‌آمیز وپندهایشان کتابی بسیارمهم وسودمند است. نوشتۀ کتاب نیزنمونۀ نثر بسیار روان و شیرین زبان فارسی‌است.

تذکرهٔبزم آراء (ك) تألیف سیدعلی‌بن محمود حسینی که آن‌را درسال ۱۰۰۰ به‌پایان رسانده و به‌نام خانخانان عبدالرحیم‌بن بیرم‌خان کرده است . این تذکره درهفت فصل و شامل شرح‌حال شاعران فارسی زبان است از زمانهای قدیم تا عصر مؤلف . مؤلف در تألیف این تذکره ، مطالب لباب‌الالباب عوفی را حتی دیباچه و مقدمهٔ آن را اقتباس کرده ولی هیچ نامی از آن نبرده است .

تذکرةالشعراء (ك) (تذکرهٔ دولتشاه) کتابی معروف . به‌زبان فارسی ، در شرح حال عدهٔ بسیاری از شاعران و منتخباتی ازاشعار ایشان، تألیف دولتشاه بن علاءالدوله غازی سمرقندی که آن را در سال ۸۹۲ تألیف کرده است. مؤلف دراین کتاب علاوه بر شرح حال شاعران، ازامیران وبزرگانی که ممدوح شاعران‌قرارگرفته‌اند، نیز ذکرکرده ودرخاتمهٔ کتاب شرح حال هفت تن شاعرمعاصر خودرا آورده‌است . (چاپ‌تهران)

تذکرهٔمیخانه (ك) کتابی‌درشرح حال‌شاعرانی که‌ساقی‌نامه ساخته‌اند، تألیف ملاعبدالنبی فخرالزمانی قزوینی که آن را درسال ۱۰۲۸در هندوستان به‌نام سردارخان خواجه یادگار تألیف‌کرده است.

دراین کتاب شرح‌احوال‌هفتادویك شاعرذکرشده است که قبل ازاکبرشاه فوت کرده یامعاصرمؤلف‌بوده وبه‌دربار اکبرشاه یا جهانگیریاامیران دکن منتسب بوده‌اند، یااصلا به‌هندوستان‌نرفته‌اند یااهل‌قزوین وهموطن مؤلف بوده‌اند. مؤلف‌این هفتاد ویك‌شاعررا برسه مرتبه تقسیم می کندوشرح‌حال ایشان را بانام ونسب وتاریخ

وفات ودیوان شعروتعداد ابیات آن ونمونهٔ ساقی‌نامه یاکلام‌منظوم دیگرآنهارا به‌تفصیل ذکر می کند . مؤلف درهمهٔ این اطلاعات به مآخذکتاب اشاره می کند وازخود نیزساقی‌نامه‌ای باتخلص «نبی» می‌آورد. سبك نوشتهٔ‌کتاب ساده وازتکلفات منشیانه دور است .

(چاپ تهران)

تذکرهٔ نصرآبادی (ك) تذکره‌ای تألیف میرزا محمد طاهر نصرآبادی اصفهانی که آن را درسال ۱۰۸۳ و به‌نام صفی‌میرزا معروف به‌شاه سلیمان فرزند شاه عباس‌ثانی‌تألیف‌کرده است. تذکرهٔ نصرآبادی شامل‌شرح‌حال وآثارقریب هزارشاعرعهد صفوی‌است. این‌تذکره مورد استفادهٔ تذکره‌نویسان دیگرمانندآذربیگدلی صاحب‌آتشکده قرارگرفته است. (چاپ تهران)

تذکرهٔ‌هفت‌اقلیم (ك) تذکره‌ای‌مشتمل‌برجغرافیاوتاریخ‌وترجمهٔ‌احوال هزار وپانصد تن ازشاعران وادیبان و عارفان و امیران وشاهانی که شعرسروده‌اند.

این‌کتاب تألیف امین احمد رازی است که‌آن را درزمان شاه طهماسب‌صفوی درمدت شش‌سال نوشته‌وبه سال۱۰۰۲هجری به‌پایان رسانده است. درتذکرهٔ هفت اقلیم شرح احوال رجال بر جغرافیا غلبه دارد وپیوسته مورد استفادهٔ محققان قرارگرفته است .

(چاپ تهران)

ترازوی انجم (نج) «رجوع شود به‌اسطرلاب»

به سیر سپهر انجمن ساختند
ترازوی انجم بر افراختند

«نظامی»

تربیع (نج) حالتی از ماه که از جانبی که رو به زمین است یك چهارم آن روشن است. این حالت یك بار در شب هفتم ماه ظاهر می‌شود که به «تربیع اول» موسوم است و بار دیگر در شب بیست و دوم ماه که «تربیع دوم» خوانده می‌شود. همچنین در اصطلاح نجوم تربیع آن است که میان دو برج یك چهارم دورهٔ فلك یعنی سه برج فاصله باشد و به اصطلاح دیگر هر برجی به برج چهارمش نظر کند.

به تثلیث بروج و ماه و انجم
به تربیع و به تسدیس ثلاثا
به تثلیثی کجا سعد فلك راست
به تربیع صلیب باد پروا
که بهر دیدن بیت‌المقدس
مرا فرمان بخواه از شاه دنیا

«خاقانی»

ترجمان‌البلاغه (ك) از کتابهای مهم علم بلاغت، در مباحث معانی و بیان و صنایع لفظی و معنوی. این کتاب را به فرخی سیستانی نسبت داده‌اند ولی این نسبت درست نیست. مؤلف در این کتاب، پس از ذکر هر یك از صنایع لفظی و معنوی، شواهد معدودی از شاعران قرن چهارم و اوائل قرن پنجم می آورد. کتاب ترجمان البلاغة مورد استفادهٔ رشیدالدین وطواط در حدائق‌السحر قرار گرفته است. در نسخهٔ معتبری

که در کتابخانهٔ اسلامبول پیدا شده‌است، کاتب درپشت نسخه این کتاب را تصنیف محمدبن عمرالرادویانی دانسته است که یکی از ادیبان قرن پنجم وابتدای ششم است .

ترجمه(ب) آن است که‌معنی عبارتی‌رااززبانی به‌زبان دیگربرگردانند. ترجمه ممکن است منظوم باشد یامنثوروهرچه به‌اصل‌نزدیکترباشد بهتراست.

یزیدبن معاویه‌گوید:

شمیسه کرم برجها قعردنها
و مشرقها الساقی و مغربها فمی

خاقانی این شعر را به این طریق به فارسی برگردانده است :

می آفتاب زرفشان جام بلورش آسمان
مشرق‌کف ساقیش‌دان مغرب لب‌یارآمده

ترجمهٔ تاریخ‌طبری (ك) «رجوع شود به‌تاریخ بلعمی»

ترجیع‌بند (ب) مجموع چند رشته شعر است که هر رشته دارای یك وزن ویك قافیه باشد ودرآخرهررشته بیتی باقافیه جداگانه مکرر می‌شود و این بیت ترجیع یا برگردان است . مانند ترجیع بند فرخی :

زباغ ای باغبان مارا همی بوی بهارآید
کلید باغ مارا ده که فردامان بکار آید

کلید باغ را فردا هزاران خواستارآید
تو لختی‌صبر کن‌چندانکه‌قمری برچنارآید...

بدین‌شایستگی‌جشنی بدین بایستگی‌روزی
ملك رادرجهان‌هرروزجشنی‌باد ونوروزی

ترصیع (ب) آن است که دردوقطعه کلام، الفاظی دربرابرهم آورده‌شود که دروزن وحروف آخرمساوی باشد. مانند منورومقرر ونجوم و رسوم دراین شعر :

ای منور به تو نجوم جلال
وی مقرر به تو رسوم کمال

ترك درادبیات فارسی کنایه اززیبا وخوبرو است .

اگرآن ترك شیرازی بدست‌آرد دل مارا
به‌خال هندویش بخشم سمرقند و بخارارا
«حافظ»

ترکیب بند (ب) شعری است مانند ترجیع بند یعنی دارای چند رشته شعربا وزن‌وقافیهٔ‌واحد که در آخرهررشته‌بیتی باقافیهٔ جداگانه‌آورده می‌شود. این بیت درترکیب بند تکرار نمی‌شود اما درترجیع‌بند مکرر می‌شود .

ترنج (تن) اشاره به‌ترنجی که زنان مصر هنگام دیدن یوسف در خانهٔ زلیخا دردست داشتند . زنان چنان مفتون زیبائی یوسف شدند که دستهای‌خودرا بجای ترنج باکاردبریدند واز آن‌پس دیگرزلیخارااز اینکه به‌یوسف دل‌داده بود، سرزنش نکردند.

گرش ببینی و دست از ترنج بشناسی
روا بود که ملامت کنی زلیخا را
«سعدی»

تسدیس (نج) آن است که میان دوستاره یك ششم دورهٔ فلك یعنی دو برج فاصله باشد و به اصطلاح نجوم برجی بسوی بـرج سومش نظر کند.

مه به تسدیس زحل کرده نظر با آفتاب
وصلتی کردی به رسم بخردان باستان
«انوری»

تشبیب (ب) درقصیده قبل از شروع به بیان مقصود اشعاری در مغازله یاوصف‌طبیعت‌وبهاروخزان می‌آورندوبعدبه‌مقصود اصلی‌می‌رسند. این مقدمهٔ قصیده را تشبیب‌گویند.

تشبیه (ب) ازمحسنات بدیع و دراصطلاح مانند کردن چیزی به‌چیزی است. درتشبیه چهارجزء وجود دارد: مشبه، مشبه به، ادات‌تشبیه، وجه شبه. مانند این‌جمله: «دندان اوچون مرواریداست به‌سفیدی» دراین جمله دندان مشبه‌است، مروارید مشبه به، چون ادات‌تشبیه، سفیدی وجه شبه. تشبیه‌برچند قسم‌است. تشبیه مطلق، تشبیه‌تفضیل، تشبیه تسویه، تشبیه‌عکس، تشبیه مشروط، تشبیه به کنایه.

تشبیه مطلق: تشبیهی است کـه بـدون قید و شرط باشد مانند:

شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریك

تشبیه تفضیل: آن است که گوینده مشبه‌را برمشبه‌به‌برتری دهد:

خواستم‌گفتن‌که‌دست وطبع اوابر است وکان
عقل‌گفت این مدح باشد نیز با من هم‌پلاس

دست اورا ابر چون خوانی وآنجا صاعقه
طبع او را کان چرا گوئی و آنجا احتباس

تشبیه تسویه: آن‌است که گوینده یك صفت ازخود ویك صفت از طرف را به‌چیز واحدی تشبیه کند.

برخیز کـه شد بـار دگر ابـر بهار
از بـهـر صفـای بـوستان و گلزار
چون چشم من و دهان تو لؤلؤ خیز
مـانند کـف راد ملك گوهر بـار

تشبیه عکس: آن است که‌گوینده دوچیزرا به‌هم‌تشبیه کند، این‌را به‌آن وآنرا به‌این.

دل من چون دهن تنگ بتان
دهن تنگ بتان چون دل من

تشبیه مشروط: آن است که در آن شرطی وجود داشته باشد.

گردل‌ودست بحروکان باشد
دل‌ودست خدایگان باشد

تشبیه اضمار: آن‌است که به‌ظاهرقصد تشبیه درآن‌رعایت نشده است، ولی درحقیقت تشبیه باشد.

گر نـور مـه و روشنی شمع تراست
این‌کاهش و سوزش من از بهر چراست
گر شمع تـوئی مرا چرا باید سوخت
ور ماه توئی مرا چرا باید کاست

تشبیه‌کنایه: آن‌است که ازارکان تشبیه در آن به‌ذکرمشبه‌به اکتفا شود. مثال :

بیا که لعل وگهر درنثار مقدم تو

زگنج خانهٔ دل می‌کشم به مخزن چشم

«حافظ»

دراینجا قطره‌های اشك به«لعل وگهر» تشبیه شده است.

تشرین (تج) (رجوع شود به‌ماههای رومی)

تشعیث (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن است که آن‌را مفعولا کنند و آن را مشعث خوانند.

تصوف (رجوع شود به‌عرفان)

تضاد (ب) بکاربردن کلمه‌های ضدیکدیگراست درنثریانظم. مانند کلمه‌های لیل‌ونهاریعنی شب‌وروز وحی ومیت یعنی زنده و مرده دراین آیه ازقرآن:

تولج‌اللیل فی‌النهار و تولج‌النهار فی‌اللیل و تخرج‌الحی من‌المیت وتخرج‌المیت من‌الحی.

وکلمه‌های شکروشکایت وبیش وکم دراین شعر حافظ:

چه جای‌شکر و شکایت زنقش بیش‌وکم‌است

چو بـر صحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند

تضمین (ب) آن است که شاعر بیتی یا مصراعی از شعر دیگران را در شعر خویش آورد. مانند این مصراع از شعر عنصری در بیتی از رشیدوطواط:

نمود تیغ تـو آثار فتح و گفت فلك

«چنین نماید شمشیر خسروان آثار»

گاه اسم شاعری که گوینده از وی شعری نقل کرده است ذکر می‌شود، مانند این شعر سعدی:

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد
که رحمت بر آن تربت پاك باد
«میازار موری که دانه کش است
که جان دارد و جان شیرین خوش است»

تضمین مزدوج (ب) آن است که کلام دارای دو لفظ باشد که بهم شبیه بوده و در حقیقت سجع باشد.

سود بازار جهان بنگر و آزار جهان
گر شمارا نه بس این سود وزیان مارابس
«حافظ»

تعریض (ب) آن است که شاعر کلامی بیاورد و مقصودش گوشه زدن به مطلب دیگری باشد.

دلدار مرا گفت چرا غمگینی
غمگین کدام دلبر شیرینی
برجستم و آئینه به دستش دادم
گفتم که در آئینه که را می‌بینی

تفتازانی (ت) [ف: درحدود ۷۹۱] مولانا سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله التفتازانی از دانشمندان و حکیمان دورهٔ تیموری. در قریهٔ تفتازان نزدیك نسا در خراسان به‌سال ۱۷۲۲ متولد گردید و در خوارزم که مرکز علم و ادب بود اقامت کرد. امیر تیمور چون به‌شهرت و مقام علمی

تفتازانی پی‌برد، دستورداد تاملك‌محمدسرخسی، تفتازانی‌را باخود به‌سرخس برد ومنصب تدریس‌را به‌او واگذارکرد. پس‌از آن‌اورا به‌سمرقند پایتخت خود احضارکرد ومورد توجه خاص قرار داد. تفتازانی بقیهٔ عمر را در همانجا بسر برد.

ازآثاراوشرحی است به‌تصریف زنجانی «المطول» که‌آن رادرسال۷۴۸درهرات به‌نام ملك معزالدین‌حسین کرت تألیف‌کرد، دیگر: المختصر که آن را به‌جانی بیك‌خان مغول هدیه کرد. آثار تفتازانی به‌زبان‌عربی است وبیشتردرمنطق وصرف‌ونحوعربی‌وفلسفه وکلام وتفسیر وفقه می‌باشد. منظومه‌ای ازاو باقی است که ترجمهٔ ترکی ازبوستان سعدی است.

تفریق(ب) آن است که شاعرمیان‌دوچیز که وجه شباهتی درآنهاموجود است‌فرق بگذارد.

من نگویم به‌ابر مانندی　　که نکو ناید از خردمندی
اوهمی بخشد،وهمی‌گرید　　توهمی‌بخشی وهمی‌خندی

«رشیدالدین‌وطواط»

تفسیر (ب) آن است که شاعر چند صفت رابرشمارد وپس‌از آن‌دربارهٔ آنها توضیح‌بدهد:

یا ببندد یـا گشایـد یـا ستاند یـادهد
تاجهان برپای باشد شاه را این یادگار
آنچه بستاند ولایت آنچه‌بدهد خواسته
آنچه‌بنددپای دشمن آنچه‌بگشایدحصار

«عنصری»

تفسیرتربت جام (ك) تفسیرقرآن مجید . خلاصه و اقتباسی است از تفسیر بزرگ ابوبکر عتیق سورآبادی که درقرن پنجم هجری نوشته شده ویك نسخه از آن درشهر تربت شیخ جام باقی مانده بود و اکنون در موزهٔ تهران است . (چاپ تهران)

تفسیر سورآبادی (ك) مؤلف این تفسیر «ابوبکر عتیق‌بن‌محمدالهروی السورآبادی » است که از معاصران الب‌ارسلان سلجوقی بود ، این تفسیر از نمونه‌های خوب نثرفارسی درقرن پنجم است .

تفسیر طبری (ك) جامع‌البیان فی تفسیر القرآن . معروف به تفسیر کبیر . از تفسیرهای معروف قرآن ، تألیف مورخ و ادیب و فقیه بزرگ اسلامی محمدبن جریر طبری (متوفی ۳۱۰ ﻫ) . تفسیر طبری تا عهد مؤلف بزرگترین کتابی بوده که در این علم نوشته شده و بزودی کسب شهرت کرده است . تفسیر طبری در عهد سامانیان به فرمان ابوصالح منصوربن نوح و به همت عده‌ای از دانشمندان به‌فارسی ترجمه شده است . اهمیت این کتاب آن‌است که مقدار فراوانی‌لغات و مفردات فارسی دارد که دربرابرمفردات و ترکیبات قرآن آورده شده است.

تفسیر کبیر (ك) «رجوع شود به تفسیر طبری»

التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ك) تألیف دانشمند بزرك ایرانی ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی که آنرا درسال ۴۲۰ در غزنین به خواهش ریحانه بنت‌الحسین خوارزمی نگاشته‌است. ابوریحان در این کتاب اطلاعاتی دربارهٔ نجوم و ریاضی داده

و با موجزترین عبارات در هندسه ، حساب ، هیئت ، احکام نجوم، اسطرلاب بحث کرده است . می‌توان گفت که این کتاب جامعترین کتابی در این پنج فن است .

کتاب التفهیم به دو زبان فارسی و عربی نوشته شده و ابوریحان در تألیف این دو کتاب استادی بسیار به کار برده است ، چنانکه تشخیص اصل از ترجمه دشوار است و پیدا نیست کدام یك را اول نوشته است. کتاب التفهیم معتبرترین سند وصحیحترین مأخذ قدیم علمی و ادبی فارسی بعد از اسلام است. دربارهٔ تاریخ و ادب و رسوم و طرز گاه شماری مطالبی دارد که بسیار مورد استفاده است . ابوریحان در این کتاب کوشیده است که بجای اصطلاحات عربی کلمات فارسی بکاربرد، به‌نحوی که هم عبارت مفهوم باشد وهم بلیغ . رویهمرفته ایجاز و فصاحت و پختگی در معانی ولفظ ، این کتاب‌را بی‌نظیر ساخته است. (چاپ تهران)

تقسیم (ب) آن است که شاعر معنائی‌را درنظرگیرد و بعد آن‌را به‌چند جزء تقسیم کند ، سپس بگوید که هر جزء مربوط به کدام معنی است :

بدنامی حیات دو روزی نبود بیش
آنهم کلیم با تو بگویم چنان گذشت

یك روز صرف بستن دل شد به‌این‌وآن
روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

«کلیم کاشانی»

تقطیع (ع) عبارت است از تقسیم شعر به اجزاء و نهادن هرجزء در برابر جزوی از افاعیل که در وزن با آن برابر باشد. در تقطیع ملفوظ شعر معتبر است نه مکتوب، یعنی حروفی که در لفظ آید، اگرچه نوشته نباشد، درتقطیع حرفی محسوب می‌شود و حرفی که در لفظ نیست اگرچه در نوشته باشد، اعتبار ندارد.

تقویم جلالی (نج) تقویمی که در زمان سلطان ملکشاه سلجوقی و به امر وی وضع شده است و به مناسبت لقب او که جلال‌الدین بوده است آن را تاریخ جلالی یا تقویم جلالی خوانده‌اند.

چون در تقویم شمسی، یعنی تقسیم سال به دوازده برج برحسب حرکت‌انتقالی‌زمین که‌گردش یك‌دور تمام به‌دورخورشید است، جزئیات را به حساب نمی‌آوردند، روز اول فروردین به تدریج تغییر می کرد واز اول تحویل شمس به‌برج حمل‌می‌گذشت و تقریباً هرچهارسال یك روز جلوتر می‌افتاد. چنانکه در زمان ملکشاه سلجوقی (سال ۴۷۱ هجری) اول اعتدال ربیعی درنوزدهم فروردین واقع بود. به فرمان ملکشاه چندتن از دانشمندان‌بزرگ زمانه که از آن جمله عمر خیام نیشابوری بود، تقویم را اصلاح کردند به طریقی که دیگر روزهای بروج دوازده‌گانه بر حسب گردش زمان و آغاز اعتدال ربیعی تغییر نپذیرد و نوروز که‌آغاز سال است همیشه ثابت بماند.

به موجب این تقویم سال به دوازده برج سی‌روزه که نامهای آنها همان نامهای ایرانی باستان (فروردین، اردیبهشت...

الخ) بود ، تقسیم می‌شد . پنج روز باقی مانده را به آخر اسفندماه می‌افزودند و آن را خمسهٔ مسترقه (یا پنجه دزدیده) می‌خواندند و هرچهار سال یک‌بار روز ششمی به آن اضافه می کردند . ماههای این تقویم را همیشه با قید صفت جلالی می آوردند تا با ماههای ایرانی قدیم که تا روزگاری بعد از آن متداول بود واکنون هم در بعضی از روستاهای ایران معمول است ، اشتباه نشود .

اول اردیبهشت ماه جلالی بلبل‌گوینده برمنابر قضبان

«سعدی»

تقویم رومی (نج) «رجوع شود به ماههای رومی»

تقی‌الدین محمد کاشی (ت) تقی‌الدین محمد پسرشرف‌الدین‌علی‌حسینی کاشانی. از تذکره‌نویسان دورهٔ صفوی ومعاصر شاه‌عباس اول. وی درسال ۹۴۶ متولد شده و از شاگردان محتشم‌کاشانی بوده‌است . اثر معروف او تذکرهٔ خلاصة‌الاشعار و زبدة‌الافکار است در بارهٔ شاعران متقدم و شاعران معاصر مؤلف .

تکرار (ب) آن است که شاعر لفظی را مکرر بیاورد مانند این شعر عسجدی :

باران قطره قطره همی بارم ابروار
هرروز خیره خیره از این چشم سیل‌بار

زان قطره قطره قطرهٔ باران شود خجل
زان خیره خیره، خیره دل من زهجر یار

تکملهٔ روضة‌الصفا (ك) اصل روضة‌الصفا تألیف میرخواند درشش‌جلد تا پایان سلسلهٔ تیموری است. رضاقلیخان هدایت مطالب این‌تاریخ

را ادامه داده وتاریخ شاهان قره‌قوینلو و آق‌قوینلو و تاریخ‌صفویه و نادرشاه و قاجاریه را تا اوایل عهد ناصرالدین شاه به تفصیل نوشته و بر آن افزوده است . این تاریخ به تکملهٔ روضة‌الصفا معروف است .

تکمیل (ب) آن است که گوینده‌پس از ادای مطلب برای کمال آن‌معنی دیگری بیاورد .

صبا و ابر مروارید گستر — تو پنداری که نقاش‌اند و بتگر
یکی با صورت‌مانی نه مانی — یکی با صنعت آزر نه آزر

«عنصری»

تلمیح (ب) آن است که گوینده در ضمن شعر به قصه یا مثلی معروف اشاره کند :

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند
نه هر که آینه سازد سکندری داند

«حافظ»

تمثیل (ب) نوعی استعاره است به طریق مثال :

کرا خرما نسازد خار سازد — کرا منبر نسازد ، دار سازد

تموز (نج) «رجوع شود به ماههای رومی»

تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین (ك) در واقع ترجمه‌ای است از نهج‌البلاغهٔ حضرت علی . مترجم این کتاب ملافتح‌الله‌بن‌شکرالله شریف‌کاشانی (متوفی ۹۸۸) است .

تنسیق الصفات (ب) آن است که شاعر صفات کسی را به توالی ذکر کند .

شاه‌گیتی خسرو دشمن کش لشکر شکن
سایهٔ یزدان شه کشور ده ملکت ستان

تنّین (نج) به تشدید نون ــ از صورتهای شمالی منطقة البروج شبیه به مار .

نمود اندر شمال خویش تنین
به گرد قطب دنبالش چو پرچین
«منوچهری»

توجیه (ق) از حرکات قافیه . حرکت ماقبل روی ساکن که در این صورت روی را مقید خوانند . مانند حرکت خ در کلمهٔ مفخر :
زهی بقای تو دوران ملك را مفخر .
اختلاف توجیه جایز نیست مگر آنکه‌روی به‌حرف‌وصل پیوندد .

تور (ش ــ د) طبق روایات باستانی ایران پسرمیانهٔ فریدون که هنگام تقسیم‌کشور فریدون ، سرزمین ترك و چین نصیب اوشد ، ولی از سهم خود ناراضی بود و بهمین‌جهت به‌همدستی برادر بزرگ‌خود سام ، به ایران لشکر کشید و برادر کهتر را کشت .

دگر تور را داد توران زمین		ورا کرد سالار ترکان چین
«از شاهنامهٔ فردوسی»

التوسل الی الترسل (ك) مجموعه‌ای از منشآت بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه که در قرن ششم می‌زیسته است . مؤلف خود منشآت خویش را جمع آوری کرده وبه نام بهاءالدین وزیر ساخته است .

این کتاب مشتمل است بردیباچه و دو فصل مقدمه و سه قسم ، در حمد خدا و پیغمبر و اصحاب او و ستایش سلطـان و سبب تألیف کتاب و مدح بهاءالدین وزیر و مختصری درسبکهای مختلف نویسندگان و نمونهٔ فرمانها و عهد نامه‌هائی که از جانب سلطان به امیران و شاهان اطراف نوشته شده و نامه‌هـای دوستانه حاوی‌حوادث تاریخی وعادات واخلاق مردم و دربار و رجال‌نیمهٔ دوم قرن ششم .

کتاب‌التوسل الی الترسل کتاب مهمی است که روشهای مختلف انشاء و نثر فارسی را در اعصار مختلف نشان می‌دهد و خود از بهترین نمونه‌های منشآت است که به صنایع لفظی آراسته و بسیار پخته و یکدست است. (چاپ تهران)

توشیح (ب) آن است که شاعر قطعهٔ شعری‌بگوید و در اول هرمصراع حرفی بیاورد که از مجموع آنها نامی‌بیرون شود. مانند کلمهٔ محمد در این شعر :

معشوقـه دلم به تیر اندوه بخسـت
حیران شدم و کسم نمی‌گیرد دسـت
مسکین تن‌من زبار محنت شد پسـت
دست غم دوست‌پشت صبرم بشکست

تهمتن (ش ـ د) لقب رستم پهلوان نامدار شاهنامه

تهمتن گز اندر کمـان رانـد زود
بدان سـان که سیمرغ فرموده بـود

«شاهنامه»

تهمورس (ش ــ د) پسر هوشنگ و ملقب به دیوبند که با دیوان جنگها کرد و برایشان غالب شد. بنابرروایت شاهنامه ، پشم رشتن وفرش بافتن را او آموخت و مرغان و جانوران را اهلی کرد.

تهمینه (ش ــ د) اززنان داستان شاهنامه ، دخترشاه سمنگان که عاشق رستم شد و به همسری او درآمد و بعدها پسری از او آورد به نام سهراب که برای یافتن پدر به ایران آمد و مادر بازوبندی را که رستم به او داده بود بربازوی پسر بست تا بتواند خودرا به پدر بشناساند . اما سهراب ناشناخته به دست پدر کشته شد .

تیر (نج) کرهٔ عطارد است .

تیر زشست سپهر پیر مقوس　　هم بشود زود ودر کمان بنماند

تیه (تن) بیابانی که موسی و بنی اسرائیل در آن راه گم کردند وسرگردان شدند و چهل سال در آن ماندند و خدای تعالی برایشان من وسلوی فرستاد و از سنگی که موسی عصای خود را بر آن زد ، آب روان شد .

ببین که کوکبهٔ عمر خضروار گذشت
تو بازمانده چو موسی به تیه خوف ورجا

«خاقانی»

DATE LABEL



ثرم (زحاف) (ع) در فعولن مجموع قبض وثلم است . عول می‌ماند
بجای آن فعل می‌گذارند و آن‌را اثرم می‌خوانند .

ثریا (نج) از منازل قمر که به فارسی پروین نام دارد و شش ستاره
است مانند خوشهٔ انگور وبه‌این سبب درشعر فارسی آن‌را «خوشهٔ
پروین» می‌خوانند :

ثریا چون منیژه بر سر چاه دوچشم من بدوچون‌چشم‌بیژن
«منوچهری»

وبه تازی آن‌را «نجم» نیزگویند

ثعالبی (ت) [ف:۴۲۹] ابومنصور عبدالملک‌بن‌محمدثعالبی نیشابوری
از نویسندگان و مورخان معروف ایرانی در قرن چهارم که آثار
مهمی به زبان عربی دارد . مانند یتیمةالدهر و تتمةالیتیمه
درشرح حال شاعران بزرگ معاصر مؤلف . اثر معروف و مهم او
غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم می‌باشد در تاریخ ایران قدیم
همچنین کتاب الاعجاز والایجاز و کتاب التمثیل و المحاضره

ثَلم (زحاف) (ع) در فعولن حذف فاء است که می‌ماند عولن ؛ بجای آن فع‌لن می گذارند ؛ و آن را اثلم خوانند.

ثمود (تن) نام قبیله‌ای از فرزندان سام‌بن‌نوح که بت می‌پرستیدند و خداوند صالح‌را برایشان پیغمبر کرد. قوم ثمود از صالح معجزه خواستند که از میان‌کوه شتری ماده با بچه بیرون بیاورد ، صالح به فرمان خدا چنان کرد ، اما قوم ثمود گفتند که صالح سحر کرده است و به او نگرویدند ، پس شتر به سرچشمهٔ ایشان رفت و همهٔ آبهارا خورد ، ایشان شتررا کشتند . در این هنگام صدای مهیبی‌از آسمان برآمد وقوم ثمود ازوحشت آن مردند .

این‌همان چشمهٔ خورشید جهان‌افروزاست
که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود

«سعدی»

ثَور (نج) از صورتهای دوازده‌گانه فلکی در منطقةالبروج و به شکل گاو . برج ثور برابر ماه اردیبهشت می‌باشد .

به شاخ ثور بر شکل ثریا
چو مرواریدگون بار صنوبر

«انوری»

ج

جابلسا (م) شهری است در سرحد مغرب که در آن سوی آن آدمی و آبادانی نباشد و گویند هزار دروازه دارد ودرهردروازه هزار کس پاسبانی می کند. این کلمه درادبیات فارسی بیشتر با کلمهٔ جابلقا که سرحد مشرق است آورده می‌شود.

بهرجایی که‌خواهی‌رفت‌خواهی‌خورد رزق‌خود
نخواهد بیش وکم گشتن به جابلقا و جابلسا

«سلمان»

جابلقا (م) شهری‌است درسرحدمشرق که‌گویند در آن سوی آن‌آبادانی نباشداین کلمه درادبیات فارسی‌با کلمهٔ‌جابلسا که سرحدمغرب‌است آورده می‌شود.

سخن‌کزروی‌دین‌گویی‌چه‌عبرانی چه‌سریانی
مکان کز بهرحق‌جویی چه جابلقا چه جابلسا

«سنایی»

جاحظ (ت) [ف : ۲۵۵] ابوعثمان عمروبن بحرجاحظ‌البصری‌ازادیبان ونویسندگان بزرگ زبان عرب است . وی دربصره تولد یافت و

عمری دراز کرد. جاحظ رئیس فرقهٔ معروف جاحظیه از فرقه‌های معتزله‌است. وی درنحووعلم حدیث وعلم فصاحت خاصه در علم کلام استادی داشت و ازفصحاء زبان عرب بشمار می‌آمد . آثار فراوان وپرارزشی ازجاحظ باقی است از جمله : البیان والتبین ، التاج فی‌اخلاق الملوك ، الحنین الی الاوطان ، و کتاب الحیوان است .

جالینوس(ت) [ف: درحدود دوقرن پس‌ازمسیح] ازطبیبان ودانشمندان مشهور یونان. وی تا۱۵ سالگی علوم ریاضی و منطق را نزد پدر آموخت. پس از آن به‌علم طب روی‌آورد وبه مصر واسکندریه و روم سفر کرد ونزدحکمای‌عصرعلم آموخت وسرآمد طبیبان‌گشت. کتابهای‌فراوان وپرارزش‌تألیف کرده که‌اکثر آنها ازمیان رفته‌است. جالینوس فهرستی از کتابهای خود تألیف کرده که نام بیش ازصد کتاب‌درآن ذکرشده است. درادبیات فارسی‌نام‌جالینوس به‌عنوان نمونهٔ دانش وبرتری‌انسانی‌آورده شده‌است:

ای دوای نخوت وناموس‌ما ای توافلاطون وجالینوس ما
«مولوی»

وگرخود علم جالینوس دانی چومرگ‌آمد به‌جالینوس‌مانی
«نظامی»

جام‌جم (ش‍ـد) یاجام‌جهان بین یاجام جهان‌نما، بنابرداستانهای ایرانی، جامی‌بود که‌جمشید همهٔ جهان‌را در آن‌می‌دید. بنابرروایت‌شاهنامه، کیخسرو برای آگاهی‌یافتن‌از کار بیژن‌هنگام‌نوروز در آن‌نگریست و بیژن‌را دربن‌چاهی در توران‌زمین‌دید ورستم‌را به‌رهانیدن اوفرستاد.

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد
آنچه خود داشت زبیگانه تمنا می کرد
«حافظ»

گفتم این جام‌جهان‌بین به‌تو کی‌دادحکیم
گفت آن روز که این‌گنبد مینا می کرد
«حافظ»

جام‌جم (ك) مثنوی «جام‌جم» یا «جام‌جهان‌نما» اثرمنظوم‌اوحدی‌مراغه‌ای شاعرقرن هشتم که آن‌را به‌تقلید حدیقهٔ سنائی سروده و به‌نام‌سلطان ابوسعیدبهادرایلخانی‌ووزیراوخواجه‌غیاث‌الدین‌محمد ساخته‌است. (چاپ تهران)

جامع‌البیان فی‌تفسیرالقرآن (ك) «رجوع شود به‌تفسیرطبری»

جامع‌التواریخ (ك) تألیف رشیدالدین فضل‌الله وزیر و محقق ومورخ بزرگ دربارمغول که‌آن رادرسال ۷۱۰ به‌دستورغازان خان وپسرش الجایتوتألیف کرده است. این‌کتاب شامل‌سه‌جلد است. جلداول‌در تاریخ مغول‌شامل دوفصل. جلددوم درتاریخ عمومی عالم شامل‌دو قسمت، جلد سوم دربیان صوراقالیم ومسالك‌الممالك (این قسمت کتاب ازبین‌رفته‌است)

رشیدالدین‌فضل‌الله درتاریخ‌خود دقت‌بسیاربکاربرده‌است. تنها به ذکروقایع اکتفانکرده ، بلکه مقدمات‌جنگ وپیغامها وعلت شکستهارا شرح‌می‌دهد. چون‌مؤلف خود دردربار مغول‌مقام مهمی داشته وازاوضاع وحوادث مطلع‌بوده است، مشاهدات وتجربیات وگفتگوهارا بادقت مورد توجه قرارمی‌دهد، مخصوصاً ازخانواده مغول‌اطلاعات‌گرانبهائی بدست‌می‌دهد که اسنادومدارك آن‌به‌وسیلهٔ

غازان‌خان دراختیار او گذاشته شده است و ازینرو جامع‌التواریخ را می‌توان کتاب مهم و معتبری دانست سرشار از مدارك حقیقی و درست. (چاپ تهران)

جامع‌الحکمتین (ك) تألیف ناصرخسرو قبادیانی نویسنده وشاعر بزرك اسمعیلی قرن پنجم. این کتاب شرحی است برقصیدهٔ خواجه ابوالهثیم جرجانی ازمعتقدان مذهب اسمعیلی. قصیده شامل هشتاد وهشت بیت ومتضمن سؤالهائی است دربارهٔ مسائل دشوار دینی وحقایق علمی و اصول عقاید اسمعیلیه. ناصرخسرو بنابرخواهش عین‌الدوله ابوالمعالی علی‌بن الاسدالحارث امیربدخشان این قصیده را درسال ۴۶۲ شرح کرده است. به‌این ترتیب که یکایك بیتها را آورده وبه‌تفصیل به‌شرح وتفسیر آن پرداخته وکتابی مفصل از آن ساخته است.

ناصرخسرو خوددرمقدمهٔ کتاب می‌گوید که چون بنیاد کتاب برگشایش مشکلات دینی ومعضلات فلسفی بوده نام آن را «جامع الحکمتین» گذارده است. (چاپ تهران)

جامع‌عباسی (ك) کتابی دراحکام‌فقه تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهوربه‌شیخ‌بهائی ازعالمان‌وفقیهان مشهوردورهٔ صفویه وازمقربان دربار شاه‌عباس که این کتاب را به‌زبان فارسی وبه نام این پادشاه تألیف کرده است. شیخ‌بهائی خود کتاب‌رابه‌بیست باب تقسیم کرده ولی پس ازباب‌پنجم یعنی باب حج‌فوت کرده و کتاب ناتمام‌مانده است ونظام‌الدین ساوجی ازشاگردان اوپانزده باب دیگررابه‌همان روش ساخته وبر کتاب‌افزوده است. این کتاب‌بارها درایران‌به‌چاپ

رسیده است.

جامی(ژنده‌پیل) [ف: ۵۳۶]ابونصراحمدبن ابوالحسن معروف به‌شیخ جام یاپیرجام یاژنده‌پیل‌ازمشایخ وپیشوایان معروف صوفیه درنیمهٔ اول‌قرن ششم‌هجری. وی درجوانی درطریق سیروسلوك قدم‌گذارد وسالها ازعمررا به‌ریاضت‌گذراند وپس از آن به‌ارشاد پرداخت و مریدان بسیاریافت. احمدجام‌درسال‌آخر حیات سفری به‌حجاز کرد ودربازگشت، چیزی‌نگذشت که‌دیده‌ازجهان‌فروبست وقریهٔ‌آرامگاه وی‌پس‌ازاو به‌نام«تربت‌جام»و«تربت‌شیخ‌جام»معروف‌گشت.امروزه تربت شیخ جام درخراسان از زیارتگاه های معروف است . آثار شیخ احمد جام‌به‌زبان پارسی است ودراحوال وعقاید عرفاو آداب تصوف است ازجمله کتاب : انیس‌التائبین، کنوزالحکمه، روضة المذنبین ، بحارالحقیقه ، سراج‌السائرین و مفتاح‌النجات (مفتاح النجات به‌تصحیح دکترعلی‌فاضل- از انتشارات بنیادفرهنگ‌ایران سال ۱۳۴۷ ش)

شیخ احمدجام شعرنیز می‌سروده ودیوانی را به او نسبت داده‌اند. وی همان‌کسی است که عبدالرحمن جامی شاعر معروف ایران به او ارادت می‌ورزیده و در بیان تخلص خود چنین گفته است :

مولدم جام و رشحهٔ قلمم — جرعهٔ جام شیخ‌الاسلامی است
لاجرم در جریدهٔ اشعار — به‌دومعنی تخلصم جامی است

جامی(ت) [ف:۸۹۸] نورالدین‌عبدالرحمن جامی‌ازشاعران معروف‌قرن

نهم، پدروی نظام‌الدین دشتی منسوب به‌محلهٔ دشت اصفهان بوده که بعد به‌ولایت جام مهاجرت کرده است. عبدالرحمن ازدونظرجامی تخلص کرده است . یکی به مناسبت تولدش درولایت جام ودیگر به‌مناسبت ارادتی که به‌شیخ‌الاسلام جامی داشته‌است. جامی ازخرد سالی باپدربه‌هرات وسمرقند رفت ودر آن‌شهرها به کسب علم‌وادب پرداخت. پس به‌عالم‌عرفان واردشد وپس‌از کسب فیض‌ازاستادانی مانند سعدالدین محمد کاشغری و قاضی زادهٔ رومی به مرتبهٔ ارشاد رسیدودرسلك رؤسای طریقهٔ‌نقشبندی که مؤسس آن‌بهاءالدین نقشبند بود، در آمد.

جامی به مکه‌سفر کرد وپس از زیارت حج ازراه‌دمشق به تبریزرفت ودرسال ۸۷۸ به‌هرات واردشد.

جامی رامی‌توان از آخرین شاعران‌متصوف ایران‌دانست. درفنون مختلف‌وعلوم‌دین وادب وتاریخ‌استاد بود ودرشعربه‌سعدی وحافظ توجه داشت، ازنظامی نیزپیروی کرده وبه‌تقلید اوخمسه‌ای ساخته است. جامی دراشعار خود ابوالغازی سلطان حسین‌بایقرا و وزیر او امیر علیشیر نوائی و سلطان ابوسعید تیموری و جهانشاه قراقوینلو و سلطان محمد فاتح پادشاه عثمانی را مدح کرده‌است.

جامی‌به‌بسیاری آثارنظم‌ونثرمعروف‌است. از آثارمنظومش یکی دیوان اشعار اوست که شامل قصاید و غزلیات و مراثی و ترجیع‌بند ومثنویات ورباعیات است . جامی دیوان خودرا برسه قسمت‌تقسیم کرده‌و آنهارا فاتحة‌الشباب، واسطة‌العقد، خاتمة‌الحیات

نام گذارده است.

دیگراز آثار او هفت اورنگ به‌تقلید خمسهٔ نظامی است شامل: سلسلة‌الذهب، سلامان وابسال، تحفة‌الاحرار، سبحة‌الابرار، یوسف وزلیخا، لیلی ومجنون، خردنامهٔ اسکندری.

از آثارمنثورجامی: نقدالنصوص، نفحات‌الانس، لوایح، لوامع، شواهدالنبوة، اشعة‌اللمعات وبهارستان می‌باشد. گذشته از اینها، جامی‌رسالاتی درمسائل مختلف‌داردمانند: مناسك‌حج، رساله تهلیلیه درعلم دین، رساله در اخلاق صوفیان به نام تحقیق مذهب صوفیان،رساله‌درعلم قوافی،رساله موسیقی،تجنیس‌الخط، منشآت ومعمیات ودرصرف ونحو، فوایدالضیائیه. معروف‌به‌شرح‌ملاجامی ودرتاریخ:تاریخ صوفیان.اشعاروافکارجامی درخارج ازایران‌مانند هندوستان وعثمانی تأثیربسیارداشته است.

جب (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف دوسبب یعنی عی و لن است که می‌ماند مفا؛ وبجای آن فعل می‌گذارند و آن‌را مجبوب‌گویند.

جبلی (ت) [ف:۵۵۵] بدیع‌الزمان‌عبدالواسع‌بن‌عبدالجامع غرجستانی جبلی از شاعران قرن ششم که درناحیهٔ غرجستان تولد یافت و در دربار بهرامشاه‌غزنوی‌وسلطان‌سنجر بسرمی‌برده وپیوسته مورداحترام آنها بوده‌است. عبدالواسع اشعاری درمدح این شاهان وهمچنین شاهان غوری‌وخوارزمی سروده‌است. چنانکه ازاشعاراوپیداست، درعلوم‌زمان خاصه‌ادب وشعرمهارت‌داشته و کلامش به‌صنایع‌لفظی آراسته است. به‌عربی نیزشعرمی‌سروده عوفی اورا «ذوالبلاغتین»

نامیده وملمعاتی ازاو نقل کرده است، اشعارش شامل قصیده وغزل و ترجیع‌بند است. (دیوان عبدالواسع- چاپ تهران)

جبهه (نج) منزل دهم ازمنازل قمر که به‌معنی پیشانی شیراست و دارای چهار ستارهٔ روشن می‌باشد.

جحف (زحاف) (ع) فاعلاتن را خبن می کنند می‌ماند فعلاتن؛ پس از آن فعلارا می‌اندازند، می‌شود: تن؛ بجای آن فع می‌گذارند و آن را مجحوف خوانند.

جدع (زحاف) (ع) در مفعولات حذف مف و عو و ساکن کردن‌تاست که می‌شود لات؛ و بجای آن فاع می‌گذارند؛ وآن را مجدوع خوانند.

جدی (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقة‌البروج و به شکل بزغاله. برج جدی برابر ماه دی است.

چشم بزغاله برآن خوشه که‌خرمن کرده شب
داس کژ دندان ز راه کهکشان انگیخته
«خاقانی»

جُدَی (نج) ستاره‌ای روشن بردب اصغر و نزدیکترین ستارگان به‌قطب شمال که چون به چشم بیحرکت و ثابت می‌نماید، برای‌یافتن‌قبله از آن استفاده می کنند.

همی‌برگشت گرد قطب جدی   چو گرد بابزن مرغ مسمن
«منوچهری»

جرجانی (ت) [ف: ۴۷۱ یا ۴۷۴] ابوبکر عبدالقاهربن عبدالرحمن جرجانی. از ادیبان بزرگ و از استادان علم نحو و معانی و

بیـان . تألیفات مهمی دارد . از آنجمله کتـاب : الجمل معروف به جرجانیه درفقه و کتاب المغنی در شرح ایضاح ابوعلی فارسی والمقتصد والعمده درصرف و کتاب دلائل‌الاعجاز و اسرارالبلاغة در معانی وبیان.

جرجانی (ت) [ف: ۵۳۱] زین‌الدین اسمعیل‌بن حسن الجرجانی . از پزشکان‌معروف قرن ششم ومعاصرخوارزمشاهیان.مدتی درخراسان و چندی‌در خوارزم درخدمت ابوالفتح قطب‌الدین محمد وپسرش آتسز بود . جرجـانی بزرگترین پزشك قرن ششم و آثار او در ردیف آثار ابوعلی سیناست . همهٔ مباحث طب را مورد مطـالعه قرار داده و مهمترین آثار طبی خودرا به‌زبان فارسی نوشته‌است. از آثار مهم فارسی او : ذخیرهٔ خوارزمشاهی و کتاب خفی علائی و یادگـار و اغراض است . کتاب خفی علائی تلخیصی است از ذخیره که به فرمان علاءالدولهٔ اتسز خوارزمشاه نوشته شده. کتاب یادگار در یك جلد در طب است که جرجانی برای خوارزمشـاه تصنیف کرده و اغراض نیز تلخیصی از کتاب ذخیره است که به خواهش مجدالدین ابومحمد آتسز تألیف شده است .

جرجانی (ت) [ف: ۸۱۶] میر سید شریف علی‌بن محمدالجرجانی از عالمان مشهور قرن هشتم که در سال ۷۴۰ در شیراز متـولد شد وبه خدمت‌شاه شجاع معرفی‌گردید و به‌تدریس درمدرسهٔ دارالشفاء پرداخت . تیمور هنگـام فتح شیراز او را با خود به ماوراءالنهر برد و او مدتها در مجلس تیمور با سعدالدین تفتازانی به مباحثه

می‌پرداخت . جرجانی پس از مرگ تیمور به شیراز بازگشت و همانجا وفات یافت .

بیشتر تألیفات میرسید شریف به‌زبان عربی است ازجمله حاشیه‌ای برمطول کتاب درسی تألیف تفتازانی نوشته است ودیگر کتاب التعریفات در ذکر اصطلاحات علمی و ادبی و حدیث و تفسیر و علم معقول و منقول. از آثار فارسی میرسید شریف‌یکی رسالهٔ معروفی است در صرف و نحو عربی موسوم به صرف‌میر دیگر رساله‌ای در منطق به نام الکبری فی‌المنطق ، سوم رساله‌ای است به نام رسالة الوجود . (رسالةالوجود- چاپ تهران)

جسم (ط) جوهری که در او سه بعد باشد یعنی دارای درازا و پهنا و ستبری (یاطول و عرض و ضخامت) باشد .

جم (ش – د) «رجوع شود به جمشید . »

گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو

گفت افسوس که آن دولت بیدار بخفت

«حافظ»

جمال‌الدین اصفهانی (ت) [ف : ۵۸۸] جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی از شاعران قرن ششم . مولدش اصفهان بوده و بیشتر عمرخودرا در آنجا گذرانده است و به آذربایجان نیز رفته و با نظامی گنجوی ملاقات کرده‌است. جمال‌الدین بیشتر شاهان‌سلجوقی را مانند ارسلان‌بن طغرل و طغرل‌بن ارسلان و نصرةالدین جهان پهلوان و بعضی از ملوك آل باوند را که در مازندران حکومت داشتند و دو خانوادهٔ آل‌خجند و آل صاعد را که از خانواده‌های

بزرگ اصفهان بوده‌اند ، مدح کرده است . دیوان جمال‌الدین شامل قصیده و غزل و مدح و حکمت و وعظ است . از پیروان انوری و سید حسن غزنوی و رشید وطواط می‌باشد و با خاقانی و مجیر و ظهیر مشاعره داشته است . بیشتر قصائدش بی‌تغزل با مدح شروع می‌شود ، کمتر به وصف طبیعت می‌پردازد ، ولی غزلیاتش در ردیف‌اول غزلیات عصر اوست . (دیوان جمال‌الدین چاپ تهران)

جمشید (ش- د) یا جم از شاهان بزرگ پیشدادی . لباس دوختن و کشتی‌رانی و پزشکی را به مردم آموخت ، گوهر را استخراج کرد و تختی‌گوهرنشان ساخت، جشن نوروز را او برپاکرد وپس ازاین‌کارها خودبینی براو چیره شد تا ضحاك براو دست یافت و میانش‌را با اره به دونیم‌کرد .

صدر تو به پایه تخت جمشید　　　خنگ تو به سایه رخش رستم

«انوری»

جمع و تفریق (ب) آن است که شاعرابتدا چند چیزرا درصفت واحدی جمع کند و بعد میان آنها فرقی قائل شود. مثال :

ما و زاهد شهریم هر دو داغدار اما
داغ ما بود بردل ، داغ او به‌پیشانی

جنس (ط) از کلیات خمس . آن است که در جواب ماهو (چیست) واقع‌شود. مانندحیوان وقتی‌که بپرسیم. انسان یا گاو یاگوسفند یا اسب چیست ؟ در جواب گفته‌می‌شود: حیوان. پس جنس آن‌است که تمام حقیقت مشترک‌ه را شامل است یعنی حیوان که شامل گاو

وگوسفند و اسب و انسان است .

جنیدی (ت) ابوعبدالله محمدبن‌عبدالله الجنیدی از شاعران و فاضلان مشهور قرن چهارم . اورا در شمار شاعران دستگاه صاحب بن عباد ذکر کرده‌اند . ثعالبی دو بیت عربی و یک قطعه پارسی از او نقل کرده است .

جوامع‌الحکایات و لوامع الروایات (ک) از معتبرترین کتابهایی که به زبان فارسی تألیف یافته و مؤلف آن محمد عوفی صاحب‌تذکرهٔ لباب‌الالباب است که آن را درحدود سال ۶۳۰ و به‌نام نظام‌الملک قوام‌الدین محمدبن جنیدی وزیر شمس‌الدین التتمش تألیف کرده است. جوامع‌الحکایات مشتمل برحکایتهای ادبی و اشعار و امثله است در چهار مجلد و هرمجلد دارای بیست‌وپنج‌باب. این کتاب از لحاظ منابع تاریخی بسیار مهم است ، زیرا که عوفی منابع استفادهٔ خود را ذکرمی کند و اسنادی‌را نقل می کند که در کتابهای دیگر نیست و به همین‌جهت مورد استفادهٔ بسیاری از مؤلفان مانند حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده و امین احمد رازی درهفت‌اقلیم ومنهاج سراج درطبقات ناصری قرارگرفته است .

سبک انشاء کتاب جز دیباچه که دارای نثر مصنوع است، به نثر ساده و روان می‌باشد ولی دارای ترکیبات عربی است.

جواهر الاسرار و ظواهرالانوار (ک) کتابی در شرح مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی به قلم کمال‌الدین حسین‌بن حسین خوارزمی . قسمت عمدهٔ این کتاب مقدمه‌ای است شامل تاریخ و اصطلاحات

و مبادی صوفیه .

جودی (تن) کوهی که کشتی نوح پس‌از فرونشستن طوفان بر آن قرار گرفت .

طوفان حوادث اگر آفاق بگیرد
بر سدهٔ او باش که جودی نجاتست
«انوری»

جوزا (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقة‌البروج و به شکل دوپیکر ایستاده . برج جوزا برابر ماه خرداد می‌باشد .

جوزا صفت دوگانه هزار آفتاب زاد
هرگه که رفت همت او در بر سخاش
«خاقانی»

دو پیکر باز چون دو یار درخواب
به یکدیگر بپیچیده چو دولاب
«فخرالدین اسعد گرگانی»

جوزا (نج) نام دیگر صورت فلکی جبار است که از صورتهای جنوبی منطقة‌البروج است و آن صورت مردی است کمربسته و شمشیر بر دست گرفته و کمر او را «نطاق» گویند .

خورده‌ام تیر فلک باده بده تا سرمست
عقده دربند کمر ترکش جوزا فکنم
«حافظ»

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم
یعنی غلام شاهم و سوگند می‌خورم

جوزجانی [ف : ۴۳۸] ابوعبیدالله عبدالواحدبن محمد جوزجانی ،

ازحکیمان و فیلسوفان بزرگ و ازشاگردان وخواص ابوعلی‌سینا.
وی در طب و ریاضی دست داشته‌است .

از آثار معروف او شرح رسالهٔ حی‌بن‌یقظان و مقدمه بر
کتاب‌الشفاء و تفسیرمشکلات کتاب قانون ابوعلی سیناست .

جوهر (ط) از مقولات عشر . موجودی که به خودی خود وجودداشته
باشد . مانند سنگ ، درخت.

جوهری (ت) [ف : ۱۲۵۲] میرزا محمدابراهیم ازشاعران مرثیه‌گوی و
متخلص به جوهری است . وی مؤلف کتاب طوفان‌البکاء است که
به‌مناسبت تخلص وی به کتاب جوهری معروف است .

جوهری (ت) [ف: ۳۹۸] اسمعیل بن‌حماد جوهری فارابی از عالمان
لغت است و برای جمع آوری لغات ، مدتی در میان قبایل عرب
بسربرد. پس از آن به‌نیشابور رفت و در آنجا به تدریس‌پرداخت.
از آثار مشهور او الصحاح فی‌اللغة است که از کتابهای مهم‌لغت
به شمار می‌رود .

جویا (ت) [ف:۱۱۱۸] میرزا داراب‌بیك جویای تبریزی از شاعران
اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم. مولدش درکشمیر و از
معاصران اورنگ زیب است . جویا را بعد از غنی از استادان
مسلم شعر فارسی در هند می‌دانند . وی درغزل پیرو صائب است.
کلیاتش شامل قصیده ومثنوی وقطعه وغزل است .

کلیات جویا به اهتمام دکتر محمد باقر استاد دانشگاه
پنجاب چاپ شده است .

جویباری (ت) ابواسحق ابراهیم بن محمدالبخاری الجویباری از شاعران دورهٔ سامانی که عوفی غزل لطیفی از او نقل کرده است.

جوینی (ت) [ف:۶۸۱] علاءالدین عطا ملك بن بهاءالدین جوینی از تاریخ‌نویسان معروف ایرانی در دورهٔ مغول پسر بهاءالدین وبرادر شمس‌الدین محمد صاحبدیوان جوینی که از خاندانهای معروف و متنفذ زمان مغول بوده است . علاءالدین مدت بیست و چهارسال در بغداد حکومت کرد ولی او و برادرش شمس‌الدین گرفتار سعایت مجدالملك یزدی وزیر آباقاخان شدند و بنا به دستور آباقاخان ، علاءالدین در بغداد توقیف وگرفتار شکنجه گشت و سرانجام در سال ۶۸۱ وفات یافت . اثر مهم او تاریخ جهانگشاست .

جهانگشای جوینی (ك) «رجوع شود به تاریخ جهانگشا.»

جهانگشای نادری (ك) تاریخ معروف دورهٔ سلطنت نادرشاه تألیف مهدیخان بن محمدنصیر استرآبادی منشی نادرشاه است که درسفرها با او همراه بوده است و وقایع سلطنت و شرح جنگهای او را تا زمان مرگ یعنی تاسال ۱۱۶۰ شرح داده است . نویسنده در این کتاب برخلاف کتاب درهٔ نادره بیشتر به تاریخ و مضمون کتاب پرداخته و معنی را فدای لفظ نساخته است ، اما لغات ترکی در خلال عبارات دیده می‌شود. این کتاب از بهترین تواریخ دورهٔ نادرشاه است (چاپ تهران ــ ازانتشارات انجمن آثارملی ـ به‌اهتمام سیدعبدالله انوار) .

DATE LABEL

چ

چار تکبیر – دراصل چهار تکبیری است که در نماز میت می‌خوانند و چارتکبیرزدن یا چارتکبیر گفتن کنایه از ترك چیزهاست.

من همان دم که وضو ساختم از چشمهٔ عشق
چار تکبیر زدم یکسره برهرچه که هست
«حافظ»

چاه بیژن (ش – د) چاهی که بیژن پهلوان ایرانی به فرمان افراسیاب در آن افکنده‌شد. منیژه دختر افراسیاب و معشوق بیژن هرروزنانی از گدائی به دست می‌آورد و از بالای چاه برای او می‌انداخت.
«رجوع شود به بیژن»

شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریك
چو بیژن در میان چاه او من
ثریا چون منیژه بر سر چاه
دو چشم من بدو چون چشم بیژن
«شاهنامهٔ فردوسی»

چاه یوسف (تن) چاهی که برادران یوسف اورا در آن افکندند. «رجوع شود به یوسف»

ببین کـه سیب زنخدان تـو چه می‌گوید

هزار یـوسف مصری فتـاده در چه ماست

«حافظ»

چرخ اثیر (نج) «رجوع شود به اثیر»

شهاب کلك تو با دیو دولت تو به سیر

همان کند که به دیوان شهاب چرخ اثیر

«انوری»

چشمهٔ حیوان (تن) «رجوع شود به آب حیات»

زهر سفر نوش کن اول چو خضـر

پس بـرو و چشمهٔ حیوان طلب

«خاقانی»

چشمهٔ خضر (تن) «رجوع شود به آب حیات»

زبان در آن دهن پاك گوئیا کـه مگر

میان چشمهٔ خضر است ماهئی گویا

«خاقانی»

چگل نام شهری است در ترکستان که در شعر فارسی مردم آن به زیبائی مثل شده‌اند.

صفای خلوت خاطر از آن شمع چگل جویم

فروغ چشم و نور دل از آن ماه ختن دارم

«حافظ»

چهار ارکان (نج) یـا چار ارکان عبارت است از آب و خاك و باد و آتش .

سپهر مثل تو از اتصال هفت اختر
زمانه مثل تو از امتزاج چار ارکان
«انوری»

چهار امهات (نج) کنایه‌از چهار عنصر (آب‌وخاك وباد وآتش)

به صد قران بنزاید یکی نتیجه چوتو
ز امتزاج چهار امهات و هفت آبـا
«خاقانی»

چهار مقالهٔ عروضی (ك) یا مجمع‌النوادر، کتابی به زبان فارسی، تألیف احمدبن علی‌النظامی العروضی سمرقندی که آن را درسال ۵۵۱ به نام ابوالحسن حسام‌الدین علی شاهزادهٔ غوری تألیف کرده است.

کتاب چهار مقاله پس‌ازمقدمه‌ای‌درحکمت‌وطبیعیات‌به‌چهار مقاله‌تقسیم می‌شود: درماهیت‌علم دبیری و کیفیت دبیر کامل،ماهیت علم‌شعروصلاحیت شاعر، ماهیت علم‌نجوم وغزارت منجم،ماهیت علم‌طب.

نظامی عروضی کتابش را به‌کیفیات و عواملی مخصوص کرده‌است که‌به‌دربار بستگی دارد ودراین کتاب‌تأثیرعلوم وفنون را دراداره‌ٔکشور و لیاقت درباریان و نفوذ ایشان را در شاهان شرح می‌دهدوطبقهٔ خواص رابه‌چهار طبقهٔدبیر،شاعر،منجم،طبیب،تقسیم می‌کند. مؤلف‌مطالب کتاب‌را باشواهد تاریخی می آمیزد ودرضمن توضیح مقالات‌نام‌بسیاری‌از کتابهارا می‌برد واشعار ونوشتهٔ شاعران ونویسندگان را ذکرمی کند.

نظامی‌عروضی در حکایات گاهی خود شاهد واقعه بوده و

سرگذشت اشخاص را چنانکه ازخود آنها شنیده‌است نقل‌می کند و گاهی هم ازاشخاصی که خود ناظر وقایع بوده‌اند. کتاب‌چهار مقاله اهمیت تاریخی و جغرافیائی‌دارد. سبك انشاء آن بسیارموجز و سلیس است ویکی ازآثاربرگزیدهٔ نثر فارسی به‌شمار می‌رود. (چاپ تهران)

چیستان (ب) درحقیقت لغزاست(رجوع‌شود به‌لغز) وچون به‌طریق‌سؤال و باکلمهٔ «چیست آن» شروع می‌شود به همین لفظ یعنی «چیستان» خوانده‌شده‌است؛ مانند این‌شعر عنصری در لغز شمشیر:

چیست آن‌آب‌چوآتش وآهن‌چون‌پرنیان
بی‌روان‌تن‌پیکری، پاکیزه‌خون‌درتن‌روان
اربجنبانیش‌آب‌است، اربلرزانی درفش
اربیندازیش تیراست، اربخمانی کمان...

ح

حاج ملاهادی سبزواری (ت) «رجوع شود به سبزواری»

حافظ ابرو (ت) [ف: ۸۳۴] شهاب الدین عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید الخوافی ازمورخان بزرگ دورهٔ تیمور که به قولی درهرات وبه قولی درخواف متولد شده ولی درهمدان تربیت یافته است. حافظ ابرو معاصرامیرتیمور و درجنگها ملتزم رکاب او بوده است وبعدازمرگ تیموربه خدمت خود در دربارشاهرخ وبعدبایسنقرادامه داد. آثاری درتاریخ وجغرافیا داردکه معروفترین آنهارا به نام زبدة التواریخ به امربایسنقردرسال ۸۲۹ تألیف کرده است ، ولی مجموع چهار جلد تاریخ اورا مجمع التواریخ سلطانی خوانده اند . حافظ ابرو به زبانهای ترکی جغتائی (زبان درباری) وعربی آشنا بوده و شعرهم می سروده است و کتابهای تاریخ وجغرافیای او، چون بیشترمربوط به وقایعی بوده است که خودشاهد آن بوده یامربوط به سفرهاوسیاحتهای شخصی او بوده است،سنداصلی تاریخ نویسانی چون میرخواندوخواند میر قرارگرفته است.

حافظ شیرازی (ت) [ف: ۷۹۱] شمس‌الدین محمدبن بهاءالدین معروف به‌لسان‌الغیب بزرگترین غزلسرای ایران که دراوایل قرن هشتم در شیرازمتولدشد وهمانجا به تحصیل علوم و کمالات پرداخت ودر مجالس درس عالمانی مانند قوام‌الدین‌عبدالله حضور می‌یافت و به‌مطالعهٔ قوانین ادب ودیوانهای شاعران عرب می‌پرداخت وچون قرآنرا ازبر داشت، حافظ تخلص کرد. پدرحافظ بهاءالدین درعصر اتابکان فارس ازاصفهان به‌شیراز مهاجرت کرد وحافظ‌درزمان‌جوانی به‌خدمت دیوانی‌دردربارشاهان اینجو وآل‌مظفردرآمد. مخصوصاً حافظ درنزد ابواسحق اینجو که حکومت فارس را داشت، تقرب بسیاریافت‌واورامدح کردتادولت‌ابواسحاق‌بدست‌محمدمبارزالدین مؤسس‌مظفریان‌منقرض‌شد. حافظ‌ازشاهان آل‌مظفر، امیرمبارزالدین وشاه‌شجاع وشاه‌یحیی وشاه‌منصوررا درغزلهای خودیادکرده‌است. حافظ‌همهٔ‌عمررادرشیرازگذرانده وسفرهای کوتاهی به‌اصفهان‌ویزد کرده‌است. یکبارنیزازطرف محمودشاه بهمنی دکنی به هندوستان دعوت‌شد. ولی‌به‌علت طوفانی‌بودن دریاازسفرمنصرف‌گشت. وفات حافظ‌درسال۷۹۱ درشیرازاتفاق افتاد.

دیوان اشعارحافظ‌شامل غزلیات ومثنوی ساقی‌نامه وچند قصیده است. این سخنور بزرگ باآنکه درزمانی پرفتنه و آشوب زندگی‌می‌کرددراشعارش‌متانت وبردباری آشکاراست‌وهرگزدرمدح غلونکرده‌است. حافظ‌از روح‌عرفان‌بهرهٔ‌کامل‌داشته‌ومضامین‌عاشقانه را بامعانی عرفانی آمیخته و این‌شیوه‌را به‌درجهٔ‌کمال رسانده‌است.

دیوان حافظ بیش ازهمهٔ آثارغزلسرایان دیگر نزد فارسی زبانان شهرت و رواج دارد و از این‌جهت خواجه‌حافظ شیرازی محبوب‌ترین شاعرایران شمرده می‌شود . دیوان حافظ چندین‌بار در ایران به‌چاپ رسیده است .

حالنامه (ك) «رجوع شود به‌گوی وچوگان»

الحاوی (ك) تألیف‌دانشمند وطبیب‌عالیقدر ایرانی‌ابوبکرمحمدزکریای رازی. این کتاب ازمهمترین کتابهای طبی به‌شمار می‌رفته ودرعلم طب حکم دائرةالمعارفی را داشته‌است. در سی‌جزونوشته شده و نسخهٔ ترجمه‌شده به‌لاتین به۲۵ جزو می‌رسد ولی از متن عربی آن درحدود نصف باقی‌است. شاگردان رازی پس‌ازاواین کتاب را از روی یادداشتهای‌استاد خود مرتب کرده‌اند. کتاب شامل‌انواع‌شعب و فنون مختلف علم طب است و همچنین حاوی یادداشتهائی می‌باشدکه مؤلف در مدت معالجه و عمل ازتجارب شخصی گرد کرده است.

حبش (م) ولایت زنگ یا زنگبار که مردم آن سیاه چهره‌اند و در شعر فارسی لشکر حبش یاخادم حبش کنایه از شب ولشکرروم یاخادم روم کنایه از روز است.

تاروز و شب دو خادم رومی و زنگی‌اند

هریك به صدق عنبر جان در میان اوست

خورشید روم پرور و ماه حبش نگار

سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست

«خاقانی»

حبیب‌السیر (ك) تاریخ عمومی عالم که در آن وقایع از ابتدای تاریخ بشر تا وفات شاه‌اسمعیل‌صفوی یعنی‌سال ۹۳۰ شرح داده‌شده‌است. این کتاب در سه جلد است و مؤلف آن غیاث‌الدین بن همام‌الدین معروف به خواندمیر است که‌آن را درسال ۹۲۹ تألیف کرده‌است. (چاپ تهران)

حجرالاسود (تن) سنگ کعبه.

خال سیاه او حجرالاسود است ازآنك

ماند به خال و زلف به خم حلقهٔ درش

«خاقانی»

حدائق‌السحرفی‌دقایق‌الشعر (ك) کتابی‌در علم‌بیان‌وصنایع‌لفظی ومعنوی شعر، از آثار رشیدالدین وطواط دانشمندبزرگ قرن‌ششم که آن‌را به‌اشارهٔ اتسزخوارزمشاه درسال ۵۵۱ شروع کرد و درزمان سلطنت ایل‌ارسلان به‌پایان رساند. رشیدالدین وطواط پس‌از مطالعهٔ کتاب «ترجمان‌البلاغة» خواسته‌است کتابی بهتر وجامعتر درمحاسن‌نظم‌و نثرتألیف کند.

رشید دراین کتاب ابتدا به‌ذکرمحاسن شعرمی‌پردازدوبعد شواهدی اززبان‌فارسی وعربی‌ذکرمی کند وازشاعرانی مانندمعزی وعمعق‌بخارایی وابوالفرج رونی‌ومسعود سعد سلمان وناصرخسرو اشعاری من‌باب مثال‌می آورد. (چاپ‌تهران)

حدودالعالم‌من‌المشرق‌الی‌المغرب(ك) از کتابهای معتبر جغرافیاکه در سال۳۷۲ تألیف‌یافته‌است. مؤلف‌آن معلوم‌نیست ولی به‌ابوالحرث

محمدبن احمد فریغون از آل‌فریغون تقدیم شده است. آل فریغون درگوزکانان اقامت داشتند و به‌دست سلطان‌محمودغزنوی از میان رفتند. این کتاب درتقسیم شهرها وبلاد ونواحی و اقوام مختلف و احوال آنهاست و بسیار سودمند می‌باشد .

حدودقوافی (ق) حدود قوافی پنج‌است: متکاوس، متراکب، متدارك ، متواتر،مترادف

۱ـ متکاوس. قافیه‌ای‌است که دارای چهارحرف متحرك و یك ساکن باشد. و در شعر خوش‌آیند نیست:

گر یـار من غم دلـم بخوردی
زین بهترك بـه حـال من نگردی

۲ـ متراکب: قافیه‌ای‌است که دارای سه‌حرف‌متحرك ویك ساکن باشد:

تو همچوصبحی ومن‌شمع خلوت سحرم
تبسمی‌کن وجان بین‌که چون همی سپرم

«حافظ»

۳ـ متدارك : قافیه‌ای است که دارای دو حرف متحرك و یك ساکن باشد :

به نام خـداوند جان و خرد کزین برتراندیشه بر نگذرد

۴ـ متواتر : قافیه‌ای است که دارای یك متحـرك و یك ساکن باشد :

من آن روز را قدر نشناختم ندانستم اکنون که در یـافتم

۵ـ مترادف : قافیه‌ای است که دارای دو حرف سـاکن

باشد، مانند :

ز سم ستوران در آن پهن دشت

زمین شد شش و آسمان گشت هشت

حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة (ك) از مهمترین آثار حکیم‌سنائی شاعر معروف قرن ششم ، شامل ده‌هزار بیت ، که درسال ۵۲۵ به نام بهرامشاه غزنوی ساخته شده است . حدیقه شامل ده‌باب‌است. درتوحید ، ذکر کلام باری ، نعت نبی ، صفت عقل ، فضیلت علم ، ذکر نفس ، صفت افلاك ، مدح بهرامشاه غزنوی ، حکمت و امثال، صفت تصنیف کتاب. کتاب‌حدیقه سراسر شامل‌پند واندرز و مطالب عرفانی و بیان مقام دانش وعقل‌است و درحقیقت‌سرمشق و راهنمای بزرگی است برای افراد و اجتماع . این کتاب ازنظر اهمیت موضوع درزمان حیات شاعرشهرت یافت و ادیبان ومشایخ صوفیه به آن توجه کردند ، چنانکه نصرالله منشی معاصر حکیم سنائی در کلیله و دمنه از اشعار حدیقه بعنوان شاهد نقل کرده است . همچنین مورد توجه شاعران بعد ازسنائی قرارگرفته‌است، بطوریکه خاقانی مثنوی تحفة‌العراقین و نظامی مخزن‌الاسرار را به سبك آن ساخته‌اند . حدیقة‌الحقیقة چندین بار به چاپ رسیده است .

حذذ (زحاف) (ع) در مستفعلن حذف علن است که می‌ماند مستف‌بجای آن فع‌لن می‌گذارند ؛ و آن را اخذ خوانند .

حذف (ب) آن است که شاعر ملزم شود که یك یا دوحرف را در شعر

بکار نبرد مانند این شعر قاآنی که بدون الف است .

برد ز گیتـی برون ربیع چو لشکر
لشکر دی ملك وی نمود مسخـر

دهـرزدم سردیش به خویش مشوش
مهـر ز بیمهـریش به میغ مستر

و در آخرقصیده گوید:

گفته به مدحت قصیده‌ای و الف نی
جز به همین فرد ملتزم شده دیگـر

حذف (زحاف) (ع) حذف در مفاعیلن حذف لام ونون است که‌می‌ماند مفاعی و بجای آن فعولن می‌گذارند و آن‌را محذوف خوانند.

در فاعلاتن حذف‌نون وتاء است که می‌ماند فاعلا وبجای آن فاعلن می‌گذارند و آن را محذوف خوانند. در فاع‌لاتن مانند فاعلاتن است .

در فعولن حذف نون و لام است که می‌ماند فعو بجـای آن َفعلْ می‌گذارند و آن‌را محذوف خوانند.

حذو (ق) از حرکات قافیه . حرکت ماقبل ردف و قید مانند حـرکت میم و دال درکلمه‌های مست و دست . اختلاف حذو جایز نیست مگر آنکه روی به حرف وصل پیوندد .

حرکات قـافیـه (ق) حرکات حروف قافیه شش است : رس ، اشبـاع ، حذو ، توجیه ، مجری ، نفاذ . حرفهای اول‌این شش کلمه را برای آنکه به یاد سپرده شود درکلمات «راحت من» جمع کرده‌اند. «به هریك از این کلمات رجوع شود»

حروف قافیه (ق) حروف ماقبل و مابعد حرف روی هریک به نامی خوانده می‌شود و تابع احکامی است که به تفصیل در کتابهای علم قافیه آمده است . این حروف جز حرف روی هشت حرف‌است. به این ترتیب: ردف، قید، تأسیس، دخیل، وصل، خروج، مزید، نایره. که چهار حرف: ردف و قید و تأسیس و دخیل پیش‌ازروی قرار می‌گیرد و چهار حرف وصل و خروج و مزید و نایره بعد از روی. (به هریك از این کلمات رجوع شود)

حزین (ت) [ف: ۱۱۸۰] شیخ‌محمدعلی‌محمدبن‌ابی‌طالب حزین‌لاهیجی اجداد شیخ علی حزین در لاهیجان اقامت داشتند، ولی او درسال ۱۱۰۳ دراصفهان متولدشد. علم منطق و فقه وحدیث را نزد پدر و علم‌هیئت و طب وهندسه‌را درنزد فضلای‌اصفهان آموخت. حزین در دوران اغتشاش و هجوم افغانها براصفهان، خانوادهٔ خودرا از دست داد و خود پس از نجات از بیماری سختی در سال ۱۱۳۵ از اصفهان گریخت و پس از مدتها سرگردانی سفری به‌مکه کرد و از شهرهای یمن، بغداد، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان، تهران دیدن کرد و به‌اصفهان بازگشت و درسال ۱۱۴۶ به‌هندوستان عزیمت نمود و بقیهٔ عمر را در آنجا گذراند . مقبرهٔ حزین در شهر بنارس واقع است.

از آثار معروف او : تذکرهٔ حزین است مشتمل بر شرح حال صد نفر از شاعران و عالمان و فاضلان اصفهان که با نویسنده معاصر بوده‌اند . دیگر تاریخ حزین که مربوط به سوانح عمر

مؤلف است قبل از عزیمت به‌هندوستان، مدة‌العمر که حوادث زمان نویسنده و انقلاب اصفهان را نشان می‌دهد و کلیات حزین مشتمل برقصائد، مثنوی، مقطعات، حدیقهٔ ثانی به‌سبك حدیقهٔ سنایی.

حساب ابجد یکی از ترتیب‌های حروف الفبا آن است که مطابق حرفهای کلمات زیرباشد :

ابجد ، هوز ، حطی ، کلمن ، سعفص ، قرشت ، ثخذ ، ضظغ .

هریك از این حروف به ترتیب به ازای یکی از اعداد آحاد و عشرات و مآت است . حروف : ا ب ج د ه و ز ح ط ی به ترتیب معادل از ۱ تا ۱۰ ، حروف : ك ل م ن س ع ف ص به ترتیب به‌ازای از ۱۰ تا ۹۰ ، و حروف : ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ به ترتیب معادل از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ است

نوشتن اعداد به‌حروف ابجد به‌وسیلهٔ ترکیب این‌حروف حاصل می‌شود . مثلا تاریخ سال ۱۳۴۰ را می‌توان چنین نوشت: «غشم»

گاهی نیز عدد منظور از حاصل جمع حروف متعدد به دست می‌آید : مانند عبارت « الخیرفی ماوقع » که ۱۱۴۸ یعنی تاریخ جلوس نادر از آن حاصل می‌شود .

حسن تخلص (ب) آن است که شاعر درگریز از تغزل به مدح ، کلمات خوش‌آیند و مطبوع استعمال کند .

خلق گویند برو دل به هوای دگری نه

نکنم خاصه در ایام اتابك دو هوائی

«سعدی»

حسن تعلیل (ب) از صنایع شعری که شاعر برای مطلبی که آورده دلیلی دلپذیر بیاورد نه مطابق با واقع.

چوب را آب فرو می‌نبرد حکمت چیست

شرمش آید ز فروبردن پروردهٔ خویش

حسن طلب (ب) آن است که گوینده خواهش را به نوعی اظهار کند که مورد پسند خواننده واقع شود، مانند این شعر امیر معزی :

شاها ادبی کن فلك بدخو را — کاسیب رسانیده رخ نیکو را

گر گوی خطا کرد به چوگانش زن — ور اسب غلط کرد بمن بخش اورا

حسن دهلوی (ت) «رجوع شود به دهلوی»

حسن غزنوی (ت) [ف : ۵۵۷] اشرف‌الدین ابومحمد حسن بن محمد حسینی غزنوی ملقب به اشرف از واعظان و فصیحان معروف قرن ششم هجری که معاصر و مداح بهرامشاه غزنوی بوده و در سفر هندوستان با او همراهی کرده است، ولی پس از مدتی مغضوب واقع شده و از غزنین به بغداد و مکه سفر کرده و در بغداد مورد لطف غیاث‌الدین مسعود سلجوقی واقع گردیده است. سید حسن غزنوی از بغداد به همدان رفت وچندتن از ارکان مملکت سلاجقه را مدح کرد وسپس به خراسان رفت ودر بازگشت در قصبهٔ «آزادوار» از ولایت جوین وفات یافت.

دیوان اشعار سید حسن غزنوی چهار هزار بیت دارد و

شامل قصائد و غزل و ترجیعات در انواع موضوعها مانند مدح ورثاء و وعظ و تغزل است، کلامش ساده ومنسجم وخالی از ابهام است. (چاپ تهران)

حسن مطلع (ب) آن است که شاعر در ابتدای شعر مطلب را طوری بپروراند که مقصود از مدح و اندرز و اغراض دیگر معلوم شود و الفاظ به‌گوش خوش آید.

دولت جوان و بخت جوان و ملک جوان
ملک جهان گرفتن و دادن کنون توان

حسن مقطع (ب) یاحسن ختام آن است که گوینده یا نویسنده مطلب را باعبارت یا شعری زیبا و مطبوع ختم کند.

سر دشمنان تو استغفرالله
که خود دشمنان ترا سر نباشد

سخن بر سر دشمنت قطع کردم
که مقطع از این شعر بهتر نباشد

حسن و دل یا دستور عشاق (ك) منظومه‌ای بالغ بر پنجهزار بیت که مولانا یحیی سیبك نیشابوری معروف به فتاحی در سال ۸۴۰ آن‌راساخته است. خود شاعر نام این منظومه را دستور عشاق گذارده، ولی چون موضوع آن داستان عشق حسن ودل است به مثنوی حسن و دل معروف شده‌است. موضوع داستان سرگذشت عشق شاهزاده‌ای است به نام «دل» با شاهزاده‌ای به نام «حسن». شاعر در این داستان همه نوع مضامین عاشقانه را در نظر داشته و در پایان آن

خضر با «دل» سخن می گوید . سبك شعر در این منظومه متکلفانه ودارای صنایع بدیع و اطناب واغراق است و شاعر یك بارهم آن‌را دررسالهٔ منثور کوچکی به‌نام «حسن ودل» تلخیص کرده که برخلاف مثنوی آن بسیار موجز نوشته شده است .

حشو (ب) کلامی است زائد درمیان‌جمله که از حیث معنی به‌آن‌احتیاج نباشد و برسه قسم است : حشو قبیح، متوسط، ملیح .

حشو قبیح زشت‌است و دوری از آن لازم می‌باشد. مانند رمد چشم وصداع سر دراین شعر :

گر می نرسم به خدمتت معذورم
زیرا رمد چشم و صداع سرم است

حشو متوسط برای موزون شدن کلام است مانندکلمات «ای‌ماهرو» در این شعر:

تو رودکی را ای ماهرو کنون‌بینی
بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود

حشو ملیح پسندیده است مانند جملهٔ «ذکرش به خیرباد» دراین شعر:

دی پیر می‌فروش که ذکرش به خیرباد
گفتا شراب‌خور که غم دل برد ز یاد

حلاج (ت) «رجوع شود به منصور حلاج»

حمدالله‌مستوفی (ت) [ف: ۷۵۰] ابی‌بکربن‌احمدبن‌نصرمستوفی‌قزوینی.

از خانواده‌های قدیمی که سالیان دراز در قزوین اقامت داشته اند

و جد اعلای آنها امین‌الدین نصر مستوفی بوده است . حمدالله مستوفی در خدمت رشیدالدین فضل‌الله به کار مشغول گشت و بر حسب امر او پیشکار مالیاتی قزوین و زنجان و ابهر گردید. حمدالله مستوفی غالباً در مجالس رشیدالدین حضور می‌یافت و در مباحث علمی و تاریخی شرکت می‌کرد . از آثار معروفش: ظفرنامه به نظم و نزهة‌القلوب و تاریخ گزیده است .

حمزهٔ اصفهانی (ت) [ف: در حدود ۳۵۰] ابوعبدالله حمزة‌بن حسن اصفهانی . از مورخان بزرگ و ادیبان قرن چهارم که در اصفهان متولد شده و بارها به‌بغداد سفر کرده و باز به اصفهان برگشته‌است. حمزه در علم نحو و فقه نیز استاد بوده است . از آثار او: کتاب معروف تاریخ سنی ملوك الارض و الانبیاء ، کتاب کبارالبشر و کتاب‌الامثال و کتاب‌التنبیه علی‌حدوث التصحیف است .

حمل (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقة‌البروج ؛ به شکل بره‌ای است نیم خفته، برج حمل برابر با ماه فروردین است.

در بره مریخ گرز گاوافریدون به دست
وز مجره شب درفش کاویان انگیخته
«خاقانی»

ز آتش غیرت خوان تو مقیم
برفلك ثور و حمل بریان است
«انوری»

حموی (ت) «رجوع شود به یاقوت حموی»

حنظلهٔ بادغیسی (ت) [ف: درحدود ۲۲۰] از معروفترین شاعران دورهٔ طاهری است که در نیشابور در دورهٔ حکومت عبدالله بن طاهر می‌زیست. اشعاری ازاو در تذکره‌ها باقی است.

حوا (تن) دومین بشر مخلوق خدا و همسر آدم که دربهشت می‌زیست و به اغوای ابلیس گندم خورد و از بهشت رانده شد و به جده فرو افتاد.

حدیث عشق اگر گوئی گناهست
گناه اول ز حوا بود و آدم

«سعدی»

حور (تن) حور جمع حوراء به‌معنی زنان سیاه‌چشم بهشت. این کلمه که به صیغهٔ جمع در قرآن آمده است در ادبیات فارسی به معنی مفرد می‌آید و از آن زن زیبای بهشتی اراده می‌شود.

صحبت حور نخواهم که بود عین قصور
با خیال تو اگر با دگری پردازم

«حافظ»

حورالعین (تن) «رجوع شود به حور»

باغ پیراسته گلزار بهشت
گلبن آراسته حورالعین است

«ابوالفرج رونی»

حوت (نج) ازصورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقةالبروج و به شکل ماهی. برج حوت برابر ماه اسفند است.

بمانده ماهی از رفتن به ناکام
تو گفتی ماهی است افتاده در دام

«از ویس ورامین»

حیة الحوا (نج) از صورتهای فلکی که درشمال منطقةالبروج است . به صورت ماری است که مار افسای اورا به هردودست گرفته ومار سر و دم بلند کرده است .

الا که تا بود برین فلک روان شجاع او وحیةالحوای او...

«منوچهری»

DATE LABEL

خ

خاتم سلیمان (تن) « رجوع شود به‌انگشتری سلیمان »

گرچه شیرین دهنان پادشهانند ولی
او سلیمان زمان است که خاتم با اوست

«حافظ»

خاقانی (ت) [ف:۵۹۵] افضل‌الدین ابوبدیل‌بن علی خاقانی از سخن سرایان‌بزرگ ایران. نخست حقایقی لقب‌داشته ولی‌بعد، به‌مناسبت انتساب به‌خاقان‌اکبر منوچهربن فریدون شروانشاه، خاقانی‌تخلص یافت. پدرش علی نجار ومادرش کنیزك رومی‌بود که به‌دین اسلام درآمد. اولین بار تقرب خاقانی نزد شروانشاه به وسیلهٔ ابوالعلاء گنجوی انجام‌گرفت. وی پس‌از خاقان‌اکبر به‌خدمت پسرش‌خاقان کبیراخستان‌درآمد. خاقانی پس‌ازمدتی که دردربارشروانشاه‌زیست ملول‌گشت وآرزوی سفرعراق کرد، ولی شروانشاه به‌او اجازه‌نداد واین امرموجب‌دلتنگی خاقانی‌گشت. عاقبت به‌سفرمکه رفت ودر مراجعت هنگام ورود به‌اصفهان‌قصیده‌ای دروصف اصفهان ساخت

خاقانی به‌دربارشروانشاه بازگشت، ولی به‌علت سعایت حسودان به امرشاه به‌حبس افتاد. پس از آن درحدود سال ۵۶۹ باز به‌حج رفت. دربازگشت به‌سبب مرگ فرزند ومصائب دیگر به‌عزلت روی آورد و درتبریزاقامت کرد و درهمانجا درگذشت.

ازممدوحان خاقانی خاقان اکبر ابوالهیجا فخرالدین منوچهر بن فریدون شروانشاه وخاقان کبیر جلال‌الدین ابوالمظفر اخستان بن منوچهر وعلاءالدین اتسز بن محمدخوارزمشاه ونصرةالدین اسپهبد اعظم ازفرمانروایان طبرستان وغیاث‌الدین محمد بن محمود بن محمد بن ملکشاه و رکن‌الدین ارسلان بن طغرل وسیف‌الدین اتابك منصور حکمران شماخی ومظفرالدین قزل ارسلان وعلاءالدین تکش بن ایل ارسلان می‌باشند.

خاقانی‌را باید ازسخن‌سرایان بلند فکر وازاستادان بزرگ زمان و ازقصیده‌سرایان درجهٔ اول ایران دانست که درشعر ابتکاراتی داشته است. ازاختصاصات اویکی التزام ردیفهای مشکل درقصاید بلند وطولانی است. اشعارخاقانی به‌علت اطلاع وسیع وی برلغات عربی واصطلاحات فلسفه وطب، گاهی از سادگی بیرون می‌آید. قصایدش بیشتربه وصف طبیعت وبهاروخزان وصبح شروع می‌شود وجنبهٔ وصف در این قسمتها بسیارقوی است. تشبیهات بسیارتازه‌در اشعاراواغلب زادهٔ احساس وقوهٔ تخیل خود اوست. غزلیات خاقانی شامل ابیات لطیف وشورانگیزاست که گاهی تحت تأثیرسبك غزلیات سنائی واقع می‌شود.

از آثار خاقانی جز دیوان قصاید وغزلیات اومثنوی تحفة العراقین است. (دیوان خاقانی چاپ تهران)

خالد (ت) [ف: نیمهٔ قرن ششم] امیر فخرالدین تاج الافاضل خالد بن ربیع الملکی ازشاعران خراسان وکاتبان مشهور قرن ششم که در خدمت علاءالدین جهانسوز (۵۴۵-۵۵۶) می‌زیسته وبا انوری دوستی داشته است. خالدبن ربیع ازجملهٔ امیران و به‌قول خوداو (مرد لشکری) بوده‌است .

خالد در اشعارش علاءالدین جهانسوز و سلطان‌سنجر را مدح گفته است .

خانقاه (م) جایگاهی که سالکان را برای رسیدن به مقام واقعی عرفان ارشاد می کند ، و متصوفه در آنجا به ریاضت و عبادت و تفکر می‌پردازند .

منم که گوشهٔ میخانه خانقاه من است
دعای پیر مغان ورد صبحگاه من است

«حافظ»

خبن (زحاف) (ع) درفاعلاتن حذف حرف دوم یعنی الف است که‌می‌ماند فعلاتن؛ و آنرا مخبون گویند.

درمستفعلن حذف سین است که می‌ماند متفعلن. بجای آن مفاعلن می‌گذارند. و آنرا مخبون گویند. درمس تفع لن مانندخبن در مستفعلن است.

درمفعولات حذف فاء است که می‌ماند معولات. بجای آن

مفاعیلُ می‌گذارند؛ و آن را مخبون خوانند.

خَتا (م) ولایتی در ترکستان چین که مشک آن معروف بوده است.

ای گمشده آهوی ختائی هم زابخور ختات جویم

«خاقانی»

خُتَن (م) ولایتی در ترکستان چین که آهوی مشکین و مشک آن معروف بوده است.

مژدگانی بده ای خلوتی نافه گشای

که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد

«حافظ»

خجندی (ت) «رجوع شود به کمال خجندی»

خداوندنامه (ك) منظومه‌ای بر وزن شاهنامه که فتحعلی‌خان صبا ملك الشعرای دربار فتحعلیشاه قاجار آن را دربارهٔ پیغمبر اسلام و علی بن ابیطالب سروده است.

خداینامه (ك) خداینامه که به‌زبان پهلوی به‌معنی شاهنامه است کتابی است که در دورهٔ ساسانیان در ایران تألیف شده است. این کتاب را ابن المقفع در قرن دوم هجری به‌زبان عربی ترجمه کرده و آنرا سیر الملوك نامیده است. نسخهٔ این کتاب اکنون در دست نیست.

خرب (زحاف) (ع) حذف میم و نون است در مفاعیلن؛ که می‌ماند فاعیلُ بجای آن مفعولُ می‌گذارند؛ و آنرا اخرب خوانند.

خردنامهٔ اسکندری (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را در حدود سال ۸۹۰ ساخته است. این کتاب به‌تقلید اسکندر نامهٔ نظامی ساخته شده و وزن آن همان وزن اسکندرنامه و شاهنامهٔ

فردوسی است. جامی دراین مثنوی پس ازخطبه درتوحید ونعت پیغمبروبیان معراج به‌اصل موضوع می‌پردازد وازنصایحی گفتگو می‌کندکه به‌نام ارسطو و افلاطون وسقراط وفیثاغورث وحکمای دیگر به‌اسکندرداده شده‌است‌وهمچنین مکاتبات ومراسلات‌حکیمانه وگفتگوهای فیلسوفانهٔ بین اسکندر وکسان دیگررا بنظم آورده و مثنوی را به‌داستان وفات اسکندر و ندبهٔ حکیمان بر وی و تعزیت نامهٔ ارسطو بـه مادر اسکندر ختم می‌کند . هفت اورنگ (چاپ تهران)

خرقانی(ت) [ف: ۴۲۵] ابوالحسن خرقانی از مشایخ بزرگ صوفیه. خانقاهش محل توجه حکیمان و دانشمندانی مانند ابوعلی سینا و شیخ ابوسعید ابی‌الخیر وناصرخسرو بوده است. ازآثاراو کتاب : نورالعلوم است به‌زبان فارسی درمبانی عرفان .

خرقه لباسی که پیران‌ومرشدان خانقاه‌برتن‌سالکان طریقت‌می‌پوشاندند، و این کار هنگامی صورت می‌گرفت که سالك پس از ریاضت و مجاهدت بسیار شایستگی دخول‌درصف صوفیان را پیدا می‌کرد. خرقه‌پوشاندن‌باآداب‌خاصی‌انجام‌می‌گرفت‌وبه‌صاحب‌آن‌مقام‌والائی می‌بخشید.

درخرقه زن‌آتش که خم ابروی ساقی
بـر می‌شکند گـوشهٔ محراب امـامت

«حافظ»

خرم (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف حرف‌اول‌یعنی میم است که‌می‌ماند

فاعیلن؛ بجای آن مفعولن می‌گذارند؛ و آن‌را اخرم‌خوانند.

خروج(ق) از حروف قافیه. آن است که حرف وصل به‌آن‌پیوندد:

خرما نتوان خورد ازاین‌خار که‌کشتیم
دیبا نتوان بافت از این پشم که رشتیم
«سعدی»

میم درکلمه‌های کشتیم ورشتیم خروج است.

خزانهٔ‌عامره(ك) تذکره‌ای به‌زبان‌فارسی تألیف‌میرغلامعلی آزادبلگرامی از فاضلان هند. مؤلف کتاب‌را درسال ۱۱۷۶ در اورنگ‌آباد دکن تألیف‌کرده و درتنظیم آن ازلباب‌الالباب عوفی و تذکرهٔ دولتشاه وتذکرهٔ سامی وهفت اقلیم و تذکرهٔ نصرآبادی و ریاض‌الشعرای واله وتذکره‌های‌دیگرو کتب‌تاریخ ودیوانهای‌شاعران استفاده کرده است. این تذکره مشتمل است برشرح حال صد وسی وپنج شاعر متقدم ومتأخربه‌ترتیب‌حروف الفباء وتعدادی ازاشعارشاعران که در ضمن غالب‌کلمه‌های دشوار آنهارا شرح داده‌است. مؤلف خود گاهی مادهٔ تاریخی دروفات بعضی از شاعران ساخته وآن را ذکر کرده‌است. دراین کتاب کلمات‌عربی بطور فراوان وگاه کلمه‌های اردوبکاررفته است. (چاپ‌هند)

خسروانی (ت) ابوطاهر طیب‌بن محمدخسروانی ازشاعران عصرسامانی ومعاصررودکی. اشعاری ازاودرتذکره‌ها باقی‌است.

خسروپرویز (ش‌ـت)پسرهرمز ونوادهٔ انوشیروان که شورشیان‌پدرش‌را کور کردند و کشتند واورابرتخت‌نشاندند.خسروابتدابه‌دفع بهرام

چوبینه پرداخت وبرای این‌کار ازقیصرروم کمك خواست . قیصر دخترخود مریم‌را به‌اوداد وبه‌او کمك کرد تا بهرام چوبینه را دفع کرد وپس‌ازآن به‌کشورداری پرداخت وتخت طاقدیس‌را ساخت وایوان مدائن را بناکرد. داستان‌خسرو وشیرین در ادبیات فارسی معروف است ومهمترین نمونهٔ‌آن ، داستان منظومی است‌که‌نظامی گنجوی سروده است. دراین‌داستان خسروعاشق شیرین برادرزادهٔ مهین بانو، ملکهٔ ارمنستان، می‌شود وسالها ازعشق‌او درسوزوگداز بسرمی‌برد.شیرین به‌علت نجابت وپاکدامنی جز ازراه ازدواج به اوتن درنمی‌دهد وسرانجام به‌همسری او درمی‌آید. خسروپرویز به وسیلهٔ‌شیرویه پسرخودکه بنابرداستان‌نظامی عاشق شیرین‌بود، کشته می‌شود. درشعرفارسی پرویزوخسرومثال‌شوکت وجلال‌است و به داستان عشق اوباشیرین بارها اشاره می‌شود:

خسرو آن‌است که درصحبت او شیرین‌است
دربهشت است‌که همخوابهٔ حورالعین است

«سعدی»

سپهر برشده پرویزنی است خون افشان
که ریزه‌اش سرکسری وتاج پرویز است

«حافظ»

خسرووشیرین (ك) یکی ازمثنویهای خمسهٔ نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم که‌آن را در سال ۵۷۶ به نام اتابك شمس‌الدین محمد جهان‌پهلوان‌بن‌ایلدگز ساخته است . این مثنوی دارای شش هزاروپانصد بیت است وداستان عشقبازی خسروپرویزشاه ساسانی

باشیرین شاهزادهٔ‌ارمنی می‌باشد. داستان‌خسرووشیرین ازداستانهای کهن ایرانی است و در شاهنامهٔ فردوسی هم آمده است ، اما در منظومهٔ نظامی تفصیل وشاخ و برگ بیشتری دارد. خسرووشیرین نظامی به بحر هزج مسدس محذوف است (مفاعیلن مفاعیلن فعولن)

خسروی‌سرخسی (ت) [ف:۳۸۳] ابوبکرمحمدبن‌علی خسروی سرخسی. ازشاعران قرن چهارم‌ومداح شمس‌المعالی‌قابوس وصاحب‌بن‌عباد وامیرناصرالدوله ابوالحسن محمدبن ابراهیم سیمجور.

خسروی به زبان فارسی و عربی شعر می‌گفته است و از اصطلاحات‌فلسفی که‌دراشعارش به‌کاربرده‌پیداست که ازعلوم‌حکمی وفلسفی‌اطلاع داشته‌است. درلباب‌الالباب قطعه‌ای ازاشعارعربی‌او نقل‌شده‌است.

خسوف (نج) هرگاه‌ماه باخورشیدمقابله‌کند خسوف واقع می‌شود.مقابله آن است که خورشید بریك طرف قطر یعنی برخطی باشد که از مرکز کره می‌گذرد وماه برطرف دیگرآن قطروزمین حایل‌میان‌ماه وخورشیدگردد، دراینصورت خسوف ایجاد می‌شود:

مه نوی تو بملك‌اندر از خسوف مترس
از آنکه راه نباشد خسوف را به هلال

«انوری»

خضر (تن) ازپیغمبران ومعاصر اسکندر ذوالقرنین که بااو به طلب آب حیات رفت و درظلمات چشمهٔ‌حیوان‌را یافت واز آن خورد وعمر

جاودانی یافت.

شاه دریك حال هم خضراست وهم اسکندراست
کاینه دین کرد و شد با آب حیوان آشنا

«خاقانی»

خطوخطاطان (ك) تألیف میرزا حبیب اصفهانی که آن را دراسلامبول هنگامی که عضویت انجمن معارف عثمانی را داشت تألیف کرده است . موضوع کتاب چنانکه از اسمش پیداست تاریخ خط و خطاطان معروف است .

خطیب تبریزی (ت) [ف: ۵۰۲]ابوزکریا یحیی بن علی تبریزی ازعالمان ادب ولغت عرب در قرن پنجم و شاگرد ابوالعلاء معری . خطیب تبریزی چندی درمدرسهٔ نظامیه بغداد تدریس می کرده است . در عروض وقوافی واعراب قرآن وشرح دیوانهای عرب تألیفات دارد. مهمترین آثاراو: شرح حماسهٔ ابی تمام، شرح دیوان متنبی، شرح دیوان ابی العلاء معری وشرح معلقات سبع است .

خفیف (ع) ازبحورشعرفارسی وعربی، اصلش دوبار: «فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» است. درفارسی ازاین بحروزن زیربسیاررایج است(خفیف مسدس مخبون محذوف = فعلاتن مفاعلن فعلن) مثال:

صنما طاقت فراقم نیست جز بەوصل تو اتفاقم نیست

خلاصة الاشعار وزبدة الافکار (ك) تذکره‌ای در احوال شاعران تألیف تقی الدین محمدکاشی.

این تذکره مشتمل است برمقدمه وچهارفصل وچهار رکن

ودوخاتمه. چهار فصل دربیان عشق ومحبت، چهاررکن شامل شرح احوال شاعران متقدم است تاعصرمؤلف وخاتمه شامل شاعران زمان مؤلف است. این کتاب درچهارجلد به‌سال ۹۸۵ تألیف یافته و در ۹۹۳ مؤلف جلد پنجم رابر آن افزوده است وچنانکه خود درمقدمهٔ کتاب می‌گوید نسخهٔ تمام‌شده‌را به‌نام پادشاه وقت شاه‌عباس بزرگ صفوی مزین ساخته است.

نثر کتاب گاه‌ساده وغالباً مصنوع است وازنظر اشتمال بر اشعار شاعران قابل استفاده می‌باشد.

خلاصة‌الحساب (ك) تألیف شیخ محمد بن حسین عاملی مشهور به‌شیخ بهائی ازعالمان وفقیهان دورهٔ صفویه.

این کتاب در اصول جبر و حساب وهندسه است که در عین اختصار بسیار سودمند است و جزو کتابهای درسی به شمار می‌رفته است.

خلدبرین (ك) اثر وحشی بافقی شاعر قرن‌دهم که آنرا به‌تقلید مخزن الاسرار نظامی ساخته‌است. این‌مثنوی‌شامل ۵۹۲ بیت ودارای شش روضه است حاوی پند و اندرز و تمثیل‌های شیرین.

خلیل یاخلیل‌الله (تن) «رجوع شود به‌ابراهیم»

یارب این آتش که برجان من است

سرد کن زانسان که کردی برخلیل

«حافظ»

خلیل‌بن‌احمدالبصری (ت) [ف: درحدود ۱۷۰] خلیل درسال ۱۰۰ هجری در

بصره متولدشد ودرهمان‌شهر به کسب علم‌پرداخت ودرعلوم‌مختلف خاصه درعلوم ادبی تبحریافت. خلیل از نحویان ولغویان بزرگ صدراسلام شمرده می‌شود. ایجاد شکل یعنی علامتهای حرکات را به‌طریقی که درخط عربی وفارسی امروزمعمول است به او نسبت می‌دهند. از آثار مهم او کتاب لغت عربی است که آن را برحسب مخرج حروف مرتب کرده یعنی حرفهای ملفوظ‌را از مخرج حلق آغاز کرده و به لب پایان داده است و چون در این ترتیب حرف نخستین«عین» بوده، کتاب لغت او به کتاب العین معروف شده‌است. دیگراز آثارمهم او علم عروض است که آن را خود ابداع کرده و پیش ازاودرزبان عربی چنین علمی سابقه نداشته است.

کتاب الایقاع و کتاب النغم که هردودرعلم موسیقی بوده‌نیز به‌اومنسوب است .

خمسهٔ‌نظامی(ك) مجموعه‌ای شامل‌پنج مثنوی از آثار نظامی گنجوی‌شاعر بزرگ داستانسرای قرن‌ششم.

این پنج مثنوی عبارت است از : مخزن‌الاسرار ، لیلی و مجنون ، خسرو و شیرین ، هفت پیکر یا بهرام نامه ، اسکندرنامه «رجوع شود به‌این کلمات»

خواجوی کرمانی(ت) [ف : ۷۵۳] کمال‌الدین ابوالعطاء محمودبن علی کرمانی‌ازشاعران‌بزرگ قرن هشتم که درکرمان متولدشده وهمانجا کسب‌فضائل کرده وپس‌ازچندی به‌سفرپرداخته است. وی درضمن سفربه‌ملاقات شیخ‌رکن‌الدین علاءالدولهٔ سمنانی (متوفی۷۳۶) از

بزرگان صوفیه نائل آمد و جزو مریدان او گشت.

خواجو سلطان ابوسعید بهادر و وزیر او غیاث الدین محمد را در قصاید خود مدح کرده است. مدتی در شیراز اقامت کرد و با فاضلان آن شهر از جمله با خواجه حافظ شیرازی معاشرت کرد و شیخ ابواسحاق اینجو و شمس الدین محمود صاین وزیر او و تاج الدین احمد عراقی از بزرگان کرمان را مدح کرده است. از آثار خواجو دیوان غزلیات و قصاید اوست. دیگر مثنویهائی به سبك نظامی مانند: همای و همایون، گل و نوروز، روضة الانوار، کمال نامه، سام نامه، گوهر نامه. خواجو در غزل پیرو شیخ سعدی است.

خواجه حافظ شیرازی (ت) «رجوع شود به حافظ شیرازی»

خواجه عبدالله انصاری (ت) «رجوع شود به عبدالله انصاری»

خواجه نصیرالدین طوسی (ت) «رجوع شود به نصیرالدین طوسی»

خواجه نظام الملك (ت) «رجوع شود به نظام الملك»

خوارزمی (ت) [ف: ۳۸۷] ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی از دانشمندان معروف اسلامی، در بلخ زاده شد و چندی در دربار سامانیان سمت دبیری داشت و از خواص نوح بن منصور سامانی بشمار می آمد و به امر ابوالحسین عتبی وزیر نوح ثانی کتاب مفاتیح العلوم را به زبان عربی تألیف کرد. «رجوع شود به مفاتیح العلوم»

خوارزمی (ت) محمد بن موسی از بزرگترین ریاضی دانان قرن سوم هجری، وی معاصر مأمون خلیفهٔ اسلامی بود و آثارش در تمدن اسلامی و مراکز علمی اروپا مقام والایی داشته است. از آثار او کتاب المختصر

فی‌حساب الجبر والمقابله که متن‌عربی و ترجمه‌های لاتینی و متن انگلیسی آن به‌طبع رسیده‌است.

خوان‌اخوان (ك) از آثار منثور ناصر خسرو شاعر و نویسندهٔ قرن پنجم دربارهٔ مسائل دین که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ایاصوفیه ضبط است.

خواندمیر (ت) [ف:۹۴۱] غیاث‌الدین بن‌همام‌الدین نواده و شاگرد میر خواند که در زمان امیر علیشیر نوائی می‌زیسته ودر تحت حمایت او قرارگرفته‌است. از آثار اویکی خلاصة‌الاخبار است که تلخیص ازکتاب روضة‌الصفاست، دیگرکتاب حبیب‌السیر که درسال ۹۲۹ تألیف یافته‌است.

خُوَرنق (م) قصری که نعمان‌بن‌منذر پادشاه حیره برای‌بهرام پسریزدگرد ساسانی ساخت.

از شارهٔ ملون و پیرایهٔ بهزر آنجایکی خورنق واینجا یکی‌ارم

خون‌سیاووش یاخون‌سیاووشان (ش-د) گویند که‌چون به‌فرمان‌افراسیاب سیاووش کشته شد، برزمینی که خون او ریخته شد، گیاهی روئید که به‌خون سیاووش یاخون سیاووشان معروف گشت‌این گیاه چون دارو به‌کارمی‌رفته است.

شب چاه بیژن‌بسته‌سر، مشرق‌گشاده زال‌زر

خون سیاووشان نگر برخاك وخارا ریخته

«خاقانی»

خیام (ت) [ف:۵۱۷] حکیم ابوالفتح عمربن‌ابراهیم‌الخیام نیشابوری. از دانشمندان وریاضی دانان وشاعران بزرگ ایران دراواخرقرن‌پنجم

و اوایل قرن ششم. خیام معاصر سلطان ملکشاه سلجوقی و خواجه نظام‌الملك واز جملهٔ کسانی بود که به‌دستور ملکشاه به‌اصلاح‌تقویم ایران پرداخت و ایام سال را به وضع ثابت درآورد . خیام‌علاوه برنجوم درپزشکی وحکمت استاد بوده ودرریاضی وفلسفه‌آثاری دارد. درزمان حیاتش بیشتربه‌حکیم معروف بودتاشاعر. آثار خیام به‌زبان فارسی وعربی‌است.

از جملهٔ‌رساله‌های‌او به‌زبان‌عربی‌رساله‌هائی‌است‌درطبیعیات، معراج، رسالهٔ‌جبرومقابله، لوازم الامکنه دراختلاف هوای اقالیم ، رساله‌ای درحل یك مسئلهٔ جبری که‌در آن‌ازبیست ویك قسم‌معادلات جبری‌نام‌برده‌است.«دربارهٔ‌جنبهٔ ریاضی‌وعلمی‌حکیم‌عمرخیام‌رجوع شود به کتاب‌حکیم‌عمرخیام‌به‌عنوان‌عالم جبرتألیف‌دکترغلامحسین مصاحب»

از آثار فارسی‌خیام‌یکی ترجمهٔ رسالهٔ خطبةالغراء ابوعلی سیناست به فارسی . دیگر نوروزنامه و رساله‌ای در علم کلیات یا رسالهٔ وجودیه، که خیام آن‌را برای فخرالملك بن نظام‌الملك نوشته است . از آثار معروف خیام‌رباعیات اوست که‌گویاقصدش از ساختن آنها اشتغال به شعر و شاعری نبوده ، بلکه بیان بعضی از افکار فلسفی خود بوده است ، این رباعیات شهرت عالمگیر یافته وبه اغلب زبانهای زندهٔ دنیا ترجمه شده است . خیام افکار فلسفی ونظرهای حکیمانهٔ خود را با عبارات ساده در قالب رباعی که موجزترین نوع شعر است ، گنجانده است .

قالب رباعیات خیام و مضامین آنها مورد تقلید بسیاری از شاعران بعد ازاو قرار گرفته است. دیوان خیام چندین بار به چاپ رسیده است.

خیفاء (ب) آن است که در شعر یا عبارت یك کلمه منقوط و یك کلمه بی‌نقطه باشد.

زین عالم‌شد او به‌بخشش‌ومال تیغ او زینت ممالك شد

DATE LABEL

د

دارا (ش ـ د) دارا پسر داراب پادشاه کیانی که در دوازده سالگی پس از پدر به شاهی رسید و از رومیان باژ خواست . اسکندر که به روایت شاهنامه پسر دیگر داراب بود به او جواب سخت‌داد و براثر آن جنگ درگرفت. در این جنگ ایرانیان شکست‌خوردند ودوتن از سرداران داراکه وضع اورا دگرگون دیدند، شبانه‌دشنه برسینهٔ او زدند . چون خبر به اسکندر رسید ، بربالین دارا آمد و زاری کرد و براو فاش کرد که برادر اوست. دارا پس از آنکه اسکندر را به‌دادگری وصیت کرد جان داد. زاری اسکندر بربالین دارا از قسمتهای بسیارمؤثرشاهنامهٔ فردوسی است، ودراسکندرنامهٔ نظامی نیز مجلس وصیت دارا هنگامی که‌اسکندر سر اورا برزانو نهاده است به شیوائی تمام سروده شده است .

داراب (ش ـ د) پسر بهمن که مادرش برای آنکه تاج و تخت را از دست ندهد ، او را با جواهر بسیار در صندوقی گذاشت و به آب انداخت . گازری صندوق را از آب گرفت و به خانه برد و نام

کودك را داراب گذاشت . داراب بزرگ ونیرومند گشت و فرهنگ و سواری آموخت ، ولی چون نسبت به پدر و مادر گـازر پیشه مهری احساس نمی‌کرد، از نژادخودپرسید وچون راز را دانست، اسبی و سلاحی خرید و به خدمت مرزبان درآمد . اتفاقاً رومیان به آن مرز آمدند و مرزبان را کشتند و جنگ آغاز کردند ، هما ملکهٔ ایران شخصی را به نام « رشنواد » با لشکری به جنگ روم فرستاد ، داراب در آن جنگ رشادتها کرد ومورد توجه «رشنواد» قرار گرفت و چون از نژاد او آگاه شد ، نامه‌ای به هما نوشت و داراب را به درگاه فرستاد . هما که پسر را چنان دید ، از گذشته پوزش خواست و بزرگان را جمع کرد و او را برتخت شـاهی نشاند . داراب دختر قیصر روم‌را به زنی گرفت. اما چون دهانش بوی نـاخوش داشت ، از او سیر شد و او را نزد پدر فرستـاد ، دختر بارداشت و پسری زائید به نام اسکندر که قیصر اورا پسر خود خواند .

داراب نـامه (ك) از داستانهای عامیانه که دارای روایتهای مختلف است از آنجمله روایتی است که به قلم مولانا شیخ حاجی محمد شیخ احمد مشهور به بیغمی در سال ۸۸۷ کتابت شده است . داستـان داراب‌نامه داستان کهنه‌ای است مربوط به ملك داراب‌بن بهمن‌بن اسفندیار بن گشتاسب و پسرش فیروزشاه (داراب نـامه از روی نسخه‌ای که درکتابخانهٔ « روان » ترکیه بوده‌است به‌وسیلهٔ دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه تصحیح و منتشرگردیده است .)

دارالسلام (تن) اشاره به بهشت .

در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند
آدم بهشت روضهٔ دارالسلام را
«حافظ»

داماد شعیب (تن) حضرت موسی که دختر شعیب را به زنی گرفت.

دانشنامهٔ علائی (ك) یا دانشنامهٔ علائیه یاحکمت علائی کتابی به‌زبان فارسی تألیف فیلسوف بزرگ شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا. این کتاب به خواهش علاءالدولهٔ کاکویه نوشته شده و شامل منطق والهیات و طبیعیات است .

دانشنامهٔ علائی مشتمل بربسیاری از اصطلاحات‌فلسفی و منطقی به‌زبان فارسی است . (چاپ تهران)

داوود (تن) از پیغمبران ویازدهم پشت یعقوب که‌آوازی خوش‌داشت و هنگامی که‌کتاب آسمانی خود یعنی زبور را می‌خواند ، مرغ از طیران باز می‌ماند .

کوه دانش را چو داوود از نفس
منطق الطیر از خوش آوائی فرست
«خاقانی»

دایرهٔ متفقه (ع) از دوایر اوزان فارسی و عربی . بحرهای متقارب سالم و متدارك سالم از آن استخراج می‌شود .

دایرهٔ مجتلبه (ع) از دوایر اوزان عربی و فارسی . شامل سه بحر است که در فارسی مثمن و درعربی غالباً مسدس است:

هزج سالم = مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

رمل سالم = فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

رجز سالم = مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

دایرهٔ مجتلبهٔ زایدهٔ مزاحفه (ع) از دوایر اوزان فارسی. شامل چهار مفاعیلُ (بحرهزج مثمن مکفوف) یاچهاربارمفتعلن (بحررجزمثمن مطوی) یا چهاربار فعلاتن (بحررمل مثمن مخبون)

دایرهٔ مختلفه (ع) از دوایر اوزان عرب. شامل سه بحراست :

طویل = فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیلن

مدید = فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن

بسیط = مستفعلن فاعلن مستفعلن فاعلن

دایرهٔ مشتبهه (ع) از دوایر اوزان عرب شامل شش بحر :

منسرح = مستفعلن مفعولات مستفعلن

خفیف = فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن

مضارع = مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن

مقتضب = مفعولات مستفعلن مستفعلن

سریع = مستفعلن مستفعلن مفعولات

مجتث = مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن

دایرهٔ مشتبههٔ زایده (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام بر طبق معیارالاشعار خواجه نصیر طوسی است و شمس قیس رازی آن‌را «دایرهٔ مختلفه» خوانده است، شامل بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلات ۲بار)؛ مضارع مکفوف (مفاعیل فاعلات ۲بار)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن ۲بار)

دایرهٔ مشتبههٔ مزاحفه (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام را خواجه نصیر طوسی درمعیارالاشعار به این دایره داده و شمس قیس‌رازی آن‌را «دایرهٔ‌منتزعه» خوانده است ، شامل‌بحرسریع مطوی (مفتعلن مفتعلن فاعلات) ؛ بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن) ، بحرقریب مکفوف (مفاعیل مفاعیل فاعلات) ؛ مضارع مکفوف (مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیل)؛ خفیف مخبون (فعلاتن‌مفاعلن‌فعلاتن)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن فعلاتن)

دایرهٔ مؤتلفه (ع) از دوایر اوزان عرب ، شامل دو بحر است :

وافر = مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن

کامل = متفاعلن متفاعلن متفاعلن

دب‌اصغر (نج) ازصورتهای فلکی، هفت ستاره به شکل خرس کوچك. جملهٔ ستارگان خرس کوچك‌را بنات‌النعش خرد گویند.

دب‌اکبر (نج) از صورتهای فلکی که درشمال منطقةالبروج‌قرارگرفته وبه شکل خرس بزرگی است برپای ایستاده .

دبران (نج) منزل چهارم از منازل قمر و ستاره ای است درشت و روشن و سرخ که به تازی آن‌را «تابع‌النجم» گویندکه درپشت «ثریا» است .

گر ثور چو عقرب نشدی ناقص و بی چشم
بر قبضهٔ شمشیر نشاندی دبران را

«انوری»

دخیل (ق) ازحروف قافیه وآن متحرکی است‌که میان الف تأسیس و

حرف روی قرار گیرد مانند صاد در کلمهٔ قاصر و ه در کلمهٔ ماهر. تکرار حرف دخیل لازم نیست واگر مراعات شود ازمحسنات شعر محسوب می‌شود. مثال از سعدی:

چشم بدت دور ای بدیع شمایل
ماه من و شمع جمع و میر قبایل

مثال عدم مراعات ازحافظ:

دارای جهان نصرت دین خسرو کامل
یحیی بن مظفر ملك عالم عادل

درة‌التاج لغرة‌الدباج (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف قطب‌الدین محمودبن‌مسعودبن‌المصلح‌الشیرازی معروف به‌علامهٔ‌شیرازی. مؤلف آن‌را بنابه‌خواهش امیردباج فرمانروای گیلان و به‌نام اودرسال ۶۹۳ تألیف کرده است. کتاب درة‌التاج دارای چندبخش است درمنطق وریاضی وفلسفه و در حکمت‌نظری وعملی شامل دوازده رشته از علوم.

این کتاب از گنجینه‌های گرانبهای زبان فارسی و مشتمل برهمهٔ فنون متداول‌عصراست وازهرجهت به‌کتاب الشفاء ابن‌سینا شبیه‌است. (بخش‌اول تصحیح محمد مشکوة استاد دانشگاه. چاپ ۱۳۲۰ تهران، بخش دوم به‌کوشش سیدحسن مشکان‌طبسی. چاپ تهران)

درفش کاویان (ش‌ـد) علمی که‌کاوهٔ آهنگر از چرم پاره‌ای برسرچوبی ساخت ومردم را برضحاك شورانید. از آن پس این چرم پاره که

به‌گوهرهای گرانبها آراسته شده بود درفش شاهی ایران شد و تا پایان کار ساسانیان همچنان درفش رسمی ایران را درفش کاویان می‌خواندند.

درهٔ نادره (ك) تألیف میرزامهدی بن‌محمدنصیراسترآبادی منشی دربار نادر. دراین کتاب صنایع ادبی به طرز نامأنوس و باالفاظ مهجور آورده شده و کلام سست و پیچیده و نامرغوب است (این کتاب چندین‌بار به‌چاپ رسیده‌است)

دستورعشاق (ك) «رجوع‌شود به‌حسن و دل»

دستورالکاتب فی‌تعیین‌المراتب (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف شمس نخجوانی معروف به‌شمس منشی پسر هندوشاه نخجوانی. این کتاب شامل‌مکتوبهای شاهان‌وامیران‌وعالمان وحکیمان همچنین حاوی احکام‌دیوانی وتفویض اعمال‌به‌امیران مغول ووزیران‌است. دستورالکاتب در اوایل سلطنت سلطان شیخ اویس‌بن حسن‌ایلکانی تألیف شده است.

دقیقی (ت) [ف: درحدود ۳۶۵] ابومنصورمحمدبن احمد دقیقی‌بلخی ازبزرگترین شاعران قرن‌چهارم ومعاصرسامانیان. بعضی اورابلخی وبعضی طوسی‌گفته‌اند، ابتدا در دربار چغانیان که در ماوراءالنهر سکونت داشتند، می‌زیست، وامیرابوسعید مظفر وابونصربن علی چغانی وامیر فخرالدوله ازآل محتاج و ابوصالح منصوربن نوح سامانی‌رامدح گفته‌است. دقیقی به‌نظم‌شاهنامه‌پرداخت، ولی‌نتوانست آن را به‌پایان رساند و به‌دست غلام خود کشته‌شد. این قسمت از

شاهنامهٔ دقیقی به گشتاسب نامــه معروف است و مربوط به ظهور زرتشت وجنگ بین گشتاسب وارجاسب است وفردوسی عیناً آن را در شاهنامهٔ خود آورده‌است . از دقیقی جز گشتاسب نامه قصاید معدود و غزلها و ابیات پراکنده در تذکره ها و کتابهای تاریخی باقی است.

دلو (نج) ازصورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج و به‌شکل دلو آب کشی. برج دلو برابرماه بهمن‌است.

فتاده آبکش را دلو در چاه
بمانده آبکش خیره چو گمراه

«از ویس و رامین»

دماوند (م) کوه معروف درشمال‌شرقی تهران، درشاهنامه‌آمده است که فریدون ضحاك را درآن کوه‌حبس کرد.

دم‌عیسی (تن) نفس عیسی که مرده را زنده می کرد .

هرنسیمی که بمن بوی خراسان آرد
چون دم عیسی در کالبدم جان آرد

«سیدحسن‌غزنوی»

دمیةالقصروعصرةاهل‌العصر (ك) کتاب مشهوری درذکراحوال‌نویسندگان وشاعران‌عربی‌زبان، تألیف‌علی‌بن‌الحسن‌باخرزی. این کتاب‌درواقع ذیلی‌است بریتیمةالدهرثعالبی .

دنبلی (ت) [ف: ۱۲۴۳] عبدالرزاق بیك دنبلی‌ازطایفهٔ دنبلی. وی در سال۱۱۷۶ درخوی متولد شده‌است. درجوانی به‌شیراز رفت ودر

محافل علم وادب رفت و آمد کرد و به‌سبب استعداد فطری مردی ادیب ودانشمندگردید. دنبلی تافوت کریم خان زند درشیراز ماند وپس‌ازاو به‌اصفهان آمد و به‌خدمت فتحعلی شاه رسید ودردرباراو تقرب‌حاصل کرد وتاریخ‌قاجاریه ومأثرخاقانی‌را نوشت ودر۱۲۱۵ به عتبات رفت.

از آثار دیگر عبدالرزاق‌بیك: مآثرسلطانی وحدایق‌الجنان است‌درشرح حال‌عالمان‌وفاضلان معاصرخود که یکباردرآن‌تجدید نظرکرده ونامش‌را تجربة‌الاحرار وتسلیة‌الابرار گذاشته‌است.دنبلی درسبك این‌کتاب به‌شیوهٔ تاریخ‌وصاف وگلستان سعدی نظرداشته ومانندآنها نثرفنی‌به‌کاربرده است. عبدالرزاق شعرنیزمی‌سروده و «مفتون» تخلص‌می کرده‌است.

دوانی (ت) [ف : ۹۰۸] جلال‌الدین محمدبن اسعد الدوانی اهل قریهٔ دوان درحوالی‌کازرون‌فارس.وی مردی ادیب وحکیم وعارف‌بوده وپدرش درکازرون شغل‌قضا داشته‌است. از آثار او به‌فارسی‌کتاب اخلاق جلالی است‌که‌آن را به‌نام امیرحسن‌بیك ترکمان وپسرش سلطان‌خلیل بایندر در نیمهٔ دوم قرن نهم تألیف کـرده است. بیشتر تألیفات ملا جلال دوانی به‌زبان عربی‌است ازآثاراو : رسالهٔ‌اثبات واجب قدیم ورسالهٔ اثبات واجب جدید و رسالهٔ انموذج‌العلوم و حواشی تهذیب المنطق وشرح هیاکل‌النورسهروردی و چند کتاب دیگر . ملا جلال دوانی شاعر نیز بوده و «فانی» تخلص می کرده است.

دوایراوزان‌عرب (ع) خلیل‌بن احمد واضع علم عروض اوزان اصلی شعرعربی‌را درپنج دایره قرارداده‌است ازاین‌قرار: دایرهٔ مختلفه- دایرهٔ مؤتلفه- دایرهٔ مجتلبه- دایرهٔ مشتبهه- دایرهٔمتفقه «رجوع‌شود به‌هریك ازاین دایره‌ها»

دوایراوزان‌فارسی (ع) دوایراوزان فارسی‌پنج‌است ازاین‌قرار: دایرهٔ متفقه- دایرهٔ مجتلبه - دایرهٔ مجتلبهٔ زائدهٔ مزاحفه - دایرهٔ مشتبههٔ مزاحفه- دایرهٔ مشتبههٔ زایده . «رجوع شود به‌هریك از این دایره‌ها»

دوبیتی (ب) مانند رباعی‌است، اما به‌وزن معینی اختصاص ندارد. دو بیتی‌های باباطاهر که بروزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن»است شهرت بسیاردارد.

نسیمی کز بن آن کاکل آیو
مرا خوشتر ز بوی سنبل آیو
چو شب گیرم خیالت را در آغوش
سحر از بسترم بوی گل آیو

دولتشاه‌سمرقندی (ت)[ف:۹۰۰]امیردولتشاه‌بن علاءالدوله‌سمرقندی. ازبزرگان ورجال‌دورهٔ تیموری. پدرش ازمقربان دربارشاهرخ‌بوده است و خود دولتشاه درهرات ازدرباریان ابوالغازی سلطان حسین وامیرعلیشیرنوائی ومعاصرجامی است ونام این سه‌نفررا درتذکرهٔ خودآورده‌است.

دهلوی(ت)[ف:۷۷۷]خواجه‌حسن‌شیخ‌نجم‌الدین‌بن‌علی‌سنجری‌دهلوی.

ازشاعران فارسی زبان هندوستان وازعارفان معروف قرن هشتم .
خواجه حسن دهلوی معاصر ومورد توجه امیرخسرودهلوی بود و
به‌دلالت او به‌خدمت شیخ نظام‌الدین اولیاء رسید ودرسلك مریدان
اودرآمد. خواجه‌حسن‌دهلوی‌درغزل‌پیروسعدی‌است وخودنیزبه‌این
امر اشاره‌می‌کند وازینرو اورا«سعدی هندوستان» می‌نامند. (دیوان
امیرحسن چاپ هند)

دهخدا (علی‌اکبر) (ت)[ف:۱۳۳۴ش]پسرخانباباخان ازملاکین‌متوسط
قزوین که درتهران اقامت‌کرد. دهخدا درحدود سال ۱۲۹۷ قمری
درتهران‌متولدشد. علوم معمول‌زمان مانند زبان عربی وعلوم دینی
ومعانی‌وبیان وحکمت‌را نزد یکی ازفاضلان به‌نام شیخ‌غلامحسین
بروجردی‌آموخت وازمحضرحاج شیخ هادی نجم‌آبادی دانشمند
معروف استفاده‌کرد. پس‌ازاتمام تحصیلات‌درمدرسهٔ علوم سیاسی
به‌اروپا سفرکرد وزبان فرانسه آموخت. مدتی هم دروین بسربرد.
دهخدا در آغاز مشروطیت به تهران بازگشت و روزنامهٔ « صور
اسرافیل» راباهمکاری میرزا جهانگیرخان ومیرزا قاسم‌خان‌شیرازی
نشرکرد وقسمت‌فکاهی‌آن‌را تحت‌عنوان «چرندوپرند» و باامضاء
«دخو» بعهده‌گرفت. مدتی‌نمایندهٔ مجلس شوری وچند سال رئیس
مدرسهٔ حقوق وعلوم سیاسی‌بود. ازآن پس تاپایان عمربه‌مطالعه و
تحقیق وتألیف پرداخت.

ازآثار دهخدا کتاب امثال و حکم درچهار جلد است که
حاوی‌امثال‌سایردرزبان‌فارسی‌است. دیگرحواشی‌بردیوان‌ناصرخسرو

ودیوان منوچهری وترجمهٔ کتاب روح القوانین منتسکیو وسرعظمت وانحطاط دولت روم و فرهنگ فرانسه به‌فارسی وتصحیح دیوان مسعود سعد وفرخی. بزرگترین اثرومهمترین خدمت فرهنگی دهخدا «لغت نامه» است که تاکنون چندین جلد آن به‌چاپ رسیده است.
دهخدا شعرنیزمی گفت وپیرو سبک متقدمان بود. ترجیع بندمعروفی درمرثیهٔ میرزا جهانگیرخان شیرازی معروف به‌صوراسرافیل دارد.
(دیوان دهخدا_ چاپ تهران ۱۳۳۴ش.)

دینوری (ت) «رجوع شود به‌ابوحنیفهٔ دینوری»

دینوری (ت) «رجوع شود به‌ابن‌قتیبه دینوری»

دیوان‌شمس‌تبریزی (ك) دیوان غزلیات مولانا جلال الدین رومی معروف به مولوی که به‌دیوان شمس مشهور است. گرچه تخلص مولوی دراین کتاب «خمش» یا«خاموش» بوده‌وغزلیاتی به‌نام صلاح الدین زرکوب یاحسام الدین چلپی دارد، ولی به‌علت ارادتی که به‌شمس تبریزی داشت، اغلب غزلهارا به‌نام وی ختم کرده‌است. حتی نام «شمس تبریز» یا«شمس الحق تبریز» درمتن غزل نیز آمده‌است. از اینروست که دیوانش به‌نام شمس تبریزی معروف گردیده است.
مولوی هرگزبه‌شعروشاعری تفاخر نمی کرد ولی حالات روحی و جذبه وشوری راکه دروجودش پدید آمده‌بود به‌صورت شعربیان می کرد، خاصه‌غزلهای مولوی سراسرحاکی ازاین‌شور وجذبه‌است.
مولوی هرگز نخواسته است از فنون شعر وصنایع لفظی استفاده کند ویابه‌قافیه سازی بپردازد وهنگام سرودن شعرفقط به‌حال‌درونی

خودتوجه‌داشته نه‌به‌محسنات کلام. به‌همین‌جهت‌اشعاری دردیوانش یافت می‌شود که حتی فاقدقافیه‌است، ولی‌پراز لطایف معنوی‌است. (چاپ تهران)

DATE LABEL

ذ

ذخیرهٔ خوارزمشاهی (ك) کتابی درطب تألیف سید اسمعیل جرجانی پزشك معروف‌قرن‌ششم که آن‌را درسال ۵۰۴ هجری به‌نام‌قطب‌الدین محمدبن انوشتکین خوارزمشاه به فارسی نوشته است و جزء کتب مهم طبی به‌شمار می‌رود .

ذخیره در دوازده جلد است و هرجلد دارای چند باب و فصل و شامل مباحث طب و ادویه و تشریح است . مؤلف در مقدمهٔ کتاب شرحی دربارهٔ خوارزم و امارت قطب‌الدین محمد دارد . در این کتاب‌بسیاری از ترکیبات‌و اصطلاحات‌طبی به‌فارسی به کار رفته است . ذخیرهٔ خوارزمشاهی بوسیلهٔ خود مؤلف به عربی ترجمه شده‌است .

ذم شبیه به مدح (ب) آن است که شاعر در میان اوصاف‌زشت، پس از کلمات استثناء مانند اما و لیکن صفتی را ایراد کندکه آن نیز ذم است .

نانشان نه گندمین و سخنشان درشت لیك

گاه عطا ترش‌رو و در وعده کاذب‌اند

ذوبحرین (ب) آن است که شعر به دوبحر از بحور عروضی خوانده شود . مانند این شعر :

ای بت سنگین دل سیمین قفا ای لب تو رحمت وغمزه بلا

که با دووزن خوانده‌می‌شود: ۱ــ مفتعلن مفتعلن فاعلن ۲ــ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن .

ذوالفقار (تن) شمشیر حضرت علی .

صمصام شاه چون ز هنر چاشنی دهد

زخمش برابر آید با زخم ذوالفقار

«ابوالفرج رونی»

ذوقافیتین (ب) آن است که شاعر شعری شامل دوقافیه بگوید . مانند کلمه‌های آسمان و کمان و تخت و سخت در این شعر :

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت

سست است عدو تا تو کمانداری سخت

حمله سبك آری و گران داری رخت

پیری تو به تدبیر و جوان داری‌بخت

ذوالقرنین (تن) اسکندر که به روایتی از پیغمبران‌است و سد یأجوج ومأجوج را ساخت وبا خضر به طلب آب حیوان رفت ولی‌به‌آن دست نیافت . اسکندر که صورت دگرگون شدهٔ الکساندر است به روایت تاریخ نام شاه یونان پسر فیلیپوس است که سی‌وسه‌سال‌عمر

کرد وسراسر ایران را تاهند تسخیر کرد .

کلمهٔ ذوالقرنین در قرآن مجید آمده است و مفسران او را با اسکندر مقدونی تطبیق کرده‌اند . مولانا ابوالکلام آزاد در این باب رساله‌ای دارد که در آن با ذکر قرائن و ادله‌ای اظهار نظر می‌کند که ذوالقرنین مذکور در قرآن کورش هخامنشی بوده است نه‌اسکندر مقدونی.

فرمانبر خدای و نگهبان خلق باش
این هردو قرن اگر بگرفتی سکندری

«سعدی»

DATE LABEL



رابعهٔ قزداری (ت) رابعه بنت کعب قزداری بلخی از زنان شاعر قرن چهارم و معاصر سامانیان و رودکی. رابعه دختر کعب قزداری از امیران عرب بوده است. دربارهٔ رابعه گفته شده است که عاشق بکتاش نام غلام پدرش گشت و به‌همین جهت به‌دست برادر کشته‌شد. عوفی اورا درنظم فارسی و تازی زبردست دانسته است. اشعار پراکنده‌ای از او باقی است. داستان عشق رابعه با بکتاش در الهی‌نامهٔ عطار آمده است.

راحة‌الصدور و آیة‌السرور (ک) از کتابهای مهم اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم. تألیف نجم‌الدین ابوبکر محمد راوندی که آن‌را در سال ۵۹۹ به نام کیخسرو بن قلج‌ارسلان از سلجوقیان روم تألیف کرد. مؤلف در این کتاب پس از ذکر مقدمه و سبب‌تألیف کتاب به تاریخ سلجوقیان می‌پردازد و وقایع زمان آنها را از ابتدا تا آخر سلطنت‌سنجر شرح می‌دهد. همچنین سلاجقهٔ‌عراق ووقایع

سلطنت ایشان‌را تا استیلای خوارزمشاهیان ذکر می کند. در آخر کتاب فصولی در ذکر آداب شطرنج وشراب ومسابقه، تیرانداختن و شکار و امثال آن دارد ، همچنین درضمن کتاب از شاعران قرن ششم قصایدی ذکر می کند . این کتاب شامل اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی است و از سودمندترین کتابهای فارسی پیش از مغول به‌شمار می‌آید .

رازی (ت)[ف : ۳۱۳] ابوبکر محمدبن زکریای رازی از حکیمان و طبیبان عالیقدر ایرانی . رازی درسال ۲۵۱ در ری متولد شدو تحصیلات خودرا در همان شهر شروع کرد وبه فلسفه وریاضیات و نجوم و ادب پرداخت ، پس از آن به علم کیمیا و طب توجه کرد و پس از شهرت درطب به خدمت ابوصالح‌منصوربن‌اسحق سامانی حاکم ری رسید و از طرف او به ریاست بیمارستانی که در ری تأسیس شده بود منصوب گشت . پس از آن به بغداد رفت ، در آنجا هم ریاست بیمارستان را بعهده گرفت ولی مدت درازی نماند و به ری باز گشت . وی در اواخر عمر به کوری مبتلا شد . رازی آثار فراوانی در فلسفه و طب دارد و در فلسفه مخالف عقاید ارسطو می‌باشد . از آثار فلسفی او : القوانین الطبیعة فی‌الحکمة الفلسفیة ، العلم‌الالهی ، مقالة فی مابعدالطبیعة، القول فی القدماء الخمسه ، القول فی الهیولی ، القول فی‌الزمان والمکان .

آثار طبی او نیز متعدد است و ابوریحان متجاوز از ۵۶

کتاب طبی به رازی نسبت داده است . مهمترین تـألیفات طبی او کتاب الحاوی وطب المنصوری است .

از کتابهای دیگر او کتاب الشکوك است که در آن بر جالینوس ایراد کرده است . دیگر کتاب من لایحضره الطبیب که به طب الفقرا مشهور است، زیراکه در این کتاب دستورهای ساده برای عـلاج است بی‌حاجت به طبیب .

زکریای رازی در علم کیمیا نیز از بـزرگترین استـادان به شمار می‌رود و آثاری در این علم دارد و در نتیجهٔ تحقیقات فراوان موفق به کشف الکل (الکحل) و جوهر گوگرد یا زیت الزاج گشته است . از جملهٔ کتابهائی که در این قسمت به‌رازی نسبت داده‌اند. کتاب علل المعادن ، اثبات الصناعة، کتاب الاکسیر، کتاب الحجر، کتاب شرف الصناعة و آثار دیگر است.

راوندی (ت) نجم الدین ابوبکر محمدبن علی‌بن سلیمان الراوندی. از نویسندگان قرن ششم ومعاصر سلجوقیان که نزد خال‌خود تاج الدین احمد تربیت یافت وعلوم شرع وادب فراگرفت و می‌گویند هفتاد گونه خط آموخت و به استنساخ مصاحف پرداخت ودرسال ۵۷۷ به استادی خط سلطان طغرل‌بن ارسلان انتخاب شد و از مقربـان درگاه او گشت. راوندی پس از قتل طغرل به آسیـای صغیر رفت ودرخدمت غیاث الدین کیخسروبن قلج ارسلان درآمد ودرسال ۵۹۹ کتاب راحة الصدور را به نام این پادشاه تألیف کرد.

راه کهکشان یا راه کاهکشان . (نج) مجره

از بس که در این راه رز انگور کشانند
این راه رز ایدون چوره کاهکشان است

«منوچهری»

رباعی (ب) عبارت است از چهار مصراع که اول و دوم و چهارم دارای قافیهٔ واحد باشد و بروزن‌لاحول ولاقوة الاباللہ. معنی رباعی اغلب در مصراع آخر کامل می‌شود . رباعیات خیام بسیار معروف است .

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من
وین حرف معما نه توخوانی ونه من
هست از پس پرده گفتگوی من و تو
چون پرده برافتد نه تومانی و نه من

ربع (زحاف) (ع) در فاعلاتن آن است که آن را صلم کنند. می‌ماند فاعل ؛ پس آن را مخبون کنند فعل می‌ماند . و آن را مربوع خوانند .

ربنجنی (ت) ابوالعباس فضل‌بن عباس ربنجنی از شاعران عهد سامانی که عوفی قطعه‌ای از او در مرثیهٔ نصربن احمد سامانی نقل کرده و ابوالفضل بیهقی قسمتی از قصایدش را در تاریخ خود آورده است . ابیات پراکنده‌ای نیز ازاو در فرهنگها به عنوان شاهدذکر شده است .

ربیعی بوشنجی (ت) [مقتول:۷۰۲] صدرالدین‌خطیب متخلص به‌ربیعی بوشنجی . از شاعران معاصر فخرالدین کرت پادشاه هرات که

اورا در اشعار خود مدح کرده و بعد به فرمان همین شاه به زندان افتاده‌است. وی در زندان مثنوی کارنامه را ساخته ومثنوی‌دیگری هم به نام کرت‌نامه به‌سبك شاهنامه دارد .

رجز (بحر) (ع) اصل آن در عربی‌شش‌بار «مستفعلن» است. درفارسی ازاین بحر وزنهای زیر بیشتر متداول است .

رجز مثمن سالم (مستفعلن ۸بار) مثال :

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یـار من
تایك زمان زاری‌کنم برربع واطلال و دمن

رجز مثمن مطوی (مفتعلن ۸بار)

ای که ز یك تابش توکوه احد پاره شود
چه عجب ارمشت‌گلی عاشق و بیچاره شود

رخش (ش ـ د) نام اسب رستم . گاهی در شعر فارسی به معنی مطلق اسب نیز آمده است .

صدر تو به پایه تخت جمشید　　خنگ تو به سایه رخش رستم

«انوری»

ردالصدر الی العجز (ب) آن است که شاعر کلمهٔ واحدی را در ابتدا و انتهای شعر استعمال کند :

بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ
درمعـرضی که تخت سلیمـان رود به بـاد

«حافظ»

ردالعجز الی‌الصدر (ب) آن است که شاعر لفظی را که در آخر شعر

می‌آورد ، دراول بیت بعد مکرر کند .

قوام دولت و دین روزگار فضل و هنر
ز فضل وافر تو یافت زیب و فر و نظام
نظام ملت و ملکی عجب نباشد اگر
بهرونق است دراین روزگار کلك وحسام

ردالمطلع (ب) آن است که‌گوینده مصراع اول‌یادوم‌بیت اول قصیده یا غزل‌را در آخرقصیده یا غزل تکرار کند . مانند این غزل‌حافظ:

ای صبا نکهتی از کوی فلانی به من آر
زار و بیمار غمم راحت جانی به من آر

ودر آخر غزل گوید :

دلم ازپرده بشد دوش که حافظ می‌گفت
ای صبا نکهتی ازکوی فلانی به من آر

ردف (ق) از حروف قافیه . ردف ، الف، واو، یایی است که بلافاصله قبل از حرف روی قرارگرفته باشد، در این صورت‌قافیه رامردف خوانند ، بشرط آنکه ماقبل واومضموم وماقبل یاءمکسور وماقبل الف مفتوح باشد ، مانند شجاع ، روز ، سیر . وکلمه‌های کار و پار در این شعرفرخی:

شهر غزنین نه همان است‌که من دیدم پار
چه فتاده است که امسال دگرگون شد کار

ردف بردوقسم است : ردف اصلی- ردف زائد .

ردف اصلی آن است که بی‌فاصله قبل از روی قرار گیرد . مانند کار.

ردف زائد آن است که بین آن و حرف روی ساکنی فاصله شود مانند گماشت یا گوشت. حروف ساکنی که بین واو، الف، یاء، و روی واقع می‌شود شش است: ش، ر، ف، س، خ، ن (شرف سخن) التزام ردف واجب است.

ردیف (ق) یك یا چند کلمهٔ مستقل و جدا از قافیه است که در همهٔ بیتها عیناً تکرار شود و شعر در معنی و وزن به آن احتیاج داشته باشد. مانند «نتوان کرد» در این شعر:

دست در حلقهٔ آن زلف دوتا نتوان کرد
تکیه برعهد تو و باد صبا نتوان کرد

رس (ق) از حرکات قافیه. حرکت ماقبل الف تأسیس یعنی فتحه. مانند حرکت قاف و میم در کلمه‌های قاصر و ماهر.

رسائل اخوان الصفا (ك) رسائلی است دربیان عقاید اخوان الصفا که در قرن چهارم هجری تدوین شده است. طایفهٔ اخوان الصفا برای آنکه آزادانه عقاید خودرا منتشر سازند وبا مخالفت متعصبان دین و فلسفه روبرو نگردند رسالات خودرا بی‌ذکر نام مؤلف منتشر می‌ساختند. این رسائل شامل علوم ریاضی، الهی، طبیعی، حکمت عملی است که در آنها اغلب عقاید فلاسفه بااصول دین تطبیق شده است. وشامل چهار قسمت است:

۱ ـ رسائل ریاضیه تعلیمیه ۲ ـ رسائل جسمانیه طبیعیه ۳ـ رسائل نفسانیه عقلیه ۴ـ رسائل ناموسیه الهیه. و مجموع این رسالات ۵۴ است. از این رساله‌ها خلاصه‌ای به فارسی و تازی

وجود دارد .

رستم (ش ـ د) از پهلوانان معروف شاهنامه و پسر زال و رودابه و نوادهٔ سام و مهراب کابلی . رستم در زمان شاهی منوچهر به دنیا آمد ، هنر و مردی آموخت و داستان پهلوانی او از کشتن پیل سفید آغازشد و پس از آن دلاوریهای بسیار کرد وپیروزیها بدست آورد ، مانند گشودن دژ کوه سپند که سام ونریمان مدتی آن را حصار کرده و بر آن دست نیافته‌بودند؛ آوردن کیقباد از البرز کوه وبرتخت نشاندن او، داستان هفتخوان ، و فتح‌مازندران و رهانیدن کاووس از دست دیو سپید ، جنگ با شاه‌هاماوران و رهانیدن کاووس از زندان ، جنگ با سهراب و کشتن او بی‌آنکه او را بشناسد، جنگ‌باافراسیاب به خونخواهی سیاوش، جنگ‌باتورانیان وکشتن اشکبوس و گرفتار کردن خاقان چین، جنگ بااکوان‌دیو، رهانیدن بیژن از چاه ، جنگ با اسفندیار و کور کردن و کشتن‌او. رستم پس از آنهمه دلاوری سرانجام به خیانت برادرش شغاد به چاه افتاد و پس از کشتن شغاد ، جان سپرد .

رشحات عین‌الحیاة (ك) تألیف فخرالدین علی‌بن‌حسین کاشفی که‌آن‌را در سال ۹۰۹ تألیف کرده‌است . این کتاب در ذکراسلاف خواجه عبیدالله معروف به خواجهٔ احرار شیخ اعظم سلسلهٔ نقشبندیه و تعالیم وکرامات شاگردان اوست و مشتمل بریك مقدمه وسه مقصد و یك خاتمه است.

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (ت) [ف : ۷۱۸] فضل‌اللّه‌بن عمادالدوله

ابی الخیر ملقب به رشید طبیب الهمدانی . از وزیران و طبیبان و مورخان بزرگ ایران در دورهٔ مغول، که در سال ۶۴۵ درهمدان متولد شد. رشیدالدین فضل‌الله در دربار اباقاخان سمت طبیب خاص و در دربار غازان‌خان منصب صدارت داشته است . در سال ۷۰۳ که غازان به شام لشکر کشید ، رشیدالدین با سمت منشی عربی با او همراه بود و در عهد سلطان محمد خدابنده نیز مورد اعتماد خاص شاه واقع شد و خدمتهای بسیار و آبادانیهای فراوان کرد.

این وزیر دانشمند در زمان سلطنت ابوسعید به علت خصومت وزیر دیگر یعنی علیشاه متهم به مسموم کردن الجایتو شد و در سال ۷۱۸ ، درسن هفتاد سالگی با پسر شانزده ساله‌اش به قتل رسید و مایملك او ضبط شد .

رشیدالدین فضل‌الله علاوه برتنظیم امور دیوان کشور وسیع مغول به تحقیقات تاریخی پرداخت و اثر معروف خود را به نام جامع‌التواریخ به وجود آورد . از آثار دیگر او مجموعهٔ رشیدی است به زبان عربی شامل کتاب توضیحات در مسائل تصوف و کلام و مفتاح التفاسیر در مسائل مختلف از قبیل فصاحت قرآن و مفسرین آن و کتاب لطائف الحقائق در مسائل کلام و الرسالة السلطانیه شامل مباحثه‌هائی در موضوع کلام در حضور سلطان الجایتو و بیان الحقایق .

رشید و طواط (ت) [ف : ۵۷۳] رشیدالدین سعدالملك محمدبن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب از شاعران و دانشمندان معروف قرن

ششم . در بلخ متولد شد و تحصیلات خودرا در مدرسهٔ نظامیه آن شهر به‌پایان رساند و در فارسی و عربی مهارت یافت ، پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزمشاهیان در آمد و صاحب دیوان رسائل درباراتسز خوارزمشاه گردید و تاآخرعمر دردستگاه خوارزمشاهیان باقی ماند . تخلص رشید به وطواط به مناسبت کوچکی جثه و مشابهت او به وطواط است که پرندهٔ کوچکی می باشد .

وطواط غیر از شاهان‌خوارزم عده‌ای از رجال و امیران زمان خود مانند خاقان محمودبن محمد بغراخان، وامام ضیاءالدین از ادیبان بلخ، و شاه غازی نصرةالدین رستم‌بن علی‌بن شهریاربن قارن ، از شاهان آل باوند را مدح گفته است . رشید با خاقانی و ادیب صابر مشاعره و مراسله داشته و خاقانی به احترام از او یاد می کند . از آثار رشید وطواط دیوان شعر است ، دیگر منشآت اوست به زبان فارسی ، اعم از رسائل سلطانی و اخوانی ، حدائق السحر فی دقائق‌الشعر در بدیع و صنایع شعری ، نثراللئالی من کلام امیرالمؤمنین علی که کلمات آن حضرت را به نثر فارسی آورده است ، منظومه‌ای در عروض فارسی شامل شانزده بحر از بحور عروضی وهمچنین چند رساله به‌عربی درمسائل ادبی و کلام. رشید وطواط ازدانشمندان بزرگ و ادیبان معروف درزبان فارسی است و در نثر عربی هم از بلغاء مشهور است .

رشیدی (ت) سیدالشعرا استاد ابومحمدبن محمد رشید سمرقندی . از

شاعران معروف ماوراءالنهر در قرن ششم و اهل سمرقند که در دربار سلطان خضربن‌ابراهیم تقرب داشت و لقب سیدالشعرائی یافت . معاصر عمعق بود ومیان آنها کدورتی وجود داشت . با مسعود سعد سلمان نیز معاصر بود و باهم مکاتبه ومشاعره داشتند. ازممدوحان‌اوخضربن ابراهیم و قدرخان ابوالمعالی وسلطان سنجر سلجوقی بوده‌اند. منظومه‌ای به‌نام مهر و وفا به او نسبت‌داده‌اند. قصیده‌ای در صنعت توشیح دارد که شمس قیس آنرا به عنوان نمونهٔ این صنعت نقل کرده‌است .

رشیدی (ت) عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی المعانی التتوی . از فاضلان و نویسندگان دربارشاه جهان وعالمگیر. اصلش ازسادات مدینه و از اینرو حسینی و مدنی لقب یافته است . مولدش شهر تته از مضافات سند است . رشیدی درزبان فارسی و تازی استاد بوده و دربارهٔ لغات‌فارسی‌که در زبان‌عرب داخل شده‌است‌تحقیق وتتبع کرده و مجموع‌تحقیقات خودرا در رساله‌ای به‌نام معربات و منتخب‌اللغات آورده و آنرا به نام شاه‌جهان تألیف‌کرده‌است. از آثار دیگروی فرهنگ رشیدی است درلغات فارسی .

رشید یاسمی (ت) [ف : ۱۳۳۰ ش] غلامرضا فرزند محمد ولی‌خان گورانی . تحصیلات خودرا در کرمانشاه و تهران انجام داد و به زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی و عربی و پهلوی آشنائی یافت و از سال ۱۳۱۲ در دانشگاه تهران به‌سمت استادی تاریخ انتخاب شد .

رشید یاسمی علاوه بر مقالات متعدد ترجمه‌ها و تحقیقات بسیار دارد . از آثار او ترجمهٔ ایران درزمان ساسانیان اثر ارتور کریستن‌سن و چنگیزخان از هارولد لمب و رسالهٔ اردویرافنامه و اندرز مارسپندان است ، همچنین دیوان مسعود سعد و ابن یمین و سلمان ساوجی به کوشش و تصحیح وی منتشر شده است . رشید دارای اشعار فراوانی است که در آن تحولات اجتماعی و فرهنگی نمودار است . (دیوان رشید ـ چاپ تهران)

رضاقلیخان هدایت (ت) «رجوع شود به هدایت»

رضوان (تن) دربان بهشت .

برده رضوان به بهشت ازپی پیوندگری

از تو هر فضله که انداخته بستان پیرای

«انوری»

رضی نیشابوری (ت) [ف: ۵۹۸] رضی‌الدین نیشابوری از دانشمندان و شاعران قرن ششم که جلال‌الدین قلج و طمغاج خان ابراهیم‌بن حسین و پسرش قلج ارسلان از شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است .

رضی‌الدین به‌زبان عربی نیز شعر می‌گفته‌است و غیر از دیوان اشعار کتابی به نام مکارم الاخلاق به زبان فارسی به او منسوب است .

رفع (زحاف) (ع) در مستفعلن حذف مس است که می‌ماند تفعلن بجای آن فاعلن می‌گذارند و آنرا مرفوع خوانند. در مفعولات،

حذف مف است که می‌ماند عولات بجای آن مفعول می گذارند ؛
وآنرا مرفوع خوانند .

رفیع لنبانی (ت) رفیع‌الدین‌مسعود لنبانی اصفهانی ازشاعران مشهور
اواخر قرن ششم. مولد وی لنبان از قراء اصفهان بوده ودرجوانی
فوت کرده است. از ممدوحان او رکن‌الدین‌مسعودبن صاعدقاضی
از افراد آل‌صاعد وعمیدالدین اسعدبن‌نصر وزیر اتابك‌سعدزنگی
می‌باشند . دیوان او به قول هدایت دارای ده‌هزار بیت بوده ولی
همهٔ آن دردست نیست .

رفیع مروزی (ت) عوفی در لباب‌الالباب رفیع مروزی را از جمله
شاعران سلجوقی آورده و ابیاتی ازاو نقل‌کرده است و گویا از
شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم باشد .

رقطا (ب) آن است که گوینده در شعر حرفی نقطه‌دار وحرفی بی‌نقطه
بیاورد .

غمزهٔ آن شوخ صنم　　خسته به‌هجر جان من

رمل (بحر) (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. اصل آن در عربی‌شش
بار «فاعلاتن» است درزبان فارسی از این بحر وزنهای زیر رواج
بسیار دارد :

رمل مثمن سالم (فاعلاتن ۸ بار) مثال :

سهمگین آبی که مرغابی در او ایمن نبودی
کمترین موج آسیا سنگ ازکنارش درربودی

رمل مثمن سالم محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)

مثال :

هرشب از بحر خیالت مردم چشمم به‌اشک
حجره را آبی زده پس برسر راه آمده

رمل مثمن مخبون (فعلاتن ۸بار) مثال :

پیش ما رسم شکستن نبود عهد وفا را
الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را

رمل مثمن مخبون محذوف یامقصور (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن – یا فعلات) مثال :

خبرت هست که بی روی تو آرامم نیست
طاقت بار فراق این همه ایامم نیست

رمل مسدس سالم محذوف الاخر (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) مثال :

بشنو از نی چون حکایت می‌کند
وز جدائیها شکایت می‌کند

رمل مسدس مخبون محذوف الاخر (فعلاتن فعلاتن فعلن – یا فعلات)

دلم ای‌دوست توداری ، دانی جان ببر نیز نمی نتوانی

روحانی (ت) ابوبکربن محمدبن‌علی روحانی سمرقندی ازشاعران قرن ششم که تذکره‌نویسان اورا سمرقندی می‌دانند،روحانی یمین‌الدوله بهرامشاه را مدح کرده است . ابیاتی از روحانی در تغزل باقی است .

روح‌الجنان (ك) یا روض‌الجنان کتاب معتبری به‌زبان فارسی در تفسیر قرآن ، تألیف ابوالفتوح رازی که آنرا در اوایل قرن ششم تألیف کرده‌است . این تفسیردربیست مجلداست که‌مؤلف در آن‌اطلاعاتی از آیات محکمات ومتشابهات و اینکه مکی‌است یا مدنی وهمچنین نظرهای قراء را در بارهٔ آن آیات به دست می‌دهد ، سپس به نقل و تفسیر آیات می‌پردازد. کتاب بانثربسیار ساده وروان‌نوشته‌شده و از تفسیرهای بی‌نظیر زبان فارسی است .

روح‌القدس (تن) مقصود روحی است که در مریم دمیده شد و موجب پیدایش عیسی گشت .

فیـض روح‌القدس ار باز مدد فرمـاید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

روحی (ت) حکیم روحی ولوالجی از شاعران قرن ششم و از ولوالج ماوراءالنهر . وی در اشعار خود از مسعود سعد و فرخی وقطران نام برده و خود را با آنها سنجیده است . اشعارش هزل‌آمیزاست و حتی در اشعار عادی نیز جنبهٔ شوخی و بذله‌گوئی را از دست نداده است . در وصف اسب کندرو خود قصیدهٔ مطبوعی دارد که دردست است .

رودابه (ش ـ د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر مهراب کابلی که بنـابر روایت شاهنامه از نژاد ضحاك بود و به سام باج می‌داد . رودابه عاشق زال پسرسام شد و زال نیز شیفتهٔ او گشت . پنهـانی دیدارهائی میان آنها دست داد . زال ازپدر خواست تابا پیوندآن

دو موافقت کند. نخست منوچهر شاه ایران از پیوند زال با رودابه که از نژاد ضحاك بود هراسناك شد، ولی پس از شور با اخترشناسان چون دانست که این پیوند سرانجام نیك دارد و پهلوانی چون رستم از آن به‌وجود می‌آید موافقت کرد. رودابه با زال پیمان زناشوئی بست و به سیستان رفت.

رودکی سمرقندی (ت) [ف: ۳۲۹] ابوعبدالله جعفر بن محمد شاعر بزرگ قرن چهارم و معاصر سامانیان که در قریهٔ رودك نزدیك سمرقند متولد شده است. عده‌ای گویند که کور مادرزاد بوده است، ولی در اشعارش اشاراتی یافت می‌شود که دال بر بینائی اوست. عوفی می‌گوید که رودکی در هشت سالگی قرآن را از حفظ داشت و صدای خوش داشت و بربط خوب می‌نواخت. رودکی در دربار امیر نصر سامانی تقرب یافت و ثروت و مکنت فراوان اندوخت. از ممدوحان رودکی امیر نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی و ابوجعفر احمد بن خلف بن اللیث از امیران صفاری و ماکان کاکی و ابوالفضل بلعمی وزیر دانشمند سامانی است.

رودکی نخستین شاعر بزرگ ایران است که استاد شاعران نامیده شده است و شاعران پس از او بسیاری از اشعار او را تضمین کرده و مقام او را در شاعری ستوده‌اند. رودکی در فنون مختلف شعر استاد ماهر بود و اشعار او را در حدود صد هزار بیت تخمین زده‌اند که بجز معدودی همه از میان رفته است. در دیوان موجود رودکی نیز قطعه‌هائی از اشعار قطران به اشتباه وارد شده است.

از آثار مهم رودکی کلیله‌ودمنهٔ منظوم است که جزابیات پراکنده‌ای از آن در دست نیست.

روزبه نکتی (ت) ابوعبدالله روزبه نکتی لاهوری از شاعران نیمهٔ اول قرن پنجم معاصر سلطان‌مسعود غزنوی و ازجملهٔ مداحان اوست. اشعاری در لباب‌الالباب از او آمده است.

روشنائی نامه (ك) رسالهٔ منظومی اثر حکیم ناصر خسرو قبادیانی در وعظ و حکمت شامل پانصد و نود و دو بیت (این منظومه در آخر دیوان ناصر خسرو به تصحیح حاج‌سیدنصرالله تقوی به‌چاپ رسیده است.)

روضات‌الجنات فی احوال العلماء و السادات (ك) کتابی به زبان عربی تألیف محمد باقربن‌حاجی امیرزین‌العابدین‌الموسوی‌الخوانساری. این کتاب شامل شرح حال ۷۴۲ تن از عارفان وفاضلان وشاعران قدیم وجدید فقیهان‌شیعه‌می‌باشد. تاریخ‌تألیف‌آن سال ۱۲۸۶ هجری است. شرح احوال برحسب حروف تهجی‌است، ولی اغلب به‌نام معروف بزرگان نیست و پیدا کردن ذکراشخاص موردنظربه‌آسانی میسر نمی‌شود. (چاپ تهران)

روضةالانوار (ك) مثنوی در تصوف وعرفان‌اثرخواجوی کرمانی‌شاعر قرن هشتم ، که آن‌را درسال ۷۴۳ به‌نام شمس‌الدین محمودصاین وزیر شیخ ابواسحاق اینجو ساخته است.

روضهٔ رضوان (تن) کنایه از بهشت.

فـردا اگرنه روضهٔ رضـوان به ما دهند
غلمـان ز روضه حور زجنت بدر کشیم
«حافظ»

روضة‌الشهداء (ك) کتابی تألیف ملاحسین واعظ کاشفی ، ملمع به نثر و نظم که اهل ذکر آن را بر منبرها می‌خواندند و گویا نخستین کتابی است که‌در ذکرمصایب اهل‌بیت نوشته شده‌است‌وخوانندگان آن را برمنبر «روضه خوان» می‌نامند .

روضة‌الصفا (ك) کتاب معروف و عظیمی درتاریخ عمومی عالم‌تألیف مورخ معروف قرن‌نهم میرخواند که آن‌را به‌نام امیرعلیشیرنوائی، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا ، تألیف کرده‌است .

این کتاب در هفت جلد است که شش جلد اول را میر خواند تألیف‌کرده و به علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن را به پایان رساند وجلد هفتم محتملا بوسیلهٔ خواندمیرصاحب کتاب حبیب‌السیر پایان یافته است .

شش جلد اول مشتمل است بر تاریخ انبیا و بزرگـان و شاهان ایران قبل ازبعثت‌حضرت محمد ، تاریخ پیغمبرص وخلفای راشدین ، تاریخ ائمه‌و خلفای اموی وعباسی، تاریخ شاهان‌ایران بعد از اسلام تا هجوم تاتار ، احوال شاهان وامیران مغول، تاریخ تیمور و جانشینان او تا سال ۸۷۳ . جلد هفتم که محتمل است به قلم خواندمیر بـاشد شامل سلطنت‌و زندگی سلطان حسین میرزا بایقرا و شرح اقالیم سبعه است . بعدهـا رضاقلی‌خـان هدایت در

زمان قاجاریه جلد هشتم ونهم ودهم را تألیف کرده و به‌سایر جلدها افزوده است و آن را روضةالصفای ناصری نام نهاده‌است . این سه جلد در تاریخ‌صفویه وعالمان و رجال آن دوره، تاریخ‌زندیه، شاهی آغا محمدخان قاجار ، سلطنت فتحعلیشاه ، جلوس محمد میرزای ولیعهد در تبریز ، سلطنت محمدشاه قاجار ، ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۷۴ هجری است .

میرخواند در روضةالصفا از تواریخ عربی اسلامی مانند تاریخ‌طبری والکامل ابن‌اثیر استفاده کرده‌است. نثرروضةالصفامانند آثار سایر نویسندگان دورهٔ مغول و تیمور از نوع نثر مسجع و مترسلانه است و دارای صنایع لفظی فراوان می‌باشد . (چاپ تهران)

روضةالعقول (ك) ترجمه‌ای است از مرزبان‌نامه که به وسیلهٔ محمدبن غازی الملطیوی و به تشویق سلیمانشاه‌بن‌قلج ارسلان در سال ۵۹۸ صورت گرفته و از لهجهٔ طبری به فارسی در آمده است . مترجم در این کتاب از سبك کلیله‌ودمنهٔ نصرالله منشی پیروی کرده‌است. انشاء کتاب مصنوع و دارای شواهد و امثال بسیار به زبان عربی و فارسی است (روضةالعقول نسخهٔ خطی ۲۰۴۰ کتابخانهٔ ملی فهرست بلوشه، ملطوی)

روضةالمنجمین (ك) تألیف شهمردان‌بن ابی‌الخیر که آنرا درسال ۴۶۶ نگاشته است . مؤلف در مقدمه می‌گوید که در کتابش سخنهای متداول به‌کار برده است تادانستن آن برهمه آسان باشد .

روم (م) سرزمینی کـه به مـوجب روایت شاهنامه جـزء کشـور فریدون بود وچون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد ، روم به سلم رسید :

نخستین به سلـم اندرون بنگریـد

همه روم و خـاور مر او را گزیـد

«شاهنامه»

رومیان در ادبیات فارسی به سفیـدی چهره موصوف و مثل‌اند و در شعر بر آمدن روشنی روز را به هجوم و غلبهٔ لشکر روم تمثیل می کنند .

خورشید روم پرور و مـاه حبش نگـار

سایه نشین ساحت طوبی نشان اوسـت

«خاقانی»

روی (ق) آخرین حرف اصلی کلمهٔ قافیه ؛ مانند تاء در کلمه‌های دست و هست. اگرحرف آخراز اصل کلمه نباشد، ولی به کثرت استعمال مانند حرف اصلی شده باشد می‌توان آن را روی ساخت . مانند دانا وبینا ؛ و اگر مشهورالترکیب باشد مانند الف شاها و خداوندا نمی‌توان آن را روی ساخت .

روی بر دوقسم است : روی مطلـق ، روی مقید (به این کلمات رجوع شود)

روی مطلق (ق) هرگاه روی ساکن به حرف وصل پیوندد و متحـرك شود آنرا روی مطلق‌گویند. روی مطلق دوازده‌نوع است. مطلق

مجرد ، مطلق به قید ، مطلق به ردف ، مطلق به خروج ، مطلق به خروج و مزید ، مطلق به خروج و مزید و نایره ، مطلق به قید و خروج، مطلق به قید وخروج ومزید، مطلق به‌قید و خروج ومزید و نایره، مطاق به ردف وخروج ، مطلق به ردف وخروج ومزید ، مطلق به ردف و خروج ومزید و نایره .

۱ـ مطلق مجرد و آن بردونوع است ، مطلق به حـرف اطلاق، مطلق به حرف وصل . مطلق به حرف اطلاق: مانند کلمهٔ سرمد وفرقد دراین شعر که به الف اطلاق وصل شده است والف اطلاق درشعر فارسی عیب محسوب می‌شود . مثال:

ای شب چنین دراز نبودی و سرمدا
از تو پدید نیست نه شعری نه‌فرقدا

مطلق به حرف وصل . مانند کلمهٔ دشمن دراین مصراع که به یاء وصل شده است .

دوستا گر دوستی گر دشمنی

دراین قافیه دوحرف و دوحرکت لازم است .

۲ـ مطلق به قید . مثال :

آخر در زهد وتوبه در بستم　　　وزبند قبول این و آن رستم

دراین قافیه سه حرف و دوحرکت لازم‌است .

۳ـ مطلق به ردف وآن بر دونوع است : مطلق به ردف اصلی ، مطلق به ردف زائد

مطلق به ردف اصلی :

نگفتی کزین پس کنم دوستداری

دراین قافیه سه حرف و دوحرکت لازم‌است.

مطلق به ردف زائد :

ای همای همتت سر بر فلك افراخته

دراین قافیه چهار حرف و دوحرکت لازم‌است .

۴- مطلق به خروج :

صنما تا به کف عشوهٔ عشق تودریم

در این قافیه سه‌حرف و یك حرکت لازم است .

۵- مطلق به‌خروج و مزید :

زانچه از حق در دلستش   هرچه خواهد حاصلستش

در این قافیه چهار حرف و دوحرکت لازم است .

۶- مطلق به خروج ومزید و نایره :

تاکی به‌خون دیده و دل پروریمشان

تاکی ز ره روند و بهره آوریمشان

دراین قافیه شش حرف و دوحرکت لازم است .

۷- مطلق به قید وخروج :

تا ظن نبری که دل ز مهرت رستست

یا از طلب تو فارغ و آهستست

دراین قافیه چهار حرف ویك حرکت لازم‌است .

۸- مطلق به قید و خروج و مزید :

چهرهٔ دل بند لاله رنگستش   غمزهٔ دلدوز چون خدنگستش

دراین قافیه پنج حرف و سه‌حرکت لازم است .

۹ـ مطلق به قید وخروج ومزید ونایره :

سودای تو از سینه فرو رفتنیست
وانگه سخن تو نیز نا گفتنیست

دراین قافیه شش حرف و چهار حرکت لازم است .

۱۰ـ مطلق به ردف وخروج وآن بردونوع است:

مطلق به ردف اصلی :

درجهان گرهیچ یاری دارمی

در این قافیه چهار حرف و سه حرکت لازم است .

مطلق به ردف زائد :

دل داغ تو دارد ارنه بفروختمی
در دیده توئی وگرنه بر دوختمی

در این قافیه پنج حرف و چهار حرکت لازم‌است .

۱۱ـ مطلق به ردف و خروج و مزید و آن دونوع‌است.

مطلق به ردف اصلی :

چون سرخ گل شکفته ر خانستش
بر سرخ گل ز مشک نشانستش

دراین قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است .

مطلق به ردف زائد :

رخ چو ماه آراستستش کیسه زان پرخواستستش

دراین قافیه شش‌حرف و سه‌حرکت لازم‌است.

۱۲ـ مطلق به ردف وخروج و مزید و نایره وآن دونوع است . مطلق به ردف اصلی :

گر لطف حق یارستمی جز عشق او کارستمی

در این قافیه شش حرف و چهار حرکت لازم‌است.

مطلق به ردف زائد :

گر دل ز غم یارنه پرداختمستیش

با او به همه وجوه درساختمستیش

در این قافیه نه‌حرف وسه‌حرکت لازم‌است.

روی مقید (ق) روی مقید ساکن است و به‌حرف وصل نمی‌پیوندد و آن برشش قسم است. مقید مجرد، مقید به قید، مقید به‌تأسیس، مقید به دخیل، مقید به ردف اصلی، مقید به‌ردف زائد.

۱ ـ مقید مجرد که روی ساکن به حرفی از حرف قافیه پیوندد مانند کلمه‌های کهن وسخن در این شعر :

سخن همچو جان زان نگردد کهن

که فرزند جان است شیرین سخن

دراین قافیه یك‌حرف ویك حرکت لازم است.

۲ـ مقید به تأسیس :

سلام علی دار ام‌الکواعب بتان سیه چشم عنبر ذوائب

دراین قافیه دو حرف و یك حرکت لازم است. باء حرف روی، عین دخیل، الف تأسیس.

۳ـ مقید به دخیل :

چشم بدت دور ای بدیع شمایل

ماه من و شمع جمع و میر قبایل

لام‌روی است، یاء دخیل، الف حرف تأسیس.

دراین قافیه دوحرف و دوحرکت لازم است .

۴ـ مقید به ردف اصلی:

ای به هستی داده گیتی را کمال

در این شعر لام روی است ، الف ردف اصلی و حرکت ماقبل الف ، حذو .

دراین قافیه دوحرف و یك حرکت لازم است .

۵ـ مقید به ردف زائد :

هر که آمد عمارت نو ساخت / رفت ومنزل به‌دیگری پرداخت

دراینجا تاء روی، خ ردف‌زائد الف ردف اصلی‌وحرکت ماقبل الف حذو .

دراین قافیه سه‌حرف ویك‌حرکت لازم است .

۶ـ مقید به قید :

چنین است رسم سرای سپنج
یکی زو تن‌آسان و دیگر به رنج

جیم حرف روی . نون قید، حرکت پ و راء حذو .

دراین قافیه دوحرف و یك حرکت لازم‌است .

روپین تن (ش‍ ـ د) لقب اسفندیار پسر گشتاسب . «رجوع شود به اسفندیار .»

... جمشید کیان که دین جز او را
روپین تن هفتخوان ندیده است

«خاقانی»

روپین دژ (م) نام قلعه‌ای در ترکستان که در داستانهای شاهنامه

جایگاه ارجاسب بود و دختران گشتاسب در آن زندانی بودند. اسفندیار از راه هفتخوان به‌آنجا رفت و آن را گشود و ارجاسب را کشت و خواهران خودرا آزاد کرد.

یا مگر اسفندیارم کان عروسان را همه

از دژ رویین به سعی هفتخوان آورده‌ام

«خاقانی»

ریاض‌الشعرا (ك) تذکره‌ای به زبان‌فارسی تألیف علیقلی واله‌داغستانی. این کتاب شامل شرح حال دو هزار و پانصد شاعر، ازشاعران متقدم و متأخراست با ذکربعضی ازاشعار آنان وتألیف آن درسال ۱۱۶۱ به پایان رسیده است. مؤلف، چنانکه خود درمقدمهٔ کتاب می‌نویسد قریب هفتاد دیوان شعر وتذکره وچندجلد تاریخ و کتبی مانند نفحات‌الانس و مجالس‌العشاق و مجالس‌النفایس را مطالعه کرده است. ریاض‌الشعراء دارای یك مقدمه وبیست‌وهشت‌روضه است که هر روضه شامل یك حرف از حروف الفباست. در این تذکره شرح حال شاعران به ترتیب حروف الفبا و از روی نام یا تخلص آورده شده است. در ریاض‌الشعرا فنون شعر و عروض وقافیه وصنایع بدیع نیز ذکرشده و در ذیل نام هرشاعر مختصری از وقایع شاهان آن روزگار آمده است. (چاپ هندوستان)

ریاض‌العارفین (ك) تذکره‌ای تألیف رضاقلیخان هدایت که آن را در سال ۱۲۶۰ به‌پایان رسانده است. این کتاب شامل شش گلبن و دو روضه و یك فردوس و یك خلد است، در بیان حقیقت تصوف و

صفت سالکان و فضیلت اهل ذکر وتعریف انسان وسلسلهٔ طریقت و ذکر اصطلاحهای عرفانی و شرح حال عارفان و فاضلان و حکیمان وشاعران معاصر مؤلف. درخاتمه مختصری ازشرح‌حال مؤلف ذکر شده است.

ریاض همدانی (ت) میرزا جعفر همدانی متخلص به ریاض از شاعران و نثرنویسان عهد فتحعلی‌شاه ومحمدشاه. ریاض همدانی مقالاتی به سبک بدیع‌الزمان همدانی نوشته وکتابی به‌نام گنج‌شایگان‌دارد که درآن ازگلستان سعدی وپریشان قاآنی‌تقلید کرده است. ریاض به دوزبان فارسی وعربی‌شعر می‌گفته و درنجوم و هندسه وحساب نیز دست داشته است. (غزلیات ریاض چاپ‌تهران)

DATE LABEL

ز

زابل (م) یا زاول نام ولایت سیستان ، درمشرق ایران ، که به روایت شاهنامه سرزمین دودمان رستم بوده است .

زادالمسافرین (ك) از مهمترین تألیفات ناصرخسرو قبادیانی شاعر و نویسندهٔ بزرگ قرن پنجم که آن‌را در سال ۴۵۳ تألیف کرده‌است. این کتاب در بیست و هفت قول نوشته شده و نویسنده در آن اصول عقاید حکیمانه و فلسفی را مانند اقسام علم ونفس وهیولی و مکان و زمان و اثبات صانع و حدوث عالم و رد مذهب تناسخ و اثبات ثواب و عقاب و معاد شرح داده است و در ضمن عقاید مخالفان خاصه عقایدمحمدبن زکریای‌رازی راکه‌مغضوب‌متکلمان اسمعیلیه است ردکرده. زادالمسافرین ازمهمترین کتابهای‌اسمعیلیه است. (زادالمسافرین چاپ برلن)

زال (ش ـ د) پسر سام وپدر رستم که چون هنگام زادن مویش‌سپید بود ، به دستور پدر بربالای کوه البرز گذاشته‌شد. برطبق روایات

شاهنامه سیمرغ اورا نزد جوجه‌های خود برد و بزرگ کرد . سام پس از سالها براثر خوابی که دید، به‌جستجوی پسر رفت. سیمرغ زال‌را به او سپرد و پری از خود به زال داد که هنگام حاجت آن‌را آتش‌زند وازسیمرغ یاری بخواهد. زال که از سیمرغ‌دستان لقب گرفته بود، نزد بزرگان به‌دانش آموختن پرداخت وپهلوانی دانشور ونیرومند شد. از حادثه‌های زندگی او عشقش به رودابه دختر مهراب کابلی است که سرانجام اورا به زنی گرفت و رستم از او به وجود آمد .

زبدة‌التواریخ (ك) تألیف شهاب‌الدین عبدالله‌بن لطف‌الله بن عبدالرشید ملقب به حافظ ابرو ، که آن‌را در سال ۸۲۶ به امربایسنقرمیرزا و به نام او تألیف کرده است . این کتاب تاریخ مفصل عمومی عالم است در چهار جلد ، حاوی دیباچه وتاریخ عمومی عالم از خلقت آدم تازمان چنگیز وحوادث سالهای میان ۷۳۶ یعنی سال مرگ ابوسعید و۸۳۰ زمان شاهرخ. چنانکه مؤلف‌گوید جلدآخر یا ربع آخر کتاب‌را زبدة‌التواریخ بایسنقری‌نام‌نهاده‌است. تاریخ عمومی او مجموعاً به‌نام مجمع‌التواریخ‌السلطانیه نامیده‌شده‌است. اسلوب انشاء کتاب ساده و بی‌تکلف است.

زحاف (ع) هرتغییری که به اصول افاعیل عروض وارد آید ، زحاف خوانده می‌شود و اوزان فرعی راکه به‌وسیلهٔ این زحافات از یك بحر به وجود می‌آید ، مزاحفات آن بحر خوانند. زحاف عبارت است ازحذف حرفی یا حروفی یااسکان متحرکی یاافزودن‌حرف

یاحروفی به آخر فعل.

ازاحیف اشعار فارسی سی و پنج است که بیست و دو از آن جمله ازاحیف اشعار عرب است که دراشعار فارسی مستعمل است و باقی مخصوص شعر فارسی است. نامهای ازاحیف از این قرار است: قبض، قصر، حذف، خبن، کف، شکل، خرم، خرب، شتر، قطع، تشعیث، طی، وقف، کشف، صلم، معاقبت، صدر، عجز، طرفان، مراقبت، اسباغ، اذاله، جدع، هتم، جف، تخنیق، سلخ، طمس، جب، زلل، نحر، رفع، ربع، بتر، حذذ.

زحل (نج) یاکیوان که در فلك هفتم قرارگرفته وسه حلقهٔ نورانی دور آن‌را گرفته است. قدما آن‌را نحس می‌دانستند.

هرنماز دگری برافق ازقوس و قزح
درگهی بینی افراشته تا اوج زحل

بگیر طرهٔ مه چهره‌ای و قصه مخوان
که سعد و نحس ز تأثیر زهره و زحل است

زرکوب (ت) ابوالعباس احمدبن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی از ادیبان و نویسندگان قرن هشتم و معاصر شیخ ابواسحق اینجو. کتابی در تاریخ و جغرافیای وطن‌خود تألیف کرده‌است به نام شیرازنامه.

زکریای رازی (ت) «رجوع شود به رازی»

زکریای قزوینی (ت) [ف: ۶۸۲] عمادالدین زکریای محمدقزوینی از بزرگان و عالمان ایران که به علوم جغرافیائی آشنائی کامل داشته است. ازتألیفات‌او: عجایب‌المخلوقات‌وغرایب‌الموجودات

است که در علوم طبیعی و به زبان عربی نوشته شده و ترجمهٔ آن به‌فارسی موجود است. دیگر آثارالبلاد به زبان عربی که در آن شرح حال عده‌ای از شاعران معروف‌ایران ذکرشده و ازقدیمترین منابع اطلاعات‌است دربارهٔ شاعران و بلادی که‌در آنجا متولدشده یا توطن داشته‌اند.

زلالی (ت) [ف: ۱۰۲۴] مولانا حکیم زلالی خوانساری از شاعران قرن یازدهم و معاصر شاه عباس کبیر که در دربار او سمت ملک الشعرائی داشته است. زلالی میرداماد را مدح کرده است و هفت منظومه به نام سبعهٔ سیاره دارد شامل مثنویهای محمود ایاز، شعلهٔ دیدار، آذر و سمندر، میخانه، سلیمان‌نامه، ذره و خورشید، حسن گلوسوز (نسخهٔ خطی شامل مثنویهای‌حکیم‌زلالی به نام سبعهٔ‌سیاره یاهفت سیاره ــ کتابخانهٔ ملی).

زلل (زحاف) (ع) درمفاعیلن مجموع‌هتم و خرم است که باقی‌می‌ماند فاع؛ وآن را ازل خوانند.

زلیخا (تن) زن عزیز مصر که‌عاشق یوسف‌گشت وچون یوسف تسلیم وی نشد، براو خشم‌گرفت وشوهر را واداشت که اورا به زندان افکند. سرانجام یوسف از زندان نجات یافت وعزیزمصر گشت و زلیخاکه فقیر وکور و علیل‌گشته بود، پیوسته به درگاه خدا می‌نالید وبرسر راه یوسف می‌نشست وچون دین اورا پذیرفت، براثرمعجزهٔ یوسف جوان وبیناگشت وبه‌همسری او درآمد.

من ازآن حسن روز افزون‌که یوسف داشت‌دانستم
که عشق از پردهٔ عصمت برون آرد زلیخا را

«حافظ»

زمخشری (ت) [ف:۵۳۸] ابوالقاسم‌محمودبن عمربن محمدالخوارزمی از عالمان بزرگ در علم نحو و حدیث و تفسیر و به زمخشر خوارزم‌منسوب و به‌جارالله معروف‌می‌باشد.وی خودرا ابوالقاسم معتزلی می‌نامیده است . زمخشری دارای تألیفات بسیار در لغت و علوم بلاغی است . از آثار او : الکشاف عن الاسرار التنزیل است در تفسیر قرآن ، کتاب مقدمةالادب که آن را برای اتسز خوارزمشاه نوشت . این‌کتاب از نظراشتمال برلغات‌کهنهٔ فارسی پر ارزش است . دیگر از آثار او اساس‌البلاغة در تحقیق لغت عرب وکتاب المفصل ، در نحو وکتاب انموذج است‌که تلخیص کتاب المفصل می‌باشد . کتاب المفصل در سال ۵۱۴ تألیف‌یافته و جزو کتابهای معروف علم نحو شده و علماء نحو برآن‌شروح بسیار نوشته‌اند .

زمزم (تن) چاهی نزدیك خانهٔ کعبه .

بسان چاه زمزم است چشم من
که کعبهٔ وحوش شد سرای او

«منوچهری»

زند (ك) به‌معنی توضیح و تفسیراست. چون زبان‌کتاب‌دینی‌زرتشتیان یعنی اوستا در دورهٔ ساسانیان کهنه ومنسوخ شده‌بود وعامه معنی

آن را نمی‌فهمیدند ، متن اوستا را به زبان متداول زمان خود یعنی پهلوی ساسانی ترجمه کردند . این ترجمه‌ها را که گاهی توضیح و تفصیلی نیز در بردارد، زند می‌خوانند، زندقسمتی از فصول کتاب اوستا اکنون دردست است مانند زند وهومن یسن و غیره.

زنگی اهل ولایت زنگ یازنگبار که به سیاهی چهره معروفند.

زلفش بسان زنگیان درهم شده از هر کران

برعارضش بازی‌کنان افتان و خیزان دیده‌ام

«خاقانی»

زوزنی (ت) [ف : ۴۸۶] ابوعبدالله حسین‌بن‌احمدالزوزنی. ازعالمان علم لغت و ادب که در نحو و عربیت استاد زمان خود بود . از آثار معروف او شرح معلقات سبع و کتاب‌اللغةالفارسیه و کتاب المصادر است .

زهره (نج) یا ناهید (اناهیته) نسبت به زمین بعد از عطارد قرار گرفته است ودرخشانترین سیارات می‌باشد. قدماء آن‌را سعد می‌دانستند وبه خنیاگری نسبتش می‌دادند .

بگیر طرهٔ مه‌چهره‌ای و قصه مخوان

که‌سعد ونحس ز تأثیرزهره و زحل‌است

«حافظ»

ور زهره جز به بزم تو خنیاگری کند

جاوید دف دریده و بربط شکسته باد

«انوری»

زیادالاعجم (ت) از قدیمترین شاعران ایرانی در قرن دوم یا سوم

که به‌زبان عربی شعر می‌سروده است . اصل وی از اصفهان است ولی در خراسان اقامت داشته ، اورا از این‌جهت اعجم می‌گفتند که کلمات عربی را به لهجهٔ ایرانی ادا می کرده‌است .

زین‌الاخبار (ك) تاریخی بزرگ تألیف ابوسعید عبدالحی‌بن الضحاك بن محمودگردیزی که‌آن را در سال ۴۴۰ هجری ودرزمان‌سلطنت عبدالرشیدبن‌مسعودبن محمود سبکتکین تألیف کرده است . زین‌الاخبار تاریخ عمومی است شامل وقایع از ابتدای خلقت تا پایان دورهٔ مودود بن مسعود غزنوی . اخبار تاریخ گردیزی به طریق ایجاز و اختصاراست، نویسنده جدولهائی ترتیب می‌دهد و در شرح حال یك سلسله یا یك خلافت به ذکر همان جدول اکتفا می‌کند ، مثلا دربارهٔ خلافت خلفای اسلام یازده‌ستون در جدول ترتیب داده که‌شامل این نکات است : لقبها ، کنیتها ، نامها ، مادران ، وزیران ، قاضیان ، دبیران ، حاجبان ، مهر انگشتری ، ابتداء خلافت ، عهد خلافت . گردیزی به عادات و رسوم و افسانه‌های ملل باستانی بسیار توجه کرده و دربارهٔ آنها اطلاعات سودمندی بدست می‌دهد . سبك نوشتهٔ تاریخ گردیزی بسیار ساده و روان است . تکلف و پیچیدگی‌درآن‌نیست وبه‌سبك نثرسامانیان نزدیك است . (چاپ‌تهران)

زینبی علوی محمودی (ت) عبدالجبار زینبی علوی محمودی . از شاعران دورهٔ غزنوی‌معاصر سلطان محمود وسلطان‌مسعود. عده‌ای نام اورا زینتی گفته‌اند . بنا به‌گفتهٔ ابوالفضل‌بیهقی‌زینبی در شمار

شاعران بزرگ دربار غزنوی ومورد لطف سلطان مسعود بوده است.
ابیات معدودی از این شاعر در کتابهای لغت وادب مانند حدائق السحر ولباب الالباب ومجمع الفصحاء آمده است.

س

سالك يا مريد كسی است كه به‌قصد طی طريق وارد خانقاه می‌شود و به اطاعت پير در می آيد ودر همه‌كار ازاو پيروی می كند. سالك بايد واجدصفات خاصی باشد مانند رازداری و فرمانبرداری .

به می‌سجاده رنگين كن‌گرت پير مغان‌گويد
كه سالك بيخبر نبود ز راه و رسم منزلها

تشويش وقت پير مغان می‌دهند باز
اين سالكان نگر كه چه با پير می كنند

«حافظ»

سام (ش ـ د) نيای رستم و پسر نريمان كه به روايت گرشاسب نامه برادرزادۀ‌گرشاسب و به روايتی نبيرۀ او بود . هنگام شاهی‌نوذر، مردم‌كه ازستم اوبه جان آمده بودند از سام خواستندكه برتخت شاهی نشيند ولی او نپذيرفت .

سامری (تن) مردی از پيروان‌موسی كه درغيبت اوگوسالۀزرينی‌ساخت وخاك زمينی كه اسب جبرئيل در آن پای نهاده بود ، براوافشاند.

گوساله به‌صدا آمد و حرکت کرد و سامری به‌این وسیله بنی‌اسرائیل را گمراه کرد . چون موسی بازگشت ، مردم‌را از گمراهی بیرون آورد و گوسالهٔ سامری را کشت .

سحر بامعجزه پهلو نزند دل خوش دار

سامری کیست که دست از یدبیضا ببرد

«حافظ»

سام میرزا (ت) [ف : ۹۸۳] سام میرزا پسرشاه اسمعیل اول صفوی و مؤلف تحفهٔ سامی است که به امرشاه اسمعیل ثانی کشته شد .

سبا (تن) شهری که بلقیس بر آن حکومت می کرد و سلیمان به قصد جنگ آهنگ آن کرد وبا ملکهٔ‌سبا روبرو شد واورا به‌زنی گرفت.

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت

بنگر که ازکجا به کجا می‌فرستمت

«حافظ»

سبب (ع) یکی از ارکان اوزان‌عروض وبردوقسم است: سبب‌خفیف، سبب ثقیل .

سبب خفیف : از یك متحرك و یك ساکن ترکیب شده و علامت آن به صورت یك صفر ویك الف است. مانند نم ودم که به این شکل نشان داده می‌شود: ١٥

سبب‌ثقیل : از دوحرف‌متحرك ویك ساکن ترکیب شده؛ مانند همه ، رمه. وعلامت آن دوصفر است و یك الف : ١٥٥

سبحة‌الابرار (ك) منظومه‌ای از هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن

را در سال ۸۸۷ به نام سلطـان حسین بایقرا ساخته است . ایـن منظومه شامل مضامین عرفانی و اخلاقی است و دارای چهل عقد است که هرعقد با شرح یکی از فضایل نفسانی آمیخته به‌حکایتهای نغز شروع می‌شود و به مناجات حق‌تعالی ختم می گردد . (هفت اورنگ ـ چاپ تهران)

سبزواری (ت) [ف: ۱۲۹۵] حاج‌ملاهادی فرزند حاج‌محمد سبزواری از حکیمان بزرگ ایران . در سال ۱۲۱۲ هجری درسبزوارمتولد شد و تحصیلات خودرا در آنجا و سپس در مشهد تکمیل کرد . پس از آن به مکه سفر کرد ودربازگشت به‌اصفهان رفت وحکمت و فقه و اصول و کلام را نزد ملاعلی نوری آموخت و به جرگهٔ دانشمندان درجهٔ اول دورهٔ قاجار درآمد. از تألیفات اومنظومه‌ای است به عربی درمنطق و حکمت باشرح آن‌در دوقسمت، قسمت اول لآلی‌المنتظمه و قسمت دوم غررالفرائد نام دارد وهردو باهم به نام‌شرح منظومه مشهور است . به فارسی نیز کتابی درحکمت الهی نوشته است موسوم‌به اسرارالحکم درشرح‌مثنوی. سبزواری به فارسی هم شعرمی‌گفته واسرار تخلص می کرده است . (دیوان اسرار ـ چاپ تهران)

سپهر (ت) میرزا محمد تقی‌خان کاشانی ملقب به‌لسان‌الملك ومتخلص به سپهر از مستوفیان دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار واز دانشمندان قرن سیزدهم . وی از طرف محمد شـاه مأمور نوشتن تاریخ عمومی گشت وناسخ التواریخ را تاجلد یازدهم به فـارسی

فصیح نوشت و به‌این جهت از طرف محمد شاه به لقب لسان‌الملك ملقب گردید . از آثار دیگرش براهین‌العجم است درعلم قافیه .

سپهر (ت) عباسقلیخان سپهر پسر میرزاتقی‌خان ملقب به لسان‌الملك است که مؤلف ناسخ‌التواریخ می‌باشد . عباسقلی‌خان پس‌از پدر در دربار ناصرالدین شاه می‌زیست و تا کشته‌شدن آن شاه ازمقربان او بود . چندین جلد در شرح حال ائمه و سلطنت ناصرالدین‌شاه برناسخ‌التواریخ افزوده است . عباسقلیخان کتاب وفیات‌الاعیان ابن‌خلگان را نیز ازعربی به فارسی ترجمه کرده است .

سجزی (ت) [ف:۴۱۴] ابوسعید احمدبن محمدبن عبدالجلیل‌السجزی. منجم و ریاضی‌دان قرن چهارم و معاصر عضدالدولهٔ دیلمی . در نجوم و ریاضی آثاری دارد . از جمله رساله‌ای است به عنوان : خواص الشکل المجسم الحادث من ادارة‌القطع الزاید و المکافی دیگر تحصیل القوانین الهندسیة‌المحدودة والجامع‌الشاهی که آن‌را به نام عضدالدوله دیلمی نوشته است . دیگر کتاب المدخل در نجوم به نام ابوجعفر احمدبن محمد صفاری و تحصیل القوانین راجع به استنباطات قضایای نجومی ، و زایجات الکواکب و منتخب من کتاب‌الالوف که از کتاب الالوف ابومعشر بلخی انتخاب شده است .

سجع (ب) در لغت به معنی آواز کبوتر و در اصطلاح آن است که نویسنده یاشاعر کلماتی به کار برد که در وزن و حروف خواتیم مشابه باشد . سجع برسه قسم است : متوازی، متوازن، مطرف.

سجع در نثر حکم قافیه را در شعر دارد.

سجع متوازی آن است که در آخر دو جمله ، دو کلمه بیاید که در وزن و حروف روی یکی باشد مانند : انیس ، جلیس .

سجع متوازن آن است که دو کلمه در آخر دو جمله بیاید که در وزن یکی باشد و در حرف روی متفاوت باشد مانند : یك شب تأمل ایام گذشته می کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می خوردم.

سجع مطرف آن است که در آخر دو جمله کلماتی بیاید که فقط در حروف روی یکی باشد نه در وزن مانند کلمات : باد و استعداد.

سحاب (ت) [ف: ۱۲۲۲] میرزا سیدمحمد اصفهانی پسر سید احمدهاتف از قصیده سرایان دورهٔ قاجاریه و معاصر و مداح فتحعلیشاه قاجار که از جانب وی به لقب « مجتهدالشعرا » مفتخر گشت . سحاب در قصیده از شاعران قرن ششم و در غزل از شاعران قرن هفتم مانند سعدی شیرازی پیروی کرده است . از آثار او رشحات سحاب به نام فتحعلیشاه قاجار است . دیوان سحاب دارای پنجهزار بیت می باشد. (دیوان سحاب ـ چاپ تهران)

سحابی (نج) پنج کوکب است از نوع کهکشان چون پارهٔ ابر .

سحبان وائل (ت) از خطیبان معروف عرب در عهد جاهلیت و اوایل اسلام . وی در بلاغت و فن بیان شهرت فراوان یافته و نامش در نظم و نثر فارسی به عنوان نمونهٔ فصاحت و بلاغت بسیار ذکر شده است .

توان در بـلاغت به سحبـان رسید
نه در کنه بیچون سبحـان رسید
«سعدی»

سد اسکندر (تن) سدی که اسکندر در برابر یأجوج و مأجوج بست.

یأجوج ظلم بینم جز رای روشن او
از بهر سد انصاف اسکندری نـدارم
«خاقانی»

سدره (تن) درختی در جانب راست عرش .

که ای بلند نظر شاهباز سدره نشیـن
نشیمن تو نه این کنج محنت آبادست
«حافظ»

سدرة المنتهی (تن) «رجوع شود به سدره»

مرا منتهای طلب نیست سدره
که از سدرة المنتهی می گریزم
«خاقانی»

سده ازجشنهای ایرانیان درروز دهم ماه بهمن. به قولی از این جهت آن را سده می گویند که پنجاه روز و پنجاه شب به نوروز مانده است .

پارسیان در این روز آتش برمی افروختند . این جشن تا چند قرن پس از اسلام معمول بوده است و هنوز در بعضـی از شهرستانهای ایران خاصه نزد زردشتیان معمول است :

بـر لشکـر زمستـان نوروز نامدار
کرده است رای تاختن وقصد کارزار

واینک بیامده است به‌پنجاه روزپیش
جشن سده طلایهٔ نوروز نامدار
«منوچهری»

سد یأجوج (تن) اشاره به سدی است که اسکندر در برابر یأجوج و مأجوج ساخته است .

تو گفتی سد یأجوج است لشکر
هم ایشان باز چون یأجوج بی مر
«از ویس و رامین»

سدیر (م) قصری که نعمان‌بن‌منذر پادشاه حیره برای بهرام‌گور ساخت و دارای سه‌گنبد یاسه دیر بود .

سراندیب (تن) یا جزیرهٔ سیلان در جنوب شبه جزیرهٔ هندوستان که برطبق روایات مذهبی آدم پس از رانده شدن از بهشت به آنجا افتاد .

سرطان (نج) ازصورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقةالبروج و به شکل خرچنگ . برج سرطان برابر ماه تیر است.

من چو برجیس ز حوت آمده‌ام
سرطان مستقری خواهم داشت
«خاقانی»

سروری (ت) محمد قاسم‌بن حاج محمدکاشانی از فرهنگ نویسان‌قرن یازدهم . در سال ۱۰۳۲ هجری به‌هندوستان رفت و به دربار شاه جهان راه یافت . درهندوستان فرهنگ جهانگیری‌را مطالعه کرده و با استفاده از آن و کتابهای دیگر فرهنگ خودرا به‌نام مجمع‌الفرس

تألیف کرده‌است. «رجوع شود به فرهنگ سروری»

سروش (تن) از فرشتگان آئین زردشت و در شعر فارسی به معنی ندا دهندهٔ غیبی .

سروش اصفهانی (ت) [ف : ۱۲۸۵] میرزا محمدعلی از شاعران قصیده سرای قرن سیزدهم . مولدش اصفهـان است ولی به نقاط مختلف ایران سفر کرده است . چندی در تبریز اقامت گزیده ونزدقهرمان میرزا پسر نایب‌السلطنه تقرب حاصل کرده‌است. چون‌ناصرالدین میرزای ولیعهد به شاهی رسید ، سروش با او به تهران آمد و به مناسبت آنکه دراعیاد و مجالس دربار اشعارتهنیت‌آمیز می‌خواند، ناصرالدین شاه لقب شمس الشعرائی به او داد. سروش در قصیده از سبك فرخی و منوچهری و امیر معزی پیروی کـرده است . از آثار او غیر ازدیوان قصیده وغزل مثنویاتی مانند ساقی‌نامه، الهی نامه، زینةالمدایح وحماسه‌ای دینی به نام اردیبهشت‌نامه دراحوال پیغامبر است. در اشعار سروش‌اشاره‌هائی به وقایع‌زمان‌ناصرالدین شاه از جمله برقرار شدن تلگراف دیده می‌شود .

سریع (بحر) (ع) از بحور شعر فارسی وعربی . اصل آن « مستفعلن مستفعلن مفعولات» است. در فارسی از این بحروزن زیر متداول است ، بحرسریع مسدس مطوی محذوف (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

ای همه هستی ز تو پیدا شده   خاك ضعیف از تو توانا شده

«نظامی»

سطرلاب (نج) «رجوع شود به اسطرلاب»

چشمهٔ خورشید لطف بلکه سطرلاب روح
گوهر گنج حیات بلکه کلید کرم

«خاقانی»

سعادتنامه (ك) منظومهٔ کوتاهی منسوب به ناصرخسروقبادیانی حکیم و شاعرقرن پنجم ، شامل سیصد بیت درسی باب در حکمت و موعظت و درنسبت این منظومه به ناصرخسرو تردید است وگویا مردی به نام شریف آنرا سروده است. (سعادتنامه. ضمیمهٔ دیوان ناصرخسرو . تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی- چاپ تهران).

سعدالاخبیه (نج) منزل بیست وپنجم از منازل قمر که شامل چهارستاره است که سه‌تای آن مانند مثلث است وچهارم در میان آن.

گردی برآبی بیخته زراز ترنج انگیخته
خوشه زتاك آویخته مانند سعدالاخبیه

«منوچهری»

سعد اصغر یا **سعد خرد** (نج) ستارهٔ زهره.

شعرمن فالی است نامش سعداکبر گیراز آنك
راوی من در ثنات از سعد اصغر ساختند

«خاقانی»

سعداکبر (نج) ستارهٔ مشتری.

برآسمان مکرمت از روشنان علم
چون مشتری به نور خرد سعداکبرم

«انوری»

سعدالدین تفتازانی (ت) «رجوع شود به تفتازانی»

سعد ذابح (نج) منزل بیست‌ودوم از منازل قمر که دو ستاره است که میان آنها به اندازهٔ یك‌گز فاصله است و برشاخ جدی (بزغاله) قرار دارند .

نه سعد کفایت تو ذابح   نه صبح عنایت تو کاذب

«جمال‌الدین اصفهانی»

سعدالسعود (نج) منزل بیست‌وچهارم از منازل قمر که سه‌ستارهٔ کوچك است که دردم جدی قرارگرفته است .

برسپهر لاجوردی‌صورت سعدالسعود

چون یکی چاه عقیقین‌دریکی نیلی‌ذقن

«منوچهری»

سعد وراوینی (ت) «رجوع شود به وراوینی»

سعدی (ت) [ف : ۶۹۱ یا ۶۹۴] مشرف‌الدین مصلح‌بن عبدالله‌سعدی شیرازی . از بزرگان و نوابغ شعر و ادب ایران . درحدود سال ۶۰۶ در شیراز متولد شده و تحصیلات خود را در همان شهر آغاز کرده سپس به بغداد رفته و در مدرسهٔ نظامیه کسب فضائل کرده است .

سعدی به‌علت شوق جهانگردی ونیز به سبب کشمکشهای بین خوارزمشاهیان و اتابکان فارس و هجوم مغول به سفری طولانی پرداخت که در حدود سی تاچهل سال طول‌کشید و بغداد و سوریه و مکه را تا شمال افریقاگشت و در آثار خود از سفر به کاشغر و هند و ترکستان نیز سخن می‌گوید . سعدی پس از این

سفر طولانی به شیراز باز گشت و چون آنجا را آرام و مردم را در رفاه دید ماند و به تألیف و تصنیف پرداخت واتابك ابوبکربن سعدبن زنگی (۶۳۲ - ۶۶۸) و پسرش سعدبن ابوبکر راکه تخلص خودرا از او گرفته است مدح کرد. از ممدوحان دیگر سعدی غیر از اتـابکان ، بزرگان و دانشمندانی بوده اند مانند صـاحبدیوان شمس‌الدین و برادرش عطا ملك جوینی. سعدی باشاعرانی مانند مجد همگر وخواجه همام تبریزی ارتباط داشته و مورد ستـایش آنان قرارگرفته است .

سعـدی را هم جزء شـاعران درجه اول ایران می‌توان محسوب کرد وهم از نویسندگان مبرز واستاد نثر مسجع دانست. سعدی درانواع شعر مانند قصیده، غزل، قطعه، رباعی، ترجیع‌بند وترکیب‌بند دست داشت. اما می‌توان گفت اززمان سعدی است که غزل در ردیف اول شعر فارسی قرارگرفته است و مخصوصاً سخن سعدی درغزل به حد اعلای لطافت وزیبائی رسیده است که‌دارای روانی وصنعت سهل وممتنع می‌باشد.

آثار سعدی عبارت‌است از دیوان غزلیات شامل طیبات ، بدایع، خواتیم، غزلیات قدیمه. دیگر: بوستان، گلستان، قصایدو ملمعات ، رباعیات و ترجیعات است . مجموع آثـار سعـدی را کلیات سعدی‌گویند . چون آثار سعدی نتیجه تجربیات و مطالعات و مشاهدات اوست در سفرهای طولانی ، از اینرو بسیـار سودمند وپرمعنی و در نهایت درجه اهمیت است که هم‌شامل نکات‌اخلاقی

وپند و موعظه است و هم دارای مضامین عاشقانه ولطف وزیبائی است. آثار سعدی به زبانهای‌خارجی ترجمه شده وموجب‌شهرت جهانی‌وی‌گردیده‌است. کلیات سعدی چندین‌بار درتهران‌وهندوستان به چاپ رسیده است.

سعید طائی (ت) ازشاعران آل‌سلجوق که درنیمهٔدوم قرن‌ششم می‌زیسته است . از احوال او اطـلاعی در دست نیست و از او تنهـا یك قصیده باقی مانده است، در یأس و تأثر از ناپایداری دنیا و زوال دولتها که از قصاید خوب فارسی شمرده می‌شود . مطلع قصیده این است :

غم مخور ای دوست‌کاین جهان بنماند

هرچه تو می‌بینی آنچنـــان بنمـاند

سفرنـامه (ك) از آثار منثور حکیم ناصر خسرو قبادیـانی ، شـاعر و نویسندهٔ بزرك قرن پنجم ، و ظاهراً نخستین کتاب منثور نویسنده است. این کتاب شامل شرح حوادث هفت سالهٔ سفر ناصرخسرو است به آسیای صغیر ، شام، حجاز، مصر، قاهره ، تا بازگشت او به بلخ. ناصرخسرو درطول این سفر بارجال وعالمان زمان‌ملاقاتها کرد ودرقاهره به‌خدمت المستنصربالله رسید و به مذهب اسمعیلی گروید،سفرنامه دارای اطلاعات‌جغرافیائی وتاریخی دربارهٔشهرها وکشورهائی است‌که ناصرخسرو از آنها دیدن‌کرده است. سبك انشاء سفرنامه روان وساده است . (سفرنامه ــ چاپ تهران)

سقراط (ت) فیلسوف و حکیم یونانی که اورا به گنـاه حقیقت پرستی و

مخالفت با آداب متداول زمانه به قتل محکوم کردند و اوبا دست خود جام شوکران را گرفت و نوشید و آنقدر شاگردان خود را موعظه کرد تا ازپای در آمد.

سگ اصحاب کهف (تن) سگ شبانی که به دنبال اصحاب کهف افتاد و هرچه خواستند او را برانند برنگشت تا آنکه به زبان آمد وخدا پرستی خودرا برایشان نمایاند. یاران از او دست بازداشتند و اورا باخود به غار بردند.

سگ اصحاب کهف روزی چند
پی نیکان گرفت و مردم شد

«سعدی»

سلامان وابسال (ك) داستان منظومی از هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن را ظاهراً به سال ۸۸۵ به‌نام سلطان یعقوب ترکمن آق‌قوینلو ساخته است. اشخاص این داستان عبارت‌اند از پادشاه یونان و مرد حکیم که معلم اوست و پسر او موسوم به «سلامان» و دایهٔ خوبروی او به نام «ابسال». ابسال عاشق طفل شیرخوارخودیعنی سلامان می‌شود و هنگامی که سلامان به سن رشد می‌رسد دایه اورا به جادوئی فریفتهٔ خود می‌سازد. حکیم که از این موضوع اطلاع می‌یابد به وسیلهٔ قوهٔ مغناطیس سلامان را مجبور می کند که در قرارگاه خود باابسال تودهٔ عظیمی از هیزم فراهم سازد و عاشق و معشوق خودرا به آتش افکنند. در نتیجه ابسال بکلی سوخته و خاکستر می‌شود وسلامان تندرست بیرون می آید و پدرش تاج و

تخت خودرا به او می‌بخشد . (چاپ تهران)

سلخ (زحاف) (ع) سلخ در فاع لاتن آن است که دوسبب یعنی لا و تن را بیندازند ، و عین را ساکن کنند ؛ می‌ماند فاع ؛ و آنرا مسلوخ گویند .

سلسبیل (تن) چشمه‌ای در بهشت :

ای رخت چون خلد و لعلت سلسبیل
سلسبیلت کرده جان و دل سبیل

«حافظ»

سلسلة‌الذهب (ك) یکی از مثنویهای هفت‌اورنگ مولانا عبدالرحمن جامی که آنرا به نام سلطان حسین بایقرا و به سبك حدیقهٔ سنائی ساخته است .

این کتاب مشتمل برسه دفتر است : دفتر اول شامل‌شرح احادیث و مقالات صوفیه و ائمه وبسیاری از مسائل عرفانی.دفتر دوم‌مشتمل برتحقیق در اقسام مختلف ووجوه‌گوناگون‌عشق‌مجازی و حقیقی و حکایتهائی برسبیل تمثیل. دفتر سوم مشتمل برحکایات شاهان و آئین ملك داری ونصیحت به سلاطین و اشاره به فضایل ستوده وهمچنین داستانهائی‌منسوب به‌اطباء‌مانند ابن‌سینا وگفتاری دربیان شعر وذکر نام عده‌ای از شاعران .

سلطان حسین بایقرا (ت) [ف: ۹۱۱] سلطان‌ابوالغازی‌حسین‌بن‌منصور بایقرا از شاهزادگان گورکانی که ابتدا تحت حمایت میرزا الغ بیك بود و چون وی و پسرش عبداللطیف به‌قتل رسیدند، ابوسعید

اورا به حبس افکند، سلطان‌حسین از حبس گریخته به ابوالقاسم بابر پیوست و با او فرار کرد و در سال ۸۶۲ استراباد را تسخیر کرد و در آنجا به شاهی نشست . بعد از مرگ ابوسعید، سلطان حسین هرات را گرفت ودر سال ۸۷۲ به تخت نشست . سلطان حسین بایقرا از شاهان دانشمند و علم دوست بود و دورهٔ شاهی او از جنبهٔ ادبی بسیار مهم است، زیرا که درباراو درهرات‌مرکز علم و ادب گشت و شاعران و نویسندگان به آنجا روآوردند و موردتشویق‌او ووزیر دانش‌پرور او امیرعلیشیرنوائی قرارگرفتند. سلطان حسین شخصاً علاقهٔ وافری به علم و ادب داشت و کتاب مجالس‌العشاق به او منسوب است.

سلطان ولد (ت) [ف : ۷۱۲] بهاءالدین احمد سلطان ولد پسرمولانا جلال‌الدین رومی است که در شهر لارنده در آسیای صغیرمتولد شد و علوم طریقت وعرفان را نزد پدر و شمس‌الدین تبریزی و شیخ صلاح‌الدین زرکوب وحسام‌الدین چلپی آموخت و در این راه به مقام عالی رسید وجای پدررا در ارشاد گرفت . سلطان‌ولد شعر نیز می‌سرود و به‌زبان ترکی نیز آشنایی داشت . مثنوی‌ولد نامه از اوست .

سلم (ش ـ د) پسربزرگترفریدون. چون فریدون کشور خودراتقسیم کرد ، روم و خاور را به‌سلم داد. سلم بابرادر خود تورهمدست شد و ایرج برادر کوچك خودرا که فرمانروای ایران شده بود، کشت .

نخستیـــن به سلم اندرون بنگـریـد
همه روم و خـــاور مر او را گزیـد
«از شاهنامهٔ فردوسی»

سلمان ساوجی (ت) [ف:۷۷۸] جمال‌الدین سلمان‌بن‌علاءالدین ساوجی. از بزرگترین شاعران قرن هشتم. در اوایل عمردر خدمت خواجه غیاث‌الدین‌محمد وزیر سلطان ابوسعید بهادر (۷۱۶-۷۳۶) بود. بعد ازمرگ آن وزیر به‌دربار جلایریان یا شاهان ایلکان که درمغرب ایران و عراق‌عرب حکومت داشتند، روآورد وشیخ حسن بزرگ مؤسس آن‌سلسله و زوجهٔ او دلشادخاتون و سلطان‌اویس وسلطان حسین‌را مدح گفت.

سلمان شاعری است قصیده‌سرا ومی‌توان اورا بزرگترین شاعر قصیده‌سرای‌ایران‌بعد ازمغول وپیش از عصرصفویه‌دانست. وی از سبك متقدمان خاصه انوری تقلیدکرده و به منوچهری نیز نظر داشته است. درنعت خدا و رسول و ائمه قصایدی دارد که پیش ازاو معمول نبوده است. سلمان در تغزل نیز استادی داشته ومورد توجه حافظ بوده است. در غزلهای سلمان مضمونهای‌تازه و تشبیهات نو فراوان است.گذشته از قصاید وغزلیات ترجیع‌بند و ترکیب‌بند وقطعه و مثنوی نیزدارد.

از آثار او جز دیوان شعر، مثنوی عشقی به نام جمشید وخورشید است که آن‌را در سال ۷۶۳ به امر سلطان اویس‌سروده و فراقنامه که به سال ۷۷۰ به نام همان‌سلطان ساخته است.

سلیمان (تن) پسر داوود که خدای تعالی هم پیغمبری به او داد و هم پادشاهی و انگشترئی داشت که اسم اعظم بر آن نوشته بود تا به برکت آن آدم و پری و دیو و وحش و طیر و باد مطیع او بشوند. باد هرچه درقلمرو شاهی او می‌گذشت به‌گوش او می‌رساند وتخت اورا به هرجا که می‌خواست می‌برد.

چون سلیمان خبر قدرت بلقیس را در سبا شنید، آهنگ جنگ با او کرد. بلقیس که دانست او پیغمبر است، خواست که به درگاهش بشتابد ولی سلیمان فرمود تاباد تخت بلقیس‌را بردارد وبه درگاه او حاضر کند. بلقیس به سلیمان ایمان آورد وبه‌همسری او درآمد.

پیش صاحبنظران ملك سلیمان باد است
بلکه آن است سلیمان که‌ زملك آزاد است

«خواجوی کرمانی»

سمائی (ت) محمود بن علی سمائی مروزی از شاعران عهد سلجوقی واهل مرو. ازاحوال او چیزی در دست نیست. عوفی چندغزل از او نقل کرده واورا به هنرشعر ستوده است.

سماك اعزل (نج) منزل چهاردهم از منازل قمر. ستاره‌ای بزرگ و روشن در جنوب سماك رامح که نزدیك آن هیچ‌ستاره نیست واز این‌رو به آن اعزل‌گویند و اعزل یعنی مرد بی سلاح. این‌ستاره درصورت سنبله است.

گاه باضربت رمحی زسماك رامح　　گاه بانکبت عزلی زسماك اعزل

«انوری»

سماك رامح (نج) ستاره‌ای است بزرگ دربرابر بنات‌النعش، و نزدیك آن دو ستاره است که آنها را رمح یا نیزهٔ سماك گویند.

وز شهاب ناوك‌انداز و سماك نیزه‌دار
لشکر شروانشه صاحبقران انگیخته
«خاقانی»

سمعانی (ت) [ف : ۵۶۲] از فقیهان مشهور قرن ششم. وی در مرو متولد شد و برای تحصیل علم به ری و همدان و شهرهای عراق وحجاز و شام و موصل سفر کرد و نزد عالمان وبزرگان‌دین کسب دانش کرد و در علم حدیث و اخبار استادی‌یافت. از آثارمعروف وی کتاب الانساب است که سمعانی در آن شرح حال متجاوز از چهارهزارتن از بزرگان دین را برحسب حروف اول القاب آنان آورده است. دیگر از آثار او تاریخ مرو می‌باشد.

سمك عیار (ك) از قدیمترین نمونه‌های داستان‌پردازی درادبیات‌فارسی. این کتاب بسیار مفصل ودارای سه‌جلد است. مؤلف آن‌فرامرزبن خدادادبن عبدالله‌الکاتب‌الارجانی است که درکتاب راویِ قصه‌را به نام «صدقة بن ابی‌القاسم شیرازی» معرفی کرده است. زمان تألیف اصل قصه وجمع وتدوین روایت معلوم نیست ولی‌اشعاری از شاعران قرون پنجم و ششم در آن نقل شده‌است و همچنین از نامهای خاص‌ترکی که‌در متن کتاب آمده است می‌توان حدس زد که تاریخ تدوین بیش از اواخر دورهٔ سلجوقی نیست.

انشاء کتاب به زبان ساده است وبرای سخنوری پرداخته

شده . داستان سمك بسیار مشغول کننده است وپیداست که قرنها مایهٔ سرگرمی ونشاط مردم بوده‌است. (چاپ‌دانشگاه وبنیادفرهنگ ایران باتصحیح ومقدمهٔ دکتر پرویزخانلری)

سمندر مرغی افسانه‌ای که در آتش نمی‌سوزد و بعضی‌ها گفته‌اندکه از آتش بوجود می‌آید و چون از آن بیرون بیاید می‌میرد.

سمندر نه‌ای گرد آتش مگرد

که مردانگی باید آنگه نبرد

«سعدی»

سنائی (ت) [ف : ۵۴۵] حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم از شاعران بزرگ قرن ششم . ابتدا به دربار غزنویان راه یافت و مسعود بن ابراهیم و بهرامشاه‌بن مسعود را مدح کرد وپس‌از سفرخراسان و ملاقات بامشایخ صوفیه از دربار شاهان چشم‌پوشید وعزلت‌اختیار کرد و سفری به مکه کرد و به سیاحت اغلب شهرها وبه‌معاشرت با رؤسای صوفیه پرداخت وبه‌حلقهٔ ایشان درآمد. بعد از سفرمکه چندی در بلخ و سرخس و مرو و نیشابور زیست ودرحدود سال ۴۱۸ به غزنین برگشت وتاپایان حیات در آنجا ماند. از آثار او دیوان شعر است که شامل قصاید و غزلیات و مقطعات می‌باشد . دیگر: حدیقةالحقیقة، سیرالعباد الی‌المعاد، طریق‌التحقیق، کارنامهٔ بلخ و مثنویهائی به نام عشقنامه ، عقل نامه .

از ممدوحان سنائی ثقةالملك طاهربن‌علی وزیر سلطان مسعودبن‌ابراهیم وخواجه قوام‌الدین‌ابوالقاسم وزیرسنجروعده‌ای

از رجال دیگر دربار غزنویان درخور ذکرند.

اشعار دورهٔ اول شاعری سنائی تحت تأثیر سبک فرخی و مسعودسعد است و در دورهٔ دوم که سنائی درعالم عرفان واردشد مضامین مستقل و اشعار عارفانه دارد. سنائی را می‌توان نخستین غزلسرای عارف ایران دانست که افکار واصطلاحات عرفانی را بامضامین عاشقانه آمیخته‌است. (دیوان سنائی– چاپ تهران)

سناد (ق) از عیوب قافیه؛ اختلاف ردف است. مثال:

کنی ناخوش به ما بر زندگانی اگر از ما دمی دوری گزینی

سنبله (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقةالبروج و به‌شکل خوشهٔ گندم. برج سنبله برابر ماه شهریور است.

دست من جوزا و کلکم حوت و معنی سنبله

سنبله زاید ز حوت از جنبش جوزای من

«خاقانی»

سندبادنامه (ك) از قصص قدیمهٔ هند که به زبان پهلوی نقل شده و مسعودی و ابن‌الندیم آن را از اسمار واحادیث هندوان دانسته‌اند. این کتاب از جملهٔ کتابهای پهلوی بوده که به عربی ترجمه شده است.

ترجمهٔ فارسی این کتاب به امرامیرنوح‌بن منصورسامانی (۳۶۶–۳۸۷) به دست خواجه عمید ابوالفوارس فناروزی انجام شده‌است و دو تهذیب ازسندبادنامه به‌پارسی صورت گرفته‌است. یکی از شمس‌الدین محمد بن علی‌بن محمد الدقایقی المروزی

شاعر اواخر قرن ششم و دیگری ازظهیری سمرقندی.

انشاء خواجه عمید ابوالفوارس انشائی ساده بوده است ولی ظهیری آن را به نثری مزین با شواهد و اشعار پارسی وتازی آراسته است و سندباد نامهٔ او از نمونه‌های نثر مصنوع قرن ششم به شمار می‌آید (چاپ استانبول).

سؤال و جواب (ب) آن است که شاعر کلامی مشتمل بر پرسش وپاسخ بیاورد.

گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سر آید
گفتم که ماه من شو، گفتا اگر برآید

«حافظ»

سودابه (ش- د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر شاه هاماوران که کاووس عاشق او گشت و با او به زندان افتاد، رستم کاووس را رهائی داد و او با سودابه به ایران آمد، اما سودابه بعدها عاشق سیاوش پسر کاووس‌شد وچون نجابت وخودداری سیاوش‌را دید، پیشدستی کرد و او را نزد کاووس متهم ساخت.

سوزنی (ت) [ف:۵۶۲] شمس‌الدین تاج‌الشعرا محمدبن‌علی سوزنی. ازشاعران معروف قرن‌ششم. مولدش سمرقند است و تحصیلات خود را دربخارا انجام داده و شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است. سوزنی از شاعران هجا پرداز می‌باشد که در هجو معانی خاص و مضمونهای تازه بکار برده و با بعضی از شاعران زمان خود مانند عمعق و معزی و ادیب صابر و رشیدی سمرقندی

مهاجات داشته‌است. سوزنی قصایدفصیح و روان دارد ومی‌گویند در پایان عمر از هزل و هجا دست برداشته و استغفار کرده است. (دیوان سوزنی- چاپ تهران)

سومنات (م) بتکده‌ای معروف در هند که سلطان محمود غـزنوی آن را فتح کرد و بتهایش را شکست.

سها (نج) ستارهٔ کوچکی در دب اصغر، این ستاره به کم نوری مثل است و گاهی تیزچشمی کسان را بدان می‌آزمایند:

سها در جلوه‌گاه خود نمائی است
به مهرش دعوی صاحب ضیائی است

«میرزا نصیر»

سهراب (ش ـ د) از پهلوانان شاهنامه وپسر رستم. داستان پهلوانیهای او در جنگ با پدر معروف است. پدر و پسر ناشناس برابر هم درآمدند. هیچیك دیگری را نشناخت، پدر پیر با پسرجوان زور آزمائیها کرد. یك بار رستم پشتش بر زمین آمد، اما با نیرنگ از چنگ سهراب رها شد، و بار دوم رستم پسر را بر زمین زد و با خنجر جگرگاه او را شکافت و چون بازوبندش را دید و او را شناخت، کس نزد کاووس به‌جستجوی نوشدارو فرستاد. کاووس از دادن نوشـدارو خودداری کرد و سهراب جـان سپرد. مثل «نوشدارو پس از مرگ سهراب» اشاره به‌این قسمت ازسرگذشت اوست. «رجوع شود به نوشدارو»

سهروردی (ت) [مقتول: ۵۸۷] شیخ شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی بن

حبش بن امیرك السهروردی معروف به شیخ اشراق از بزرگترین فیلسوفان ایران است . در شهر سهرورد متولد شد و نزد شیخ مجدالدین الجبلی استاد فخر رازی حکمت و فقه آموخت و در فنون فلسفه استاد گشت چون در بعضی موارد نظر سهروردی با عقاید قدما اختلاف داشت و اصطلاحات دینی زردشت را بکار می‌برد ، اورا به الحاد متهم کردند و همین امر باعث شد که علمای حلب صلاح الدین ایوبی ، فرمانروای مصر و شام را به قتل او وادار سازند .

شهاب الدین سهروردی فیلسوفی عارف است که حکمت اشراق درآثارش به کمال رسیده است. مجموع ۴۹ کتاب و رساله به شیخ اشراق نسبت می‌دهند که معروفتر از همه کتاب حکمة الاشراق ورسالة فی اعتقاد الحکما و قصة الغربة الغریبه است (این سه کتاب به همت هانری کربن مستشرق فرانسوی با مقدمه به زبان فرانسه در سال ۱۳۳۱ چاپ شده است) دیگر کتاب تلویحات ، کتاب المشارع والمطاوحات ، رسالهٔ عقل سرخ (چاپ انجمن دوستداران کتاب) رسالة العشق به‌نام مونس العشاق، باشرح فارسی وهمچنین لغت موران، صفیر سیمرغ ،ترجمهٔ رسالة الطیر ابن‌سینا، رسالة فی حالة الطفولیة (به‌همت دکتر بیانی در تهران چاپ شده است) و رسالهٔ آواز پر جبرئیل است .

سهل بن هارون دشت میشانی (ت) از نویسندگان ایرانی قرن سوم واز شعوبی مذهبان متعصب . تصانیف متعدد دارد از جمله کتاب دیوان

الرسائل و کتاب تدبیرالملك والسیاسة و چند داستان ادبی.

سهیل (نج) از ستارگان قدر اول.

ازاوج حق یقین تو تابنده چون سهیل
بر دیو شرك تیر تو بارنده چون شهاب
«ابوالفرج رونی»

سیاست‌نامه (ك) از مهمترین آثار ادبی زبان فارسی در دورهٔ سلجوقی تألیف ابوعلی حسن‌بن علی‌بن اسحق طوسی ملقب به نظام‌الملك که آن‌را به دستور ملکشاه سلجوقی تألیف کرده است.

موضوع کتاب سیاستنامه تدبیرملك‌داری‌است، دربارهٔ عدل و سیرت نیکوواستقصاء ازحال‌وزیران ودبیران وقضاة و برگزیدن جاسوسان ومشورت با دانایان روش‌لشکرداری وحقگزاری‌وغیره. مؤلف درابتدای‌هرفصل‌مطالبی مبنی برنصیحت واندرز وراهنمائی شاهان می‌آورد وحکایتهائی به‌عنوان شاهد ذکر می کندکه اغلب جنبهٔ تاریخی دارد و اگرچه منظورنویسنده جمع‌آوری اطلاعات تاریخی نیست، لیکن آنچه دربارهٔ تشکیلات سیاسی و کشوری ایران قبل از مغول ذکرمی کند، بسیار سودمند است. نظام‌الملك چون مرد سیاسی و درباری بوده و از رموز مملکتداری مطلع بوده است، بهتر از دیگران توانسته نکته‌های لازم را تذکر دهد و چنانکه خود او می‌گوید درکتابش هم پند است و هم مثل وهم تفسیر قرآن و هم‌اخبار رسول و قصص انبیاء وهم سیرت وحکایات شاهان.

نثر سیاستنامه بسیار روان و ساده است و عبارتهایش از لغات نامأنوس خالی می‌باشد . (چاپ مکرر)

سیاقة‌الاعداد (ب) آن است که گوینده اسمهای متعدد را در پی یکدیگر در شعر قرار دهد .

اسب و گهر و تیغ بدو گیرد قیمت
تخت و سپه و تاج بدو یابد مقدار
سال و فال و مال و حال و اصل و نسل و تخت و بخت
بادت اندر هر دو گیتی برقرار و بر دوام

سیاوش (ش ـ د) از پهلوانان شاهنامه . پسر کاووس . سیاوش نزد رستم بزرگ شد و هنر آموخت و چون به درگاه پدر باز گشت سودابه زن کاووس عاشق او شد. سیاوش به علت نجابت طبع از این عشق سر باز زد و سودابه به او کینه‌ور شد و شوهر را بر او بدبین ساخت .

سیاوش پس از رنجهائی که از این عشق ناپاک کشید ، به دستور پدر به جنگ با تورانیان رفت ، اما با افراسیاب صلح کرد . و کاووس پس از شنیدن این خبر براو خشمگین شد و پسر را سرزنش کرد . سیاوش از بیم پدر درسرزمین توران ماند و نزد افراسیاب تقرب یافت و فرنگیس دختر او را به زنی گرفت. گرسیوز برادر افراسیاب که برسیاوش حسد می‌برد افراسیاب راا براو بدبین ساخت تا سرانجام به فرمان افراسیاب ، سیاوش ر کشتند «رجوع شود به خون سیاووش»

سیبویه (ت) [ف : در حدود ۱۶۰] ابوالحسن عمروبن عثمان از استادان علم نحو . در اصل از بیضای فارس بوده ولی در بصره متولد شده است . وی فنون عربی را از خلیل‌بن احمد آموخت و در علم نحو از استادان معروف گشت . سیبویه کتابی در نحو تألیف کرد به اسم‌الکتاب که شهرت خاص یافت و بارها به چاپ رسید و مورد استفادهٔ ادیبان قرار گرفت .

سید حسن غزنوی (ت) «رجوع شود به حسن غزنوی»

سیرهٔ جلال‌الدین منکبرنی یا تاریخ جلالی (ك) تاریخی به‌زبان عربی تألیف محمد بن احمد بن علی بن المنشی النسوی دبیر سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه که آن را در سال ۶۳۹ تألیف کرده‌است. موضوع کتاب تاریخ کاملی از اوضاع ایران در زمان آخرین سلطان خوارزمشاهی جلال‌الدین منکبرنی و هجوم تاتار است . مؤلف پیش از شروع به ذکر حوادث مغول از کشورچین وحدود وثغور آن و قبیلهٔ چنگیز و اقامتگاه مغول سخن می‌گوید و به‌ذکر حال سلطان محمد خوارزمشاه و اتابکان وسعدبن زنگی و کسانی که با دربار خوارزمشاه ارتباط داشته‌اند می‌پردازد و دراین‌قسمت به اختصار می کوشد ولی سلطنت سلطان جلال‌الدین را بطور مشروح بیان می کند و در ضمن ازمأموریتهای خود و مصاحبتهای خود با سلطان وجدائی از او سخن می‌گوید و احوال سلطان رادر هنگام حملهٔ تاتار و سختی کار او پس از هزیمت شرح می‌دهد . مؤلف سوءِ تدبیر امیران وتأثیرش‌را درایجاد این وقایع یادآوری

می‌کند . نثر کتاب به صنایع لفظی آراسته است و مؤلف درمیان کلام اغلب از آیات قرآن شواهدی ذکر می‌کند و نکته‌های حکیمانه‌ای تذکر می‌دهد .

کتاب سیرهٔ جلال‌الدین تاریخ ذیقیمتی است که مؤلف همهٔ وقایعی را که خود به چشم دیده و حتی در آنها دخالت داشته، نقل می‌کند . (ترجمه به فارسی به‌وسیلهٔ محمد علی ناصح ، چاپ تهران)

سیرالعباد الی‌المعاد (ك) منظومه‌ای از آثار حکیم سنائی غزنوی شاعر بزرگ قرن ششم که آن را در سرخس به نام سیف الدین محمد بن منصور قاضی سرخسی ساخته است . شاعر در این منظومه از خلقت انسان و عقل و نفس ومباحث اخلاقی سخن گفته است. (چاپ تهران)

سیرالملوك (ك) «رجوع شود به خداینامه»

سیف اسفرنگی (ت) [ف : اواخر قرن ششم] مولانا سیف‌الدین‌الاعرج ازشاعران معاصر خوارزمشاهیان، اصلش از اسفرنگ ماوراءالنهر بوده و در عهد ایل‌ارسلان خوارزمشاه از بخارا به خوارزم رفته و به خدمت او رسیده‌است . وی معاصر مجیر بیلقانی و ضیاءالدین خجندی بوده و با ایشان مشاعره و معارضه داشته‌است .

ازممدوحان او سلطان سنجرسلجوقی،وخسروملك‌غزنوی وتاج‌الدین محمودخان بن‌محمد ارسلان خوارزمشاهی می‌باشند .

سیفی (ت) علی‌بن احمدسیفی نیشابوری ازشاعران‌نیمهٔ آخرقرن ششم،

مداح سلطان تکش (۵۶۸—۵۹۸)قصیده‌ای نیز درمدح شاه‌محمود پسر ارسلان خان از شاهان آل‌افراسیاب‌دارد . شمس قیس‌ابیاتی ازاو که‌درهرمصراع‌سنگ‌وسیم‌را التزام کرده‌درالمعجم آورده‌است. قصاید و غزلیات مصنوع دارد وچند غزل از او در لباب‌الالباب آمده است .

سیمرغ (ش ـ د) پرنده‌ای افسانه‌ای که بنابر داستان شاهنامه زال‌پسر سام را ازکوه البرز برگرفت و با جوجه‌های خود پرورش داد. پس از چندی سام براثر خوابی که دیده بود به دنبال پسر آمد . سیمرغ زال را به سام سپرد و پری از خود به او داد تا در هنگـام لزوم به آتش افکند و اورا به کمك بخواهد. سیمرغ به‌این‌ترتیب در جنگ رستم و اسفندیار به خواهش زال به یاری رستم‌شتافت وبه تدبیر او اسفندیار به دست رستم کشته شد .

تهمتن گزاندرکمان راند زود بدان‌سان که‌سیمرغ‌فرموده‌بود

«شاهنامه»

در منظومهٔ «منطق‌الطیر» عطار سیمرغ به عنوان‌شاه‌مرغان و تمثیلی از وحدت وجود آمده که مقر او در کوه قـاف است و مرغانی که به طلب او می‌روند،پس از رسیدن به مقصود درمی‌یابند که آن مرغ افسانه‌ای وجودی جز خود آنان نیست ، زیرا که از همهٔ مرغانی که به‌این سفر رفته‌بودند، تنها سی‌مرغ به‌مقصدرسیدند وغرض از سیمرغ همان سی‌مرغ بوده است.

خویش را دیدند سیمرغ‌تمام بودخود سیمرغ سی‌مرغ‌مدام

«منطق‌الطیر»

سینا (تن) نام ناحیه‌ای که کوه‌طور یعنی کوهی که موسی برای‌مناجات برسرآن می‌رفت ، در آن واقع است .

آشنـــای طور سینا موسی عمران بـــود
تا که ازمعجزعصا در دست‌او گرددچومار

«امیر معزی»

DATE LABEL

ش

شاپور (ش ـ ت) شاپور اول پسر اردشیر بابکان از دختر اردوان که تا هفت‌سالگی پدر از وجودش بیخبربود و آخر وزیری که‌مادرش را پنهان کرده‌بود ، اورا نزد پدر آورد . شاپور روزی به شکار رفت، در باغی دختری‌دید که برسرچاهی دلوسنگینی را که‌دیگران از بیرون‌کشیدنش عاجز بودند ، به آسانی بیرون کشید . چون از نژادش پرسید دختر خود را زادهٔ مهرك نوش‌زاد ، از دشمنان اردشیر معرفی کرد که همهٔ خاندانش به‌دست اردشیر کشته شده بودند . شاپور دختر را به‌زنی گرفت و از او پسری به نام هرمز یافت. شاپور سی‌سال شاهی کرد و در زمان او میان ایران و روم جنگی درگرفت که به شکست رومیان انجامید .

شاپور دوم (ش ـ ت) دهمین پادشاه ساسانی ، پسر اورمـزد و معروف به شاپور ذوالاکتاف وی در شکم مادر بود که به سلطنت رسیدو سالیان دراز پادشاهی کرد و در بسط قدرت ساسانیان کوشید. مانی نقاش که‌ادعای پیغمبری داشت به‌فرمان شاپور ذوالاکتاف کشته‌شد.

شاکر بخاری (ت) شاکر بخاری از شاعران قرن چهارم که در ماوراءالنهر می‌زیسته است. از این شاعر اشعار بسیاری نمانده، ولی خسروانی شاعر قرن چهارم نام او را در شعر آورده است و بعضی از اشعار او در کتابهای لغت بعنوان شاهد ذکر شده است.

شاه ابورجا (ت) [ف: در حدود ۵۹۸] حکیم شهاب‌الدین شاه‌علی ابورجاء غزنوی. از شاعران قرن ششم. او را معاصر بهرامشاه غزنوی دانسته‌اند و مدح بهرامشاه در قصایدی که از او باقی مانده دیده می‌شود. از احوال او اطلاع صحیحی در دست نیست و اشعاری از او در تذکره‌ها باقی است.

شاه قاسم انوار «رجوع شود به انوار»

شاهنامه (ك) نام شاهنامه بر کتابهای منثور یا منظومی اطلاق می‌شود که در شرح تاریخ و داستانهای ملی ایران نوشته شده باشد. شاهنامه نویسی در قرون اولیهٔ اسلام مورد توجه عده‌ای از دانشمندان و امیران و سرداران ایرانی خاصه رجال قسمت شرق ایران قرار گرفت و کتابهائی به تقلید خداینامه و سیرالملوك ابن مقفع و محمد بن جهم برمکی و زادویه پسر شاهویه نگاشته شد. نام شاهنامه هم درست ترجمه «خوتای نامك» پهلوی است. اصل خدای نامه و ترجمهٔ آن یعنی سیرالملوك در دست نیست.

۱ ــــ از شاهنامه‌های منثور فارسی شاهنامه‌ای است که ابوالمؤید بلخی شاعر و نویسندهٔ ایرانی در آغاز قرن چهارم نوشته است و اصل آن در دست نیست. اما در کتابهای تاریخی قرون بعد، از آن

کتاب و داستانهایش یاد شده است .

۲ - دیگر شاهنامهٔ ابوعلی بلخی است که آن نیز منثور بوده است . چنانکه از گفتهٔ ابوریحان در کتاب آثارالباقیه مستفاد می‌شود شاهنامهٔ ابوعلی کتابی معتبر و مستند به اسناد مهم بوده و بیشتر مبتنی برروایات مکتوب بوده است .

۳ - دیگر شاهنامهٔ ابومنصور محمدبن عبدالرزاق است . ابومنصور محمدبن عبدالرزاق سپهسالار خراسان بود که نسب خودرا به‌شاهان قدیم ایران می‌رساند وبر اثر تعصب‌نژادی وعلاقهٔ بسیار به ایران به تألیف شاهنامه قیام کرد و وزیر خود ابومنصور المعمری را مأمور کرد تا دانشمندان وصاحبان کتب را ازاطراف خواند و درطوس گرد آورد و به‌تدوین شاهنامه برگماشت .

این‌شاهنامه ازشاهی کیومرث تایزدگردشهریار آخرین‌شاه ساسانی‌است وتاریخ تألیف آن۳۴۶هجری می باشد. مآخذ ومدارك این‌شاهنامه کتابها ودفترهای‌قدیم‌وبعضی‌روایتهای‌شفاهی بوده‌است. این کتاب‌مأخذاصلی‌واساسی‌فردوسی‌درنظم‌شاهنامه‌قرارگرفته‌است.

۴ - دیگر شاهنامهٔ منظوم مسعودی مروزی است . مسعودی مروزی نخستین شاعری است که روایتهای حماسی ایران را به نظم‌آورد . این شاهنامه درحدود سیصد هجری سروده شده و جز چند بیت از آن در دست نیست .

۵ - دیگرشاهنامهٔ دقیقی یا گشتاسب‌نامه است . ظاهراً دقیقی شاهنامه را به امرنوح‌بن‌منصور (۳۶۵ – ۳۸۷) به رشتهٔ نظم کشید.

این شاهنامه مربوط به ظهور زرتشت و داستان جنگ گشتاسب و ارجاسب است .

دقیقی با انتخاب بحر متقارب برای حماسه و نشان‌دادن راه نظم روایات ملی توانست پیشقدم فردوسی در نظم شاهنامه بشود.

شاهنامهٔ فردوسی بزرگترین منظومهٔ حماسی و تاریخی ایران بلکه جهان است . فردوسی در جوانی علاقهٔ فراوانی به نظم داستانهای کهن داشت و پس از آنکه گشتاسب‌نامهٔ دقیقی را دید بسیار مایل گشت که کار او را دنبال کند . یکی از دوستان او را یاری کرد و نسخه‌ای از شاهنامهٔ منثور ابومنصوری برایش فراهم کرد و او با شوق عظیم کار را شروع کرد. تاریخ شروع شاهنامهٔ فردوسی درحدود سالهای ۳۷۰ و ۳۷۱ و تاریخ اتمامش درحدود ۴۰۰ هجری است و فردوسی خود به سی‌سال رنجی که در نظم شاهنامه تحمل کرده اشاره می کند. فردوسی پس‌از اتمام شاهنامه چندین بار در آن تجدیدنظر کرده، بعضی ابیات را تصحیح کرده یا چیزی بر آن افزوده است . فردوسی در نقل داستانها امانت بسیار به کار برده است و هرگز احساس و تعصب شخصی را دخالت نداده و به‌جعل داستانی نپرداخته و به حماسهٔ ملی ایران دست نبرده و در اصل مطلب تصرفی نکرده‌است ، اما دربیان مطالب و توصیف مناظر و وصف میدانهای جنگ‌ و بیان احساسات و عواطف انسانی بسیار زبردستی نشان‌داده‌است.

مهمترین مأخذ فردوسی، همین شاهنامهٔ ابومنصوری است ولی دربعضی از داستانهای منفرد از شاهنامهٔ ابومنصوری استفاده

نکرده‌است ، مانند داستان بیژن و منیژه، رزم رستم و اکوان دیو ، داستان رستم وسهراب. فردوسی داستانهای پراکنده‌ای به‌دست آورده و آنها را به نظم کشیده و در جای جای شاهنامه گنجانده است .

موضوع شاهنامه تاریخ ایران قدیم است از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض ساسانیان به دست اعراب . شاهنامه را بر سه‌قسمت می‌توان تقسیم کرد. ۱ـ دورهٔ افسانه‌ای ۲ـ دورهٔ پهلوانی ۳ـ دورهٔ تاریخی .

۱-دورهٔ افسانه‌ای ـ یعنی عهد کیومرث و هوشنگ وطهمورث وجمشید وضحاك تا ظهور فریدون. این دوره عهد پی بردن به‌خوراك و پوشاك ومسکن وپیدایش آتش وآموختن زراعت وپیشه است. دراین دوره بیشتر اساس داستان شاهنامه نزاع آدمیان و دیوهاست. مطالب در نهایت اختصار است . شاهنامه تا اواخر عهد ضحاك بیشتر ارزش افسانه‌ای دارد .

۲ـ دورهٔ پهلوانی ـ این دوره از قیام کاوه آغاز می‌شود وبه قتل رستم و سلطنت بهمن پسر اسفندیار پایان می‌پذیرد . این قسمت حماسهٔ واقعی ملی ایران است . در این دوره پهلوانان داستانهای حماسی ظاهر می‌شوند . کاوهٔ آهنگر ، گرشاسب ، سام، نریمان دیده می‌شوند. جنگهای بین تورانیان و ایرانیان آغاز می‌شود . پهلوانی‌ترین دوره‌های تاریخ ایران در شاهنامه ، عهد کیان تا پایان سلطنت گشتاسب است. رستم بزرگترین پهلوان ایران در این دوره نمایان می‌شود . پهلوانانی مانند گودرز ، بیژن،

فرامرز ، سهراب ، گیو در این دوره دیده می‌شوند .

مهمترین داستانهای پهلوانی هم مربوط به این عهد است. از قبیل داستان رستم و سهراب ، رستم و افـراسیاب ، هفتخوان رستم، رزم هاماوران ، داستان سیاوش ، کیخسرو، بیژن ومنیژه ، جنگ کیخسرو و قتل افراسیاب ، دل بر کندن کیخسرو از جهان و ناپدید شدن او ، داستان رستم و اسفندیار و امثال آن. این‌دوره را باید دورهٔ جنگهای طولانی دانست که شامل اتفاقات وحوادث خارق‌العاده است .

دورهٔ سوم دورهٔ تاریخی است یعنی دوره‌ای که اشخاص و اعمال تـاریخی جای افراد خـارق‌العاده و اعمال پهلوانی را می‌گیرد . دورهٔ تـاریخی شاهنامـه از عهد دارای داراب شروع می‌شود . تاریخ اشکانیان در شاهنامه بسیار به اختصار ذکر شده است . نخستین داستان این دوره ازشاهنامه داستان اسکندراست. بعد اردشیر بـابکان ، شاپور ذوالاکتاف ، بهرام گور ، هفت بزم نـوشیروان ، جنگ خاقان و نوشیروان ، داستان خسرو شیرین و غیره. اغلب این داستانها جنبهٔ تاریخی دارند واشخاص این‌داستانها افراد معمولی هستند نه خارق‌العاده .

در این قسمت غیر از جنگها از حـوادث دیگر از قبیل ترجمهٔ کتاب و اختراع وسایل بازی، جشن،روابط میان دربارهای شاهان و جشنها یاد می‌شود .

شاهنامه در حفظ غرور ملی و احیای مفاخر گذشتهٔ ایران

اثر بسیار مهمی داشته است . بعد از شاهنامه عـدهٔ بسیاری تحت تأثیر آن قرار گرفتند و بـه ساختن داستانهای حماسی به همان وزن پرداختند . در قرون اخیر شاهنامهٔ فردوسی در همه جای‌دنیا مورد توجه قرار گرفت و از آن ترجمه‌های مختلف به عمل آمد.

فردوسی در وصف نهایت قدرت را نشان داده است . چنانکه در توصیف میدانهای جنگ و لشکرکشی و جنگهای تن به تن و وصف شجاعت و مـردانگی و جنگجوئی و دلاوری پهلوانان ایـران با چنان مهارتی سخن می‌گوید که خواننده همهٔ آنهارا پیش چشم می‌بیند. شاهان وشاهزادگان همه با فر وشکوه و دارای خصائل پهلوانی‌اند . در شاهنامه عـلاوه بر داستانهای پهلوانی بـه داستانهای عشقی زیبایی بر می‌خوریم کـه به رقت احساس و لطف بیان و عفت و پاکدامنی آمیخته است . داستان زال و رودابه و منیژه و بیژن و سودابه و سیاوش از بزرگترین‌و زیباترین داستانهای عاشقانهٔ شاهنامه است . در شاهنامه اشارات اخلاقی ونصایح نیز دیده می‌شود. پندها اغلب درپایان داستانها و هنگام قتل ومرگ اشخاص آمده است .

بیان فردوسی بسیار ساده و روان و در عین حال متین و استوار است و اگر چه در شاهنامه به صنایع لفظی بر می‌خوریم ولی این صنایع از روانی شعر نمی‌کاهد . شاهنامه علاوه بر زنده نگهداشتن تاریخ‌ایران به‌زبان‌فارسی نیز خدمت‌بزرگی کرده‌است. دربارهٔ سبك شعر و زبان شاهنامه کتابها می‌توان تألیف کرد .

شاه نعمة‌الله ولی (ت) «رجوع شود به نعمة‌الله کرمانی»

شاهی (ت) [ف:۸۵۷] امیر آق‌ملك بن ملك جمال‌الدین از غزلسرایان قرن نهم که در خدمت بایسنقر میرزا پسر شاهرخ می‌زیست، مولدش سبزوار است و در همانجا وفات یافت. غزلهای لطیف از او باقی است.

شبانکاره (ت) محمد بن علی شبانکاره از مورخان و شاعران قرن هشتم و معاصر ابوسعید. اثر معروف او کتاب مجمع‌الانساب است در تاریخ عمومی عالم.

شبان وادی ایمن (تن) کنایه از موسای پیغمبر که برای شعیب شبانی کرد و دختر اورا به زنی گرفت.

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد

که‌چند سال به‌جان خدمت شعیب کند

«حافظ»

شبدیز (ش ـ د) نام اسبی که شیرین به خسرو پرویز بخشیده بود.

اگر شبدیز خسرو را تکی هست

ز تیزی نیز گلگون را رگی‌هست

«نظامی»

شبستری (ت) [ف: ۷۲۰] سعدالدین محمود بن عبدالکریم شبستری. از عارفان بزرگ قرن هفتم و اوایل قرن‌هشتم. وی در قریهٔ شبستر نزدیك تبریز متولد گشته و ظاهراً همهٔ عمر را با آرامش در همان شهر یا نزدیك آن به‌سر برده و همانجا وفات یافته‌است. شهرتش درعهد الجایتو و ابوسعید بود و ازجملهٔ فاضلان و بزرگان متصوفه

بشمار می‌آمد ، چنانکه از هر جا برای پرسیدن مسائل فلسفی و عرفانی به حضورش می‌رسیدند . از آثار معروف او مثنوی «گلشن راز» است در تصوف . دیگر رسالهٔ «حق‌الیقین» و رسالهٔ «شاهد» است . رسالهٔ «سعادتنامه» و «مرآة المحققین» در تصوف نیز به او منسوب است .

رسالهٔ حق‌الیقین و مرآت‌المحققین در مجموعهٔ عوارف المعارف در شیراز چاپ شده است .

شب قدر یا لیلة‌القدر یکی از شبهای ماه رمضان که در قرآن به آن اشاره شده‌است و گویا شب بیست و هفتم است .

آن شب قدری که گویند اهل‌خلوت امشب‌است
یارب این تأثیر دولت از کدامین کوکب است
«حافظ»

شبلی نعمانی (ت) [ف: ۱۳۳۲] از نویسندگان نامی هندوستان که در سال ۱۲۷۵ هجری در هند متولد شده و تحصیلات خود را در تاریخ و فلسفه و ادب انجام داده و از استادان عصر خود گشته است . شبلی سفری به مکه کرد وچندی در مدینه ماند و به‌مطالعهٔ کتابهای نفیس پرداخت و در باز گشت به هند به استادی زبان فارسی و عربی «کالج علیگره» منصوب شد و مدت شانزده سال به تدریس اشتغال داشت ، پس از آن به حیدرآباد دعوت شد و به سمت مستشاری معارف حیدرآباد دکن منصوب گشت و پس از مدتی ریاست انجمن علمی در لکنهو به او واگذار شد و در

آنجا خدمتهای ذیقیمتی انجام داد .

شبلی آثار فراوانی به زبان اردو و فارسی و عربی‌دارد که از همه معروفتر کتاب شعرالعجم به زبان اردوست . شبلی علاوه بر مقام نویسندگی و احاطه بر زبان فارسی و عربی شعر نیز می‌سرود و به فارسی صاحب دیوان می‌باشد .

شب یلدا (نج) شب اول دی که درازترین شبهای سال است .

همه‌شبهای غم آبستن روز طرب است

یوسف روز به چاه شب یلدا بینند

«خاقانی»

شَتْر (زحاف) (ع) در مفاعیلن مجموع قبض و خرم است یعنی حذف میم و یاء که می‌ماند فاعلن و آن را اشتر خوانند.

شرح اشارات (ك) کتابی از خواجه‌نصیر در تفسیر اشارات ابوعلی سینا در منطق و حکمت که، پیش ازخواجه نصیرالدین، امام فخررازی برآن‌شرح‌نوشته ودرضمن‌اعتراضاتی‌برابوعلی‌سینا واردساخته‌بود. خواجه‌نصیرطوسی‌در شرح‌اشارات آن‌اعتراضات‌را ردکرده‌است.

شرح مشکلات دیوان انوری (ك) عدهٔ بسیاری از نویسندگان بر دیوان انوری شاعر معروف قرن‌ششم شرح نوشته‌اند، از آن جمله‌شرحی است که به‌وسیلهٔ ابوالحسن‌حسینی فراهانی (مقتول ۱۰۴۰) انجام گرفته است. مؤلف معاصر وزیر امام قلیخان حاکم فارس بوده و در حدود سال ۱۰۱۵ این کتاب‌را تألیف‌کرده است . (انتشارات دانشگاه تهران)

شرف (نج) «رجوع شود به قدر»

شرف‌الدین حسام (ت) حسام‌الائمه محمدبن ابوبکر نسفی از دانشمندان معروف قرن ششم. درانواع علوم دینی استاد بوده و هرروز آدینه مجلس وعظ داشته که در آن اشعار زیبائی می‌خوانده است. قصیده‌ای دارد با ردیف «نشکند» در مدح رکن‌الدین ابوالمظفر قلچ طمغاج خان از سلاطین خانیهٔ ماوراءالنهر. این قصیده درزمان حیات شاعر معروف شده است.

شرف‌الدین شفروه (ت) از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم. اهل شفروهٔ اصفهان می‌باشد و در خدمت اتابك شیرگیر برادر اتابك ارسلان آبه از سران دولت سلاجقهٔ عراق بوده و او را مدح کرده است. تذکره نویسان اورا ملك‌الشعراء اتابك شیرگیر دانسته‌اند. هدایت دیوان او را در هشت هزار بیت دانسته است.

شرف‌الدین فضل‌الله (ت) شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی از ادیبان و شاعران قرن هفتم و اوایل قرن هشتم. وی توسط خواجه غیاث‌الدین‌محمد به‌خدمت الجایتورسید وبیشترنوشته‌های خودرا به نام خواجه غیاث‌الدین محمد و اتابك نصرةالدین احمد شاه لرستان تألیف کرده است.

از آثار معروف او تاریخ معجم فی آثار الملوك‌العجم است در ذکر مآثر شاهان قدیم ایران. دیگر الترسل‌النصرتیه در فن انشاء و بیان سخن و شناختن ارباب سخن. شرف‌الدین فضل‌الله درنثر از پیروان وصاف است.

شرف‌الدین علی یزدی (ت) [ف: ۸۵۸] ازادیبان و شاعران اوائل دورهٔ تیموری که شرف تخلص می‌کرده و در فن معماسرائی زبردست بوده است. عمدهٔ شهرت شرف‌الدین درزمان شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰) می‌باشد. وی پیوسته مصاحب آن پادشاه و پسرش میرزا ابراهیم بوده است. هنگامی که شاهزاده ابراهیم سلطان در فارس واصفهان حکومت داشت شرف‌الدین علی را نزد خود خواند و به ندیمی ومشاوری برگزید.

شرف‌الدین به درخواست او به نوشتن ظفرنامهٔ تیموری پرداخت. وقتی که شاهرخ به اصفهان تاخت، برشرف‌الدین بدگمان شد و او را به سمرقند فرستاد و او پس از مرگ شاهرخ به یزد برگشت و در قریهٔ تفت ساکن شد. از آثار معروف او «ظفرنامهٔ تیموری» است در تاریخ تیمور.

شریف جرجانی (ت) «رجوع شود به جرجانی»

شست کله (ت) امیرالشعرا شمس‌الدین احمدبن منوچهر شست کله. از شاعران معروف قرن ششم و از درباریان سلطان طغرل بن ارسلان. عنوان شست کله را به خطا به منوچهری دامغانی نیز نسبت داده‌اند و این اشتباه به مناسبت اسم احمد ونام پدر شمس الدین که منوچهر بوده پیش آمده است.

ششتری (ت) [مقتول: ۱۰۱۹] سید نورالله‌بن شریف‌المرعشی شوشتری از سادات مرعشی و اهل شوشتر که مقیم هندوستان گشته و سالها از طرف اکبر شاه سمت قضاوت لاهور و پنجاب را داشته‌است.

کتابهایش بیشتر دربارهٔ امور دینی است و معروفترین آنها به‌فارسی «مجالس المؤمنین» است . قاضی نورالله در زمان جهانگیر شاه به جرم ثبات عقیده در مذهب شیعه به قتل رسید .

شش جهت (م) مقصود شمال‌وجنوب ومشرق ومغرب و زیر وبالااست.

شهری‌است پر کرشمه و خوبان ز شش‌جهت
چیزیم نیست ورنه خریدار هر ششم
«حافظ»

شطرنجی (ت) دهقان علی شطرنجی از شاعران بزرگ نیمهٔ دوم قرن ششم در ماوراءالنهر . نظامی عروضی او را از شاعران آل‌خاقان شمرده است . اشعارش بیشتر قطعاتی است در پند و اندرز .

شعر (ب) کلامی است موزون و مقفی . از زمانهای قدیم دربارهٔ شعر تعریفهای گوناگونی برجاست . ارسطو شعر را در برابر نثر قرار داده و از شعرسخن موزون اراده می کند. در نظر وی شعر از وزن جدا نیست، اما میان شعر و نظم فرق گذاشته است. اصل شعر را در معنی و مضمون می‌جوید و صورت شعر را که مقید به وزن و قواعد دیگر نظم است جزء ماهیت آن نمی‌داند و معتقد است که بسیاری از سخنان منظوم را نباید از جنس شعر بشمار آورد.

ابوعلی‌سینادر فن‌شعراز منطق کتاب«الشفاء»گوید:«شعرسخنی است خیال‌انگیز که از اقوالی موزون ومتساوی ساخته شده‌باشد.»

خواجه نصیر طوسی در کتاب اساس‌الاقتباس می‌گوید :

«شعر در عرف منطقی کلام مخیل است و در عرف متأخران کلام موزون ومقفی .»

اما دربارهٔ قافیه ، خواجه نصیر طوسی معتقد است که «شرط تقفیه در قدیم نبوده است و خاص است به عرب ..... پس معلوم می‌شود که اعتبار قافیه از فصول ذاتی شعر نیست بل از لوازم اوست برحسب اصطلاح .»

شعرای شامی (نج) از کواکب ثابت که بردهان کلب اصغر یا کلب مقدم است . شعرای شامی و شعرای یمانی را شعریان گویند:

چو پاسی از شب دیرنده بگذشت
بر آمد شعریان از کوه موصل

«منوچهری»

شعرای یمانی (نج) از کواکب ثابت که بر دهان کلب اکبر یا کلب الجبار است .

شعرالعجم (ك) کتابی تألیف علامه شبلی نعمانی نویسندهٔ مبرز قرن اخیر هندوستان که آن را به زبان اردو درحدود سال ۱۳۲۵هجری تألیف کرده است . موضوع کتاب شعر وشاعری در ایران است و مؤلف آن را به سه دوره تقسیم کرده است . دورهٔ قدما که از حنظله شروع می‌شود و به‌نظامی ختم می‌گردد. دورهٔ متوسطین که از کمال شروع می‌شود و به جامی ختم می‌گردد. دورهٔ متأخرین که از بابافغانی شروع می‌شود و به ابوطالب کلیم ختم می‌شود . نویسنده در بخش چهارم و پنجم به نقد شعر و تقریظ و انتقاد به شعر و شاعران می‌پردازد. (این کتاب به‌وسیلهٔ سید محمدتقی فخر داعی گیلانی در ۵ جلد به فارسی ترجمه و چاپ شده است .)

شعیب (تن) ازپیغمبران ، که چون رسالت خود را برمردم آشکار کرد عدهٔ بسیاری بر او ایمان نیاوردند . خدای تعالی برایشان عذاب فرستاد و گرما را بر ایشان مسلط کرد . کافران به صحرا رفتند و به زیر سایهٔ ابری پناه بردند ، اما از ابر آتش بارید و همه را سوخت جز مؤمنان را . شعیب موسی را ، که از مصر گریخته بود ، پناه داد و دربرابر دوسال شبانی او بجای کابین ، دخترخود را به او داد .

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد

که چندسال به جان خدمت‌شعیب کند

«حافظ»

شغاد(ش ـ د) پسر زال که از کنیزکی خواننده به وجود آمده و به بدخوئی و ستیزه‌جوئی معروف بوده است . زال او را به درگاه شاه کابل فرستاد تا همانجا پرورش یابد . چون شاه کابل رشادت او را دید ، دختر خود را به او داد و خواست تا از باژ دادن به رستم سر باز زند، به‌این‌سبب باهمدستی شغاد، چاهی درنخجیرگاه رستم کند و با نیرنگ رستم و رخش وهمراهان اورا در چاه‌افکند و به این طریق رستم پهلوان ایرانی کشته شد .

شفاء (ك) یکی از مهمترین آثار دانشمند بزرگ ابوعلی سینا به‌زبان عربی شامل چهار قسمت : منطق، طبیعیات، ریاضیات ، الهیات . هریك از این قسمتها به مقالات و فصول تقسیم می‌شود . منطق شامل نه فن وطبیعیات شامل هشت فن و ریاضیات شامل چهار فن

و الهیات شامل ده مقاله است .

شفائی(ت) [ف:۱۰۳۷] حکیم شرف‌الدین حسن طبیب و ندیم شاه‌عباس اول که علاوه برطبابت ذوق شعر داشته ودر هزل استاد بوده‌است وغزلیات و رباعیاتی ازاو باقی‌است ومثنوئی دارد به نام نمکدان حقیقت که آن را به‌تقلید حدیقةالحقیقهٔ سنائی ساخته‌است. صائب دراشعار خود نام شفائی را باادب و احترام ذکر می کند .

شکل (ع) (زحاف) در فاعلاتن مجموع خبن و کف است ؛ یعنی‌حذف الف و نون . می‌ماند فعلات ؛ و آن را مشکول گویند . در مس تفع‌لن حذف نون و سین‌است که می‌ماند متفعل بجای آن مفاعل می‌گذارند؛ و آن‌را مشکول خوانند .

شمس‌خاله(ت) عمدةالملك شمس‌الدین محمدبن‌مؤیدالحدادی‌البغدادی. از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم و مداح سلاطین‌آل‌افراسیاب . او را شاگرد سوزنی دانسته‌انـد وضیاء خجندی سخنان فصیح و خط زیبای او را ستوده است .

شمس‌طبسی (ت) [ف : در حدود ۶۲۶] امام شمس‌الدین محمدبن عبدالکریم طبسی ازشاعران ایران دراواخر قرن‌ششم واوائل قرن هفتم . وی مداح نظام‌الملك تاج‌الدین‌محمدبن‌محمد وزیرسمرقند است وجز او امیران و بزرگان دیگر ماوراءالنهررا نیز مدح کرده است . شمس‌طبسی معاصر خاقانی بوده و در قصیده از او پیروی کرده‌است . دیوان شمس طبسی در حـدود دو هـزار بیت دارد و شامل قصاید، غزلیات، رباعیات ، مقطعات است . شمس به‌آوردن

ترکیبات خاص ومضمونهای دقیق توجـه داشته است ولی چون درجوانی درگذشته اشعار فراوانی از خود باقی نگذاشته‌است.

شمسِ‌فخری (ت) شمس الدین محمدبن سعید فخر اصفهانی‌ازنویسندگان وشاعران قرن هشتم ومعاصر شیخ‌ابواسحق اینجو . شمس فخری در سال ۷۴۵ کتابی درلغت فارسی به نام معیار جمالی نوشته که به شیخ ابواسحق اینجو تقدیم کرده است . این کتاب دارای چهار جزء است : درعروض ، قافیه ، بدایع‌الصنایع ، لغات‌زبان‌فارسی .

شمس‌قیس‌رازی(ت) [ف:اواسط‌قرن هفتم] شمس‌الدین محمدبن قیس الرازی‌ازدانشمندان‌قرن هفتم‌هجری.وی‌اهل‌ری‌بودولی‌مدتی‌درازدر ماوراءالنهروخراسان‌وخوارزم‌اقامت‌کردوبعددرفتنهٔ‌مغول‌وآشوب و انقلاب‌ایران‌مدت هفت‌هشت سال‌درشهرهای مختلف‌عراق‌بسربرد و یکی‌دوبار اسیرشحنگان‌مغول‌شد و درالتزام رکاب سلطان‌علاءالدین محمد خوارزمشاه شهربه شهر می‌گشت تا درسال ۶۲۳ از عراق به فارس مهاجرت کرد و به خـدمت اتابـك‌سعدبن زنگی رسید . اتابك وی‌را بااکرام پذیرفت وپس ازمدتی ازجملهٔ ندیمان خاص خود گردانید و پس از او اتابك ابـوبکربن سعد زنـگی همان مقام را در دربـار خود بـه او داد . از آثـار شمس قیس کتاب المعجم فی معائیر الاشعارالعجم والمعرب فی معائیرالاشعارالعرب و کتاب الکافی فی العروضتین والقوافی که گویا اصل دو کتاب فوق می‌باشد. (المعجم به‌تصحیح مرحوم محمد قزوینی وبه‌تجدید تصحیح‌وتحشیهٔ مدرس رضوی چند بار چاپ شده‌است .)

شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی(ت) [ف: ۴۰۳] از امیران خاندان زیاری و از ادیبان معروف که در نظم و نثر تازی دست داشته است. شمس‌المعالی در عصر عضدالدوله حکومت گرگان را داشت، ولی با فخرالدوله که از ملك پدر بی‌بهره‌شده، بر ضد عضدالدوله برخاست در سال ۳۷۰ از او شکست خورد و به‌خراسان پناه برد و هیجده سال در نیشابور در پناه غزنویان ماند و در سال ۳۸۸ به گرگان بازگشت. سرانجام در سال ۴۰۳ به وسیلهٔ مخالفان که با پسرش منوچهر همدست شدند محبوس و کشته شد.

از آثار معروف او کمال‌البلاغه است که شامل مجموعه‌ای از رسائل او می‌باشد و قطعاتی از اشعار فارسی و عربی نیز از او باقی مانده است. گنبدقابوس که قبر شمس‌المعالی است و به وسیلهٔ خود او ساخته شده است از مهمترین ساختمانهای ایران در قرن چهارم هجری محسوب می‌شود.

شواهدالنبوة(ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۸۵ به خواهش امیر علیشیر نوائی تألیف کرده است. این کتاب مشتمل بر یك مقدمه و هفت رکن و یك خاتمه است، در بیان شواهد و دلایل قبل از ولادت پیغمبر، وقایع بعد از تولدتابعثت، وقایع از بعثت تا هجرت، وقایع از هجرت تاوفات، تفصیل وقایع بعد از وفات. دربیان شواهد و دلایلی که بواسطهٔ اصحاب و ائمه به ظهور پیوست، شواهدی که در زمان تابعین یا اتباع ایشان به ظهور رسیده است.

انشاء کتاب ساده و خالی از تکلف و عبارت‌پردازی است .

شهاب(نج) سنگها واجرام فلکی که به‌سطح زمین می‌افتند وبراثر تماس با جو مشتعل می‌شوند و شبها در آسمان مانند تیر شعله‌ور به چشم می‌آیند . قدما می‌پنداشتند که شهاب تازیانۀ آتشینی است که فرشتگان شیطان و دیوها را با آن از آسمان می‌رانند .

دیو از شهاب گشته گریزان بر آن مثال
چون خصم منهزم ز سنان خدایگان
«انوری»

شهاب‌ترشیزی(ت) [ف:۱۲۱۵]عبدالله ازشاعران قرن دوازدهم ومعاصر فتحعلی شاه قاجار که با آذر وصباحی دوستی داشته است .شهاب مدتها ملازمت دربار فتحعلی‌شاه را داشته و پس از آن گوشه‌گیری اختیار کرده و به تصوف پرداخته است . از آثار او جز دیـوان شعر مثنویهائی است به نام خسرو وشیرین ، یوسف و زلیخا ، بهرام نامه، عقدگهر .

شهاب‌ثاقب(نج) «رجوع‌شودبه‌شهاب»

دست تو سپهر نور بخش است کلك تو در او شهاب ثاقب
«جمال‌الدین‌اصفهانی»

شهاب‌الدین‌سهروردی (ت) «رجوع‌شود به‌سهروردی»

شهاب‌مؤید(ت) شهاب‌الدین احمدبن‌مؤید نسفی سمـرقندی ازشاعـران اواخر قرن ششم ومـداح ابـوالمظفر رکن‌الدین قلج طمغاج خان مسعود از شاهان خانیـه . از احـوال او اطـلاع کافـی در دست نیست . وی‌معاصر سوزنی شاعربوده واوراهجو کرده است . ابیاتی

از او در تذکره‌ها نقل شده است .

شهرستانی (ت) [ف: ۵۴۸] امام ابوالفتح تاج‌الدین محمد بن عبدالکریم شهرستانی از فاضلان و متکلمان معروف ایران که در فقه و علم الادیان صاحب تحقیق می‌باشد . اهل شارستان (شهرستان) خراسان نزدیك نسا است . شهرستانی نزد امام ابوالمظفر خوافی ، قاضی طوس ، و ابونصر قشیری و ابوالحسن علی بن احمد مدینی محدث بزرگ ، علم آموخت و از مشاهیـر عصر خود گشت . مدتی در خوارزم زیست ، سپس به بغداد رفت و پس از باز گشت همهٔ عمر را در خراسان گذراند . مدتـی در خـدمت سلطان سنجر بـود و سرانجام در مولد خود شارستان در گذشت .

از آثار معروف شهرستانی: کتاب الملل و النحل، کتاب المناهج و الایات و المصارعة است که در رد بر مسائل الهی ابن‌سینا نوشته‌شده است، دیگر کتاب نهایة‌الاقدام در علم کلام است. علاوه بر اینها شهرستانی دارای مجالسی بوده‌است که در سفرها ترتیب می‌داد . از جمله مجلس وعظی است که در نظامیهٔ بغداد داشت . این مجالس اغلب ضبط شده و یکی از آنها به زبان فارسی به خط علامه قطب‌الدین شیرازی موجود است و مـوضوع آن خلـق و امر است .

شهریارنامه (ك) مثنوی اثر مختاری غزنوی کـه آن را بـه خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم غزنـوی و از روی داستان منثوری ساخته که شهرتـی داشته است . داستان مربـوط است بـه شهریار پسر

برزو پسرسهراب پسررستم کـه مانند پدر و جـد بیخبر از نسب خود با خویشاوندانش به جنگ پرداخـت و با عم خود فرامرز به نزاع برخاست . مختاری چنانکه خود گفته است سه سال در کار سرودن آن رنج برده است.

شهریارنامه شامل سه قسمت است : قسمت اول در بارهٔ جنگهای فرامـرز پسررستم است با دیـو سیاه و با سپاه‌سالار هند. قسمت دوم دربارهٔ رفتن زال به دربار سلیمان و جنگ با دیوی است بـه نام اهـریمن. قسمت سوم پایان داستان است . این مثنوی در شمار منظومه‌های متوسط حماسی است کـه بعد از فـردوسی بـه وجود آمده است .

شهمات یا شاه مات اصطلاحی است در بازی شطرنج یعنی آنگاه کـه مهرهٔ شاه در میان مهره‌های دیگر محصور می‌شود و راهـی برای خلاص نمی‌یابد ، می‌گویند مات شده و صاحب آن مهره بازی را باختـه است . این اصطلاح در ادبیات فارسـی بسیار بکار رفته و بر کسی اطلاق می‌شود که در کاری شکست خورده است ، چنانکه خاقانی درقصیدهٔ مداین گویـد :

ازاسب پیاده‌شو برنطع زمین‌رخ‌نه　　　زیر پی‌پیلش بین‌شهمات شده‌نعمان

شهمردان‌بن‌ابی‌الخیر(ت) از عالمان و منجمان معـروف قرن پنجم. دو کتاب بـه فارسـی از او در دست است بـه نام روضة المنجمین و نزهت‌نامهٔ علائی . «رجوع شود به این دو لغت»

شهنشاه‌نامه(ك) حماسه‌ای تاریخی کـه فتحعلی‌خان صبا ملك‌الشعرای

دربار فتحعلیشاه آن را بر وزن و تقلید شاهنامهٔ فردوسی در ذکر محامد فتحعلیشاه سروده است .

شهیدبلخی(ت) [ف: درحدود۳۲۵]ابوالحسن شهید بن حسین بلخی . از شاعران دورهٔ سامانی و از حکیمان و فاضلان آن عصر . در زبان فارسی و عربی مهارت داشته ودرفلسفه نیز استاد بوده است وبا ابوبکر محمدبن زکریای رازی در مسائل فلسفی مناظراتی داشته است . از ممدوحان شیخ‌بلخی نصربن‌احمد سامانی و ابوعبدالله محمدبن‌احمد جیهانی است . شهید درانواع فنون شعر دست داشته و او را در ردیف رودکی می‌شمارند .

شیبانی(ت) ابوالنصر فتح‌الله‌بن محمد کاظم شیبانی از شاعران قرن سیزدهم هجری . در جوانی به خدمت محمد شاه قاجار درآمد و او و پسرش ناصرالدین میرزا را مدح گفت . شیبانی در نظم و نثر دست داشته و در قصیده پیرو سبك شاعران قدیم‌است. از آثار او مجموعه‌هائی است به نام درج درر،گنج گهر ، مسعود نامه ، شرف‌الملك ، کامرانیه ، زبدةالآثار .

شیخ‌اشراق (ت) «رجوع شود به سهروردی»

شیخ‌الرئیس(ت) «رجوع شود به ابوعلی‌سینا»

شیخ‌بهائی‌عاملی(ت) [ف: ۱۰۳۱] شیخ محمدبن حسین عاملی ملقب به بهاءالدین. از عالمان بنام دورهٔ صفوی و از رجال دربارشاه‌عباس. پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ از دمشق به ایران مهاجرت کرد وشیخ بهائی که در آن هنگام سیزده‌ساله بود به تحصیل فقه‌و

حکمت و ریاضیات پرداخت.

شیخ بهائی به‌فارسی و عربی تألیفات بسیار دارد که مجموع آن به ۸۸ کتاب و رساله می‌رسد. از جملهٔ مثنویهای او نان وحلوا، شیر و شکر، خلاصة‌الحساب، تشریح‌الافلاك و از همه معروفتر کتاب کشکول است که دارای نوادر حکایات و علوم واخبار واشعار عربی و فارسی است.

شیخ صنعان (د) از اشخاص کتاب منطق‌الطیر شیخ‌عطار که باهمهٔ زهد وتقوی دل به دختر ترسائی بست و دین و ایمان خود را در راه او به باد داد وخمر خورد و قرآن سوزاند و زنار بست و خوکبانی کرد و سرانجام، پس از دعای دوستان، هشیار شد و به راه آمد و از معشوق برگشت، دختر به‌دنبال او به‌راه افتاد و دین اورا پذیرفت.

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن

شیخ صنعان خرقه‌رهن خانهٔ خمار داشت

«حافظ»

شیخ طوسی (ت) «رجوع شود به طوسی»

شیرازنامه (ك) کتابی در تاریخ شهر شیراز تألیف شیخ فخرالدین ابوالعباس احمد زرکوب شیرازی که آن را در حدود سال ۷۳۴ به نام حاج‌قوام‌الدوله وزیر تألیف کرده است. این کتاب دارای یك مقدمه و چند اصل است در جغرافیای شیراز و تاریخ پادشاهان و امیران فارس و مشایخ و فاضلان و صوفیان شیراز.

مؤلف در ضمن تاریخ از کتابهایی که مورد استفاده‌اش

بوده است نام می‌برد ، مانند فارس‌نامهٔ ابن‌بلخی ، تاریخ حمزهٔ اصفهانی . نثر شیرازنامه خالی از تصنع نیست . درشرح وقایع تاریخی یا ذکر جنگها اغلب ساده و روان است و هنگام مدح یا وصف طبیعت به تشبیه و استعاره آمیخته می‌شود . مؤلف خاصه به ذکر اشعار علاقه نشان می‌دهد ، چنانکه گاهی سنوات وقایع‌را به شعر ذکر می کند .

شیرین (د) از اشخاص معروف داستان عشقی ایرانی . شیرین دختری ارمنی و برادرزادهٔ مهین بانو ملکهٔ ارمنستان است که خسرو پرویز شاه ساسانی براو عاشق‌گشت . شیرین در داستان نظامی با وجود شیفتگی بسیار برخسرو ، هرگز قدم از راه عفاف بیرون نگذاشت تاسرانجام به همسری وی درآمد . شیرین پس از آنکه خسرو به دست پسرش شیرویه کشته شد ، خود راآراست و درکنار تابوت خسرو باخنجر سینهٔ خود را درید.

شیرین و خسرو (ك) یکی از پنج مثنوی امیرخسرو دهلوی که آن را در سال ۶۹۸ به نام علاءالدین محمد در تقلید خسروشیرین نظامی سروده است .

ص

صائب تبریزی (ت) [ف : ۱۰۸۰] محمدعلی بن میرزا عبدالرحیم صائب تبریزی . از شاعران بزرگ قرن دوازدهم . پدرش از بازرگانان معروف تبریز بود . صائب اگرچه در تبریز متولد شده ، اما در اصفهان تربیت یافته است . در اوایل جوانی سفری به مکه کرد و بعد به هندوستان عزیمت نمود . چندی در کابل اقامت کرد و مورد توجه ظفرخان والی آنجا گشت و به همراهی او به دربار شاه‌جهان رفت ونزد آن پادشاه تقرب یافت . پس از مدتی بنابه دعوت پدر به اصفهان بازگشت و به دربار شاه عباس راه یافت وسمت ملك الشعرائی دربار او را یافت واورا مدح گفت .

صائب شعر فراوان ساخته و در بدیهه‌گوئی دست داشته است. از میان انواع شعر درغزل استادی نشان داده است. به سعدی وحافظ ارادت ورزیده و تحت تأثیرسخنان ایشان قرارگرفته است. سبك صائب را می‌توان سبك هندی شناخت که دارای رقت خیال و باریك اندیشی است و بعضی ابیات او حکم مثل سائر را دارد .

(دیوان صائب مکرر به چاپ رسیده است.)

صاحب بن عباد (ت) [ف: ۳۸۵] صاحب کافی اسمعیل‌بن‌عباد از رجال و نویسندگان معروف دربار دیلمی، اهل طالقان و از شاگردان ابن فارس. صاحب‌بن‌عباد در جوانی به خدمت ابن‌عمید رسید و پس ازفوت او و برکناری پسرش به وزارت مؤیدالدوله نائل آمد و تا آخر عمر در آن مقام باقی بود.

صاحب علاوه برمقام سیاسی و مملکتداری اهل‌علم وادب بوده و به شاعران و نویسندگان توجه خاصی داشته است. پیوسته به تشویق آنها می‌پرداخت و جوایز بسیار به ایشان می‌بخشید. خود نیز در علوم ادب وکلام استاد بود و کتابخانهٔ بزرگی داشت که ده مجلد فهرست آن بود. از آثار او کتاب المحیط در لغت عربی است. مجموعهٔ رسائل او نیز درمصر به‌چاپ رسیده است.

صالح (تن) پیغمبری که بر دوقوم عاد و ثمود مبعوث شد، آن دوقوم بت‌پرست بودند و به او نگرویدند و معجزه خواستند که ناقه یعنی شتر ماده‌ای با بچه‌اش از سنگ بیرون بیاید. صالح دعا کرد، سنگ به‌فرمان خدا شکافته‌شد و ناقه با بچه از آن بیرون آمد، ایشان‌منکر شدند وگفتند سحر است وسرانجام ناقه را کشتند.

شخصی زعرب ناقهٔ صالح پی کرد

پیغمبر ما حرام بر وی می کرد

صبا (ت) [ف: ۱۳۱۱] ملک‌الشعرا محمودبن محمدحسین عندلیب کاشانی در کاشان متولدشد، ولی خانواده‌اش به آذربایجان منسوب است.

پدرش محمدحسین‌خان متخلص به عندلیب و جدش فتحعلی‌خان صباست . محمودخان صبا در دربار محمدشاه و پس از آن در دربار ناصرالدین شاه مشاغل مختلف داشته و لقب ملک‌الشعرائی‌را از ناصرالدین شاه دریافت کرده است . محمودخان گذشته از شعر در حکمت و حدیث و تفسیر و علوم ادبی و حسن خط و نقاشی و منبت‌کاری دست داشت و مظهر ذوق ودارای مهارت درصنایع ظریفه بود. درقصیده پیرو عنصری وفرخی وامیرمعزی ومنوچهری بوده است و قصایدش بیشتر مدایحی است دربارهٔ ناصرالدین شاه و وصف جلوس او و سفرها وجشنها . دیوانش قریب دو هزار و پانصد بیت دارد .

صبا (ت) [ف : ۱۲۳۸] ملک‌الشعرا فتحعلی‌خان صبای کاشانی. از شاعران قصیده‌سرای زمان فتحعلی‌شاه . درجوانی شاگرد صباحی کاشانی بوده است. صبا در خدمت دیوانی درآمد وازطرف شاه حکومت قم و کاشان یافت ، سپس از طرف فتحعلی‌شاه به لقب ملک‌الشعرائی‌مفتخر شد وقصایدی درمدح آن‌شاه وشاهزادگان و امیران دربار او ساخت . صبا جز قصیده ، مثنوی وغزل و رباعی هم سروده است . از آثار او مثنوی شاهنشاه‌نامه ، خداوندنامه ، عبرت‌نامه، گلشن‌صباست. دیوانش‌شامل‌ده‌الی‌پانزده‌هزار بیت‌است. صبا از زنده‌کنندگان سبک قدیم و پیرو قصیده‌سرایان بزرگ است .

صباحی (ت) [ف : ۱۲۱۸] حاج سلیمان صباحی بیدگلی کاشانی از

شاعران قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم کـه آقامحمدخـان قاجار را مدح گفته است . صباحی در سرودن مرثیه استادی داشته و ترکیب‌بندی به تقلید کلیم ساخته است . دیوانش شامل قصاید و ترکیب بند و غزل ومرثیه است . (دیوان صباحی ـ چاپ‌تهران)

صدر (زحاف) (ع) اگر در فاعلاتن الف به معاقبت نون بیفتد ، آن را صدر گویند .

صدرالدین شیرازی (ت) [ف : ۱۰۵۰] صدرالـدین محمدبن‌ابـراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا. ازفیلسوفان وحکیمان عالیمقام‌ایران در قرن یازدهم . وی در شیراز متولد شد و پس از مرگ پدر به اصفهان سفر کرد و نزد میرداماد و شیخ بهائی به تحصیل پرداخت، پس از آن چندین بار به زیارت مکه رفت. ملاصدرا افکارفلسفی دقیق داشت و تألیفاتش در حکمت مرجع و مأخذ اهل علم بوده است، مهمترین آثار او به زبان عربی‌است .

از آثارملاصدرابه‌زبان‌عربی: اسفاراربعه وشواهدالربوبیه، شرح اصول کافی، حاشیه بر الهیات شفای ابوعلی سینا ، شرحی بـر حکمة الاشراق (سهروردی) ، کتاب واردات القلبیه و چند تفسیر دربارهٔ بعضی سوره‌های قرآن است. ملاصدرا را می‌توان‌از افتخارهای عصر صفویه به شمار آورد.

صرصر (تن) باد تند و پر صدا و در اشعار فارسی اشاره به باد سختی است که قـوم عـاد را به سبب نافرمانی از هود پیغمبر هـلاك کرد .

لشکر عادند و کلك من چوصرصر از صریر
نسل یأجوجند و نطق من چوصور اندرصدا

«خاقانی»

صرفه (نج) منزل دوازدهم از منازل قمر . در این شعر کلمهٔ صرفه به ایهام آمده است .

خصم سگدل زحسد نالد چون جبهت ماه
نور بی صرفه دهد وعوع عوا شنوند

«خاقانی»

صفوة‌الصفا (ك) کتاب بزرگی در شرح حال شیخ صفی‌الدین اردبیلی و مرشد او شیخ زاهد گیلانی . این کتاب کمی بعد از وفات‌شیخ صفی‌الدین به وسیلهٔ یکی از درویشان به نام توکل بن اسمعیل معروف به ابن‌البزاز و به تشویق و راهنمائی شیخ‌صدرالدین پسر شیخ صفی‌الدین که پس از او به مقام ارشاد رسیده ، تألیف یافته است . صفوة‌الصفا دارای یك مقدمه و دوازده باب است که هر بابی شامل چند فصل است در ذکر نسب و نژاد و کرامات شیخ و احوال او و تأویلاتی که از آیات قرآن کرده و جذبه و سماع و اصابت نظر شیخ و کرامات او بعد از مرگ و عظمت او . این کتاب قدیمترین مأخذی است که مورد استفادهٔ نویسندگان تاریخ صفویه قرار گرفته است .

صفورا (تن) دختر شعیب و زوجهٔ موسی «رجوع شود به موسی»

موسی از بهر صفورا کند آتش‌خواهی
وان شبانیش هم از بهر صفورا بینند

«خاقانی»

صلم (زحاف) (ع) درفاعلاتن حذف سبب و قطع‌وتد است که می‌ماند فاعل . بجـای آن فع‌لن می‌گذارند . و آن را اصلم خوانند . در مفعولات‌حذف لات‌است که می‌ماند مفعوبجای آن فع‌لن‌می‌گذارند و آن را اصلم می‌خوانند.

صور اسرافیل ـ صوریا شاخی که اسرافیل ملك مقرب برای‌زنده‌کردن خلق در روز قیامت درآن می‌دمد .

سربرون زد ز مهد میکـائیل　　به رصـدگاه صوراسرافیل

«نظامی»

صورفلکی (نج) صورتهائی‌است که منجمان برای شناختن ستاره‌هافرض کرده اند . صور فلکـی چهل و هشت است . دوازده صورت بر منطقةالبروج است و بیست و یك برشمـال منطقةالبروج و پانزده برجنوب آن . صور فلکی منطقةالبروج از این قرار است :

حمل، ثور، جوزا، سرطان ، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت .

صورتهای شمالی عبارت است از :

دب اصغر ، دب اکبر ، تنین ، قیفـاوس ، عوا ، فکه یا اکلیل ، جاثی علی‌رکبته ، لورا یا کَشَفْ ، دجاجه ، ذات‌الکرسی ، برساوس ، ممسك‌العنان ، حوا ، حیةالحوا ، سهم ، عقاب، دلفین، فرس اول ، فرس ثانی ، اندرومیدا یا مسلسله ، مثلث .

صورتهای جنوبی منطقةالبروج :

قیطس ، جبار ، نهر ، ارنب ، کلب اکبر ، کلب مقدم ،

شجاع ، سفینه ، کاس، غراب ، قنطورس، سبع ، مجمره ، اکلیل جنوبی ، حوت .

صوفی (ت) به‌قولی از کلمهٔ صوف است و به معنی پشمینه‌پوش است که اشاره به فقر و قناعت است و به کسی می‌گویند که پیرو و معتقد مسلك تصوف و عرفان است .

صوفی الرازی (ت) [ف: ۳۷۶] ابوالحسین عبدالرحمن‌بن‌عمرالصوفی الرازی . از دانشمندان و منجمان معروف قرن چهارم هجری که عضدالدولهٔ دیلمی نزد وی به تحصیل نجوم پرداخت، عبدالرحمن دربارهٔ صورتهای فلك‌البروج کتابی به زبان عربی تألیف کرده است به نام صورالکواکب الثابته یا الصور السمائیه که آن را به عضدالدوله تقدیم کرده است . ترجمهٔ فارسی این کتاب موجود است .

DATE LABEL

ض

ضحاك (ش ـ د) ضحاك یا بیوراسب . از نژاد عرب که بر طبق داستان شاهنامه به اغوای ابلیس پدر را کشت و ابلیس دو کتف او را بوسید و ناپدید شد . پس از آن از جای بوسه‌ها دو مار بیرون آمدند که ضحاك را بسیار رنج می‌دادند و هرچه آنها را قطع می‌کردند ، باز می‌روئیدند . پزشکان چارهٔ آن‌را نمی‌دانستند تا آنکه ابلیس به صورت پزشکی برضحاك ظاهر شد و داروی دردش را که مغز آدمی بود، به او نشان داد . از آن پس هرروز دوجوان را می‌کشتند تاغذای مارهای کتف ضحاك شود . ضحاك بر ایران چیره شد و جمشید راکشت و برتخت نشست و بسیار ستم کرد چنانکه مردم ازستم او به‌جان آمدند. سرانجام آهنگری به نام‌کاوه که ضحاك پسرانش راکشته بود ، مردم را به شورش دعوت کرد وفریدون راکه از نژاد تهمورث بود ، به سلطنت خواند . فریدون ضحاك را اسیر و در کوه دماوند زندانی کرد .

دست آهنگر مرا در مار ضحاکی کشید

گنج افریدون چه سود اندر دل‌دانای من

«خاقانی»

ضیاء خجندی (ت) [ف: ۶۲۲] خواجه ضیاءالدین‌بن جلال‌الدین مسعود خجندی. ازشاعران‌معروف قرن ششم واز شاگردان‌امام فخررازی. اصلش از شیراز است و در جوانی به خراسان رفت و در شهر خجند اقامت کرد. ضیاء خجندی، حسام‌الدین بن‌علی بیغومعروف به بیغوملك از شاهان آل‌افراسیاب را مدح کرده است. از اشعار او چند قطعه و قصیده در دست است که حاکی از استواری کلام او است.



طارم فیروزه (نج) کنایه از آسمان

بجز آن نرگس‌مستانه که چشمش مرساد
زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست

«حافظ»

طالب آملی (ت) [ف: ۱۰۳۶] ملک‌الشعرا محمدطالب آملی. ازشاعران قرن یازدهم . ابتدا در آمل مازندران می‌زیست ، سپس به کاشان و مرو و از آنجا به‌هندوستان رفت ، مدتی درشهرهای مختلف‌هند بسربرد وسرانجام به دربار جهانگیر راه یافت ودر سال ۱۰۲۸ به لقب ملک‌الشعرائی دربار او مفتخر گشت . چنانکه از گفتهٔ طالب برمی‌آید در علوم مختلف مانند هندسه ، منطق ، حکمت ، هیئت دست داشته است. دیوانش شامل قصاید و غزلیات است. اشعاری دربارهٔ خواهرخود ستی‌النساء که زن لایق‌وعاقلی بوده است دارد . همچنین منظومه‌ای به‌نام جهانگیرنامه ساخته است. طالب‌درآوردن استعاره‌های لطیف و نومهارت داشته است .

طالع (نج) در اصطلاح نجوم برج و درجه‌ای است که هنگام ولادت یا هنگام وقوع امری از افق نمودار باشد و از روی آن منجمان سرنوشت نوزاد را تحقیق و تعیین می کنند یا حکمی دربارهٔ نتیجهٔ کاری استخراج می‌نمایند.

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم
«حافظ»

درفارسی از کلمهٔ «طالع» گاهی‌مطلق معنی «بخت» دریافته می‌شود :

چشم بد دور کز این تفرقه بازت آورد
طالع نامور و دولت مادر زادت

طاووس(تن) اشاره به طاووس بهشتی است که بوتهٔ گندم را به ابلیس نشان داد، تاآدم وحوا به اغوای اوگندم را خوردند و از بهشت رانده شدند. طاووس نیز به کیفر گناه خویش از بهشت بیرون افکنده شد.

بادیه باغ بهشت و برسر خوانهای حاج
پر طاووس بهشتی را مگس‌ران دیده‌اند
«خاقانی»

طاهربن فضل چغانی (ت) [مقتول: ۵۸۱] امیرابویحیی طاهربن‌فضل‌بن محمدبن محتاج چغانی. از امیران چغانی در ماوراءالنهر و شاعر و فضل دوست و ازممدوحان‌منجیك ترمذی شاعرمعروف. طاهربن فضل در سال ۵۸۱ در جنگ با پسر عم خود ابوالمظفر چغانی

ممدوح دقیقی فراری گشت و کشته شد . عوفی ابیاتی از او نقل کرده‌است .

طبرسی (ت) [ف : ۵۴۸] شیخ ابوعلی فضل‌بن حسن‌طبرسی ازفقیهان معروف‌شیعه که در حدیث وفقه وتفسیر سمت اجتهاد دارد. طبرسی درسال ۵۲۳ از مشهد به سبزوار رفت ودرسال ۵۴۸ همانجا وفات یافت .

از تألیفات اوسه تفسیر مجمع‌البیان و الکافی الشافی و جوامع‌الجامع‌است. مجمع‌البیان از تفسیرهای مهم‌ادبی وظاهری شیعه می‌باشد وبه فارسی ترجمه شده است .

طبری(ت) [ف: ۳۱۰] ابوجعفرمحمدبن‌جریر ازفقیهان ومورخان بزرگ اسلامی در قرن سوم و چهارم اهل طبرستان بود ومقدمات علوم را در آمل فرا گرفت ، سپس‌در ری نزد محمدبن عبید رازی و مثنی بن ابراهیم الاملی به تحصیل پرداخت و برای کسب علوم عربی وادبی به‌بصره وکوفه ومصر وشام‌سفر کرد ودر تمام شهرها باعلماء ومحدثان ملاقات کرد و بغداد را برای اقامت برگزید وبه تدوین و تألیف پرداخت . طبری در علوم تفسیر ، قرائت قرآن ، حدیث، فقه، لغت ، نحو، منطق ، علوم ادب ، شعر، استادی داشته و در اکثر این علوم تألیفاتی دارد . مورخان و نویسندگان وی را صاحب مذهب واجتهاد دانسته وطریقهٔ وی را «طبریه»خوانده‌اند .

از آثار طبری کتاب : جامع‌البیان فی‌تفسیرالقرآن معروف به‌تفسیر کبیر، کتاب اختلاف‌الفقها ومهمتر ازهمه‌تاریخ‌الرسل والملوك‌است.

طبقات صوفیه (ك) از آثار معروف خواجه عبدالله انصاری. اصل این کتاب به عربی تألیف ابوعبدالرحمن محمد بن حسن السلمی نیشابوری (متوفی ۴۱۲) می‌باشد که درشرح حال پنج طبقه ازمشایخ صوفیه است. خواجه عبدالله انصاری این کتاب را به زبان هروی که یکی از لهجه‌های نزدیك فارسی است ترجمه کرده است. آنچه خواجه عبدالله انصاری در مجالس، بر طبقات‌الصوفیه سلمی شرح می گفته و مطالبی را که به آن می‌افزوده به وسیلهٔ شاگردانش ضبط وجمع آوری می‌شده است. بنابراین به اصل طبقات‌الصوفیه اطلاعات و مطالب بسیاری افزوده که کتاب را بسیار قابل استفاده کرده است.

طبقات ناصری (ك) تاریخی تألیف ابوعمر منهاج الدین عثمان بن‌محمد سراج‌الدین‌جوزجانی که آن را به نام ناصرالدین محمود شاه پسر التتمش تألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ عمومی عالم خاصه تاریخ غزنویان وشاهان غوریه وجانشینان آنهاست در غزنه و هند. در پایان فصل کامل و سودمندی دربارهٔ حملهٔ مغول به ایران وخانان مغول تا عهد هلاکو دارد. اگرچه دربارهٔ حملهٔ مغول به تفصیل نمی‌پردازد ولی چون خود معاصر این طایفه بوده و حوادث را به‌چشم دیده است، اخبارش مقرون به‌صحت می‌باشد و دربارهٔ مغول همه جا کلمهٔ «ملعون» بکار برده است. مؤلف در این کتاب از تاریخ بیهقی استفادهٔ بسیار کرده و آن را مأخذ تاریخ محمود غزنوی قرار داده و حتی در سبك نوشتن هم از آن

تقلید کرده است . در طبقات ناصری اشعار و قصایدی نیز از خود مؤلف نقل شده و لغات مغولی بار اول بکار رفته است .

الطب المنصوری (ك) تألیف دانشمند و طبیب بزرگ ایرانی ابوبکر محمدبن زکریای الرازی که آن را به نام منصوربن اسحق سامانی حاکم ری نوشته‌است. این کتاب در ده جزو است و به‌زبان لاتین ترجمه شده است .

طرفان (ع) (زحاف) از اقسام معاقبت . اگر از فاعلاتن الف و نون به معاقبت ماقبل و مابعد بیفتد آن‌را طرفان خوانند .

طریق التحقیق (ك) از آثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم که آن را به روش حدیقة الحقیقه درسال ۵۲۸ ساخته است . (چاپ تهران)

طسوجی (ت) میرزا عبداللطیف از نویسندگان قرن سیزدهم هجری ومعاصر محمد شاه قاجار است که به فرمان بهمن‌میرزا حاکم آذربایجان کتاب الف لیلة ولیلة را از تازی به‌پارسی ترجمه کرد ودرزمان سلطنت ناصرالدین‌شاه آن‌را به‌پایان رساند. «رجوع شود به‌هزارویك‌شب.»

طغرائی اصفهانی (ت) [ف:۵۱۴] فخرالکتاب ابواسمعیل حسین بن علی بن محمد اصفهانی. از بزرگان شعر وادب عربی . وزارت مسعودبن محمدبن ملکشاه از سلجوقیان عراق را داشت . وی از شاعران نامی و ادیبان عصر خود بشمار می‌رفته است . قصیدهٔ عربی او موسوم به «لامیة العجم» معروف است . طغرائی در سال ۵۱۴ به تهمت الحاد کشته شد .

طمس (ع) (زحاف) در فاع‌لاتن آن است که دو سبب یعنی لا و تن را بیندازند و عین‌راهم حذف کنند می‌ماند فا بجای آن فع می‌گذارند؛ و آن را مطموس گویند.

طوبی (تن) درختی در بهشت

باغ بهشت و سایهٔ طوبی و قصر حور

با خاك کوی دوست برابر نمی‌کنم

«حافظ»

طور (تن) کوهی که موسای پیغمبر بر روی آن به مناجات می‌رفت. گویند موسی وقتی از خدا خواست که او را ببیند. خطاب آمد «لن ترانی» یعنی «مرا نمی‌بینی» پس خدا بر کوه تجلی کرد و کوه پاره پاره شد و موسی مدهوش افتاد. گویند کوه احد از پاره‌های آن است.

شب تار است و ره وادی‌ایمن درپیش

آتش طور کجا موعد دیدار کجاست

«حافظ»

طور سینا (تن) «رجوع شود به طور»

آشنای طور سینا موسی عمران بود

تا که ازمعجز عصا دردست‌او گردد چومار

«حافظ»

طوس (ش - د) پسر نوذر و از شاهزادگان ایران که در جنگهای ایران با توران سپهدار لشکریان ایران بوده است.

طوسی(شیخ) (ت) [ف: ۴۶۰] شیخ ابوجعفر محمدبن‌حسن از بزرگترین فقیهان شیعه که در فقه و تفسیر و کلام و حدیث مرجع علمای شیعه می‌باشد. وی در سال ۴۰۸ از وطن خود طوس به‌بغداد رفته و در نجف اقامت کرده است. از آثار معروف او کتاب التبیان در تفسیر قرآن است در بیست‌جلد. دیگر مصباح کبیر، استبصار، تهذیب‌الاحکام، کتاب‌الرجال است.

طوفان (تن) اشاره به طوفانی که در زمان نوح پیغمبر واقع شد ونوح به فرمان خدا باکسانش در کشتی نشست ونجات یافت.

حافظ از دست مده دولت این‌کشتی نوح
ور نه طوفان حوادث ببرد بنیادت

«حافظ»

طویل (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست. مثال آن این است: فعولن مفاعیلن ۲ بار

طی (ع) (زحاف) درمستفعلن حذف‌فاء است که می‌ماند مستعلن، بجای آن مفتعلن می‌گذارند وآن را مطوی خوانند. در مفعولات‌حذف واو است که می‌ماند مفعلات بجای آن فاعلات می‌گذارند و آن را مطوی خوانند.

DATE LABEL

ظ

ظفرنامه (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف نظام‌الدین شامی که آن را در سال ۸۰۴ بر حسب امر تیمور تألیف کرده و شخص امیر تیمور اوراق و اسناد رسمی دربار خود را در اختیارمؤلف گذارده است. این کتاب شامل تاریخ سلطنت و داستان فتوحات تیمور است. ظاهراً تاریخ نظام‌شامی بعد از سال ۸۰۶ ادامه‌نیافته و جزئیات وقایع سال آخر حیات امیر تیمور در این تاریخ دیده نمی‌شود. حافظ ابرو درسال ۸۱۴ در زمان سلطنت میرزاشاهرخ و به فرمان وی ذیلی بر ظفرنامهٔ شامی نوشته و تاریخ امیر تیمور را تا سال آخر حیات او به قلم آورده است. این تاریخ اساس و پایهٔ تاریخ ظفرنامهٔ شرف‌الدین علی یزدی قرار گرفته است. (چاپ تهران)

ظفرنامهٔ تیموری (ك) کتابی بزرگ به شیوهٔ جهانگشای‌جوینی‌تألیف مولانا شرف‌الدین علی‌یزدی که‌آن را به سال ۸۲۸ و به‌درخواست ابراهیم سلطان‌بن شاهرخ تألیف کرده و مطالب آن را بیشتر از

ظفرنامهٔ نظام‌شامی اقتباس کرده ، حتی اغلب اشعار و آیات قرآن را عیناً از آن کتاب نقل کرده است . نثر ظفرنامه نثر فنی است و مورد توجه نویسندگان معاصر مؤلف قرارگرفته است. ظفرنامه مرجع تواریخی است که بعد از آن نوشته شده است مانند حبیب‌السیر و روضة‌الصفا .

ظلمات (تن) یا ظلمت . تاریکی که خضر پیغمبر برای بدست آوردن آب حیات به درون آن رفت

قطع این مرحله بی‌همرهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

«حافظ»

ظهوری (ت) [ف: ۱۰۲۵] نورالدین‌محمدظهوری ترشیزی. ازشاعرانی که در هندوستان بیش از ایران شهرت داشته است . مولدش ترشیز است و چندی در خراسان و عراق و فارس بسر برد و پس از آن به هند رفت بعد از مدتی اقامت در دکن به مکه سفر کرد و به هند باز گشت و تا آخر عمر آنجا ماند. ظهوری در نثر نیز شهرت فراوان داشت . از آثار او جز قصیده و غزل ومثنوی ، سه دیباچه به‌نام سه نثر ظهوری معروف است .

ظهیر فاریابی (ت) [ف : ۵۹۸] ظهیرالدین ابوالفضل طاهربن محمد فاریابی . از شاعران قصیده‌سرای معروف قرن ششم . جوانی را در فاریاب گذراند، سپس به‌نیشابور و مازندران و آذربایجان سفر کرد و در زبان عربی و حکمت و نجوم کسب معرفت کرد .

حسام‌الدوله ابوالحسن اردشیر ازملوك باوندی مازندران وطغانشاه حاکم نیشابور و محمدبن‌ایلدگز و قزل‌ارسلان بن‌ایلدگز و نصرة الدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان و طغرل‌بن ارسلان آخـرین شاه سلاجقهٔ عراق را مدح کرده است . ظهیر با شاعرانی مانند جمال‌الدین اصفهانی ومجیر بیلقانی وخاقانی شیروانی معاصربوده است . وی علاوه برعلم وادب در علوم عقلی ونجوم دست‌داشته است . قصایدش بـه سبك انوری است و در غـزل استادی نشان داده است .

ظهیری سمرقندی (ت) بهاءالدین محمدبن علی‌بن محمدبن الحسن ــ الظهیری‌الکاتب السمرقندی از نویسندگان ومترسلان اواخر قـرن ششم و اوائل قرن هفتم صاحب دیوان رسالت قلج طمغاج خان از شاهان آل‌افراسیاب. ظهیری صاحب‌تألیفات متعدداست ازجمله:

اغراض‌السیاسة فی اعراض‌الریاسة به‌نام قلج طمغاج‌خان.

این کتاب شامل لطایف کلام ملوك است از عهد جمشید تـا زمان طمغاج خان . نثرکتاب مصنوع و دارای شواهد نظم ونثر فارسی وعربی است . دیگر سندبادنامه است.

DATE LABEL

ع

عاد (تن) نام قبیله‌ای از نسل عادبن نوح که هود پیغمبر ایشان بود و به سبب نافرمانی او به طوفان باد هلاك شدند .

لشکر عادند و کلك من چو صرصر از صریر

نسل یأجوجند و نطق من چو صور اندر صدا

«خاقانی»

عارض (ت) چیزی است که انفکاکش از شیئی جایز باشد . مثل کتابت از انسان .

عارف (ت) پیرو و معتقد مسلك عرفان «رجوع شود به عرفان»

عارف قزوینی (ت) [ف: درسال ۱۳۱۲ش] میرزاابوالقاسم‌شاعرغزلسرا و تصنیف ساز معاصر که مخصوصاً به مناسبت فکر آزادیخواهی شهرت‌یافته‌است. وی از ابتدای مشروطیت ازپیشروان آزادی‌بود و اشعارش‌نمودار احساسات‌شدید وطن‌پرستانه‌است. عارف باموسیقی آشنائی داشته و اغلب از تصنیفاتش را خود در مجالس موسیقی می‌خوانده است . دیوان عارف در سال ۱۳۳۲ قمری در برلن و

پس از آن در تهران به طبع رسیده است.

عارفی هراتی (ت) [ف: ۸۵۳] محمود. ازشاعران دورهٔ تیموری که نزد دوستان به سلمان دوم مشهور بوده است. زیرا که از طرفی به روش خواجه سلمان ساوجی شعر می‌گفته و از طرفی چنانکه در مجالس‌النفایس آمده مانند او به‌چشم درد سختی مبتلا بوده است. از آثار عارفی مثنوی گوی‌وچوگان یاحالنامه است که آن را در سال ۸۴۲ به نام سلطان‌محمد، ظاهراً سلطان محمدبن بایسنقر، شروع کرده و در دو هفته به پایان رسانده است.

عازر (تن)نام مرده‌ای که به دعای حضرت عیسی زنده شد.

عیسی عهدی که از تو قالب ملکت

چون تن عازر به یك قیام برآمد

خاقانی

عاشق‌اصفهانی(ت) [ف: ۱۱۸۱] آقامحمدازشاعران‌معروف قرن‌سیزدهم. وی‌از نخستین کسانی است که پس ازسبك هندی به پیروی از شیوهٔ‌قدیم برخاست و در غزل ازشاعران قرن هفتم و هشتم مانند سعدی وحافظ پیروی کرد. (دیوان‌عاشق ــ چاپ تهران)

عالم آرای عباسی(ك) کتابی در شرح حال و سلطنت شاه‌عباس اول و اجداد او تا جلوس شاه صفی. مؤلف این کتاب اسکندر بیك منشی است که آن را در سال ۱۳۰۸ تألیف کرده است.

عاملی(ت) «رجوع شود به شیخ‌بهائی»

عباس مروزی (ت) از نخستین سخن‌سرایان ایران درقرن دوم وسوم.

معروفترین شعری که به او نسبت داده‌اند قصیده‌ای است که هنگام ورود مأمون به مرو در سال ۱۹۳ هجری در مدح او سروده است .

عبدالرزاق سمرقندی (ت) [ف:۸۸۷] کمال‌الدین عبدالرزاق بن اسحق سمرقندی از مورخان مشهور قرن نهم و معاصر شاهرخ . مولدش هرات است ، ولی چون سمرقند موطن پدرش بوده به سمرقندی معروف شده است . عبدالرزاق رساله‌ای در صرف ونحو به نام شاهرخ تألیف کرد که مورد توجه وی قرار گرفت ، سپس از طرف آن شاه به سفارت به هندوستان رفت وسه سال در آنجا ماند و شرحی دربارهٔ این سفر نگاشت .

عبدالرزاق بعداز وفات شاهرخ درخدمت میرزا عبداللطیف و میرزا ابوالقاسم بابر و سلطان ابوسعید می‌زیست و پس از آن عزلت اختیار کرد و درخانقاه شاهرخیه در هرات به منصب شیخی خانقاه منصوب گردید و به‌سال ۸۸۷ همانجا وفات یافت . ازآثار معروف او مطلع‌السعدین می‌باشد .

عبدالقاهر جرجانی (ت) «رجوع شود به جرجانی»

عبدالله انصاری (ت) [ف:۴۸۱] ابواسمعیل عبدالله بن‌محمد الانصاری الهروی از صوفیان مشهور قرن‌پنجم ومعاصر الب‌ارسلان سلجوقی وخواجه نظام‌الملک که نسبش به ابوایوب انصاری می‌رسد. تولد خواجه عبدالله در هرات بوده‌است. وی در جوانی در علوم‌ادبی و دینی وحفظ اشعار عرب شهرت یافت و در علم حدیث وفقه توانا

گشت وعرفان و تصوف را نزد شیخ‌ابوالحسن‌خرقانی آموخت و از شیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بسیار استفاده کرد. خواجه عبدالله انصاری به زبان فارسی و عربی شعر سروده و صاحب تألیفات بسیاری است، از جمله ترجمه و املاءِ طبقات‌الصوفیهٔ سلمی است به لهجهٔ هروی. دیگر تفسیری از قرآن که اساس کار میبدی در تألیف کشف الاسرار و عدة‌الابرار قرار گرفته است. رساله‌های متعددی به‌فارسی دارد مانند مناجات‌نامه، زادالعارفین، الهی‌نامه، کنزالسالکین، رسالهٔ دل و جان، قلندرنامه. خواجه عبدالله انصاری را می‌توان از پیشقدمان نثر موزون و مسجع دانست.

عبدالنبی (ت)[ف:۱۰۰۱] فخرالزمانی قزوینی. ملاعبدالنبی درقزوین متولد شد وچون به‌سن رشد رسید به‌شعر و ادب تمایل بسیاریافت، در ۱۹سالگی به‌مشهد و از آنجا به هندوستان رفت و به شهرهای مختلف آن مانند لاهور و کشمیر سفرکرد و درسال۱۰۲۸ در پتنه به دربار سردارخان‌خواجه یادگار تقرب یافت و «تذکرهٔ میخانه» را به‌نام او ساخت. ملاعبدالنبی در قصه‌دانی ماهر بود وحافظه‌ای قوی داشت، شعر می‌گفت و در شعر «نبی» تخلص می‌کرد. از آثار دیگر او«نوادرالحکایات»یا«بحرالنوادر»است که شامل حکایتها و داستانهای شیرین است وظاهراً آن را در۱۰۴۱ تکمیل کرده است.

عبدالواسع‌جبلی (ت) «رجوع شود به جبلی»

عبیدزاکانی (ت) [ف: در حدود: ۷۷۲] نظام‌الدین عبیدالله زاکانی

ازشاعران هجوسرا ونویسندگان قرن ششم .ازقریهٔ زاکان قزوین بود ، ولی مدت زیادی درآنجا بسر نبرد وبه شیراز رفت وبه آن شهرعلاقه‌مند گردید . عبید درشیراز به‌تحصیل‌علوم و فنون‌پرداخت واز فاضلان و ادیبان عصر خودگردید، سپس به بغداد سفر کرد و با سلمان ساوجی ملاقات کرد. وی معاصر حافظ است وابواسحق اینجو و وزیرش خواجه رکن‌الدین عمید را مدح گفته‌است. دیگر از ممدوحـان او شاه شجاع مظفری وسلطان‌اویس جلایر است . مجموعهٔ‌آثار عبید کلیات اوست که شامل‌قصاید، غزلیات،رباعیات، قطعـات ، اشعارهزلیه ، عشاقنامـه ، اخلاق‌الاشراف ، ریش‌نامـه ، صدپند ، تضمینات ، رسالهٔ‌دلگشا ، رسالهٔ‌تعریفات ، موش وگربـه ، سنگتراش ، فالنامـه‌است . اشعار جـدی عبید در حدود سه هزار بیت است .

عبید ازبزرگان ادب‌است . شاعری‌است منتقد و بذله‌گو که فساد زمانه را بـا زبان طنزآمیز و لحن شیرین انتقاد کرده است ونباید اورا به‌هرزه‌درایی‌نسبت‌داد.(کلیات‌عبید_ چاپ‌تهران)

عتبی (ت)[ف: ۴۲۷] ابونصرمحمدبن‌عبدالجبار عتبی ازادیبان وتاریخ نویسان قرن‌چهارم وپنجم‌هجری ومعاصرغزنویان. در آغازجوانی از شهر ری رهسپار خراسان گشته و چندی در دستگاه ناصرالدین سبکتکین‌وابوعلی‌سیمجور بسربرده‌است وکتاب‌مشهور خودرا در تاریخ‌سلطان‌محمود یمین‌الدوله وپدرش‌سبکتکین به‌نام تاریخ‌یمینی تألیف کرده‌است. ازآثار دیگر عتبی کتاب لطایف‌الکتاب است به

زبان عربی .

عجائب‌البلدان (ك) کتابی منسوب به ابوالمؤید بلخی که مؤلف در آن ازعجایب بلاد و بر و بحر سخن گفته است و صاحب تاریخ سیستان بسیاری از مطالب خود را در باب سیستان از این کتاب نقل کرده‌است. مرحوم‌ملك‌الشعراء بهار نسخه‌ای ازاین کتاب در اختیار داشته که نسخهٔ‌اصلی نبوده، بلکه از روی کتاب ابوالمؤید تحریر شده است .

عجز (زحاف) (ع) اگر در فاعلاتن نون بیفتد به معاقبت الف آن را عجز خوانند .

عدن ـ معنی لفظی آن اقامت کردن است و به باغهای بهشت اطلاق می‌شود .

بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه
که ازپای خمت‌یکسر به‌حوض کوثر اندازیم
«حافظ»

عدول(ب) آن‌است که شاعر خطای‌لفظی یا معنوی‌را جایز دارد. خطای لفظی بر چند قسم‌است .

زیادات :

مانند واو «سخون»در شعر رودکی :

بودنی بود می‌یار اکنون رطل پر کن مگوی بیش سخون

حذوف :

آدمی چون بداشت دست از صیت
هر چه خواهی بکن که فاصنع شیت

که کلمهٔ گو پیش از هر چه خواهی‌کن حذف شده است .

تغییر الفاظ مثل :

آب انگور و آب نیلوفل مرمرا از عبیر و مشک بدل

در این شعر نیلوفل بجای نیلوفر استعمال شده است .

خطای معنوی :

ای اختر سخا که ز سیر نوال خویش
هر روز در سپهر تفاخر کنی قران

شاعر اگر می‌گفت که با نجوم تفاخر کنی درست بود ، زیرا که قران ستاره با ستاره است .

گاهی شاعر ترکیبات ناخوش وتقدیم وتأخیرهای زشت و معانی واهی به کار می‌برد .

خرمن ز مرغ گرسنه خالی کجا بود
ما مرغکان گرسنه‌ایم و تو خرمنی

لفظ تو خرمنی استفادهٔ زشت است .

دیگر از عیوب شعر ، غلو در اوصاف مدح و هجاست که بحد محال برسد.

کفرست وگرنه دست جود تو لا از سر لااله بر گیرد

عراقی (ت) [ف: ۶۸۰] فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی از عارفان وغزلسرایان قرن هفتم که در همدان متولد شده و در جوانی به هندوستان سفر کرده است. عراقی در مولتان به‌شاگردی شیخ‌بهاءالدین زکریا ازبزرگان صوفیه درآمد و پس از وفات او به جانشینی‌اش برگزیده شد ، ولی بر اثر حسادت درویشان از

هندوستان مهاجرت کرد و به‌مکه رفت. در بغداد باشیخ‌شهاب‌الدین سهروردی ملاقات کرد و از آنجا به آسیای صغیر عزیمت کرد و در قونیه به مجلس درس شیخ صدرالدین قونیوی حاضر شد و کتاب لمعات را نوشت و به شیخ صدرالدین تقدیم کرد. عراقی در بلاد روم مرید بسیار یافت و پس از چندی از قونیه به مصر و از مصر به دمشق رفت وهمانجا در سال ۶۸۰ وفات یافت.

عراقی‌ازغزلسرایان‌وعارفان‌پرشوربوده‌است‌ومجموع‌اشعارش به‌۵۸۰۰بیت می‌رسد که شامل غزلهای‌عاشقانه وعارفانه و ترجیع‌بند و مثنوی‌است. مثنوی عشاقنامه‌را به‌شیوۀ حدیقۀسنائی ساخته‌است.

عرض (ط) از کلیات‌خمس. امری که به‌خودی خود وجودنداشته، بلکه به‌تبع دیگری موجود باشد. مانند: سفیدی، سیاهی. عرض بردو قسم‌است: عرض‌عام، عرض‌خاص. عرض‌عام آن‌است که برچندین نوع صادق باشد، مانند جنبنده که شامل همۀ انواع مختلف انسان و جانوران است. عرض خاص آن است که تنها به یك نوع تعلق داشته باشد. مانند: خندان که تنها به نوع انسان اختصاص دارد.

عرضی (ط) صفتی است که در ذات موجودات نیست و خارج ازماهیت موضوع است و بر آن عارض می‌شود مانند خندان که با آنکه این صفت در وجود مردم هست، اما در مرتبۀ نخستین ذات‌نیست.

عرفان یا تصوف- مسلکی است که از قرون اولیۀ اسلام درایران‌ظاهر گشت. پیروان این طریق خدا را اصل عالم وجود می‌دانند که تنها هستی واقعی است و در همۀ موجودات تجلی می کند و هر

که بخواهد به‌مقام او پی ببرد و ذات اورا بشناسد باید به‌ریاضت نفس و وارستگی و ترك علایق و شهوات واعتقاد به ذات احدیت وعشق شدید برای پیوستن به‌مبدأ خو گیرد ودست ازطلب برندارد تا به مقام کشف و شهود برسد و چون آئینهٔ دل را از ناپاکیها بزداید خدا در آن تجلی می کند. آنچه حکیمان می‌خواهند از راه تعقل و استدلال به آن برسند، عارفان از راه عشق و ریاضت نفس به‌آن نائل می آیند. عارف نسبت به‌همهٔ مذاهب به‌دیدهٔ احترام و محبت می‌نگرد و معتقد است که همه در راه وصول به یك مقصود پیش می‌روند. حافظ گفته‌است :

همه‌کس طالب یاراست چه هشیار و چه‌مست
همه جا خانهٔ عشق است چه مسجد چه کنشت

عرفی شیرازی (ت) [ف : ۹۹۹] جمال‌الدین محمد عرفی. از شاعران معروف قرن دهم که بیشتر شهرتش در هند و عثمانی بوده‌است. مولدش شیرازبوده و پدرش در دارالایاله شغل شریفی داشته‌است. عرفی پس ار تحصیلات مقدماتی سفری به هند کرد و مدتی در مصاحبت فیضی و ابوالفتح گیلانی بود و پس از آن به دربار خانخانان و اکبر شاه راه یافت وآنان را مدح گفت. دیوان‌عرفی دارای قصاید و غزلیات و ترجیع‌بند وقطعات است، خاصه‌غزلهای او درهند وترکیه مورد توجه وتقلید قرارگرفته‌است. قصیدهٔ‌معروفی درمنقبت حضرت‌علی در ۱۸۱ بیت‌سروده‌است. عرفی به‌تقلیدنظامی به تألیف خمسه پرداخته ومثنویهائی به سبك مخزن‌الاسرار وخسرو و شیرین ساخته است. رسالهٔ منثوری به‌نام نفسیه درتصوف دارد.

عروض (ع) علم‌شناختن‌وسنجیدن اوزان شعردرعربی‌وفارسی. این‌علم‌را
خلیل‌بن‌احمدنحوی‌متوفی‌میان‌سالهای ۱۷۰--۱۷۶ وضع کرده‌است.

عزیز مصر (تن) وزیر اول مصر وشوهر زلیخا که یوسف را خرید و
در کاخ خود جا داد و براثر تهمتی او رابه‌زندان افکند و یوسف
پس از رهائی از زندان به عزیزی مصر رسید . در ادبیات فارسی
گاهی مراد از عزیز مصر یوسف است .

عزیز مصر به رغم برادران غیور
ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید
«حافظ»

عسجدی (ت) [ف: درحدود ۴۳۲] ابونظرعبدالعزیز بن منصورالمروزی
از شاعران دربار محمود غزنوی و مداح او . دیوانی به‌عسجدی
نسبت داده‌اند که در دست نیست ، فقط اشعاری از قصاید و قطعه
ومثنوی درتذکره‌ها به‌نام اوثبت است. قصیدهٔ او در فتح‌سومنات
که به سال ۴۱۶ صورت گرفته است ، معروف می‌باشد.

عشاقنامه (ك) از آثار فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی.
این مثنوی در بیان مراتب عشق و حالهای عاشق می‌باشد و شامل
یك مقدمه و ده فصل‌است درصفت عاشقان، عاشق و معشوق، بیان
عشق وامثال آن. مثنوی عشاقنامه شامل‌نزدیك یکهزاروشصت‌بیت
است و به نام خواجه سعدالدین صاحبدیوان می‌باشد . پروفسور
ارتور. ج. آربری آن‌را به‌نظم انگلیسی ترجمه وچاپ کرده‌است.

عشقی (ت) [مقتول: ۱۳۴۲] میرمحمد رضا معروف به میرزاده پسرحاج
سید ابوالقاسم کردستانی از شاعران معاصر است . وی در همدان

متولد شد و هنگام جنگ بین‌الملل اول به اسلامبول مهاجرت کرد و در ۱۳۳۹ روزنامهٔ قرن بیستم را منتشر ساخت. عشقی در سن سی‌سالگی کشته شد. (دیوان عشقی - چاپ تهران)

عصار (ت) [ف: ۷۸۳] شمس‌الدین محمد عصار ازشاعران عارف تبریز و مداح سلطان اویس ایلکانی است. وی مثنوی به نام «مهر و مشتری» دارد که جامی آن را ستوده است.

عصای موسی (تن) عصائی که چون موسای پیغمبر درمحضر فرعون برزمین انداخت اژدها شد و این ازمعجزات بزرگ موسی به‌شمارمی‌آمد.

عصا برگرفتن نه معجز بود
همی اژدها کرد باید عصا

گر عصای موسوی شد اژدها
من عصا اندازم و موسی شود

همچنین وقتی که موسی دربیابان عصای‌خود را برسنگ زد، چشمه‌های آب از آن جاری شد.

خارا چو مار بر کشم وپس به یك عصا
ده چشمه چون کلیم ز خارا بر آورم

«خاقانی»

عضدالدین ایجی (ت) «رجوع شود به ایجی»

عطاءبن یعقوب (ت) [ف: ۴۹۱] ابوالعلاء عطاءبن‌یعقوب کاتب معروف به ناکوك از شاعران و فاضلان دورهٔ دوم غزنوی که به دو زبان عربی و پارسی شعر می‌گفته است. وی در دربار سلطان ابراهیم غزنوی تقرب داشته و پس از مدتی مورد رنجش سلطان واقع شده و به هندوستان تبعیدگشته است. مسعود سعد در مدح ومرثیهٔ

او اشعاری سروده است . منظومهٔ برزونامه و بیژن‌نامه را به او نسبت داده‌اند و ابیاتی به پارسی و عربی در تذکرهٔ لباب الالباب ازاین شاعر نقل شده است .

عطار (ت)[ف: ۶۲۷] شیخ فریدالدین ابوحامد محمدبن ابوبکرابراهیم بن مصطفی . از عارفان بزرگ ایران و از پیشوایان شاعران متصوف که در عالم تصوف به مقام ارشاد رسیده است . پدرش در شادیاخ دکان عطاری داشت وی نیز پیشهٔ پدر را دنبال کرد و به همین مناسبت لقب عطار یافت . به‌گفتهٔ خود او در داروخانه طبابت هم می‌کرده است . عطار پس‌از چندی از کسب ومشغلهٔ دنیوی‌دست کشید و به‌عالم‌عرفان رو آورد وافکار لطیف خودرا در اشعار دل‌انگیز بیان‌کرد. عطار قسمتی از عمر را به سفر پرداخت و به مکه رفت و بسیاری از مشایخ صوفیه را ملاقات کرد و از مریدان شیخ مجدالدین بغدادی معروف بـه خوارزمی گردید . عطار آثار فراوانی دارد که اغلب آنها در دست است و مشهور است کـه بـه عدد سوره‌های قرآن کتاب و رساله تألیف کرده است . از آثار او دیوان شعر شامل قصاید و غزلیات و مثنویهای اسرارنامه، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر، مختارنامه، وصیت‌نامه، بلبل‌نامه، حیدرنامه ،خسرونامه، شرفنامه است . ازآثار مهم منثور او تذکرةالاولیاء می‌باشد .

عطار معانی عالی عرفانی‌را دربیانی ساده و روان آورده والحق‌دراین کاراستادی نشان‌داده‌است وی همه‌جا حقایق عرفان را

با تمثیل‌های گوناگون و حکایتهای مختلف شیرین ساخته است .
(دیوان غزلیات وقصاید ـ چاپ تهران)

عطارد (نج) یا تیر ازهمهٔ سیارات به‌آفتاب نزدیك‌تراست و بعد از کرهٔ ماه نزدیکترین سیارات است به زمین ، به موجب افسانهٔ یونانی قاصد خدایان بوده است . عطارد ستارهٔ دبیران و سخنوران است و«دبیرفلك»خوانده می‌شود .

در دانشی‌که آن خردم را زبان شدست
بر آسمان جان چو عطارد سخنورم
«انوری»

عطاردی (ت) امام ابوعبدالله عبدالرحمن‌بن محمدالعطاردی از شاعران عصر محمود که ابیاتی ازاو باقی است .

عطا ملك‌جوینی (ت) «رجوع شود به جوینی»

عقدالعلی للموقف‌الاعلی (ك) «رجوع شود به‌تاریخ کرمان»

عقرب (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقةالبروج وبه شکل کژدم . برج عقرب برابر ماه آبان است .

دم عقرب بتابید از سر کوه
چنان چون چشم شاهین از نشیمن
«منوچهری»

عقل (ط) جوهری است مجرد از ماده ؛ هم از حیث ذات و هم از حیث فعل . مجرد از ماده از حیث ذات ، آن است که نمی‌شود به آن اشارهٔ حسی کرد . مجرد از ماده از حیث فعل ، آن است

که در صدور فعل محتاج به‌آلت نباشد .

عکس (ب) ـ صنعت‌عکس آن‌است که مکان کلمات تغییر کند یا مصراعی از شعر را معکوس کنند و با آن بیت تمام بسازند . گاهی معنی تغییر نمی‌کند مانند این‌غزل حافظ که با این مطلع شروع‌می‌شود:

دلبر جانان من برد دل و جان من

برد دل و جان من دلبر جانان من

و گاهی بعضی کلمات مصراعی را وارونه کنند و معنی تغییر یابد مانند این شعر سعدی :

به زیورها بیارایند مردم خوبرویان را

توسیمین‌تن چنان‌خوبی که‌زیورها بیارائی

علاءالدوله سمنانی (ت) [ف: ۷۳۶] ابوالمکارم رکن‌الدین احمدبن محمد بیابانکی سمنانی از عارفان بزرگ نیمهٔ دوم قرن هفتم و نیمهٔ اول قرن هشتم که در سال ۶۵۹ هجری در قریهٔ بیابانك از قراء سمنان متولد شده است . پدرش محمد ملقب به ملك شرف‌الدین در دستگاه غازان خان سمت وزارت داشت. علاءالدوله در دوران جوانی به‌آموختن علوم عقلی ونقلی پرداخت و در پانزده‌سالگی به ملازمت عم خود در دستگاه ارغون به خدمت دیوانی مشغول گشت و مورد توجه ارغون‌خان شد ، ولی پس از ده سال از کار دیوانی دست کشید و به عبادت و تکمیل علوم دینی پرداخت و صرف و نحو و حدیث و تفسیر و فقه را نزد استادان فن آموخت و اجازهٔ روایت گرفت و در ۶۸۷ به بغداد سفر کرد و به خدمت

شیخ عبدالرحمن اسفراینی رسید و جزءمریدان او گشت و از آنجا سفری به مکه کرد و باز به بغداد بر گشت و از شیخ عبدالرحمن مرتبهٔ ارشاد یافت و به سمنان باز گشت و به عبادت و ارشاد پرداخت .

علاءالدوله دارای آثار بسیار به زبان فارسی و عربی است . در حدود سیصد کتاب و رساله به او نسبت می‌دهند . از آن جمله: مطلع النقط و مجمع اللقط در تفسیر بعضی ازسوره‌های قرآن به‌زبان عربی، سرالبال فی اطوارسلوك اهل الحال به‌فارسی و سلوة العاشقین به‌فارسی والعروة الاهل الخلوة والجلوة در حکمت الهی. علاءالدوله شعر نیزمی‌سروده وچند غزل و رباعی از او باقی‌است.

علیشیر نوائی (ت) [ف : ۹۰۶] امیر نظام‌الدین علیشیر نوائی . وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا که اجدادش در خدمت تیموریان مقامات عالی داشتند و او طفولیت را به مصاحبت حسین میرزا بایقرا گذراند و با او به مرو رفت و در آنجا به کسب کمالات پرداخت و در زمان سلطنت‌سلطان‌حسین به‌شغل مهرداری وامارت دیوان خاص او مشغول گشت . پس از آن به حکومت استراباد رفت ، اما پس از چندی از حکومت استراباد استعفا داد وعزلت اختیار کرد . امیر علیشیر مردی متدین بود و به راهنمائی مولانا عبدالرحمن جامی به طریق درویشان نقشبندیه گروید . معروف است که امیر علیشیر ۳۷۰ باب مسجد و مدرسه و اماکن خیر بنا کرد و بر اثر تشویق او صنایع ظریفه و موسیقی پیشرفت کرد .

وی ادیبان و شاعران را تشویق می کرد و صله می‌بخشید، چنانکه دربار سلطان‌حسین بایقرا از وجود ادیبان و هنرمندانی که تحت توجه آن وزیر دانشمند قرارگرفته بود رونق بسیاری یافت. امیر علیشیر به زبان جغتائی (ترکی شرقی) و زبان فارسی تسلط کامل داشت و به هر دو زبان شعر می‌سرود و در شعر «فـانی» تخلص می کرد. در زبان ترکی پنج مثنوی به تقلید خمسه و مثنوی دیگر به‌نام لسان‌الطیر به‌سبك منطق‌الطیر عطار ساخت. از آثار او تذکرهٔ مجالس‌النفایس به‌زبان ترکی وخمسةالمتحیرین و رسالهٔ محاکمة اللغتین و رسالهٔ میزان الاوزان است.

عماد فقیه کرمانی (ت) [ف: ۷۷۳] از فقیهان و شاعران قرن هشتم و معاصر شاه شجاع. حافظ در اشعار خود او را به ریاکاری وصف کرده است. چنانکه منقول است عماد گربه‌ای را آموخته بود که هنگام‌اداء نماز و انجام رکوع و سجود به او اقتدا کند. شاه‌شجاع این عمل گربه را دلیل بر کرامت عماد می‌دانست، ولی حـافظ آن را به حیله ومکر نسبت داده است. عماد فقیه اهل کرمان‌بوده و در آنجا مدرسه‌ای بنا کرده است. از آثـار منظوم او یکی دیوان غزلیات اوست. دیگر مثنوی محبت‌نامهٔ صاحبدلان ومثنوی مونس‌الابرار.

عمادی (ت) [ف: ۵۸۳] امیر عمادالدین عمادی شهریاری. از شاعران اواخر قرن ششم. معاصر و مداح سیف‌الدین عمادالدوله فرامرز شهریار مازندران و ازامیران خاندان باوندی. عمادی پیش‌از آنکه

به عمادالدوله بپیوندد ، شهرتی نداشته است ، لیکن شاعرنوازی
این امیر موجب تقویت فکر و قریحهٔ او شده است . وی پس از
وفات عمادالدوله به عراق آمد و به دربار طغرل‌بن محمد پیوسته
و او را مدح گفته است . دیگر از ممدوحان او اتابك جهان‌پهلوان
می‌باشد. اشعار عمادی روان است ولی گاه به سبب تشبیهات و
تعبیرات دشوار مشکل می‌شود .

عمارهٔ مروزی (ت) [ف: اوائل قرن‌پنجم] ازشاعران معروف‌اواخرعصر
سامانی و اوائل غزنوی که اقامتش در مرو بوده است . عماره‌در
قتل ابو ابراهیم آخرین شاهزادهٔ سامانی مرثیه‌ای ساخته و پس‌از
آن سلطان محمود سبکتکین را نیز مدح کرده است . قطعاتی از
اشعار او در لغت فرس اسدی ولباب‌الالباب نقل شده است.

عمر خیام (ت) «رجوع شود به خیام»

عمعق بخارائی (ت) [ف: ۵۴۳]امیرالشعرا ابوالنجیب‌شهاب‌الدین‌عمعق
بخارائی از شاعران معروف ماوراء النهر در اوایل قرن ششم .
مولدش بخاراست و پس از کسب فضائل به سمرقند رفت و به
دربار آل خاقان راه یافت و در دربار خضرخان ابراهیم به لقب
ملك‌الشعرائی مفتخر گشت. ازممدوحان ومعاصران عمعق‌ابوالحسن
شمس‌الملك نصربن طمغاج خان ابراهیم‌بن نصر و احمدخان بن
خضرخان و محمود خان بن شمس الملك نصر و رکن الدین
ابوالمظفر طمغاج خان مسعود وچند تن دیگر ازملوك خانیه‌است.
عمعق با سلطان سنجر رابطه داشت و مرثیه‌ای در مرگ دخترش

سروده است و ازشاعران ماوراءالنهر با رشیدی سمرقندی وانوری معاصر بوده است . عمعق برعلوم زمان خود احـاطهٔ کامل داشت و این امر در اشعارش نمودار است . وی در صنایع بدیع خاصه در آوردن تشبیهات لطیف و کلمات موزون استادی داشته است . دیوانش شامل قصیده و رباعی است.

یوسف و زلیخائی را که بر دو بحر خوانده می‌شود بـه او نسبت داده‌اند که اکنون در دست نیست .

عنصرالمعالی (ت) [ف: درحدود ۴۹۲] امیر عنصرالمعالی کیکاوس‌بن اسکندربن قابوس وشمگیر . از امیران دانشمند خاندان زیاری که در قرن چهارم و پنجم در گرگان و گیلان و طبرستان و رویان و ری و جبال امـارت داشتند . عنصرالمعالی مدتی طولانی از سر زمین امارت خاندان خـود دور بوده است و بنا برگفتهٔ او هشت سال در غزنین ندیم مودود بن مسعود غـزنوی بـوده و چندی در هندوستان بسربرده و مدتی نیز درسفر حج گذرانیده‌است.

عنصرالمعالی مردی دانشمند بود که علاوه برنویسندگی به‌زبان‌فارسی‌دری وطبری‌شعر می‌سروده است. درانشاء وعروض وموسیقی و نجوم دست داشته واز آثار معروف اوقابوسنامه‌است.

عنصری (ت) [ف: ۴۳۱] ابوالقاسم حسن بن احمد از شاعران بزرگ قصیده‌سرای دورهٔ غزنوی. عنصری بوسیلهٔ امیرنصربن ناصرالدین به خدمت سلطان محمود معرفی شد و نزد او تقرب یافت وملك - الشعرای دربارگشت و مال و ثروت فراوان بدست‌آورد. اشعارش

بیشتر درمدح سلطان محمود و امیرنصر وسلطان مسعود وفتوحات و لشکرکشی‌ها و جنگهای ایشان است . دیـوان قصاید عنصری اکنون متجاوز از دوهزار بیت دارد وگویا در اصل سی‌هزار بیت بوده است . عنصری جز دیوان شعر، منظومه‌های دیگر نیز داشته است مانند مثنوی وامق وعذرا ، سرخ بت وخنگ بت ، شاد بهر و عین‌الحیات که بعضی از ابیات آنها در فرهنگها موجود است. عنصری به زبان و ادب عرب نیز احاطهٔ‌کامل داشته و در اشعارش فکر منطقی و احاطهٔ او برعلوم عقلی آشکار است . سبك قصیده سرائی عنصری بعدها مورد تقلید بیشتر شاعـران قصیده‌سرا قرار گرفته است .

عنقا ــ پرنده‌ای موهوم که معنی لفظی آن دراز گردن و نام دیگری برای سیمرغ که جایگاه او در کوه قاف است و درادبیات‌فارسی نمونهٔ انزوا و استغناست .

بیر ز خـلق و ز عنقا قیاس کار بـگیر

که صیت‌گوشه‌نشینان ز قاف تاقاف‌است

«حافظ»

عوا (نج) منزلی از منازل قمر ، که شامل چهار ستاره است به‌صورت سگ فریاد کننده.

خصم سگدل زحسد نالد چون جبهت ماه

نـور بی‌صرفه دهد وعوع عوا شنوند

«خاقانی»

عوفی (ت) [ف: ۶۳۵] سدیدالدین یا نورالدین محمدبن محمد عوفی بخاری . از نویسندگان و دانشمندان بزرگ ایران در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم . وی از فرزندان عبدالرحمن‌بن عـوف از مشاهیر صحابهٔ رسول اکرم می‌باشد و به همین جهت به عوفی شهرت یافته است . ولادتش در بخارا درنیمهٔ دوم قرن ششم‌اتفاق افتاد و تحصیلات خود را همانجا انجام داد . پس از آن به بلاد ماوراءالنهر وخراسان و سیستان سفر کرد و با بزرگان ودانشمندان ملاقات کرد . عوفی در اوائل حملهٔ مغول به بلاد سند رفت و به خدمت ناصرالدین قباجه رسید و تا سال ۶۲۵ درخدمت او بود و هنگامی که ناصرالدین قباجه مغلوب سلطان شمس‌الدین التتمش شد و خود را در سند غرق کرد ، عوفی به خدمت التتمش درآمد و در دهلی اقامت کرد .

عوفی علاوه برنویسندگی شعر نیز می‌گفته و قصاید و قطعات مختلف از او باقی است و در جوامع‌الحکایات قطعه‌ای از اشعاری که در ستایش نظام‌الملك جنیدی سروده ذکـر کرده است . از آثار مشهور عوفی لباب‌الالبـاب و جوامع‌الحکایـات است .

عیسی (تن) عیسی بن مریم از پیغمبران اولـوالعزم و کتاب آسمانیش انجیل است . عیسی قوم اسرائیل را به دین خود دعوت کـرد ، ایشان نپذیرفتند و از او معجزه خواستند او مرده‌ای را به التماس ایشان زنده کرد تا به پیغمبری او گواهی داد . سرانجام جهودان

قصد کشتن اورا کردند عیسی گریخت، ولی یکی از حواریون، یهودا نام ، در برابر سی‌درم رشوه عیسی را به ایشان نشان داد . جهودان خـواستند عیسی را بگیرند ، حق تعالی اورا از چشم ایشان پنهان داشت و ایشوع ، بزرگ یهود را به صورت عیسی‌در آورد . اورا گرفتند ، هرچه فریاد کرد «من ایشوعم» فایده نکرد ایشوع را به دار زدند و عیسی به‌آسمان رفت . ایشوع هفت‌شبانه روزبردرخت ماند. مریم هرشب پای‌درخت می‌رفت و می گریست. شب هفتم عیسی ازآسمان به‌زمین آمد تا مریم را آرامش بخشد، هفت نفر ازحواریون آن‌شب عیسی‌را دیدند و تا صبح با اوبودند، سحرگاه عیسی به آسمان رفت .

به غیرت از نفسش روح عیسی مریم
به‌خجلت ازقلمش‌چوب موسی‌عمران

«انوری»

عین‌القضاة (ت) [ف: ۵۲۵] ابوالمعالی عبدالله‌بن محمدبن‌علی میانجی همدانی از مشایخ صوفیه و از شاگردان عمر خیام و امام احمد غزالی که در آثار خود از استادش غزالی گفته‌های بسیار نقل کرده است . عین‌القضاة در جوانی به کسب کمالات پرداخت و از راه مطالعه در معارف عصرخودتبحر یافت . وی با رجال مشهورزمان خـود مکاتبه داشته است و به علت بی‌پـروایی در افشای اسرار صوفیان و حملهٔ به متعصبان موردکینهٔ علمای متعصب قرار گرفت و سرانجام هم در سال ۵۲۵ به تهمت الحاد و زندقه در همدان بر

دار کشیده شد . وی به علت حسن بیان و نفوذ کلام مریدان بسیار داشت که به او عشق و ارادت می‌ورزیدند . عین‌القضاة در مدت عمر کوتاه خود یعنی در سی وسه سال ، آثار بسیاری به فارسی و عربی از خود باقی گذاشت ازجمله یزدان شناخت ، تمهیدات یا زبدةالحقایق و مکاتیب .

عیوب قافیه (ق) عیوب قافیه هشت است . اقـواء ، اکفاء ، سناد ، ایطا ، مناقصه، تضمین ، تخلیع ، عدول . «به هر یك از این کلمات رجوع شود»

عیوق (نج) از ستارگان ثابت که بر بازوی ممسك‌العنان (گیرندهٔ‌عنان) است .

بسوده دست جلال تو دامـن عیوق

سپرده پـای کمال تو ذروهٔ اعـلـی

عیوقی (ت) از شاعران‌قرن ششم و دورهٔ سلجوقیان . مثنوی ورقه و گلشاه از او باقی است .

عیون‌الاخبار (ك) تألیف ابو عبدالله محمد الدینوری معروف به ابـن قتیبه . این کتاب به زبان عربی و دارای مقدمه و ده بـاب است و علاوه بر حکایتهای تاریخی ، شامل مطالبی اجتماعی است مانند شرح صفات وسیرتهای طبقات مختلف کشورها وخطبه‌های تاریخی و حدیثهای معروف . ابن‌قتیبه آداب لشکر کشی و سلاح پـوشی اعراب و ایرانیهارا نشان می‌دهد. آداب تیراندازی، اسب‌سواری را از کتاب آئین نامك که از بین رفته است نقل می کند . ازاین

کتاب بخوبی می‌توان به عادات و روحیات ملل و سیاستها وطرز حکومتها و رفتار امــرا و پادشاهان پی‌برد . علاوه بر ایــن نکات جغرافیائی هم دارد که قابل استفاده است .

DATE LABEL

غ

غالب (ت) [ف : ۱۲۸۵] میرزا اسداله خان غالب از شاعران پارسی زبان هند است که در شهر آگرا متولد شده‌ودر دهلی‌اقامت کرده وهمانجا وفات یافته‌است. غالب به‌زبان اردو وفارسی شعر می‌گفت اشعاری در مدح بهادر شاه ثانی آخرین پادشاه بابریان دارد . از غالب قصاید وغزلهای بسیار باقی مانده است.(دیوان‌غالب ـ چاپ هند)

غرراخبارملوك الفرس‌وسیرهم (ك) تاریخ مهمی به زبان عربی تألیف ابومنصور عبدالملك بن محمد ثعالبی نیشابوری که آن را به امر ابوالمظفر نصربن ناصرالدین سبکتکین تدوین کرده‌است .

موضوع کتاب تاریخ شاهان ایران است ازابتدای شاهی کیومرث تا یزدجردبن‌شهریار ،آخرین شاه‌ساسانی .

ثعالبی داستانهای ملی ایران را مانند داستان زال ورودابه ورستم واسفندیار دراین تاریخ ذکر کرده است . منابع ثعالبی

کتب مختلف فارسی و عربی مانند تاریخ حمزهٔ اصفهانی ، تاریخ طبری، شاهنامهٔ ابومنصوری است. ازمسعودی مروزی ومزدوج او نیز نام می‌برد . بسیاری ازداستانهـای کتاب ثعالبی عیناً داستان شاهنامهٔ فردوسی است و حتی طـرز بیـان حکایتها شبیه به هم است .

غریب(ع) از بحور مخصوص شعر فارسی. «فاعلاتن فاعلاتن مستفعلن ۲ بار » . اما این بحر در فارسی نیز رواج بسیار ندارد .

بحر غریب مسدس مخبون (فعلاتن مفاعلن مفاعلن)

ملکا تیغ تـو مر بدسگال را

بخورد همچو غضنفر شکال را

غزالی (ت) [ف:۵۰۵] حجةالاسلام امام زین‌العابدین ابو حامد محمد بن‌محمدغزالی‌طوسی ازمشهورترین متکلمان‌وعالمان دین‌اسلام در قرن پنجم . علوم دینی و ادبی را در مدارس طوس ونزد یکی از دوستان پدرش موسوم به ابوحامد احمد رادکانی آموخت، سپس به نیشابور رفت ودر آنجا نزد امام‌الحرمین ابوالمعالی جوینی ، فقیه‌بزرگ شافعی ،به‌تحصیل‌علم پرداخت ودربیست وهشت‌سالگی در علوم متداول دینی زمان خود استاد گردید و پس از وفات امام الحرمین به خدمت خواجه نظام‌الملك رسید و درسال ۴۸۴ بنا به دعوت او برای تدریس در مدرسهٔ نظامیه ، به بغداد رفت و چهار سال درآنجا به‌تدریس مشغول بود .

شهرت‌غزالی‌درهمان‌اوایل‌جوانی به‌حدی‌رسید که‌چندبار از

طرف ملکشاه به‌رسالت نزد خلیفه‌رفت. امام‌غزالی باوجود شهرت ومقام عالی که بدست‌آورده بود ، درسی‌ونه‌سالگی میل به‌اعتزال کرد وامام‌احمد غزالی برادرخودرا درنظامیه جانشین کرد وخود به حج‌رفت ومدت ده‌سال در شهرهای بیت المقدس وشام ومصر و حجاز گذراند وبعضی از کتابهای خود را درآن مدت تألیف کرد. پس‌از این‌سفر طولانی به‌طوس بازگشت ومدتی درنظامیهٔ نیشابور تدریس کرد و بعد از آن عزلت گزید تا در سال ۵۰۵ در طوس درگذشت .

غزالی در حدود هفتاد کتاب و رساله در علوم دین و اصول و کلام و حدیث و اخلاق وفلسفه و منطق و تصوف تألیف کرده است. از آثارمعروف او به زبان عربی: احیاءالعلوم، مقاصد الفلاسفه، تهافت‌الفلاسفه‌درفلسفه و حکمت، معیارالعلم درمنطق و از رساله‌های مهم او رسالهٔ المنقذ من الضلال است‌که در حقیقت سرگذشت روحانی اوست . الوسیط در فقه و البسیط در فروع مذهب شافعی .

ازآثار مهم‌او به فارسی: مجموعهٔ مکاتیب فارسی،کیمیای سعادت، نصیحةالملوك است .

غزالی از دانشمندان بزرگی است‌که مدتها دچار حملهٔ سخت متعصبان واقع شده و به تهمت زندقه والحاد گرفتار گشته است . وی گذشته از مقام بزرگش درعلوم مختلف ، درنثرفارسی هم مقام خاصی دارد ودر آوردن لغات و اصطلاحات تازه بطریق

ساده و درخور فهم عوام قدم تازه‌ای در نثر فارسی برداشته‌است.

غزالی (ت) [ف : ۵۲۰] شیخ المشایخ مجدالدین ابوالفتوح احمدبن محمد غزالی طوسی . برادر حجةالاسلام ابوحامد محمدبن‌محمد غزالی واز جملهٔ فقیهان مذهب شافعی . وی مدتی بجای برادردر مدرسهٔ‌نظامیهٔ بغداد تدریس کرد. غزالی به وعظ علاقهٔ بسیارداشته ومربی چند تن ازمشایخ بزرگ صوفیه بوده است .

از آثار او کتاب بحرالحقیقة است و موضوع آن مراحل وصول به حق است یعنی برای رسیدن به حق باید از بحرهای ، معرفت، جلال، وحدانیت ، ربوبیت ، الوهیت ، عزت ، گذشت. دیگر کتاب الذخیره فی علم البصیرة . دیگر سوانح‌العشاق که غزالی آن را دراسرار عشق نوشته است ودرضمن فصول، حکایتها ومثلها و اشعاری ذکر کرده است . نوشتهٔ این کتاب بسیار ساده و پراز لطف است. دیگر از آثار او مکاتیبی است به فارسی که همهٔ آنها به اشاراتی از آیات و احادیث آمیخته و بسیاری از عقاید در آنها مورد بحث قرارگرفته است .

غزل (ب) ابیاتی است در وزن وقافیهٔ واحد ، و مصراع اول‌بیت‌نخستین یعنی مطلع شعر نیز دارای قافیه است . غزل از حیث ظاهرمانند قصیده است جز آنکه عدد ابیات غزل از هفت تا چهارده است و بیشتر مضمون عاشقانه‌دارد ودربیان احساسات‌یاگفتگوی بامعشوق و خطاب به اوست. غزل یا عرفانی است یعنی مضمون آن‌مربوط به عالم فوق الطبیعه وحقیقت مطلق و مطالب اخلاقی می‌باشد یا

غزل عادی که خطاب به معشوق ودوست است . غزلهای حافظو سعدی ومولوی نمونهٔ عالی غزل فارسی است .

غزنوی (ت) «رجوع شود به حسن غزنوی»

غضائری رازی (ت) [ف : ۴۲۶] ابوزید محمدالغضایری‌الرازی . از شاعران دورهٔ غزنوی و شیعی مذهب . غضائری اهل ری بوده و امیران دیلمی آل‌بویه را در ری‌مدح گفته‌است. اشعاری نیزدرمدح سلطان محمود غزنوی دارد . خاصه در قصیدهٔ لامیه ازعطایای‌این شاه سخن‌گفته است . دیوان غضائری دردست نیست .

غضائری باعنصری بحث ادبی داشته وقصایدی انتقادی برای یکدیگر می‌فرستاده‌اند . از اشعارش قصائد و قطعه‌هائی در کتابهای لغت وتذکره باقی است.

غلمان (تن) جمع غلام . پسران بهشتی. این کلمه در قرآن کریم آمده است .

فردا اگر نه روضهٔرضوان به ما دهند
غلمان ز روضه حور زجنت‌بدرکشیم
«حافظ»

غلو (ب) آن است که گوینده امری را ادعا کند که ازعقل و عادت دور باشد .

شود کوه آهن چو دریای آب
اگر بشنود نام افراسیاب
«فردوسی»

غنی (ت)[ف : ۱۰۷۷] ملامحمد طاهر غنی کشمیری . از شاعران معروف هندوستان و معاصر صائب . دیوانش شامل غزلهائی‌است که نمونه‌ای از رقت خیال است . (دیوان غنی- چاپ هند)

غیاث‌اللغات (ك) فرهنگی تألیف محمد غیاث‌الدین بن جلال‌الدین‌بن شرف‌الدین رامپوری از فارسی‌شناسان هند که آن‌را درسال ۱۲۴۲ پس از چهارده سال صرف وقت تألیف کرده است . این کتاب جامع لغات کثیرالاستعمال فارسی وعربی و ترکی است که‌مؤلف آن ازکتابهای لغت وادب و شعر و نجوم و طب استفاده کرده و برای هرلغت مأخذ ومنبعی ذکرمی‌کند. کتاب ازاین حیث‌دارای ارزش است، ولی‌فاقدشواهد شعری ونثری می‌باشد. (غیاث‌اللغات چاپ هند و تهران)

ف

فارابی (ت) [ف: ۳۳۹] ابونصر محمدبن محمدالفارابی. ازبزرگترین فیلسوفان‌ایرانی. وی در شهر فاراب ماوراءالنهر متولد شده‌است. بعضی نژاد اورا از ترکان و بیشتر از ایران می‌دانند. فارابی از ماوراءالنهر به‌بغداد رفت ودرآنجا به تحصیل زبان عربی‌پرداخت و علوم فلسفی‌را نیز همانجا فراگرفت و کتابهای ارسطورا مطالعه کرد. پس از آن به حلب و دمشق رفت و به خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی‌بن عبدالله‌بن حمدان رسید وهمچنان در دمشق ماند و به تألیف پرداخت. فارابی به سبب شرحهائی‌که برآثارارسطو نوشته است به «المعلم‌الثانی» مشهور شده‌است و مقام او را بعد از ارسطو قرار داده‌اند. فارابی در همهٔ علوم عهد خود استاد و صاحب تألیف است. در ریاضیات و موسیقی و طب اطلاعات بسیار داشته است و از آثار او شرحهائی است‌که برانالوطیقای اول‌وثانی وسوفسطیقا و بوطیقای‌ارسطو نوشته است. درعلم‌النفس

کتاب‌النفس اسکندر الافرودیسی ودر علوم ، السماع الطبیعی و الآثارالعلویه والسماء والعالم وکتاب الحروف ارسطو والمجسطی بطلمیوس را تفسیر کرده‌است. از کتابهای‌دیگر او: رسالة فی‌مبادی آراءاهل‌المدینة الفاضله، فصوص‌الحکم، الجمع‌بین‌رأی‌الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس. فارابی کوشیده است که دراین کتاب بین عقاید افلاطون وارسطو التیام دهد. عقاید فارابی در فیلسوفان بعد ازاو اثر فراوان داشته است .

فارسنامه (ك) تألیف ابن‌البلخی که در اوائل قرن ششم وبنا به دستور سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی تألیف یافته است و از کتابهای معتبر فارسی واز منابع تاریخ پیش از اسلام وجغرافیای فارس است. مؤلف دراین کتاب ازتاریخ حمزةبن‌الحسن و تاریخ محمد بن جریرطبری وکتابهای دیگر عربی وفارسی استفاده کرده است. دراین‌کتاب پادشاهان ایران پیش از حملهٔ عرب برچهاردسته تقسیم شده‌اند : پیشدادیان ــ کیانیان ــ اشکانیان ــ ساسانیان . مؤلف از اسکندر جانشینانی نیز ذکر کرده است . نثر کتاب بسیار روان و محکم است . (چاپ تهران)

فاصله (ع) از ارکان اوزان عروض .

فاصله بر دو قسم است : فاصلهٔ صغری . فاصلهٔ کبری .

فاصلهٔ صغری عبارت است از سه متحرك و یك ساکن . مثال بدهم وعلامت آن سه‌صفر ویك الف ۱۰۰۰

فاصلهٔ کبری چهار متحرك است‌ویك‌ساکن مثال: بدهمش

ومثال آن چهارصفرویك الف است براین صورت : ۱۰۰۰۰

فتحعلی‌خان‌صبا (ت) « رجوع شود به‌صبا »

فتوحی (ت) اثیرالدین شرف‌الحکماء فتوحی مروزی ازشاعران بزرگ مرو درنیمهٔ آخر قرن‌ششم. فتوحی معاصر انوری است وبنابرقول رضاقلیخان هدایت قطعهٔ مربوط به هجوبلخ که به انوری نسبت داده‌اند ازفتوحی‌است. وی‌باادیب‌صابر دوستی ومکاتبه داشته‌است وعوفی اورا در نظم ونثر استاد دانسته است . اشعاری از فتوحی درتذکره‌ها باقی است .

فخرالدین عراقی (ت) « رجوع‌شود به‌عراقی »

فخر رازی (ت) [ف:۶۰۶] ابوعبدالله فخرالدین محمدبن‌عمربن‌الحسین طبری‌رازی‌معروف‌به‌ابن‌الخطیب‌ازفیلسوفان‌ومتکلمان‌وفقیهان‌شافعی واز عالمان بزرگ ایران درقرن‌ششم که‌در علوم اسلامی ازنوادر زمان خودبشمار می‌رفت. امام فخررازی درفنون مختلف تألیفات مهم دارد وبه مناسبت آنکه در جدل وایراد برفلاسفه وشك در مسائل فلسفی استادی‌داشت اورا «امام‌المشککین» خوانده‌اند. فخر رازی ازمخالفان ابن‌سینا بودواز راه استدلال عقلی وفلسفی به‌رد عقاید او پرداخت.

از آثار مشهور او به زبان عربی در کلام : نهایةالعقول، کتاب‌الاربعین ، محصل افکارالمتقدمین و المتأخرین من‌الحکماء والمتکلمین . و رساله‌ای در معراج است .

در فلسفه وحکمت :الملخص،شرح‌الاشارات،شرح‌عیون‌

الحکمة، مباحث المشرقیه، النهایة است. در تفسیر: مفاتیح الغیب، که معروف به تفسیر کبیر است و درحقیقت دائرةالمعارفی است از علوم دینی که ناتمام گذارده است. دیگر نهایةالاعجاز در بیان موارد فصاحت و بلاغت قرآن.

مهمترین آثار او به زبان فارسی جامع العلوم یا حدائق الانوار فی حقایق الاسرار است که آن را به نام علاءالدین تکش خوارزمشاه درسال ۵۴۷ تألیف کرد. دیگر رسالهٔ روحیه است درحقیقت روح وفنای جسم و حکمت مرگ و پند و نصیحت. دیگر اصول عقاید در هشت باب، رسالةالاختیارات العلائیه در نجوم که آن را به نام علاءالدین خوارزمشاه دردو مقاله نوشته است و این کتاب به عربی ترجمه شده است.

فخر گرگانی (ت) [ف: درحدود ۴۶۶] فخرالدین اسعدالجرجانی از شاعران داستانسرای ایران در قرن پنجم. وی معاصر ابوطالب طغرل بیك محمدبن میکائیل بوده و نزد او تقرب داشته است. از احوال فخرالدین اسعد اطلاع بسیاری دردست نیست ولی از اشعار او پیداست که با اکثر علوم متداول زمان خود آشنا بوده و کتب فلسفه و حکمت خوانده واز ادبیات فارسی و عربی اطلاع کامل داشته و به زبان پهلوی نیز آشنا بوده است. فخرالدین اسعد هنگامی که طغرل سلجوقی در سال ۴۴۳ هجری اصفهان را فتح کرد، با او بود و بعد از او در آنجا نزد حاکم اصفهان ابوالفتح المظفربن محمد ماند و به درخواست او داستان ویس ورامین را

به نظم آورد . فخر گرگانی سلطان ابوطالب طغرل بیك و خواجه عمیدالملك کندری وزیر معروف طغرل و خواجه عمیـدابوالفتح را مدح گفته است .

فرالاوی (ت) ابوعبدالله محمدبن موسی الفرالاوی از شاعران معروف سامانیان و معاصرشهید بلخی که رودکی اورا باشهید دریك ردیف آورده است. ابیات کمی ازاین شاعر در مجمع الفصحا و لباب ـ الالباب عوفی ذکر شده است .

فراهی (ت) [ف : ۶۴۰] از شاعران قرن هفتم و منسوب به قریهٔ فراهه از سیستان است . وی معاصر بهرام شاه بن تاج الدین می باشد . کتاب نصاب الصبیان در لغت عربی به پارسی از تألیفات اوست . نصاب الصبیان به نظم ساخته شده است .

فرج بعدالشدة (ك) اصل این کتاب به زبان عربی و تألیف قـاضی محسن بن علی بن محمدبن داوود التنوخی(ف:۳۸۴) می باشد،عوفی این کتاب را به فارسی ترجمـه کرده و بیشتر حکایتهای آن را در جوامع الحکایات آورده است . در نیمهٔ دوم قـرن هفتم شخص دیگری به نام حسین بن سعدبن الحسین الدهستانی المؤیدی ترجمهٔ دیگری از این کتاب فراهم آورده و نام آن را جامع الحکـایات فی ترجمه الفرج بعدالشدة والضیعه نهاده است. این ترجمه شامل سیزده باب است وهر بابی حاوی حکایتهای بسیار در شرح حـال کسانی که به بلا و محنت مبتلا بوده وپس از آن به رفاه وفراغت رسیده‌اند. (ترجمهٔ فرج بعدالشده ـ چاپ تهران)

فرخی (ت) [ف : ۴۲۹] ابوالحسن علی‌بن جولوغ . از شاعران بزرگ دربار سلطان محمود غزنوی . پدرش غلام امیرخلف‌بانو یعنی خلف‌بن احمدبن محمد خلف‌بن‌اللیث صفاری بوده است. فرخی ابتدا به دربارچغانیان رفت و ابوالمظفراحمدبن محمد امیرچغانی را مدح‌کرد و مورد نوازش او قرارگرفت . پس از آن به دربار غزنوی روی‌نهاد و مورد اکرام محمود غزنوی واقع شد. قسمت عمدهٔ قصاید فرخی در مدح سلطان محمود و پسران و برادرش و وزیران و ندیمان آنان می‌باشد .

دیوان فرخی بیش از نه‌هزار بیت دارد و شامل قصایدو غزلیات و قطعات و ترجیع‌بند و رباعیات می‌باشد . اشعارفرخی بسیار ساده و طبیعی است و از پیچیدگی و تکلف خالی است.در تغزل با دنیای واقعی بیشتر سر و کار دارد و در قصاید نیز جنبهٔ واقعیت تاریخی را بیشتر در نظرگرفته است ، خاصه جنگهائی را که خود ناظر آن بوده است بسیار زنده وحقیقی وصف می کند . فرخی با موسیقی نیز آشنائی داشته و چنگ می‌نواخته است . همچنین در عروض ونقدالشعر دست داشته‌کتاب ترجمان‌البلاغه را به او نسبت داده‌اند ، ولی این نسبت درست نیست ، زیراکه تألیف این‌کتاب در اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم بوسیلهٔ یکی از ادیبان به نام محمدبن عمرالرادویانی‌صورت‌گرفته‌است. فرخی را می‌توان از قصیده‌سرایان درجهٔ‌اول ایران دانست (دیوان فرخی- چاپ تهران)

فرد (ب) عبارت است از بیتی مستقل که دارای معنی خاص و مستقل باشد ، خواه دومصراع آن یك قافیه داشته باشد یانه . مثال :

ران ملخی نزد سلیمان بردن

عیب است و لیکن هنراست ازموری

فردوسی (ت) [ف: ۴۱۱ یا۴۱۶] ابوالقاسم حسن فردوسی شاعربزرگ حماسه سرای ایران درقرن چهارم و پنجم. وی از خانوادۀدهقانان بود و ثروت وضیاع موروث داشت . فردوسی درحدود سال ۳۷۰ در سن چهل سالگی به‌نظم شاهنامه شروع کرد و آن را در حدود سال ۴۰۰ به پایان رساند ودرحدود سال ۳۹۳ بادربار سلطان‌محمود رابطه یافت ، یعنی هنگامی که ثروت خودرا صرف شاهنامه کرد و از تهیدستی به جان آمد به فکر تقدیم شاهنامه به محمودبن ناصرالدین سبکتکین افتاد و بوسیلۀ ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی ، نخستین وزیر سلطان محمود ، به دربار او معرفی شد، اماپس از عزل و مصادرۀ ابوالعباس یا به‌علل دیگر که ازآن جمله تشیع فردوسی و تعصب محمود در مذهب سنت بود و به علت مدح فراوان از شاهان ایران مورد بیمهری سلطان قرار گرفت ، چنانکه‌محمود برخلاف عهد خود به‌جای‌یك دینار دربرابرهربیت یك‌درم به او داد و این امر موجب رنجش فراوان فردوسی‌گشت و ازغزنین به‌خراسان عزیمت کرد وشش‌ماه درخانۀ اسمعیل‌وراق، پدر ازرقی شاعر ، ماند و از آنجا به طبرستان رفت و به خدمت سپهبدشهریار از آل‌باوند رسید و محمود را هجاکرد. ولی‌شهریار

آن هجارا خرید ودستور داد تا به‌آب شستند. فردوسی ازمازندران به خراسان بازگشت و در مولدخود بسربرد تابه سال ۴۱۱یا۴۱۶ بدرود زندگی گفت . گویند وقتی سلطان‌محمود انعام و صلهٔشاعر را فرستادکه جنازهٔ اورا به گورستان می‌بردند . اثر معروف او شاهنامه است که گرانبهاترین و بزرگترین اثر ادبی ایران است . قصهٔ یوسف وزلیخای منظوم را به اونسبت می‌دادند، ولی اکنون مسلم شده است که از او نیست .

فرصت شیرازی (ت) [ف : ۱۳۳۸] میرزا محمد نصیرحسینی شیرازی ملقب به میرزاآقا از شاعران و ادیبان اوایل قرن چهاردهم . وی علاوه برشعر و ادب و حساب و هیئت و منطق و هندسه در فنون نقاشی نیز دست داشته‌است. از آثار او : آثار عجم یا شیرازنامه است در تاریخ فارس ، اشکال المیزان در منطق ، بحورالحان به زبان فارسی در علم موسیقی ، دیوان اشعار شامل‌قصاید و غزلیات و ترجیعات .

فرقدان یا فرقدین (نج) از کواکب ثابت و دوستارهٔ روشن است بر سینهٔ دب اصغر .

ای رسانیده به دولت فرق خود بر فرقدین

گسترانیده به جود و فضل در عالم یدین

«ابوالعباس مروزی»

فرقدی (ت) محمدبن عمر فرقدی از شاعران خراسان در اواخر قرن ششم . معاصر و مداح محمدبن سام پادشاه غوری است . اشعار

کمی ازاو باقی است که قدرت اورا در شعر می‌رساند .

فرنگیس (ش‌ـد) از زنان داستانی‌شاهنامه و دختر افراسیاب که‌سیاوش اورا به زنی‌گرفت و هنگامی که سیاوش نزد افراسیاب متهم شد، فرنگیس به زاری نزد پدر رفت و اورا از کشتن سیاوش منع کرد ، اماافراسیاب گذشته از کشتن سیاوش فرمان داد که فرنگیس را آنقدر بزنند تا طفلی که از سیاوش در شکم اوست، بیفتد . سرانجام پیران ویسه خود را به درگاه رساند و فرنگیس را از افراسیاب گرفت و به خانه برد و جانش را نجات داد . فرنگیس کیخسرو را به جهان آورد وچند سال پس از آن به‌یاری گیو باپسر خود به ایران گریخت .

فرنود سار (ك) «رجوع شود به‌فرهنگ نفیسی»

فروغی (ت) [ف : ۱۳۲۱] محمدعلی ملقب بـه ذکـاءالملك . از رجال و دانشمندان معاصر . فروغی در سال ۱۲۹۵ قمری متـولد شد و تحصیلات خود را در مدرسهٔ دارالفنون به پایان رسانید و به مطالعه درفلسفه پرداخت . مدتی به‌تدریس در مدرسهٔ علوم‌سیاسی اشتغال داشت و پس از آن به ریاست مدرسه منصوب گشت . فروغی به زبان و ادب فرانسه تسلط کامل داشت . وی علاوه بر کسب دانش به امور سیاسی و اجتماعی نیز می‌پرداخت و سالها نمایندگی مجلس شوری ، وزارت ، سفارت ، نخست وزیری ، نمایندگی ایران درجامعهٔ ملل ، ریاست جامعهٔ ملل ، ریاست دیوان عالی تمیز را به عهده داشت .

از آثار فروغی کتابهائی است در تاریخ ، فیزیك، علوم، وتصحیح آثار بزرگان ادب مانند : کلیات سعدی، دیوان حافظ، رباعیات خیام واز آثار معروف او کتاب سیرحکمت در اروپاست درسه جلد. حکمت سقراط به‌قلم افلاطون در دوجلد. آئین‌سخنوری اغلب آثار فروغی به چاپ رسیده است .

فروغی بسطامی (ت) [ف:۱۲۷۴] میرزاعباس بسطامی. ازبزرگزادگان بسطام . دوران کودکی را در بسطام بسربرده و در اوایل سلطنت فتحعلیشاه قاجار به تهران عزیمت کرد و به تحصیل علوم ادبی پرداخت . فروغی در ابتدا «مسکین» تخلص می کرد و بعدها به مناسبت انتساب به دربار فروغ‌الدوله ، فرزند حسنعلی میرزاشجاع السلطنه والی خراسان و کرمان ، به فروغی تخلص یافت . ابتدا به مدح شاهان وشاهزادگان قاجار پرداخت وپس از آن به‌تصوف متمایل‌شد وعزلت برگزید و به سرودن غزلهای عرفانی پرداخت. فروغی را می‌توان از بزرگترین غزلسرایان متصوف عهد اخیر به شمار آورد . دیوان فروغی چند بار به چاپ رسیده‌است .

فرهاد (ش-د) از اشخاص داستان عاشقانهٔ خسرو و شیرین . داستان خسرو و شیرین و فرهاد و شیرین را چند تن ازشاعران ایرانی‌به نظم در آورده اند و مهمترین و معروفترین آنها داستان خسرو و شیرین نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم هجری است.

فرهاد در عشق رقیب خسرو است و در راه معشوق به کارهای دشوار تن در می‌دهد . فداکاری و پایداری او در عشق

شیرین ، خسرو را بر می‌انگیزد که او را به کندن کوه بیستون بگمارد . فرهاد از دل و جان این شغل را می‌پذیرد و مدتها در آرزوی وصل شیرین به کوه کندن می‌پردازد ، سرانجام به تدبیر خسرو خبر مرگ شیرین را به دروغ به او می‌رسانند و او با تیشه فرق خود را می‌شکافد و در می‌گذرد .

دل به امید صدائی که مگر در تو رسد
نالەها کرد در این کوه که فرهاد نکرد
«حافظ»

فرهاد وشیرین (ك) منظومه‌ای از وحشی بافقی که آن را به تقلید خسرو وشیرین نظامی ساخته، امانتوانسته است به پایان برساند . این مثنوی ناتمام دارای هزار و هفتاد بیت است و وصال‌شیرازی در سال ۱۲۶۵ آن را به پایان رسانده است . منظومهٔ فرهاد و شیرین از بهترین آثار وحشی است و گویا در زمان حیات خود شاعر نیز معروف بوده و دهان به دهان می‌گشته است . (چاپ تهران)

فرهنگ آنندراج (ك) لغت‌نامه‌ای به زبان فارسی تألیف محمد پادشاه متخلص به شاد که آن را در سال ۱۳۰۵ هجری قمری به کمك دو برادرش در سرزمین هندوستان تدوین کرده است . این کتاب جامع لغات فارسی و تازی است و بر حسب حروف الفباء تنظیم شده . مؤلف در این کتاب از فرهنگهائی مانند منتهی الارب ، برهان قاطع ، فرهنگ جهانگیری ، انجمن آراء ، غیاث‌اللغات و

امثال آن استفاده کرده است. وی بیشتر لغات فارسی را با شواهد شعری آورده و گاهی به اصطلاحات متداول عامه اشاره کرده است.
فرهنگ آنندراج فرهنگ جامعی است که به سبب اشتمال بر لغات فارسی و عربی ممتاز است. (چاپ تهران)

فرهنگ انجمن آراء (ك) فرهنگ انجمن آرای ناصری تازه‌ترین کتاب لغت فارسی و آخرین تألیف معروف رضا قلیخان هدایت، که آن را در سال ۱۲۸۶ و به نام ناصرالدین شاه تألیف کرده است. این فرهنگ منحصر به لغات فارسی است و مشتمل بر مقدمه‌ای است حاوی چندین آرایش، در توضیح لغات و بیان بعضی از اشتباهات در لغات فرهنگها و تحقیق زبان فارسی و بیان حروف تهجی و آئین شناختن مصدر و اصطلاحات علم صرف و نحو و بیان و امثال آنها.

متن کتاب شامل بیست و چهار انجمن است و در خاتمهٔ کتاب بعضی از استعارات و کنایات فارسی و عربی با شواهد شعر از فصحا و بلغا ذکر شده است. (فرهنگ انجمن آراء ـ چاپ تهران).

فرهنگ بهار عجم (ك) فرهنگی است جامع، تألیف رای لالاتیك چند بهار (متوفی ۱۱۸۰) از نویسندگان هند، این فرهنگ در هندوستان تألیف یافته و شامل لغات و اصطلاحاتی است که از کتابها و دیوانهای شاعران متقدم استخراج شده و بر حسب حروف تهجی ترتیب یافته است. نویسنده در این فرهنگ از شاعران بزرگ ایران

اشعاری به‌عنوان نمونه ذکر کرده و اغلب لغات را با اعراب آورده و گاهی درضمن معنی کردن توضیحاتی نیز داده ودرمقابل اصطلاحات معانی کنایه‌آمیز را نیز ذکر کرده است . فرهنگ بهار عجم بسیار سودمند است ، بطوری که پیش از فوت مؤلف یعنی اواخر قرن دوازدهم هفت بار زیر نظر وی در هند به چاپ رسیده است .

فرهنگ جهانگیری (ك) کتاب لغتی تألیف میرجمال الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجوی شیرازی از رجال معروف هندوستان. مؤلف کتاب را در زمان سلطنت اکبرشاه یعنی سال ۱۰۰۵ شروع کرد و در زمان سلطنت پسرش جهانگیرشاه یعنی در سال ۱۰۱۷ به نام او به پایان رساند . این کتاب شامل لغتهای فارسی‌الاصل است و مؤلف برای هر لغت شعری برسبیل شاهد آورده است و چنانکه خود در مقدمهٔ کتاب می‌گوید چهل و چهار کتاب لغت‌در اختیارداشته و ازآنها استفاده کرده‌است. بنای ترتیب بابها وفصول کتاب برحرف دوم و اول لغات گذاشته شده و بهمین جهت برای مراجعان خالی از اشکال نیست . فرهنگ جهانگیری بسیار جامع و سودمند است و مورد تقلید و پیروی فرهنگ‌نویسان بعد مانند صاحب برهان قاطع قرارگرفته است .

فرهنگ چراغ هدایت (ك) فرهنگ کوچکی است تألیف سراج‌الدین علیخان متخلص به «آرزو». این فرهنگ در سال ۱۱۴۷ در عصر محمدشاه پادشاه دهلی نوشته شده است . چراغ هدایت شامل لغات وترکیبات واصطلاحاتی است که شعرای صفوی بکارمی‌بردند

وچنانکه خود نویسنده می‌گوید: «در معنی دفتر دوم‌است از کتاب سراج اللغات . در بیان‌الفاظ و اصطلاحات شعرای متأخر فارسی زبان که داخل هیچ کتاب لغت مثل فرهنگ جهانگیری و سروری و برهان قاطع و غیره نیست» ترتیب لغات در چراغ هدایت بر حسب حروف الفباست . دراین فرهنگ کلمات هندی‌الاصل که در شعر فارسی بکار رفته ذکر شده است . (چاپ تهران)

فرهنگ رشیدی (ك) از لغت‌نامه‌های نفیس فارسی تألیف عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی‌المدنی‌التتوی که آن را در سال ۱۰۶۴ در هندوستان تألیف کرده است . فرهنگ رشیدی از لحاظ صحت و دقت در مندرجات ، از معتبرترین لغت‌نامه‌های فارسی است و همیشه مورد توجه‌خاص‌لغویون بوده است. مؤلف فرهنگ‌رشیدی در مقدمهٔ کتاب از فرهنگ جهانگیری و سروری انتقاداتی کرده و اجتناب از سهل‌انگاری و اشتباهات ایشان را درکتاب خودلازم دانسته است . فرهنگ رشیدی چنانکه مؤلف خود گوید مشتمل بریك مقدمه و چند باب و خاتمه است . (فرهنگ رشیدی ـ چاپ تهران)

فرهنگ‌سراج‌اللغات (ك) سراج‌اللغات کتابی است تألیف سراج‌الدین علیخان متخلص به «آرزو» (متوفی ۱۱۶۹) در این فرهنگ لغات مانند برهان قاطع به‌ترتیب حروف اول و دوم و سوم‌آمده وشامل اصطلاحاتی است که در اشعار فارسی بکار رفته است . مؤلف‌در این کتاب نسبت به بعضی از فرهنگهای قبل مانند برهان قاطع و

فرهنگ رشیدی نظر انتقادی اظهار کرده و گاه آنها را اصلاح کرده است .

فرهنگ سروری (ك) یامجمع‌الفرس ، فرهنگی به زبان فارسی تألیف محمد قاسم‌بن حاجی محمد کاشانی متخلص به سروری . مؤلف این فرهنگ را در چند نوبت نوشته است به این معنی که هربار منابع و مآخذ تازه‌ای به دست آورده و بر شرح لغتهای سابق افزوده است. نسخهٔ کامل آن تاریخ ۱۰۵۴ هجری را دارد. مؤلف مجمع‌الفرس فرهنگهای مختلفی مانند فرهنگ جهانگیری و تحفة السعادة و امثال آن را در دست داشته است . مجمع‌الفرس دارای شواهد بسیار از اشعار استادان فارسی زبان است با ذکر مأخذ نقل هرلغت ونقد بعضی ازلغات . (چاپ تهران)

فرهنگ شمس‌اللغات (ك) از فرهنگهایی است که در هندوستان تألیف یافته و از مؤلف آن در هیچ جای کتاب نامی برده نشده است . این فرهنگ در سال ۱۲۱۹ پایان یافته و شامل در حدود چهل و پنج هزار لغت از زبان فارسی و عربی و ترکی وگاهی پهلوی می‌باشد و بیشتر کلمات مفرده مورد توجه نویسنده بوده است . (چاپ بمبئی)

فرهنگ لغات فرس (ك) قدیمترین کتاب لغت فارسی، تألیف ابونصر علی‌بن احمد اسدی طوسی . این کتاب شامل لغاتی است که‌اسدی همهٔ آنها را با شواهدی از اشعار شاعران توضیح داده وبرحسب حروف آخر کلمات و حروف الفبا تنظیم کرده است و چنانکه

خود اسدی گفته است این کتاب را به‌تشویق اردشیر دیلمسپار النجمی ساخته است . فرهنگ اسدی اساس کار فرهنگ نویسان بعد قرار گرفته و گنجینه‌ای از اشعار با ارزش فارسی به شمار می‌رود. (چاپ تهران)

فرهنگ نفیسی یا فرنودسار (ك) کتاب لغتی تألیف علی اکبرنفیسی ناظم‌الاطبا (متوفی ۱۳۰۳ ش). مؤلف در این کتاب مقید به‌آوردن لغات فارسی خالص نشده ، بلکه لغات تازی را نیز در آن وارد کرده است . همچنین به مفردات اکتفا نکرده ، بلکه مرکبات و اصطلاحات و استعمالات مختلف الفاظ را نیز ذکر کرده است و در ذیل بسیاری از کلمات ، خلاصه‌ای از علوم را به شکل دائرة المعارف آورده . این فرهنگ شامل بسیاری از نامهای تاریخی و جغرافیائی ایران و کشورهای اسلامی است .

فرهنگ هفت قلزم (ك) فرهنگی است تألیف غازی‌الدین حیدر پادشاه هند که دیباچه و ترتیب و نظم آن بوسیلهٔ شخصی موسوم به‌قبول محمد انجام گرفته است . این کتاب در هفت جلد است و هرجلد به‌نام «قلزم» نامیده شده‌است. شش قلزم دربارهٔ لغات وقلزم هفتم دربارهٔ علم بدیع وعروض وقافیه است. این قلزمها در سال ۱۲۳۴ مرتب‌شده وبرحسب حروف اول و آخرهر کلمه‌تنظیم‌یافته و کلمات با اعراب آمده است . در این فرهنگ از ذکر شواهد و آوردن اشعار خودداری شده است . صاحب هفت قلزم از فرهنگ برهان قاطع بسیار استفاده کرده است .

فریدون (ش ـ د) از نژاد تهمورث و پسر آبتین که در خرد سالی ضحاك پدرش را کشته بود و مادرش «فرانك» او را به مرغزاری برده و با شیر گاو بزرگ کرده بود . چون کاوهٔ آهنگر برضحاك شورید فریدون را به شاهی خواند . فریدون برضحاك چیره شد و او را در کوه دماوند به زندان کرد و خود به شاهی نشست .

فصل (ط) (از کلیات خمس) کلی ذاتی است که در جواب ای‌شیء (کدامیك) واقع می‌شود یعنی آنچه جزء حقیقت مختصه باشد مانند ناطق که جزء یك‌حقیقت از حیوان است ؛ یا جزء حقیقت مشترك باشد مثل حساس که شامل همهٔ نوع حیوان است.

فصیحی خوافی (ت) فصیح احمدبن محمدبن یحیی از نویسندگان و مورخان دورهٔ تیموری و معاصر شاهرخ . وی در سال ۷۷۷ در هرات متولد شده ودر همان شهر به‌تحصیل پرداخته است . پس از مرگ تیمور فصیحی به خدمت شاهرخ درآمد وشغل ومنصب دیوانی یافت. درسال ۸۲۴ مأمور کرمان شد و در سال ۸۲۷ باز گشت ودر بادغیس هرات به‌حضور شاه‌رسید وی به‌امر گوهرشاد به حبس افتاد وپس از رهائی اززندان درسال ۸۴۹ کتاب مجمل‌فصیحی‌رانوشته به‌شاهرخ‌تقدیم کرد. «رجوع‌شود به‌مجمل‌فصیحی»

فضایل‌الانام من‌رسائل حجة‌الاسلام (ك) شامل مکاتبات ومراسلات و محاورات ونصایح فارسی امام‌غزالی که بعداز وفات بوسیلهٔ یکی از نزدیکانش گرد آمده‌است. این مکاتبات‌عبارت است‌از نامه‌هائی که به امام غزالی نوشته و غزالی به آنها جواب داده است . در

این‌مجموعه نمونه‌هائی ازرسائل دوستانه و دیوانی فارسی درنیمهٔ قرن پنجم نشان داده شده است . خطبه‌ای در آن ذکرشده که از طرف امام‌غزالی درمجلس سنجر ایراد شده است . این مجموعه دارای پنج باب است . باب اول در نامه‌هائی که به شاهان نوشته شده‌است . باب‌دوم نامه‌هائی که به وزیران نوشته شده . باب‌سوم درآنچه به امراء وارکان دولت نوشته شده است . باب چهارم در آنچه به‌علماء وفقها نوشته شده . باب پنجم در فصول و مواعظ .

کتاب فضایل‌الانام علاوه برآنکه شامل مطالب عرفانی و حکمی‌است‌ازحیث‌فصاحت‌وروانی‌نیزازشاهکارهای‌نثرفارسی‌است ودرضمن‌آن می‌توان به‌بسیاری ازخصوصیات وتاریخ زندگی امام غزالی پی‌برد. (چاپ تهران)

فضولی بغدادی (ت) [ف : ۹۷۰] محمدبن سلیمان فضولی در بغداد متولد شده وبیشتر عمر را در آنجا گذرانده است . بعد به عثمانی رفت وتبعهٔ‌آن دولت‌گشت. وی به‌زبان ترکی وفارسی وعربی‌شعر می‌گفت و کتابی به‌تقلید روضة‌الشهداء حسین واعظ ساخته است‌به نام حدیقة‌السعداء، دیگر دیوان شعراست شامل غزلیات و قطعات و رباعیات به ترکی وفارسی .

فعل (ط) (ازمقولات‌عشر) مفهوم فعل تأثیر جسم‌است‌درجسم دیگرمثل گرم‌کردن آتش آب را .

فلك (نج) برحسب اعتقاد منجمان قدیم‌جسمی است گرد چون گوی که پیوسته درگردش است وغیر نورانی است وزمین درمرکز آن

قرارگرفته وافلاك دیگر مانندپیاز به دور آن پیچیده است، طبقات فلك هشت است :

قمر ، عطارد ، زهره ، آفتاب ، مریخ ، مشتری ، زحل ، نجوم متحیره (ستارگان‌بیابانی) که به ثوابت معروف‌اند، زیرا که بیحرکت‌اند .

فلکی شیروانی (ت) [ف: ۵۸۷] نجم‌الدین ابوالنظام محمد فلکی شیروانی. ازگویندگان آذربایجان درقرن ششم هجری که چون‌در علم نجوم مهارت داشته به « فلکی » تخلص یافته است . فلکی از درباریان شروانشاهان‌است، بخصوص‌خاقان‌اکبرمنوچهربن‌فریدون وپسرش اخستان رامدح گفته است . فلکی نزد ابوالعلاء گنجوی به تحصیل شعروادب پرداخت . دیوانش شامل قصاید وغزلیات‌و مسمط است. وی‌مدتی درزندان‌شروانشاه بسربرده واشعاری که در زندان سروده ازلطیفترین اشعاراوست (دیوان فلکی ـ چاپ‌عکسی)

فم‌الحوت (نج) از ستارگـان قدر اول که در آخر برج دلو و بر دهن حوت (ماهی) قرار گرفته است .

وزفم‌الحوت نهادی دندان　　　برسر ترکش ترکـان اسد

«خاقانی»

فندرسکی (ت) [ف: ۱۰۵۰] ابوالقاسم فندرسکی منسوب به فندرسك از اعمال استرآباد . فندرسکی در ریاضی و حکمت استاد بوده‌و در این علوم تألیفاتی دارد . فندرسکی در دربار شـاه عباس اول تقرب داشت و مورد احترام وی بود . سفری به‌هند کرد ودرآنجا

تحت نفوذ افکار بودائی واقع شد و حالت درویشی پیش گرفت.
فندرسکی در شعر فارسی نیز دست داشت. قصیده‌ای به استقبال
شعر ناصرخسرو ساخته است که در تذکره‌ها ضبط است.

الفهرست (ك) کتابی به زبان عربی، تألیف ابوالفرج محمدبن اسحق النديم که آن را به سال **۳۷۷** به‌اتمام‌رسانده است. کتاب «الفهرست» چنانکه از نامش پیداست، فهرست کتابهای عرب وعجم‌است که به‌زبان‌عربی موجود بوده است و شامل انواع علوم واخبارمؤلفان آن با ذکرنسب و تاریخ تولد و مدت‌عمر و تاریخ وفات‌آنهاست از ابتدای پیدایش هرعلم تا عصر مؤلف. این کتاب شامل‌ده‌مقاله و هر مقاله شامل چند فن می‌باشد که همه برحسب علوم و فنون مختلف تقسیم شده است. اسامی کتابها گاهی در ضمن شرح حال مؤلف می‌آید، وگاهی ازنظرموضوع طبقه‌بندی می‌شود. الفهرست کتابی است که از نقطهٔ نظر تاریخی بسیار سودمند است، زیرا با آنکه درکمال ایجاز و اختصار نوشته شده است، مرجع و مـأخذ مورخان قرارگرفته و سرچشمهٔ بزرگی‌ازعلوم و فنون‌مختلف‌است مانند: شعر، حدیث، نحو، کلام، علم‌قرائت خطوط، کتابت، فلسفه طب، مذاهب مختلف، اعتقادات ملل. همچنین بسیاری ازکتابها و مؤلفان ناشناس دراین‌کتاب معرفی می‌شوند.

کتاب الفهرست یکی ازجامعترین وبهترین کتابهای‌دورهٔ تمدن اسلامی است. سبك نوشتهٔ‌کتاب بسیار ساده است و کمتر کسی توانسته از آن تقلیدکند.

فیاض (ت) «رجوع شود به لاهیجی»

فیروزآبادی (ت) [ف: ۸۱۷] ابوطاهر مجدالدین محمدبن یعقوب الشیرازی فیروزآبادی از بزرگان ادب و لغت عرب در قرن هشتم. مولدش فیروزآباد فارس است. ابتدا در شیراز و پس از آن در عراق عرب و بغداد به تحصیل علوم دینی مانند فقه و تفسیر و حدیث پرداخت. بعد به‌دمشق و اورشلیم رفت ودر آنجا به‌تدریس اشتغال‌یافت پس از دوسال تدریس به آسیای صغیر و قاهره وبعد به مکهٔ معظمه رفت و پانزده سال درآنجا اقامت کرد. پس از آن به هندوستان عزیمت کرد و پنج سال در دهلی بسر برد و دوباره به مکهٔ معظمه بازگشت ودر سال ۷۹۴ به دربار سلطان احمدبن‌اویس جلایری به بغداد رفت. مدتی نیز قاضی‌القضاة یمن‌بود ودر سال ۸۱۷ دریمن وفات کرد. ازآثار اوتألیف‌بسیار بزرگی است درعلم لغت عرب موسوم به قاموس‌المحیط.

فیروز مشرقی (ت) [ف: ۲۸۳] از شاعران معروف صفاریان و معاصر عمروبن‌لیث. ابیاتی از او در تذکره‌ها باقی است.

فیض کاشانی (ت) [ف: ۱۰۹۱] محمدبن مرتضی الکاشانی. ملامحسن متخلص به فیض از فقیهان و حکیمان معروف عصر صفوی. اهل کاشان‌بود و درهمان شهر به‌تحصیلات‌ابتدائی‌وعلوم شرع‌پرداخت. پس از آن تحصیلات خودرا درشیراز نزد ملاصدرا تکمیل کرد. تألیفات فراوانی به ملامحسن نسبت می‌دهند.

از جملهٔ آثار او اصول‌المعارف، الکلمات‌المکنونه،

درحکمت و تفسیر والصافی والوافی درحدیث وتفسیر قرآن.

از آثار فارسی او ابواب‌الجنان است که درسال ۱۰۵۵ تألیف یافته و موضوعش نماز جمعه و آداب آن‌است. ملامحسن شعر نیز می‌سرود و دیوانش درحدود شش هفت‌هزار بیت دارد. (دیوان فیض کاشانی ـ چاپ تهران)

فیضی دکنی (ت) [ف: ۱۰۰۴] ابوالفیض فیض فیاضی پسرشیخ مبارک هندی و برادر ابوالفضل دکنی صاحب تاریخ اکبری. فیضی در سال ۹۵۴ در شهراگره هندوستان متولد شد و علوم مقدماتی را از پدر فراگرفت و در جوانی به علوم متداول زمان آشنائی یافت و در فقه و تاریخ و فنون شعری دست یافت. فیضی اگر چه در هندوستان زندگی کرده است ولی از حیث استحکام شعر فارسی مانند شاعران خوب فارسی زبان است و او را از رواج دهندگان زبان فارسی در هند می‌شمارند. شعر فیضی در عثمانی وهند بسیار نفوذ یافت. وی از اغلب قصه‌های هندی اطلاع داشته و بعضی از آنهارا به فارسی ترجمه‌کرده است. فیضی درسال ۹۹۶ در دربار اکبرشاه به رتبهٔ ملك‌الشعرائی رسید.

فیضی اشعار بسیار دارد که ابوالفضل برادر او دریکی‌از نوشته‌هایش آنهارا درحدود پنجاه‌هزار بیت‌دانسته‌است. غزلیاتش به نام تباشیرالصبح است و تفسیری به نام سواطع‌الالهام دارد که در سراسر آن یك حرف نقطه‌دار بکار نبرده است.

فیضی مثنویهائی به تقلید نظامی ساخته که بعضی از آنها

نیمه تمام مانده است . خمسهٔ او عبارت است از : مرکز ادوار ، سلیمان و بلقیس، نل‌ودمن، هفت کشور، اکبرنامه .

فیه مافیه (ك) کتابی به نثر مشتمل بر شمه‌ای از مقالات و مجالس مولانا جلال‌الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی . این کتاب متضمن بحثهای عرفانی و دینی و اخلاقی است . (چاپ تهران)

DATE LABEL

ق

قاآنی(ت) [ف: ۱۲۷۰] میرزا حبیب‌الله از شاعران بزرگ ایران در دورهٔ قاجار و معاصر فتحعلیشاه . پدرش نیز شاعر بود و «گلشن» تخلص داشت . قاآنی به سال ۱۲۲۲ در شیراز متولد شد و به خراسان سفر کرد و در آنجا به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت . وی نزد حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه تقرب یافت و به فرمان و به مناسبت اسم پسر شجاع‌السلطنه یعنی اوگتای قاآن ، قاآنی تخلص کرد و به وسیلهٔ همین شاهزاده به خدمت فتحعلیشاه رسید و پس از آن در دربار محمدشاه و ناصرالدین نیز تقرب یافت و آنان‌را مدح گفت. قاآنی از معروفترین شاعران قصیده‌سرای دورهٔ قاجاراست. در قصیده از شاعران خراسان خاصه عنصری و فرخی و منوچهری پیروی کرده و در ترجیع‌بند و مسمط نیز دست داشته است. قاآنی گذشته از دیوان اشعار ، کتابی به نام « پریشان » به نثر دارد که آن‌را به سبک گلستان سعدی نگاشته است. وی اولین شاعر ایرانی

است که زبان فرانسه را آموخته است. اما آشنائی با زبانهای اروپائی درشعرش تأثیری نکرده است . (دیوان قاآنی ـ چاپ تهران)

قائم مقام(ت) [ف: ۱۲۵۱] میرزا ابوالقاسم فراهانی پسر میرزاعیسی معروف به میرزابزرگ قائم مقام وزیر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه که درسال ۱۱۹۳ متولد شد و به وسیلهٔ پدر به دربار عباس میرزا راه یافت و در سفرها با شاهزاده همراه بود و کم کم پیشکاری اورا برعهده گرفت و در امور صلح و معاهدات با روس کوشش بسیار کرد و اساس سلطنت عباس‌میرزا را محکم ساخت و بعد از او محمد میرزا را به تخت نشاند و خود به صدارت او منصوب گشت و پس از آنکه تخت و تاج را بی منازع کرد ، در سال ۱۲۵۱ به دست دژخیمان به قتل رسید.

قائم مقام در علوم حکمت و ادب و نظم و نثر فارسی و عربی استاد بود . منشآت و مکتوبهای او نمونهٔ نثر فصیح آن عصر و به سبک گلستان است . قائم مقام در شعر ازسبك خراسانی پیروی می کند و خود نیز صاحب ابتکار و تجدد است. از آثار معروف او مثنوی فکاهی جلایرنامه است که از زبان جلایر یکی از نوکران اوست که بعدها مورد تقلید ایرج در عارفنامه واقع گشته است. درمثنوی جلایرنامه اوضاع و نقائص لشکری و کشوری بازبانی هزل آمیز نشان داده‌شده است. قائم مقام اشعار شکوائی و حزن آوری دارد که اثری از وقایع خونین زمان او یعنی اواسط قرن سیزدهم درآن نمایان است . قایم‌مقام در شعر «ثنایی»تخلص

کرده است .

قاب قوسین – به قدر دو کمان و در اصطلاح عرفا مقامی است والا و نزدیك به خدا بحدی که مرحلهٔ فنا باشد .

از طاعت برشده به قاب قوسین

پیغمبر ما در زمین بطحاء

«ناصرخسرو»

قابوسنامه (ك) تألیف امیر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس‌بن وشمگیر از امیران زیاری که آن را در سال ۴۷۵ در نصیحت به فرزند خود گیلانشاه نوشته است . این کتاب شامل چهل وچهار باب است در مباحث مختلف وفنون و رسوم اعم از کشورداری و لشکرکشی و بازرگانی و علوم متداول زمان . مؤلف همهٔ ابواب کتاب را با حکایتها وتمثیل‌ها آمیخته و ازاشعار خود نیز نمونه‌هائی ذکر کرده است . قابوسنامه را می‌توان از مهمترین کتابهای نثر فارسی شمرد که شامل اطلاعات گرانبها از تمدن قدیم و اوضاع اجتماعی است که با مطالب سودمند اخلاقی وحکمتهای عملی آمیخته است. نثرقابوسنامه ازبهترین و روانترین نثرهای فارسی است .

قارون (تن) پسرعم موسی که از موسی کیمیاگری آموخت وبسیاری از فلزات را به زر تبدیل کرد و خواستهٔ بیشمار جمع کرد .آنگاه غرور مال اورا بر موسی نا فرمان کرد ، موسی زمین را فرمود تا دهان باز کند و قارون را با خواسته‌اش در خود فرو برد .

قارون هلاك شد که چهل خانه گنج داشت

نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

«سعدی»

قاضی ابوبکر حمیدالدین عمربن محمود البلخی (ت) [ف: ۵۵۹] از عالمان و فاضلان خراسان که چندی در بلخ مسند قاضی القضاتی داشته است، وی معاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و با شاعران ودانشمندان زمان خود ارتباط علمی و ادبی داشته‌است، خاصه از انوری شاعر معروف پشتیبانی فراوان کرده است، و هنگامی که حکم نجومی انوری برحسب پیش‌بینی او در مورد انقلاب جوی صحت نیافت و مردم بلخ بر او شوریدند قاضی حمیدالدین او را از مهلکه نجات بخشید. انوری دربارهٔ او و مقام فضل او مدایح فراوان گفته است. قاضی حمید الدین علاوه بر احاطهٔ بر علوم شرعی و قضا در علوم ادبی خاصه نثرنویسی معروف است. تسلط او درنثر مسجع است وکتاب مقامات را به این شیوه‌نوشته است.

از آثار دیگراو رساله‌هایی است به نام: وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة، حنین‌المستجیرالی حضرةالمجیر، روضة الرضا فی مدح ابی‌الرضا، منیته‌الراجی فی‌جوهرالتاجی.

از آثار منظوم او مثنوی سفرنامهٔ مرو است که یك قطعه از آن در مجمع‌الفصحاء و تذکرهٔ هفت اقلیم مندرج است.

قاضی بیضاوی (ت) [ف: ۶۸۵] ابوالخیر ناصرالدین عبدالله ابوسعید

بیضاوی اهل بیضای فارس که‌در شیراز شغل قاضی‌القضاتی‌داشت پدرش نیزدر عهد اتابك ابوبکربن سعد زنگی همین مقام‌را داشت. قاضی بیضاوی ازفقیهان ومفسران بزرگ اسلام است . از تألیفات معروف او یکی کتاب تفسیر است موسوم به اسرارالتنزیل به زبان عربی . دیگر طوالع‌الانوار در توحید و منهاج‌الوصول در علم اصول . دیگر کتابی است به زبان فارسی به نام نظام‌التواریخ .

قاف (د) نام کوه‌افسانه‌ای که‌گرداگرد جهان راگرفته‌است و به روایت «منطق‌الطیر»عطار جایگاه سیمرغ بوده است.

ملك جهان بگیری از قاف تا به قاف
مال جهان ببخشی از عود تا به قار
«منوچهری»

قافیه (ق) قافیه یکسان بودن آخرین جزء کلمات آخر بیت‌است‌بشرط آنکه کلمات عیناً وبه‌یك معنی درآخر ابیات تکرار نشده باشد . این جزء شامل یك‌حرف ساکن اصلی است که آن را روی می‌خوانند و حرکت ماقبل آن مانند قمر وشکر، که حروف آخر و حرکت میم‌وشین یکسان است ؛ یا حرف ساکن ماقبل و حرکت پیش ازآن مانند بدر و قدر، کاشت و داشت.

قاموس‌المحیط (ك) کتاب بزرگی در علم لغت عرب تألیف ابوطاهر مجدالدین محمد معروف به فیروزآبادی که آن را در قرن هشتم هجری تألیف کرده‌است .

قانعی(ت) امیربهاءالدین احمد قانعی . شاعری از اهل طوس که در حملهٔ مغول به‌هندوستان گریخت واز آنجا به مکه ومدینه وبغداد

سفر کرد وسرانجام به‌آسیای صغیر رفت ودر دربارشاهان‌سلجوقی روم در قونیه اقامت کرد و مثنوی به سبك شاهنامه در تاریخ آن سلسله به نظم آورد ودر سال ۶۵۵ کتاب کلیله ودمنه را به فارسی منظوم کرد وبه نام عزالدین کیکاووس از شاهان سلجوقی آسیای صغیر ساخت .

قانون (ك) یکی از مهمترین کتابهای طبی اسلامی تألیف دانشمند و پزشك بزرگ ایرانی ابوعلی سینا به زبان عربی. این کتاب شامل پنج قسمت است : ۱- در امور کلی طب ۲- در ادویهٔ مفرده ۳- امراض جزئیه‌اعضاءِانسان ۴-امراض‌جزئیه‌ای که‌اختصاص‌به‌اعضاء معین ندارد، ۵- در ادویهٔ مرکبه .

کتاب قانون چندبار به طبع رسیده و ترجمه‌های متعددی از آن شده و شروح متعددی بر آن نوشته شده است .

القباوی (ت) ابونصراحمدبن محمدبن نصرالقباوی اهل‌بخارا و دیه قبا که در سال ۵۲۳ تاریخ بخارای نرشخی را از عربی به فارسی ترجمه کرده و مطالبی نیز بر آن افزوده است .

قبس (تن) به معنی پارهٔ آتش و در شعر فارسی اشاره به پارهٔ آتشی که در وادی ایمن از درختی برموسی ظاهر شد .

ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس
موسی اینجا به امید قبسی می‌آید
«حافظ»

قبض (ع) (زحاف) درمفاعیلن اسقاط حرف پنجم یعنی یاءاست که در این صورت مفاعیلن می‌شود مفاعلن ؛ و آن را مقبوض گویند . در فعولن حذف نون است که می‌ماند فعول؛ و آن‌را مقبوض خوانند.

قدر (نج) جایگاه ستارگان و نسبت آنها به منطقة‌البروج که «شرف» نیز خوانده می‌شود . آنچه را که از همه بزرگتر است ، قدر اول یا شرف اول می‌خوانند . قدر اول پانزده است.

۱ ـ سماك اعزل ۲ ـ سماك رامح ۳ ـ نسر واقع ۴ـ نسر طایر ۵ـ شعرای یمانی ۶ ـ شعرای شامی ۷ ـ عیوق ۸ـ دبران ۹ ـ قلب‌الاسد ۱۰ ـ فم‌الحوت ۱۱ ـ منكب‌الجبار ۱۲ ـ قدم‌الجبار ۱۳ ـ سهیل ۱۴ ـ آخرالنهر ۱۵ ـ رجل قنطورس

قدم‌الجبار (نج) از ستارگان‌قدراول که در شکل «جبار» است و آن‌را جوزا خوانند .

قران (نج) به معنی گرد آمدن و نزدیك شدن است، در اصطلاح نجوم وقتی است که دو ستاره به یکجا گرد شوند . قران مطلق گرد آمدن زحل و مشتری است و آن به هر بیست سال یك بارباشد.

قران بعضی از ستارگان نحس است وبعضی سعد . از آن جمله‌قران ماه و مشتری که هر ماه یکبار واقع می‌شود سعداست:

گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود
گفت آن زمان که مشتری و مه قران کنند
«حافظ»

قریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی، اصل آن «مفاعیلن مفاعیلن

فاعلاتن» ۲ بار است. این وزن از آن بحر در فارسی گاهی به‌کار رفته است: بحر قریب مکفوف مقصور (مفاعیل مفاعیل فاع لان ۲ بار).

می‌آرد شرف مردمی پدید و ازاده‌نژاد از درم‌خرید

قزوینی (ت) [ف: ۱۳۲۸ شمسی] محمدبن عبدالوهاب بن عبدالعلی قزوینی از محققان و دانشمندان معاصر که درسال ۱۲۹۴ قمری در تهران متولد شد. تحصیلات متداول را مانند صرف و نحو و فقه و کلام و حکمت درنزد علماء زمان مانند حاج شیخ فضل‌الله‌نوری و حاج شیخ‌علی‌نوری و ملامحمد آملی و ادیب پیشاوری آموخت و بخصوص در ادبیات عرب شوق فراوان یافت. قزوینی در سال ۱۳۲۲ قمری سفری به‌لندن کرد و در آنجا با جمعی از مستشرقان ازجمله ادوارد براون مؤلف تاریخ ادبیات ایران آشنا گشت. در سال ۱۳۲۴ برای‌مطالعهٔ نسخه‌های فارسی وخاصه نسخه‌های کتاب جهانگشای جوینی که به تصحیح آن مصمم گشته بود به پاریس رفت. در پاریس با علی اکبر دهخدا ملاقات کرد و در مدت اقامت اغلب در مصاحبت یکدیگر بودند. درسال ۱۳۳۳ هجری هنگام جنگ جهانی اول با حسینقلی خان نواب به برلن رفت و تا پایان جنگ آنجا ماند و دوباره به پاریس بازگشت. قزوینی کتابهائی مانند لباب‌الالباب عوفی، المعجم فی معائیر اشعارالعجم، چهار مقالهٔ عروضی، جلد اول و دوم تاریخ جهانگشای جوینی‌را تصحیح کرده و دیوان حافظ را با همکاری دکتر غنی تصحیح و

چاپ کرده است .

دیگر از آثار قزوینی بیست مقاله است که شامل مقالات ادبی و تاریخی اوست که در جراید مختلف پارسی در ایران و اروپا منتشر شده و با کوشش و مقدمهٔ پورداوود درسال ۱۳۰۷ش به چاپ رسیده است . دیگر یادداشتهائی است شامل نکته‌هائی در بارهٔ مطالب مختلف .

قشیری (ت) [ف : ۴۶۵] از عالمان و عارفان قرن پنجم که در علوم عقلیه و نقلیه و فنون طریقت استادبود. ازتألیفات او رسالةالقشیریه است درتصوف و شرح‌حال رجال صوفیه. دیگر لطایف‌الاشارات در تفسیر .

قصر (ع) (زحاف) درمفاعیلن حذف نون واسکان لام است‌که می‌شود مفاعیل و آن را مقصور خوانند . در فاعلاتن حذف نون و اسکان تاء است که می‌شود فاعلات بجای آن فاعلان می‌گذارند و آن را مقصور خوانند . در فاع لاتن مانند قصراست در فاعلاتن.

در مس تفع‌لن حذف نون و اسکان لام است که می‌ماند مستفعل و بجای آن مفعولن می‌گذارند، وآن‌را مقصور خوانند .

در فعولن حذف نون واسکان لام است‌که می‌ماند فعول؛ وآن را مقصور خوانند .

قصص‌الانبیاء (ك) تألیف‌ابواسحق‌ابراهیم‌بن‌منصوربن خلف‌نیشابوری که درآن از روایات کلبی در ذکر قصص قرآن نقل کرده است

مؤلف میان روایت خود و کلبی هفت واسطه ذکر کرده است. این کتاب درقرن پنجم هجری تألیف‌یافته وعبارات و ترکیباتش کهنه است. (چاپ تهران)

قصیده (ب) اشعاری است که مصراع اول و تمام بیتهای آن دارای‌قافیه واحدباشد، عدد بیتهای قصیده تا سیصد می‌رسد . ابتدای هرقصیده تغزل است یا وصف طبیعت ، پس از آن شاعر تغزل را به مدح‌یا ذم می‌کشاند مانند قصاید فرخی، عنصری، خاقانی، انوری .

قطان مروزی (ت) [مقتول: ۵۴۸] عین‌الزمان امام ابوعلی‌حسن‌بن علی از حکیمان و پزشکان وادیبان اواخر قرن‌پنجم و اوایل قرن‌ششم. وی به‌سال ۴۶۵ در مرو متولد شد و در جوانی به تحصیل فقه و حدیث پرداخت ودرطب و هندسه و حکمت مهارت یافت و از انواع علوم ادبی اطلاع کافی تحصیل کرد . امام‌حسن قطان‌معاصر رشیدوطواط‌بوده و با اومکاتبه داشته است. وی‌درسال ۵۴۸ درحادثهٔ غز اسیر شد و به‌قتل رسید.

از آثار او، بحثی درعروض است به فارسی که صاحب المعجم بدان اشاره‌کرده است و دو شجرهٔ اخرب و اخرم برای استخراج اوزان مختلف رباعی از ابداعات اوست. دیگر کتاب الدوحة درانساب و رسایلی‌درطب، ازهمه‌مهمتر کتاب کیهان‌شناخت است به زبان فارسی که آن را در حدود سال ۵۰۰ هجری برای نوآموزان علم هیئت تنظیم کرده است.

قطب‌الدین رازی(ت) [ف: ۷۶۶] قطب‌الدین محمدبن محمد رازی از

شاگردان عضدالدین ایجی اهل ری بوده ولی قسمت آخر عمر خودرا در شام گذرانده است . در حکمت ومنطق تألیفاتی دارد ، ازآنجمله است : شرح‌الرسالةالشمسیه معروف به شرح شمسیه در منطق که آن‌را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد نوشته و در شرح کتاب کاتبی قزوینی است . دیگر کتاب لوامع‌الاسرار فی شرح مطالع‌الانوار، کتاب محاکمات که در آن امام فخررازی وخواجه نصیرالدین طوسی‌را، به مناسبت اختلاف آن دو استاد در شرح اشارات ابوعلی‌سینا ، محاکمه‌کرده است.

قطب‌الدین شیرازی (ت) [ف: ۷۱۰] قطب‌الدین محمودبن ضیاءالدین مسعود شیرازی‌معروف به‌علامهٔ شیرازی پدرقطب‌الدین‌اهل‌کازرون بود، اما او درشیراز متولد شد و نزد پدرش که ازاطباء معروف و مشایخ صوفیه بود به‌آموختن علم‌طب پرداخت و در ده‌سالگی خرقهٔ تصوف پوشید وپس از پدر بجای او به پزشکی بیمارستان منصوب شد. وی‌هرگزاز تحصیل بازننشست وقانون ابن‌سینا رانزد عموی خود آموخت. پس ازچندی عزم سفرکرد و راه مراغه‌را پیش گرفت و به خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رسید و علم هیئت وکتاب اشارات ابن‌سینا را نزد او خواند. پس ازچندی به خراسان وعراق عجم واز آنجا به بغداد و روم رفت و با مولانا جلال‌الدین رومی ملاقات‌کرد . قطب‌الدین آنگاه درقونیه اقامت کرد واز صدرالدین قونیوی طریقهٔ ارشاد را فراگرفت و باحاکم روم، معین‌الدین سلیمان پروانه آشنا شد و به فرمان او به قضاء

سیواس و ملاطیه منصوب گردید و در سال ۶۸۱ از طرف احمد تکودار به سفارت مصر رهسپار شد . از مصر به شام رفت و در آنجا کتاب قانون وشفاء ابن‌سینا را تدریس کرد و به تبریز رفت وقریب چهارده سال‌عزلت اختیار کرد وبه‌تصنیف‌پرداخت. قطب الدین در دربار اباقاخان و غازان‌خان مقام بلندی داشت و مورد احترام شاگردان‌خود بود. وی‌رباب‌می‌نواخت وشطرنج می‌باخت و در انواع علوم خاصه در ریاضی استاد بود .

از آثار او به‌عربی: نهایةالادراك فی‌درایةالافلاك، التحفة‌ـ الشاهیه، شرح حکمةالاشراق‌سهروردی، فتح‌المنان‌فی‌تفسیرالقرآن وحاشیه برکتاب الکشاف عن‌حقایق‌التنزیل زمخشری وغیره است وبه فارسی کتاب درةالتاج است.

قطران (ت) [ف : ۴۶۵] حکیم ابومنصور قطران عضدی تبریزی از شاعران قرن‌پنجم ودورهٔ سلجوقی واز نخستین‌کسانی است که در آذربایجان به‌فارسی شعر سروده است . قطران ازطبقهٔ دهقانان‌بود که‌به شاعری پرداخت.ازممدوحان وی امیرابوالحسن علی‌لشکری فرمانروای گنجه و امیر ابومنصور وهسودان‌بن محمد فرمانروای تبریز وابونصرمحمدبن وهسودان معروف به مملان است .

از آثـار قطران دیـوان شعر اوست شامـل قصایـد و غزلیات ورباعیات وترجیعات .سبك قطران بیشتر به‌سبك فـرخی وعنصری متمایل بوده است . ازقصاید معروف اوقصیده‌ای است‌در وصف زلزلهٔ تبریز که‌به سال ۴۳۴ رخ داده . اغلب اشعار قطران

با رودکی آمیخته است و علت آن شباهت نام ممدوح رودکی ابونصرسامانی با کنیهٔ ممدوح قطران ابونصرمملان می‌باشد. جز دیوان، کتاب‌لغتی به‌نام تفاسیرفی‌اللغةالفرس به او منسوب است.
(دیوان قطران ـ چاپ تهران)

قطع (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف نون واسکان‌لام است که می‌شود مستفعل بجای آن مفعولن می‌گذارند و آن را مقطوع گویند.

قطعه (ب) شعری‌است‌که از چند بیت درست شده وازحیث ظاهرمانند قصیده است، جزآنکه دومصراع اول آن مستلزم‌داشتن قافیهٔ واحد نیست. ازحیث معنی، مجموع چند شعر است دربیان یك‌معنی و مقصود که معمولا پند وحکمت و یا تقاضائی است. قطعه غالباً از سه بیت تا دوازده بیت است.

قلب (ب) آن است که مطلب یامضمون یا کلمه‌ای را بطور مطبوعی واژگون کنند و برچند قسم است.

قلب کل:

در پای کوی تو سر ما می‌توان برید
نتوان بریدن از سر کوی تو پای ما

قلب مستوی: آن است که‌اگر هریك‌ازدومصراع‌وارونه شود، خواندنش فرق نمی‌کند.

شو همره بلبل به لب هر مهوش
شکر به ترازوی وزارت بر کش

قلب مجنح: آن است که کلمه‌های قلب شده در ابتدا و انتهای مصراع قرار گیرد.

گنج دولت دهد گزارش جنگ
رای نصرت کند حمایت یار

قلب بعض : آن است که بعضی حروف در دو کلمهٔ مقلوب واژگون شود مانند سحبان وسبحان دراین شعر :

توان در بلاغت به سحبان رسید
نه در کنه بیچون سبحان رسید

«سعدی»

قلب الاسد (نج) از ستارگان قدر اول که دربرج « اسد » قرار گرفته است .

گرمگاهی کافتاب استاده در قلب اسد
سنگ‌وریگ ثعلبیه بید وریحان دیده‌اند

«خاقانی»

قلندر ـ به‌کسی اطلاق می‌شود که‌از قیود تکلفات وعادات وارسته‌و طالب جمال حق باشد.

تا حضرت عشق را ندیمیم در کوی قلندران مقیمیم

«خاقانی»

قمر (نج) ماه است که در فلك اول قرار دارد و نزدیکترین سیارات به زمین می‌باشد .

قمر بسان چشم درد گین شود سپیده دم شود چو توتیای او

«منوچهری»

قمری جرجانی (ت) ابوالقاسم زیادبن‌محمدالقمری‌الجرجانی ازشاعران نیمهٔ دوم قرن چهارم و معاصر قابوس‌وشمگیر که‌اشعاری درمدح

آن‌پادشاه سروده است. اشعاری ازاو در لباب‌الالباب ضبط است.

قمی (ت) [ف : نیمهٔ آخرقرن‌چهارم] ابونصرحسن‌بن علی‌منجم‌القمی از منجمان قرن‌چهارم ومعاصر فخرالدولهٔ دیلمی . ازآثار او کتاب البارع در مدخل احکام نجوم‌است‌که آن‌را درحدود ۳۶۷ تألیف کرده است .

قمی (ت) حسن‌بن محمدبن حسن‌قمی از عالمان ومورخان قرن چهارم هجری که‌در سال ۳۷۸ به تشویق صاحب‌بن‌عباد وفخرالدولهٔ‌دیلمی کتاب تاریخ قم را به زبان عربی تألیف‌کرد .

قمی (ت)حسن‌بن علی‌بن حسن‌بن‌عبدالملك قمی از نویسندگان قرن‌نهم که کتاب تاریخ قم رادر سال ۸۰۵ ازعربی به‌فارسی ترجمه کرده است .

قوامی رازی (ت) شرف‌الشعرا امیربدرالدین‌قوامی‌خبازرازی ازشاعران نیمهٔ‌اول قرن‌ششم ومداح قوام‌الدین طغرائی که‌تخلص خود را از نام او گرفته است . قوامی شیعی‌مذهب بود و اشعار فراوانی در مدح خاندان پیغمبر ومرثیهٔ آنان وهمچنین اشعار پندآمیز مبتنی‌بر افکار دینی دارد . غزلهــای عاشقانهٔ قوامی بسیار لطیف است .
(دیوان قوامی ـ چاپ‌تهران ۱۳۳۴ شمسی)

قوس(نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقة‌البروج و به شکل کمان . برج قوس برابر ماه آذر است.

کمانور را کمان در چنگ مانده
دوپای آزرده دست از جنگ مانده

«از ویس و رامین»

قونیوی (ت) [ف : ۶۷۱] صدرالدین قونیوی از عارفان نامی و مشایخ مشهور قونیه است . وی تحت سرپرستی ناپدری خود یعنی محی الدین ابن العربی به اخذ علوم متداول زمان موفق شد و در فقه و حدیث و علوم باطنیه و ظاهریه و عقلیه و نقلیه استادگشت .

مولانا جلال الدین رومی از شاگردان وی بوده است .

صدرالدین قونیوی دارای آثار بسیاری است ازجمله تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن و احادیث .

قید (ق) ازحروف قافیه . حرف ساکنی است که پیش از روی قرار می‌گیرد . حروف قید در فارسی ده است . س ، ش ، ه ، ب ، ف ، ر ، خ ، ن ، غ ، ز ، مانند : دست ، دشت ، سپهر ، ابر ، صفر ، سرو ، بخت ، رنج ، مغز ، رزم .

مراعات حرف قید در قوافی واجب است.



کاتب بغدادی (ت) ابوالفرج قدامة‌بن‌جعفر از شاعران وادیبان وفیلسوفان قرن چهارم که در دولت عباسی مقامات عالی داشت . از آثار او نقدالشعر در بدیع که شامل بیست نوع ازصنایع بدیع است. دیگر نقدالنثر ، صناعةالجدل ، الخراج وتریاق‌الفکر .

کاتبی نیشابوری (ت) [ف : ۸۳۸] محمدبن‌عبدالله‌ترشیزی از شاعران قرن‌نهم در دهی میان ترشیز و نیشابور متولد شده‌است، از اینرو گاهی او را ترشیزی وگاهی نیشابوری می‌خوانند . کاتبی از نیشابور به‌هرات و از آنجا به‌استرآباد و شیروان سفر کرد ومدتی درخدمت شیخ ابراهیم سلطان‌شیروان ماند واز آنجا به آذربایجان رفت و قصیده‌ای در مدح سلطان اسکندربن قرایوسف ترکمان ساخت ، سپس به‌اصفهان عزیمت کرد و درآنجا به‌مولانا خواجه صائن‌الدین‌علی‌ترکه ازبزرگان عرفا برخورد و پیرو طریقهٔ او شد وبقیهٔ عمررا به‌عزلت وقناعت‌گذراند ودوباره به‌استرآباد برگشت

و همانجا وفات یافت .

دیوان کاتبی مشتمل است برسه هزاربیت ازقصیده وغزل وقطعه و رباعی . سه مثنوی بنام تجنیسات، ذوبحرین، ذوقافیتن و منظومه‌هائی به‌نام: حسن‌وعشق، ناظرومنظور، بهرام وگل‌اندام‌دارد.

کارنامهٔ بلخ (ك) منظومه‌ای از آثار حکیم‌سنائی شاعر بزرگ قرن ششم در پانصد بیت که آن‌را درشهر بلخ و درعهد سلطنت مسعود بن‌ابراهیم ساخته است. موضوع آن مدح شاه و بزرگان غزنین و دارای هجو ومطایبه‌است و به‌این‌جهت آن‌را مطایبه‌نامه نیزگویند. (این‌منظومه با تصحیح مدرس‌رضوی در جلد سوم از دفتر چهارم فرهنگ ایران‌زمین چاپ شده است.)

کاشفی (ت) [ف : ۹۱۰] مولانا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی از فاضلان نامی‌دورهٔ آخر تیموری ومعاصر سلطان‌حسین‌بایقرا. کاشفی اهل سبزوار است که در هرات به وعظ می‌پرداخته و درعلم کلام وحدیث‌وتفسیر وسایر فنون‌ادب استادی داشته ودرنثرفارسی‌هنرمند بوده‌است. از آثار معروف او کتاب: انوار سهیلی، صحیفهٔ شاهی یا مخزن‌الانشاء ، لب‌لباب مثنوی مولوی ، روضة‌الشهداء ، تفسیر مواهب‌علیه ، اخلاق‌محسنی و اسرارقاسمی در سحر وطلسم‌است.

کاشفی (ت) فخرالدین علی‌بن حسین کاشفی . پسر حسین واعظ کاشفی که‌کتاب رشحات عین‌الحیاة را درسال ۹۰۹ تألیف کرده است . دیگر از آثار او کتاب لطائف الطوائف است .

الکافی (ك) تألیف فقیه ومحدث معروف اسلامی محمدبن‌یعقوب کلینی.

کتاب کافی یکی از چهار کتاب شیعه است که کلینی بیست سال در تألیف آن وقت صرف کرده و شامل شانزده هزار حدیث است که مرجع علمای شیعه و فقیهان و محدثان می‌باشد. (الکافی باترجمهٔ فارسی ـ چاپ تهران)

کافی ظفر همدانی (ک) از شاعران اواخر قرن پنجم و معاصر ملکشاه بن الب ارسلان سلجوقی (۴۶۵– ۴۸۵) . در لباب الالباب چند قصیده و غزل از او نقل شده است .

کامل (ع) از بحور شعرعربی که در آن زبان مسدس است و در فارسی به ندرت بکار می‌رود . وزنی که گاهی از آن به کار رفته این است:

بحر کامل مثمن (هرمصراع متفاعلن ۴ بار):

به حریم خلوت خود شبی چه شود نهفته بخوانیم
به کنار من بنشینی و به کنار خود بنشانیم

کامل التواریخ (ک) تاریخی به زبان عربی تألیف ابوالحسن عزالدین علی بن محمد معروف به ابن اثیر . این کتاب شامل ده جزء است مشتمل بر تاریخ عالم از ابتدای خلقت تاسال ۶۲۸ هجری. ابن اثیر در کتاب الکامل تاریخ پیغمبران وشاهان را به هم آمیخته است.ودر نقل، از کتاب تاریخ طبری تقلید کرده وحذف واضافاتی در آن بکار برده که خود نیز به آنها اشاره کرده است . الکامل اولین تاریخی است که حاوی وقایع استیلای مغول است و از منابع گرانبهای آن دوره به شمار می‌رود .

کاووس (ش ـ د) از شاهان سلسلهٔ کیان و پسر کیقباد که به یاری رستم

مازندران را فتح کرد و برای سرکوبی شاه هاماوران رفت و به زندان افتاد و به‌دست رستم نجات یافت وسودابه دختر شاه‌هاماوران را گرفت و به ایران بازگشت. کاووس یك بار به فریب اهریمن به آسمان پرواز کرد و عقابهائی که تخت او را می کشیدند وی را در سرزمین آمل فرود آوردند. کاووس به خودکامکی و تندی معروف بود و با رستم که بارها او را از رنجها رهانیده بود، به تندی رفتار می کرد، چنانکه از دادن نوشدارو در مرگ سهراب خودداری کرد. همچنین با سیاووش پسرخود رفتاری ناجوانمردانه پیش گرفت، بر او خشمگین شد و او را به سرزمین توران فرستاد و دیگر روی او را ندید. سرانجام کاووس از شاهی کناره‌گیری کرد و تخت و تاج را به کیخسرو پسر سیاووش واگذاشت.

کاوهٔ آهنگر (ش-د) آهنگری که مطابق داستان شاهنامه بر ضحاك که پسرانش را کشته بود، شورید وچرم پاره‌ای برسر چوب کرد و مردم را به پیکار با ضحاك برانگیخت. ضحاك را در کوه دماوند به‌زندان کرد و فریدون را برتخت نشاند.

کتاب (ا!) (ك) کتاب معروفی‌است در نحو تألیف ابوالحسن عمروبن عثمان سیبویه. این کتاب در قرن دوم هجری تألیف یافته وشهرتی جهانی پیدا کرده است.

کسائی مروزی (ت) [ف: ۳۹۱] ابوالحسن مجدالدین اسحق کسائی مروزی. از شاعران اواخر قرن چهارم که ناصرخسرو شاعر معروف در اشعار خود بسیار از او نام برده و به پیری و فرسودگی

او اشاره کرده است. کسائی قصایدی در مدح وزیر سامانیان و همچنین سلطان محمود غزنوی دارد و گذشته از توصیفات و مدایح، قصایدی هم در پند و اندرز و حکمت دارد که اغلب دارای معانی فلسفی است و ناصرخسرو بعضی از آنها را استقبال کرده است. کسائی در توصیف و ایراد تشبیهات استادی داشته است. قطعاتی از اشعار او در تذکره‌ها و فرهنگها نقل شده است.

کسوف (نج) گرفتن خورشید است. ماه اگر میان زمین و آفتاب واقع شود، آفتاب را از چشم می‌پوشاند و سیاهی که بر آفتاب دیده می‌شود سایهٔ ماه است. کسوف یا تمام و کلی است یا ناقص و جزئی

تا حشر منکسف نشود آفتاب اگر
آید به زیر سایهٔ عدلت به زینهار

«انوری»

الکشاف (ك) از مهمترین تفسیر های معتزله تألیف ابوالقاسم محمودبن عمرزمخشری‌خوارزمی (متوفی ۵۳۸). مؤلف‌دراین تفسیر دربارهٔ خصوصیات صرف و نحو و معانی و بیان و شأن نزول آیات و مسائل اعتقادی معتزله بحث کرده است. کشاف از تفسیرهای پرارزش است و شروح بسیار بر آن نوشته شده‌است.

کشف (زحاف) (ع) در مفعولات حذف تاء است که می‌ماند مفعولا بجای آن مفعولن می‌گذارند و آن را مکشوف خوانند.

کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار (ك) از مهمترین تفسیرهای پارسی قرآن،

تألیف ابوالفضل رشیدالدین المیبدی. این تفسیر در سال ۵۲۰ انجام گرفته است و همچنانکه مؤلف خود می گوید در حقیقت شرحی است بر کتاب خواجه‌عبدالله انصاری در تفسیر قرآن، و بعقیدهٔ مؤلف خواجه‌عبدالله انصاری در کلام ایجاز بسیار به کار برده ولی او به شرح و بسط بیشتری پرداخته است و در بسیاری از موارد نام خواجه عبدالله انصاری را به «پیر طریقت» یا «عالم طریقت» یاد کرده است. (چاپ دانشگاه تهران)

کشف المحجوب (ك) تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی الجلابی الغزنوی الهجویری که آن‌را به درخواست شیخ ابوسعید هجویری در اواسط قرن پنجم در لاهور تألیف کرده است. این کتاب از جملهٔ قدیمترین کتابهای صوفیه می‌باشد که عطار در تذکرة‌الاولیاء و جامی در نفحات‌الانس از آن استفاده کرده‌اند. کشف‌المحجوب تذکره‌ای است از احوال اصفیاء و اولیاء و تاریخ مشایخ صوفیه و اقوال آنان. سبک نثر کتاب ساده و روان است ولی گاه نثر موزون در آن به کار رفته است. (چاپ تهران)

کشف‌المحجوب (ك) تألیف ابو یعقوب اسحق‌بن‌احمد سکزی که در اوائل قرن پنجم تألیف یافته و از مهمترین آثار اسمعیلیه محسوب می‌شود و شامل هفت مقاله است در توحید، خلق اول (خرد)، خلق ثانی (نفس)، خلق ثالث (طبیعت)، خلق رابع (موجودات روی‌زمین)، خلق خامس (نبوت)، خلق سادس (برانگیختن یعنی بعث وشورمعاد). سبک نگارش کتاب بسیار کهنه است.

کشکول (ك) کتابی تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دورهٔ صفویه . این کتاب شامل مطالب گوناگون اخلاقی و ادبی به نظم و نثرعربی و فارسی است و بارها به چاپ رسیده است .

کف (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف حرف هفتم یعنی نون است که می‌ماند مفاعیل ؛ و آن را مکفوف خوانند .

در فاعلاتن حذف نون است که می‌ماند فاعلات ، و آن را مکفوف گویند .

در فاع لاتن مانند کف در فاعلاتن است .

در مس تفع‌لن حذف نون است که می‌ماند مستفعل ؛ و آن را مکفوف خوانند .

الکفایه(فی‌فروع‌الشافعیه) (ك) منسوب به‌امام‌البغوی‌الشافعی (متوفی ۵۱۶) محدث و مفسر معروف که آن را در اوایل قرن ششم در بارهٔ فقه شافعی تألیف کرده است . از مشخصات این کتاب آنکه مؤلف کوشیده است تمام اصطلاحات فقه به فارسی ذکر شود . ازاین‌کتاب یك نسخه به‌نام کفایة فی‌الفقه‌الفارسیه جزو نسخه‌های کتابخانهٔ دانشگاه تهران موجود است .

کلب‌اکبر (نج) یا کلب الجبار از صورتهای فلکی در جنوب منطقة ـ البروج به شکل سگ بزرگ .

کلب مقدم (نج) از صورتهای فلکی در جنوب منطقة البروج به شکل سگ .

کلبهٔ احزان (تن) خانه‌ای که یعقوب در آن مقیم بود و بر فراق یوسف می‌گریست.

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

«حافظ»

کلی (ط) لفظی است که شامل افراد و جزئیات متعدد گردد. مانند مردم، که بر عمر و زید و بکر دلالت کند؛ و حیوان، که شامل اسب وسگ و شیر و گربه و موش وانسان وانواع دیگرجانداران است.

کلیات‌خمس (ط) عبارت است از: نوع، جنس، فصل، عرض عام، عرض خاص.

از اینها سه ذاتی است: نوع، جنس، فصل.

و دو عرضی است: عرض عام، عرض خاص.

کلیله‌ودمنه (ك) کتابی هندی که در زمان انوشیروان ساسانی به وسیلهٔ برزویهٔ طبیب از هندوستان به ایران آورده شد و از زبان سانسکریت به پهلوی نقل گردید و سپس از پهلوی به وسیلهٔ عبدالله‌بن المقفع به عربی در آمده است. رودکی کلیله‌ودمنه را به فارسی منظوم ساخت که از آن جز ابیات پراکنده چیزی در دست نیست. پس‌از‌آن دراوایل قرن ششم ابوالمعالی نصرالله‌بن محمدبن‌عبدالحمید منشی ترجمه‌ای‌ازعربی به‌عبارت‌منشیانهٔ‌فارسی ترتیب داد و آن را به‌نام ابوالمظفر بهرامشاه‌بن مسعودبن ابراهیم

ساخت . این ترجمه معروفترین ترجمهٔ کلیله‌ودمنه است و از آثار نثرمصنوع زبان فارسی است که نویسنده در آن به‌آوردن مترادفات و استشهاد به اشعار و آیات و امثال عربی و فارسی مقید بوده‌است. کتاب کلیله‌ودمنه برای مترسلان نمونه‌ای‌ازفصاحت و بلاغت‌شمرده شده و قوت ترکیب و حسن اسلوب آن مورد توجه قرار گرفته، چنانکه پس از آن چندین کتاب به تقلید آن تألیف یافته است مانند انوارسهیلی حسین‌واعظ کاشفی و عیار دانش .

کتاب کلیله‌ودمنه درچندین باب‌است که یکی‌ازآنهادرذکر حال برزویهٔ طبیب می‌باشد و بقیه در حکمت و موعظت و پند و امثال که با داستانها و قصه‌ها بر زبان وحوش و حیوانات آمیخته است .

کتاب کلیله‌ودمنه مطابق گفتهٔ نصرالله منشی شامل شانزده باب بوده که ده باب آن متعلق به هندیان بوده است و شش باب را ایرانیان برآن افزوده‌اند .

کلیم یا کلیم‌الله (تن) «رجوع شود به موسی»

خارا چو مار بر کشم و پس به یك عصا

ده چشمه چون کلیم ز خارا بر آورم

«خاقانی»

کلیم همدانی (ت) [ف : ۱۰۶۱] ابوطالب کلیم کاشانی . در همدان تولد یافت و مدتی در شیراز بسر برد و پس از آن به هندوستان سفر کرد و پس‌از چندی به وطن بازگشت ، ولی

دوباره به هندوستان رفت و به دربار شاه‌جهان راه یافت و نزد او تقرب پیدا کرد و به لقب ملك‌الشعرائی ملقب گشت . کلیم با شاه‌جهان به کشمیر رفت و چون شیفتهٔ هوا و مناظر طبیعی آنجا شد ، با اجازهٔ شاه‌جهان همانجا ماند تا درگذشت .

کلیم در تمام فنون شعر وارد است ، قصایدش دارای مضامین تازه است ولی استادی کلیم در غزل‌سرائی است . غزلهای وی دارای نیروی تخیلی می‌باشد که حتی در مضامین معمولی نیز در شعرش دیده می‌شود . کلیم علاوه بر نازك خیالی لفظ را نیز فراموش نکرده و کلامش یکدست و متجانس است. (دیوان کلیم ــ چاپ تهران)

کلینی (ت) [ف : ۳۲۹] ابوجعفر محمدبن یعقوب‌بن‌اسحق کلینی رازی ازمحدثان وفقیهان معروف شیعه واز فتوی دهندگان معروف اسلامی. اولین محدث امامی است که به جمع و نقل اخبار دینیه پرداخته است و در قرن چهارم اغلب مشایخ محدثان ازاو روایت کرده‌اند .

از آثار او: رد قرامطه ، تعبیرالرویا ، رسائل‌الائمه، کتاب الرجال است و از همه معروفتر کتاب الکافی در علم‌دین است.

کم (ط) (از مقولات عشر) از جملهٔ عرضهاست که در مفهوم آن‌تقسیم کردن معتبر است و عبارت از قدر و اندازهٔ اشیاء است .

کمال خجندی (ت) [ف: ۸۰۳] کمال‌الدین خجندی از شاعران عارف قرن هشتم در خجند از بلاد ماوراءالنهر متولد شد و پس از

چندی به تبریز مهاجرت کرد و در خدمت سلطان حسین جلایر تقرب یافت ، چنانکه سلطان برایش خانقاهی ساخت. در سال ۷۸۷ که امیر قبچاق به تبریز تاخت، بسیاری ازدانشمندان‌را به‌پایتخت خود برد ، از آنجمله کمال بود . وی چهارسال در آن شهرماند، دوباره به تبریز برگشت و همانجا ماند تا در خانقاه خود وفات یافت .

کمال در غزل عارفانه استادی داشته و اشعارش موردنظر حافظ بوده است. دیوانش شامل غزلیات وقطعات وچندین‌رباعی است. (دیوان کمال خجندی ـ چاپ تبریز)

کمال خوارزمی (ت) [ف: درحدود۸۴۰] کمال‌الدین حسین‌بن‌خوارزمی از نویسندگان قرن نهم که بین سالهای ۸۳۵ و ۸۴۰ به دست اوزبکان ماوراءالنهر کشته شد . کمال صاحب تألیفات بسیار است، از جمله دوشرحی‌است که بر کتاب مثنوی مولاناجلال‌الدین رومی نوشته . یکی به نام کنزالحقایق است‌که مختصر می‌باشد و دیگری که مفصل تر است جواهرالاسرار و ظواهرالانوار نامیده شده است .

کمال‌الدین اسمعیل (ت) [ف: ۶۳۵] خلاق‌المعانی کمال‌الدین‌اسماعیل بن جمال‌الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی از شاعران وقصیده سرایان معروف عراق در قرن‌هفتم . وی نیزمانندپدر (جمال‌الدین عبدالرزاق) مداح خاندان آل‌صاعد و آل خجند بوده است . کمال‌الدین خوارزمشاهیان و اتابکان فارس و سپهبدان طبرستان را

نیز مدح کرده‌است ، دورهٔ وحشتناك مغول را به چشم دیده و در واقعهٔ قتل عام اصفهان به دست مغول ، متواری گشته و سرانجام‌در سال ۶۳۵ به دست آنـان کشته شده است. کمال‌الدین در قصیده استاد است و معمولا قصایدش بدون تغزل شروع می‌شود و اغلب دارای ردیفهای دشوار است . کمال‌الدین در توصیف اصفهان و روزگار آبادی و خرابی آن‌قصاید بسیاردارد. (دیوان کمال‌الدین‌ـ چاپ تهران)

کمالی سبزواری (ت) [ف: درحدود ۱۰۲۰] از شاعران عهد شاه‌عباس صفوی ، منظومه‌ای به نام عباس‌نامه دارد که در آن جنگهای شاه عباس را شرح داده است .

کمال‌نامه (ك) مثنوی عرفانی اثر خواجوی کرمانی شاعـر قرن هشتم که آن را در سال ۷۴۴ بر وزن هفت پیکر نظامی و بـه نام شیخ ابواسحق اینجو ساخته است.

کمان رستم (نج) کنایه از قوس وقزح.

چون تیغ زند آفتاب رایت بر ابر بـگرید کمان رستم

«ابوالفرج رونی»

کنایه (ب) هرگاه بجای آنکه کسی یا چیزی را نام ببرند یا عملی‌را صریحاً بیان کنند ، یکی از لوازم آن شخص یا حیوان یا امری که از صفتی حـاصل می‌شود یا نتیجهٔ عملی را بیان کنند ، معنی مقصود به‌کنایه ادا شده است. فی‌المثل اگر بجای خر اورا «دراز گوش» بخوانند ، شنونده معنی خر را درمی‌یابد، زیرا که داشتن

گوش دراز از لوازم و مختصات خر است . پس نام خر به کنایه بیان شده است .

کندی (ت) [ف :در حدود ۲۵۰] ابویوسف یعقوب بن اسحق ازحکیمان و فیلسوفان و ریاضی دانان عرب در قرن سوم هجری. وی بسیاری از علوم متداول زمان را نزد حکمای عصر فرا گرفت و به علت استعداد فطری از مشاهیر علمای عصر خود گشت . ابومعشر ـ بلخی از شاگردان وی بوده است . کندی کتابهای بسیاری از یونانی به عربی ترجمه کرده است و خود آثار بسیاری در فلسفه و نجوم و هندسه و طب و موسیقی دارد .

کنعان(تن)شهری که یعقوب پیغمبر به آنجا نزد خال خود پناهنده شد و دختر او را گرفت و همانجا ماند .

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

«حافظ»

کوثر(تن)چشمه‌ای در بهشت که همهٔ چشمه‌های بهشت از آن جاری می‌گردد .

زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواستهٔ کردگار چیست

«حافظ»

کوشیار (ت) «رجوع شود به گیلی»

یکی در نجوم اندکی دست داشت
ولی از تکبر سری مست داشت

بر کوشیار آمد از راه دور
دلی پر ارادت سری پر غرور

«سعدی»

کوکب (نج) از اجسام فلکی که نورانی است ، برعکس فلك کـه غیر نورانی است .

شنیدستم که هر کوکب جهانی است
جداگانه زمین و آسمانی است

کوهکن (د) «رجوع شود به فرهاد»

چو شه بشنید قول انجمن را
طلب فرمود کردن کوهکن را

«نظامی»

کهکشان (نج) «رجوع شود به مجره»

چشم بزغاله بر آن خوشه که خرمن کرده شب
داس کژ دندان ز راه کهکشان انگیخته

«خاقانی»

کیخسرو (ش ـ د) از شاهان سلسلهٔ کیان ، پسر سیاوش و فرنگیس ، که پس از مرگ سیاوش در سرزمین توران بـه دنیا آمد . پیران ویسه او را به شبانان سپرد تا بزرگ شد . گیو پهلوان ایران مأمور آوردن کیخسرو به ایران شد و پس از هفت سال جستجو او را در مرغزاری یافت و از خالی که بر بازو داشت و نشان کیانیان بود ، او را شناخت و با خود بـه ایران آورد . سران ایران در پادشاهی کیخسرو همداستان نبودند و گروهی فریبرز پسر کاووس

را سزاوارتر می‌دانستند . کاووس برای آزمایش ، هر دو را بـه گشودن دژ بهمن فرستاد . کیخسرو پیروز شد و به شاهی رسید . کیخسرو به کین پدر با افراسیاب جنگ کرد و سرانجام افراسیاب کشته شد . کیخسرو شصت سال شاهی کرد و پس از آن بـه عبادت پرداخت و سران کشور را جمع کرد و کناره‌گیری خود را اعلام کرد و لهراسب را بـه تخت نشاند و بـه بزرگان گنج بخشید و ایشان را بدرود گفت و خود روی بـه کوهی نهاد و ناپدید گشت .

کیف (ط) (ازمقولات‌عشر) عرضی است کـه نه می‌توان آن را قسمت کرد و نـه نسبت داد . مثل سبکی ، سنگینی . کیف اگر مختص به نفس حیوان و انسان باشد نفسانیه است . مثل : قدرت ، اراده و اگر با حواس پنجگانه بتوان ادراك کرد محسوسه است مثل : طعم ، رنگ .

کیقباد (ش ـ د) نخستین شـاه کیانی و از نژاد فریدون . چون تخت ایران پس‌از مرگ گرشاسب بی شاه ماند زال ، بـه اشارهٔ مؤبد ، رستم را به جستجوی کیقباد به کوه البرز فرستاد . رستم کیقباد را از کوه البرز آورد و بر تخت نشاند .

کیمیای سعادت (ك) تألیف حجةالاسلام امام محمد غزالی کـه آن را پس از سفر دهسالهٔ خود میان سالهای ۴۹۰ و ۵۰۰ به زبان فارسی نگاشته است . کیمیای سعادت خلاصه‌ای است از احیاءالعلوم که به زبان عربی نوشته شده بود و در چهار موضوع یا چهار عنوان

است . شناختن نفس، شناختن حق‌تعالی ، شناختن دنیا ، شناختن آخرت . این کتاب هم جنبهٔ اخلاقی ودینی دارد و هم حکمتی و علمی . نثر کیمیای سعادت روان و در عین‌حال بسیار پخته و پر مغز و نثری عارفانه و ادبی است. (چاپ تهران)

کیومرث (ش ـ د) نخستین شاه پیشدادی که آئین تخت و تاج‌راآورد و شاه شد و سی‌سال سلطنت کرد . به روایت شاهنامه غذاپختن و جامه دوختن از پوست جانوران را او به مردمان آموخت .

گ

گربهٔ ابوهریره – ابوهریره ازاصحاب حضرت محمد(ص) بود و به علت نیروی حافظه بیشتر احادیث را از بر داشت و بسیاری ازاصحاب از وی نقل قول می کردند. وی بسیار گربه دوست بود، یك بار که در حضـور پیغمبر (ص) بچه گربه‌ای بر زانـو داشت ، حضرت نام ابوهریره به او داد، زیرا هریره به معنی گربه کوچك است . گربهٔ ابوهریره در ادبیات فارسی مانند سگ اصحاب کهف نمونهٔ حیوانی بـا عزت و حرمت و قـابل احترام می‌بـاشد . سعدی در گلستان باب سوم در حکایتی نوشته است : مالداری را شنیدم که به بخل چنان معروف بود که حاتم طایی در کرم.... تا به جایی که نانی به جانی از دست‌ندادی و گربهٔ ابوهریره را به‌لقمه‌ای‌ننواختی و سگ اصحاب کهف را استخوانی نینداختی.

گردآفرید (ش – د) دختر نیرومند و پهلوانی که روی بسته به جنگ سهراب رفت و رشادتها کرد و با حیله اورا تا دژسپید کشید وخود را به داخل دژ افکند و در را به روی سهراب بست وخود وهمهٔ

ایرانیان دژنشین را نجات داد .

گردیزی (ت) ابوسعید عبدالحی بن ضحاك بن محمود گردیزی غزنوی از نویسندگان دورهٔ غزنوی ومعاصر سلطان عبدالرشیدبن مسعودبن محمود سبکتکین . وی در زمان این پادشاه تاریخ بزرگی تألیف کرده است که به زین‌الاخبار معروف است .

گرشاسب (ش ـ د) نام یکی از نیاکان زال که از زابلستان بود وحکیم اسدی طوسی در قرن پنجم داستان دلاوریهای اورا به نظم آورده وبه گرشاسب‌نامه موسوم ساخته است .

گرشاسب‌نامه (ك) داستان منظومی تألیف ابونصر علی‌بن احمد اسدی طوسی که در سال ۴۵۸ نظم آنرا به پایان رسانده است . این منظومه در حدود ده‌هزار بیت دارد ودر شرح‌حال گرشاسب پهلوان سیستان و جد رستم است . شاعرسفرهای گرشاسب رابه کشورهای هند و افریقیه و هنرنمائیها و پهلوانیهای او و جنگهائی را که با اژدها و دیو و ببر کرده است به تفصیل وصف می کند و داستان را با بحث‌هائی مانند نکوهش جهان و ستایش خداوند و انسان و وصف شب و روز و امثال آن می آمیزد .

اسدی گرشاسب‌نامه‌را از متن منثوری گرفته که شایدهمان گرشاسب‌نامهٔ‌منثور ابوالمؤید بلخی‌بوده وجزوشاهنامهٔ اومحسوب می‌شده است . اسدی درنقل داستان و وصف میدانهای جنگ و مناظر طبیعی استادی نشان داده است .

داستان گرشاسب‌نامه نخستین داستان حماسی است که‌پس

از شاهنامهٔ فردوسی و به تقلید آن به نظم آمده است . (چاپ تهران)

گرگ (تن) در ادبیات فارسی اشاره به گرگی است که برحسب گفتار دروغ برادران یوسف ، یوسف را دریده است .

در کوی تو معروفم و از روی تو محروم
گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده
«سعدی»

گشایش و رهایش (ك) از رساله‌های فارسی تألیف ناصرخسرو قبادیانی شاعر و نویسندهٔ بزرگ قرن پنجم. این کتاب شامل جوابهائی است که ناصرخسرو به سؤالهای یکی از برادران‌دینی داده است. کتاب حاوی سی‌سؤال و جواب است که ناصرخسرو با زبانی ساده و روشن دربارهٔ امور دین وحل مشکلها آورده است .

گشتاسب (ش ـ د) پسر لهراسب که چون از پدر تاج و تخت‌خواست و پدر روی موافقت نشان نداد ، به روم‌رفت و کتایون دخترقیصر را گرفت سپس گشتاسب برادر خود زریر را که از جانب پدر به روم آمده بود شناخت و با او به ایران بازگشت و به تخت نشست . گشتاسب از کتایون دختر قیصر دوپسر داشت: اسفندیار و پشوتن. از وقایع زمان‌گشتاسب، ظهورزرتشت‌است که‌گشتاسب و پسرانش و بزرگان ایران به دین او گرویدند . دیگر جنگ با ارجاسب است که برای ترویج دین زردشت با دلیریهای اسفندیار به پیروزی انجامید .

گلستان (ك) از معروفترین کتابهای نثر فارسی که سعدی شاعر وادیب

بزرگ ایران آنرا در سال ۶۵۶ به نام شاهزاده سعدبن ابوبکر بن سعد زنگی تألیف کرده است. گلستان کتابی‌است تربیتی واخلاقی، شامل یك مقدمه در سبب تألیف کتاب و هشت باب : در سیرت پادشاهان ، در اخلاق درویشان . در فضیلت قناعت ، در فواید خاموشی ، در عشق و جوانی ، در ضعف و پیری، در تآثیر تربیت، در آداب صحبت .

سعدی در کتاب گلستان انواع مواعظ و حکم را در نثر آمیخته بانظم گنجانده است . نثر گلستان نثر مسجع و مزین است و در واقع باید سعدی را در این شیوه استاد مسلم دانست . سبك نثر گلستان مورد تقلید نویسندگـان قرون بعد قرار گرفته است . گلستـان چندین‌بار به چاپ رسیده و از قرنها پیش کتاب درسی ایرانیان شده است .

گلشن راز (ك) مثنوی تألیف سعدالدین محمود شبستری که آن را در سـال ۷۱۰ به رشتهٔ نظم کشیده است . این مثنوی از جـامعترین مثنویهائی است در اصول تصوف ؛ و موضوع آن پـاسخ پـانزده سؤال است دربارهٔ تصوف که شخصی به‌نام «امیر حسینی حسین بن عالم ابی‌الحسین هروی» از عارفان بزرگ خراسان آنهارا مطرح کرده است . سؤالها دربارهٔ تفکر و سر وحدت ، خود شناسی ، اناالحق ، ممکن و واجب ، قدیم و محدث ، جزء وکل و از این قبیل مسائل است .

شبستری در ضمن جواب به این سؤالها امثال و شواهدی

هم آورده است .

مثنوی گلشن‌راز بوسیلهٔ شیخ شمس‌الدین محمد لاهیجی درسال ۸۷۷ شرح شده و به‌نام، مفاتیح‌الاعجاز فی‌شرح گلشن‌راز، خوانده شده است .

گلشن صبا (ك) کتاب منظومی که فتحعلی‌خان صبا ملك‌الشعرای دربار فتحعلیشاه آن را به تقلید بوستان ساخته است .

گلگون (ش ـ د) نام اسب شیرین

نبود آن روز گلگون در وثاقش بر اسبی دیگر افتاد اتفاقش

«نظامی»

گل و نوروز (ك) مثنوی عشقی اثرشاعربزرگ ایران‌خواجوی کرمانی که آن را به سال ۷۴۲ بر وزن خسرو و شیرین نظامی و به نام تاج‌الدین احمد عراقی ساخته است . عدد ابیات آن در حدود ۲۶۰۰ می‌باشد .

گنج دانش (ك) کتاب سودمندی به زبان فارسی تألیف محمد تقی‌خان حکیم که آن‌را در سال ۱۳۱۵ هجری تألیف کرده است . این کتاب فرهنگ کاملی است از اسامی اماکن و بلاد ایران ورجال مشهور و یادداشتهای مفید شامل ۵۷۴ صفحه . امتیاز این فرهنگ برفرهنگهای دیگر آن‌است که مؤلف در ابتدای‌کتاب بطورتفصیل مآخذ و منابعی‌راکه مورد استفاده‌اش قرارگرفته ذکرکرده است .

گنج قارون (تن) گنجی که قارون پسرعم موسی به وسیلهٔ کیمیاگری اندوخته کرد و به غرور آن برموسی عصیان کرد ، موسی دعا کرد تاقارون و گنجش درخاك فرو رفتند .

قارون هلاك شد که چهل خـانه گنج داشت

نوشیروان نمرد که نـام نکو گذاشـت

«سعدی»

گندم (تن) دانه‌ای که خوردنش در بهشت برای آدم و حوا نهی‌شده بود ، ولی ایشان به اغوای ابلیس از آن خوردند و از بهشت‌رانده شدند .

پدرم روضهٔ رضوان به دوگندم بفروخت

ناخلف بـاشم اگر من به جوی نفروشم

«حافظ»

گودرز (ش ـ د) از پهلوانان شاهنامه پسر کشواد . گودرز هفتادپسر داشـت ، همه از پهلوانان نامی که از آن میـان گیو و بهرام در شاهنامه نامدارترند . خانوادهٔ او در شاهنامـه گودرزیان خوانده شده‌اند . گودرز در دربار کاووس بسیار آبرو و احترام داشت و همیشه مورد شور قرار می‌گرفت .

گوسالهٔ سامری (تن) گوساله‌ای از طلا که مردی به نام‌سامری درزمان موسی ساخت و مطـابق روایات خاك زمینی را که اسب جبرئیل در آن پانهاده بود ، برآن افشاند گوساله به صدا آمد و حرکت کرد .

چون سامری مباش که زر داد و از خری

موسی بهشـت و از پی گوسـاله می‌رود

«حافظ»

گوهر مراد (ك) کتابی در حکمت و الهیات به زبان فـارسی تـألیف

عبدالرزاق لاهیجی که آن را در زمـان شاه‌عباس ثانی و به نام او تألیف کرده است . این کتاب شامل مقدمه و سه مقاله است که هر مقاله دارای چندین فصل در منطق و خودشناسی و خداشناسی و رسالت و امامت است . گوهرمراد از کتابهای سودمندی است که در منطق و الهیات به زبان فارسی نوشته شده است .

گوهرنامه (ك) مثنوی بر وزن خسرو و شیرین نظـامی که خواجوی کرمانی آن‌را به‌نام امیر مبارزالدین محمد مظفر ووزیراو بهاءالدین محمود ساخته است . موضوع آن تصوف و اخلاق است.

گوی و چوگان (ك) یا حالنامه منظومهٔ عارفانهٔ کوچکی در پانصدبیت تألیف محمود عارفی هراتی که آن را در سال ۸۴۲ ساخته است . شاعر در این‌منظومه‌بازی‌گوی و چوگان‌را وصف کرده ومناظره‌ای بین آنها ترتیب داده و آن را، حالنامه، خوانده‌است.

موضوع اصلی این مثنوی داستان عشق درویشی است به شاهزاده‌ای . درویش پیوسته از عشق‌خون‌دل می‌خورد تاسرانجام دراین راه جان را به باد می‌دهد .

عارفی این منظومه را به تقلید نظامی ساخته ودر سراسر آن شور و مستی عشق را آشکار کرده است ودرضمن نقل‌حکایت قطعه‌های زیبا وبدیعی‌مانندمناظرهٔزمین و آسمان و رازگفتن‌درویش باگوی و چوگان آورده است . (چاپ لندن)

گیتی‌گشا (ك) کتابـی در تـاریخ زندیه ، تألیف میرزا محمد صادق موسوی . این‌کتاب در دورهٔ انحطاطادبی یعنی‌اواخرقرن‌دوازدهم

نوشته شده و نثر آن بسیار سست و متکلفانه است . (چاپ تهران)

گیلی (ك) ابوالحسن کوشیار از منجمان و ریاضی‌دانان قرن چهارم و آغاز قرن‌پنجم. از آثار او کتاب‌الاصطرلاب و عیون‌الحقایق‌است در علم نجوم . و مدخل فی صناعة احکام النجوم . کوشیار رصد خانه‌ای بنا کرده که به نام وی مشهور است.

گیو (ش ـ د) از پهلوانان شاهنامه و پسر گودرز که دلاوریها کرده و از کارهای معروف او آوردن کیخسرو به ایران است. دیگر یافتن دختری در شکارگاه و آوردن او نزد کاووس که کاووس اورا به همسری بر می‌گزیند و سیاوش از او به وجود می‌آید. گیو پدر بیژن پهلوان نامی است که داستان او با منیژه دختر افراسیاب از قسمتهای دلکش شاهنامهٔ فردوسی است.

ل

لازم (ط) چیزی که از شیء منفك نشود. مثل قدرت کتابت ازانسان.

لامعی گرگانی (ت) ابوالحسن محمدبن‌اسمعیل لامعی از شاعران قرن پنجم و معاصر طغرل سلجوقی و الب‌ارسلان است . اشعاری در مدح عمیدالملك کندری وزیر طغرل و نظام‌الملك وزیر الب ـ ارسلان سروده است. لامعی در وصف و تنوع مضامین بسیار مهارت داشته است و چون به زبان عربی آشنا بوده ، کلمات و حتی عبارتهای عربی بسیار استعمال کرده است . (مجموعه اشعار لامعی ـ چاپ تهران)

لاهیجی (ت) [ف : ۱۰۵۱] ملاعبدالرزاق لاهیجی از معروفترین حکیمان و عالمان عصر صفوی و معاصر شاه عباس‌ثانی . لاهیجی شاگرد ملاصدراست و تألیفات مهمی در حکمت و منطق دارد. معروفترین کتابهای فارسی او گوهر مراد و سرمایهٔ ایمان است . از جملهٔ تألیفاتش به زبان عربی شوارق‌الالهام در شرح تجرید خواجه ـ نصیرطوسی است . لاهیجی شعر نیز می‌گفته و « فیاض » تخلص

می کرده است .

لباب‌الالباب (ك) تذکرهٔ مهمی به زبان فارسی، تألیف محمد عوفی از نویسندگان اوایل قرن هفتم که آن را در سال ۶۱۷ به نام عین ـ الملك فخرالدین وزیر ناصرالدین قباچه تألیف کرده است . این کتاب در شرح حال شاعران ایران است ، از ابتدا تا زمان مؤلف و مشتمل بر دو جلداست. جلد اول حاوی شرح حال و نقل اقوال سخنگویان از شاهان و امیران و وزیران و دانشمندان . جلد دوم خاص شاعران و ادیبان است شامل شرح حال ۱۶۹ تن از شاعران ایران .

لباب‌الالباب قدیمترین تذکره‌ای‌است از احوال شاعران فارسی‌زبان و در آن از شاعرانی یاد شده است که احوال‌و آثارشان بر اثر حملهٔ مغول یا وقایع دیگر از میان رفته است و اگر چه مؤلف در ذکر حال شاعران و بزرگان اطلاعات سودمندی به دست نمی‌دهد و اغلب به استعمال استعاره و تشبیه و جناس می‌پردازد و عبارت پردازی را به آوردن معانی مفید ترجیح می‌دهد ، باز از نظر تاریخی و ادبی بسیار مهم است .

لبیبی (ت) از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم. وی‌معاصر فرخی بود و مانند او ابتدا به دربار چغانیان و پس از آن به دربار غزنوی رفت. قصیده‌ای از او در مدح ابوالمظفر چغانی باقی‌است. لبیبی پس از خود شهرت یافته و مسعود سعد قصیده‌ای در استقبال یکـی از شعرهای او ساخته است . ابیاتـی از او در فرهنگها و

تذکره‌ها ضبط است .

لطف‌الله نیشابوری سالکی (ت) [ف : ۸۱۶] از قاضیان دانشمند و شاعران نیشابور که معاصر امیر تیمور بوده و از مریدان شاه نعمة‌الله ولی است . مولانا لطف‌الله در شعر به ایراد صنایع لفظی توجه خاص داشته است و قصایدی در مدح ائمهٔ اطهار دارد (کلیات لطف‌الله به خط سیمی نیشابوری در کتابخانهٔ ملی ایران موجود است .)

لغز (ب) از صنایع بدیع که گوینده بادادن نشانیهای مختلف چیزی را وصف کند مانند قصیدهٔ منوچهری در وصف شمع که مطلع آن این است :

ای نهاده در میان فرق جان خویشتن
جسم مازنده به جان و جان توزنده به‌تن

هنگامی که لغز به صورت سؤال باشد آن را «چیستان» گویند .

لف و نشر (ب) آن است که گوینده یا نویسنده چند لفظ و چند معنی بیاورد که هر یك از معانی وابسته به یکی از الفاظ باشد.

به روز نبرد آن یل ارجمند　　به شمشیر و خنجر به‌گرز و کمند
برید و درید و شکست و ببست　　یلان را سر و سینه و پا و دست

یا

فروشد به ماهی و برشد به ماه　　بن نیزه و قبهٔ بارگاه

«فردوسی»

لقمان(تن) بعضی از مورخان او را عم‌زادهٔ ابراهیم پیغمبر می‌دانند و نام او صریحاً در قرآن آمده است و به حکمت منسوب است . قوله‌تعالی: آتینا لقمن‌الحکمة .

لمعات (ك) رساله‌ای در تصوف ، شامل تعلیمات استاد بزرگ محی‌الدین‌بن‌العربی . این کتاب را فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی در قونیه پس از آن که به خدمت شیخ‌صدرالدین‌قونیوی رسید و در مجلس او به بحث در بارهٔ فصوص پرداخت ، تألیف کرد و بر شیخ عرضه داشت .

لمعات مشتمل بر ۲۸ لمعه است حاوی نظم و نثر عربی و فارسی که جامی در زمان سلطان‌حسین‌بایقرا به دستور امیر علیشیر نوائی شرحی بر آن نوشته و آن را «اشعةاللمعات» نامیده است .

لنبك‌سقا (ش - د) نام سقایی که در داستان بهرام گور در شاهنامه ذکر شده . وی مردی بوده است که با وجود دست‌تنگی چندین روز بهرام را که بطور ناشناس به خانهٔ او رفته بود مهمان کرد .

بر خلاف شخص دیگری به نام براهام یهودی ثروتمندی که با وجود ثروت بسیار بهرام را به خانه راه نداد .

بهرام ننگرد به براهام چون نظر

بر خان و خوان لنبك سقا برافکند

لن‌ترانی(تن) اشاره است به قصهٔ موسی که گفت (ای پروردگار خود را به من نما) جواب آمد (لن‌ترانی) یعنی که هرگز مرا نخواهی دید.

چو قلم ز دست بنهی بدهیش بی‌قلم تو
صفتی که نور گیرد ز خطاب لن ترانی

«از دیوان شمس تبریزی»

لوامع فی شرح الخمریه (ك) شرحی به قصیدهٔ خمریهٔ ابن فارض المصری (۵۷۶ ــ ۶۳۲) تألیف مولانا عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۷۵ تألیف کرده است . هر یك از فصول کتاب به نام «لامعه» است که مجموع آن لوامع خوانده می‌شود .

لوایح (ك) رساله‌ای به زبان فارسی در تصوف ، از آثار معروف مولانا جامی که آن را در حدود سال ۸۷۰ به نام جهانشاه قره‌قوینلو تألیف کرده است . این کتاب مشتمل بر سی لایحه است با مقدمه‌ای در خطبه و مناجات ؛ و نثر آن مسجع آمیخته به شعر است و از نظر تحقیق در عرفان بسیار سودمند می‌باشد . (چاپ لندن)

لوط (تن) از پیغمبران که هرچه قوم خود را به راه‌خدا دعوت می‌کرد نمی‌پذیرفتند . عاقبت به فرمان خدا لوط و کسانی که به او ایمان آورده بودند از شهر بیرون رفتند. و شهر سنگسار شد و زن لوط که از نافرمانان بود با دیگران سنگسار شد .

لوکری (ت) ابوالحسن علی‌بن محمد غزوانی لوکری اهل لوکر از شهرهای نزدیك مرو و از شاعران نیمهٔ دوم قرن چهارم . لوکری نوح‌بن‌منصور سامانی و ابوالحسن عبیدالله‌بن احمد عتبی را مدح گفته است . اشعار پراکنده‌ای از غزل و قصیده از او باقی است.

لهراسب (ش ــ د) از شاهان کیان که به دستور کیخسرو و بر خلاف

میل بزرگان شاه گشت و آتشکدهٔ آذربرزین را بنا کرد . سرانجام سلطنت را به پسرش گشتاسب سپرد و خود در آتشکدهٔ نوبهار که در شهر بلخ بود به عبادت پرداخت .

لیلةالقدر (تن) «رجوع شود به شب قدر»

لیلی (د) از اشخاص داستانهای عرب ، لیلی دختری است از قبیلهٔ بنی‌عامر که از کودکی مورد علاقه وعشق مجنون (قیس) از قبیلهٔ خود، واقع می‌شود وخود نیز به‌او دل می‌بندد،اما به‌فرمان پدر لیلی ازاوجدا می‌شود و پس از مدتی به ازدواج «ابن‌السلام»در می آید. لیلی هیچگاه تن خود را به شوهر نمی‌سپارد و سرانجام به نا کامی جان می‌دهد .

داستان عشق لیلی و مجنون بوسیلهٔ بسیاری از شاعران ایرانی به نظم آمده است که نخستین و معروفترین آنها مثنوی «لیلی و مجنون»نظامی گنجوی است .

شبی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بیهمتا
ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد
«حافظ»

لیلی و مجنون (ک) یکی از مثنویهای نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم که آن را درسال ۵۸۵ به نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان‌بن منوچهر ساخته است. این مثنوی دارای چهار هزار و هفتصد بیت است . اصل داستان لیلی و مجنون عربی است و موضوع آن عشق مجنون(قیس)ازقبیلهٔ بنی‌عامر و لیلی‌بنت‌سعد از همان قبیله می‌باشد.
داستان لیلی و مجنون پس از نظامی بوسیلهٔ شاعران دیگر

مانند جامی و مکتبی نیز به نظم آمده است .

لیلی و مجنون (ك)یکی از مثنویهای هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن را به تقلید لیلی و مجنون نظامی در سال۸۸۹ ساخته است. جامی در نظم این داستان به منابع عرب نیز توجه داشته و غالباً اشعار منسوب به‌قیس عامری را ترجمه کرده است. (هفت‌اورنگ- چاپ‌تهران)

DATE LABEL

م

ماچین کشوری در جنوب چین و مشرق هندوستان.

دوچشم شوخ تو بر هم زده ختا وختن

بهچین زلف تو ماچین و هند داده خراج

«حافظ»

ماده(ط) مایهواصل چیزی را گویند. مانند فولاد که مادهٔ شمشیراست.

ماده تاریخ آن است که در تاریخ واقعه‌ای کلمه یا عبارتی بجویند که از جمع اعداد حروف آن به حساب ابجد سال تاریخ آن واقعه به دست بیاید . این کلمه یا عبارت را «ماده تاریخ» می‌نامند و معمولا آن را در ضمن قطعه‌ای درج می کنند تا آسان به خاطر سپرده شود . گاهی ماده تاریخ تنها حروف ابجد است و از آنها کلمه یا عبارت با معنی حاصل نمی‌شود . مانند ماده تاریخ حیات ابوعلی‌سینا که این است :

حجة الحق ابوعلی سینا

در «شجع» آمد از عدم به وجود

در «شها» کرد کسب کل علوم

در « تکز » کرد این جهان بدرود

که ازحروف «شجع» ۳۷۳ و از حروف «شها» ۳۹۱ و از حرف «تکز» ۴۲۷ حاصل می‌شود . اما ماده تاریخ فصیح و شیوا آن است که عبارت با معنی و متناسب با واقعه باشد مانند ماده تاریخ وفات حافظ :

چراغ اهل معنی خواجه حافظ — که شمعی بود از نور تجلی

چو درخاك مصلی یافت منزل — بجو تاریخش از «خاك مصلی»

که «خاك مصلی» می‌شود ۷۹۱ .

مار(تن)جانوری که ابلیس را در دهان خود جای داد و پنهانی او را به بهشت برد تا آدم و حوا را فریفت .

گاهی نیز در شعر فارسی به ماری که بردو کتف ضحاك بوده اشاره شده است .

دست آهنگر مرا در مار ضحاکی کشید

گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

«خاقانی»

مانی (ش - ت) نام نقاش ایرانی که مادرش منسوب بـه خاندان شاهی اشکانی بـود و ادعای پیغمبری داشت . مانی به فرمان بهرام اول کشته شد . کتاب معـروف مانی شاپـورگان نام داشت و کتاب ارژنگ (یا ارتنگ) که مشتمل بر نقشها و تصویرهای دلکش بود به او منسوب است .

آئین مانی تا چندین قرن در آسیا و اروپا رواج داشت ،

اما مانی در ادبیات فارسی بیشتر به هنر نقاشی شهرت دارد و در این هنر به او مثل زده می‌شود .

سپهر گفتی نقاش نقش مانی گشت
که هر زمان بنگارد هزار گونه صور

«انوری»

ماه کنعان (تن) اشاره به یوسف «رجوع شود به یوسف»

ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد
جای آن است که بدرود کنی زندان را

«حافظ»

ماه‌مصر (تن) اشاره به یوسف «رجوع شود به یوسف»

ز صد هزار پسر همچو ماه مصر یکی
چنان شود که چراغ پدر کند روشن

«صائب»

ماه‌مقنع (د) ماهی که مقنع به سحر و جادو در شهر نخشب ساخته بود و هر شب از چاهی برمی‌آمد و تاچهار فرسنگ را روشن می‌کرد .

کی بود ماه مقنع همچو ماه آسمان
گر چه کوته دیدگان را در خیال افتد منیر

«انوری»

ماه‌نخشب (د) «رجوع شود به ماه مقنع»

صبح بر آمد ز کوه چون مه نخشب زچاه
ماه برآمد به صبح چون دم ماهی ز آب

«خاقانی»

ماههای رومی (نج) ماههای رومیان قدیم که نام آنها در ادبیات فارسی آمده است. نام ماههای رومی را در این شعر نقل از «نصاب الصبیان» می‌توان دید:

دوتشرین و دو کانون و پس آنگه
شباط و آزر و نیسان ایار است
حزیران و تموز و آب وایلول
نگهدارش که از من یادگار است

و تطابق ماههای رومی با ماههای مسیحی درجدول زیر دیده می‌شود:
ژانویه = کانون دوم. فوریه = شباط. مارس = آزار. آوریل = نیسان. مه = ایار. ژوئن = حزیران. ژویه = تموز. اوت = آب. سپتامبر = ایلول. اکتبر = تشرین اول. نوامبر = تشرین دوم. دسامبر = کانون اول.

عمر برف است و آفتاب تموز اندکی مانده خواجه غره هنوز
«سعدی»

شك نیست که بوستان بخندد هر گه که بگرید ابر آزار
«سعدی»

این هنوز اول آزار جهان افروز است
باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار
«سعدی»

مبالغه (ب) آن است که شاعر چیزی را به نوعی وصف کند که از حد اعتدال خارج ولی محال نباشد.

دو پاکیزه پیکر چو حور و پری
چو خورشید و ماه از نکو منظری

دو صورت که گفتی یکی نیست بیش
نموده در آئینه همتای خویش
«سعدی»

متدارک (ع) از بحور شعر عربی و فارسی که اخفش اوسط نحوی آن را یافته است و اصل آن «هشت بار فاعلن» است . در فارسی مشتقات این بحر رواج بسیار ندارد . وزن زیر در زمانهای اخیر متداول شده است (فاعلن فاعلن فاعلن فع) مثال :

ای فسانه فسانه فسانه　　ای خدنگ ترا من نشانه

متقارب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . در فارسی از این بحر وزنهای زیر رایج است : متقارب مثمن (فعولن ۴ بار) مثال :

جهاناچه بدمهرو بد خوجهانی　　چو آشفته بازار بازارگانی

متقارب مثمن مقصور یا محذوف (فعولن فعولن فعولن فعول یا فعل) مثال:

به نام خداوند جان و خرد　　کزین برتر اندیشه برنگذرد

المتوکلی (ت) ابواسحق ابراهیم بن ممشاد اصفهانی . معروف به مؤیدالمتوکلی اهل اصفهان که ابتدا سمت کتابت متوکل را داشته پس از آن به خدمت یعقوب لیث رسیده است . المتوکلی در فصاحت و کتابت عربی بی نظیر بوده و بعضی گویند قطعهٔ معروف «انا ابن الاکارم من نسل جم...» را او از قول یعقوب ساخته و برای خلیفه فرستاده است . حمزهٔ اصفهانی در بارهٔ زبانهای معمول دورهٔ ساسانی از او روایت کرده و یاقوت در معجم البلدان شرح حالش

را آورده است .

مَتی (ط) از مقولات عشر . مفهوم متی نسبت جسم است به زمان یعنی «کی بودن»

مثنوی (ب) یکی از قالبهای خاص شعر فارسی که در زبان عربی نیز به تقلید فارسی ساخته شده است. و آن را «مزدوجه» خوانده‌اند . مثنوی شعری است که هر دو مصراع آن دارای قافیهٔ واحد و مستقلی باشد . در زبان فارسی برای سرودن منظومه های مفصل رزمی وبزمی و عرفانی قالب مثنوی به کارمی‌رود . مانند مثنوی معروف مولوی و شاهنامهٔ فردوسی و خمسهٔ نظامی. مثال:

درختی که تلخ است وی را سرشت
گرش بر نشانی به باغ بهشت
ور از جوی خلدش به هنگام آب
به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سرانجام گوهر به کار آورد
همان میوهٔ تلخ بار آورد

«فردوسی»

مثنوی (ك) نام‌منظومهٔ مفصل‌و معروف جلال‌الدین محمد مولوی‌بلخی معروف به رومی . این منظومه که به بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور سروده شده شامل شش دفتر است و مجموع ابیات آن به بیست و شش هزار می‌رسد .

مثنوی مهمترین و معروفترین اثر منظوم عرفانی است

که از زمان سروده شدن تا کنون همواره مورد مطالعه و توجه خاص علاقه مندان به تصوف و عرفان و اندیشه های لطیف عرفانی و حکمی بوده است و برآن شرحهای متعدد مبسوط نگاشته‌اند.

کتاب مثنوی شامل حکایتهای مسلسل منظومی است که عارف بزرگ از نقل آنها نتایج عرفانی و اخلاقی و دینی منظور داشته است. غالباً، چنانکه یکی از شیوه های متداول در ادبیات فارسی است، داستانهای کوتاه و بلند در ضمن داستان دیگر به مناسبت می‌آید و در هر مورد احادیث و اخبار، و آیات قرآن مجید برای تأیید و اثبات مطلب ذکر می‌شود. (کتاب مثنوی مکرر چاپ شده و در سالهای اخیر با تصحیح و تحشیهٔ مفصل استاد بدیع‌الزمان فروزانفر به چاپ رسیده است).

مجاز (ب) آن است که چیزی را ذکر کنند و از آن غیر معنی اصلی خواهند. یا نسبت دهند به چیزی آنچه را که از وی نیست. اول را مجاز لغوی و ثانی را مجاز عقلی خوانند. مثال:

تا سلسلهٔ ایوان بگسست مداین را

درسلسله شد دجله چون‌سلسله‌شدپیچان

سلسله به معنی زنجیر است و از عبارت «دجله درسلسله شد» مراد شاعر آن است که رود دجله موج زن شد. پس از کلمهٔ «سلسله» چیزی غیر از معنی اصلی آن اراده شده است. در این مورد کلمهٔ «سلسله» به معنی مجازی به‌کار رفته است.

مجالس‌العشاق (ك) تألیف سلطان ابوالغازی حسین‌بایقرا که آن را در

سال ۹۰۸ تألیف کرده است . این کتاب دارای یك مقدمه در بیان عشق حقیقی و هفتاد وشش مقاله است موسوم به مجالس که سرگذشت عارفان یا شاهان به طرز داستانی در آن نقل شده است. آخرین مجلس این کتاب در شرح حال مؤلف یعنی سلطان‌حسین بایقرا است ، ولی انتساب این‌کتاب به سلطان حسین بایقراقطعی نیست ، بلکه بابر درکتاب « بابرنامه » مؤلف آن راکمال‌الدین حسین گازرگاهی می‌داند .

این کتاب از حیث ترجمهٔ حال بزرگان قابل اعتمادنیست و نویسنده در شرح مطالب ازسادگی خارج‌شده و به‌عبارت‌پردازی پرداخته است .

مجالس‌المؤمنین (ك) کتابی در شرح حال و آثار و احوال عالمان و فقیهان و شاهان و متصوفان تألیف قاضی نورالله ششتری که آن را در سال ۹۹۳ شروع کرده و در ۱۰۱۰ به پایان رسانیده است. این کتاب در دوازده مجلس است در شرح حال بزرگان و فقیهان و مبنایش بر نشر دعوت شیعه است . نوشتهٔ کتاب ساده است . (چاپ تهران)

مجالس‌النفایس (ك) اصل این کتاب به زبان ترکی شرقی (جغتائی) است تألیف میر نظام‌الدین امیرعلیشیرنوائی وزیر دانشمند سلطان حسین‌بایقرا و در سال ۸۹۶ تألیف یافته است .

مجالس‌النفایس شامل یك مقدمه و هشت مجلس است در ذکر حال شاعران و نویسندگان معاصر نویسنده ، و شرح حال

فاضلان خراسان و شاهان و شاهزادگانی که یا خود شعر می‌گفته‌اند یا به‌شعر وشاعری علاقهٔ خاص داشته‌اند. همچنین در ذکراوصاف ابوالغازی سلطان‌حسین‌بن بایقرا و حوادث سیاسی سلطنت او. مؤلف رویهمرفته در حدود سیصد وهشتاد وپنج تن از شاعران قرن نهم را نام برده است. این کتاب با آنکه بسیار مختصر است و مؤلف در شرح حال شاعران و فاضلان بسیار به ایجاز پرداخته است، باز نمودار وضع ادبیات فارسی در قرن نهم است و در ضمن از فواید تاریخی و اجتماعی خالی نیست.

از مجالس‌النفایس سه ترجمه به فارسی صورت گرفته است. یکی به نام لطائف‌نامه که مترجم آن فخری هراتی است و کتاب خود را به نام شاه اسمعیل اول پرداخته است. ترجمهٔ دوم از حکیم شاه‌محمدبن مبارك‌القزوینی که آن را به نام سلطان سلیم‌خان‌بن‌سلطان‌بایزید ساخته است. ترجمهٔ سوم به‌دست شاه علی‌بن‌عبدالعلی انجام گرفته و به نام دین محمد از شاهان اوزبك ماوراءالنهر پرداخته شده است.

مجتث (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. اصل آن «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن» است. در فارسی از این بحر وزنهای زیر متداول‌است:

بحر مجتث مثمن مخبون (مفاعلن فعلاتن ۴ بار) مثال:

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم

بدان امید دهم جان که خاك کوی تو باشم

«سعدی»

مجتث مثمن مخبون محـذوف (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن) مثال :

سحر ز هاتف غیبم رسید مژده به گوش
که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

«حافظ»

مجدهمگر (ت) [ف : ۶۸۶] از شاعران قصیده سرای قرن هفتم هجری. اهـل یزد بـود ولـی در شیراز اقامت داشته و در تحت حمایت بهاءالدین جوینی حکمران فارس می‌زیسته است و اشعاری درمدح شمس‌الدین صاحبـدیوان و اتابك سعدبن ابوبکربن‌سعد زنگـی دارد . مجدهمگر عـلاوه بر مدح قطعات هجویـه ای نیز در بارهٔ اشخاص سروده است . غزلهای عاشقانه نیز دارد و گاه مضمونهای اجتماعی وحکمی در اشعارش دیده می‌شود .

مجره (نج) یا راه کهکشان مجموع ستارگانی است از جنس ستـارگان ابری ، مانند دایره‌ای بزرگ که بر دو برج جوزا وقوس می‌گذرد.

یـکی پله است این منبر مجره زده گردش نقط از آب رویـن

«منوچهری»

مجری (ق) از حرکات قافیه . حرکت روی پیش از حرف وصل . مانند حرکت نون در کلمهٔ دشمنی :

دوستا گر دوستی گر دشمنی

مجلسی (ت) [ف: ۱۱۱۱] محمد باقر از بزرگان و علماء شیعه در زمان صفویه . وی پسر ملا محمد تقی مجلسی و از متعصبان مذهب بوده

که‌تشیع را در میان عامه ترویج کرده و با صوفیه در کمال خشونت رفتار می کرده است . مجلسی به فارسی ساده و قابل فهم عوام چیز می نوشت و عقاید شیعه و تاریخ و احادیث را به این طریق ترویج می کرد . از آثار معروف او به عربی بحارالانوار است در حدیث و از آثار فارسی او: عین‌الحیاة شامل پند و اندرز ، مشکوةالانوار، حلیةالمتقین، حیوةالقلوب،جلاءالعیون و حق‌الیقین است .

مجمر اصفهانی (ت)[ف:۱۲۲۵] سیدحسین طباطبائی از سادات اصفهان بوده که‌در جوانی به‌تهران آمده وبوسیلهٔ میرزاعبدالوهاب نشاط به دربار فتحعلیشاه راه یافته است . پس از مدتی از طرف شاه به لقب مجتهدالشعرائی مفتخر گشت . مجمر سالها ندیم حسینعلی میرزاپسر فتحعلی‌شاه بوده و از شاعران غزلسرای‌دورهٔ باز گشت ادبی است . غزلیات لطیف دارد و در قصیده پیروانوری وخاقانی و امیر معزی است . اشعار هزل و هجو دارد و مثنوی به سبك تحفةالعراقین‌خاقانی سروده و قطعات منثوری هم به سبك گلستان سعدی ساخته است .

مجمع‌الامثال (ك) کتابی است شامل متجاوز از شش هزار مثال در زبان عربی تألیف ابوالفضل احمد بن‌محمد میدانی . (چاپ‌تهران)

مجمع‌الانساب (ك)تاریخی به زبان فارسی تألیف محمدبن‌علی‌بن محمد شبانکاره که مؤلف آن را دو بار نوشته است . یکبار به‌سال۷۳۳ و بار دیگر به سال ۷۴۳ ، زیرا در هنگامی که خانهٔ غیاث الدین

محمد وزیر پسر خواجه رشیدالدین فضل الله در تبریزغارت شد، نسخهٔ اولی کتاب از میان‌رفت و مؤلف بار دیگر آن‌را از حافظهٔ خود نوشت .

مجمع الانساب شامل تاریخ عمومی عالم است از بدو خلقت تا زمان تحریر. مؤلف درشرح حال طبقات شاهان‌وطوایف، تقسیمات مختلفی بکار برده است . شاهان را به چند طبقه و هر طبقه را به چند گروه و هر گروه را به چند طایفه تقسیم کرده است . وقایع را گاه به اختصار ذکر می کند و گاه به تفصیل .

سبك کتاب درقسمت اول ساده تر است، ولی در اواخر متکلفانه می‌شود و با اشعاری در مدح شاهان آمیخته می گردد .

مجمع‌الفرس (ك) «رجوع شود به فرهنگ سروری . »

مجمع‌الفصحاء (ك) کتابی در شرح حال شاعران ، تألیف رضا قلیخان هدایت که آن را بقول خود پس از سی سال کار به پایان رسانده است. این کتاب شامل‌شرح‌حال شاعران‌پارسی‌است از آغازظهور شعر تا زمان مؤلف یعنی۱۲۸۴ و چنانکه هدایت خود در مقدمهٔ کتاب‌گوید کتاب را بر چهار رکن یا باب تقسیم کرده است. باب اول در ذکر اشعار و حال شاهان قدیم و جدید . باب دوم شعرای متقدمین . باب سوم شعرای متوسطین. باب چهارم شعرای‌متأخرین و معاصرین . در پایان کتاب چندین صفحه به شرح حال و اشعار خود اختصاص داده است .

هدایت در مقدمهٔ مجمع‌الفصحاء از کتابها و تذکره‌هائی

که استفاده کرده نام برده‌است . مجمع الفصحاء اگر چه به علت وسعت کار دارای لغزشها و خطاهای بسیار است ، با وجود این آخرین و جامعترین تذکرهٔ شاعران فارسی است و همواره مورد استفادهٔ محققان و نویسندگان تاریخ قرار گرفته است . (مجمع الفصحاء – چاپ تهران)

مجمل التواریخ والقصص (ك) کتابی که مؤلف آن معلوم نیست، ولی چنانکه از گفتهٔ او بر می آید جدش مهلب بن محمد بن شادی نام داشته است. مؤلف مجمل التواریخ اهل همدان و قریهٔ اسدآباد بوده است و چون از اصفهان بسیار بحث کرده ، معلوم می شود که مدتی در اصفهان اقامت داشته است . تاریخ تألیف کتاب سال ۵۲۰ و زمان سلطنت سلطان سنجر سلجوقی است .

موضوع کتاب ، تاریخ اجمالی عالم است عموماً و تاریخ کشور ایران خصوصاً از مبدأ خلقت تا سال ۵۲۰ هجری. این کتاب در بیست و پنج باب است و شیوهٔ تنظیم مطالب آن تقلیدی است از تاریخ سنی ملوك الارض تألیف حمزهٔ اصفهانی، به این معنی که هر فصلی به موضوع معینی و به روایت مورخ معینی اختصاص داده شده است. مثلاً سنوات سلطنت در یکجا، نام و نسب در جای دیگر، همچنین آثار و بنا ، معاصران سلاطین، القاب،قبور، سیرو صفات، هر کدام در فصل جداگانه ذکر شده‌است.

صاحب مجمل التواریخ منابع و کتابهای معتبری را که از آنها استفاده کرده است ، در کتاب خود نام می برد . مانند تاریخ

طبری، سیر الملوك ابن مقفع. وتاریخ حمزهٔ اصفهانی .

صاحب مجمل التواریخ کتاب خود را با قصه آمیخته ولی درعین‌حال اسنادومدارکی درتاریخ ذکرمی‌کندکه بسیار مورد استفاده است. انشاء کتاب بسیار ساده و دور ازتکلف و کمی کهنه تر از سبك زمان مؤلف است و لغات‌عربی بسیار کم دارد . (مجمل التواریخ - چاپ تهران)

مجمل فصیحی (ك)از تواریخ مهم دورهٔ تیموری به زبان فارسی تألیف فصیحی خوافی که آن‌را در سال ۸۴۹ به نام شاهرخ تألیف کرده است . این کتاب تاریخ عمومی مختصری است از ابتدای خلقت تااواسط قرن نهم و مشتمل بر یك مقدمه و دو مقاله و یك خاتمه است . در مقدمه تاریخ عالم ازبدو خلقت تا ولادت پیغمبر اسلام نوشته شده است. مقالهٔ اول ازولادت پیغمبرتا هجرت او به مدینه است . مقالهٔ دوم مفصل‌ترین قسمتهای کتاب است یعنی شامل وقایع از سال اول‌هجرت تا ۸۴۵ می‌باشد.

مجمل فصیحی به طرز سالنامه نگاری نوشته شده‌ووقایع سنوات به ترتیب پی در پی آمده است . این کتاب به نثری بسیار ساده نوشته شده و شامل مطالب بسیار پر ارزش و سودمند می باشد . (چاپ‌مشهد)

مجنون (د) از اشخاص داستانهای عاشقانهٔ عرب. نام اصلی او «قیس» و از قبیلهٔ «بنی‌عامر» است. قیس از کودکی به لیلی بنت سعد از قبیلهٔ خود، دل می‌بندد و به مناسبت مخالفت پدر لیلی از او جدا

می‌گردد . کار قیس از عشق به جنون می‌کشد ، چنانکه وی راه بیابان پیش می گیرد و با وحش وطیر مأنوس می‌گردد وسرانجام در ناکامی جان می‌سپرد .

شبی مجنون به لیلی گفت کای‌محبوب بیهمتا

ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

مجنون‌و لیلی (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی کـه شاعر آن را در سال ۶۹۸ به تقلید لیلی و مجنون نظامی ساخته است .

مجیربیلقانی (ت) [ف : ۵۸۶] ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی ازقصیده سرایان آذربایجان و اهل بیلقـان . وی شاگرد خاقانی می‌باشد و ارسلان‌بن‌طغرل‌بن‌محمدبن‌ملکشاه از سلجوقیان و اتابك‌شمس‌الدین ایلدگز وپسرانش‌جهان‌پهلوان وقزل‌ارسلان‌رامدح کرده‌است. مجیر از طرف ایلدگز مأموریتی به اصفهان یافت ، ولی اهالـی اصفهان چنانکه باید او را ننواختند و به این سبب مجیر اشعاری در هجو اصفهانیان سرود . دیوان مجیر شامل قصاید و غزلیات و قطعات‌و رباعیات است و در اشعـار او سبك خاقانی نمودار است . وی با اغلب‌شاعران‌زمان‌خودمانندخاقانی‌ونظامی و جمال‌الدین‌عبدالرزاق مناظره و معارضه داشته است . مجیر بـه روایتی به تعصب اهـل اصفهان به قتل رسیده است .

محاق(نج)حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب خورشید است از نظر ناپیداست و نیمی که کاملاً تاریك است به سوی زمین است

این‌حال در آخرماه است و آن را «اجتماع» و «اتصال» نیز گویند. زیرا که آفتاب و ماه با هم گرد می آیند .

ماه ار نخواهد آنکه بود نعل مرکبت

از ناخن محاق ابد چهره خسته باد

«انوری»

محبوب‌القلوب (ك) کتابی‌شامل‌قصص و حکایات تألیف میرزابرخوردار بن‌محمود ترکمان‌فراهی‌ازمنشیان شاه‌سلطان حسین(۱۱۳۵-۱۱۰۵) ومترسلان‌عهد صفوی. این کتاب‌دارای‌مقدمه وپنج‌باب و یك‌خاتمه است در آداب معاشرت و نیکوکاری و مساعدت اقبال و صعوبت ادبار و فوائد قناعت .

مؤلف در ضمن حکایتها و قصه‌های شیرین همه جا پند و اندرزهای سودمند داده است . نثر آن نثرمسجع و دارای عبارت پردازی و تعبیرات مشکل است . (محبوب‌القلوب ـ چاپ تهران)

محتشم کاشانی (ت) [ف : ۹۹۶] شمس‌الشعرا محتشم کاشانی از شاعران معروف‌دورهٔ‌صفویه وشاعر دربارشاه‌طهماسب. محتشم کاشانی‌ابتدا غزلسرائی و مدیحه گوئی کرده ، اما بعد به سرودن اشعار مذهبی پرداخته است و می‌توان گفت معروفترین شاعر مرثیه گوی ایران است. محتشم‌ترکیب‌بند معروفی در رثاء شهیدان‌کربلا دارد،علاوه بر مرائی معروف غزلیاتی نیز از او باقی است به نام «نقل‌عشاق». شاعران زمان به تقلید او ترکیب‌بند های مختلف ساختند . (دیوان محتشم چاپ تهران)

محتمل‌الضدین (ب) یا ذووجهین آن است که گوینده عبارت را طوری به کار برد که در آن مدح و ذم باشد. مانند :

ای خواجه ضیا شود ز روی تو ظلم
با طلعت تو سور نماید ماتم

محقق سبزواری (ت) [ف : ۱۰۹۰] ملامحمد باقر سبزواری‌از فقیهان و متکلمان شیعه در عصر شاه‌عباس ثانی . وی از شاگردان‌شیخ بهائی بوده و در اصفهان منصب شیخ‌الاسلامی داشته است . از آثار او جامع‌الزیارات عباسی به زبان فارسی است که به نام شاه عباس تألیف کرده ، دیگر : روضة‌الانوارفی آداب‌الملوك ، شرح زبدة الاصول شیخ بهائی .

محمدبن‌غازی‌الملطوی (ت) منسوب به شهر ملطیه‌از بلاد آسیای‌صغیر. از فاضلان دربار سلاجقهٔ روم و دبیرابوالفتح رکن‌الدین سلیمانشاه بن قلج ارسلان که بعد در دربار او سمت وزارت یافت و به تشویق او کتاب مرزبان‌نامه را از زبان طبری به پارسی در آورد و آن را «روضة‌العقول» نامید .

محمدبن‌مخلد (ت) از نخستین شاعران ایران و معاصر یعقوب لیث صفاری. به روایت تاریخ سیستان مردی سکزی و فاضل وشاعر بود. شعری در مدح یعقوب از او نقل شده است .

محمدبن منور (ت) نورالدین محمدبن منوربن ابی‌سعد از نویسندگان قرن ششم هجری ونوادهٔ شیخ ابوسعید ابی‌الخیر. وی مؤلف کتاب اسرارالتوحید است که آن را بر حسب اطلاعات خود و روایات

در شرح حال وسخنان جد خویش تألیف کرده است.

محمدبن ناصر علوی (ت) شرف‌الدین محمدبن ناصر علوی ازشاعران و سادات غزنین. سنائی درکارنامهٔبلخ او را به مرتبت بلندوشاعری ستوده‌است. عوفی اورا برادر سیدحسن‌غزنوی می‌داند ومی‌گوید سید محمدبن ناصر در خدمت بهرامشاه غزنوی بود و مقام عالی داشت و علاءالدوله را مدح کرده است . ابیات معدودی ازمحمد بن ناصر علوی در لباب‌الالباب آمده که بیشتر در مدح است و شاعردر آنها به آوردن ردیفهای دشوار مقید شده است.

محمدطاهر (ت) صاحب تذکرهٔ نصرآبادی از نویسندگان قرن یازدهم. اجداداومشاغل دیوانی داشته‌اند، ولی‌شخص او پس از کسب‌ادب و هنر گوشهٔ انزوا اختیار کرده و به خدمت ادبی پرداخته است . محمد طاهر شعر نیز می‌سروده و از پیروان صائب و کلیم بوده است. بعضی ازاشعار او در تذکره‌ها ضبط است.

محمد عبده (ت) محمدبن عبده‌الکاتب از نویسندگان و شاعران مشهور قرن چهارم و دبیر بغراخان از شاهان خانیهٔ ماوراءالنهر . نظامی اورا در نظم ونثر و بلاغت متبحر دانسته است. ابیاتی از او در حدائق‌السحر و ترجمان‌البلاغة آمده است .

محمدعوفی (ت) «رجوع شود به عوفی .»

محمد قزوینی (ت) «رجوع شود به قزوینی .»

محمد وصیف (ت) دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری که زمان عمرو بن لیث و طاهر را هم درك کرده است . صاحب تاریخ سیستان اورا

اولین شاعر زبان فارسی می‌داند وچند قطعه از او نقل می کند که یکی درمدح یعقوب و مربوط به فتح هری و کشتن عمار خارجی در سال ۲۵۱ است و دیگر به مناسبت شکست رافع‌بن هرثمه و قتل او در سال ۲۸۳ می‌باشد . قطعهٔ دیگری نیز از او باقی است مربوط به‌گرفتاری عمرولیث به دست اسماعیل‌سامانی درسال ۲۸۷.

محمود (ت) مقصود سلطان محمود غزنوی است که در ادبیات فارسی هم به عنوان حامی و مشوق شعر و ادب و هم به سمت دلدادهٔ غلام ترك خود ایاز ذکر می‌شود . مثنوی «محمود وایاز» زلالی خوانساری دربارهٔ عشق اوست.

غرض‌کرشمهٔ حسن‌است ورنه حاجت نیست
جمال دولت محمود را به زلف ایاز

«حافظ»

مختاری غزنوی (ت) [ف: ۵۴۹] ابوالمفاخر خواجهٔ‌حکیم سراج‌الدین ابوعمر عثمان‌بن عمر. ازشاعران معروف دربار غزنوی در قرن ششم. مختاری بامسعود سعد وسنائی وابوالفرج رونی معاصربوده و سلطان ابراهیم مسعود ومسعودبن ابراهیم و ابوالملوك ارسلان مسعودبن ابراهیم را مدح گفته است. وی همچنین‌اشعاری درمدح قاوردیان دارد.

مختاری دراقسام شعر مانند قصیده و ترجیع‌بند دست داشته ومثنوی معروفی به نام «شهریارنامه» دارد در ذکر داستان شهریار پسر برزو پسر سهراب پسررستم که آن را به خواهش

سلطان مسعودبن‌ابراهیم ساخته است. دیوان اورا شامل هشت‌هزار بیت دانسته‌اند .

مختصر فی‌اخبار البشر (کتاب ال . . .) (ك) «رجوع شود به تاریخ ابی‌الفداء»

مخزن‌الاسرار (ك) یکی از مثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم ایران ، که آن را در سال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهرامشاه بنی‌داوود پادشاه ارزنگان ساخته است . این مثنوی‌شامل دو هزار و دویست و شصت بیت است و موضوع آن حکمت و موعظه و پند است در بیست مقاله که همه جا با داستان و تمثیل وحکایات آمیخته است . نظامی در ساختن مخزن‌الاسرار از سنائی پیروی کرده است . (چاپ تهران)

مخلدی‌گرگانی (ت) ابوشریف احمدبن‌علی‌مخلدی‌گرگانی از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم . اشعاری از او در تذکره‌ها موجود است .

مدح شبیه به ذم (ب) آن است که شاعر مدح کسی را بکند ، اما به صورت ذم ، یعنی پس از ذکر چند صفت نیك ممدوح با کلمات استثنا مانند لکن و اما خواننده را به گمان ذم می‌اندازد ، درحالی که یکی دیگر از اوصاف ممدوح را ذکر می کند .

به زلف کژ ولیکن به قد وقامت راست
به تن درست ولیکن به چشمکان بیمار

مدح موجه (ب) آن است که گوینده ممدوح را طوری بستاید که دو

مدح در آن باشد .

قارون کند اندر دونفس تیغ جهادت

یك طایفه میراثخور ومرثیه خوانرا

مدید(ع) از بحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست . مثال آن این است .

بحر مدید مسدس سالم (فاعلاتن فاعلن فاعلاتن)

غالیه زلفی سمن عارضینی سرو بالائی و زنجیر موئی

مرآت‌البلدان (ك) تألیف میرزا محمد حسنخان اعتمادالسلطنه که‌شامل فرهنگ جغرافیائی است به سبك معجم‌البلدان یاقوت حموی. این کتاب درچهار جلد است.

جلداول آن‌شامل‌فرهنگ‌جغرافیایی‌ایران‌است‌ازحرف‌الف تا تاء که مؤلف پس از مباحث جغرافیائی به‌مباحث تاریخی زمان ناصرالدین شاه پرداخته است . جلد دوم شامل وقایع پانزده سال ابتدای‌سلطنت ناصرالدین‌شاه است. جلدسوم شامل‌اوضاع سلطنت ناصرالدین شاه از سال شانزدهم تا سی‌و دوم است . جلد چهارم باز فرهنگ جغرافیایی ادامه می‌یابد و به حرف جیم می‌رسد . (چاپ تهران)

مراعات‌نظیر (ب) آن است که نویسنده در آن چیزهائی را که با هم متناسب‌اند جمع کند، مانند کلمه‌های کمان وتیر دراین شعر:

از آن به خاك نشستم که آن کمان ابرو

مرا چوتیر سوی خود کشید ودور انداخت

و کلمات شبگرد وعیار وتاج و کمر درشعر ذیل:

تکیه بر اختر شبگرد مکن کاین عیار
تاج کاووس ربود و کمر کیخسرو

مراقبت (زحاف) (ع) آن است که اسقاط یکی از دو حرف با اثبات حرف دیگرملازم باشد، یعنی دو حرف نه باهم ساقط می‌شود و نه باهم ثابت‌می‌ماند. مراقبت‌درمفاعلین‌میان یاء ونون‌است که اگریکی حذف شد دیگری می‌ماند.

مربع (ب) آن است که چهار مصراع طوری گفته شود که هم بتوان آن را از درازا خواند وهم از پهنا . رشیدالدین وطواط گوید:

به جانت	نگارا	که‌داری	وفا
نگارا	وفا کن	به دل	بی‌جفا
که داری	به دل	دوستی	مرمرا
وفا	بی‌جفا	مرمرا	خوشترا

مرزبان‌بن رستم‌بن شروین (ت) اصفهبد مرزبان رستم‌بن شروین . از شاهان طبرستان و ازخاندان آل باوند . وی مردی دانشمند وادب دوست بود وشعر نیز می‌سرود . از آثار او کتاب مرزبان‌نامه است به لغت قدیم طبرستانی. ابن‌اسفندیار دیوانی به نظم طبری به نام نیکی نامه به‌او نسبت داده است .

مرزبان‌نامه (ك) کتابی شامل داستانها وحکایتهائی به زبان وحوش و طیور وحاوی حکمت وپند بسیار تألیف مرزبان‌بن رستم‌بن‌شروین از شاهان طبرستان که آنرا در اواخر قرن چهارم هجری به زبان

قدیم طبرستان تألیف کرده است . این کتاب دوبار به زبان فارسی دری ترجمه شده است . نخست در قرن ششم به وسیلهٔ محمد بن غازی ملطوی که آن را روضة‌العقول نامیده است؛ و بار دیگر در اوایل قرن هفتم به وسیلهٔ سعدالدین وراوینی که آن را به نام ربیب‌الدین هرون وزیر اتابك ازبك‌بن محمد از اتابکان آذربایجان ترجمه کرده است . روضة‌العقول با شواهد و اشعار عربی آمیخته و مرزبان‌نامهٔ سعد وراوینی نیز دارای انشاء مصنوع و تشبیهات واستعارات فراوان است.(مرزبان نامه ـ چاپ تهران)

مرصادالعباد من‌المبدأ الی‌المعاد (ك) کتابی به زبان فارسی تألیف نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه که آن را درسال ۶۲۵ به‌نام علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی آسیای صغیر تألیف کرد . این کتاب از آثار ذیقیمت ادبی است درعلم تصوف و اخلاق و آداب معاش ومعاد . نثرکتاب گاهی نثر ساده و مرسل است و گاه‌دارای سجع و موازنه است . مؤلف در خلال موضوع، احادیث وآیات و همچنین اشعاری به فارسی وعربی ازخود و شاعران دیگر نقل می کند . (چاپ تهران)

مرغ سلیمان (تن) «رجوع‌شود به هدهد .»

قافلهٔ شب چه شنیدی زصبح	مرغ سلیمان چه خبر از سبا

«حافظ»

مروج‌الذهب ومعادن‌الجوهر (ك) ازمعتبرترین کتابهای تاریخ قرن چهارم هجری به زبان عربی تألیف‌ابوالحسن‌بن حسین‌المسعودی.

این کتاب دارای ۱۳۲ باب است که از تاریخ آدم ابوالبشر شروع می‌شود و به وقایع سال ۳۳۲ هجری پایان می‌پذیرد و به گفتهٔ خود مسعودی خلاصه‌ای از کتاب اخبارالزمان و کتاب‌الاوسط اوست.

مسعودی پیش از ذکر تاریخ پیغمبران وشاهان ازاوضاع طبیعی و جغرافیایی کشورها گفتگو می کند. پس از آن ازمذاهب و ادیان و تاریخ شاهان مختلف از قبیل فراعنه و اکاسره و ملوك یونان وعربان سخن می گوید. درتاریخ شاهان به‌اختصارمی کوشد وگاهی به ذکرنام ومدت سلطنت اکتفا می کند، ولی دربارهٔاوضاع اجتماعی ونژاد و مشخصات و مذاهب گوناگون حتی عقایدخرافی بیشتروارد بحث می‌شود. مسعودی مآخذکتاب خودرا ذکر می کند و درحدود سی تن ازمورخان را نام می‌بردکه پیش‌از او به تدوین تاریخ پرداخته‌اند. ازقرآن هم روایاتی دارد. جز اینها مسعودی مدارکی را که در سفرهای طولانی بدست آورده و یا عاداتی را که به چشم دیده در کتاب نقـل می کند. بنابراین مطـالب کتاب مروج‌الـذهب بسیار متنـوع و جـالب است و مسعودی در فصـل جداگانه‌ای اشعاری از شاعران عرب عهد جاهلیت و بعد از اسلام نیز ذکـر مـی‌کند. این کتاب به زبان فرانسه نیز ترجمه و چاپ شده است.

مریخ(نج) یا بهرام، بعد از آفتاب قـرار گـرفته و پنجمین کـره است نسبت به زمین و در آسمان با نور سرخ می درخشد. مریخ ستارهٔ جنگجویان است.

خنجر مریخ سست گردد و هر شب

از شفقش خون بر آسمان بنماند

مریم (تن) دختر عمران و مادر عیسای پیغمبر . عمران مقیم مسجد بیت المقدس بود و پسران بسیار داشت و به شکرانهٔ آن نذر کرد که فرزند دیگرش را مقیم مسجد کند . مریم متولد شد . چون دختر نمی‌توانست در مسجد مقیم شود ، عمران متحیر شد . وحی رسید و اجازه داده شد مریم در مسجد مجاور شود . زکریا پسر عم عمران از مریم در مسجد محافظت می‌کرد . چون مریم هیجده ساله شد ، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار در صومعه به مریم نمود و او را به تولد عیسی مژده داد ، به فرمان خدای تعالی روح‌القدس در او دمیده شده ، به قولی پس از نه ساعت و به قولی پس از نه ماه عیسی متولد شد .

آبستنی مریم عمران به پسر بود

آبستنی دختر انگور به جان است

«منوچهری»

مزید (ق) از حروف قافیه . آن است که خروج به آن پیوندد مثال:

این دل که به زلف دلبری بستیمش

هر چند گسست باز پیوستیمش

شین در کلمه های بستیمش و پیوستیمش مزید است .

مساوات (ب) آن است که لفظ و معنی با هم برابر باشد .

سؤال رفتی پیش عطا همیشه کنون

همی عطای تو آید پذیره پیش سؤال

مستزاد (ب) آن است که شاعر بعد از نظم هر مصراع قسمتی از کلام موزون بیاورد که شعر بی‌آن دارای وزن درست باشد ولی از حیث معنی به آن بستگی داشته باشد . مثال :

دوشینه پی گلاب می‌گردیدم در صحن چمن
پژمرده گلی میان گلها دیدم افسرده چو من
گفتم تو چه کردی که چنین می‌سوزی ای یار عزیز
گفتا که دمی درین چمن خندیدم پس وای به من

مسرور طالقانی (ت) ابوالفضل مسروربن محمدطالقانی از شاعران عصر محمود غزنوی که قطعه‌ای از او درمدح ابوالقاسم احمدبن حسن میمندی در لباب‌الالباب ضبط است .

مسعود سعد (ت) [ف: ۵۱۵] مسعودبن سعدبن سلمان لاهوری از قصیده سرایان بزرگ قرن پنجم و معاصر دورهٔ غزنوی و سلجوقی . اصلش از همدان و تولدش در لاهور است. مسعود سعد به‌ملازمت سیف‌الدوله مسعودبن ابراهیم غزنوی به هندوستان عزیمت کرد و در جنگها در التزام رکاب بود ، ولی سیف‌الدوله که مورد سوءظن پدر واقع گشته‌بود باندیمانش زندانی گشت و از آنجمله مسعود نیز هفت سال در قلعه های سو و دهك و سه سال در قلعهٔ نای محبوس شد و به وساطت عمیدالملك ابوالقاسم خاص آزادشد و به حکومت یکی از نواحی لاهور رسید ولی بار دیگر گرفتار شد و هشت سال در قلعهٔ مرنج در حبس ماند تا در سال ۵۰۰ به‌شفاعت ثقةالملك طاهربن علی مشکان آزاد شد و تا پایان عمر کتابداری

شاهان غـزنوی را داشت . مسعود سعد امیران غزنوی و وزیران را مانند ثقةالملك‌طاهر و ابونصر پارسی و ابوالقاسم خاص مدح کرده است . مسعود سعد در زبان تازی و هندی نیز دست داشته و اشعاری به عربی سروده است. مهمترین‌موضوع اشعار مسعودسعد شرح‌رنجهای بی‌پایان و سختیهائی است که دردوران زندان تحمل کرده است . این اشعار به حبسیات معروف است و بسیـار مؤثر می‌باشد . (دیوان مسعود سعد ـ چاپ تهران)

مسعودی (ت) [ف : ۳۴۶] ابوالحسن علی بن حسین المسعودی مورخ بزرگ‌قرن چهارم . از فرزندان عبدالله بن مسعود بود که درعصر حضرت محمد می‌زیست و به همین مناسبت به مسعودی اشتهـار یافته است .

مسعودی در اواخـر قرن سوم در بغداد متولد شد و در سال ۳۰۰ هجری از آنجا خارج شد و بـه مـولتان و فـارس و کرمان و هندوستان تا نزدیك چین سفر کرد و مدتی در شهرهای مختلف اقامت کرد و پس از این سفر طولانی دو بـاره بـه بغداد بر گشت و نتیجهٔ مطالعات چندین ساله اش را به‌صورت کتاب در آورد. از آثارمعروف او کتاب: اخبارالزمان، کتاب‌الاوسط،التنبیه والاشراف ، در علم هیئت و مهمتر از همه مروج الذهب می باشد.

مسعودی غزنوی (ت) یا رازی شاعر قرن پنجم و معاصر سلطان مسعود غزنوی که در سال ۴۳۰ مغضوب‌واقع‌شد و به‌هندوستان تبعید گشت. ابیاتی از او در تذکره‌ها باقی است .

مسعودی مروزی (ت) از شاعران‌اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم. وی نخستین کسی است که‌شاهنامهٔ منظوم ساخته است. از شاهنامهٔ او اطلاع فراوانی در دست نیست . ثعالبی در غرر اخبار ملوك الفرس و المقدسی در کتاب البدء و التاریخ از این منظومه یاد کرده‌اند .

مسمط (ب) شعری است که شاعر بنای آن را بر چند مصراع متفق القوافی یا بیشتر و کمتر نهد و مصراع آخر را بر قافیه ای گذارد که قافیهٔ اصلی شعر باشد مانند مسمط های منوچهری.مسمط را بر حسب شمارهٔ مصراعهای هر بندی مربع ، مخمس ، مسدس می‌خوانند .

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است
باد خنك از جانب خوارزم وزان است
آن برگ رزان است که بر شاخ رزان‌است
گوئی به مثل پیرهن رنگرزان است
دهقان به تعجب سر انگشت گزان است
کاندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلنار

مسیحا (تن) لقب‌عیسای پیغمبر.

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید
دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد
«حافظ»

مشاکل (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی . به این وزن شعرهای فهلوی (یعنی اشعار محلی به لهجه های مرکزی و غربی ایران)

بیش ازشعر فارسی دری‌است. اصل آن «فاع لاتن‌مفاعیلن‌مفاعیلن» است و از این اصل گاهی ابیاتی به‌وزن زیردیده می‌شود . مشاکل مکفوف مقصور (فاع لات مفاعیل مفاعیل) :

ای نگار سیه چشم سیه موی سرو قد نکو روی نکو گوی

مشتاق (ت) [ف:۱۱۷۱] میرسیدعلی‌مشتاق‌اصفهانی از سادات حسینی اصفهان و از شاعران قـرن دوازدهم . مشتاق در علوم معقـول و منقول مهارت داشت و از علوم متداول زمان خود بهره‌مند بود . انجمن ادبی در اصفهـان تأسیس کرد به نام «انجمن ادبی مشتاق» کـــه سخن سرایانی مانند هاتـف و عاشق و آذر بیکدلی در این انجمن حاضر شده کسب ادب می‌کردند. مشتاق از احیاکنندگان سبك عراقی است و دیوانش شامل قصیده و غزل و رباعی‌است . قصاید مشتاق بیشتر در مناقب حضرت رسول اکرم است (دیوان مشتاق ــ چاپ تهران)

مشتری(نج) یا برجیس درفلك ششم نسبت به زمین قرار گرفته است و در نظر منجمان ستارۀ سعد است .

بر آسمان مکرمت از روشنان علم
چون مشتری به نور خرد سعد اکبرم
«انوری»

المصادر (ك)از قدیمترین کتابهای لغت تألیف قاضی ابو عبدالله حسین بن احمد زوزنی . این کتاب در زمان مؤلف نیز معروف ومورد اعتماد بوده است . مؤلف در این کتاب مصادر عربی را به‌فارسی

شرح کرده و در برابر هر یك معادلی به فارسی آورده است .
مصادر عربی در این کتاب بر حسب افعال صحیح و معتل ومهموز و مانند آن و به ترتیب حروف تهجی اواخر آنها تنظیم شده است . مؤلف ابتدا از ثلاثی مجرد شروع کرده و پس از آن ثلاثی‌مزید و رباعی مجرد و مزید را آورده است . (چاپ مشهد)

مصحف (ب) آن است که چون نقطهٔ کلمه‌ای را تغییر دهند معنایش تغییر کند . مانند دو کلمهٔ بوسه و توشه در این شعر :

مرا بوسه جانا به تصحیف ده
که درویش را توشه از بوسه به

مصراع (ب) در زبان عرب لنگهٔ در است و در شعر نیمه‌ای از بیت باشد . پس هر بیت شامل دو مصراع است .

مضارع (ع) از بحور شعر عربی و فارسی . مرکب است از دو بار «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن» و در فارسی از این بحر وزنهای زیر متداول است .

بحر مضارع مثمن اخرب مکفوف مقصور یا محذوف «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان ـ فاعلن»

گیتی که اولش عدم و آخرش فناست
در حق او گمان ثبات و بقا خطاست

بحر مضارع مثمن اخرب صدر و عروض : « مفعول فاعلاتن ۲ بار »

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران
کز کوه ناله خیزد روز وداع یاران

«سعدی»

بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف : «مفعول فاعلات مفاعیلن»

ای مطرب خوش آوا آوا ده ای ساقی آن قدح را با ما ده

«اورمزدی»

المضاف الی بدایع الازمان (ك) تألیف افضل الدین ابوحامد احمد بن حامد کرمانی در تاریخ کرمان. تاریخ تألیف کتاب اوایل سال ۶۱۳ است که تسلط ملوك شبانکاره و اتابکان فارس و امرای غز از کرمان قطع شده است. انشاء این کتاب مانند «عقدالعلی» مصنوع و متکلف است.

مطلع الانوار (ك) یکی از مثنویهای امیرخسرو دهلوی که آن را در سال ۶۹۸ به نام علاءالدین محمد شاه در تقلید مخزن الاسرار نظامی ساخته است.

مطلع السعدین (ك) تاریخی به زبان فارسی تألیف کمال الدین عبدالرزاق ابن اسحاق السمرقندی از مورخان قرن نهم هجری. این تاریخ در دو جلد است وشامل تاریخ صدوهفتاد سال، از زمان سلطان ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانان تا پایان پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری است و بهمین مناسبت مؤلف نام آن را مطلع السعدین گذاشته است. نویسنده در این کتاب از مطالب زبدة التواریخ تألیف حافظ ابرو استفاده کرده و وقایعی را نیز شرح داده است که خود شخصاً ناظر وشاهد آن بوده است.

مطلع السعدین تاریخ نفیسی است که دارای اطلاعات

بسیار سودمند می‌باشد ومورد استفادهٔ تاریخ‌نویسان بعد قرارگرفته است. سبك آن ساده وروان است.

مطلع‌الشمس (ك) تألیف اعتمادالسلطنه. دربارهٔ اوضاع ایالت خراسان، در جلد اول که درسال ۱۳۰۱ تألیف یافته وضع جادهٔ تهران را به مشهد از دماوند و فیروزکوه وبسطام و بجنورد و قوچان وصف می‌کند واوضاع هریك ازاین‌بلادرا شرح می‌دهد. جلددوم وصف شهر مشهد و ابنیهٔ تاریخی و بزرگان و اعاظم آن است و شامل شرح حال امام علی‌بن موسی‌الرضا است، همچنین فهرستی از کتابهای کتابخانهٔ آستانهٔ قدس دارد. جلد سوم درشرح مراجعت ناصرالدین شاه ازنیشابور وسبزوار و دامغان وسمنان است باشرح احوال رجال و بزرگان هریك از شهرها. (چاپ‌تهران)

المعارف (ك) ازمهمترین آثار صوفیان به‌زبان فارسی. تألیف بهاءالدین محمدبن حسین خطیبی معروف به بهاءالدین ولد. این کتاب مجموعه‌ای است از مجالس و مواعظ بهاءالدین که در آن از حقایق عرفان وتفسیر آیات قرآن سخن گفته است وشامل ترکیبات و لغات پارسی است وبسیار دلپذیر می‌باشد. (چاپ‌تهران)

معاقبت (زحاف) (ع) آن است که حذف حرفی از یکی از افاعیل عروضی بالزوم ابقاء حرف دیگر آن ملازمه داشته‌باشد. درمفاعیلن آن است که یاء ونون با هم ساقط نمی‌شود، اگر نون بیفتد یاء می‌ماند واگر یاء بیفتد نون می‌ماند. معاقبت در فاعلاتن میان نون والف است یعنی یا نون می‌افتد یا الف.

معتمدالدوله (ت) [ف:۱۳۰۵] حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله پسر نایب‌السلطنه عباس میرزا پسر فتحعلیشاه از شاهزادگان ادیب و فاضل قاجار. وی در تاریخ و جغرافیا و هیئت و نجوم دست داشت. از آثار او جام جم، کنزالحساب که شرح فارسی خلاصة الحساب شیخ‌بهائی است. دیگر منشآت و نصاب انگلیسی است.

المعجم فی‌آثار ملوك‌العجم (ك) «رجوع شود به تاریخ معجم.»

المعجم فی‌معائیر اشعارالعجم (ك) تألیف شمس‌الدین محمدبن قیس رازی که آن را درحدود سال ۶۳۰ به زبان فارسی تألیف کرده است. ظاهراً اصل کتاب به عربی نوشته شده و دربارهٔ عروض‌و قوافی فارسی و عربی بوده است، اما بعد بنا به سفارش دوستان آن را دوقسمت کرده است. آنچه را مربوط به‌زبان فارسی بوده درکتابی تلخیص کرده و نام المعجم فی‌معائیر اشعارالعجم بر آن گذاشته است و آنچه را متعلق به زبان عربی بوده به نام المعرب فی‌معائیر اشعارالعرب موسوم کرده است. کتاب المعجم در فن عروض وعلم قوافی ونقدالشعراست و یکی ازمهمترین و سودمند ترین کتابها است دربارهٔ علوم ادبی به زبان فارسی؛ وعلاوه بر آنکه از حیث مطالب مربوط به عروض و قافیه و نقدالشعر جامعترین کتاب فارسی است ازلحاظ آوردن شواهد شعری وذکر نام بسیاری ازشاعران قبل ازمغول بسیار پرارزش و مورد استفاده است. (المعجم-چاپ تهران)

معراج (تن) درلغت به معنی جای بالا رفتن و در اشعار فارسی اشاره

به عروج حضرت محمد(ص) بسوی‌خداست تا آنجا که فراتر رفتن از آن برای کسی میسر نبوده است .

براق همتش معراج پیمای عقاب دولتش نهمت‌شکار است

«ابوالفرج رونی»

معراج‌السعادة (ك) کتابی در اخلاق ، تألیف احمدبن مهدی نراقی‌از عالمان و فقیهان و شاعران معاصر فتحعلیشاه قاجار . این کتاب‌در واقع ترجمه‌ای است از کتاب‌جامع‌السعادات تألیف میرزا مهدی نراقی پدرمؤلف .

معروفی بلخی (ت) ابوعبدالله محمدبن حسن معروفی بلخی ازشاعران عهد سامانی و نیمهٔ اول قرن چهارم که امیر رشید عبدالملك بن نوح (۳۴۳ – ۳۵۰) را مدح گفته است . اشعار پراکنده‌ای از او باقی است .

معری (ت) «رجوع شود به ابوالعلاء معری»

معیار جمالی و مفتاح ابواسحاقی (ك) فرهنگی در زبان فارسی که در سال ۷۴۵ به وسیلهٔ شمس‌الدین محمد فخری اصفهانی و به نام شیخ ابواسحاق‌بن امیر محمود انجو حکمران فارس تألیف یافته است. معیار جمالی شامل چهار فن است. فن اول درعلم عروض، فن دوم در علم قوافی، فن سوم در علم بدایع‌الصنایع، فن‌چهارم در علم لغت فرس . اشعار کتاب و شواهد این ابواب جز ابیاتی معدود از خود نویسنده است . شمس فخری در کتاب معیارجمالی در فن چهارم مانند اسدی طوسی لغات را برحسب حرف آخر

کلمات آورده و هر حرف را یك‌باب ساخته و بابها را برحسب
الفبای فارسی تنظیم کرده است .

معزی (ت) [ف:درحدود ۵۲۰] امیرالشعرا ابوعبدالله‌محمدبن‌عبدالملك
از شاعران بزرگ دورهٔ سلجوقی . پدرش‌عبدالملك برهانی شاعر
دربار الب‌ارسلان بود که در ابتدای دولت ملکشاه‌وفات یافت و
معزی جای او را گرفت . تخلص او به معزی به مناسبت انتساب
به دربار معزالدین والدنیا ملکشاه‌بن الب ارسلان می‌باشد ، لقب
امیررا هم ملکشاه به‌او اعطاکرد. معزی تا فوت ملکشاه در دربار
او می‌زیست و پس از آن مدتی در هرات و نیشابور و اصفهان
گذراند و بعد به خدمت سنجربن ملکشاه رسید و تا آخرعمر در
دربار او ماند . سبب فوت اورا تیری می‌دانند که از کمان شاه
جدا شد و بی‌قصد به‌معزی اصابت کرد و چنانکه خود اشاره‌کرده
است از زخم آن تیر مدتی بیمار بود وگویا سرانجام براثر همان
زخم فوت‌کرد . ممدوحان معزی علاوه برسلطان ملکشاه وسلطان
سنجر شاهان دیگر سلجوقی و وزیران ایشان می‌باشند مانند
برکیارق ومحمدبن‌ملکشاه، ارسلان‌ارغو پسرالب‌ارسلان، بهرامشاه
بن مسعود غزنوی، اتسزبن محمد خوارزمشاه.

اشعار امیرمعزی شامل قصاید و غزلیات است که در
نهایت سادگی و خالی از تکلف می‌باشد . غزلهای نغزی دارد و
در قصایدش اشارات تاریخی وجود دارد و به بسیاری از وقایع
عصر سلجوقی مانند جنگها و صلح‌های سلطان ملکشاه و سنجر

اشاره کرده است .

معما (ب) آن است که شاعر اسم یا معنی را نوعی به رمز گوید که خواننده جز به اندیشه و فکر نتواند به حقیقت آن پی ببرد .

در معنی قپان :

چیست نه شلوار و نه پیراهنش
هرچه می‌خواهی نهی در دامنش
راست گوید هرچه گوید بی زبان
اژدهائی عقربی در گردنش

معمری (ت) ابوزراعه معمری جرجانی ازشاعران دورهٔ سامانی که خود را درشاعری با رودکی مقایسه کرده است. ابیاتی ازاو درتذکره‌ها باقی است .

معیارالاشعار (ك) کتابی به‌زبان فارسی درعلم عروض وقوافی تألیف خواجه نصیرالدین طوسی دانشمندبزرگ ایرانی. این کتاب‌شامل یك مقدمه و دوفن است. مقدمه در بیان ماهیت شعر وذکرصناعات آن در سه فصل . فن اول در علم عروض که شامل ده فصل‌است. فن دوم در علم قافیه که شامل ده فصل می‌باشد . نویسنده در این کتاب اشعار فراوانی به فارسی و عربی به عنوان شاهدذکر کرده است . (چاپ تهران)

معین‌الدین اسفزاری (ت) «رجوع شود به اسفزاری»

معین‌الدین‌یزدی (ت) [ف:۷۸۹] ازدانشمندان‌وتاریخ‌نویسان قرن‌هشتم و معاصر و مداح شاه شجاع . معین‌الدین بر حسب تشویق شاه

شجاع و پدرش امیر مبارزالدین محمد، کتابی در تاریخ خاندان مظفری تألیف کرده که آن را در سال ۷۵۷ شروع کرده است . عنوان این کتاب مواهب الهی است .

مغربی(ت) [ف:۸۰۹] از شاعران متصوف ایران درقرن نهم. در نائین نزدیك اصفهان تولد یافته و در اصطهبانات فارس مدفون است ولی به مغربی تبریزی معروف است. وی از پیروان شیخ محیی الدین العربی است . دیوان مغربی مشتمل است بر غزلیات و ترجیعات و رباعیات و اشعارش بیشتر صوفیانه و عارفانه است (دیوان مغربی چاپ مکرر)

مفاتیح العلوم(ك) تألیف ابو عبدالله محمدبن احمد خوارزمی ، این کتاب شامل دو قسمت است . قسمت اول شامل شش باب است در علم عروض ، علم کلام، فقه ، نحو ، کتابت و اخبار . قسمت دوم شامل نه باب است در منطق و فلسفه و طب و نجوم و هندسه و موسیقی ، کیمیا ، اعداد و خیال (ترجمهٔ حسین خدیو جم - از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۷)

مقابله (نج) آن است که میان دو برج یك دوم دورهٔ فلك یعنی شش برج فاصله باشد و در اصطلاح نجوم برجی به برج هفتمش نظر کند و این حال سعد است .

زاخترم نظر سعد در رهست که دوش
میان ماه و رخ یار من مقابله بود

«حافظ»

مقابله یا متضاد (ب) آن است که شاعر کلمه‌های متضاد را در برابر هم قرار دهد.

چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است
که بر صحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند
«حافظ»

مقامات ژنده پیل (ك) کتابی دربارهٔ زندگی و کرامات شیخ احمد جام. این کتاب در قرن ششم هجری به وسیلهٔ خواجه مؤیدالدین محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی تألیف یافته است. مؤلف هنگامی به قصد سفر مکه از شهر جام می گذرد، به خدمت شیخ جام می‌رسد و چنان تحت نفوذ شیخ قرار می‌گیرد که دست از سفر مکه بر می دارد و مقیم خانقاه می‌شود و به شاگردی شیخ مشغول می‌گردد. مقامات ژنده‌پیل در بیان آیات و احادیث است و دارای داستانهایی مفصل دربارهٔ کرامات شیخ می‌باشد.

مقامات حمیدی (ك) از کتابهای معروف نثر فارسی در قرن ششم، تألیف قاضی حمیدالدین عمر بن محمود البلخی که آن را به تقلید مقامات حریری نگاشته‌است و کتاب دارای یك‌مقدمه و بیست و چهار مقاله و یك خاتمه است و شامل نکته‌های اخلاقی و اجتماعی و افکار عارفانه و مطالب تاریخی و فلسفی است. مقامات حمیدی به نثر مسجع و موزون است و نویسنده همه جا به آوردن صنایع لفظی و ایراد مترادفات و ذکر اشعار فارسی و عربی پرداخته است. با وجود این نثرش سلیس و روان است

و درزمان حیات مؤلف شهرت فراوان یافته است، چنانکه نظامی عروضی صاحب چهار مقاله که معاصر مؤلف بوده‌است، خواندن این کتاب را برای کسانی که بخواهند در ترسل و فن انشاء مهارت یابند، لازم و ضروری دانسته است . (چاپ‌تهران)

مقتضب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . اصل آن « مفعولات مستفعلن‌مستفعلن» ۲ بار است. وزنهای این بحر درفارسی رواجی ندارد، متداول‌ترین آنها این است :

بحر مقتضب‌مثمن‌مطوی‌مقطوع«فاعلات‌مفعولن۲بار»درهر مصراع:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

حاصل از حیات ای‌جان یك دم‌است تا دانی

«حافظ»

المقدسی (ت) شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمدالمقدسی معروف به بشاری از دانشمندان و جغرافیا نویسان معروف قرن چهارم و معاصر سامانیان. المقدسی‌ممالك اسلامی و همهٔ ایرانرا سیاحت کرده و در بارهٔ آداب و عادات و مذاهب و السنهٔ ملل مطالعه کرده و نتیجهٔ مطالعات را در کتاب معروف خود به نام احسن التقاسیم فی‌معرفة الاقالیم آورده است .

مقدمهٔ ابن‌خلدون (ك) این کتاب مقدمهٔ کتاب اول است از تاریخ معروف کتاب‌العبر و دیوان‌المبتدأ والخبر فی ایام‌العرب والعجم و البربر ، اثر ابن‌خلدون دانشمند و مورخ بزرگ اسلامی . این مقدمه در حقیقت اثری است در جامعه‌شناسی و فلسفهٔ تاریخ و

موضوعش بحثی‌است دربارهٔ تاریخ دول اسلامی و جامعهٔ‌اسلامی.
کتاب‌العبر خود شامل هفت جلد است که جلد اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم برحسب تقسیم مؤلف کتاب دوم نامیده شده‌است و مشتمل برتاریخ عرب و تاریخ اسلام و تاریخ مشرق است و کتاب ششم و هفتم که مؤلف آن را کتاب سوم نامیده است شامل تاریخ بربر و مغرب است و جلد هفتم در شرح حال مؤلف می‌باشد این کتاب بسیار باارزش است، خاصه قسمتهایی که‌مربوط به تاریخ بلاد مغرب است ، که پیش از ابن‌خلدون کسی چنان اطلاعات گرانبهائی بدست نداده است . (مقدمهٔ ابن‌خلدون ترجمهٔ محمد پروین گنابادی ـ از نشریات بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۶ ش)

مقطع (ب) شعری را گویند که چنان ساخته شده باشد که همهٔ کلمات آن از حروف منفصل باشد و هیچ حرفی را به حرف دیگرنتوان چسباند :

زار و زردم ز درد دوری او درد دلدار زرد دارد و زار

مقلوب (ب) از صنایع بدیع که شاعر کلمه را وارونه کند و معنی تازه‌ای یابد.

مقلوب برچهار قسم است :

مقلوب کل، مقلوب بعض، مقلوب مجنح، مقلوب مستوی.

مقلوب کل آن است که تقدیم و تأخیر در همهٔ حروف کلمه باشد مثل تاریخ و خیرات ، شیر و ریش ؛ یا گنج وجنگ

دراین شعر :

به گنج اندرون ساخته خواسته

به جنگ اندرون لشکر آراسته

مقلوب بعض آن است کـه تقدیم و تأخیر در بعضی از حروف کلمه باشد . مانند رقیب و قریب ؛ یا جادوانه و جاودانه‌در این شعر :

از آن جادوانه دو چشم سیاه دلم جاودانه عدیل عناست

مقلـوب مجنح همان مقلوب کل است ولی کلمه‌هـای مقلوب در ابتدا و انتهای کلام واقع شود . مانند کلمهٔ زان وناز در این شعر

زان دو جادو نرگس مخمور باکشی وناز

زار و گریان و غریوانم همه روز دراز

مقلوب مستوی آن است که اگر یك عبارت یایك مصرع را وارونه بخوانند تفاوت نکند .

شکر به ترازوی وزارت بر کش

شو همره بلبل به لب هر مهوش

مقنع (ت) لقب حکیم‌بن عطا که دعوی پیغمبـری می کرد و گویند به عنوان معجزه ماهی ساخته بود که شبانگاه از چاه بیرون می‌آمد و نورش تا چهار فرسنگ را روشن می کرد . ماه مقنع در شعر فارسی از اوصاف معشوق است به معنی « مـاه پوشیده روی » و ایهامی دارد به ماهی که مقنع ساخته بود . مقنع زشتروی بود و

پیوسته نقابی‌برچهره داشت. ازاین‌رو وی‌را مقنع می‌خواندندیعنی پوشیده روی.

مقولات عشر (ط) عبارت است از نه مقوله عرض و یك مقوله جوهر وجمیع موجودات‌عالم به حسب‌ذات منتهی به‌این‌اجناس می‌شود مقولات عشر عبارت است از : جوهر، این، متی، ملك، وضع، کم، اضافه، فعل، کیف، انفعال. مثال :

گل به بستان دوش در خوشتر لباسی خفته بود
یك نسیم ازکوی جانان خاست خرم در گذشت

گل	جوهر
بستان	این
دوش	متی
درخوشتر لباس	ملك
خفته بود	وضع
یك‌نسیم	کم
از کوی جانان	اضافه
خاست	فعل
خرم	کیف
در گذشت	انفعال

مکاتیب (ك) مجموعه‌ای از مکتوبهای فارسی عین‌القضاة از بزرگان و مشایخ صوفیه به دوستان و بزرگان زمان خود. این مکتوبها شامل حقایقی‌است در حکمت وعرفان که بانثر روان و ساده‌نوشته

شده است و کمتر جنبهٔ نـامهٔ دوستانه دارد . عین‌القضـاة در ایـن مکتوبها بسیاری از اشعار شاعران را به عنوان شاهد نقل کرده ودر ضمن رباعیهائی نیز از خود ذکر کرده است که همه اندیشهٔ‌عرفانی دارد .

مکتبی‌شیرازی (ت) از شاعران قرن نهم هجری کـه بـه مناسبت شغل مکتب داری «مکتبی» تخلص کرده است . وی از شاعرانی است که به تقلید نظامی شعر گفته و مثنوی لیلی و مجنون را به پیروی از او به سال ۸۹۵ در دو هزار و یکصد وشصت بیت سروده است. مکتبی در علـم موسیقی استادی داشته و سازی شبیه بـه قانـون ساخته است .

ملاصدرا (ت) «رجوع شود به صدرالدین شیرازی»

ملاعبدالرزاق لاهیجی (ت) «رجوع شود به لاهیجی»

ملك (ط) از مقولات عشر . مفهـوم ملك شکلی است کـه بـه سبب احاطهٔ چیز دیگر بر جسم عارض شود مثل شکل لباس پوشیدن و دسته‌ای احاطه را شرط ندانند، بلکه مالك بودن و صاحب بودن را معتبر دانند .

ملك‌سلیمان (تن) کشور سلیمان که قلمروش بسیار وسیع بود ، زیرا که حق‌تعالی علاوه بر پیغمبری به سلیمان پادشاهی داد تا بر آدمی و پری و دیو حکومت کند . باد مـأمور بود که هر چه در ملك سلیمان می‌گذشت ، به گوش او برساند .

پیش صاحبنظران ملك سلیمان باد است

بلکه آن است سلیمان که زملك آزاداست

«خواجو»

ملك‌الشعراءبهار (ت) «رجوع شود به بهار»

ملك‌قمی (ت) [ف: ۱۰۲۵] از شاعران قرن دهم و یازدهم هجری که به هندوستان مهاجرت کرده و در دکن به دربار نظام‌الدین شاه راه یافته و نزد او و ابراهیم عادلشاه با تقرب تمام می‌زیسته است. ملك قمی در هندوستان در عرفان مقام ارشاد یافته است و فیضی دکنی او را ستوده و می‌گوید که وی کمتر معاشرت می‌کرده است. دیوان ملك‌قمی شامل غزلیات و مثنوی است.

ملکهٔ‌سبا (تن) «رجوع شود به بلقیس»

الملل‌والنحل (ك) از مهمترین کتابها دربارهٔ مذاهب و ادیان و عقاید فیلسوفان وحکیمان. تألیف ابوالفتح‌محمدبن ابی‌القاسم عبدالکریم شهرستانی که آن را به نام مجدالدین ابوالقاسم‌علی‌نقیب‌السادات به زبان عربی تألیف کرده است. شهرستانی در این کتاب عقاید فیلسوفان و حکیمان و اهل مذاهب را مورد بحث قرار داده‌است. کتاب الملل‌والنحل یك‌بار به‌وسیلهٔ صدرالدین ترکهٔ‌اصفهانی به‌نام تنقیح‌الادلة والعلل فی‌ترجمة کتاب‌الملل والنحل و بار دیگر به وسیلهٔ مصطفی‌بن‌خالقداد در سال ۱۰۲۰ به فارسی ترجمه شده است.

ملمع (ب) آن است که شاعر در شعر دو زبان به کار برد مانند این

شعر سعدی که به دو زبان عربی و فارسی است :

سل المصانع رکبا تهیم فی‌الفلوات

تو قدر آب چه‌دانی که‌در کنارفراتی

ممسك‌العنان (نج) ازصورتهای فلکی، در شمال منطقةالبروج که شامل چهارده ستاره است به شکل مردی ایستاده که به دستی تازیانه و به دست دیگر عنان دارد .

منازل‌قمر(نج) بیست‌وهشت منزل‌است ازمنطقةالبروج که ماه درهرروز یکی از آن منازل را طی می‌کند و عبارت است از :

شرطین ، بطین ، ثریا (پروین) ، دبران ، هقعه ، هنعه ، ذراع ، نثره ، طرف ، جبهه، خراتین ، صرفه، عوا، سماك‌اعزل ، غفر، زبانی، اکلیل، قلب،شوله، نعایم، بلده، سعدذابح،سعد بلع، سعدالسعود، سعدالاخبیه، فرغ نخستین، فرغ‌دوم، بطن‌الحوت.

مناقضه (ب) آن است که‌معنی مصراع دوم‌مناقض ومنافی معنی‌مصراع اول باشد

درمش بخشم بوسه ندهد جور کند

بدرم جامه که بوسه نفروشد به درم

منتجب‌الدین بدیع (ت) منشی‌سلطان سنجر سلجوقی و صاحب‌دیوان رسالت او بود. دراوایل جوانی به مرو رفت وبعد ازاتمام‌تحصیل به دستگاه دیوانی وارد شد . منتجب‌الدین مجموعهٔ منشآت خود را به نام عتبةالکتبه نامید که‌پس ازاو سرمشق‌مترسلان قرارگرفت. عوفی دو کتاب به منتجب‌الدین نسبت داده است، یکی رقیةالقلم

درفن دبیری و دیگر عبرات‌الکتبه . انشاء منتجب‌الدین نمونهٔ‌نثر مصنوع و دارای سجع و اطناب است . اشعاری نیز از او نقل شده است .

منتظم ناصری (ك) تألیف اعتمادالسلطنه . شامل سه جلد است جلد اول شامل خلاصهٔ تاریخ اسلام از سال اول هجرت تا سال ۶۵۶ شامل تاریخ خلفا به ضمیمهٔ وقایع مهم ایران، با سالنامه و تقویم. جلد دوم شامل وقایع وحوادث عالم ازانقراض خلافت بنی‌عباس ۶۵۶ تاابتدای سلطنت قاجاریه .

جلد سوم حاوی تاریخ قاجاریه از سال ۱۱۹۴ به بعد با سالنامه . (چاپ تهران)

منجیك ترمذی (ت) ابوالحسن علی‌بن‌محمد منجیك ترمذی‌ازشاعران قرن چهارم هجری که مداح امیران چغانی بوده است . دیوان منجیك در قرن پنجم مشهور بوده و ناصرخسرو در سفرنامهٔ خود از آن اسم برده است . منجیك شاعری است قصیده‌سرا و علاوه برقصیده‌های بزرگ درمدح شاهان ، اشعاری نیز در هجو و هزل دارد .

اشعار منجیك درتذکره‌ها و کتابهای لغت موجوداست.

منسرح (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . اصل آن ۲ بار «مستفعلن مفعولات مستفعلن» است . در فارسی از این بحر وزنهای زیر به کار می‌رود. بحرمنسرح مثمن مطوی موقوف (مفتعلن فاعلن۲بار) مثال :

تاجر عشقم به کف مایه و سودم وفا

تا که خرد دوستی تا چه دهد در بها

منسرح مثمن مطوی مجدوع (مفتعلن فاعلات مفتعلن فع)

مثال :

بخت جوان دارد آنکه باتو قرین است

پیر نـگردد که در بهشت بـرین است

منشوری (ت) ابوسعید احمدبن محمد منشوری سمرقندی، از شاعران عصر غزنوی . از اشعار او قطعه‌هائی در ترجمان‌البلاغة و سایـر فرهنگها موجود است .

منصور حلاج (ت) [مقتول : ۳۰۹] حسین‌بن منصور از بزرگان عرفا و متصوفه . عده‌ای پاره‌ای از خوارق عادات او را حمل بر کرامت او می کردند و اورا از اولیاء می‌دانستند ودسته‌ای آن را اثرسحر و جادو می‌شمردند و سرانجام هم به استناد این گفتهٔ او «اناالحق ولیس فی‌جبتی الاالله . . . » او را به زندان افکندند و به فـرمان حامد بن عباس وزیر مقتدر عباسی به‌دار آویختند.

منصور بر سردار این نکته خوش سراید

از شـافعی مپرسید امثال ایـن مسائل

«حـافظ»

کلمهٔ یار دراین شعر نیز اشاره به اوست :

گفت آن یار کزو گشت سردار بلند

جرمش این بود که اسرارهویدا می کرد

«حـافظ»

منطقة‌البروج (نج) دایرهٔ بزرگی که محل عبور زمین در گـردش به دور خورشید است و آن‌را فلك‌البروج ونطاق‌البروج نیزخوانده‌اند و به دوازده بخش می‌شود که هریك را برج می‌خوانند و این برجها به نـام صورتهائی است که زمین از برابر آنها می‌گذرد .

منطق‌الطیر (ك) منظومه‌ای عرفانی از آثـار معروف شیخ فریدالدین عطار نیشابوری ؛ شامل ۴۶۰۰ بیت. در این منظومه افکارعرفانی و شیوهٔ سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده شده است . مرغان درطلب سیمرغ که کنایه ازحضرت حق‌است به‌راه می‌افتند و هدهد را به عنوان راهنما انتخاب می کنند. عده‌ای از مرغان از دشواری راه می‌گریزنـد و دسته‌ای تسلیم می‌شوند . پس از طی هفت منزل دشوار باز عده‌ای از پا در می آیند و سرانجام سی تن رنجور و خسته باقی می‌مانند که به کوه قاف می‌رسند و می‌بینند سیمرغی که درطلب اوهستند خودایشان (سی‌مرغ) هستند. مقصود از این منظومهٔ رمزی نمودن راه عرفان و رسیدن به حق است که بعضی از سالکان طریقت به سبب علایق دنیوی یا کوتـاهی همت از دشواری راه می‌گریزند و کسانی که با کوشش موفق می‌شوند هفت مرحلهٔ سلوك‌را بپیمایند سرانجام حقیقت‌را در می‌یابند وفانی می‌شوند تا جامهٔ بقا بپوشند. کتاب منطق‌الطیر از منظومه‌های‌عالی زبان فارسی است که عطار در آن قدرت تخیل وبیان‌خودرا آشکار کرده و در ضمن گفتگوی پرندگان حکایتها و تمثیل‌هـای شیرین آورده است .

منطقی (ت) [ف : ۳۹۱] ابوسلیمان محمدبن طاهربن بهرام سجستانی، فیلسوف بزرگ قرن چهارم و معاصر عضدالدولهٔ دیلمی . منطقی بسیار مورد توجه عضدالدوله بوده و رسائلی به نـام او در شرح فنون حکمت و تفسیر کتابهای ارسطو نوشته است . از آثار او : رسالة فی‌المحرك‌الاول، مقاله‌طبیعت اجرام‌علوی ومقالة فی‌الکمال الخاص بنوع الانسان .

منطقی رازی (ت) [ف : نیمه دوم قرن چهارم] ابومحمد منصوربن علی منطقی رازی. ازشاعران معاصر صاحب‌بن عباد که‌بقول‌عوفی صاحب‌بن عباد پیوسته اشعار اورا مطالعه می‌کرد . اشعـاری از منطقی در تذکره‌ها ضبط است .

منکب‌الجبار یامنکب الجوزا (نج) از ستارگان قدر اول که در شکل «جبار» است وآن را جوزا خوانند .

من لایحضره‌الفقیه (ك) کتابی در فقه تألیف ابن بابویه فقیه‌مشهورقرن چهارم هجری در آئین تشیع که مرجع علمای شیعه‌است. مجموع آن در چهار جزو تنظیم شده که دارای ۶۶۶ بـاب و ۵۹۶۳ خبر است. این کتاب از اصول چهارگانه در فقه است و روایات آن مورد اعتماد علماست و چندین بار برآن شرح نوشته شده است. (چاپ تهران)

منوچهر (ش ـ د) نوادهٔ ایرج است که به سرپرستـی فریدون ، جد خود ، پرورش‌یافت و هنر آموخت، در زمان او سلم و تورلشکر از جیحون گذراندند و منوچهر با لشکر برایشان تاخت و سلم و

تور را کشت و دژ الانان‌را گشود و بافیروزی بازگشت. فریدون تاج شاهی‌را بر سروی نهاد و خود گوشه‌گیری کرد. منوچهر به راهنمائی و تدبیر سام، شاهی کرد.

منوچهری (ت) [ف: ۴۳۲] ابوالنجم احمدبن قوص‌بن‌احمد منوچهری دامغانی. ازشاعران بزرگ قرن‌پنجم وعصر مسعودغزنوی، تولدش در دامغان است و پیش از آنکه به خدمت مسعود برسد، در ری اقامت داشته است و هنگامی که مسعود به قصد لشکرکشی به گرگان از نیشابور حرکت کرد، منوچهری را نزد خود خواند. پس از آن منوچهری در دربار مسعود تقرب حاصل کرد وصاحب شکوه و جلال گردید.

منوچهری تخلص خود را از نام فلک‌المعالی منوچهربن قابوس وشمگیر حکمران زیاری گرفت که در ابتدای کار دردربار او بسر می‌برده است. از ممدوحان منوچهری سلطان مسعودبن محمود غزنوی، علی دایه سپهسالار مسعود، خواجه احمد عبدالصمد وزیر سلطان مسعود، ابوسهل زوزنی وعدهٔ دیگر از رجال زمان مسعود بوده‌اند. منوچهری باوجود جوانی، صاحب اطلاع وسیع در شعر و ادب فارسی و تازی بوده است، چنانکه در اشعارش از مضمونها و اسلوب شاعران تازی بسیار استفاده کرده و اغلب لغتهای نادر و غریب عربی در شعر خود به‌کاربرده است. منوچهری علاوه برزبان و ادب عرب در علم طب ونجوم نیز دست داشته و اصطلاحات نجوم در اشعارش دیده می‌شود.

منوچهری در تشبیه و استعاره خاصه وصف طبیعت ورز و شراب استاد بوده و اورا مبتکر مسمط می‌شمارند که ظاهراً این نوع‌شعر پیش از او در اشعار دیگران دیده نشده است. (دیوان منوچهری چاپ مکرر.)

من وسلوی (تن) من به معنی انگبین و سلوی به معنی بلدرچین است. من و سلوی غذائی بوده است که خداوند دربیابان برای موسی‌و قوم بنی‌اسرائیل فرستاد.

گر به عهد موسی امت را گه قحط از هوا
باز من و سلوی سلوت رسان افشانده‌اند ...
«خاقانی»

منهاج سراج (ت) [ف: ۶۹۸] منهاج‌الدین عثمان‌بن‌محمد سراج‌الدین جوزجانی. از عالمان‌خراسان بود که‌هنگام‌حملهٔ مغول به‌هندوستان مهاجرت کرد و در دربار ناصرالدین قباجه اقامت کرد و به فرمان او به ریاست مدرسهٔ فیروزی منصوب گشت. وقتی که‌ناصرالدین قباجه خودرا درسند غرق کرد و کشورش به دست التتمش افتاد، منهاج سراج به خدمت او در آمد و در دربار او به مناصب عالی ارتقاء یافت و کتاب طبقات ناصری را به نام ناصرالدین‌محمودشاه پسرالتتمش نوشت.

منیژه (ش-د) از زنان داستانی شاهنامه و دختر افراسیاب که عاشق بیژن پهلوان ایران‌گشت و او را به کاخ خودبرد وچون‌افراسیاب به‌عشق دختر پی برد، اورا از قصرخود راند و بیژن را درچاهی

زندانی کرد . منیژه سر و پا برهنه به گدائی پرداخت و نانی را که از این راه به دست می‌آورد ، در چاه برای بیژن می‌انداخت. منیژه در عشق خود فداکاریها کرد تا رستم به یاری ایشان رسید و بیژن را از چاه بیرون آورد و منیژه با او به ایران گریخت .

منیة‌الفضلا فی تواریخ الخلفا والوزراء (ك) تاریخی تألیف ابوجعفر محمدبن تاج‌الدین معروف به ابن طقطقی (متوفی ۷۰۱) ، ابن طقطقی این کتاب را در سال ۷۰۱ درموصل به نام فخرالدین عیسی که از طرف غازان‌خان در موصل حکومت داشت تألیف کرد . این تاریخ که به نام «الفخری» نیز نامیده می‌شود شامل دوقسمت است . قسمت اول در سیاست مدن و قسمت دوم تاریخی‌است از دول اسلام که در آن پس از ذکر وقایع عصر خلفا دربارهٔ وزرا و شرح آنان نیز ذکری شده است .

المواقف (ك) کتاب المواقف فی علم الکلام و تحقیق المقاصد وتبیین المرام از متون علم کلام که قاضی عبدالرحمن‌بن احمد معروف به عضدالدین ایجی آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین تألیف کرده و میرسیدشریف جرجانی بر آن شرح نوشته است . (چاپ مصر– ۱۸۴۸م)

مواهب الهی (ك) کتابی در تاریخ خاندان مظفری از آغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع و شاه محمود که معین‌الدین یزدی آن را بر اثر تشویق شاه شجاع و پدرش امیر مبارزالدین در سال ۷۶۷ به پایان رسانده است .

این کتاب مانند تاریخ وصاف دارای انشاء متکلفانه و مصنوع است و استعارات غریب فراوان دارد ولی از جنبهٔ تاریخی سودمند است . (چاپ تهران)

مواهب‌علیه (ك) تفسیری از قرآن به زبان فارسی ، تألیف ملاحسین واعظ کاشفی که آن‌را درسال ۸۹۹ به‌نام امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است .

موسی (تن) موسی کلیم‌الله از پیغمبران اولوالعزم . وی در زمان شاهی ولیدبن مصعب فرعون مصر متولد شد . چون منجمان به فرعون گفته بودند که پسری از بنی اسرائیل مبطل احکام او خواهد بود، از اینرو دستور داد تا هر پسری که از بنی اسرائیل به وجود آید بکشند . وقتی که موسی متولد شد مادرش از ترس فرعون او را در صندوقی گذاشت و به رود نیل انداخت . آب صندوق را زیر قصر فرعون برد ، کنیز آسیه زن فرعون آن را گرفت و نزد بانوی خود برد . آسیه او را به فرزندی پذیرفت . کودك از پستان هیچکس شیر ننوشید جز مادرش. مادر را به دایگی انتخاب کردند و موسی درخانهٔ فرعون بزرگ شد. روزی یکی از قبطیان راکشت و به این سبب گریخت و نزد شعیب رفت و در ازای ده سال شبانی دختر او را گرفت و به مصر عزیمت کرد . شعیب عصائی به او بخشید . در راه در شبی تاریك زنش درد زاییدن گرفت،در آن بیابان که وادی ایمن نام دارد ، موسی به جستجوی آب رفت،بر سر درخت روشنی دید و خطاب آمد «انی‌اناالله» و

معجزه بر او کرامت شد. موسی معجزات را بر فرعون عرضه داشت. فرعون او را به سحر و جادو متهم کرد و ایمان نیاورد و چون قبطیان با بنی‌اسرائیل جور می کردند، موسی و بنی‌اسرائیل از مصر هجرت کردند و از آب نیل گذشتند و قبطیان که به دنبال ایشان رفتند، در آب غرق شدند. موسی برای مناجات به کوه طور می‌رفت و خدای تعالی توراة را که بر الواح نبشته بود، بر او نازل کرد. وقتی موسی با خدا سخن گفت و دیدار خواست. جواب آمد «لن ترانی».

موش‌وگربه (ك) منظومهٔ انتقادی شامل ۱۷۴ بیت از آثار عبید زاکانی که در آن تزویر و ریاکاری گربه‌ای از گربه های کرمان را شرح می‌دهد که موجب فریب موشان گشت و پس از آن کار به شکستن عهد گربه و بروز جنگ بین موشان و گربه‌ها و غلبهٔ لشکر موشان و گرفتاری گربه و فرار او منجر شده است.

این منظومهٔ شیرین بسیار معروف است و بعضی از بیتهای آن مثل سایر شده است. منظور عبید از ساختن این منظومه نظر انتقاد بوده است از بعضی از آداب و رسوم و اوضاع زمان.

موصّل (ب) شعری را گویند که همهٔ حروف کلمات آن به یکدیگر قابل اتصال باشد و بتوان همه را سر هم نوشت:

تن به عشقم نحیف گشت به‌غم گل به چشمم نهفته‌گشت به خار

که می توان چنین نوشت:

تنبعشقمنحیفگشتبغم گلبچشممنهفتهگشتبخار

مولوی (ت) [ف : ۶۷۲] مولانا جلال‌الدین محمدبن بهاءالدین محمد بن حسین‌الخطیبی. معروف به مولوی یا ملای روم از بزرگترین شاعران عارف ایران در قرن هفتم. جلال‌الدین در بلخ متولد شد ولی بـه مناسبت طول اقامتش در قونیه به رومی یا مولانای روم مشهور شد.

جلال‌الدین فرزند محمدبن حسین ملقب به بهاءالدین‌ولد می‌باشد که از طرف مادر از خاندان خوارزمشاه است. بهاءالدین ولد از مقربان دربار محمد خوارزمشاه بود، ولی به علت رنجش خاطری که از شاه یافت، در سال ۶۱۰ از راه بغداد قصد سفرحج کرد و در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد و شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به جلال‌الدین که کودکی بیش نبود اهـداء کرد، بهاءالدین ولد پس از زیارت حج به شام و از آنجا به لارنده از مراکـز حکومت سلجوقیان آسیای صغیر رفت و مدت هفت سال در آن شهر اقامت کرد و پس از آن به دعوت سلطان علاءالدین کیقباد که ازشاهان بزرگ دانش‌پرور بود به قونیه رفت و تاآخر عمر درآنجا به ارشاد خلق پرداخت و درسال۶۲۸ فوت کرد. جلال‌الدین محمد که هنگام فوت پـدر بیست وچهار سال داشت بنا بـه وصیت او و خواهش علاءالدین بجای پدر نشست و بـه ارشار مردم و تربیت مـریدان پرداخت و در مجالس درس سید بـرهان الدین محقق ترمذی که از تربیت یافتگان بهاء ولد بود، کسب فیض کرد و به رموز معرفت حق آشنایی یافت وازاو اجازهٔ

ارشاد گرفت وپس ازفوت برهان محقق مجالس وعظ برپا کرد و به تربیت شاگردان پرداخت تا برحسب اتفاق در سال ۶۴۲ باعارف بزرگ شمس‌الدین محمدتبریزی برخورد کرد.

پس‌ازاین‌ملاقات مولاناچنان‌شیفتهٔشمس شد که ترك‌منبر و محراب کرد و از همه گریزان شد و پیوند خود را با گذشته قطع کرد و درسلك مریدان شمس در آمد. شمس تبریز در سال ۶۴۵ از قونیه خارج شد و دیگر به آنجا باز نگشت. مولانا بر اثر هجران شمس تبریزی آشفته خاطر شد و یکباره از مردمان کناره گرفت و مدتی به حسام‌الدین چلبی ارادت می‌ورزید و همچنان به سرودن غزل و مثنوی مشغول بود تا در سال ۶۷۲ فوت کرد. از آثار مولانا جلال‌الدین مثنوی بزرگ او درشش جلد و مجموعهٔ رباعیات و دیوان غزلیات اوست‌که به دیوان شمس مشهوراست. از آثار منثور او کتاب: فیه مافیه، مجالس سبعه و مکاتیب است.

مولوی شعرعرفانی را به حداعلی رسانده و نفوذمعنوی و ادبیش نه تنها درایران و هند و آسیای صغیر به‌حدکمال رسیده بلکه به مغرب زمین نیز سرایت کرده و آثارش به زبانهای‌مختلف ترجمه شده است.

مونس‌الاحرار فی‌دقایق‌الاشعار (ك) کتابی است تألیف محمدبن بدر جاجرمی از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم. این کتاب در سال ۷۴۱ تألیف یافته و شامل چهارده باب است در

موضوعهای مختلف که در هربابی اشعاری از متجاوز بر دویست تن شاعربرحسب موضوع انتخاب شده ودر ذیل ابواب آمده‌است. مونس‌الاحرار ازنظرثبت اشعار قدما و ذکر نام شاعرانی که‌ممکن بود نامشان فراموش شود بسیار گرانبهاست . (جلد اول ـ چاپ تهران)

مؤیدبغدادی(ت) بهاءالدین‌محمدبن‌مؤیدبغدادی.منشی‌علاءالدین‌تکش خوارزمشاه و ازمنشیان معروف که‌آثارش سرمشق مترسلان زمان محسوب‌می‌شد. تاریخ‌تولد و وفاتش معلوم‌نیست، ولی مسلم‌است که درتاریخ ۵۸۸ زنده بوده است.

بهاءالدین‌محمد مجموع منشآت خود را به نام بهاءالدین وزیر تنظیم کرده والتوسل والترسل خوانده است . وی علاوه بر نثر استادانـه اشعاری نیز داشته که عوفی بعضی از آنها را نقل کرده است .

مهرگان (نج) مهرروز یعنی روزشانزدهم ازماه مهر است‌که فریدون بر ضحاك پیروز شد و او را درکوه دماوند حبس کرد ، پارسیان هر سال دراین روز جشن می‌گرفتند.

مهرگان آمد گرفته فالش ازنیکی مثال
نیک‌روزونیک‌جشن‌ونیک‌وقت ونیک‌حال

«عنصری»

مهستی (ت) اززنان شاعر ایرانی درقرن ششم و معاصر با سلطان سنجر سلجوقی. مهستی اهل‌گنجه است و ابتدا دردستگاه سلطان محمود

برادرزادهٔ سلطان‌سنجر که حکومت آذربایجان را داشت رفت و آمد پیدا کرد وپس از آن به دربار سلطان سنجر راه یافت. مهستی در دربار سلطان سنجر مقامی یافت و در ردیف شاعران نامی آن زمان مانند انوری و رشید وطواط و ادیب صابر قرارگرفت. وی خاصه در سرودن رباعی طبع روانی داشت .

میدانی (ت) [ف: ۵۱۸] ابوالفتح احمدبن محمد میدانی‌النیشابوری . ادیب بزرگ ایران در قرن پنجم . در قواعد و لغت عرب و نحو استاد بوده است . از آثار او کتاب : مجمع‌الامثال است شامل امثال مشهور عرب ، تاج‌المصادر بیهقی ، مصادر اللغة زوزنی و مشهورتر از همه کتاب السامی فی الاسامی که کتاب لغت عربی به‌فارسی است وشامل اسمها وصفتهای متداول زبان تازی با معادل فارسی آنها. برخلاف سایر فرهنگها لغات دراین کتاب برحسب موضوع طبقه‌بندی شده است . (چاپ عکسی از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۵) .

میرخواند (ت) [ف : ۹۰۳] محمدبن سید برهان‌الدین خاوند شاه بن کمال‌الدین محمود. ازمورخان معروف قرن نهم و معاصر و طرف توجه سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علیشیر نوائی. میرخواند در سال ۸۳۸ متولد شد و کودکی را در بخاراگذراند و پس از فوت پدر از بخارا به بلخ رفت و در آنجا به تحصیل علوم متداول زمان مشغول‌گشت و ازمحضرعلما استفادهٔ‌بسیار کرد، سپس به‌هرات رفت و در آنجا نیز در خدمت بزرگان علم‌وادب

به کسب علم پرداخت و پس از چندی به بلخ برگشت وتا زمان
وفات آنجا ماند . میرخواند در فضل و هنر وعلوم معقول‌ومنقول
و در فن تاریخ‌نویسی مقامی بزرگ داشت. اثر معروف وعظیم او
کتاب روضة‌الصفا در شش جلد است که به علت بیماری طولانی
نتوانست جلد هفتم آن‌را به پایان رساند .

میرداماد (ت) [ف: ۱۰۴۱] میرمحمد باقربن محمد استرابادی‌معروف
به داماد از فیلسوفان ودانشمندان عصرصفوی. لقب‌داماد ازپدرش
مانده که داماد محقق ثانی بوده است . منشأش استراباد و محل
تحصیلش مشهد و اقامتگاهش اصفهان بوده است . میردامادمورد
توجه شاه‌عباس بزرگ بود و تألیفات متعدد فلسفی و دینی دارد
که همهٔ آنها به زبان عربی است مانند صراط مستقیم و قبسات در
مسائل حکمت ، کشف‌الحقایق که حکمی و دینی است .

میرداماد شعر نیز می‌سرود « و اشراق» تخلص می کرد و
مثنوی دارد به‌نام «مشرق‌الانوار».

میرزا مهدیخان منشی استرابادی (ت) «رجوع شود به استرابادی» .

میرعماد (ت) حسنی قزوینی از خطاطان مشهور عهد شاه عباس اول
صفوی است. پدر و اجداد وی از کتابداران شاهان‌صفویه بوده‌اند،
میرعماد درقزوین متولدشده و همانجا به کسب علوم متداول زمان
پرداخته و اصول خط را نزد استادان فن آموخته است ، سپس
برای تکمیل هنر خود به تبریز و خراسان و هرات وگیلان سفر
کرده و سرانجام به اصفهان پایتخت صفویه رسیده و بر اثر حسن

خط نستعلیق مورد توجه شاه قرارگرفته است . اما پس از چندی مطرود درگاه گردیده وعزلت اختیار کرده وسرانجام به‌قتل رسیده است. از آثار میرعماد کتاب: آداب‌المشق دراصول نوشتن خط نستعلیق، دیگر تحریر کتاب تحفةالاحرار جامی است .

میزان (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقةالبروج وبه‌شکل ترازو . برج میزان برابر ماه مهر است .

اثرهای کین تو چون نحس عقرب

نظرهـای لطف توچون سعد میـزان

«انوری»

ن

ناسخ‌التواریخ (ک) تاریخ عمومی تألیف میرزامحمد تقی سپهر که آن را به دستور محمدشاه قاجار شروع کرد و درزمان ناصرالدین‌شاه به پایان رساند . این تاریخ با ملحقاتش در حدود پانزده جلد بزرگ می شود . قسمت اسلام و تاریخ بعد ازاسلام درآن بطور مشروح نوشته شده ، ولی سپهر نتوانسته است آن را تمام کند و بعد از او عباسقلی‌خان سپهر که از مقربان دربار ناصرالدین شاه بود، چند جلد در شرح‌حال ائمه و تفصیل سلطنت ناصرالدین شاه و غیره برآن افزوده است. سبک نثر کتاب ساده و پخته است.

ناصر بخاری (ت) [ف : ۷۷۹] معروف به خواجه‌ناصر از شاعران معروف قرن هشتم و معاصر شاه‌شجاع حکمران آل مظفر . وی به بغداد سفر کرده و با سلمان ساوجی ملاقات کرده است . دیوان ناصربخاری شامل در حدود پانصد غزل و قصیده است که هنوز به چاپ نرسیده است .

ناصرخسرو (ت) [ف: ۴۸۱] حکیم ابومعین ناصربن حارث القبادیانی

البلخی المروزی از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران در قرن پنجم. ناصرخسرو در سال ۳۹۴ در قبادیان بلخ متولد شد و در بلخ به کسب علوم پرداخت. وی در جوانی به دربار شاهان غزنوی راه یافت و مقامات عالی بدست آورد و عنوان «دبیر» و «ادیب» یافت و پس از تصرف بلخ به دست سلجوقیان در سال ۴۳۲ به مرو مقر حکومت ابوسلیمان‌چغری‌بیك داوود بن میکائیل رفت و به کار دیوانی مشغول شد. ناصر خسرو در چهل‌سالگی از کار دیوانی و اشتغال به امور دنیوی دست کشید و راه سفر حجاز پیش گرفت. در این سفر که هفت سال طول کشید، چهار بار حج کرد و حجاز و آسیای صغیر و سوریه و فلسطین و مصر و نوبه و سودان را سیاحت کرد و در مصر به خدمت خلیفهٔ فاطمی المستنصربالله رسید و به مذهب اسمعیلی گروید و پس از طی مراحل به درجهٔ حجت رسید و مأمور تبلیغ و نشر مذهب اسمعیلی گشت و به وطن خود بلخ باز گشت. ناصرخسرو دربلخ با علما مباحثات کرد، ولی اغلب به مخالفت وی پرداختند و کم کم متعصبان در صدد آزارش بر آمدند. وی ناچار به فرار شد و مدتی در مازندران بسر برد؛ پس از آن به یمگان ازاعمال بدخشان رفت و در آنجا مقیم شد و به دعوت پرداخت و در همانجا وفات یافت. اقامت ممتد ناصرخسرو در یمگان باعث تقویت و نشر مذهب اسمعیلی در آن نواحی گردید؛ هنوز هم در آنجا طرفداران این مذهب دیده می‌شوند.

ناصرخسرو درعلوم و فنون متداول زمان خود استادبود، قرآنرا ازحفظ داشت ودرعلم کلام وحکمت وعلم ادیان مطالعات عمیق داشت و اطلاعات وسیع او دراشعارش نمایان است. ناصر خسرو آثار منظوم و منثور دارد . از آثار منظوم او دیوان شعر است که مجموعاً ۱۱۰۴۷ بیت دارد . دیگر دو منظومه به نام روشنائی‌نامه و سعادت‌نامه است که در آخر دیوان ناصرخسرو به تصحیح حاج سید نصرالله تقوی در تهران چاپ شده است .

اغلب‌اشعار ناصرخسرو دربیان‌افکار مذهبی‌ومسائل حکمی ودارای اصطلاحات فلسفی‌است. ناصرخسرو به‌حقایق‌علمی ومبانی دین توجه خاص دارد و همچنین اشعاری در انتقاد شدید کسانی داردکه بااو مخالفت کرده و درصدد آزار او برآمده‌اند. اشعارش از مدیحه‌سرائی خالی است و از توجه به دنیا دور است .

از آثار منثور ناصرخسرو چند کتاب و رسالهٔ مهم به زبان فارسی است مانند : سفرنامه ، زادالمسافرین، وجه‌دین، خوان اخوان ، جامع‌الحکمتین ، گشایش و رهایش ، بستان العقول .

ناظرومنظور (ك) داستان عاشقانه‌ای از وحشی بافقی که آن را در سال ۹۶۶ سروده است. این مثنوی دارای ۱۵۶۹ بیت است .

ناقهٔ‌صالح (تن) شتر صالح پیغمبر که قوم عاد و ثمود آن را کشتند .

شخصی ز عرب ناقهٔ صالح پی کرد
پیغمبر ما حرام می بر وی کرد

«ازرباعیات منسوب به‌خیام»

نامهٔ‌دانشوران (ك) از کتابهای مشروح و مهم در ترجمهٔ حال عالمان و ادیبان به زبان فارسی که در زمان ناصرالدین‌شاه به اهتمام عده‌ای از فاضلان تألیف یافته و شش جلد آن تا حرف شین منتشر شده‌است. مؤلفان نامهٔ دانشوران میرزا ابوالفضل ساوه‌ای ومیرزا حسن طالقانی و شیخ عبدالوهاب قزوینی ومخصوصاً شمس‌العلماء عبدالرب‌آبادی می‌باشند.

نثر این کتاب نثر فنی است، ولی متأسفانه ناتمام مانده است.

نان‌وحلوا (ك) مثنوی تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دورهٔ صفویه. نام دیگر این کتاب سوانح‌الحجاز یا سفرالحجاز است و اشعار آن مخلوطی است از فارسی و عربی. (بارها در ایران و هند به چاپ رسیده است).

ناهید (نج) ستارهٔ زهره که ستارهٔ مطربان و خنیاگران است.

غزلسرائی ناهید صرفه‌ای نبرد

در آن مقام که حافظ بر آورد آواز

«حافظ»

نایره (ق) (از حروف قافیه) آن است که به مزید می‌پیوندد مانند الف و نون در این شعر :

تا کی به خون دیده و دل پروریمشان

تا کی ز ره روند و به راه آوریمشان

نثر (ب) در لغت به معنی پراکندن و در اصطلاح کلامی است که مقید به وزن و قافیه نباشد.

نثر مرسل (ب) نثری است که نویسنده در آن مقید بـه آوردن سجع یا صنایع لفظی دیگر نباشد .

نثر مسجع (ب) نثری است کـه نویسنده در آن مقید بـه آوردن سجع باشد . مثال از گلستان سعدی :

منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت .

نجات (ك) تألیف دانشمند بزرگ ابوعلی سینا. کتاب نجات خلاصه‌ای است از کتاب شفا و شامل مختصر عقاید شیخ است در حکمت. (نسخ متعـدد ایـن کتاب در کتابخانـهٔ مشهد و کتابخانـه های استامبول موجود است) .

نجم‌الدین رازی (ت)[ف:۶۴۵] شیخ نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن‌محمد رازی. معروف به نجم دایه از مشایخ معروف دورهٔ مغول. شیخ نجم‌الدین در حملهٔ مغول از ری به عراق گریخت و در سال ۶۱۸ به اردبیل و از آنجا به آسیای‌صغیر رفت. درشهر ملاطیه به‌دیدار شیخ شهاب‌الدین سهروردی نایل آمد و بعدبه‌خدمت علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی رفت و کتاب مرصادالعباد را در سیواس تألیف کرد. شیخ نجم‌الدین درقونیه با مولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد. سپس از آسیای صغیر به‌بغداد رفت ودرهمانجا وفات‌یافت .

نجم‌الدین علاوه بر نویسندگی شعر هم می‌سروده،خاصه به سبك سنائی متمایل بوده است .

نجم‌الدین کبری (ت) [ف: درحدود ۶۱۰] ابوالجناب احمدبن‌عمر از

عارفان مشهور و از بزرگان مشایخ صوفیه و مؤسس سلسلهٔ کبرویه. شیخ نجم‌الدین رازی و بهاءالدین ولد از مریدان وی بوده‌اند ، نجم‌الدین کبری تألیفات بسیار دارد از جمله فواتح‌الجمال به‌فارسی ورسالهٔ الخائف‌الهائم درطریقت و سلوك، وی شعر نیز می گفته و چنانکه مشهوراست درفتنهٔ مغول درشهرخوارزم به‌قتل‌رسیده‌است.

نجوم‌السماء (ك) کتابی در شرح حال فقیهان شیعه در عصر صفوی تا اواسط قاجاریه ، تألیف میرزا محمدصادق‌بن مهدی که آن را در سال ۱۲۸۶ یعنی در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه تألیف کرده‌است وشامل شرح احوال علمای شیعه درقرون یازده و دوازده و سیزده می‌باشد .

نحر(زحاف) (ع) در مفعولات مجموع جدع وکشف است؛ یعنی‌حذف مف وعوت که می‌ماندلا وبجای‌آن فع می گذارند وآن رامنحور می‌خوانند .

نخشب (م) نام شهری درماوراءالنهر که ماه مقنع از چاهی درحوالی آن بر می آمد .

نراقی (ت) [ف: ۱۲۴۴] حاج ملااحمد نراقی از بزرگان شیعه است درقرن سیزدهم . وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر آموخت و پس از آن از علمای عراق کسب فضل کرد و خود حوزهٔ درسی دایر نمود و مرجع استفادهٔ بزرگان‌گشت ، نراقی در فقه واصول دارای تألیفات بسیاراست. از آثار فارسی او: اسرارالحج، خزائن و معراج‌السعادة دراخلاق است . نراقی «صفایی» تخلص‌می کرده و اشعارش بیشتر جنبهٔ اخلاقی داشته است . وی دارای دیوان‌شعر

است ومثنوی دارد به نام «طاقدیس»

نرشخی (ت) [ف: ۳۴۷] ابوبکرمحمدبن جعفر النرشخی . اهل بخارا است که کتاب تاریخ بخارا را به نام امیرحمیدابومحمد نوح‌بن نصرسامانی (۳۳۱-۳۴۳) به زبان عربی تألیف کرده است .

نریمان (ش-د) پدر سام وبه روایت گرشاسب‌نامه، برادرزادهٔ گرشاسب وبه روایت دیگر نبیرهٔ او.

نزاری قهستانی (ت) [ف: ۷۲۰] از شاعران منتسب به طایفهٔ اسمعیلیه که تخلصش را از نام نزار پسر دوم المستنصربالله، هشتمین خلیفهٔ فاطمی مصر گرفته است . دیوان او مشتمل بر غزلیاتی است که به شیوهٔ سعدی نزدیك است . مثنوی دستورنامه از او باقی‌است.

نزهت‌نامهٔ علائی (ك) تألیف شهمردان‌بن ابی‌الخیر که‌آن را به نام علاءالدوله ابوکالیجار گرشاسف‌بن علی‌بن فرامرزبن علاءالدوله کاکویه، در اواخر قرن پنجم تألیف کرده است . نویسنده در مقدمهٔ کتاب نوشته است که قبلا کتابی تصنیف کرده به نام «کتاب البدایع» در خواص ومنافع طبایع و چند علم دیگر و چون این کتاب به عربی بود زیاده ونقصانی برآن وارد ساخته و به زبان فارسی در دوازده مقاله ساخته است . و به مناسبت نام علاءالدوله ابوکالیجار نامش را نزهت‌نامهٔ علائی گذارده است. نثر این کتاب روان و دارای اصطلاحات متداول و مأنوس می‌باشد ونویسنده از آوردن لغتهای فارسی ویژه که بنظرش از تازی دشوارتر است پرهیز کرده است .

نسر طایر (نج) از کواکب ثابت ومانند کرکسی است که هردو بال آن گشاده باشد .

بر سر آن خوان عزت نسر طایر دانمگس
بلکه پر جبرئیل آنجا مگس ران آمده
«خاقانی»

نسرواقع (نج) از کواکب ثابت که عوام آن را سه پایه گویند و به شکل کرکسی است که دو بالش را در خود جمع کرده است.

عمر ضایع شده را سلوت جان باز آرید
نسر واقع شده را قوت پر باز دهید
«خاقانی»

نسر واقع با نسر طایربه صورت نسرین نیز درشعر آمده است .

پروانه چرخ‌اخضرش پرواز نسرین ازفرش
پرواز سعدین برسرش چندانکه پروا داشته
«خاقانی»

نسوی (ت) نورالدین محمدبن احمدبن علی‌بن محمدالمنشی النسوی کاتب و وزیر سلطان جلال‌الدین مینکبرنی که در سال ۶۲۱ از شهر نسا به ری رفته و به‌خدمت جلال‌الدین خوارزمشاه درآمده‌و تا سال ۶۲۸ منصب کتابت اورا داشته است . وقتی جلال‌الدین‌از حملهٔ مغول گریخت ، محمد نسوی در ۶۲۹ به میافارقین رفت و در خدمت الملک‌المظفر صاحب آنجا رسید و در آنجا خبر هلاک سلطان جلال‌الدین را شنید و رسالهٔ نفثة المصدور را در شرح آن

وقایع با مرثیهٔ سوزناك در فوت سلطان تألیف کرد . اثر معروف دیگر او سیرة جلال‌الدین مینکبرنی است که درسال ۶۳۹ به زبان عربی تألیف کرده است .

نسیب (ب) درواقع همان تشبیب است «رجوع شود به تشبیب»

نشاط (ت) [ف: ۱۲۴۴] میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به معتمدالدوله از شاعران و ادیبان و رجال سیاست دورهٔ قاجاریه و صاحب دیوان رسالت فتحعلی‌شاه قاجار . در حکمت و ریاضی و علوم ادبی و زبان فارسی و عربی و ترکی تسلط داشته ودر اقسام خط مخصوصاً خط شکسته استاد بوده است. نشاط با همت‌خاصی اصفهان را کانون شعر و ادب قرار داد و سخنگویان را تشویق کرد و در حلقهٔ مؤسسین نهضت ادبی ایران در آمد . نشاط در قصیده از استادان قدیم پیروی کرده و در غزل سعدی و حافظرا در نظر داشته است . مجموعهٔ اشعار و آثار نشاط به‌عنوان«گنجینه» عبارت از پنج درج است شامل قصیده ، غزل ، مثنوی ، قطعه و قطعات منثور حاوی مراسلات و منشآت و مقالات که در آن انشاء رسمی درباری و طرز ترسل زمان مؤلف و سبك نثر دورهٔ قاجاریه را نشان می‌دهد . (کلیات نشاط ـ چاپ تهران)

نصاب‌الصبیان (ك) کتاب لغتی است به نظم از عربی به‌پارسی که‌شامل دویست بیت بوده است و به مناسبت همین شمارهٔ ابیات نصاب نامیده شده است ، چون در اسلام حد نصاب زکوة نقره دویست درهم است . این کتاب تألیف ابونصر محمدبن ابی‌بکر فراهی

(متوفی ۶۴۶) است . سید شریف جرجانی براین کتاب حاشیه‌ای نوشته است .

نصرآبادی (ت)[ف : اوایل قرن دوازدهم] از ادیبان و شاعران قرن یازدهم هجری است که در سال ۱۰۲۷ هجری در قریهٔ نصرآباداز قراء اصفهان متولد شد و پس از طی دوران شباب با اهل فضل و ادب معاشرت کرد و به کسب فضل و هنر کوشید، پس از آن گوشه گیری اختیار کرد وبه‌خدمت ادبی پرداخت ونزد امیران وبزرگان عصر محترم گشت و شاه سلیمان صفویه به اولطف خاصی یافت. محمدطاهر دارای ذوق شعر بوده و از سبک کلیم و صائب پیروی می کرده است . از آثار او تذکرهٔ نصرآبادی است که به نام‌شاه سلیمان صفوی تألیف کرده و شامل شرح حال قریب هزار نفر از شاعران عصرصفوی است .

نصیحة‌الملوك (ك) یکی از آثار فارسی امام محمد غزالی که آن را در حدودسال ۵۰۳ برای سلطان‌سنجر ساخته است. موضوع کتاب حکمت عملی است برمبنای دین که غزالی آن را در راهنمایی شاه و درباریان نوشته است .

کتاب نصیحة‌الملوك دارای يك مقدمه و هفت باب ویك خاتمه است در سیرت پادشاهان و وزیران و درباریان و حکمت دانایان و صفت خردمندان .

این کتاب به عربی و چندبار نیز به ترکی ترجمه شده است. (نصیحة‌الملوك . چاپ تهران)

نصیرالدین اصفهانی (ت) [ف : ۱۱۹۱] معروف به میرزا نصیر از ادیبان و حکیمان قرن دوازدهم . وی در جهرم فارس متولد شده ولی چون سالها در اصفهان اقامت کرده به اصفهانی شهرت یافته است . میرزا نصیر علوم ادبی و ریاضی و حکمت الهی را در اصفهان فرا گرفت و در طبابت نیز مهارت یافت و حکیم باشی خاص کریم‌خان زند شد و گویند طرح مسجد وکیل در شیراز از اوست .

از آثار او اساس الصحة در طب به زبان عربی و جام گیتی‌نما به فارسی است . از میرزا نصیر اشعاری نیز باقی مانده است .

نصیرالدین طوسی (ت) [ف:۶۷۲] ابوجعفر نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن ابی‌بکر از بزرگترین دانشمندان و سیاستمداران ایران در قرن هفتم . اصلش از قم است ولی درطوس تولد یافته است. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به نیشابور رفت و در محضر فریدالدین داماد نیشابوری کتاب اشارات ابن‌سینا را خواند، ودر بیست و چهارسالگی از تحصیل منظم فراغت‌یافت . پیش‌ازهجوم مغول خواجه نصیرالدین ملازمت ناصرالدین محتشم حاکم قلاع قهستان و ملازمت علاءالدین پیشوای اسمعیلیان‌را داشت. هنگامی که هلاکوخان قلعهٔ الموت را تسخیر کرد، خواجه نصیرالدین را به ملازمت‌خود برگماشت. خواجه نصیرالدین هلاکو را به‌تسخیر بغداد و برانداختن خلافت عباسی تشویق کرد . پس از انقراض

خلافت عباسیان وقتل مستعصم، تمام توجه خواجه‌نصیر به‌تأسیس رصدخانه معطوف شد تا در سال ۶۵۷ به فرمان و حمایت هلاکو به تأسیس رصدخانهٔ بزرگی در مراغه موفق شد. خواجه تاهنگام درگذشت هلاکو در دربار او مقرب بود و پس از او در دربار اباقاخان به تقرب می‌زیست ودر سال ۶۷۲ که با اباقاخان به‌بغداد رفته بود ، درهمانجا درگذشت .

خواجه نصیرالدین علاوه برجامع بودن در فنون‌مختلف علمی و ادبی از رجال بزرگ عالم سیاست‌بود و هلاکو ازقدرت و نفوذ معنوی او استفادهٔ بسیار کرد. این‌شخص بزرگ درتشویق فضلا و در توسعهٔ علوم و پیشرفت ادب و راه تحقیق، اثربزرگی داشت .

خواجه نصیرالدین درعلوم ریاضی و منطق ونجوم‌وطب واخلاق‌دارای‌تألیفات‌بسیار است‌و آثار گرانبهای‌او به‌زبانهای مختلف ترجمه شده و مورد استفادهٔ دانشمندان اروپا قرار گرفته است.در حدود صدوسه کتاب و رساله و مقاله در فنون مختلف به خواجه نصیر نسبت می‌دهند .

از آثار او تحریر اقلیدس (در هندسه) تحریر مجسطی (در هیئت) تذکرهٔ نصیریه (در هیئت) شرح اشارات بوعلی ، تجریدالعقاید (در کلام) قوانین‌الطب ، حل‌مشکلات قانون بوعلی، سی‌فصل در نجوم .

غیر از کتابهای عربی خواجه نصیرالدین چند کتاب به

فارسی تألیف کرده است. از جمله معیارالاشعار درعروض، اخلاق ناصری ، اساس‌الاقتباس و اوصاف‌الاشراف می باشد .

کتابهائی را که خواجه نصیر از حکیمان یونان اقتباس کرده است تحریر می‌نامد ، در این کتابها افکار و آراء مؤلفان یونانی را بیان‌کرده است .گرچه مقام علمی خواجه نصیر برجنبهٔ نویسندگیش برتری دارد، ولی نمی‌توان ارزش آثار فارسی او و سبك نویسندگی‌اش را نادیده گرفت . خواجه‌نصیر در بیان موضوعهای علمی به ایجاز پرداخته و روانی و سادگی را به کار برده است.رویهمرفته بر اثر زحمتهائی که خواجه‌نصیر دراصلاح و تحریر آثار ریاضی دانان پیش از خود کشید ، علوم ریاضی‌را برای علمای عهد خود و بعد از خود آسان کرد .

خواجه نصیر به زبان فارسی و عربی شعر گفته و بعضی از مطالب علمی را به نظم آورده است .

نظام‌التواریخ (ك) تاریخ کوچکی تألیف قاضی ناصرالدین بیضاوی که در سال ۶۷۴ تألیف یافته است . این کتاب مشتمل است بر خلاصهٔ تاریخ عمومی عالم از زمان آدم ابوالبشر تا اواخر قرن هفتم،حاوی‌تاریخ اسلام وشاهان قدیم‌ایران وپیغمبران بنی‌اسرائیل. عبارت کتاب بسیار موجز وساده است .

نظام‌الدین شامی (ت) شنب غازانی معاصر تیمور . هنگامی که امیر تیمور بغداد را گشود نظام‌الدین در آن شهر می‌زیست و درسال ۸۰۴تیمور وی رانزد خود خواند و اورا به نوشتن تاریخ‌سلطنت

خود واداشت . در سال ۸۰۶ نظام‌الدین در اردوی تیمور نزدیک اردبیل به مناسبت عید رمضان خطبهٔ عید خواند و پس از آن هنگامی که تیمور به سمرقند رفت به او اجازه داد که به وطن خود «تبریز» برگردد . از آثار معروف نظام‌الدین شامی «ظفرنامه» است که به امر تیمور آن را در سال ۸۰۴ تالیف کرد .

نظام‌الدین محمود قاری یزدی (ت) از شاعران قرن نهم که ذکر البسه‌را موضوع اصلی شعر قرار داده و اشعارش بیشتر مربوط به فن خیاطی است . این شاعر از ابواسحق اطعمه تقلید کرده و به اسلوب او شعر گفته است .

قصیده‌ای دارد به نام آفاق وانفس که مناظره‌ای است میان جامهٔ کتان و موئین و منظومه‌ای موسوم به اسرار ابریشم .

نظام‌الدین یزدی چند رساله و مقاله به نثر دارد مانند نامهٔ پشم به ابریشم، رسالهٔ آرایش‌نامه، رسالهٔ تعریفات، رسالهٔ صدوعظ و مثنوی فکاهی جنگ‌نامه به اسلوب شاهنامه، شامل وصف جنگ مابین صوف و کمخا موسوم به مخیط‌نامه و فرهنگی دارد شامل اصطلاحات خیاطی . (دیوان البسه ـ چاپ اسلامبول)

نظام‌الملك (ت) [ف : ۴۸۵] ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی ملقب به نظام‌الملك . از دهقان زادگان طوس بود که در سال ۴۰۸ یا ۴۱۰ در نوغان طوس ولادت یافت ، دوران کودکی را در طوس گذراند و تعلیم و تربیت کافی پذیرفت و به زبان وادبیات و تاریخ ایران و حکمت و زبان عرب احاطه یافت،

در دربار جغری بیك بـه دبیری حکمران بـلخ منسوب گشت و لیاقت بسیار ازخود نشان داد و جغری‌بیك او را به‌پسر خود الب ارسلان سپرد و هنگامیکه الب‌ارسلان در ۴۵۱ به‌حکومت خراسان رسید ، وزارت خود را به او داد و او همچنان در زمـان سلطنت این پادشاه و پسرش سلطان جلال‌الدین ملکشاه در این سمت باقی ماند و سی سال امور کشور را در دست داشت تـا سر انجام در سال ۴۸۵ هنگامی که از اصفهان به بغداد می‌رفت نزدیك نهاوند به‌دست یکی از فدائیان اسمعیلی به قتل رسید . نظام‌الملك غیر از صدارت‌ومملکت‌داری همهٔ‌عمر به‌ترویج علم‌ودانش همت‌گماشت. بزرگترین اقدام خواجه نظام الملك در این باب تـأسیس مـدارس است دربسیاری از شهر ها مانند نیشابور و بلخ و هرات و خواف و مرو و اصفهان و بصره و موصل و بغداد کـه از همه بزرگتر و مهمتر مدرسهٔ بغداد بود که ساختمان آن در سال ۴۵۷ آغاز شد . این مدارس به نظامیه معروف گشت و نظام‌الملك اوقافی تـرتیب داد کـه درآمدشان صرف مدارس می‌شد . نظام‌الملك علاوه بر تشویق ادیبان و حکیمان خود نیز آثاری دارد کـه از همه مهمتر سیاست نامه است دیگر مکتوبی است در ذکر شرایط وزارت که به پسرش فخرالملك نوشته به اسم وصایای نظام‌الملك یـا دستور الوزارة .

نظام اولیا (ت) [ف : ۷۲۵] محمدبن احمدبن علی دهلوی که به نظام دهلوی یا شاه نظام اولیا معروف است از عارفان قرن هشتم‌هجری

است که بسیاری از عرفا به او ارادت می‌ورزیدند و کراماتی به‌وی نسبت می‌دادند .

نظامی (ت) [ف: در حدود ۶۰۴] حکیم جمال‌الدین ابومحمدالیاس‌بن یوسف‌بن زکی بنی موید از شاعران بزرگ داستانسرای ایران . وی در حدود سال ۵۳۵ در گنجه متولد شد و بیشتر عمر خود را در موطن خود صرف کرد ، فقط یک‌بار به امر اتابک قزل ارسلان به تبریز سفر کرد. نظامی از ابتدی جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت وچنانکه خود گویددر تمام رشته های علوم متداول مانند علوم طبیعی و الهی و طب و نجوم مهارت یافت ، همچنین درعلوم ادب و شعر مقام بزرگی به دست آورد. نظامی با اتابکان آذربایجان و شاهان محلی شروان و مراغه ارتباط یافته و کتابهای خودرا به نام این‌شاهان ساخته است، ازجمله ممدوحان او منوچهر خاقان کبیر پادشاه اخستان و پسرش ابوالمظفر اتابک نصرةالدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان، اتابک شمس‌الدین‌محمد جهان پهلوان و اتابک قزل ارسلان است . نظامی چون عمر را بیشتر به عزلت و انزوا گذرانده است طرز سلوک و رفتارش با شاهان بسیار ساده بوده و سلاطین برای او احترام فراوانی قایل بوده اند .

از آثار نظامی دیوان اوست که دولتشاه آن‌را شامل بیست هزار بیت دانسته و اکنون قسمتی از آنها در دست است ولی بزرگترین اثرش خمسه می‌باشد که به‌طرز مثنوی سروده ودرحدود

بیست و هشت هزار بیت دارد .

خمسه شامل پنج کتاب است : مخزن‌الاسرار ، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین ، هفت‌پیکر یا بهرام‌نامه ، اسکندرنامه .

نظامی درشیوهٔ‌داستانسرائی استاد و پیشرو دیگران‌است. وی در ضمن داستانسرائی از مطالب اخلاقی و حکمی وپندغفلت نکرده است و پاکی اخلاق و عفت در اشعارش آشکاراست،حتی هنگام ذکر عشق وگفتگوهای عاشقانه عفت‌قلم و شرم را ازدست نمی‌دهد. نظامی همه‌جا ازوقایع وحالات نتیجه‌گرفته وبی‌اساسی زمان و سستی دنیا را گوشزد می‌کند . نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند . نیروی تخیل او در وصف بسیار قوی است وحالات مختلف روحی انسان را از قبیل‌انتظار، شوق دیدار ، وصل ، هجر همه را با قدرت بسیار بیان می‌کند . معانی تازه و تشبیهات نو بکار می‌برد . نظامی چون از علوم مختلف اطلاع داشته است اصطلاحات علمی و فلسفی در اشعارش بسیار دیده می‌شود . آثار نظامی مورد تقلید بسیاری ازگویندگان پس از او واقع گشته است. امیرخسرو دهلوی، خواجو، جامی، وحشی ، مکتبی و دیگران به تقلید از مثنویهای او مثنویهائی ساخته اند . (خمسهٔ نظامی چندین بار در تهران به چاپ رسیده است) .

نظامی عروضی (ت) [ف: درحدود ۵۶۰] ابوالحسن‌نظام‌الدین احمدبن عمربن علی النظامی العروضی السمرقندی ازشاعران ونویسندگان

قرن ششم هجری ، در سمرقند متولد شده و پس از کسب علوم به خراسان رفته است و در سال ۵۰۶ در بلخ به خدمت حکیم عمر خیام رسیده و در سال ۵۱۰ در طروق طوس معزی‌را ملاقات کرده است . نظامی عروضی به خدمت ملوك آل شنسب در آمد و به مدح آنها پرداخت و کتاب چهار مقاله‌را به نام‌شاهزاده‌ابوالحسن حسام‌الدین علی‌بن فخرالدین مسعود شاهزادهٔ غوری تألیف کرد.

نظر (نج) یا نگریستن آن است که وضع هربرج را نسبت به‌برجهای دیگر نشان دهد و اقسام‌آن چهار است : تسدیس ، تثلیث، مقابله، تربیع «به‌این کلمات رجوع شود».

در نظر منجمان بعضی از این حالها سعد و بعضی نحس است

زچارم همی بنگرد آفتاب به جنگ بزرگانش آمدشتاب

«فردوسی»

نظم (ب) «رجوع شود به شعر».

نظیری نیشابوری (ت) [ف: ۱۰۲۱] محمد حسین نظیری نیشابوری. از شاعران معروف ایران در قرن یازدهم . اصلش از نیشابور بوده و از ابتدای جوانی به شعر و شاعری شوق فراوان داشته است و پس از کسب شهرت درخراسان به‌کاشان رفت و چندی‌درمجالس مشاعره و مناظرهٔ شاعران شرکت کرد و از آنجا به هندوستان رفت و در دربار اکبرشاه راه یافت وپس از او در دربار جهانگیر تقرب حاصل کرد و قصایدی در مدح اکبرشاه و خان اعظم برادر

او و جهانگیر سرود . نظیری باعرفی و ظهوری معارضه ومناظره داشته است . نظیری در مذهب بسیار متعصب بود و سالهای آخر عمررا به‌گوشه‌گیری و زهد پرداخت .

غزلی در وصف تنباکو دارد که استعمال آن بوسیلهٔ جهانگیر و شاه‌عباس صفوی منع شده بود.

دیوان نظیری‌شامل قصاید و غزلیات‌وترجیعات ورباعیات است و در هندوستان به چاپ رسیده است.

نعایم (نج) منزل بیستم ازمنازل قمر که شامل چهار ستارهٔ روشن‌است به شکل شتر مرغ.

نعایم پیش او چون چار خاطب
به پیش چار خاطب چار مؤذن

«منوچهری»

نعمة‌الله‌کرمانی (ت) [ف :۸۳۴] امیرنورالدین نعمة‌الله‌بن میر عبدالله . از مشایخ بزرگ صوفیه که در سال ۷۳۰ در حلب متولد شد و در بیست‌وچهار سالگی به زیارت مکه معظمه نائل آمد و هفت سال در آنجا اقامت کرد و قسمت آخر عمررا در سمرقند وهرات و یزد بسربرد و سرانجام در ماهان مقیم گشت و همانجا وفات یافت . شاه نعمة‌الله مورد توجه شاهرخ بوده است، ولی شهرتش بیشتراز جنبهٔ تصوف اوست. اشعارش اغلب دربارهٔ وحدت وجود می‌باشد . دیوان شاه نعمة‌الله ولی شامل تقریباً چهارده هزار بیت مثنوی و رباعی است . مثنوی شاه نعمة‌الله تقلیدی است از غزل

مولانا جلال‌الدین رومی و مضامین آن عارفانه است . در جوار مقبرهٔ شاه نعمة‌الله در ماهان خانقاهی است که درویشان نعمة‌اللهی از پیروان او در آنجا اقامت می کنند .

نغمهٔ داوود (تن) اشاره به آواز نیکوی داوود که مرغان‌را نیز مجذوب می کرد و از طیران باز می‌داشت .

چو گل سوار شود بر هوا سلیمان وار

سحر که مرغ در آید به نغمهٔ داوود ...

«حافظ»

نفاذ (ق) (از حرکات قافیه) حرکت وصل چون به‌خروج پیوندد. مانند حرکت میم در کلمه‌های می‌سپارمت و دوست‌دارمت در این شعر.

ای غایب از نظر بـه خدا می‌سپارمت

جانم بسوختی و بـه دل دوست دارمت

حرکت خروج و مزید و نایره را هم نفاذ گویند .

نفایس‌الفنون‌فی‌عرایس‌العیون (ك) تألیف علامه شمس‌الدین محمد ابن محمود آملی از عالمان قرن هشتم هجری کـه آن را بـه نام شیخ ابواسحق‌اینجو ساخته است. نفایس‌الفنون در بیان شرف‌علم و تقسیم علوم است به علوم اوائل و اواخر و شامل علوم ادبی‌است درپانزده فن مانند علم لغت وعلم بیان ومعانی وعلم‌صرف ونحو و علم عروض و قوافی و علم دواوین و علم انشاء و استیفا . وعلوم شرعی شامل نه فن مانند علم کلام و تفسیر و علم حدیث و حکم و اخلاق وعلم اصول و فقه . (چاپ تهران)

نفثة‌المصدور (ك) تألیف محمد منشی النسوی که آن را میان سالهای

۶۳۲ – ۶۳۷ نوشته است . موضوع کتاب شرح حوادث زندگی مؤلف و بلاها و مصیبتهائی است که در دربار سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و حملهٔ مغول تحمل کرده است . مؤلف وقایع زمان و تیرگی‌اوضاع دربار خوارزمشاه وحمله‌های‌تاتاررا به‌آذربایجان و انقراض خوارزمشاهیان‌و جنگها ودفاعها و عاقبت کار همه‌را به تفصیل‌شرح‌می‌دهد. محمد نسوی خود در اغلب‌وقایع شاهدبوده، بلکه قسمتی از امور را نیز به عهده داشته و شخصاً در کارها دخالت می‌کرده و محرم اسرار ومورد اعتمادسلطان بوده است و با صداقت تمام علل وقایع را شرح داده است . سبك نوشتهٔ نفثة المصدور مانند کلیله ودمنه مصنوع و در عین حال فصیح است . مؤلف از آوردن صنایع بدیع وتجنیسات خودداری‌نکرده واشعار فارسی و عربی و امثال سایر وآیات قرآن و شواهد فراوان بکار برده است . (چاپ تهران)

نفحات‌الانس (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را در سال ۸۸۳ به خواهش امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است . نفحات‌الانس در شرح احوال ۵۸۲ تن از رجال و بزرگان و اولیاء متصوف است و دارای مقدمه‌ای می‌باشد در شرح اصطلاحات صوفیه و بیان معرفت عارف و کرامات و معجزات او . مؤلف پس از مقدمه به شرح حال صوفیه می‌پردازد و آن را به‌ذکر حال ابوهاشم‌صوفی شروع و به خواجه‌شمس‌الدین حافظ شیرازی ختم می‌کند. انشاء کتاب‌روان و ساده است و در ردیف بهترین‌آثار نثر فارسی است.

نفخ‌صور (تن) دمیدن در بوق و مراد از آن بوقی است که در روز

قیامت اسرافیل در آن می‌دمد تا مردگان برخیزند.و در شعرفارسی نفخ صور کنایه از روز قیامت است .

از مدحتش که زنده‌کن دوستان اوست
تا نفخ صور صور دوم در دهان ماست
«خاقانی»

نفس (ط) جوهری مجرد به حسب ذات ، نه برحسب فعل؛ یعنی‌قابل اشارهٔ حسی نیست، اما در صدور فعل‌محتاج به آلت است. مانند روح انسانی .

نفس مسیحا (تن) اشاره به معجزهٔ عیسای پیغمبر که می‌توانست مرده را زنده کند .

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
که زانفاس خوشش بوی کسی‌می‌آید
«حافظ»

نقدالنصوص فی شرح‌النصوص (ك) شرحی بر فصوص‌الحکم تألیف صوفی بزرگ شیخ محیی‌الدین محمدبن علی‌العربی . این کتاب را مولانا عبدالرحمن جامی در سال ۸۶۳ تألیف‌کرده و مشتمل است برمقدمهٔ مفصل در بیان اصطلاحات و مقدمات که پس از آن به‌شرح کتاب فصوص‌الحکم پرداخته وازمطالب کتب‌سایرشارحین آن مانند صدرالدین قونیوی و شیخ مؤیدالدین جندی‌به‌آن‌افزوده است. کتاب نقدالنصوص به نثرفارسی‌است ومؤلف در آن‌اشعاری از بزرگان و شاعران به عنوان شاهد آورده است.

نقش ارژنگی (ش ـ ت) اشاره به‌نقش‌های دلکش کتاب‌ارژنگ‌منسوب

به مانی نقاش .

گر التفات خداوندیش بیاراید
نگارخانهٔ چینی و نقش ارژنگی است

«سعدی»

نکیسا (ش ـ د) رامشگردربار خسروپرویز.

نگین سلیمان (تن) انگشتری سلیمان که اسم اعظم بر آن نوشته بود و سلیمان به وسیلهٔ آن برآدمی و وحش و طیر حکومت می کرد . تقدیر حق‌تعالی اقتضا کرد که سلیمان را به مناسبت خطائی که مرتکب شده‌بود، مکافات کند. دیوی خودرا به‌شکل معتمدسلیمان براو نمود و انگشتری راگرفت وخودرا به صورت سلیمان به‌مردم نشان داد و شاه شد . پس ازچهل روز انگشتری از دست دیو در دریا افتاد، ماهیی آن‌را فروبرد، صیادی ماهی را گرفت . سلیمان آن را از او خرید و به تخت برگشت .

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

نل‌ودمن (ك) داستانی که اصل هندی دارد و شیخ ابوالفضل فیضی دکنی آن‌را ازسانسکریت ترجمه‌کرده‌و درسال ۱۰۰۳ به‌خواهش اکبرشاه در چهار هزاربیت منظوم کرده است. (چاپ تهران)

نمرود (تن) شاهی بت‌پرست در زمان ابراهیم علیه‌السلام . ابراهیم چون نمرود را به خداپرستی دعوت‌کرد و بتها را شکست،نمرود فرمان داد تا اورا به آتش افکندند . اما آتش بر او گلستان شد

نمرود خواست با خدا جنگ کند، فرمود تا صندوقی ساختند و چهار پاره گوشت برچهار نیزه از آن آویختندوبرچهارپایهٔصندوق چهار کرکس گرسنه بستند و اوخود در صندوق نشست. کرکسان صندوق را به هوا بردند، نمرود تیری بر بالا انداخت. حق‌تعالی تیر اورا خون آلود به پیشش باز گرداند. نمرود به گمان آنکه خدا را مجروح کرده است گمراه شد و دعوی خدائی کرد. بار دیگر خواست با خدا بجنگد. خدا لشکری از پشه که ضعیفترین خلایق است، به جنگ او فرستاد، لشکر نمرود از نیش پشه هلاك شدند و پشه‌ای دربینی نمرود رفت و مغز سر اورا خورد و اورا هلاك کرد.

دست نمرود بین که ناوك کفر — در سپهر مدور اندازد

«خاقانی»

صد هزاران پشه در لشکر فتاد
تا براهیم از میان با سر فتاد

«عطار»

گوئی که دوباره تیر خونین — نمرود به آسمان بر افکند

«خاقانی»

نوائی جغتائی (ت) «رجوع شود به امیر علیشیر».

نوح (تن) از پیغمبران که مطابق روایات مذهبی هشتاد تن از زن ومرد به او ایمان آوردند. حق تعالی به او فرمان داد تا درخت ساج بنشاند و چون بزرگ شد، از چوب آن کشتی ساخت، به طول سیصد گز و عرض پنجاه گز و ارتفاع سی گز. می‌گویند این

کشتی سه طبقه داشت ، یکی برای حیوانات، یکی برای آدمیان، یکی برای پرندگان . خـدا طوفان فرستاد ، نوح با خانوادۀ خود در کشتی نشست و پس از فرونشستن طوفان کشتی او بر کوه جودی در حدود موصل قرار گرفت و همۀ موجودات دیگرغرق گشتند .

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان
چه باك از موج بحر آنرا که باشد نوح کشتیبان
«سعدی»

نوذر (ش ـ د) از شاهان سلسلۀ پیشدادی و پسر منوچهر؛ که پس ازپدر بـه شاهی رسید و ستم بسیار کرد ؛ چنانکه مردم از او بـه جان آمدند واز سام خواستند که به‌تخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت. سرانجام نوذر به دست افراسیاب کشته شد .

نورالعلوم (ك) تألیف شیخ ابوالحسن خرقانی از مشایخ بزرگ قرن چهارم و پنجم . موضوع کتاب مبانی عرفان است به زبان فارسی و انشاءآن ساده و روان و به شیوۀ کتابهای قرن پنجم است.

نوروز (نج) نخستین روز از فروردین ماه . پارسیان در این روز جشن می‌گرفتند که روز نو از سال نو بوده است . این جشن تا کنون مرسوم است و بزرگترین جشن ایرانیان به شمار می‌آید .

بر لشکر زمستان نوروز نامـدار
کرده‌است رای تاختن و قصد کارزار
«منوچهری»

نوروزنامه (ك) رساله‌ای به‌فارسی منسوب به حکیم عمرخیام‌نیشابوری. مؤلـف در آن علت پیدایش جشن نوروز و واضع آن و آداب

شاهان ساسانی را در این جشن شرح می‌دهد و همچنین از شاهان داستانی و تاریخی ایران تا زمان یزدگرد شهریار ساسانی و آئین جهانداری و رسوم شاهی ایشان مطالبی آورده است. سبك کتاب روان و بی تکلف است. لغات عربی کم دارد و عبارتهایش کوتاه است . (چاپ تهران)

نوشدارو(ش ـ د) داروی جان بخش «ضدمرگ» . در شاهنامه نوشدارو آن است که رستم پس از دریدن جگرگاه سهراب ، پسر خود ، به‌وسیلهٔ گودرز از کاووس خواست،ولی کاووس به سبب کینه‌ای که از سهراب داشت و بیم از آنکه رستم با داشتن چنین پسر پهلوان قوت گیرد و او را حقیر شمارد ،از دادن نوشداروخودداری کرد و سهراب جان داد . نوشدارو پس از مرگ سهراب،درزبان فارسی مثلی است که در مورد علاج کاری که از دست رفته است گفته می‌شود .

بعد از این لطف تو با ما به چه ماند دانی
نوشدارو که پس از مرگ به سهراب رسد

نوع (ط) (از کلیات خمس) کلی ذاتی است که در جواب ای شیء (کدام) قرارگیرد . وقتی که می‌گوئیم انسان کدام‌یك ازحیوانات است؟ در جواب گفته می‌شود : انسان حیوانی است ناطق . پس نوع شامل‌حقیقت مختصهٔ افراد است . مثل مردم که از حیوان‌جدا می‌شود به‌وسیلهٔ نطق.

هرچه کلی عامتر باشد ، جنس خاصتر می‌شود و هرچه خاصتر باشد نوع عامتر است . مثل حیوان ، که عامتر است از

مردم، و خاصتر است از جسم ·

نه‌فلك (نج) عبارت است از هفت فلك با فلك‌الافلاك و عرش ·

نه کرسی فلك نهد اندیشه زیرپای

تا بوسه بررکاب قزل ارسلان دهد

«ظهیرفاریابی»

نیسان (نج) «رجوع شود به‌ماههای رومی»·

نیشابوری (ت) «رجوع شود به لطف‌الله نیشابوری» ·

DATE LABEL

و

وادی ایمن (تن) بیابانی که موسی در آن بر درختی روشنی آتش دید و خطاب آمد که «انی اناالله»

شب تار است و ره وادی ایمن درپیش
آتش طور کجا وعدهٔ دیدار کجاست

«حافظ»

موسیم کانی اناالله یافتم نور پاك و طور سینا دیده ام

«خاقانی»

واعظ کاشفی (ت) «رجوع شود به کاشفی».

وافر (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی بسیار کم متداول است. در عربی مسدس آن معمول است یعنی ۶بار «مفاعلتن». وزنی که از این بحر گاهی در فارسی بکار رفته این است:

بحر وافر مثمن (مفاعلتن ۴بار) مثال:

چه شدصنما که سوی کسی به‌چشم‌رضا نمی‌نگری
زرسم جفا نمی‌گذری طریق وفا نمی‌سپری

والهٔ داغستانی (ت) [ف : در حدود ۱۱۷۰] علیقلی‌خان از شاعران اواسط قرن دوازدهم، اصلش از داغستان ومولدش اصفهان‌است. واله به هندوستان سفر کرد و نزد محمد شاه‌بن جهانشاه حکمران دهلی تقرب یافت . وی به زبان ترکی وفارسی شعر می گفته واز آثارش کتاب ریاض‌الشعراء شامل شرح حال دوهزاروپانصدشاعر است ، دیگر دیوان اشعار اوست مشتمل برچهار هزار بیت .

وامق (ت) [ف : ۱۲۵۵] میرزا محمدعلی‌بن‌میرمحمد باقرحسنی‌یزدی. از ادیبان و شاعران قرن سیزدهم هجری ومعاصر فتحعلیشاه‌است از آثار او تذکرهٔ میکده است در شرح حال شاعران .

وامق و عذرا (ك) یکی ازداستانهای عاشقانهٔ کهن که به‌وسیلهٔ چند تن ازشاعران پارسی زبان به نظم‌در آمده است. و داستان‌عشق‌شاهزاده یمن یعنی وامق به عذرا شاهزادهٔ چینی است . معروفترین‌منظومهٔ «وامق و عذرا» اثر عنصری شاعر بزرگ عهد غزنوی است که در دست نیست و ابیاتی از آن در فرهنگ اسدی ضبط شده است .
وامق و عذرای عنصری به‌وسیله محمودبن عثمان لامعی به ترکی ترجمه شده است . این داستان بار دیگر به شکل مثنوی به‌وسیلهٔ میرزا محمد صدیق موسوی متخلص به « نامی » (متوفی ۱۲۰۴) سروده شده است .

وتد (ع) در لغت به معنی میخ و از ارکان عروضی است و بردو قسم است وتد مقرون، وتد مفروق .

وتد مقرون‌دومتحرك است ویك ساکن، مانند اگرومگر ؛

و علامت آن دوصفر است و یك الف ۰۰ا

وتد مفروق دو متحرك است که میان آنها ساکنی فاصله شده باشد مثل ناله وعلامت آن الف درمیان دوصفر است مانند۰ا۰

وجه دین (ك) از آثار منثور حکیم ناصرخسرو قبادیانی شاعر و نویسندهٔ بزرگ قرن پنجم شامل تأویل احکام شرعیه و باطن عبادات به‌طریق اسمعیلیان . این کتاب دارای اصطلاحات مذهبی است و به گفتهٔ خود مؤلف «خردمندی که این کتاب را بخواند دین را بشناسد و برشناخته‌کار کند» . (وجه‌دین ـ چاپ برلن)

وحشی (ت) [ف : ۹۹۱] کمال‌الدین‌وحشی بافقی‌کرمانی از شاعران عهد صفوی . وحشی در قصبهٔ بافق در ۲۴ فرسنگی یزد متولدشد و چون سابقاً بافق از اعمال کرمان بود به بافقی کرمانی معروف شده است . وی در جوانی به یزد و سپس به کاشان رفت و به تدریس مشغول گشت و پس از چندی به یزد باز گشت و تا پایان عمر آنجا ماند . وحشی در یزد به درگاه غیاث‌الدین میرمیران حاکم یزد راه یافت ودر مدح او قصایدی سرود. دیگر از ممدوحان او شاه‌طهماسب و ولی‌سلطان‌افشار فرمانروای کرمان‌اند . از آثار مهم وحشی غزلیات اوست که دارای سوز و گداز و لطافت‌خاصی است . دیوان او شامل قصیده ، قطعه ، ترکیب‌بند ، ترجیع‌بند ، رباعی است .

وحشی به تقلید نظامی چند مثنوی ساخته است ، به نام خلد برین، ناظر ومنظور ، فرهاد وشیرین. (دیوان وحشی چندین بار در تهران به چاپ رسیده است.)

وحیدتبریزی (ت) [ف : ۹۴۲] از شاعران و ادیبان ایران در قرن دهم. اصلش از تبریز بوده و مدتی در قم اقامت کرده است. اشعاری در وصف تبریز و تبریزیان دارد. از آثار او: بدایع الصنایع در عروض و قافیه به زبان فارسی، دیگر مفتاح البدایع و دیوان شعر اوست.

وحیدقزوینی (ت) [ف: ۱۱۲۰] میرزاطاهر. منشی وشاعر وخوشنویس و وزیر شاه سلیمان صفوی. ابتدا منشی دو تن از وزیران یعنی میرزاتقی‌خان اعتمادالدوله و خلیفه سلطان بود، پس‌از آن مورخ رسمی دربار شاه عباس دوم شد و در سال ۱۱۰۱ به وزارت شاه سلیمان رسید و پس‌از هیجده سال انزوا اختیار کرد. وحید آثاری به نظم و نثر فارسی و ترکی دارد که از همه معروفتر تاریخ شاه‌عباس دوم است که آن را برای خلیفه‌سلطان وزیر دانشمند شاه عباس نوشته است. نثر این تاریخ نمونهٔ نثر فنی عهدصفوی است و دارای مترادفات و دیگر صنایع لفظی است.

وراق‌هروی (ت) [ف : ۲۲۱] محمود وراق. از شاعران معاصر دورهٔ طاهری و صفاری که چند بیت از او باقی مانده است.

وراوینی (ت) سعد وراوینی از نویسندگان اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم. وی از ملازمان خواجه ابوالقاسم ربیب‌الدین وزیر اتابك ازبك ابن‌محمد (۶۰۷-۶۲۲) اتابك آذربایجان می‌باشد. وراوینی مرزبان نامه را به نام این وزیر از زبان طبری به پارسی ترجمه کرده است. مرزبان‌نامه در نه باب و یك مقدمه و یك ذیل است و در مقایسهٔ با روضة‌العقول معلوم می‌شود که بعضی از حکایتها وبابهای

اصلی کتاب در این ترجمه حذف شده است .

مرزبان‌نامه وراوینی از کتابهای مهم نثر مصنوع است و نویسنده در آن به سبك کلیله ودمنهٔ نصرالله منشی نظر داشته‌است.

ورقه‌و گلشاه (ك) یکی ازداستانهای قدیم ایرانی که عیوقی شاعر دورهٔ سلجوقی آن‌را به‌نظم آورده است. در دوره‌های بعدشاعران دیگری نیز این داستان را در قالب مثنوی سروده‌اند که بارها چاپ شده و میان عامهٔ فارسی زبانان رواج یافته است . (ورقه و گلشاه ــ چاپ تهران ــ انتشارات‌سخن)

وزن (ع) عبارت است از تناسب و نظمی در اصوات؛ و در شعر بجای اصوات کلمات است و این تناسب میان اصوات ملفوظ یا برحسب کمیت یعنی امتداد زمانی آنهاست مانند وزن شعر در عربی‌وفارسی، یا به حسب کیفیت، یعنی شدت وضعف اصوات نسبت به‌یکدیگر، مانند وزن شعر در زبانهای انگلیسی و آلمانی و روسی ؛ یا تنها به حسب عدد آنها مانند وزن شعر فرانسوی .

وصاف‌الحضرة (ت) [ف : ۷۳۰] ادیب شرف‌الدین‌عبدالله کاتب شیرازی متخلص به شرف از ادیبان و مورخان قرن هشتم . وی درشیراز متولد شد و در همانجا به تحصیل علم و ادب پرداخت و توسط خواجه رشیدالدین‌فضل‌الله به دربار غازان‌خان والجایتو رسید و تقرب حاصل کرد . وصاف‌الحضرة مؤلف تاریخ معروفی است به نام تجزیة‌الامصار و تزجیة‌الاعصار که در سال ۷۱۲ در سلطانیه به‌وسیلهٔ خواجه رشیدالدین فضل‌الله به‌حضور الجایتو معرفی شد .

وصال شیرازی (ت) [ف: ۱۲۶۲] میرزا محمد شفیع شیرازی معروف به میرزا کوچك از شاعران غزلسرای قرن سیزدهم و معاصر فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار . وصال در سال ۱۱۹۷ تولد یافت و در جوانی به‌تحصیل ادب و هنرپرداخت، به‌علم موسیقی آشنائی‌یافت و از خوشنویسان معروف عصر خود گشت . از آثار او دیوان اشعار است که شامل قصیده و غزل و مثنوی است . وصال در غزل پیرو سعدی و حافظ است و یك مثنوی به نام بزم وصال دارد که در آن از شیوهٔ فردوسی پیروی کرده است . وصال مثنوی فرهاد وشیرین وحشی را تمام کرده و اطواق‌الذهب زمخشری را به فارسی شرح و ترجمه کرده است .

وصل (ق) از حروف قافیه . حرف وصل آن است که بعداز حرف روی قرار گیرد و روی ساکن متحرك شود مانند حروف ضمیر ، رابطه ، جمع ، مصدر ، تصغیر . مثال: رویت و گیسویت ، دلبند او خداوندا ، آسایش و آلایش ، دشمنی و روشنی .

یارب آن نوگل خندان‌که سپردی به‌منش
می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش

که حرف ش در کلمه‌های منش و چمنش حرف وصل است .

وضع (ط) (از مقولات‌عشر) مفهوم وضع نسبت اجزاء جسم است به یکدیگر ؛ یعنی در بالا یا در زیر یا چپ یا راست جسم دیگر قرار گرفته باشد .

وطواط (ت) «رجوع شود به رشید وطواط» .

وفیات‌الاعیان (ك) کتاب معروفی به زبان عربی تألیف ابن‌خلکان که

مدت هیجده سال در شهر قاهره به نوشتن آن مشغول بوده و در سال ۶۷۲ به پایان رسانده است.

وفیات‌الاعیان در شرح حال متجاوز از هشتصد تن از بزرگان و امیران و دانشمندان است که به ترتیب حروف الفباء ترتیب یافته. این کتاب به زبانهای فارسی و ترکی و فرانسه ترجمه شده است. (چاپ‌مکرر)

وقار (ت) [ف: ۱۲۹۸] میرزا احمدبن‌میرزامحمدشفیع وصال‌شیرازی. وقار نخستین فرزند وصال است وخود از شاعران وادیبان معروف که علاوه برشعر وادب به آموختن حکمت الهی وفقه پرداخته و در هنر خطاطی خاصه در خط نسخ استادی یافته است.وقار سفری به هند کرده و درآنجا کتاب مثنوی مولوی‌را به خط نسخ نوشته و پس‌از مدتی به‌شیراز مراجعت کرده است. از آثار وقار: اطواق الذهب است که از نظم و نثر ترکیب یافته. دیگر انجمن دانش در آداب و اخلاق به سبك گلستان سعدی و مثنوی موسی و خضر به سبك مثنوی مولوی.

وقف (ع) (زحاف) در مفعولات اسکان‌تاء مفعولات است و بجای آن مفعولن می‌گذارند و آن را موقوف خوانند.

ولوالجی (ت) ابوعبدالله‌محمدبن‌صالح‌ولوالجی‌مروزی ازشاعران عهد سامانی. عوفی در لباب‌الالباب می‌گوید: «در عهد سلطان یمین الدوله محمود، جملگی فضلاء خواستند که دو بیت فارسی او را به تازی ترجمه کنند؛ کس را میسر نشد تا آنگاه که خواجه

ابوالقاسم پسر وزیر ابوالعباس‌اسفراینی آن را بـه تازی ترجمه کرد چنانکه همهٔ فضلا بپسندیدند».

ویس‌ورامین (ك) از داستانهای قدیم فارسی ومنسوب به دورهٔ اشکانیان که میان ایرانیان شهرت فراوانی داشته است و در بعضی از نواحی ایران متن پهلـوی آن وجود داشته و ابونواس از این داستان در اشعار خود نام برده است . فخرالدین‌اسعد گرگانی شاعـر قرن پنجم در اصفهان با خواجه عمیدابوالفتح مظفر نیشـابوری حاکم اصفهان دربارهٔ این داستان گفتگو کرده وبه خواهش او به نظم آن پرداخته است و کتاب را در حدود سال ۴۴۶ به پایان رسانده و در آن عمید ابوالفتح را مدح کرده است . سبك نظم کتـاب در عین آنکه به آرایش لفظی و تشبیهات زینت یافته ساده وروان و از مغلق‌گوئی خالی است ، لغات عربی نامأنوس بسیار کم دارد و صورت کهنهٔ بسیـاری از لغتهای فـارسی در آن دیده می‌شود . (ویس ورامین ـ چاپ مکرر)



هاتف (تن) ندادهندهٔ غیبی ؛ مرادف سروش .

سحرزهاتف غیبم رسید مژده به‌گوش
که دورشاه‌شجاع‌است می دلیر بنوش

«حافظ»

هاتف اصفهانی (ت) [ف : ۱۱۹۸] میر احمد از شاعران معروف قرن دوازدهم ومعاصرافشاریان و زندیان. اصل خاندان‌او از آذربایجان بوده است ، ولی در زمان شاهان صفوی به اصفهان مهاجرت کرده و همانجا مقیم گشته است . هاتف در اصفهان به تحصیل حکمت و طب و ریاضی پرداخت و در شعر و ادب از محضرمشتاق بسیار استفاده کرده است . وی از دوستان نزدیك صباحی و آذر وصهبا بوده است . هاتف در زبان فارسی و عربی استاد بود و دیوانش مرکب است از قصاید و غزلیات و ترجیعات و رباعیات . هاتف مراثی مؤثری در مرگ بزرگان باماده تاریخ ساخته و درقصیده از استادان قصیده‌سرای قدیم و در غزل از شیخ‌سعدی وخواجه‌حافظ

شیرازی پیروی کرده است. هاتف ترجیع بندهای عاشقانه و عارفانه‌ای دارد که بسیار معروف است و همین شعر اورا از جملهٔ شاعران مشهور فارسی ساخته است. (دیوان هاتف اصفهانی- چاپ تهران)

هاتفی (ت) [ف:۹۲۷] مولانا عبدالله هاتفی خرجردی خراسانی خواهرزادهٔ جامی و از شاعران قرن دهم. هاتفی ازشاعرانی است که به‌تقلید نظامی خمسه ساخته است. خمسهٔ اوشامل مثنویهای لیلی و مجنون، شیرین و خسرو، هفت منظر، تیمورنامه است. منظومه‌ای هم در فتوحات و جهانگیری شاه اسمعیل به سبک شاهنامه شروع کرده ولی به اتمام نرسانده است. این مثنوی موسوم به شاهنامهٔ حضرت شاه اسمعیل است.

هاروت و ماروت (تن) نام‌دوساحر بابلی‌است که درجادوگری‌مثل‌اند ودر چاه بابل سرازیر آویخته اند.

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی

صدگونه ساحری بکنم تا بیارمت

«حافظ»

هاماوران (ش ـ د) سرزمینی بوده است در عربستان که برطبق‌روایت شاهنامه‌کاووس به قصد فتح آن لشکر کشید و عاشق سودابه دختر شاه هاماوران شد و سرانجام او را با خود به ایران آورد و به زنی گرفت.

هتم(ع) (زحاف) در مفاعیلن مجموع حذف وقصر است که چون لام و نون ویا را حذف کنیم مفاع می‌ماند. بجای آن فعول‌می گذارند

و آن را اهتم خوانند .

هجویری (ت) [ف : ۴۷۵] ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی هجویری غزنوی از بزرگان مشایخ صوفیه و ازطرفداران متعصب حسین بن منصور حلاج و از اقران شیخ ابوسعید ابوالخیر و استاد امام ابوالقاسم قشیری . وی از خاندان علم بوده و در زبان پارسی و عربی و تفسیر و حدیث ومنطق و کلام تبحر داشته است.شعر نیز می‌سروده و خود در کشف‌المحجوب گفته است که دیوان‌شعرش را انتحال کرده‌اند. جلابی‌همراه سپاه‌سلطان‌مسعود به‌هندوستان‌رفت و در لاهور اقامت گزید و دراین شهر کتاب کشف‌المححوب را به درخواست شیخ‌ابوسعیدهجویری‌غزنوی تألیف کرد. دیگراز آثار او: دیوان‌اشعار، رسالهٔ فناوبقا، اسرارالخرق‌والملونات، کتاب‌البیان لاهل‌الایقان، منهاج‌الدین، شرح کلام حسین‌بن‌منصور حلاج است.

هدایت (ت) [ف : ۱۲۸۸] رضاقلیخان‌طبرستانی ملقب به لله‌باشی پسر محمدهادی‌خان ازخاندانهای اصیل ایرانی که دردربار قاجاریه بسر می‌بردند . رضاقلی‌خان در سال ۱۲۱۵ در زمان سلطنت فتحعلیشاه در تهران متولد شد ، پس‌از مرگ پدر به مازندران و پس از آن به شیراز رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت.هدایت از کودکی به سرودن شعر شوق وافر داشت و هنگامی که فتحعلیشاه به‌شیراز رفت بـه خدمت او رسید و مورد لـطف او قرار گرفت و لـقب امیرالشعرائی یافت . پس از مـرگ فتحعلیشاه بـه تهران آمد و به وسیلهٔ حاج‌میرزاآقاسی صدراعظم به حضور محمدشاه رسید ونزد

وی تقرب یافت و تربیت عباس‌میرزا بـه عهدهٔ او واگذار شد . هـدایت پس از درگذشت محمدشاه در سال ۱۲۶۴ بـه خدمت ناصرالدین شاه در آمـد و از جانب او مأمـور خوارزم گشت و پس از بازگشت از سفر خـوارزم بـه ریاست مدرسهٔ دارالفنون منصوب گشت . هدایت در همهٔ زندگی مـورد احترام شاهان و شاهزادگان بوده و مناصب عالی یافته است و با وجود اشتغال به کارهای درباری و کشوری بـه تصوف و عرفـان متمایل بوده و هرگز از کوشش در راه علم باز ننشسته است . وی در تاریخ و لغت و تذکره تألیفات و تصنیفاتی دارد . ازجمله آثار او: ریاض العارفین، تکمیل تاریخ روضة‌الصفای میرخواند، نژادنامه،سفرنامهٔ خوارزم، مجمع‌الفصحاء ، فرهنگ انجمن آرای ناصری.مثنویهائی به نام انیس‌العاشقین ، بکتاش‌نامه ، انوارالولایة ، بحرالحقایق . نثر کتابهای هدایت نثر فنی است که متداول زمان بوده است .

هدایت (ت) [ف : ۱۳۳۰ ش] صادق هدایت نویسندهٔ معاصر ایرانی که در نویسندگی راه تازه‌ای را پیش گرفته است . هدایت به فرانسه و هندوستان سفر کرده و به زبان پهلوی و فرانسوی آشنائی کامل یافته است . آثار او شامل رمان ، داستانهای کوتاه ، نمایشنامه ، ترجمه هائی از ادبیات خارجی و متن های پهلوی است و عبارت است از: بوف کور ، حاجی آقا (رمان) زنده‌بگور، سگ ولگرد ، سه‌قطره‌خون ، سایه‌روشن ، ولنگاری ، علویه‌خانم ، (داستان کوتاه) پروین‌دخترساسان،مازیار(نمایشنامه)افسانهٔ آفرینش(خیمه‌شب‌بازی)

ترجمهٔ کارنامهٔ اردشیر پاپکان ، شهرستانهای ایران، زندوهومن‌یسن از پهلوی و داستان‌مسخ از فرانس کافکا .

هدایت زندگی مردم عادی را ازطبقه های مختلف اجتماع وصف می‌کند . در کتابهای او گفتگوها به‌زبان طبیعی اشخاص یعنی زبان محاوره است .

هدهد(تن)مرغی است که پیغام سلیمان را نزد بلقیس ملکهٔ سبا می‌برد:

فصاحتم چو هدهد است و هدهدم
کجا رسد به غایت سبای او

«منوچهری»

در شعر فارسی گاهی باد صبا راکه پیغامبر عاشقان است به هدهد تشبیه کرده‌اند .

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت
بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت

«حافظ»

هرمز(ش ـ ت)هرمز پسر انوشیروان که از مادر نوادهٔ خاقان چین بود. در زمان او بهرام چوبینه مأمور جنگ با ساوه شاه خاقان چین ، و دائی هرمز شد و با او جنگید و چیره گشت ؛ هرمز بجای خلعت دوکدان و جامهٔ زنان فرستاد . به همین سبب بهرام برهرمز یاغی شد و به ری آمد و دستور داد به نام پرویز پسر هرمزسکه زدند . چون سکه به هرمز رسید به پسر بدگمان شد و قصد جان او کرد . پرویز به‌آذربایجان گریخت. سرانجام بزرگان هرمز را

کور کردند و پرویز را به شاهی نشاندند. و هرمز به دست‌بندوی و گستهم دو دائی پرویز کشته شد.

هروی (ت) ضیاءالدین عبدالرافع‌بن‌ابی‌الفتح هروی از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم و از فاضلان دورهٔ آخر عهد غزنوی. در علوم عقلیه و طب و لغت دست داشت. عبدالرافع در دربار تاج‌الدوله خسروملك غزنوی می‌زیست و پس‌از انتقال سلطنت به ملوك غوریه نزد آنان رفت. اشعاری از او در لباب‌الالباب نقل شده است.

هروی(ت) ابوشعیب‌صالح‌بن‌محمد از شاعران دورهٔ سامانی. عوفی گفته است که وی اواخر زمان رودکی‌را دریافته است. ابیاتی از این شاعر به‌عنوان شاهد در تذکره‌ها و فرهنگها آورده شده‌است.

هزاردستان(ك) ترجمهٔ منظومی از کتاب «الف‌لیلةولیلة». این منظومه به وسیلهٔ ابوالفتح‌خان دهقان سامانی اصفهانی و به تشویق سلیمان خان رکن‌الملك‌شیرازی که وزیری ادیب‌پرور و شاعر دوست‌بوده سروده شده است. شاعر در این منظومه بیشتر از ترجمهٔ فارسی کتاب یعنی هزارویکشب استفاده کرده و درسراسر داستانها اسامی روزها و ماهها را به فارسی نام برده است. (چاپ تهران)

هزارویکشب(ك) ترجمه‌ای به‌فارسی از کتاب الف‌لیلةولیلة. اصل کتاب الف‌لیلة درست معلوم نیست، ولی ظاهراً پیش‌از اسلام ازهندوستان به ایران آمده است. متن فارسی آن که «هزارافسان» نامیده می‌شده است در قرن سوم هجری به عربی ترجمه شده و در قرن

چهارم از بغداد به مصر رفته است و در آنجا قصصی به آن افزوده گشته و در حدود قرن دهم هجری در مصر به صورت الف‌لیلةولیلة کنونی درآمده است .

نثر عربی کتاب به‌زبان متعارف و معمولی است واشعاری که در آن نقل شده از شاعران معاصر عباسیان است .

اما ترجمهٔ فارسی کتاب الف‌لیلةولیلة در حدود سال ۱۲۶۰ هجری به‌وسیلهٔ میرزاعبداللطیف طسوجی تبریزی انجام‌گرفته‌است و چنانکه مترجم خود در مقدمهٔ کتاب گفته است کار ترجمه را در زمان محمدشاه و به فرمان بهمن‌میرزا فرزند ولیعهد و حاکم تبریز آغاز کرده و در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه به پایان رسانده است. اشعار کتاب را میرزا محمدعلی سروش‌اصفهانی یا ازدیوان شاعران بزرگ‌ایران‌انتخاب‌کرده یاخود سروده‌است.(چاپ‌تهران)

هزج (ع) از بحور شعر فارسی و عربی . در عربی مسدس آن معمول است یعنی ۶ بار «مفاعیلن» . در فارسی از این بحر وزنهای زیر بسیار متداول است :

هزج مثمن سالم (مفاعیلن ۴ بار) مثال :

به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم
بیا کز چشم بیمـارت هزاران درد برچینم

هزج مسدس محذوف یا مقصور (مفاعیلن مفاعیلن فعولن یا مفاعیل) مثال:

دل مسکین من گوئی کـه خان است
بـه خان اندر ز مهرت کاروان است

هشت بهشت (تن) بهشت دارای هشت قسمت است: ۱ـ خلد ۲ـ دارالسلام ۳ـ دارالقرار ۴ـ جنت‌عدن ۵ـ جنت‌المأوی ۶ـ جنت‌النعیم ۷ـ علیین ۸ـ فردوس .

هشت‌بهشت (ك) یکی از پنج مثنوی امیرخسرو دهلوی که شاعر آن را در سال ۷۰۱ در حکایت بهرام و به تقلید هفت پیکر نظامی‌ساخته است .

هفت‌آباء (نج) کنایه از هفت فلك

به صد قران بنزاید یکی نتیجه چو تو
ز امتزاج چهار امهات و هفت آباء

هفت‌آسمان (نج) طبقات هفتگانهٔ آسمان

گفتم دعای دولت تو ورد حافظ است
گفت این دعا ملایك هفت آسمان کنند

«حافظ»

هفت‌اختر (نج) هفت سیاره که به عقیدهٔ قدما عبارت بودند از : خورشید، ماه، مریخ، مشتری، زحل، عطارد، زهره .

سپهر مثل تو از اتصال هفت اختر
زمانه مثل تو از امتزاج چار ارکان

«انوری»

هفت‌اقلیم (نج) قدما کشورها را بـه هفت تقسیم کرده‌اند : کشور نخستین ـ هندوان ، کشور دوم ـ عرب و حبشان ، کشور سوم ـ مصر وشام، کشورچهارم ـ ایران‌شهر ، کشورپنجم ـ صقلاب‌روم،

کشورششم ـ ترك ویأجوج ، کشورهفتم ـ چین وماچین.

آنکـه هفت اقلیـم عالـم را نهاد
هر کسی را آنچـه لایـق بود داد

«سعدی»

هفت‌اورنگ (نج) «رجوع شود به بنات‌النعش»

هفت‌پدر (نج) «رجوع شود به آباء علوی»

از بند چهار و هفت برخیز   زان مادر و زین پدر چه‌خیزد

هفت‌پیکر (ك) یاهفت‌گنبد یابهرام‌نامه. یکی ازمثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ ایران در قرن ششم که آن را در سال ۵۹۳ به نام علاءالدین کرب ارسلان ساخته است.این منظومه دارای پنجهزار وصد وسی وشش بیت است و موضوع آن داستان بهرام گور است که از داستانهای معروف عهد ساسانی است.نظامی ابتدا کودکی و جوانی بهرام را تا سلطنت او سروده و بعد قصهٔ هفت گنبد را که به دستور بهرام بـه هفت رنگ و برای هفت دختر از شاهـان هفت اقلیم ساخته شده بود شرح می‌دهد . نظامی در این داستان قصه‌های عجیب و تازه‌ای ساخته است که از زبان دخترها برای بهرام نقل می‌شود .

هفت‌خوان (ش ـ د) هنگامی که رستم پهلوان زورمند ایرانی برای‌نجات کاووس به جنگ دیوان مازندران رفت، در راه با هفت حادثه و خطر کـه در شاهنامه هر یك از آنها «خوان» خوانده شده است روبرو شد که بر همهٔ آنها پیروز گشت .

همچنین هنگامیکـه اسفندیار بـرای گشودن دژ روئین و آزاد کردن خواهران خود بـه ترکستان رفت و از هفت «خوان» گذشت .

اسفندیار ایـن دژ روئین منم بـه شرط

هر هفته هفتخوانش بـه تنها برآورم

«خاقانی»

هفت‌دریا ـ یا دریای هفتگانـه . قدمـا برای زمین هفت دریا تصور می‌کردند : ۱ـ دریای‌اخضر ۲ـ دریای‌عمان ۳ـ دریای‌قلزم یابحر احمر ۴ـ دریای بربر ۵ـ دریای اقیانوس ۶ـ بحرالروم ۷ـ دریای اسود .

سگ به دریای‌هفتگانه مشوی که چو تر شد پلیدتر باشد

«سعدی»

هفت‌دوزخ (تن) جهنم‌دارای هفت‌طبقه‌است. ۱ـ سقر ۲ـ سعیر ۳ـ نطی ۴ـ حطمه ۵ـ جحیم ۶ـ جهنم ۷ـ هاویه .

هفت‌کشور (م) «رجوع شود به هفت اقلیم»

گوئی اندر کشور مـا بر نمی‌خیزد وفـا

یاخوداندرهفت‌کشور هیچ‌جائی برنخاست

«خـاقانی»

هقعه (نج) منزل پنجم از منازل قمر که سه ستارهٔ کوچك است مانند پایهٔ دیگ و جایشان بر سر جوزاست .

چون سه‌سنگ دیگپایه هقعه برجوزاکتار

چون شرار دیگپایه پیش او خیل پرن

«منوچهری»

هلال(نج)حالتی از ماه که فقط قوس باریکی از آن رو به زمین روشن است . این‌حالت در شب اول هرماه ودر آغاز شب دیده می‌شود.

قرص مه چون هلال و بدر شود

نعل یکران و قرص خوان تو باد

«ابوالفرج رونی»

هلالی(ت)[مقتول: ۹۳۵] نورالدین‌هلالی‌استرآبادی معروف به‌جغتائی از شاعران غزلسرای قرن دهم هجری . هلالی از استرآباد به خراسان رفت و به دربار سلطان‌ابوالغازی حسین‌بایقرا راه یافت و تحت حمایت امیرعلیشیرنوائی قرارگرفت. دیوان هلالی شامل غزلهای لطیف است و مثنویهائی دارد به نام «شاه و درویش» و «صفات‌العاشقین» (دیوان هلالی ـ چاپ تهران)

هما (ش ـ د) دختر بهمن و همسر او . مطابق وصیت بهمن، پس‌ازاو تاج را برسرهما که باردار بود نهادند و هما چون به شاهی رسید به تخت و تاج دل‌بست ونخواست شاهی را از دست بدهد ، از اینرو درد زائیدن را پوشیده داشت و پسری را که به دنیا آورد در صندوقی‌گذاشت و آن را باقیروموم‌استوار کرد و به آب‌انداخت وچنان وانمودکه کودك مرده است . این کودك که نجات یافت و بعدها به سلطنت رسید، داراب بود .

هما ـ مرغی افسانه‌ای که استخوان می‌خورد و نزد عامه به‌مرغ‌سعادت معروف است .

همای برسر مرغان از آن شرف‌دارد

که استخوان‌خورد و مردمان نیازارد

«سعدی»

همام تبریزی (ت) [ف : ۷۱۴] خواجه همام‌الدین علائی تبریزی . از شاعران مشهور آذربایجان و از مداحان شمس‌الدین محمد صاحبدیوان . همام با شیخ سعدی صحبت و مزاح داشته و درغزل پیرو او بوده است . منظومه‌هائی نیز به نام صحبت‌نامه به اسم خواجه شرف‌الدین‌هارون پسر شمس‌الدین محمدصاحبدیوان‌دارد. (دیوان همام ـ چاپ تهران)

همای وهمایون (ك) مثنوی عاشقانه اثرشاعربزرگ قرن هشتم‌خواجوی کرمانی . خواجو این مثنوی را در سال ۷۳۲ به پیروی از شیوهٔ نظامی ساخته و در آن سلطان ابوسعید بهادر ووزیر اوغیاث‌الدین محمد را مدح کرده است . از این داستان پیش از خواجو اثری دیده نشده و معلوم نیست که آیا ساختهٔ ذهن شاعر بوده یا ریشهٔ قدیمتری داشته است. (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران)

همگر (ت) «رجوع شود به مجد همگر»

هندوشاه (ت) محمدبن فخرالدین هندوشاه نخجوانی از مورخان قرن هشتم و مؤلف کتاب تجارب‌السلف که آن را در سال ۷۲۴ به نام اتابك نصرةالدین تالیف کرده است .

هوشنگ (ش ـ د) پسر سیامک که به جنگ دیوان رفت و به کینهٔ پدر
دیوان را کشت . آهن در زمان او استخراج شد و آتش پدید آمد
وجشن سده بنیان گذاشته شد .

هیولی (ط) مادة المواد و اصل جسم .

DATE LABEL

ی

یاقوت حموی (ت) [ف : ۶۲۶] ابو عبدالله شهاب‌الدین از ادیبان و جغرافیا دانان مشهور اسلامی. وی ابتدا در بغداد اقامت داشت و تحصیلات مقدماتی را در این شهر به انجام رساند ، پس از آن به شام و حلب و موصل و خراسان سفر کرد و مدتی در مرو اقامت کرد و در کتابخانه‌های آنجا مطالعات فراوان انجام داد ، سپس به خوارزم رفت واز ترس مغول به حلب بازگشت و تا آخرعمر همانجا ماند . از آثار یاقوت : معجم‌الادبا در طبقات‌ادبا ، معجم البلدان در جغرافیا ، اخبارالشعراء یا معجم‌الشعرا والمبدأ والمآل در تاریخ .

یتیمة‌الدهر (ک) تألیف‌ابو منصور عبدالملک‌بن‌محمد‌بن‌اسماعیل‌ثعالبی، نویسنده و مورخ بزرگ قرن چهارم و اوایل قرن پنجم . این کتاب به زبان عربی و در شرح حال شاعران بزرگ عهد مؤلف، خاصه شاعران عربی‌گوی ایران است که اغلب از رجال وبزرگان عهد وی بوده‌اند .

ثعالبی این کتاب را بوسیلهٔ ذیلی تکمیل کرده نام آن را
تتمه‌الیتیمه گذارده است .

یدبیضا (تن) معجزهٔ موسای پیغمبر که چون دست را در بغل می کرد
و بیرون می‌آورد ، نور سفیدی از آن می‌تافت .

تر دامنان چو سر به گریبان فرو برند

سحر آورند و من ید بیضا بر آورم

«خاقانی»

یدبیضا (ك) تذکره‌ای به زبان فارسی تألیف میرغلامعلی آزاد بلگرامی.
این تذکره مشتمل است برشرح حال پانصد وسی ودو شاعرمتقدم
و متأخر که برحسب حروف الفباء تنظیم یافته است .

یزدان شناخت (ك) از آثار معروف عین القضاة، صوفی بزرگ قرن
پنجم وششم، که آن را به زبان فارسی و به نام عزیزالدین‌مستوفی
نوشته است . موضوع کتاب بحث در مسائل حکمت و الهی و
علوم طبیعی است .

یزدگرد سوم (ش ـ ت) آخرین شاه‌ساسانی که در زمان او سعد وقاص
به فرمان خلیفه عمر به ایران لشکر کشید و در محل قادسیه میان
ایرانیان و تازیان جنگی درگرفت . رستم فرخزاد سپهسالار ایران
در این جنگ کشته شد و ایرانیان‌گریختند و مداین پایتخت‌ساسانی
به چنگ تازیان افتاد و یزدگرد از آنجا گریخت و سپاهیان‌خود
را گرد آورد . بار دیگر جنگی میان او و سپاه تازیان درنهاوند
روی داد و باز ایرانیان شکست یافتند . یزدگرد برای گرد آوری

سپاه بسوی خراسان شتافت و از راه ری و گرگان به طوس رفت، ماهوی سوری به استقبال او آمد ، اما چون آرزوی تخت و تاج داشت ، ترکان را بر ضد شاه تحریك کرد و جنگ درگرفت و یاران یزدگرد کشته شدند و او به آسیائی پناه برد . آسیابان به تحریك ماهوی ، شاه راکشت . از آن پس سراسر ایران به‌دست تازیان افتاد .

یعقوب (تن) از پیغمبران وپسر اسحق و پدر یوسف که پسران دیگرش یوسف را به چاه انداختند و پدر را به فراق او مبتلا ساختند ، یعقوب در فراق یوسف آنقدر گریست که کور شد . پس از سالها که یوسف عزیز مصر گشت و با تدبیر خود برای قحط سال ، آذوقه جمع کرد . پسران یعقوب برای خرید غله به مصر رفتند. یوسف ایشان راشناخت و پیراهن خودرا برای پدرفرستاد. همینکه برادران پیراهن یوسف را از مصر خارج کردند باد بوی آن را به مشام یعقوب رساند و چون یعقوب پیراهن را بر چشم مالید بینا گشت . . .

بوی پیراهن یوسف که کند روشن چشم
باد گوئی که بر پر غم کنعان آرد

«سید حسن غزنوی»

یغمای جندقی (ت) [ف: ۱۲۷۶] میرزا ابوالحسن یغما بن ابراهیم . از شاعران عهد قاجار و دربار محمدشاه ، یغما دارای اشعارجد و هزل آمیز است و غزلیاتی دارد به نام سرداریه که با تخلص

سردار ساخته شده است دیگر قصابیه که با تخلص قصاب سروده شده است. یغما علاوه برشعر، مکتوبها و مراسلاتی دارد که آنها را با انشاء ساده و سهل نوشته و کوشیده است که در آنها لغات پارسی سره به کار برد.

از آثار او: مثنوی خلاصة‌الافتضاح و مثنوی شکوك‌الدلیل که به وزن شاهنامه سروده و ظاهراً مدح و در باطن هجو روضه خوانی است که یغما او را رستم‌السادات خوانده است. (کلیات یغما. چاپ تهران)

یلدا (نج) «رجوع شود به شب یلدا»

یمینی (ت) عمید محمدبن عثمان یمینی کاتب غزنوی از شاعران اواخر عهد غزنوی و از معاصران یمین‌الدوله بهرامشاه غزنوی. یمینی از دانشمندان و بلغاء مشهور به شمار می‌رفته و اشعاری از او در لباب‌الالباب و مجمع‌الفصحاء آمده است.

یوسف (تن) از پیغمبران و پسر یعقوب که از برادران دیگر نزد پدر عزیزتر بود و شبی خواب دید که ماه و ستارگان در برابرش به سجده افتاده اند و آن را برای پدر و برادران نقل کرد. برادران بر او حسد بردند و به بهانهٔ گردش و تماشا او را به صحرا بردند و در چاهی انداختند و پیراهن او را به خون کبوتری آلودند و به پدر گفتند که گرگ او را خورده‌است. کاروانی دلو درچاه انداخت و یوسف را بیرون آورد و به مصر برد و چون یوسف در جمال بی‌نظیر بود، در مصر شهرت یافت و رئیس کاروان او را به

عزیز مصر فروخت . زلیخا زن عزیز مصر که عاشق شده بود ، هر چه کرد نتوانست دل یوسف را به دست بیاورد و اورا از پاکدامنی دورسازد، پس او را متهم کرد و بهزندان افکند، یوسف بر اثر تعبیر خواب ملك مصر از زندان نجات یافت و خزانه‌دار گشت . وی در سالهای فراخی غله جمع آوری کرد و درسالهای قحطی فروخت و با این تدبیر مردم مصر را از قحط نجات داد و خود عزیز مصرگشت . برادران یوسف که در کنعان ازقحطی به جان آمده بودند برای خرید غله رو به سوی مصر نهادند ، یوسف ایشان راشناخت ، ولی بار اول ودوم خود را معرفی‌نکرد و بار سوم که برادران برای خرید غله آمدند خود را به ایشان شناساند و پیراهن خویش را برای یعقوب فرستاد تا برچشم بمالد وبینا شود ، همینکه برادرن یوسف از مصر بیرون آمدند بادبوی پیراهن یوسف را به یعقوب رساند . هنگامی که یعقوب پیراهن را بر چشم مالید بینا شد و با پسران به مصر نزد یوسف رفت .

یوسف گمگشته باز آید به‌کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور
«حافظ»

یوسف دلوی شده چون آفتاب
یونس حوتی شده چون دلو آب

یوسف سپهر چارم (نج) کنایه از آفتاب .

چون یوسف سپهر چهارم ز چاه دی

آمد به دلو در طلب تخت مشتری

«خاقانی»

یوسف عروضی (ت) از شاعران قرن چهارم . اشعاری از او در لغت فرس اسدی و کتاب المعجم شمس قیس رازی ضبط است .

یوسف نجار (تن) وکیل پدر مریم عمران . روزی که مریم در صومعه در حال غسل کردن بود ، جبرئیل خود را به صورت یوسف‌نجار بر او نمایاند و او را به تولد عیسی مژده داد . چون عیسی‌متولد شد ، بنی اسرائیل مریم را نکوهش کردند . خدای تعالی‌عیسی را به سخن آورد تا ایشان را به پاکی مادر و پیغمبری خود ، بشارت دهد .

یوسف نجار کیست نوح دروگر که بود

تا ز هنر دم زنند بر در امکان او

«خاقانی»

یوسف و زلیخا (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ اثر مولانا عبدالرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۸ ساخته است . این مثنوی به اسلوب خسرو و شیرین نظامی است و از روی سورۀ یوسف و زلیخا که احسن‌القصص است به‌نظم آمده است. یوسف و زلیخا معروفترین اثر جامی است که توجه بسیاری از شاعران راجلب کرده و به زبانهای خارجی نیز ترجمه شده است .

(چاپ تهران)

یونس (تن) ازپیغمبران که چون مردم دعوت او را نپذیرفتند ، ایشان را نفرین کرد ، خدای تعالی ابری پرآتش بر سر ایشان فرستاد، یونس از میان آنها رفت تا اورا نیابند . مردم توبه کردند و خدا توبهٔ ایشان را پذیرفت و بر یونس عتاب کرد که چرا از میان‌مردم غایب شده است و کشتی که یونس در آن نشسته بود، درغرقاب افتاد . قرعه زدند تا کسی را به آب اندازند ؛ سه نوبت قرعه به نام یونس افتاد . یونس خود را به آب انداخت ، ماهیی او را بلعید و اوچهل روز درشکم ماهی ماند و درتاریکی شب وتاریکی آب و تاریکی شکم ماهی توبه کرد . خدا توبه او را پذیرفت و او را از شکم ماهی بیرون آورد . یونس به سبب ضعف مزاج برلب دریا ماند تا چهل روز آهوئی او را شیر داد و درختی براو سایه افکند تا قوت گرفت و نزد قوم خود باز گشت .

قرص خورشید در سیاهی شد　　　　یونس اندر دهان ماهی شد

«سعدی»

یهودا (تن) از برادران یوسف

چو یوسف نیست کز قحطم رهاند
مرا چه ابن یامین چه یهودا

«خاقانی»

یهودا (تن) از حواریون عیسی که به او خیانت کرد .

Acc No
83237
Date 19-5-1982

منابع عمده که مورد استفاده قرار گرفته است

آتشکدهٔ آذر ــ تألیف لطفعلی‌بیك آذر بیگدلی ، با مقدمهٔ سید جعفر شهیدی ، بنگاه نشر کتاب .
ابدع البدایع ــ تألیف شمس‌العلما حاج‌میرزا حسین گرگانی، چاپ تهران.
از سعدی تا جامی ــ (تاریخ ادبیات ایران ، ادواردبرون ــ ج ۳) ترجمهٔ علی اصغر حکمت ، کتابفروشی ابن‌سینا.
اساس الاقتباس ــ تألیف خواجه نصیرالدین طوسی ، تصحیح مدرس رضوی، دانشگاه تهران .
برهان قاطع ــ تألیف محمد حسین‌بن خلف تبریزی متخلص به برهان ، به اهتمام دکتر محمد معین، کتابخانهٔ زوار ، تهران .
تاریخ ادبیات ایران ــ تألیف دکتر رضازادهٔ شفق ، چاپخانهٔ دانش ۱۳۲۱ شمسی.
تاریخ ادبیات ایران ــ تألیف ادوارد برون ، جلد اول ، ترجمهٔ علی پاشا صالح .
تاریخ ادبیات ایران ــ (از آغاز عهد صفویه‌تازمان حاضر)، تألیف ادواردبرون، جلد چهارم .
تاریخ ادبیات در ایران ــ (۲ جلد) ، تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا ، کتابفروشی ابن‌سینا .
تذکرةالشعرا ــ تألیف دولتشاه سمرقندی .

تذکرهٔ میخانه ـ تألیف ملاعبدالنبی‌فخرالزمانی قزوینی، به‌اهتمام احمد گلچین معانی، شرکت نسبی اقبال .
التفهیم لاوایل صناعة التنجیم ـ تألیف ابوریحان بیرونی، تصحیح جلال همائی، چاپخانهٔ مجلس ، تهران ۱۳۱۷ .
جامی ـ تألیف علی‌اصغر حکمت ، چاپخانهٔ بانك ملی ایران ۱۳۲۰ شمسی.
حماسه سرائی در ایران ـ تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا ، مؤسسهٔ امیرکبیر ۱۳۳۳ شمسی.
درةالتاج لغرة الدباج ـ تألیف‌قطب‌الدین‌محمودبن ضیاءالدین مسعودالشیرازی، تصحیح سید محمد مشکوة ، چاپخانهٔ مجلس ، تهران .
درهٔ نجفی ـ تألیف نجفقلی میرزا ملقب به آقا سردار ، چاپ شیراز، ۱۳۳۳ قمری .
ریحانةالادب ـ تألیف محمدعلی تبریزی (مدرسی) شرکت سهامی طبع کتاب .
سبك شناسی (۳جلد) ـ تألیف ملك‌الشعراء بهار ، مؤسسهٔ امیرکبیر .
سخن و سخنوران‌ـ تألیف بدیع‌الزمان فروزانفر، از نشریات کمیسیون معارف، شرکت محدود طبع کتاب .
شعرالعجم ـ تألیف شبلی نعمانی ، ترجمهٔ سید محمد تقی فخرداعی گیلانی ، کتابفروشی ابن‌سینا .
علم بدیع ـ تألیف محمدحسین فروغی (ذکاءالملك) چاپ تهران .
غیاث‌اللغات ـ تألیف غیاث‌الدین محمد رامپوری، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی کانون معرفت، تهران .
فرهنگ آنندراج ـ تألیف محمد پادشاه متخلص به «شاد» به اهتمام محمددبیر سیاقی، کتابخانهٔ خیام ، تهران.
فرهنگ رشیدی ـ تألیف عبدالرشیدبن عبدالغفور الحسین التتوی . کتابخانهٔ بارانی ، تهران .
فرهنگ سروری‌ـ (مجمع‌الفرس) تألیف محمدقاسم بن حاج محمدکاشانی ، به کوشش محمد دبیرسیاقی ، کتابفروشی علی‌اکبر علمی .
فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان‌ـ تألیف دکترشهریار نقوی، چاپخانهٔ

دانشگاه تهران .
فهرست کتابهای چاپی ـ تألیف خانبابا مشار ـ بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
کشف‌المحجوب ـ تألیف هجویری ، مؤسسهٔ امیر کبیر .
گوهر مراد ـ تألیف ملاعبدالرزاق لاهیجی.
لباب‌الالباب ـ تألیف محمدعوفی، به‌کوشش سعید نفیسی، کتابفروشی‌ابن‌سینا.
مجمع‌الفصحا ـ تألیف رضاقلی‌خان هدایت ، به کوشش مظاهر مصفا، مؤسسهٔ امیر کبیر.
مجمل‌التواریخ والقصص ـ تألیف (؟) تصحیح ملک‌الشعراء بهار، خاور، ۱۳۱۸ شمسی.
المعجم فی معاییر اشعارالعجم ـ تألیف شمس قیس رازی، تصحیح مدرس‌رضوی، دانشگاه تهران .
مفاتیح‌العلوم ـ تألیف خوارزمی ، چاپ مصر.
نفایس الفنون و عرایس العیون ـ تالیف شمس‌الدین محمدبن محمود آملی ، تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرائی، کتابفروشی اسلامیه ، تهران.
وزن شعر فارسی ـ تألیف دکتر پرویز خانلری ، دانشگاه تهران .
هنجار گفتار ـ تألیف حاج سید نصرالله تقوی ، چاپخانهٔ مجلس ، ۱۳۱۷ شمسی ، تهران .

DATE LABEL

بها ۳۰۰ ریال